

اطلاعات

شهادت جانسوز نهمین کو کب فروزان سپهر ولایت وامت، بلندای بشکوه ایمان و آزادی، زلال جاری بخشنده گی و مهر بانی، جواد الائمه حضرت امام محمد تقی(ع) را تسلیت و تعزیت می گوئیم

رئیس جمهوری:حصول توافق، آغاز فضایی

دوستانه تر با جهان است

* ایران از توسعه و تعمیق روابط با کشورهای آمریکای لاتین استقبال می کند
* همه برای ایجاد جهانی امن تر توأم با صلح و دوستی با یکدیگر همکاری و همفکری کنیم

صفحه ۲

دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۴ - ۳۰ ذیحجه ۱۴۳۶ - ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۵ - سال نودم - شماره ۲۶۲۵۳ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

تظاهرات بزرگ مردم اروپا در حمایت از پناهجویان سوری



* مردم کشورهای انگلیس، فرانسه، آلمان، دانمارک، ایتالیا، چک، لهستان، اسلواکی، یونان، پرتغال، مجارستان، اتریش و هلند به نشانه اعلام همبستگی با پناهجویان سوری به خیابان ها آمدند
* هزاران نفر از مردم انگلیس شعار «پناهجویان سوری از بمب های مافرار کرده اند» و «پناهجویان به اینجا خوش آمدید» سر دادند
* تظاهر کنندگان دانمارکی به سیاست های کشورشان علیه پناهجویان سوری اعتراض کردند
* سخنگوی پوتین: تحمیل اراده و خواست کشورهای غربی بر سوریه غیر قابل قبول است
* روسیه: هیچ جایگزینی برای نظام اسد نیست
* مرکل: غرب با روسیه برای حل بحران سوریه همکاری کند
* آمریکا: برای انتقال سیاسی در سوریه بدون حضور اسد تلاش می کنیم
* بان کی مون: تصمیم گیری در باره آینده اسد با مردم سوریه است
* حزب کارگر استراليا: حل بحران سوریه نیازمند راهکار سیاسی با کمک ایران است
* داود او غلو: ادامه بحران سوریه به مشکل جهانی تبدیل می شود

صفحه ۱۶

شمار زائران ایرانی جانباخته حادثه مکه به ۸ نفر رسید
* حجت الاسلام والمسلمین محمدی کلیایگانی پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب را به سرپرست حجاج ایرانی ابلاغ کرد
صفحه ۱۳

در کنفرانس خبری مشترک با وزیر خارجه برزیل
ظریف: دولت آمریکا مسئول اجرای برجام است
* هرگونه اقدام کنکره برخلاف برجام باید توسط دولت آمریکا متوقف شود
* منتظر طی مراحل لازم برای اجرای برجام در کشورهای مرتبط هستیم تا آمادگی برای اجرای برجام به وجود آید
* رژیم صهیونیستی و گروهی جنگ طلب در آمریکا با هر گونه توافقی مخالف هستند چرا که منافع خود را در دگریری و خشونت در منطقه جستجو می کنند
* این دولت و دولت بعدی آمریکا موظف هستند در صورت اجرایی شدن برجام آن را اجرا کنند
* رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی: افزایش حقوق کارکنان دولت در سال آینده کمتر از ۱۰ درصد نیست
صفحه ۲

۹۰ سال انتشار مستمر

نوبت سال

ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات
ضمیمه رایگان اطلاعات امروز

اطلاعات ویژه
آذربایجان شرقی
و استان مرکزی

ضمیمه رایگان اطلاعات امروز
از ده های مطبوعاتی
در استان مربوطه بخواهید

تیراندازی
صهیونیست ها
به نمازگزاران
مسجد الاقصی
با ۱۰۰ زخمی

* نظامیان صهیونیست به صورت گسترده نمازگزاران فلسطینی را در مسجد الاقصی هدف حمله قرار دادند
* دکتر زهرامصفوی رئیس جمعیت دفاع از ملت فلسطین: حمله صهیونیست ها به مسجد الاقصی، شکستن خطوط قرمز و مقدس مسلمانان است
* همه ظرفیت های بین المللی برای مهار تندروها و جنایت اشغالگران باید به کار گرفته شود
صفحه ۲ و ۱۶



اقتصادی
ضرورت های بر نامه
ششم برای پاسخگویی
به نیاز های جامعه

صفحه ۷



نگارهای اقتصادی
بررسی نظریه باز تاب
در مثنوی

دکتر ایرج شهبازی
صفحه ۶



گزارش
بهار دانش
با سرویس ایمن
مدارس

صفحه ۵

یادواره
هزاران
صندلی خالی

۱۰ رباعی به انگیزه شهادت امام محمد تقی، حضرت جوادالائمه(ع):
پیغمبر حق تبار و حق گفتاری
رضا اسماعیلی
صفحه ۳

یادواره
هزاران
صندلی خالی

فتح الله آملی
صفحه ۲

تحلیلی از زندگانی و دوران
امام محمد تقی (ع)
تألیف دکتر فضل الله صلواتی
قطع وزیری، ۶۰۰ صفحه، چاپ سوم: ۲۵۰۰۰ تومان

... حضرت امام محمد تقی(ع) در مدت عمر کوتاه خود با سختی ها و نگرانی های بسیاری روبرو بودند.
قدرت های مسلط زمانه، دانش اندوختگان بی تقوا و جامعه آگاه همه چون سد عظیمی مانع راه این امام بزرگوار بودند و آن حضرت در چنین محیطی می خواست به وظیفه خود عمل کند و اساس حقیقت اسلام را در آن روزگار و برای نسل های بعد حفظ کند.
حضرت جوادالائمه(ع) در راه احقاق حقوق واقعی مردم بسیار تلاش نمود و برای بیداری آن کوشش فراوان کرد و در این راه از جان گذشت و در غنواون جوانی در سن ۲۵ سالگی شربت شهادت نوشید. این امام همام همچون پدران بزرگوارش در راه عقیده خود جهاد نموده و به شهادت رسید.
این اثر تحلیلی دارد بر زندگانی هر چند کوتاه ولی پر فراز و نشیب این حضرت که به قلم توانای استادی فاضل و فرهیخته به رشته تحریر در آمده است.

* فروشگاه مرکزی : تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶
* فروشگاه شماره (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۲۴
* نمایندگی های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۳۰۶
* برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۳۰۶ تماس حاصل فرمایید.
* آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: www.ketabtelalaat.com

شماره: ۰۶۹۴-ش-۶

«آگهی دعوت به ارزیابی کیفی پیمانکاران»

اداره کل راه آهن شرق در نظر دارد بنا بر آئین نامه اجرایی بندج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی پیمانکاران دارای صلاحیت جهت درج نام در دفتر ثبت نام نماید.

۱-شرح مختصر موضوع مناقصه: انجام امور تدارکات و پشتیبانی (انجام امور مربوط به نقلیه و نظافت، خدمات انبار سوخت و مخزن در ایستگاه های طیس و تربت حیدریه و سرایداری خوابگاه های طیس، تربت حیدریه، باقی و خواف)
۲-مدت و محل انجام کار: یک سال از تاریخ انعقاد قرارداد و محل انجام کار اداره کل راه آهن شرق می باشد.
۳-مهل و محل دریافت اسناد ارزیابی کیفی: حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۴/۴/۲۴ به نشانی شهرستان طیس -ایستگاه راه آهن -اداره کل راه آهن شرق -اداره تدارکات و پشتیبانی -امور قراردادها.
۴-مهل و محل تحویل اسناد تکمیل شده: حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۴/۷/۲۰ به نشانی شهرستان طیس -ایستگاه راه آهن -اداره کل راه آهن شرق -اداره تدارکات و پشتیبانی -امور قراردادها.
۵-دریافت اسناد ارزیابی: از طریق یک پناهگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس http://iets.mporgir امکان پذیر می باشد.
۶-هزینه چاپ و نشر آگهی بر عهده پیمانکار می باشد.
۷-دریافت اسناد از طریق سایت مذکور رایگان و یا در صورت تمایل می توانند مبلغ سصد هزار ریال به حساب سیبای شماره ۲۲۰۰۰۴-۲۲۰۰۰۴-۲۲۰۰۰۴ به نام مرکز جوه در آمد اداره کل راه آهن شرق نزد بانک ملی شعبه مرکزی طیس (قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران) واریز و فیش مربوطه را جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس مذکور تحویل نمایند.
پس از ارزیابی کیفی، پیمانکاران دارای صلاحیت که حداقل امتیاز (۶۵+ از ۱۰۰) لازم را کسب نموده باشند جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت خواهند شد.

شماره: ۹۴/ط/۱۶

مناقصه عمومی

شرکت آب منطقه ای اردبیل

۱ نام و نشانی کارفرما شرکت آب منطقه ای اردبیل، به نشانی اردبیل میدان ارتش

۲ موضوع مناقصه تهیه و نصب تجهیزات الکتریکی و مکانیکال تلمبه خانه های سایت های C و B

۳ محل اجرای کار استان اردبیل، شهرستان نمین

۴ مدت اجرای کار ۶ ماه شمسی

۵ مبلغ برآورد اولیه فهرست بهای خاص (سفید)

۶ رشته و گروه پیمانکار حداقل رتبه ۵ رشته آب و تأسیسات و تجهیزات

۷ مشاور شرکت مهندسین مشاور بند آب -تهران

۸ محل تهیه اسناد مهندسین مشاور بند آب -تهران خیابان ولیعصر، خیابان کاج آبادی شماره ۸۴-تلفن ۲۲۴۳۷۱۸۱

۹ مهلت تهیه اسناد حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۳

۱۰ زمان تسلیم اسناد حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۲

۱۱ محل تسلیم اسناد اردبیل، میدان ارتش، شرکت آب منطقه ای اردبیل، دفتر قراردادها

۱۲ زمان بازگشایی پاکت ها روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۳ ساعت ۱۱:۰۰ بید

ضمناً هزینه های آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.
روابط عمومی شرکت آب منطقه ای اردبیل
Website: www.arrw.ir Email: info@arrw.ir

هو الحی الذی لا یموت

بانهایت اندوه در گذشت آقای مهندس کاظم کریمی بنیان گذار شرکت ساختمانی پاریز را به اطلاع کلیه دوستان و همکاران عزیز می رساند.
جلسه بزرگداشت آن مرحوم روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۴ از ساعت ۱۶ تا ۱۷ در مسجدالرضاع واقع در میدان نیلوفر برگزار می گردد.
هیئت مدیره شرکت ساختمانی پاریز

«اطلاعیه»

متقاضیان اشتراک روزنامه اطلاعات در تهران بزرگ می توانند از طریق سایت eshtrak.ir ثبت نام کنند.
امور مشترکین روزنامه اطلاعات

وزارت راه و ترابری
راه آهن جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۰۶۹۴-ش-۶

«آگهی دعوت به ارزیابی کیفی پیمانکاران»

اداره کل راه آهن شرق در نظر دارد بنا بر آئین نامه اجرایی بندج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی پیمانکاران دارای صلاحیت جهت درج نام در دفتر ثبت نام نماید.

۱-شرح مختصر موضوع مناقصه: راهبری ایستگاه آتش نشانی در ایستگاه های راه آهن طیس و تربت حیدریه
۲-مدت و محل انجام کار: یک سال از تاریخ انعقاد قرارداد و محل انجام کار محور اداره کل راه آهن شرق می باشد.
۳-مهل و محل دریافت اسناد ارزیابی کیفی: حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۴/۴/۲۴ به نشانی شهرستان طیس -ایستگاه راه آهن -اداره کل راه آهن شرق -اداره تدارکات و پشتیبانی -امور قراردادها.
۴-مهل و محل تحویل اسناد تکمیل شده: حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۴/۷/۲۰ به نشانی شهرستان طیس -ایستگاه راه آهن -اداره کل راه آهن شرق -اداره تدارکات و پشتیبانی -امور قراردادها.
۵-دریافت اسناد ارزیابی: از طریق یک پناهگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس http://iets.mporgir امکان پذیر می باشد.
۶-هزینه چاپ و نشر آگهی بر عهده پیمانکار می باشد.
۷-دریافت اسناد از طریق سایت مذکور رایگان و یا در صورت تمایل می توانند مبلغ سصد هزار ریال به حساب سیبای شماره ۲۲۰۰۰۴-۲۲۰۰۰۴-۲۲۰۰۰۴ به نام مرکز جوه در آمد اداره کل راه آهن شرق نزد بانک ملی شعبه مرکزی طیس (قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران) واریز و فیش مربوطه را جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس مذکور تحویل نمایند.
پس از ارزیابی کیفی، پیمانکاران دارای صلاحیت که حداقل امتیاز (۶۵+ از ۱۰۰) لازم را کسب نموده باشند جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت خواهند شد.

مؤسسه نیکوکاری رعدالغدیر
www.raad-alghadir.org

وزیر معولین جسمی حرکتی

آموزش های فنی و حرفه ای، توانبخشی
کارگاه های حمایتی اشتغال و خوداشتغالی
مشاوره و دنداندیشگی

نیکوکاری را با کمک به اشتغال پایدار معلولین تجربه کنیم

شماره کارت: ۶۲۳۱۶۱۸۰۰۰۰۹۳۰
بانک پارسیان
به نام مؤسسه نیکوکاری رعدالغدیر
تلفن: ۶۶۳۰۵۳۵۲-۶۶۳۰۵۳۵۲

اتاقه و اتاق ایل راجعون

بانهایت تأثر و تأسف در گذشت مهندس کاظم کریمی بزرگ خاندان کریمی از پیشکسوتان صنعت راه سازی کشور و ساختمان سازان کشور و بنیان گذار اطلاع عموم دوستان و عزیز می رساند.
جلسه بزرگداشت آن مرحوم سه شنبه ۹۴/۶/۲۴ از ساعت ۱۶ الی ۱۷:۳۰ در مسجدالرضاع واقع در میدان نیلوفر برگزار می گردد.
خانواده های محترم: کریمی، فتورچی، صالحی راد، نظری، جیرسانی، ورمکوبان، خطیبی و سایر بستگان.

فروش واحدهای تجاری
مجمع تجاری، سینمایی و تفریحی
پردیس کبان
پصورت قهوه و قنادی
اطلاعات امروز رجوع به صفحه: ۱۰

وزارت راه و ترابری
راه آهن جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۰۶۹۴-ش-۷

«آگهی دعوت به ارزیابی کیفی پیمانکاران»

اداره کل راه آهن شرق در نظر دارد بنا بر آئین نامه اجرایی بندج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی پیمانکاران دارای صلاحیت جهت درج نام در دفتر ثبت نام نماید.

۱-شرح مختصر موضوع مناقصه: راهبری ایستگاه آتش نشانی در ایستگاه های راه آهن طیس و تربت حیدریه
۲-مدت و محل انجام کار: یک سال از تاریخ انعقاد قرارداد و محل انجام کار محور اداره کل راه آهن شرق می باشد.
۳-مهل و محل دریافت اسناد ارزیابی کیفی: حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۴/۴/۲۴ به نشانی شهرستان طیس -ایستگاه راه آهن -اداره کل راه آهن شرق -اداره تدارکات و پشتیبانی -امور قراردادها.
۴-مهل و محل تحویل اسناد تکمیل شده: حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۴/۷/۲۰ به نشانی شهرستان طیس -ایستگاه راه آهن -اداره کل راه آهن شرق -اداره تدارکات و پشتیبانی -امور قراردادها.
۵-دریافت اسناد ارزیابی: از طریق یک پناهگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس http://iets.mporgir امکان پذیر می باشد.
۶-هزینه چاپ و نشر آگهی بر عهده پیمانکار می باشد.
۷-دریافت اسناد از طریق سایت مذکور رایگان و یا در صورت تمایل می توانند مبلغ سصد هزار ریال به حساب سیبای شماره ۲۲۰۰۰۴-۲۲۰۰۰۴-۲۲۰۰۰۴ به نام مرکز جوه در آمد اداره کل راه آهن شرق نزد بانک ملی شعبه مرکزی طیس (قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران) واریز و فیش مربوطه را جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس مذکور تحویل نمایند.
پس از ارزیابی کیفی، پیمانکاران دارای صلاحیت که حداقل امتیاز (۶۵+ از ۱۰۰) لازم را کسب نموده باشند جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت خواهند شد.

مؤسسه اطلاعات در نظر دارد
تعداد محدودی تعمیر یادبود ۹۰ سالگی خود را برای آن دسته از علاقمندان که مایل به نگهداری این مجموعه هستند، به فروش رساند.
تلفن ۲۹۹۹۴۴۱۱
نمایشگاه دائمی انتشارات اطلاعات، واقع در اتوبان حقانی، ساختمان روزنامه اطلاعات، یا تلفن ۶۶۴۶۰۷۲۴ فروشگاه انتشارات اطلاعات، مقابل درب اصلی دانشگاه تهران، یا فروشگاه اینترنتی www.ketabtelalaat.com در شهرستان ها به نمایندگی های روزنامه اطلاعات مراجعه کنند.

بازگشت همه به سوی اوست

بناهیات تأثر و تأسف در گذشت مهندس کاظم کریمی بزرگ خاندان کریمی از پیشکسوتان صنعت راه سازی کشور و ساختمان سازان کشور و بنیان گذار اطلاع عموم دوستان و عزیز می رساند.
جلسه بزرگداشت آن مرحوم سه شنبه ۹۴/۶/۲۴ از ساعت ۱۶ الی ۱۷:۳۰ در مسجدالرضاع واقع در میدان نیلوفر برگزار می گردد.
خانواده های محترم: کریمی، فتورچی، صالحی راد، نظری، جیرسانی، ورمکوبان، خطیبی و سایر بستگان.

مؤسسه اطلاعات در نظر دارد
تعداد محدودی تعمیر یادبود ۹۰ سالگی خود را برای آن دسته از علاقمندان که مایل به نگهداری این مجموعه هستند، به فروش رساند.
تلفن ۲۹۹۹۴۴۱۱
نمایشگاه دائمی انتشارات اطلاعات، واقع در اتوبان حقانی، ساختمان روزنامه اطلاعات، یا تلفن ۶۶۴۶۰۷۲۴ فروشگاه انتشارات اطلاعات، مقابل درب اصلی دانشگاه تهران، یا فروشگاه اینترنتی www.ketabtelalaat.com در شهرستان ها به نمایندگی های روزنامه اطلاعات مراجعه کنند.

مؤسسه اطلاعات در نظر دارد
تعداد محدودی تعمیر یادبود ۹۰ سالگی خود را برای آن دسته از علاقمندان که مایل به نگهداری این مجموعه هستند، به فروش رساند.
تلفن ۲۹۹۹۴۴۱۱
نمایشگاه دائمی انتشارات اطلاعات، واقع در اتوبان حقانی، ساختمان روزنامه اطلاعات، یا تلفن ۶۶۴۶۰۷۲۴ فروشگاه انتشارات اطلاعات، مقابل درب اصلی دانشگاه تهران، یا فروشگاه اینترنتی www.ketabtelalaat.com در شهرستان ها به نمایندگی های روزنامه اطلاعات مراجعه کنند.

ضرورت های برنامه ششم برای پاسخگویی به نیازهای جامعه

برنامه های توسعه تدوین می شوند تا بتوانند به نیازهای توسعه ای کشور پاسخ دهند و در صورتی که برنامه ای نوشته شود، اما اهداف برنامه محقق نشود نه تنها وقت برنامه ریزان تلف شده، بلکه با هزینه منابع، باز هم گامی در جهت نادیده گرفتن حقوق مردم برداشته شده است.

به گزارش ایرنا، برنامه ریزی‌های توسعه در ایران بیش از ۶۵ سال قدمت داردبه طوری که نخستین برنامه توسعه در ایران در سال ۱۳۲۷ آغاز شد و برنامه‌های توسعه اول و دوم (۳۴ – ۱۳۲۷ و ۴۱ – ۱۳۳۲) در قالب برنامه‌های هفت ساله و از نامه سوم که در سال ۱۳۴۱ شروع شد، در قالب برنامه های پنجساله تدوین شدند.

♦ **«برنامه های توسعه باید منطبق با واقعیات اجتماعی طراحی شوند و مسئولان خود را ملزم به اجرای آن بدانند و در صورت اجرا نشدن پاسخگو باشند. در صورتی که بر برنامه ششم هم چفایی رود که بر برنامه های چهارم و پنجم توسعه رفت، رسیدن به افق ۱۴۰۴ ناممکن است**

برنامه های سوم (۴۶ – ۱۳۴۱)، چهارم(۵۱ – ۱۳۴۷)، پنجم (۵۶ – ۱۳۵۲) و ششم توسعه(۶۱ – ۱۳۵۷) از دیگر برنامه های توسعه پیش از انقلاب اسلامی بود و برنامه ششم توسعه که با اجاظ کردن آمایش سمرزین تدوین شده بود، به دلیل وقوع انقلاب اسلامی متوقف شد.اما برنامه ریزی بعد از انقلاب از سال ۱۳۶۸ دوباره در ایران سر گرفته و نخستین برنامه توسعه برای سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ در کشور در این موضوع در پیشرو مواقع محقق نشده است؛ به طوری که کارشناسان معتقدند فقط ۱۵درصد از برنامه چهارم در کشور تحقق یافت و اهداف برنامه پنجم در کشور به فراموشی سپرده شد. بسیاری از کارشناسان اعلام کرده‌اند که برنامه پنجم توسعه مبتنی بر آرزوها تنظیم شده بود، اما با واقعیات درون جامعه هماهنگی نداشت، متأسفانه این برنامه هم که در دوره دولت قبلی تهیه شده بود، به اجرا درنیامد و همه اینها در حالی بود که قرار بود از طریق برنامه های توسعه به قدرت اول منطقه در بخش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل شوم.

مقام معظم رهبری روز ۹ تیر سال جاری در حالی سیاست های کلی برنامه ششم توسعه را به رئیس جمهوری ابلاغ کردند که در آن نه تنها بر کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی و تغییر نگاه به این منابع تأکید شده بود،

نیاز برای برنامه ریزی باشد. همانگونه که این کارشناس اقتصادی توضیح می دهد، منابع و اطلاعات برای برنامه نویسی در مراتب مناسبی برای اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و توسعه اقتصاد تعاونی نداشت و برنامه پنجم هم توانسته بستر مطمئن برای ایجاد مقاومتی ایجاد کند.

با توجه به این مشکلات، بنابراین برنامه ششم توسعه علاوه بر اینکه باید هوشمند، هدفمند و منعطف و خود اصلاح باشد، باید به گونه ای تنظیم شود که اقتصاد مقاومتی محور پویایی آن باشد که البته مقام معظم رهبری بر رعایت این مسئله توجه و تأکید ویژه داشته اند.

♦ از آنجا که برنامه پنجم توسعه در تحقق رشد اقتصادی مدنظر سند چشم‌انداز بیست ساله موفق نبوده، ضروری است برنامه ششم به این امر توجه ویژه داشته باشد.

وجود همین کاستی ها بود که مقام معظم رهبری در سیاست های ابلاغی برنامه ششم با توجه به ضروریات روز جامعه، نه تنها بر تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن بلکه بر واررز ۳۰ درصدی منابع حاصل از صادرات نفت و مینعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه ملی و اضافه شدن دو واحد درصد در هر سال تأکید کرده اند.

♦ **الته ناگفته نمائد که سیاست های کلی برنامه ششم در بخش اقتصادی با در نظر گرفتن واقعیت های موجود در صحنه داخلی و خارجی تنظیم شده تا با تحقق اهداف این برنامه به ارائه الگوی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه پیشرفت که به کلی مستقل از نظام سرمایه داری جهانی، کمک کند.**

سیاست های کلی برنامه ششم توسعه دارای ابعاد و شمول سرفصل های اقتصادی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، اجتماعی، دفاعی و امنیتی، سیاست خارجی، حقوقی و قضایی، فرهنگی و علم، فناوری و نوآوری است.

محسن رئانی کارشناس اقتصادی وی تأکید می کند: یک برنامه نوین و نوگرانی که در در شرایط فعلی ما برمی خورد، بلکه برنامه باید با مشارکت گروه های اجتماعی تهیه شود.

به گفته این کارشناس اقتصادی، هم اکنون در دنیا به این نتیجه رسیده‌اند

که برنامه و توسعه یک موضوع محلی است و در مرکز صورت نمی گیرد. آنچه به عنوان کلان نام می بریم، بیشتر در استان توجیه خود را یافته و خواسته مردم استان ها است. برخی از دسوال طرح هایی را قرار می دهیم که منابع مالی آن تأمین یا نیمه تمام است؛ دفاع؛ اما بقیه کارهایی که در زمینه های

اقتصادی و اجتماعی در امور زیربنایی انجام می شود، به طور منطقی باید در استان ها شکل گرفته باشد یا به آن شکل بدهیم.

♦ **وی می افزاید:برنامه های توسعه**

♦ **«سیاست های کلی برنامه ششم در بخش اقتصادی با در نظر گرفتن واقعیت های موجود در صحنه داخلی و خارجی تنظیم شده تا با تحقق اهداف این برنامه ، به ارائه الگوی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه پیشرفت که به کلی مستقل از نظام سرمایه داری جهانی است، کمک کند**

♦ **بازیدر مردوخی مشاور اقتصادی**

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای تدوین برنامه ششم توسعه معتقد است:

برنامه ششم باید مبتی بر سه کتاب نگاشته شود که شامل اصلاح نظام تدبیر، برنامه ریزی به شکل کلاسیک و برنامه

ریزی براساس برنامه استان ها است.

وی تأکید می کند: یک برنامه نوین و نوگرانی که در در شرایط فعلی ما برمی خورد، بلکه برنامه باید با مشارکت گروه های اجتماعی تهیه شود.

به گفته این کارشناس اقتصادی، هم اکنون در دنیا به این نتیجه رسیده‌اند

ابتدا به پروژه هایی پرداخته شود که شدنی باشند و اگر شرایط، مطلوب بود، اجرای آن برنامه پنج ساله مشکلی نخواهد داشت و فقط تعداد طرح ها را بیشتر خواهیم کرد. در واقع در این دسوال طرح هایی را قرار می دهیم که منابع مالی آن تأمین یا نیمه تمام است؛ دولت تدبیر و امید کارشناسی است، باید

می کند، رشد حاصل می شود، منبع دیگر که دارای اهمیت بسیار زیادی است، بهره وری است که باید جدی گرفته شود.

♦ **مسلم است برنامه ششم توسعه**

در حال تدوین است، از سویی دولتی بر سر کار آمده که اقتصادی بهم ریخته را از دولت قبلی تحویل گرفته و نه تنها باید سالیهای گذشته را جبران کند، بلکه باید گام های اساسی در جهت بهبود وضع معاش مردم بردارد. همچنین از سوی دیگر اجرای برنامه نیاز به منابع مالی دارد و در شرایط کنونی دولت

تدبیر و امید نه تنها منابع قابل توجهی در اختیار ندارد، بلکه هر روز توان اندک کارای دارد، باید از منابع اندکی که حاصل می کند، گذشت یا بردارد.

♦ **مردوخی معتقد است:**

مسلم است برنامه ششم توسعه در جهت طلبانه است. فکر می کنم اگر حرف های زیبا در متن قانون زمیم، حتما یک دنیای ایده آل می سازیم. سپس باید برنامه هایی را بگنجانیم که معاش روشن باشد و خیلی ارزشی نباشد که توانیم اندازه گیری کنیم، و در نهایت مشاور اقتصادی وزیر کار با این پرسش که نباید تجارب ناموفق گذشته در خصوص برنامه های توسعه تکرار شوند، می گوید: نباید دوباره صدها هزار نفر وقت بارزش خود را در سطوح بالای مدیریتی صرف تهیه و تنظیم برنامه کند و در آخر حتی ۲۰ درصد آن هم اجرا نشود یا وجود این وضعیت این است.وی توضیح می‌دهد: باید دید برنامه در چه شرایطی می‌تواند موفق باشد. اول اینکه در انطباق با شرایط کشور و دستگاه های مقننه و قضائیه و مجریه باشد. دوم اینکه یک نظام توانمند داشته باشیم و هرکسی درجای خودش تعهد داشته باشد. اگر تعهد نباشد، سه زمین طوم می ماند؛ همانگونه که این سال ها اراده بود.

♦ **در انتظار اجرای اهداف برنامه بود.** اما جای هیچ شک و شبهه ای نیست که شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور متفاوت از هشت سال گذشته است. به رشد منفی اقتصادی، نرخ بیکاری بالا، نرخ تورم ۴۰درصدی، کاهش سرمایه گذاری و فسادهای مالی وریو بود، است.مردوخی در خصوص رشد هشت درصدی برنامه ششم توسعه بیان می دارد: این هشت درصد بخشی برای جبران همین عقب ماندگی است؛ والا این رشد به خودی خود بسیار بالاست.

♦ **ما در سال هایی که گذشت، رشد مثبت داشتیم و اکنون رشد ۲ و سه درصد داریم، اکنون که صحبت از رشد هشت درصدی می شود، معنایش این است که جبران عقب ماندگی های سال های گذشته را بکنیم و بهره وری را بالا ببریم و سرمایه گذاری را به شدت افزایش دهیم تا رشد نه درصد تحقق یابد تا آن پنج سال آخر مانده به اتمام سند چشم انداز فقط ۱۵درصد از کار باقی مانده باشد.**

♦ **به هرحال برنامه ششم توسعه در بخش هایی که ارزش افزوده ایجاد**

شرایط متفاوتی نسبت به سالیهای گذشته در حال تدوین است، از سویی دولتی بر سر کار آمده که اقتصادی بهم ریخته را از دولت قبلی تحویل گرفته و نه تنها باید سالیهای گذشته را جبران کند، بلکه باید گام های اساسی در جهت بهبود وضع معاش مردم بردارد. همچنین از سوی دیگر اجرای برنامه نیاز به منابع مالی دارد و در شرایط کنونی دولت تدبیر و امید نه تنها منابع قابل توجهی در اختیار ندارد، بلکه هر روز توان اندک کارای دارد، باید از منابع اندکی که حاصل می کند، گذشت یا بردارد.

♦ **مردوخی معتقد است:**

مسلم است برنامه ششم توسعه

در جهت طلبانه است. فکر می کنم اگر حرف های زیبا در متن قانون زمیم، حتما یک دنیای ایده آل می سازیم.

♦ **پسین باید برنامه هایی را بگنجانیم که**

معاش روشن باشد و خیلی ارزشی نباشد که توانیم اندازه گیری کنیم، و

در نهایت مشاور اقتصادی وزیر کار با این پرسش که نباید تجارب ناموفق

گذشته در خصوص برنامه های توسعه تکرار شوند، می گوید: نباید دوباره

صدها هزار نفر وقت بارزش خود را در سطوح بالای مدیریتی صرف تهیه

و تنظیم برنامه کند و در آخر حتی ۲۰ درصد آن هم اجرا نشود یا وجود این

وضعیت این است.وی توضیح می‌دهد: باید دید برنامه در چه شرایطی می‌تواند

موفق باشد. اول اینکه در انطباق با شرایط کشور و دستگاه های مقننه و قضائیه و مجریه باشد. دوم اینکه یک

نظام توانمند داشته باشیم و هرکسی درجای خودش تعهد داشته باشد. اگر

تعهد نباشد، سه زمین طوم می ماند؛ همانگونه که این سال ها اراده بود.

♦ **در انتظار اجرای اهداف برنامه بود.** اما جای هیچ شک و شبهه ای نیست که شرایط اقتصادی و اجتماعی

کشور متفاوت از هشت سال گذشته است. به رشد منفی اقتصادی، نرخ بیکاری بالا، نرخ تورم ۴۰درصدی، کاهش سرمایه گذاری و فسادهای مالی وریو

بود، است.مردوخی در خصوص رشد هشت درصدی برنامه ششم توسعه بیان می دارد: این هشت درصد بخشی برای جبران همین عقب ماندگی است؛ والا

این رشد به خودی خود بسیار بالاست.

♦ **ما در سال هایی که گذشت، رشد مثبت داشتیم و اکنون رشد ۲ و سه درصد داریم، اکنون که صحبت از رشد هشت**

درصدی می شود، معنایش این است که جبران عقب ماندگی های سال های

گذشته را بکنیم و بهره وری را بالا ببریم و سرمایه گذاری را به شدت افزایش دهیم تا رشد نه درصد تحقق یابد تا آن پنج سال آخر مانده به اتمام سند

چشم انداز فقط ۱۵درصد از کار باقی مانده باشد.

♦ **به هرحال برنامه ششم توسعه در بخش هایی که ارزش افزوده ایجاد**

اینکه خودروسازان در زمانی که باید به فکر توسعه محصول و کیفیت آن بودند، کوتاهی کردند، حرف صحیحی است، ولی خودروسازان ایران را با کجا و با چه مقایسه ای می‌کنیم یا خودروسازان اروپا و آمریکا؟ چرا خودرو سازی را با وضعیت ترافیک، خدمات ادراات دولتی، خدمات پزشکی، وضعیت پارک‌ها، تیم‌های ورزشی و ... مقایسه نمی‌کنیم؟ آیا نباید همه مسائل را در شرایط داخلی و واقعی مملکت بررسی کنیم؟ به یقین خودروسازی ایران مثل خیلی از مسایل کشور مشکلائی دارد و حتما باید در جهت بهبود آنها حرکت کنیم؟ ولی آیا همین مقدار فعلی را باید نایود کنیم؟

♦ **چه کسانی از نابودی خودروسازان داخلی سود می‌برند؟**

♦ **آیا جزر دلالان وارندکنده خودروه‌ای خارجی**

مخصوصا چینی که به شدت ذنبال بازار ایران هستند

و از نظر محدوده قیمتی خودرو رقیب خودروه‌ای داخلی محسوب می‌شوند؟

♦ **در چند بند این مسائل را به صورت اجمالی**

بررسی می‌کنیم:

♦ **اهمیت صنعت خودرو در حدی است که**

آمریکا برای فشار آوردن به ایران صنعت خودرو را تحریم کرد، پس مشخص است که این صنعت جزو

نقاط قوت کشور ما است. پس تحریم مجلد این

صنعت از داخل کشور نوعی همسویی با تحریم‌هایی

است که با تلاش فراوان به دنبال رفع آن بودیم.

♦ **با توجه به جمعیت جوان کشور، اشتغال یکی**

از دغدغه‌های اصلی مردم و مسئولان ماست در حالی

که در صنعت خودرو بیش از ۳ میلیون نفر مستقیم

و غیرمستقیم فعالیت دارند، یعنی ۳ میلیون خانواده،

آیا تعطیلی این صنعت به نفع اشتغال است. اگر این

کارگران بیکار شوند، فقط هزینه‌ای که باید برای بیمه

بیکاری پرداخت شود، سالانه به حدود چند ده هزار

میلیارد تومان از سوی تأمین اجتماعی می‌رسد. یعنی

ملیغسی در حدود هزینه بارانه‌ای که دولت هنوز از

پس آن برنیامده و به دنبال حذف آلودهت‌ا اما غیر از

مسائل مالی با افزایش بیکاری، جرم و جنایت، فساد

و جامعه‌ها مسا را ناام می‌کند و فرزندان ما باید در

جامعه‌ای ناسالمتر زندگی کنند.

♦ **در حال حاضر پراید حدود ۲۰ میلیون تومان**

است که با دلار ۳۳۰۰ تومانی حدود ۶۰۰۰ دلار

می‌شود در اینجا دو موضوع مهم است: اولاً فروش

خودرو با همین قیمت دلاری در خارج کشور انجام

می‌شود، پس شایعه فروش خودرو با قیمت‌های

نازل در سایر کشورها صحت ندارد. دوما ارزانترین

خودرویی که در این حدود می‌توان خرید حداقل

۸۰۰۰ دلار است که با دلار ۳۳۰۰ تومانی حدود

۲۶ میلیون تومان می‌شود که با هزینه حمل و غیره

بسا فرض حذف تعرفه گمرکی بیش از ۳۰ میلیون می‌شود. پس به فرض باز شدن مرز و بدون گمرکی، باز هم نمی‌شود خودرویی کمتر از ۳۰ میلیون که در حد پراید سه سیلندر و ۸۰۰۰ حجه موتور دارد را خرید.

♦ **برای امنیت، شاخص‌های شناخته شده ای**

در عرصه جهانی وجود دارد برای مثال ۵ حلقه

لانستیک که به راحتی می‌توانید در بازار قیمت کنید،

متوسط حدود ۵۰۰ هزار تومان است باز هم می‌دانیم

در استاندارد خودروسازان جهانی در کلاس خودرو

سدان معمولی لانستیک ۲ درصد کل خودرو است،

پس قیمت کل خودرو حدود ۲۵ میلیون تومان

می‌شود. پس ملاحظه می‌شود قیمت فعلی خودروها

غیرمعمول نیست.

♦ **در ده سال ۹۱ با به توجه افزایش قیمت‌ها،**

بسیار مثال فولاد مبارکه برخی مواد اولیه خودرو از

جمله ورق آهن را ۱۰۰۰۰ تومان به ۲۵۰۰ تومان،

آلومینیوم از ۳۰۰۰ تومانب به ۹۰۰۰ تومان، حدود

پزشکشیی از ۲۰۰۰ تومان به ۶۰۰۰ تومان و...

♦ **افزایش داده، همچنین قیمت دلار از ۹۰۰ تومان**

به ۳۰۰۰ تومان رسیده است؛ این در حالی است که

قیمت خودرو پراید از ۱۰ میلیون به ۲۰ میلیون

تومان افزایش یافته است.

♦ **در قیمت فروش هر خودرو ۹ درصد ارزش**

افزوده و بیمه حدود تالت محاسبه می‌شود، یعنی در

هسر پراید حدود دو نیم میلیون تومان و همچنین

با توجه به سه برابر شدن یکباره قیمت های مواد

اولیه خودرو در سال ۹۱ که باعث کمبود نقدینگی

شدید و ششد موجب دریافت وام‌های سنگین از حق

سیستم بانکی شد که هزینه بهره بالای وام‌ها باعث

شده سهم هر خودرو از بهره حدود ۳ میلیون تومان

می‌شود در واقع حدود ۵/۵ میلیون تومان از هر

خودرو ارتباطی به خودروسازان ندارد و خصوصا با

همکاری و مساعدت دولت و توافق با بانک‌های توان

قیمت را کاهش داد.

♦ **اما در پایان یادآور می‌شود که خودروسازان**

باید در خصوص محصول، کیفیت و خدمات

پس از فروش وضعیت خود را بهبود دهند که مردم

ما حق استفاده از بهرین‌ها را دارند و انتظارات به حق

مردم باید پاسخخ داده شود و در مقابل مردم ما هم

ثابت کرده‌اند که بازی دلالان و وارندکنگان سودجو

را که به شد به دنبال ضربه زدن به صنعت این کشور

بیکاری جوانان ما هستند. خواهند خورد و اجازه

نمی‌دهند، صنعت این کشور توسط این سوداگران که

برای منافع شخصی خود از هر کاری، چه کمبین چه

تبلیغات منفی فرودگار نیستند و بسیار هم در این راه

هزینه می‌کنند، نابود شود.

♦ **مهرداد معلمان کارشناس صنعت خودرو**



♦ **«آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده»** بدینوسیله از صاحبان محترم سهام شرکت بخش تدبیر داروی تاناب به شماره ثبت ۵۸۰۷۸۰ (سهامی خاص) دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که روز شنبه مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۴ ساعت ۱۶ در آدرس: تهران - خیابان شهر آر، کوچه شهید کابلی، پلاک ۲۶، واحد ۴ تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

♦ **دستور جلسه:**

۱- استماع گزارش بازرس قانونی و حسابرس شرکت.

۲- استماع گزارش عملکرد و فعالیت هیئت مدیره برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۱۲/۲۹.

۳- بررسی و تصویب گزارش هیئت مدیره و بازرس.

۴- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی.

۵- تعیین روزنامه کثیرالانتشار.

۶- تعیین خط مشی آتی شرکت.

۷- اتخاذ هر گونه تصمیم که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

♦ **هیئت مدیره شرکت کبریت ستاره ممتاز**

♦ **«فرخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای ۱۸-۹۴» پروژه احداث، نگهداری و عملیات لوله گذاری فضای سبز در شهرک صنعتی شمس آباد نوبت دوم** شرکت شهرکهای صنعتی تهران در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات (پروژه احداث، نگهداری و عملیات لوله گذاری فضای سبز در شهرک صنعتی شمس آباد) به شماره (۲۱-۵۱۰۰۰۲۱-۲۰) را از طریق سامانه درآرکات الکترونیکی دولت به پیمانکار واجد صلاحیت و دارای گواهینامه صلاحیت پایه ۱- رسته کشاورزی از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری واکنز نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از ارائه اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه کارن و بازگشایی پاکتاها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سئانه) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است متقاضیان گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت کوهی اضافی الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه، متق سازند.

♦ **مبلغ برآورد اولیه براساس فهرست بها سال ۹۴:** ۷۲۱۳/۹۴ (هفتاد و دو میلیون و نهصد و هشتاد و یک هزار و سیصد و هشتاد و یک تومان)

♦ **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۱۰۰ (صد میلیون ریال)

♦ **مبلغ برپروژه:** یک کیلومتر ۱۰۰۰ (صد هزار و بیست و یک میلیون و سیصد و هشتاد و یک تومان)

♦ **تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاناب:** ۹۴/۹/۲۱ ساعت ۱۶ تاریخ ۹۴/۹/۲۱

♦ **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه:** ساعت ۱۶ تاریخ ۹۴/۹/۲۱

♦ **زمان بازگشایی پاکتاها:** ساعت ۱۶ تاریخ ۹۴/۹/۲۱

♦ **محل گشایی پیشنهادها:** دفتر معاونت عمران و محیط زیست شرکت شهرکهای صنعتی تهران

♦ **اطلاعات تماس:** دستگاه ستاد مناقصه کارکاز جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه کپی (الف): تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۶۹۱۰۲۱

شاید محلی: پلاک ۲، معاونت عمران و محیط زیست و تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۶۹۱۰۲۱

♦ **www.tehranec.ir** و پایگاه ملی اطلاع رسانی: <http://ajr.tehranec.ir>

♦ **اطلاعات:** تماس سامانه ستاد مناقصه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه مرکز تاناب: ۰۲۱-۲۷۲۱۳۱۲۱ دفتر ثبت نام: ۰۲۱-۹۴۹۶۹۷۷۷

♦ **شرکت شهرکهای صنعتی تهران**

شرکت سرمایه گذاری نیک صنعت پارسین (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی (دوم مرحله ای)

مربوط به طراحی ، تأمین ، نصب و راه اندازی پالایشگاه قیر (Topping Plant) قسم از نفت خام فوق سنگین

شرکت نیک صنعت پارسیان در نظر دارد، موضوع مناقصه فوق الذکر را با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی (دو مرحله ای) به شرکت های پیمانکار دارای گواهینامه صلاحیت معتبر طرح و ساخت نوع ۱ رشته نفت و گاز و یا مشارکت- پیمانکار دارای گواهینامه معتبر رتبه ۱ رشته نفت و گاز و مهندسی مشاور دارای گواهینامه صلاحیت معتبر پایه ۱ گروه نفت و گاز از سازمان مدیریت و برنام‌ه ریزی کشور واگذار نماید.

الف) شرح مختصر کار	طراحی، تأمین، نصب و راه اندازی واحد تاپینگ پلنت در جزیره قشم به صورت EPCC
ب) محل اجرای کار	جزیره قشم
ج) شرایط و مدارک مورد نیاز جهت شرکت در مناقصه (الزامی می باشد)	
۱- داشتن شخصیت حقوقی و ارائه مدارک ثبت شرکت شامل: آگهی روزنامه رسمی ، اساسنامه ، آخرین تغییرات ، کد اقتصادی و شناسه ملی شرکت ، نشانی دقیق پستی ، تلفن ثابت و نمابر(فکس)	
۲- داشتن مدارک و سوابق لازم درخصوص انجام حداقل یک کار مشابه با موضوع مناقصه	
۳- داشتن امکانات ، ماشین آلات ، نیروی متخصص و ارائه فهرست ماشین آلات و سوابق کارکنان شرکت	
۴- داشتن تجربه کافی و ارائه نمونه قراردادهای مرتبط با موضوع مناقصه و تأییدیه های لازم و مدارکی که نشانگر حسن سابقه در کارهای قبلی باشد.	
۵- داشتن صورت های مالی حسابرسی شده منتهی به سال مالی ۱۳۹۳ و ارائه مدارک جهت ارزیابی توان مالی (ارائه صورت های مالی حسابرسی شده به صورت فایل های PDF و بر روی CD جداگانه الزامی می باشد)	
۶- در صورت داشتن همکار خارجی، ارائه سوابق کاری مشابه و همچنین ارائه موافقتنامه فی ما بین الزامی می باشد	
د) مهلت و محل مراجعه متقاضیان	

متقاضیان واجد شرایط مذکور در بند " ج " که آمادگی اجرای پروژه را دارند، می توانند حداکثر تا پایان وقت اداری روز ۱۳۹۴/۶/۳۰ ضمن ارائه درخواست کتبی ، به همراه مدارک فوق به صورت فایل های PDF بر روی CD (حداکثر ۲۰ مگابایت) به بخش حقوقی و قراردادهای شرکت نیک صنعت پارسیان به نشانی : تهران ، بلوار نلسون ماندلا، بالاتر از چهار راه جهان کودک ، خیابان پدیدار، پلاک ۲۳، طبقه دوم مراجعه نمایند.

ضمناً صورت های مالی حسابرسی شده می بایست به صورت فایل های PDF و بر روی CD جداگانه (حداکثر ۳ مگابایت) ارائه گردد ، به درخواست هایی که بعد از تاریخ مذکور تحویل گردد ، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

بدیهی است این شرکت پس از بررسی اسناد و مدارک واصله و ارزیابی کیفی مناقصه گران در چارچوب ضوابط و مقررات داخلی خود ، از کلیه مناقصه گران واجد شرایط به منظور

بزگداشت سالگرد شهادت آیت‌الله مدنی



آیت‌الله محمد بهابادی، روحانی برجسته و یکی از مراجع تقلید شیعه

آیت‌الله محمد بهابادی، روحانی برجسته و یکی از مراجع تقلید شیعه

وی افزود: ضرورت توجه به نقش شهید مدنی در صحنه‌های دوران انقلاب در همدان ایجاب می‌کند که یادگارهای ایشان به نحو مطلوب حفظ و از آنها بهره‌برداری نشود که در همین راستا پارسل بیت شهید بازسازی شد.

او یادآور شد: بیت و کانون شهید مدنی باید همیشه حفظ و بعضی مراسم و جلسات مهم استان در این مکان برگزار شود. استاندار همدان اظهار داشت: در همین راستا، قرار است آلمان شهید آیت‌الله مدنی نیز در همدان ساخته شود که برای انجام این کار یک و نیم میلیارد ریال اعتبار اختصاص می‌یابد و البته این پروژه باید تا پایان اسمال جمعه همدان نیز در این مراسم با اشاره به فعالیت‌های انقلابی آیت‌الله مدنی در تمام دوران مبارزه، گفت: شهید مدنی در شرایط بسیار استثنایی پیش از پیروزی انقلاب با وجود تهدیداتی چون زندان و شکنجه و تبعید هیچگاه دست از مبارزه برنداشت و سرانجام در این راه به شهادت رسید. وی افزود: انسانهایی مانند آیت‌الله مدنی چنان عطر و رنگ و بوی خدایی می‌گیرند که تمام سخنان و رفتار و نیت و حرکاتشان خدایی می‌شود و به یک الگو تبدیل می‌شوند.

وی ادامه داد: لازم است تا قلم به دستان آگاه و منصف، شخصیت والای این شهید بزرگوار را توصیف کنند و هنرمندان نیز در این رابطه فیلم بسازند تا به نسل آینده معرفی شوند. وی تأکید کرد: بیت شهید مدنی حال و هوایی روحانی دارد و بهتر است به یک مرکز فرهنگی برای درس و بحث تبدیل شود. همچنین ناصر عارف رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران استان همدان اعلام کرد: پارسل بیت شهید آیت‌الله مدنی در همدان با صرف بیش از یک میلیارد ریال بازسازی شد.

وی افزود: بیت شهید مدنی در زمان مبارزه، به مرکز فعالیت انقلابیون همدان تبدیل شده بود و اکنون نیز با همان رویه باید حفظ شود.

ساخت فیلم سردار شهید محمدعلی شاهرادی در لنجان کلید خورد

زیرین شهر – خبرنگار اطلاعات: در جلسه‌ای با حضور فیلم‌نامه‌نویسان و هم‌زمان سردار شهیدمحمدعلی شاهرادی به‌مؤسسه فرهنگی روائین فتح لنجان، ساخت فیلم سردار شهید محمدعلی شاهرادی کلید خورددر این نشست محسن عزیزاللهی از هم‌زمان شهید گفت: زندگی شهید شاهرادی با فراز و نشیب‌های بسیاری روبه‌رو بود که هر مقطع از زندگی این شهید بزرگوار می‌تواند به نوبه خود سرمشق برای همگان باشدوی افزود:

روحیه هنرمندی و علاقه ایشان به ورزش و هنر، جایگاه بسزایی در زندگی این ابراهام داشتد و حتی قبل از شهادت در چند فیلم ایفای نقش کرده بودعزیزاللهی شجاعت را از ویژگی‌های شاخص شهید شاهرادی دانست و تأکید کرد: در عملیات‌هایی که در کنار این شهید و اولادهم بود همواره شجاعت و بی‌باکی در رفتار این شهید موج می‌زد و به همین خاطر بود که مسئولان جنگ با شناخت از استعدادها و نبوغ رزمی، او مسئولیت‌های خطیری را بر عهده وی می‌گذاشتند.

همرم شهید بیان کرد: قرار بود شهید شاهرادی بعد از عملیات خیر به عنوان فرمانده تیپ کفر بنی‌هاشم(ع) معرفی شود که چندین بار توسط محسن رضایی (فرمانده وقت سپاه) پیشنهاد داده شد، که در جواب شهید شاهرادی گفت: من نمی‌خواهم این ارتباطی که بین من و نیروهایم هست از بین برود و دوست دارم در کنار همین بچه‌ها باشم. در ادامه نشست گروه فیلم‌نامه‌نویسی به همراه هم‌زمان شهید به زیارت مزار سردار شهید محمدعلی شاهرادی رفتند و با آرم‌های این شهید و اولادهم تجدید پیمان کردند.

گیت‌گاه آن پیر

بازسازی واقعه غدیر در ۵ شهرستان یزد

یزد- خبرنگار اطلاعات: واقعه غدیر در ۵ شهرستان یزد بازسازی می‌شود.

این مطلب را سردار اکبر فتوحی فرمانده سپاه العذیر استان یزد در نشست هماهنگی برنامه‌های بازسازی واقعه غدیرخم در یزد، که در دفتر نماینده ولی‌فقیه در استان برگزار شد، با اشاره به اهمیت بیان دقیق واقعه غدیر به نسل جوان، افزود: در این حرکت عظیم سعی می‌شود تمام آنچه در صدر اسلام و در روز غدیر انجام شد را طبق احادیث، روایات و کتب معتبر بازخوانی شود.

او افزود: اسمال ۵ شهرستان ابرکوه، اردکان، اشکذر، میبد و یزد داوطلب اجرای این پروژه شدند و واقعه غدیر را بازسازی می‌کنند. فتوحی ادامه داد: پارسل میزبانی استان یزد به‌خوبی انجام شد و از مراحل اجرای این پروژه به‌خوبی مستندسازی و بخش انجام گرفت.

پیشگامان، قهرمان واترپلو نوجوانان کشور شد

تیم واترپلو ۱۳ و ۱۴ سال پیشگامان، قهرمان مسابقات قهرمانی کشور واترپلو شد.

در فینال رقابت‌های قهرمانی کشور واترپلو یادواره شهدای غواص و خشت‌شکان دریادل زنجان، تیم واترپلو پیشگامان با نتیجه ۱۰ بر ۶ بر ۹ تیم تهران پیروز شد و مقتدرانه بر سکوی قهرمانی این مسابقات قرار گرفت.

پیشگامانی‌ها در این رقابت‌ها به ۵ پیروزی و بدون شکست فاتح سکوی قهرمانی شدند.

محمدزادفولادی، دانیال قاسمی،علی میرحسینی،مسعود سلمانی،محمدسینا میرشمسی،محمد صادق نوری،سید علی اکبر صفری،مقدم‌امید خسروپوریا فاتحی‌سیه محمد سجاد میرشمسی و محمدصادق‌امیر واترپلو با سن ۱۳ و ۱۴ سال پیشگامانی هستند که به مربیگری علی باغستانی در این رقابت‌ها حضور یافتند.

پرداخت ۴میلیارد و ۵۰۰میلیون ریال تسهیلات اشتغال‌زایی به مددجویان مهریزی

۴۰۰میلیارد و ۵۰۰میلیون ریال تسهیلات اشتغال‌زایی در ۵ماه اسمال به مددجویان مهریزی اعطا شد.

سید مهدی حسینی مبارک مدیر کمیته امداد امام خمینی(ره) شهرستان مهریز با بیان این مطلب افزود: حل مشکل اشتغال مددجویان و بالا بردن سطح درآمد خانواده های نیازمند بهترین خدمت به جامعه برای از بین بردن فقر و ارتقای امنیت و آرامش برای تمام قشرهای مردم است.

او گفت: این تسهیلات برای اجرای طرح های مختلفی از جمله کشاورزی، دامپروری، صنفی و صنعتی، خدمات، قالیبافی به مددجویان کشتهای صایع عسکری در اختیار قرار گرفته است. وی اظهار داشت: در اسیمن مدت ۱۳مورد ثبت تبدیل (تسهیل‌افزایی به خودکفایی) با هزینه‌ای افزون بر ۲ میلیارد و ۷۸۵ میلیون ریال اجرایی شده است.

پرداخت ۱۶میلیارد ریال زکات در یزد

تیکوکاران شهرستان یزد بیش از ۱۶میلیارد ریال زکات پرداخت کردند.محمدرضا کوبک مدیرکمیته امداد امام خمینی(ره) شهرستان یزد با بیان این مطلب افزود: اگر به احکام اقتصادی اسلام در زمینه زکات توجه کنیم و به آن عمل کنیم آثار مثبت آن در زندگی ما آشکار می‌شود.وی اظهار داشت: آخرین یزدی در ۱۶ اسمال ۱میلیارد ریال زکات پرداخت کردند.

کوبک گفت: این میزان زکات جمع آوری شده برای اجرای طرح‌های عمرانی شامل ساخت، توسعه و مرمت مساجد و حسینیه‌ها، مدارس و خانه عالم در مناطق محروم هزینه می‌شود.

احیای زیلوفانی در میبد پس از ۱۰۰سال

۱۰۰ سال، زیلوفانی طبیعی در شهرستان میبد جانی تازه گرفت.

محمدرضا دهقان مهرجری معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد با بیان این مطلب افزود: بافت زیلو با الیاف درصرد طبیعی و خالص (پنبه) و رنگ‌های گاهی به تازگی در میبد آغاز شده است.وی گفت: هنرمند پیشکسوت، کاظم دهقانی با مدیریت طاهره کشت‌کار در حال بافت یک زیلوی نفیس طبیعی است.

دهقان ادامه داد: این زیلوی نفیس در کارگاه زیلوفانی واقع در کاروانسرای تاریخی شاه عباسی میبد در حال بافت است.

ارومیه- خبرنگار اطلاعات: جشنواره انگور با هدف تبیین نقش انگور در اقتصاد، کشاورزی، گردشگری، صنعت و کارآفرینی چهارشنبه این هفته در ارومیه افتتاح می‌شود.

محمدحضرپتورشهردارارومیه در آستانه برگزاری سومین جشنواره انگور که قرار است دردهکده ساحلی چی‌چست برگزار شود، در گفتگو با خبرنگاران به ظرفیت‌های مختلف شهر ارومیه برای جذب گردشگر و ارائه فرهنگ ناب آذربایجانی، جشنواره انگور را نمادی لایق برای باغ شهر ارومیه دانست که فرصتی برای معرفی آداب و رسوم باستانی مردم ارومیه در مراحل برداشت و استحصال فراورده‌های انگور و معرفی توانمندی‌های استان در بخش گردشگری و جاذبه‌های طبیعی برای جذب و پذیرایی از مسافران داخلی و خارجی است.

او همچنین از تشکیل کارگروه انگورهای سومین جشنواره انگور در سال ۱۳۹۴ و تقسیم وظایف میان اعضای کارگروه در قالب ۵ سازمان شهرداری خیرداد و گفت: سامان‌های میادین میوه و ترهبار، پسماند شهری، ترافیک، پارکها و فضای سبز و سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری ارومیه عضو کارگروه جشنواره هستند و هر یک در یکی از ۵ روز همایش طرحی ویژه ارائه خواهند کرد. وی ادامه داد: آماده‌سازی و اعزام مائین‌آلات سنگین مورد نیاز، تجهیز و اراکداری غرفه‌ها، طراحی و چاپ بروشورهای مخصوص اطلاعات عمومی و خواص فیزیولوژی انگور،

هماهنگی جهت دعوت از شرکت کنندگان محترم، تهیه نقشه راهنمای جشنواره و ارائه آن به بازدیدکنندگان از وظایف کارگروه اجرایی جشنواره است.



او همچنین در پاسخ به علت انتخاب دهکده توریستی چی‌چست برای اجرای جشنواره اظهار داشت: دهکده ساحلی توریستی چی‌چست از همه لحاظ مناسب برای اجرای جشنواره بود. فضای مناسب و کافی برای پیاده سازی ملزومات و کافی ارکان جشنواره، آب و دهب

او همچنین در پاسخ به علت انتخاب دهکده توریستی چی‌چست برای جشنواره بود که بررسی نقشه های هوایی دهکده دهکده ساحلی توریستی چی‌چست در هم لحاظ مناسب برای اجرای جشنواره بود. فضای مناسب و کافی برای پیاده سازی ملزومات و کافی ارکان جشنواره، آب و دهب

نیروگاه‌های استان خوزستان ۱۴۸۲۰ گیگاوات ساعت برق تولید کردند

اهواز – خبرنگار اطلاعات: سرپرست معاونت برنامه‌ریزی و تحقیقات شرکت منطقه‌ای خوزستان گفت: تولید برق کل استان در ۵ ماه اسمال برابر ۱۳۸۲۰ گیگاوات ساعت بوده که نسبت به مدت مشابه پارسال ۷/۵ درصد افزایش داشته است.

مهراد بلادی موسوی افزود: سهم نیروگاه‌های برق آبی از ابتدای اسمال تا پایان مرداد برابر ۳۸ درصد و نیروگاه‌های حرارتی ۶۲ درصد کل انرژی تولیدی بوده که نیروگاه‌های حرارتی نسبت به مدت مشابه پارسال ۲۱ درصد افزایش داشته‌اند.

بلادی گفت: نیروگاه‌های حرارتی و گازی استان شامل رامین، زرگان، آبادان، خرمشهر و فجر هستند که در ۵ ماه اسمال ۹۲۱۳ گیگاوات ساعت تولید داشته‌اند که از این میزان ۵۴ درصد توسط بخش دولتی (نیروگاه رامین) و ۴۸ درصد توسط نیروگاه‌های بخش خصوصی تولید و به شبکه تحویل شده است.

وی افزود: نیروگاه‌های حرارتی و گازی استان در این دوره به‌طور متوسط در هر روز بیش از ۵۹ گیگاوات ساعت برق تولید و به شبکه تحویل داده‌اند.

سرپرست معاونت برنامه‌ریزی و تحقیقات شرکت برق منطقه‌ای خوزستان گفت: حداکثر بار مراد و همچنین ۵ ماه اسمال برابر ۷۵۲۱ مگاوات بوده که نسبت به مدت مشابه در سال قبل (۶۱ درصد افزایش داشته است. وی افزود: انرژی مصرفی در مدت فوق‌الذکر برابر ۱۸۷۵۶ گیگاوات ساعت بوده است که نشان‌دهنده حدود ۳۴ درصد رشد مصرف انرژی است.بلادی با قدردانی از مردم شهیدپرو استان خوزستان بابت همکاری در مدیریت مصرف انرژی الکتریکی در طی سالیان اخیر تأکید و دعوت به مشارکت بیشتر در تابستان اسمال گفت: برای تأمین انرژی الکتریکی مطمئن مشترکان و تأمین رفاه عمومی ضروری است استفاده بهینه از انرژی الکتریکی در قشرهای جامعه به‌طور جدی مدنظر قرار گیرد.

گیت‌گاه آن پیر

جمعی از تجار و بازرگانان عراقی به سرپرستی زاهدان مذاکرات بازرگانی بابل و دیوانه عراق از صنایع تولیدی استان ایلام در زمینه فعالیت این واحا اشاره به رفعت فعالیت این گروه تجاری گفت: این هیات ۱۰ نفره در یخ بخش صنایع غذایی و مصنوعات ساختمانی فعال هستند. وی ادامه داد: قرار بر این است به نحوی درست و مناسب ظرفیت‌های این یود بخش به آنها معرفی شودبنابراین بازدید از کارخانه‌های فعال در زمینه فراورده‌های لبنی، محصولات غذایی، آب معدنی و نوشیدنی‌های گازدار، فراوری و بسته‌بندی گوشت قرمز و سفید و همچنین ظرفیت و قابلیت‌های تولید سیمان ایلام، انواع میلگرد، فیکس‌های سیمانی و مصنوعات بتونی کبک انجام شد.

ایلام – خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان ایلام گفت: تمایل تاجار و بازرگانان عراقی برای انجام مراودات تجاری از مرز مهران بیشتر شده است. مهران یغیتر افزود: یزدی توسعه صادرات غیرنفتی و همچنین معرفی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های صادراتی استان، تمهیدات لازم برای بازدید

ایلام – خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان ایلام گفت: تمایل تاجار و بازرگانان عراقی برای انجام مراودات تجاری از مرز مهران بیشتر شده است.

مهران یغیتر افزود: یزدی توسعه صادرات غیرنفتی و همچنین معرفی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های صادراتی استان، تمهیدات لازم برای بازدید ایلام – خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت سیستان و بلوچستان در نشست هم اندیشی فعالان اقتصادی اظهار داشت: شرایط برای رونق اقتصادی در سیستان و بلوچستان فراهم است. می‌توانیم از فرصت مرز در جهت تقویت اقتصاد استان و حتی کشور استفاده کنیم.

او اظهار داشت: برخی از واحدهای اقتصادی در این استان تولیدات خود را به کشور پاکستان ارسال می‌کنند که این محصولات در زمینه کلبیکر، سیمان و مواداولیه پتروشیمی است.

نادر میرشمسکار افزود: همه دستگاه‌های اجرایی دست‌اندرکار در بخش تولید در سیستان و بلوچستان پیکر واحد شدند و با برگزاری منظم جلسات هم‌اندیشی مشکلات واحدهای تولیدی خود را حل می‌کنند.

موفقیت محققان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در درمان بیماری (NDI) مشهد

مشهد – خبرنگار اطلاعات: محققان دانشگاه علوم پزشکی مشهد موفق به استفاده از داروی سیلدنافیل در درمان دایابت انسیدید نفرولوژیک کودکان برای نخستین بار در دنیا بر روی انسان شدند.

بیماری مادرزادی دایابت انسیدید نفرولوژیک در کودکان (NDI) که بیماری ارثی است که ظواهر آن در سنین شیرخوارگی به صورت وزن گیری نامناسب، اختلال تکامل، بی قراری، پلی اوری، پلی دیسپی (پرنوشی)، دهیدراتاسیون متوسط تا شدید، هیپرناترمی و حملات تشنج بروز می‌کند.

دکتر فاطمه قانع، فوق تخصص نفرولوژی کودکان و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد با بیان این مطلب افزود: تاکنون از روش‌های متعددی برای درمان حمایتی این بیماران نظیر هیدراتاسیون مکرر، هیدروکلرید تریازید و ترکیبات ضد التهاب غیراستروئیدی استفاده شده که به صورت نسبی سبب کاهش علائم در ششماره از بیماران می‌شود و این داروی جدید نیز تاکنون در مدل‌های حیوانی نظیر موش و رت به این منظور استفاده شده و نتایج مفیدی بدست آمده ولی تاکنون بر روی نمونه انسانی استفاده نشده است.

فوق تخصص نفرولوژی کودکان افزود: این تحقیق برای نخستین بار در دنیا بر روی نمونه انسانی با کمک و راهنمایی پروفیسور فرحاک اسدی استاد ممتاز دانشکده پزشکی راش – آمریکا انجام شد. سیدناقیل به میزان ۰.۳mg/kg روزی یک بار پس ایرانی ۴.۵ ساله‌ای که از سن ۱۰ ماهگی با علائم شدید این بیماری تشخیص داده شده و به داروهای حمایتی نیز پاسخ نمی‌داد، با رضایت و آگاهی کامل والدین انجام شد و نتایج بسیار مفید و موثری چند روز بعد از درمان بدست آمد که بسیار قابل توجه بود.

اخبار شهرستانها

برگزاری جشنواره انگور در ارومیه

خارج از شهر و به دور از ترافیک، امکان اسکان و پذیرایی گردشگران آموزش‌های ترافیکی، توصیه‌هایی در حوزه نگهداری و محافظت از فضای سبز و اطلاعات و هشدارهایی برای گردشگران همه و همه از



در مورد مواد مخدر و دخانیات را از اقدام‌های جدید و حائز اهمیت جشنواره اعلام دانست.

وی احوال سنت های دیرین مانند، طراحی شامتیک سنتی برای

میدان اصلی برگزاری جشنواره و حوضه مصنوعی، طراحی میدان و کلبه های سنتی برگرفته از اداب

مدان – خبرنگار اطلاعات: مدیرکل تعاونی‌های تولیدی وزارت کار و تعاون و رفاه اجتماعی از فعالیت ۵۲ هزار تعاونی تولیدی در کشور خبر داد.

البرز محمدی در دهمین جشنواره قدردانی از تعاونی‌ها و کارآفرینان برتر این حوزه در همدان، با اشاره به فعالیت خوب تعاونی‌ها در شهرهای مرزنشین کشور، اظهار داشت: دو میلیون نفر در شهرهای مرزنشین عضو تعاونی‌ها هستند و فعالیت آنان باعث شده است تا ۲۸۰ میلیون دلار صادرات کالا از طریق این تعاونی‌ها انجام شود.

وی همچنین بر ضرورت توسعه بیشتر بخش تعاونی‌ها در کشور تأکید کرد.

نیشابور- خبرنگار اطلاعات: مدیر کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایجاد موزه تاریخی در نیشابور را مهم و ضروری اعلام کرد.

مجید ملاتووزی در آئین پایایی سیست و دومین جشنواره ملی هنرهای تجسمی جوانان کشور در شهرهای مشهد، تبریز، اصفهان، تهران و شیراز، اظهار داشت: کشور در فرهنگسرای سیمغ نیشابور اظهار داشت: سفالینه‌ها زینت‌بخش موزه‌های جهان‌اند، اما امروز در نیشابور موزه‌ای وجود ندارد که این آثار گرانبها در آن دیده شود.

وی افزود: حداقل سهم این شهر موزه کمال‌الملک است تا شرایطی ایجاد شود که بتوانیم

تأمیل بازرگانان عراقی بر مراز مین تجارتی مهرا ن

او افزود: پس از حضور این هیات در واحدهای فعال مذاکرات مهمیت مایل و دیوانه عراق از صنایع تولیدی کشور عراق و تولیدکنندگان ایلامی انجام گرفت و متعاقب آن نیز قول و قراهایی برای تقویت همکاری و تأمین کالاهای مورد نیاز مخصوصا صادرات مرغ بسته بندی شده و همچنین مصالح ساختمانی بین تاجار و تولیدکنندگان رد و بدل شد.

نصیری خاطر نشان کرد: با توجه به امکانات، شرایط مناسب و امنیت بالای مرز بین‌المللی مهرا ن تمایل تاجار و بازرگانان عراقی برای انجام مراودات تجاری از مرز مهران بیشتر است. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان ایلام گفت: فرصت خوبی ایجاد شده‌است تا تولید کنندگان داخلی سهم خود را در بازراهای این

رونق اقتصادی در سیستان و بلوچستان نیازمند مشارکت مردم است

وی اضافه کرد: زمینه سرمایه گذاری برای تولید در سیستان و بلوچستان با کلدنژی طرح‌های بزرگی همچون فولاد و پتروشیمی در چهاربار آغاز شده که این اثر نشان از آغاز تحول مثبت در این استان است.

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت سیستان و بلوچستان گفت: در این استان پول‌های امرگوان زیادی وجود دارد که می‌توان با مدیریت و راهکار مناسب سرمایه‌را به سمت تولید هدایت کرد. میرشمکار ادامه داد: اگر فعالان اقتصادی در سیستان و بلوچستان به تنهایی ایجاد صنایع بزرگ را ندارند می‌توانند به طور مشترکی در این استان سرمایه گذاری کنند.

وی اظهار داشت: ضرر واحدهای تولیدی سیستان و بلوچستان در بورس کپرس که در حال ارائه بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی است در این استان سرمایه گذاری راستا برنامه‌ریزی لازم برای مشارکت فعالان اقتصادی با عرضه سهام از طریق بورس را انجام دهد.

برگزاری همایش تجلیل از آزادگان اردوگاه موصل ۲ در اصفهان

اصفهان – خبرنگار اطلاعات: سومین همایش تجلیل از آزادگان اردوگاه موصل ۲ (عملیات خنیر) به میزبانی اصفهان برگزار شد.

اصفهان – خبرنگار اطلاعات: سومین همایش تجلیل از آزادگان اردوگاه موصل ۲ (عملیات خنیر) به میزبانی اصفهان برگزار شد.

اصفهان – خبرنگار اطلاعات: سومین همایش تجلیل از آزادگان اردوگاه موصل ۲ (عملیات خنیر) به میزبانی اصفهان برگزار شد.

اردبیل- خبرنگار اطلاعات: مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اردبیل از اجرایی شدن عملیات ساخت پارک آبخیز در سرعین خبر داد. شمامت هدایت با اعلام این خبر افزود: طرح مدیریت پارک آبخیز در چندین منطقه به‌ویژه سرعین مطالعه شده است و این طرح در منطقه درویش چایی این شهرستان ۱۰۰۰۰هکتار در آینده نزدیک اجرایی می‌شود. او اظهار داشت: در این پروژه عملیات آب‌سازی، ذخیره آب، نگهداشت منابع آبهای زیرزمینی و ذخیره مناسب در این مناطق مورد توجه قرار گرفته است. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری

و ستنن قدیمی ویومی ارومیه، طراحی آسیاب آبی باطبع متحرک، استفاده از وسایل و ابزار سنتی در تولیدات محصولات حاصل از انگور و اجرای بازی‌های بومی و فولکلور عاشیقی و... از جمله برنامه‌های پیش‌بینی شده در حاشیه اجرای جشنواره انگور اسمال است. وی با اشاره به جلوییگری از اسراف در هزینه‌های جشنواره ، به صرفه جویی هرچه تمام در برگزاری آن تأکید کرد. حضرت‌پور یسا قدردانی از استانداری آذربایجان غربی ،شورای اسماملی شهر، فرمانداری شهرستان ارومیه و برنامه‌های انتظامی از اداره کل محترم میراث فرهنگی استان به عنوان همکار برگزار ی جشنواره انگور ارومیه یاد کرد و مهمترین محور جشنواره را تبیین نقش انگور در اقتصاد، کشاورزی، گردشگری، صنعت و کارآفرینی منطقه، معرفی کرد.

وی همچنین به اهمیت جشنواره انگور در معرفی باغ شهر ارومیه اشاره کرد و گفت: مردم فهیم شهر مطمئناً می‌دانند که انگور جزئی از شناسنامه ارومیه است و باید به آن اهمیت فراوان داده شود و در جشنواره انگور اسمال هم تلاش برآن شده تا محیطی آرام و شاد برای خانواده‌ها فراهم شود و همه شهروندان در کنار اعضای خانواده‌شان به مرور خاطرات و آموزش سنت‌ها به فرزندان خود بپردازند و از عموم شهروندان دعوت بعمل آورد تا سا در این جشنواره که از ۲۲ تا ۲۸ شهریور در دهکده توریستی چی‌چست شهرداری ارومیه برگزار می‌شود شرکت کرده و در احیای سنت‌ها و معرفی محصولات انگور ارومیه به تمام جهان سهم ببخشند.

تعاون و تأثیر آن بر اقتصاد، گفت: ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تعاونی با یک میلیارد نفر عضو در دنیا فعالیت دارند که با ایجاد ۲۵۰ میلیون شغل، ۱۲ درصد اشتغال کشور را پوشش می‌دهند. بخش تعاون در اقتصاد و لزوم توجه به توسعه آن است.وی اعلام کرد: برای شرکت در جشنواره انتخاب تعاونی‌های برتر سراسر کشور، اسمال ۱۲ هزار واحد نام‌نویسی کردند که رشد ۲۰ درصدی را در این زمینه شاهد هستیم.در این مراسم، محمدناصر نیک‌نژاد، رئیس هیات مدیره اتحادیه تعاونی‌های همدان با اشاره به اهمیت تعاون در فرهنگ قرآنی و نیز تأکید مقام معظم رهبری بر گسترش این فرهنگ، گفت: مطابق قانون، سهم

ضرورت ایجاد موزهٔ تاریخ در نیشابور

در آن، این آثار را ببینیم او گفت: جشنواره ملی هنرهای تجسمی جوانان کشور هر سال در شهری که دارای گسترده فرهنگی، بومی است؛ جغرافیای زیباترسانی خاصی در هنرهای مختلف را نشان داده است همچنین در این مراسم مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی از مسئولان عالی‌رتبه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواست شهر نیشابور را با وجود مفارح و استادان و اقدامات به‌خوبان پایگاه فعالیت‌های هنرهای تجسمی قرار دهند تا با وجود آراسمگاه‌های شخصیت‌های فرهنگساز همچون خیام، عطار، فضل ابن شادان و کمال‌الملک که در این شهر قرار دارد و شاهد

افتتاح نخستین مرکز تجارت جهانی ایران در تبریز

تبریز-خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان شرقی با اشاره به افتتاح مرکز تجارت جهانی در تبریز گفت: این مرکز نخستین مرکز تجارت جهانی ایران خواهد بود. حسین نجابی افزود: این مرکز در دوره پسانتحریم نقش قابل توجهی در فرآیند تبیین تجارت بین ایران ایفا خواهد کرد. وی با اشاره به این که فاز نخست مرکز تجارت جهانی تبریز آماده بهره‌برداری است، گفت: با فراهم شدن پیش‌نیازهای نرم افزاری این مرکز افتتاح می‌شود.

او عضویت در یکی از مهمترین تشکل‌های تجاری دنیا و استفاده از تجارب تجاری دیگر کشورها را از اهداف ایجاد این مرکز دانست.

افتتاح سامانه یکپارچه سازی خدمات مشترکین آب و فاضلاب در چران

چران – خبرنگار اطلاعات: سامانه یکپارچه سازی خدمات مشترکین آب و فاضلاب خراسان رضوی با حضور محبدرضا جابازر رئیس هیأت مدیره ومدیر عامل (آقای) کشور در شهر جدید گلپایه افتتاح شد. محبدرضا جابازر در حاشیه این مراسم به خبرنگار اطلاعات گفت: با اجرای این طرح که یک سامانه تحت وب است تمام خدمات مشترکین اعم از جذب سرمایه ای جاری، خدمات پس از فروش، حسابدار ی مشترکین، وصول مطالبات به‌صورت غیرحضوری از طریق اینترنت و دفاتر پیشخوان به مردم ارائه می‌شود. وی یکپارچه بودن، برخورداری از بستر مناسب ارتباطی نظیر: اینترنت، سایت و موبایل، سرعت بالای سامانه، صرفه جویی در منابع سازمانی، تسهیل در پرداخت‌های غیر حضوری و امنیت بالای شبکه را از مهمترین مزایای طرح برشمرد.

او زیعات مزولت مشترکین را مورد تأکید قرار داد و گفت: طرحی در ۶ ماهه کشور در دستور کار قرار دارد که براساس آن بهای قرائت مشترکین توسط مأمور در قالب حضور در منازل ومزامحت، خود-مشترک شماره کشور را در یک دوره ۴۵ روزه اعلام می‌کند و ضمن احترام به این اعلام شرکت فقط در دوره‌های سالانه اعتبارسنجی کشور خواهد کرد.

جابازر ترکیب اطلاعات مشترکین آب با برق برای قرائت کنتور از طریق سامانه راه دور را دیگر سیاست کاری آیفای کشور در این زمینه اعلام کرد.

برگزاری همایش تجلیل از آزادگان اردوگاه موصل ۲ در اصفهان

می‌شود، افزود: این همایش تاکنون به ترتیب در شهرهای مشهد و اهواز برگزار شده است. او گفت: این همایش سرورزه در مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین علی(ع) برگزار شده است

اجرای عملیات اجرایی پارک آبخیز در سرعین

وی افزود: تا زمانی که مردم و گروه‌های صحت با مایانند ما نمی‌توانیم در محیطی حفاظت از این ظرفیت‌ها تلاش جدی و پیگیرانه انجام دهیم هدایت به جنگلکاری ۷۰۰۰ هکتاری در شست فتععلی، توسعه جنگلکاری در نواحی رویشی استان ودفنولوژ اشعار کرد وگفت: تقاضیهامه‌ای با دستگاه‌های مختلف افضاضده است تا نسبت به اطای حفاظت و مدیریت منابع طبیعی شامل جنگل‌ها، مراتع و مواهب خدادادی وی جلوییگری از تحریب مراتع را در قالب سیب صیات از عرصه‌های منابع طبیعی یادآور شد و گفت: ما نه فقط از تحریب این منابع، بلکه از تاجیع سودمندی را به همراه معنی جلوییگری می‌کنیم، بلکه اسمال

خط ارتباطی مردم با اطلاعات تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

در پاسخ به وعده رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست مدنی بر بهبود هوای تهران تا ۱۰ سال دیگر، عرض کنم تا زمانی که محدودیتی در مهاجرت به تهران وجود ندارد و حجم عظیم مهاجران همزمان رو به تهران روانند همین شرایط فعلی هم ماندگار نبوده و اوضاع سال‌های آتی به مراتب بدتر خواهد شد.

در پاسخ به رئیس سازمان میراث فرهنگی به گمان بنده اگر این سازمان وزارتخانه شود هم برای کشور و رونق گردشگری شمرانی به همراه خواهد داشت و هم وزیر پاسخگوی کاستی‌ها بوده و علاوه بر آن سازمان به حیات خلوت بعضی‌ها تبدیل نمی‌شود.

در پاسخ به رئیس سازمان میراث فرهنگی به گمان بنده اگر این سازمان وزارتخانه شود هم برای کشور و رونق گردشگری شمرانی به همراه خواهد داشت و هم وزیر پاسخگوی کاستی‌ها بوده و علاوه بر آن سازمان به حیات خلوت بعضی‌ها تبدیل نمی‌شود.

در پاسخ به رئیس سازمان میراث فرهنگی به گمان بنده اگر این سازمان وزارتخانه شود هم برای کشور و رونق گردشگری شمرانی به همراه خواهد داشت و هم وزیر پاسخگوی کاستی‌ها بوده و علاوه بر آن سازمان به حیات خلوت بعضی‌ها تبدیل نمی‌شود.

در پاسخ به رئیس سازمان میراث فرهنگی به گمان بنده اگر این سازمان وزارتخانه شود هم برای کشور و رونق گردشگری شمرانی به همراه خواهد داشت و هم وزیر پاسخگوی کاستی‌ها بوده و علاوه بر آن سازمان به حیات خلوت بعضی‌ها تبدیل نمی‌شود.

در پاسخ به رئیس سازمان میراث فرهنگی به گمان بنده اگر این سازمان وزارتخانه شود هم برای کشور و رونق گردشگری شمرانی به همراه خواهد داشت و هم وزیر پاسخگوی کاستی‌ها بوده و علاوه بر آن سازمان به حیات خلوت بعضی‌ها تبدیل نمی‌شود.

در پاسخ به رئیس سازمان میراث فرهنگی به گمان بنده اگر این سازمان وزارتخانه شود هم برای کشور و رونق گردشگری شمرانی به همراه خواهد داشت و هم وزیر پاسخگوی کاستی‌ها بوده و علاوه بر آن سازمان به حیات خلوت بعضی‌ها تبدیل نمی‌شود.

در پاسخ به رئیس سازمان میراث فرهنگی به گمان بنده اگر این سازمان وزارتخانه شود هم برای کشور و رونق گردشگری شمرانی به همراه خواهد داشت و هم وزیر پاسخگوی کاستی‌ها بوده و علاوه بر آن سازمان به حیات خلوت بعضی‌ها تبدیل نمی‌شود.

در پاسخ به رئیس سازمان میراث فرهنگی به گمان بنده اگر این سازمان وزارتخانه شود هم برای کشور و رونق گردشگری شمرانی به همراه خواهد داشت و هم وزیر پاسخگوی کاستی‌ها بوده و علاوه بر آن سازمان به حیات خلوت بعضی‌ها تبدیل نمی‌شود.

در پاسخ به رئیس سازمان میراث فرهنگی به گمان بنده اگر این سازمان وزارتخانه شود هم برای کشور و رونق گردشگری شمرانی به همراه خواهد داشت و هم وزیر پاسخگوی کاستی‌ها بوده و علاوه بر آن سازمان به حیات خلوت بعضی‌ها تبدیل نمی‌شود.

در پاسخ به رئیس سازمان میراث فرهنگی به گمان بنده اگر این سازمان وزارتخانه شود هم برای کشور و رونق گردشگری شمرانی به همراه خواهد داشت و هم وزیر پاسخگوی کاستی‌ها بوده و علاوه بر آن سازمان به حیات خلوت بعضی‌ها تبدیل نمی‌شود.

در پاسخ به رئیس سازمان میراث فرهنگی به گمان بنده اگر این سازمان وزارتخانه شود هم برای کشور و رونق گردشگری شمرانی به همراه خواهد داشت و هم وزیر پاسخگوی کاستی‌ها بوده و علاوه بر آن سازمان به حیات خلوت بعضی‌ها تبدیل نمی‌شود.

در پاسخ به رئیس سازمان میراث فرهنگی به گمان بنده اگر این سازمان وزارتخانه شود هم برای کشور و رونق گردشگری شمرانی به همراه خواهد داشت و هم وزیر پاسخگوی کاستی‌ها بوده و علاوه بر آن سازمان به حیات خلوت بعضی‌ها تبدیل نمی‌شود.

اطلاعات

پیام های تسلیت مقامات به مناسبت درگذشت پدر فرمانده ناجا

اصفهان- خبرنگار اطلاعات: بهلول حاج مرضی اشتری پیرغلام اهل بیت(ع)، شاعر و ملاح اهل بیت(ع) و پدر سردار حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی دراصفهان چشم از جهان فروبست.

مراسم تشییع و خاکسپاری این پیر غلام امام حسین (ع)، صبح امروز از مقابل مسجد جامع اصفهان به سمت امامزاده شاه میر حمزه در چهار راه سنگریزه این شهر برگزار شد. مرحوم حاج مرضی اشتری از شاگردان ممتاز حضرت آیت الله شیخ عباسعلی سهیلیان بود که حق شاکردی را داد ا کرد و تواتر مراحل سربازان شعر ایلی را به خوبی طی کند. او از شعرای خوب و مداحان اهل بیت(ع) بود که ریاست شورای هیات‌های مذهبی استان اصفهان را به عهده دارد.

مرزا مرضی اشتری فرد متفصل و شاعر (اشتری) به سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در اصفهان از پدر و مادری مومن متولد شد. وی به مقتضای تشییم خاندادگی به حفظ آداب قرآن، کلمات بزرگان دین و مرثیه ائمه طاهریان(ع) مشغول شد و در مجالس و مجامع دینی و مذهبی با همراهی پندپایهٔ منبر می‌ایستاد و شعر مناسبی همراه با مدیحه یا مرثیه می‌خواند. مراسم تجلیل از حاج مرضی اشتری، ۱۹ دی پارسال اصفهان برگزار شد.

پیام تسلیت دکتر روحانی به فرمانده نیروی انتظامی

رئیس جمهوری در پیامی، درگذشت پدر سردار سرتیپ حسین اشتری، فرمانده نیروی انتظامی را به وی تسلیت گفت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری،همن پیام حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم و انالیله و ارجعون

سردار سرتیپ پاسدار حسین اشتری

فرمانده محترم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

درگذشت پدر ارجمندتان، مرحوم حاج مرضی اشتری موجب تالم خاطر شد.

بر مرحوم که از ارادتمندان اهل بیست (ع) بود، تلاش‌های برای ارزشمندی در ترویج روحیه معنوی و جوانمردی به ویژه در میان نسل جوان داشت.

اینجانب با عرض تسلیت مصیبت وارده به جنابعالی و خانواده محترم، از خداوند بزرگ برای آن قید رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر و سلامتی مسالت دارم.

حسن روحانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

پیام تسلیت رئیس مجلس

رئیس مجلس با صدور پیامی ،درگذشت پدر سردار سرتیپ حسین اشتری، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را تسلیت گفت.

به گزارش خانه ملت، متن پیام دکتر علی لاریجانی به این شرح است:

بسمه تعالی

سردار سرتیپ پاسدار جناب آقای حسین اشتری

فرماندهی محترم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

درگذشت پدر گرامیتان مرحوم حاج مرضی اشتری موجب تألم و تأمل شد، عرض تسلیت این مصیبت به جنابعالی و خانواده محترم، برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه خداوند متعال مسالت می‌کنم.

علی لاریجانی

رئیس مجلس شورای اسلامی

پیام آیت الله هاشمی رفسنجانی

در پی درگذشت پدر سردار حسین اشتری، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پیام تسلیتی صادر کردند. متن پیام به این شرح است:

«الله و انالیله وارجعون»

سردار سرتیپ پاسدار حسین اشتری

فرمانده محترم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

درگذشت پدر گرامیتان مرحوم حاج مرضی اشتری را تسلیت می‌گویم.

از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم مغفوع‌ولو درجات و برای بازماندگان به ویژه جنابعالی صبر و اجر مسالت می‌کنم.

اکبرهاشمی رفسنجانی

رئیس مجمع تشخیص صلیحت نظام

نماینده ولی فقیه در استان و امام‌جمعه اصفهان و استاندار اصفهان در پیامی جداگانه درگذشت حاج مرضی اشتری، پدر فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را تسلیت گفتند.

تشییع پیکر مطهر ۲ شهید دفاع مقدس در ایلام

ایلام پیکر مطهر ۲شهید دفاع‌مقدس با حضور مردم شهیدپرور استان ایلام تشییع شد.

این شهدا چندی پیش به صورت گمنام در منطقه کردستان عراق توسط گروه معراج نقض شده بودند که پس از انجام آزمایش‌های پزشکی، هویت آنان شناسایی شد.

مراسم خاکسپاری شهید حمید زورگوشی در گلزار شهدای بهشت رضا (ع) شهر ایلام با حضور قشربهای مختلف مردم، مسئولان، خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران برگزار شد.

پیکر مطهر شهید طلععلی‌مرد حاضری نیز پس از انتقال به شهرستان چرداول، در ایینی فردا در حضور سربله از مسجد جامع تا میدان ورودی شهر تشییع و سپس برای خاکسپاری به گلزار شهدای روستای تنجیریه علیا، رزگاه شهید منتقل می‌شود. این۲ شهید، سال ۶۵ در عملیات و در ۹۹ در منطقه عملیاتی شمال عراق به درجه رفیع شهادت نایل آمدند.

معاون موسسه حقوق بشر دانمارک از کانون اصلاح و تربیت تهران دیدن کرد

سرویس خبر: معاون اجرایی موسسه حقوق بشر کشور دانمارک و هیات همراه از کانون اصلاح و تربیت تهران بازدید کردند.

اوا گرمای معاون اجرایی موسسه دانمارکی حقوق بشر و مدیر بخش بین‌الملل و هیات همراه در نشست با مدیر کانون اصلاح و تربیت تهران درباره امکانات آموزشی و نحوه ارائه خدمات به مددجویان در مدت نگهداری آنان مطالبی شنیدار رستمی مدیر کانون اصلاح و تربیت تهران اضافه کرد؛ یکی از اسامی تیرین سابق در کانون اصلاح و تربیت تهران بحث آموزشی مددجویان است و در کانون، بستر آموزش در تمامی سطوح برای همه مددجویان فراهم است.

وی افزود: بسیاری از این نوجوانان به دلیل بیکاری مرتکب بزهکاری شده و وارد کانون می‌شوند. لذا یکی از اقدامات آموزشی و تربیتی در کانون مهارت و تربیت تهران، بحث آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است و مددجویان در مدت نگهداری در کانون تحت آموزش قرار می‌گیرند تا بعد از آزادی در جامعه بستر اشتغال آنها فراهم باشد.
پایان به رسم یادبود
تابلو مربع کاری ساخته شده توسط هنرمندان کانون اصلاح و تربیت تهران از سوی علی رستمی مدیر کانون اصلاح و تربیت تهران به اوا گرمای معاون اجرایی موسسه دانمارکی حقوق بشر و مدیر بخش بین‌الملل اهدا شد که او هم در یادبود انگیزه‌نویشتار صمیم قلب تشکر می‌کند از مهمان نوازی و توضیحات مسئولین مرکز.
تمام گروه از امکانات و فعالیت‌های مرکز تحت تأثیر قرار گرفتند که بابت تمام آنها از همه مسئولان تشکر و قدردانی می‌کنم.

دستورالعمل و الزامات‌هایی که با تلاش مدیران این مجموعه آمده است، بسیار مهم و حیاتی هستند.مدانگونه که گفتید توجه ما نباید متمرکز به مجازات باشد، بلکه شان و منزلت انسانی است که برای ما باید اهمیت داشته باشد، فقط از این طریق است که این جوانان می‌توانند آغاز مجدد داشته باشند و این حتما تشکر و قدردانی آنها را ز شما خواهد داشت.

کنگره هی المللی بزرگداشت استاد شهیرای این هفته که تبریز برگزار می‌شود

تبریز – خبرنگار اطلاعات: کنگره بین المللی بزرگداشت استاد شهیرای با محوریت فرهنگ دینی و انقلابی با حضور مقام‌های کشوری و استانی و جمعی از شهرواربزرگان و اصحاب فرهنگ و ادب از داخل و خارج کشور، ۲۵ و ۲۶ ماه جاری در تبریز برگزار می‌شود.

مدیرکل دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری آذربایجان شرقی گفت: بزرگداشت استاد شهیرای در حوزه فرهنگ و ادب آذربایجان مهم بوده و نیازگذار است.

حسن استوار آذر بر تداوم روند تحقیق و پژوهش در خصوص استاد شهیرای تأکید کرد و افزود: استاد شهیرای یکی از چهرهای فرهیخته عصر معاصر است که هر حفظ یاد و خاطره این شاعر و همچنین نشر آثار او باید روندی را طی کند که تنوع زیادی در

این رویاها وجود دارد.

وی با اشاره به ضرورت شناساندن این شاعر بزرگ به نسل امروز، گفت: یکی از اراده، مطالعه کند و مطالعات مرتبط با این شاعر

برای اجرای برنامه‌های هنری همچون فیلم و نمایش است، اما یکی از مهم‌ترین راه‌ها همان برگزاری کنگره‌ها است.

او گفت: استاد شهیرای نه تنها شعر می‌نوشت، بلکه باغی و افتخار تمامی ایرانیان است زیرا نام‌های بزرگ‌های فرهنگی فارسی و ترکی

وی، به خوبی قدرت و توانایی این شاعر بزرگ را به همگان می‌نماید.

استادآرژانه داماد،نایب‌همت است معرفی این شاعر بزرگ کشور به شکل فراملا است تا آنجا که ایران‌هاکند تمامی مردم جهان و هنردوستان

ایران با شخصیت این شاعر بزرگ ملی بیشتر آشنا شوند.

سرویس خبر: رئیس قوه

قضائیه از آدامگی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران برای انجام گفتگوهای حقوق بشری و مباحث مربوط به کرامت انسانی با کشورهای دیگر خبر داد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی قسوه قضائیه، آیت الله

آملی لاریجانی در دیدار شریف

بسیونی رئیس موسسه بین‌المللی مطالعات عالی علوم جنایی ایتالیا

با ابراز خرسندی از سفر هیات

ایتالیایی به ایران و اعلام آمادگی به منظور انجام گفتگوهای دو جانبه

میان ایران و ایتالیا درباره مباحی

حقوق بشری و مبادله تجربیات،

عملی دو کشور در زمینه قضائیه،

گسترش این مناسبات را موجب

نزدیکی دو کشور توصیف کرد

و گفت: امیدواریم با نگاهی

عالم‌نامه و متغلی به مباحث

حقوق بشری و عدالت کیفری

راه برای گفتگوهای بیشتر بین

کشورها باز شود.

رئیس قوه قضائیه با اشاره

بسه این که رسیدن به فهم

مشترک‌تر از مقوله حقوق بشر

نیازمند آشنایی با پیش فرض‌های

موجود در این زمینه است و

در این مسیر هیچ کشوری حق

رئیس قوه قضائیه در دیدار با هیات حقوق بشری ایتالیا:

هیچ کشوری حق تحمیل پیش فرض‌های حقوق بشری خود به دیگر کشورها را ندارد

تحویل داورها و پیش فرض‌های خود را ندارد گفت: مکاتب و تمدن‌های مختلف بشری نیازمند گفتگوهای بیشتر برای درک و فهم مفاهیم مربوط به کرامت انسانی و حقوق بشر هستند.

رئیس دستگاه قضا تصریح

کرد: متأسفانه غربی‌ها تلاش دارند نگاه خود به حقوق بشر

را که مبتنی بر پیش فرض‌های

خودشان است به همه کشورها

تحمیل کنندس که قطعاً چنین

رویکردی صحیح نیست.

آیت الله آملی لاریجانی

به بحث اعدام و قصاص و

نفوت این دو مجازات و فشار

بر دیرشهر چرایی اجرای

حکم قصاص استشاره و تأکید

کرد: قصاص حق اولایی دم

اساس نص صریح قرآن کریم

استت که اولایی دم می‌توانند

از آن استفاده کنند و یا از آن

بگذرند.

رئیس قسوه قضائیه درباره

موضوع مبارزه با موادمخدر

گفت: متأسفانه با حضور

کشورهای غربی در افغانستان

کشت و تولید موادمخدر در

کشور ده برابر شد و جمهوری

اسلامی ایران به مقابله با قاچاق

رئیس قوه قضائیه در دیدار با هیات حقوق بشری ایتالیا:

اخبار داخلی

اخبار

شمار زائران ایرانی جانباخته حادثه مکه به ۸ نفر رسید



۵ نفر از زائران قربانی وقوع توفان شدید در مکه مکرمه سبب سقوط یک بالابر در محوطه مسجداالحرام شد که در نتیجه این حادثه، ۱۱۱ زائر کشته و ۳۲۷ زائر دیگر مجروح شدند.

اساسی مفقودان ایرانی

بر اساس اطلاعاتیه سازمان حج و زیارت، مریم آل به باب از کاروان ۱۱۲۶۶ استان آذربایجان شرقی، فاطمه دامغانی از کاروان ۱۱۲۱۲۴ استان سمنان و کبری بیگم مغفوری از کاروان ۲۱۱۲۴ استان سمنان، زائران مفقودی حادثه جمعه مکه هستند. همزمان شبان گرجی از استان همدان که پیش از این گمان می‌شد جزو مفقودان است پیدا شد.

سیستان و بلوچستان هم گفت:ن یک سبب سقوط یک بالابر در محوطه مسجداالحرام شد که در نتیجه این حادثه کشته شده وخبردرگذشت او به خانواده و بستگانش اطلاع داده شده است.

عبادت‌شاه عربستان

«سلطان بن عبدالعزیز» شاه سعودی در جریان عبادت از مجروحان حادثه سرنگونی یک جت ف۱۶ مکرمه، از این حادثه بازدید کرد.مرکز، از این یک بانوی ایرانی مجروح در این حادثه، حال عمومی بقیه مجروحان ایرانی در بیمارستان رضانشیخ است و عبادت کرد.سلطان پس از گذشت بیش از ۲۴ ساعت از حادثه خونین مسجد الحرام تحت فشار رسانه‌ای، برای بررسی و پیگیری این حادثه وارد مکه مکرمه شد.جمعه گذشته

و اقتصاد در امر پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر دخیل هستند.

وی افزود: اگر در ۳۰ سال گذشته در تشدید امر مبارزه با مواد مخدر حرکت کردیم و هیچ زمان تخفیفی در این راستا قائل نشده ایم، همه برای به حداقل رساندن مواد مخدر در کشور بوده است.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین

رئیس‌ی با تأکید بر نیاز نایود کرد: پشتوانه اقتصادی قاجاقچیان اضافه

کرد: قاجاقچیان مواد مخدر به دنبال پولشویی هستند و می‌خواهند

پول‌های ناپاک خود را در سیستمی مشروع پاک جلوه دهند.

او پس بیان این که قاجاقچیان در حقیقت ایران را مرزی برای عبور مواد مخدر به اروپا می‌دانند،

برخورد نکرد اما پس این قاجاقچیان برخورد نکرد اما غرق مواد مخدر می‌شود: این در حالی است که آنان

نسبت به این مبارزه ما حتی حمایت نمی‌کنند.

داستان کل کشور اضافه کرد: مسان نه تقدیر انسان و نه محکوم

کردنشان را می‌خواهیم ؛ بلکه به وظیفه قانونی خود در مبارزه با مواد مخدر ادامه می‌دهیم و این حرکت

مبارزه هیچگاه سست نخواهد شد.

وی گفت: وزارت امورخارجه را یکی از اعضای سابق مبارزه با مواد

مخدر است که نشان دهنده این موضوع است که علاوه بر بخش

انتظامی، بخش دیپلماتیک مبارزه با مواد مخدر نیز فعال باشد و ضرورت

دارد حرکت جدی در فعال کردن دیپلماتی مبارزه با مواد مخدر انجام

کاهش دهد.

سالیان جدید تحصیلی سال تبدیل مدرسه به کانون تربیت است

سرویس شهرستانها: وزیر آموزش و پرورش گفت: سال تحصیلی ۹۵- ۹۴- در آموزش و پرورش را سال رسیدن از مدیریت آموزشی به رهبری آموزش‌ی هدف گذاری کرده و به دنبال این هستیم که مدرسه را به کانون تربیت تبدیل کنیم.

علی اصغر فانی دیروز در آستانه سال جدید تحصیلی در جمع مدیران منتخب مدارس استان البرز در کانون شهید فهمیده کرج، آموزش و پرورش را سازماندهی شده به عنوان بزرگترین فصل مشترک دولت و ملت برشمرد و اظهار داشت: در رهبری آموزش و پرورش ما مدرسان ما در مدارس با جلب مشارکت معلمان دبیران، اولیای دانش آموزان، دانش آموزان و مردم محله بتوانند مدرسه را به عنوان به یک کانون تربیت تبدیل کنند.

فانی، لازمه جلب اعتماد در دانش آموزان و نفوذ در آنان را در پنج بخش مشاورت، شایستگی، ثبات، وفاداری و و راستی از طرف مدیر و مسئولان مدرسه دانست.

وی به رویکرد مدرسه محوری در آموزش و پرورش اشاره کرد و افزود: مدرسه محوری رویکردی در آموزش و پرورش است که با حاکمیت اخلاق، روابط انسانی، مشارکت جویی، مشارکت پذیری و تمرکز زدایی دنبال می‌شود.

او اضافه کرد: مدیران مدارس به عنوان رهبان آموزش‌ی باید بتوانند در دانش آموز و اولیای آنها نفوذ کنند.

فانی افزود: بحث نیروی انسانی یکی از دو اولویت اصلی آموزش و پرورش کشورمان است و اولویت دیگر بحث فضا

وتجهیزات آموزشی است.

وی بومی گرینی را جزو سیاست‌های جدی دولت در جذب نیروی مورد نیاز آموزش و پرورش دانست و گفت: در آزمون‌ی که در چند روز آینده برگزار می‌شود و آزمون‌ی که چندی پیش در دانشگاه فرهنگیان برگزار شده، بر بومی گرینی تأکید شده است.

وزیر آموزش و پرورش به اختصاص ۱۰۰۰ میلیارد ریال در سال جدید تحصیلی برای تجهیز مدارس اشاره کرد و اظهار داشت: اختصاص این بودجه به تجهیز مدارس در تاریخ آموزش و پرورش کشور بی سابقه است که امیدواریم بخشی از نیازهای تجهیزاتی را پاسخگو باشد.

گاز کلر ۱۰۰ شهروند قلعه چنغان خوزستان

را روانه بیمارستان کرد

اهواز:مدیر امور بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی اهواز گفت:حدود ۱۰۰ نفر از اهالی

روستای قلعه چنغان از توابع شهرستان کارون به دلیل استنشاق گاز کلر متضرر شده ازکبوسل گاز

درجاسمیت شده و روانه بیمارستان شدند.

متم معزای اظهار داشت:

یک کبوسل گاز از سوی یکی از کارگران با همسایه‌های یکی از کارگاه‌های اطراف روستای قلعه

چنغان باز شده و مردم دچار قلعه و نفس و مسمومیت تنفسی خفیف

تا متوسط شدند.

متم معزای اظهار داشت:

یک کبوسل گاز از سوی یکی از کارگران با همسایه‌های یکی از کارگاه‌های اطراف روستای قلعه

چنغان باز شده و مردم دچار قلعه و نفس و مسمومیت تنفسی خفیف

تا متوسط شدند.

متم معزای اظهار داشت:

یک کبوسل گاز از سوی یکی از کارگران با همسایه‌های یکی از کارگاه‌های اطراف روستای قلعه

چنغان باز شده و مردم دچار قلعه و نفس و مسمومیت تنفسی خفیف

تا متوسط شدند.

متم معزای اظهار داشت:

یک کبوسل گاز از سوی یکی از کارگران با همسایه‌های یکی از کارگاه‌های اطراف روستای قلعه

چنغان باز شده و مردم دچار قلعه و نفس و مسمومیت تنفسی خفیف

تا متوسط شدند.

متم معزای اظهار داشت:

یک کبوسل گاز از سوی یکی از کارگران با همسایه‌های یکی از کارگاه‌های اطراف روستای قلعه

چنغان باز شده و مردم دچار قلعه و نفس و مسمومیت تنفسی خفیف

تا متوسط شدند.

متم معزای اظهار داشت:

یک کبوسل گاز از سوی یکی از کارگران با همسایه‌های یکی از کارگاه‌های اطراف روستای قلعه

چنغان باز شده و مردم دچار قلعه و نفس و مسمومیت تنفسی خفیف

رئیس قوه قضائیه در دیدار با هیات حقوق بشری ایتالیا:

هیچ کشوری حق تحمیل پیش فرض‌های حقوق بشری خود به دیگر کشورها را ندارد

تحویل داورها و پیش فرض‌های خود را ندارد گفت: مکاتب و تمدن‌های مختلف بشری نیازمند گفتگوهای بیشتر برای درک و فهم مفاهیم مربوط به کرامت انسانی و حقوق بشر هستند.

رئیس دستگاه قضا تصریح

کرد: متأسفانه غربی‌ها تلاش دارند نگاه خود به حقوق بشر

را که مبتنی بر پیش فرض‌های

خودشان است به همه کشورها

تحمیل کنندس که قطعاً چنین

رویکردی صحیح نیست.

آیت الله آملی لاریجانی

به بحث اعدام و قصاص و

نفوت این دو مجازات و فشار

بر دیرشهر چرایی اجرای

حکم قصاص استشاره و تأکید

کرد: قصاص حق اولایی دم

اساس نص صریح قرآن کریم

استت که اولایی دم می‌توانند

از آن استفاده کنند و یا از آن

بگذرند.

رئیس قسوه قضائیه درباره

موضوع مبارزه با موادمخدر

گفت: متأسفانه با حضور

کشورهای غربی در افغانستان

کشت و تولید موادمخدر در

کشور ده برابر شد و جمهوری

اسلامی ایران به مقابله با قاچاق

رئیس قوه قضائیه در دیدار با هیات حقوق بشری ایتالیا:

رئیس قوه قضائیه در دیدار با هیات حقوق بشری ایتالیا:

رئیس قوه قضائیه در دیدار با هیات حقوق بشری ایتالیا:

رئیس قوه قضائیه در دیدار با هیات حقوق بشری ایتالیا:

اخبار کوتاه ورزشی

یک‌زن ژاپنی پرافتخارترین کشتی گیر جهان شد

کشتی گیر زن ژاپنی در رقابت‌های قهرمانی جهان که در لاس وگاس آمریکا برگزار شد، به شانزدهمین مدال طلای خود دست پیدا کرد. او در این مسابقات دویستمین برد خود را بدست آورد.

به گزارش مهر، سائوری یوشیدا ۳۲ ساله تا به حال موفق شده ۱۳ مدال جهانی و سه مدال طلای المپیک را از آن خود کند. یوشیدا از سال ۱۹۹۸ کشتی خود را آغاز کرد و تا به امروز در هر رویدادی که به میدان رفته موفق به کسب مدال طلا شده است.

جالب است که در کارنامه این کشتی گیر هیچ مدالی جز طلا دیده نمی شود. سائوری دختر ایکاتسو یوشیدا، قهرمان پیشین کشتی ژاپن است. وی از سه سالگی زیر نظر پدرش کشتی را آغاز کرده است و امروز از وی به عنوان پرافتخارترین کشتی گیر تاریخ یاد می شود.

برنامه بازی‌های تیم ملی امید ایران در انتخابی المپیک

تیم ملی فوتبال ایران از بیست و دوم دی ماه سال جاری رقابت‌های خود را در مسیر رقابت‌های انتخابی المپیک ۲۰۱۶ رو آغاز خواهد کرد. به گزارش ایسنا، در حالی مراسم قرعه‌کشی رقابت‌های انتخابی المپیک ۲۰۱۶ به نظر برگزار شد که تیم ملی فوتبال امید ایران در گروه اول با تیم‌های قطر (میزبان)، چین و سوریه همگروه شد.

لیوشان فوتبال ایران در بازی ابتدایی خود بیست و دوم دی ماه سال جاری پس از دیدار میزبان مقابل چین در بازی انتخابی به مصاف سوریه خواهد رفت. پس از آن تیم ملی فوتبال امید ایران در دومین دیدار خود در تاریخ ۲۵ دی ماه اسال به مصاف تیم ملی فوتبال قطر خواهند رفت. سومین دیدار ملی‌پوشان ایران در مرحله گروهی بیست و هشتم دی ماه در مقابل چین برگزار می شود.

نگاهی به عملکرد ژوئونه‌های ایران

جانبشش بازی کرد آتکمار بود

علیرضا جانبخش با بازی قویایل قبیلش در جناح چپ تیمش در پروژزی ۳ بر یک ای‌زی آلتکمار در مقابل گرشپاد بود. او در این بازی ۱۵ پاس داد که ۷۳ درصد آنها به تیم می‌توانی ها رسید. همچنین جانبخش با یک پاس کلیدی تیمش را صاحب موقعیت گلزنی کرد.مسابقه بعدی آی‌زی آلتکمار مقابل خورنیتخن خواهد بود.

تساوی نتایجین بازی پورعلی گنجی

تیم فوتبال تایجینن تدا در حضور ۹۰ دقیقه‌ای بازیکن ایرانی خود باز هم توانست پیروز شود. به گزارش فارس، تیم فوتبال تایجینین تدا از هفته هفست و پنجم سپهرلیگ چین در حضور مرضی پورعلی گنجی بازیکن ایرانی خود میهمان جیانگسوی رده هشتمی بود و با نتیجه یک بر یک به تساوی رسید.

شکست روستوف در حضور ۶۰دقیقه ای سردار

روستوف در هفته هشتم لیگ روسیه با یک گل مغلوب تیم اسپارتاک مسکو شد. سردار آزمون در این دیدار ۶۰ دقیقه در ترکیب تیمش به میدان رفت و برای خود را به الکساندر بوخارف داد. تک گل این دیدار را کونستی پروف در دقیقه ۷۷ بر سر رساند تا روستوفی ها در پایان هفته هشتم لیگ روسیه در مکان ششم جدول قرار گیرند.

واکش زولا به اخراج ۴۰دقیقه

سرمربی ایتالیایی العربی از عملکرد شاگردش در دیدار برابر الوکره رضایت دارد. او به اخراج اشکان ذاکه هم واکنش نشان داد.

به گزارش سایت الکاس قطر، العربی فصل جدید لیگ ستارگان قطر را با پیروزی آغاز کرد. این تیم که در ورزشگاه خانگی خود از الوکره پذیرایی کرد، به سختی و با یک خودی بازیکن حرفه‌ای، به امتیاز را به دست آورد. البته اشکان ذاکه بازیکن ایرانی العربی در دقیقه ۷۱ با کارت قرمز داور از بازی اخراج شدد و این مسئله، کار را برای تیمش سخت کرد. سرمربی ایتالیایی العربی گفت: اگر داور ذاکه را اخراج نمی کرد، می‌توانستیم بازی بهتری را به نمایش بگذاریم. بر این باورم که کارتهای زیاد داور به بازیکنان ما درس نبود.

دومین شکست جوانان والیبال

تیم ملی والیبال جوانان ایران در دومین روز از مسابقات جهانی مغلوب برزیل شد. همچنین تیم ملی والیبال جوانان ایران در دومین روز از مسابقات جهانی مکزیک به مصاف برزیل رفت که شاگردان فرهاد نرفزاده در سه ست پیاپی با امتیازهای ۱۱ – ۲۵ ، ۱۸ – ۲۵ و ۱۱ – ۲۱ مغلوب برزیل شدند. والیبالیست‌های جوان ایران پیش از این در دو نخست مسابقات با نتیجه سه بر یک مقابل چین شکست خورده بودند.



پرویز هادی در ۱۲۵ کیلوگرم با باخت مقابل بلال ماحوف روس در مرحله یک چهارم نهایی از دور رقابت ها کنار رفت.
رحیمی: در یک لحظه طلای من نقره شد
نایب قهرمانی وزن ۵۷ کیلوگرم کشتی آزاد جهان پس از ناکامی در فینال گفت: هیچوقت خودم را برای این اشتباه نمی‌بخشم. مقابل جردن باروشس آمریکا در مرحله یک چهارم نهایی با توجه به صعود حریفش به دیدار فینال جواز حضور در گروه بازنده ها را پیدا کرد و راهی دربار رده بندی شد.

کفاشیان: تیم ملی با آلمان و هلند

بازی می کند



رئیس فدراسیون فوتبال از رازینی برای بازی تدارکاتی تیم ملی فوتبال ایران با تیم‌های آلمان و هلند خبر داد. به گزارش فارس از رشته، علی کفاشپاشین پیش از ظهر دیروزدر جمع خبرنگاران با اشاره به برگزاری بدون حاشیه انتخابات هیئت فوتبال گیلاں گفت: انتظاری می‌رفت انتخابات مردم‌داری حاشیه‌ها باشد اما این اتفاق نیفتاده‌است.

وی به هماهنگی انجام شده برای برگزاری انتخابات هیئت فوتبال گیلاں اشاره کرد و افزود: رازینی را برای برگزاری انتخابات هیئت فوتبال گیلاں تکمیل کردیم و همه به جمع‌رندی رسیدیم و امیدواریم این روند در چهار سال آینده ادامه یابد.

وی در ادامه با اشاره به جوان شدن تیم ملی فوتبال، گفت: تیم ملی فوتبال نیاز به بازی‌های خوب تدارکاتی دارد و با تیم‌های ملی کشورهای آلمان و هلند صحبت‌هایی شد و تدارکات در حال انجام است. کی روش هم از این بازیها استقبال کرده است. فرابود تیم ملی آلمان به ایران بایداد اما رئیس فدراسیون آلمان گفت: تیم کشتی نوبت شماست که به آلمان بیاپید.

رئیس فدراسیون فوتبال به روند حضور کی‌روش در تیم ملی فوتبال اشاره کرد و یادآور شد: تا زمانی که کی‌روش خوب کار کند و تیم ملی را به جام جهانی ببرد از او حمایت می‌کنم.

وی حضور تیم ملی در جام جهانی را از مهم‌ترین برنامه‌های فدراسیون دانست و خاطرنشان کرد: حضور تیم فوتبال امید در المپیک و تربیت مربی و داور از جمله دربراه فدراسیون فوتبال است.

توضیحات دکتر ظریف به کمیسیون ویژه بر جام مجلس

گفت که تحریم‌های مالی، پولی و اقتصادی اتحادیه

اورپا از روز اجرای برجام به طور کامل لغو خواهد شد. وی افزود: آقای طرفی همچنین بیان کرد، اجرای تحریم‌های اولیه و ثانویه آمریکا هم متوقف خواهد شد و بعد از هشت سال رئیس جمهوری آمریکا موظف است که لغو تحریم‌ها را به کشوره ببرد و به تصویب برساند و ما هم موظفیم که همه تحریم‌های مالی، پولی و اقتصادی قطعنامه قبلی را روز اجرا لغو خواهد شد.

وی در پایان با بیان این‌که آقای طرفی گفت که ما کاملاً از ذیل فصل متشور خارج شده‌ایم، تصریح کرد: وزیر امور خارجه اظهارداشت که اگر در مذاکره اشاره ای به وقف نامه ۴۱ مشهور شد، غیر از یک مورد تجویز برگشت‌پذیری، بقیه امتیازاتی که در قبال لغو تحریم‌های قطعنامه‌های قبلی به ما داده شده است.

جلیلی: ساختارهای تحریم با اجرای برجام باقی می ماند
رئیس سابق تیم مذاکره کننده هسته‌ای کشورمان هم با توضیح در باره این که در سه بخش تحریم های اتحادیه اروپا، آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل چه نتایجی در برنامه جامع اقدام مشترک حاصل شده است، گفت: ساختار تحریم‌ها و فشار آن‌ها باقی مانده است.

تدوین سند ملی محیط زیست در مراحل نهایی است

برابر می‌انگین جهانی است بنابراین، دستکاری غیرخردمندانه و نادیده گرفتن ملاحظات زیست گفت: تدوین سند ملی محیط زیست در زمانه آموزش و فرهنگ سازی در قالب محیط زیست در سطح جامعه، برای ارائه به شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

برابر می‌انگین جهانی است بنابراین، دستکاری غیرخردمندانه و نادیده گرفتن ملاحظات زیست گفت: تدوین سند ملی محیط زیست در زمانه آموزش و فرهنگ سازی در قالب محیط زیست در سطح جامعه، برای ارائه به شورای عالی انقلاب فرهنگی است. اصل ۱۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی به آن رداخته شده است، گفت: در نشست رهبر معظم انقلاب با فعالان محیط زیست، به اتفاق با فعالان محیط زیست، منابع طبیعی در ۱۷ اسفند سال گذشته، ایشان در تهیه سند محیط زیست به عنوان یک اولویت تأکید کردند. بنابراین برای جلوگیری از

لگجیهای کوه‌ها

وزیر ارشاد: پیشکسوتان هنرمند، ذخیره‌های تمدن و فرهنگی کشور هستند
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از پیشکسوتان هنرمند به عنوان ذخیره‌ها و سرمایه‌های تمدن و فرهنگی ایران یاد کرد.

به گزارش ایرنا، علی حجتی در پیامی به مناسبت سومین سالروز تأسیس موسسه هنرمندان پیشکسوت نوشت: هنر، کشور عزیز ما قرن‌ها متداوم بوده و حکمت و معنویت در هر دوره و به همینه و در انتظار فرهنگ عمومی‌نقش به سزایی داشته است. وی تأکید کرد: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از اینکه توانسته است با بی‌اعتدال‌دک خودکاران مجاز هنری و پیشکسوتان کشور باشد به خود می‌بالد. وزیر ارشاد طیلمه چهارمین سال فعالیت موسسه هنرمندان پیشکسوت را تبریک گفت و افزود: مدیران و مسوولان وزارت متبوع وظیفه دارند تا این موسسه را در مسیر مأموریت و اهداف سازنده آن همراهی و حمایت کنند.

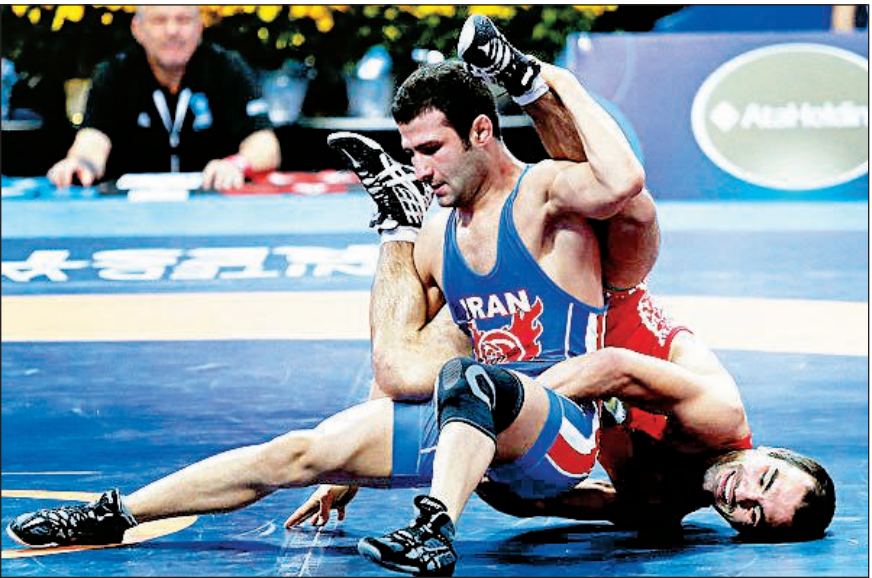
ممنوعیت تردد تاکی‌های پیکان در تهران از ابتدای دی

سرویس سیاسی -تجارتی: مدیرعامل تاکسی‌رانی تهران از ممنوعیت تردد تاکسی‌های پیکان از ابتدای دی اسال خبر داد.

مثم مظفر با بیان این که براساس مصوبه شورای حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران هیچ یک از تاکسی‌های پیکان از دی ماه مجاز به تردد در

ورزشی

تیم ملی کشتی آزاد ایران نایب قهرمان جهان شد



آزادکار وزن ۵۷ کیلوگرم تیم ایران در خاتمه‌سه اضافه کرد: هیچوقت خودم را برای این اتفاق تلخ نمی‌بخشم. این بدترین اتفاق کتید تمام تاریخم را انجام دادم. در دوران ورزشی من محسوب می شود چراکه همه چیز برای قهرمانی من مهیا بود.
عمکدو کشتی گبران ایران در لاس‌وگاس ۳نقره، ۴برنز و ۸سهمیه المپیک
تیم‌های ملی کشتی فرنگی و آزاد ایران از دوازده سهمیه المپیک توزیع شده در رقابت‌های جهانی لاس وگاس ۷۵ کیلوگرم، به دست آوردند.

هفته ششم لیگ بر تر امروز آغاز می‌شود

و نیمه هفته پنجم به مدت ۱۹ روز گسترش فولادتریز – استقلال تهران، ساعت ۱۷، ورزشگاه یادگار امام (ره) تهران، ساعت ۱۷، ورزشگاه شهید دینعلی، ساعت ۱۷، ورزشگاه ثامن مشهد، تهران، ساعت ۱۷، ورزشگاه آزاد تهران، ساعت ۱۷،۳۰، ورزشگاه غدیر اهواز

سومین باخت والیبال در رقابت‌های جام جهانی

تیم ملی والیبال ایران در پنجمین بازی خود در جام جهانی مقابل روسیه شکست سنگین ۳ بر ۲۶، ۲۴ بر ۲۵، ۲۵ بر ۲۵ را متحمل شد. تیم کشورمان که در سال جاری ۲۰ جام روسیه را برده بود این بار حتی یک ست هم از این تیم نگرفت. به گزارش مهر، تیم ملی والیبال ایران دیروز پنجمین دیدار خود در جام جهانی ژاپن را مقابل روسیه برگزار کرد و در پایان نتیجه را ۳ بر صفر به قهرمان المپیک لندن ازبردار کرد. این سومین باخت تیم ایران در پنج بازی برگزار شده بود. تیم ایران امسال سه بار در لیگ جهانی و دو بار هم در دیدارهای دوستانه‌ای که در خارج روسیه برگزار شده بود این تیم را شکست داد اما این بار در بازی‌هایی که جنبه انتخابی المپیک را دارد روسیه برنده شد.

توصیه های وزیر بهداشت کشور به مسافران روزهای آخر تابستان

وزیربهداشت، با تأکید بر آمادگی دیروز با حضوردرجلسه کمیسیون ویژه بررسی برجام مجلس ، دو موضوع مرتبط و قطعنامه را بررسی کرد و گفت: براساس سند برجام، تحریم‌های اتحادیه اروپا تعلیق می شود، آمریکا تحریم‌های اولیه را نه لغو و نه تعلیق می کند، در زمینه تحریم های ثانویه، آمریکا بخشی از آنها را تعلیق می کند، و ضروری امنیت سازمان ملل تحریم های هسته ای را در صورت اعتراض یکی از اعضا برمی گرداند.
تغوی حسینی سخنگوی کمیسیون دیروز گفت: یکی در نشست دیروز این کمیسیون درباره تحریم‌های آمریکا علیه ایران، اظهار داشت: براساس برجام، تحریم‌های اولیه لغو نشدند و تحریم‌های ثانویه هم لغو نمی‌شود، بلکه موقتاً متوقف شده و این موضوع با پیچیدگی‌های خاصی روبرو است، همچنین براساس این توافق، تحریم‌های دولت‌های اروپایی سرچای خود باقی مانده و فقط تحریم‌های کل اتحادیه اروپا تعلیق می‌شود که آن کم در بخش عملیات تا هشت سال دیگر به طول می‌انجامد.

وی ادامه داد: جلیلی همچنین افزود که از طرفی تحریم‌های شورای امنیت در بخش موسیقی، اشاعه‌ای و تسلیحاتی باقی مانده و تحریم‌های شش قطعنامه قبلی هم برگشت‌پذیر نبود و اصطلاح لغو نیست سازمان ملل در صورتی که اعضای کمیسیون ویژه، سرجام مجلس امروز از تأسیسات اراک بازدید می کنند.

وی ادامه داد: جلیلی همچنین افزود که از طرفی تحریم‌های شورای امنیت در بخش موسیقی، اشاعه‌ای و تسلیحاتی باقی مانده و تحریم‌های شش قطعنامه قبلی هم برگشت‌پذیر نبود و اصطلاح لغو نیست سازمان ملل در صورتی که اعضای کمیسیون ویژه، سرجام مجلس امروز از تأسیسات اراک بازدید می کنند.

وی ادامه داد: جلیلی همچنین افزود که از طرفی تحریم‌های شورای امنیت در بخش موسیقی، اشاعه‌ای و تسلیحاتی باقی مانده و تحریم‌های شش قطعنامه قبلی هم برگشت‌پذیر نبود و اصطلاح لغو نیست سازمان ملل در صورتی که اعضای کمیسیون ویژه، سرجام مجلس امروز از تأسیسات اراک بازدید می کنند.

پلی (روند بازی) تمام شده، نمایش دماد کفیت گرایک، محیط ای طبیعی بازی، هوای مصنوعی، حرکت های هواییهای بازیکن، هواپیماهای خودی است که درعملیات شرکت داشته اند.
۵۰۰ فروند از انواع هواپیماهای مختلف همچون سوخخوگرهای بمباران، پایگاه های که شامل «الوئه» موسوم به اچ ۳، بمباران پالاشگاه کرکوک و نظایر آن است، برای نخستین باردرمعادلت تبلیغات و روابط عمومی نیروی هوایی ارتش و با بهره گیری از توانایی گروهی از کارکنان وظیفه این نیرو درحال ساخت است و تا پایان امسال تکمیل و آماده توزیع خواهد شد.
«حماسه عقاب ها؛ حمله به اچ ۳» رویگنر زورگرنزی و پی سلفانه یرین عملیات هوایی در تاریخ جنگ های مدرن جهان یعنی حمله به مجموعه پایگاه های الوئه در غرب عراق است که چگونگی انجام آن در قالب یک بازی رایانه ای به تصویر در آمده است.
در عملیات حمله به اچ ۳ که توسط تیپروازان نیروی هوایی ارتش در ۱۵ فروردین سال ۱۳۹۰ صورت پذیرفت، بیش از ۵۰۰ فروند از انواع هواپیماهای شکاری، سوخت رسان و دیگر برنده های پشتیبانی رزمی دشمن نابود یا به طور کلی غرقبال استفاده شد.
امکان دالود با کفیت عالی و متوسط این بازی از آبلود تست مدیافایر و دالود و تماشا آن با کفیت پایین از آپارات در سایت http://nahajaja.aj.ir/Portal/Homeبرنامه ریزی شده است.

وی افزود: تاکنون ۲۵ نفر مبتلا به ویروس کرونا در شهر ریاض عربستان شناسایی شده که در بیمارستان‌های ایران جهت تست و مراقبت هستند. گسترش و انتقال عفونت کرونا تاکنون بیشتر در بیمارستان صورت گرفته و موارد انتقال این بیماری در اکثر کشورها از جمله عربستان در بیمارستان بوده است. بنابر اعلام روابط عمومی وزارت بهداشت، گویا افرادی که اکنون در شهرهای مکه و مدینه و در بین زائران ایرانی و غیر ایرانی مستقر در این دو شهر موردی از بیماری مرس و ویروس کرونا دیده نشده است.

مهلت دو روزه برای جاماندگان آزمون دکتری تخصصی

۷هزار و ۶۰۰فرد در آزمون دکتری تخصصی(Ph.D) رشته‌های علوم پایه پزشکی و بهداشت، داروسازی، دندانپزشکی و طب سنتی سال تحصیلی ۹۴ – ۹۵ ثبت نام کردند.

به گزارش مهر، نتایج نام در آزمون دکتری تخصصی(Ph.D) رشته‌های علوم پزشکی به پایان رسیده است اما مهلتی دو روزه در روزهای ۷هزارم برای جاماندگان در نظر گرفته شد.
این آزمون در هفدرشته برگزار می‌شود و عنوان مدرک تحصیلی داوطلبان اعم از دانشنامه یا گواهی تحصیلی باید دقیقاً مطابق با رشته‌های دانش شده به عنوان مدرک تحصیلی مورد پذیرش باشد.
آزمون دکتری تخصصی(Ph.D) رشته‌های علوم پایه پزشکی و بهداشت، داروسازی، دندانپزشکی و طب سنتی در روز ۱۰آبان ماه برگزار می‌شود و کارت ورود به جلسه آزمون (به صورت اینترنتی) در روزهای ۱۱و ۱۲آبان ۱۳۹۴ توزیع می‌شود.

به گزارش ایسنا، رقابت‌های کشتی قهرمانی جهان گزنیشکی المپیک در لاس وگاس آمریکا به پایان رسید که تیم ملی کشتی آزاد با دو مدال نقره و دو مدال برنز نایب قهرمان جهان شد. همچنین تیم ملی کشتی فرنگی با یک مدال نقره و دو برنز در مکنی بهتر از چهارم قرار گرفت. تیم ملی کشتی آزاد ایران از شش سهمیه ممکن برای حضور در بازی‌های المپیک صاحب پنج سهمیه شد. تیم ملی کشتی فرنگی هم سه سهمیه المپیک را به دست آورد. ملی‌پوشان ایران و فرنگی ایران برای به دست آوردن سهمیه‌های باقی مانده المپیک باید در رقابت‌های گزنیشکی که در کشورهای مختلف برگزار می‌شود شرکت کنند.
در کشتی فرنگی ایران در اوزان ۵۵، ۸۵ و ۹۸ کیلوگرم سهمیه‌ها است و در کشتی آزاد به جز وزن ۱۲۵ کیلوگرم ملی‌پوشان سایر اوزان سهمیه‌ها به دست آوردند. نتایج کشتی گبران فرنگی و آزاد در رقابت‌های جهانی به ترتیب زیر است:

کشتی فرنگی:
۵۹ کیلوگرم: حمید سوریان (دیسکالیفه شد)
۶۶ کیلوگرم: مهدی زیلوند (رتبه ۲۴)
تیم‌های ملی کشتی فرنگی و آزاد ایران از دوازده سهمیه المپیک توزیع شده در رقابت‌های جهانی لاس وگاس ۷۵ کیلوگرم، به دست آوردند.

هفته ششم لیگ بر تر امروز آغاز می‌شود

و نیمه هفته پنجم به مدت ۱۹ روز گسترش فولادتریز – استقلال تهران، ساعت ۱۷، ورزشگاه یادگار امام (ره) تهران، ساعت ۱۷، ورزشگاه شهید دینعلی، ساعت ۱۷، ورزشگاه ثامن مشهد، تهران، ساعت ۱۷، ورزشگاه آزاد تهران، ساعت ۱۷،۳۰، ورزشگاه غدیر اهواز

کواج: اشتباهات بزرگی داشتم

سرمربی تیم ملی والیبال ایران گفت: بازیکنان ایران در بازی با روسیه مرتکب اشتباهات زیادی شدند و باید این خطاها را متوقف کنند. اسلوبودان کواج در نشست خبری پایان بازی گفت: به خاطر این پیروزی به روسیه تبریک می گویم. اما خیلی خوب بازی کردیم. فکر می کنم آنها در سبست نخستین بازی خوب بازی کردند و ما به خاطر اشتباهات بزرگی که داشتمش خودوریم. وی افزود: باید دست از اشتباه کردن بردارم. اما نباید فراموش کنیم که نیاز به مبارزه داریم. لحظاتی در بازی هستند که تیم ما خیلی بد بازی می کند.

چهارشنبه: ۱۴ – ژان ۳۰
پنجشنبه: ۱۲ – ژان ۳۰
شنبه: ۱۱ – ژان ۳۰
یکشنبه: ۱۰ – ژان ۳۰
دوشنبه: ۹ – ژان ۳۰
سه شنبه: ۸ – ژان ۳۰
چهارشنبه: ۷ – ژان ۳۰
پنجشنبه: ۶ – ژان ۳۰
شنبه: ۵ – ژان ۳۰
یکشنبه: ۴ – ژان ۳۰
دوشنبه: ۳ – ژان ۳۰
سه شنبه: ۲ – ژان ۳۰
چهارشنبه: ۱ – ژان ۳۰
پنجشنبه: ۰ – ژان ۳۰

ششمین روز سیزدهمین دوره جام جهانی والیبال روز چهارشنبه هفته جاری با ۶ دیدار پیگیری می‌شود. تیم های شرکت کننده در سیزدهمین دوره

برنامه ریزی ایران و کره جنوبی برای شناخت حقوق بشر دو کشور

معاملون حقوقی و بیسن الملل وزارت امور خارجه کشورمان برآمدگی جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد مکاتیم گفتگوهای حقوق بشری در منظور تقویت شناخت متقابل ایران و کره جنوبی و مکاتیم‌های حقوق بشری دیگری، تأکید کرد.
مهم‌ترین محورهای سفر عراچی در دیدار «کیم هونگ کیون» معاون امور سیاسی وزارت امور خارجه کره جنوبی که برای برگزاری نشست مکاتیم مشترکی در سطح معاونان وزارت امور خارجه دو کشور به تهران سفر کرده است،با اشاره به روابط دوستانه و پایدار دو کشوراز بدو برقراری روابط دیپلماتیک، ابراز اطمینان کرد که با توجه به روند مثبت و پشیرت توافق‌های حاصله در قارچوب برجام، شاهد گسترش بیش از پیش روابط تهران و سول در تمامی زمینه‌ها خواهیم بود.
کیم هونگ کیون هم با اشاره به این که کشورش «مهوورا از ماکازات جمهوری اسلامی ایران و کشورهای ۵+۱ حمایت کرده، ابراز اطمینان کرد که همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و کره جنوبی به زودی در تمامی زمینه‌ها به ویژه جدیدی شود. وی با استقبال از پیشنهاد عراچی درزمینه گفتگوهای حقوق بشری و حضور فعال

مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه

سرویس سیاسی – اجتماعی:
استاندار تهران گفت: مسکن تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته شده که بیش از ۳۳۰ هزار واحد تحویل شده است و از این تعداد ۱۵۰ هزار واحد دارای مشکل است. آب، برق و گاز است.
سیدحسین هاشمی در گفتگو با فانسرس وزارت مسکن مهر گفت: مشکلات زیادی داشت و دولت یازدهم تصمیم گرفت با وجود همه مشکلات آن را به اتمام برساند.
کیموه‌ادی سایت‌های مسکن مهر در تهران از مسکن مهر، ۳۲۷ واحد ساخته



خوانسار؛ بهشت آرمیده در دامان گلستان

کانسار، کانیسار، خنسار، خونسار و اکنون خوانسار نام‌هایی است که به سرزمین بهشت آسای آرمیده در دامنه گلستان کوه نسبت داده‌اند و واژه شناسان معنی چشمه ساران را از آن‌ها استنباط کرده‌اند زیرا خان به معنی چشمه و سار به معنی فراوانی است. اکنون نیز از سرزمین خوانسار مخصوصاً در فصل آبسالی چشمه‌های فراوانی از دل زمین می‌جوشد که نام برخی از آنها عبارت است از: چشمه آخوند، چشمه امیرزا اسدالله، چشمه کنار بقعه ابعادنان، چشمه پیر، چشمه جیدا، چشمه شهرک، چشمه مرزنگوش، چشمه سیل، چشمه علی و صدها چشمه دیگر...

در صفحات ۵۰۴ بخوانید



کار درمانی اعصاب و روان
صفحه ۶



غار آفتاب، اثر تیه‌بلا تکلیف تمدن ایران
صفحه ۵



خیلی خوب بودن کمی بد است
صفحه ۳۰



پولیومیلیت
صفحه ۲

یادداشت

کره خاکی و مسئولیت ما

بیژن آبی

چالش‌های زیست محیطی امروزه توجه بسیاری از افراد و گروه‌ها و حتی سران کشورها را به خود جلب کرده است. مقابله با چالش‌های زیست محیطی باعث شده است گروه‌های زیادی از علاقه‌مندان به کره زمین در موارد بسیاری بدون توجه به موقعیت مکانی زندگی خود و عقاید شخصی همبستگی ویژه‌ای در این زمینه با همدیگر داشته باشند. و این همبستگی هامنجر به توسعه توجه مردم کشورهای مختلف به حفظ محیط زیست شده است.

سران کشورهای جهان به دور از دیدگاه‌های سیاسی خود ضمن برپایی نشست‌های گوناگون به پروتکل‌های همکاری زیادی دست یافته و در جهت اجرایی شدن این همکاری‌ها با استفاده از ابزارهای سیاسی سعی می‌کنند مشکلات زیست محیطی را از بین برده یا به حداقل برسانند. افراد و انجمن‌های مردم نهاد بسیاری نیز علاوه بر تلاش بر حفظ محیط زیست، بر آموزش همگان به ویژه نسل جوان در سراسر جهان همت می‌گذارند، زیرا که بیش از یک کره مسکون نداریم و برای حفظ آن باید همگان احساس مسئولیت کنند تا بیش از این شاهد تخریب کره خاکی مان نباشیم.

به همان نسبتی که جهان صنعتی تر شده تخریب محیط زیست نیز گسترش یافته است و از سوی دیگر روز به روز بر تعداد علاقه‌مندان حفظ محیط زیست افزوده شده است، و این افزایش علاقه به حفظ محیط زیست نیز ناشی از افزایش آگاهی‌های عمومی است، آگاهی‌هایی که خود تابعی از گسترش شبکه اطلاع‌رسانی در سطح جهان است.

ایران ما نیز به همان نسبت جهان و به مراتب بیش از آن با مشکلات زیست محیطی روبرو است که از جمله آنها می‌توان به آثار مخرب خشکسالی و منازعات منطقه‌ای اشاره کرد که اثرات سوء آن بر محیط زیست کشورمان بی‌تأثیر نبوده است و این امر احساس مسئولیت ما را در گسترش آگاهی‌های حفاظت از محیط زندگی مان دوجندان می‌کند.

موزه دانه‌حلم سبز و توسعه پایدار

متوازن است که همه ابعاد جامعه با یکدیگر در مسیر رشد قرار می‌گیرند و هیچ حوزه‌ای بر حوزه‌های دیگر برتری ندارد. برهم زدن توازن باعث آسیب رسیدن به بخش‌های دیگر به ویژه محیط زیست و فرهنگ می‌شود. بر اساس دیدگاه اشاعه‌دهنده جامعه پایدار، هر جامعه‌ای باید با تکیه بر زیربنای خود و استفاده درست از آنها به پایداری برسد.

ادامه در صفحه ۷

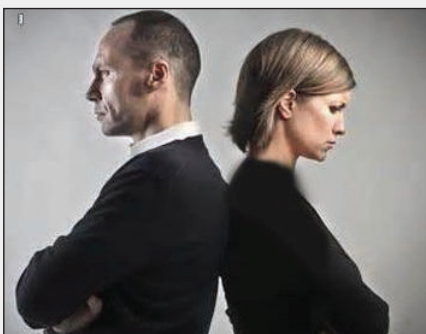
اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی است. بعد اجتماعی به رابطه انسان با انسان‌های دیگر، افزایش سطح رفاه افراد، بهبود دسترسی به سلامت و بهداشت و خدمات آموزشی توجه دارد. وجه اقتصادی با متغیرهای اقتصادی مرتبط است و توزیع عادلانه منابع از مهم‌ترین ابعاد آن است. بعد زیست محیطی با حفاظت از اکوسیستم مرتبط است و به رابطه بین طبیعت و انسان می‌پردازد. جامعه پایدار، جامعه‌ای

صحت از ضرورت توسعه پایدار برای جوامع از زمانی مورد توجه قرار گرفت که نگاه صرفاً اقتصادی به توسعه، جوامع را دچار چالش‌های متعدد زیست محیطی، فرهنگی و اجتماعی کرد. جامعه پایدار نیز مفهومی است که در کنار توسعه پایدار مطرح شد. از همین رو می‌توان همان ارکان توسعه پایدار را برای جامعه پایدار نیز در نظر گرفت. توسعه پایدار دارای ابعاد اجتماعی،

پروفسور علی گرجی

مقاله ویژه

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها



هم‌زدن آرامش یک انسان کافی است. عوامل تنش‌زا در دوره قبل از ازدواج می‌تواند به خود ما برگردد یا اینکه ناشی از دخالت اطرافیان یا معیارهای اشتباه اجتماعی باشند.

گاهی پس از تصمیم گرفتن برای ازدواج در مورد اینکه آیا انتخاب درستی کرده ایم دچار تردید می‌شویم و در نقشی که بایستی به عنوان همسر در زندگی زناشویی بازی کنیم، ارتباط مان با همسر آینده مان، برنامه ریزی برای آینده شغلی یا تحصیلی مان، داشتن توانایی برای مدیریت زندگی جدید توسط خودمان یا همسرمان و ... دچار مشکل می‌شویم، مشکلاتی که به باز شدن درهای دلشوره و دلوپسی به زندگی ما منجر می‌شوند.

ادامه در صفحه ۳

دوران قبل از ازدواج با آنکه همیشه به عنوان زمانی برای شادی و لذت بردن از آغاز برهه‌ای جدید و جذاب در زندگی محسوب می‌شود اما به دلایل متعددی می‌تواند به یکی از تنش‌زا ترین مراحل زندگی جوانان تبدیل شود؛ تنش‌هایی که نوع و شدت آن تا به حال توسط آنها تجربه نشده است.

مدیریت تنش‌ها و اضطراب در این مرحله باعث دلپذیرتر شدن دوره‌ای غیر قابل تکرار از زندگی نه تنها برای فرد بلکه برای همسر آینده وی می‌شود. در جریان این دوره فرد در مقابل هجومی از تصمیمات جدی، توقعات بی‌پایان، قوانین جدید و خرج‌های کمر شکن قرار می‌گیرد که هر کدام از آن‌ها گاهی به تنهایی برای بر

پولیومیلیت

کنترل فاز ایستایی به بیمار کمک می کند تا الگوی راه رفتن طبیعی تر داشته باشد و در نتیجه حرکات جبرانی که می توانند منجر به عوارض تخریبی شوند را کاهش می دهد. ژيروسکوپ موجود در این مفصل موقعیت اندام بیمار را شناسایی می کند (خواه اندام در فاز بلند شدن پاشنه از زمین باشد، خواه در فاز تماس پاشنه با زمین و ...).

کالبراسیون ساده ارتوز، تنظیم ویژگی های قفل کردن و باز کردن قفل را در مرحله فیتینگ آسان می کند.

عملکرد باز و بسته کردن دستی قفل به بیمار کمک می کند تا راحت تر با آن کار کند

نیاز به حداقل دامنه حرکتی مفصل میچ برای کنترل فاز ایستایی ندارد قابلیت تطبیق با حداکثر ۱۵ درجه سفت شدگی مفصل زانو در وضعیت خم شده در ارتباط با متوقف کننده دورسی

فلکشن در ناحیه میچ.

محمدعلی جوانشیر

عضو هیأت علمی دانشکده توانبخشی ایران

استقلال در کارهای روزانه خود را به دست بیاورند. با توجه به اینکه این بیماران دچار فلج یا آتروفی شدید عضلاتی در اندام های تحتانی می شوند، طوری که قادر به کنترل مفاصل زانو و میچ نیستند، استفاده از بریس های بلند، مناسب این بیماران است. شرکت اتوبوک موفق به طراحی وسایل ارتوزی با مفاصل هوشمند



شامل E-MAG Active و C-Brace شده که نسبت به انواع قدیمی دارای مزایایی به شرح ذیل است:

پولیومیلیت Polio myelitis یا فلج اطفال نوعی بیماری ویروسی است که در آن ویروس مولد بیماری موجب آسیب تعدادی از سلول های نخاع می شود و به دنبال آن تعدادی از عضلات اندام های بیمار فلج می شوند.

ویروس بیماری فلج اطفال از راه دستگاه گوارش یعنی خوردن مواد آلوده وارد بدن بیمار می شود و پس از اینکه خود را در گلولی بیمار تکثیر کرد، وارد جریان خون وی می شود. این ویروس پس از وارد شدن و جایگزین شدن در نخاع به سلول های آن حمله می کند و تعدادی از سلول های آن را از بین می برد. در نتیجه از بین رفتن سلول های عصبی نخاع انتقال پیام های عصبی مغز به اندام ها مختل می شود. بسیاری از بیماران مبتلا به فلج اطفال در سابقه خود ذکر می کنند که «وقتی بچه بودم مریض شدم و تب کردم. برای من آمپول پنی سیلین زدن و من توانایی حرکت را از دست دادم».

توانبخشی ارتوزی در این بیماران باعث می شود کیفیت زندگی بهتری داشته باشند و

رابطه سیگار با بیماری های دهان و دندان



در حال حاضر همه مردم می دانند که سیگار برای سلامتی مضر است و کشیدن سیگار می تواند موجب بیماری های زیادی برای افراد شده، در بعضی موارد حتی منجر به بروز بیماری های جنینی و وراثتی شود؛ اما از صدمات سیگار به محیط دهان، لثه ها و دندان ها آگاهی کافی وجود ندارد. کشیدن سیگار موجب تغییر رنگ دندان ها، بیماری های لثه، لق شدن دندان ها، بوی بد دهان و سرطان می شود.

به گزارش رادیو سلامت، یکی از اثرات سیگار کشیدن، تغییر رنگ دندان و ایجاد لکه های رنگی بر روی دندان ها است. این رنگدانه ها بر اثر دود ناشی از سیگار و نیکوتین به وجود می آیند و این مواد می توانند دندان ها را در مدت کوتاهی قهوه ای کنند. بیماران که سیگار می کشند، سرعت تشکیل پلاک باکتریال در آن ها زیاد است و همین امر باعث تسریع بیماری های لثه می شود و به علت کاهش میزان اکسیژن، خون رسانی مفید به لثه افزایش می یابد. بیماری لثه به علت صدمه به انساج نگهدارنده دندان شامل انساج پیوندناتل استخوان، مهم ترین عامل لق شدن دندان در بزرگسالان به ویژه افراد سیگاری است.

سیگار و سرطان

مخاط دهان را فراهم می کند. دندانپزشکان در این زمینه می توانند کمک زیادی به افراد سیگاری بکنند. انجام معاینات دوره ای و منظم و کنترل دندان ها و لثه ها و سلامتی محیط دهان از وظایف دندانپزشک است. دندانپزشک می تواند گونه ها، زبان و گلو را معاینه و علائم خطرناک و زخم های دهان را کنترل کند.

بسیاری از مردم می دانند که سیگار کشیدن موجب بروز سرطان ریه و نای می شود؛ اما هزاران نفر از مردم هنوز نمی دانند که کشیدن سیگار مهم ترین عامل بروز سرطان دهان است. گرما و مواد شیمیایی سیگار، موجب تغییراتی در مخاط دهان شده و زمینه ابتلا به سرطان

تب مالت، سیاه زخم و نکات پیشگیری

ذبح غیر مجاز و غیر بهداشتی دام ها باشند چون این کار موجب گسترش بیماری های قابل انتقال بین حیوان و انسان می شود.

لاشه حیوانات ذبح شده را نیز حداقل ۲۴ ساعت در یخچال نگه داری کنند و برای پیشگیری از ابتلاء به بیماری های قابل انتقال بین حیوان و انسان در هنگام خرد کردن گوشت از دستکش استفاده شود.

چنانچه دام بیمار باشد، در صورت تماس مستقیم با آن، احتمال ابتلاء به سیاه زخم وجود دارد. به همین دلیل لاشه دام های تلف شده به دلیل بیماری یا حوادث را باید به صورت بهداشتی دفن کنند. چرا که لاشه رها شده موجب انتشار انواع بیماری های قابل انتقال بین حیوان و انسان می شود.



ویژه بیماری ناتوان کننده تب مالت پیشگیری می شود و مردم باید از مصرف خامه، کره، پنیر تازه و بستنی غیر پاستوریزه جدا دوری کنند و هرگز شیر خام و غیر پاستوریزه مصرف نکرده، حتی به آن دست نزنند. همچنین با نزدیک شدن عید قربان، مراقب

امروزه نام برخی از بیماری ها به دلیل رعایت بهداشت یا مصرف مواد غذایی سالم، کمتر شنیده می شود و حداقل از فراگیری آن در همه مناطق کاسته شده است. اما نام برخی از بیماری ها به دلیل استفاده از همین غذاهای سالم ولی بسته بندی شده یا مدت دار بر سر زبان هاست و بسیاری از افراد را بر آن می دارد تا به مواد غذایی به اصطلاح طبیعی و بکر روی بیاورند. مثلاً شیر باز یا لبنیات محلی یا گوشت و پروتئین ذبح شده در محل های غیر رسمی را خریداری و مصرف کنند. غافل از این که تب مالت و سیاه زخم در کمین آن هاست.

به گزارش سلامت نیوز، فقط با استفاده از فرآورده های لبنی پاستوریزه از ابتلاء به بیماری های قابل انتقال بین حیوان و انسان به

گفته های پزشکان - ۳۶

تاریخچه «دارو»، «داروخانه»، «داروسازی» و نحوه مصرف دارو

تالیف: دکتر رحیم رباطی - داروساز

تهیه و تنظیم: رشید بهنام

دو نوع انسولین گاوی و خوکی با اختلاف یک یا دو اسید آمینه در فرمول با انسولین انسان تفاوت دارند که خوشبختانه در ایران با همت و اندیشه دانشمندان «داروسازی» نوع انسانی آن با کیفیت خوب تولید شده و در دسترس بیماران قرار گرفته است. در کشورهای دیگر مخلوط هایی از نوع گاوی و خوکی به میزان ۷۰ و ۳۰ مورد استفاده قرار می گیرد که البته نوع انسانی با نوع حیوانی قابل مخلوط شدن نیست و نوع انسانی در موارد بسیار خاص مانند زمان دوران بارداری، شروع درمان با انسولین و یا حساسیت به نوع حیوانی کاربرد ضروری دارد.

زمان تأثیر انسولین، به چند نوع ۱- کوتاه اثر با اثر سریع ۲- با اثر متوسط و ۳- با اثر طولانی یا کند تقسیم شده که است. نوع کوتاه اثر که به نوع انسولین معمولی یا رگولار معروف است تنها نوعی است که در موارد خاص مانند عفونت های حاد و جراحی و موارد حاد دیگر به صورت «وریدی» قابل استفاده است.

نوع میان اثر نیاز به گذشت زمان دارد تا اثر درمانی خود را برقرار کند و مخلوطی از انسولین و یک نوع ماده به نام «پروتامین» است که به نام انسولین NPH معروف شده و موجب کندی آزاد شدن و جذب تدریجی انسولین می شود. برای تأثیر سریع و یا شروع درمان از نوع «معمولی» استفاده و برای حفظ اثر در درازمدت از نوع میان اثر یا NPH استفاده می شود. که امروزه مخلوطی از آنها به نام انسولین ۳۰/۷۰ با فرمول خاصی برای حفظ سازگاری تهیه شده است. نوع NPH به صورت رنگ کدر و تزریق زیرجلدی انجام می شود که بعد از حدود یک ساعت، اثر آن شروع و تا ۲۴ ساعت بعد باقی می ماند که ممکن است براساس نیاز بدن دوبار در روز هم تزریق شود.

مقادیر داخل شیشه های انسولین براساس واحد بوده که هر شیشه حاوی ۱۰ سی سی ۱۰۰ واحدی در نظر گرفته شده که در مجموع ۱۰۰۰ واحد انسولین دارد و باید براساس دستور پزشک نسبت به انتخاب واحد انسولین دقت لازم را انجام داد که سرنگ های انسولین هم درجه بندی آنها براساس واحد و به راحتی قابل تنظیم است.

شرایط نگهداری انسولین بسیار مهم است و تا زمانی که مصرف نشده، باید در یخچال نگهداری شود. در حال مصرف در دمای اتاق نیز که بیشتر از ۲۵ درجه نباشد، قابل نگهداری است و در کل، به این مهم که «نگهداری» در دمای بالا و یا در فضای خیلی سرد، تأثیر آن را خنثی می کند توجه شود...

مطالب اجتماعی و نظرات خود را

برای ما ارسال کنید

روی پاکت نامه بنویسید: مربوط به ضمیمه اجتماعی

ایمیل ضمیمه اجتماعی روز نامه اطلاعات (ویژه خوانندگان)

zamimeh@gmail.com

شماره تماس: ۲۹۹۹۴۵۸۱

ادامه از صفحه اول

تصمیم گیری و برنامه ریزی در مورد مراسم ازدواج، امری است که در کشور ما تنها در دست زوج جوان نیست و اغلب خانواده های تازه آشنا شده با یکدیگر به صورت گروهی به این امر می پردازند. تصمیم گیری گروهی توسط تیمی ناهمگون که آشنایی زیادی با معیارها و توقعات یکدیگر ندارند، اغلب منجر به بروز مشکلاتی می شود که بیشترین تنش آن به عروس و داماد آینده وارد می شود. بسیاری از قوانین اجتماعی که بسیاری از آن ها هیچ دلیل منطقی در پشت سر خود ندارند، بایستی توسط زوج جوان رعایت شوند.

این رسوم که شاید چند دهه قبل باعث شادی و فرح می شده اند، مورد قبول زوج جوان نیستند؛ اما بایستی اجرا شوند، کارهایی عبث، خرج زا و تنش آفرین. دغدغه های اقتصادی برگزاری مراسم ازدواج و تبعات آن بر زندگی پس از ازدواج، هزینه مسکن و نحوه مدیریت سایر هزینه هایی که تازه پس از ازدواج با آن روبرو می شوید و ترس از ناتوانی در برآوردن تمام نیازهای اولیه تان گاهی بیشترین تنش را درست در زمانی که بایستی زیباترین و لذت بخش ترین برهه از زندگی مشترک تان باشد به شما و همسران وارد می کند. به همه این تنش ها و اضطراب ها وقتی ترس از ناموفق بودن ازدواج و کابوس طلاق هم اضافه می شود، گاهی دیگر کنترل و مدیریت تنش ها از کف مان خارج می شود و علائم اولیه اضطراب نظیر اختلال خواب، حساسیت بیش از حد، پرخاشگری، تپش قلب، خشکی دهان، خستگی، عدم تمرکز و ... ظاهر می شوند.

چگونه می شود تنش های قبل از ازدواج را مدیریت کرد؟

اولین قدم برای رهایی از تنش های دوران ازدواج شما این است که برای خودتان روشن کنید که چرا قصد ازدواج دارید. همه ما زمانی تصمیم می گیریم تا برای خودمان خانواده ای تشکیل دهیم تا در کنار همسرمان و فرزندان که در آینده خواهیم داشت با آرامش زندگی کنیم و از بودن در کنار عزیزانمان لذت ببریم. در این راه بایستی در همه فراز و نشیب های زندگی همراه همسرمان باشیم و هیچ چیزی مهم تر از منافع و موفقیت های خانواده جدیدمان نخواهد بود. در این راه بایستی همیشه با همسرمان صادق باشیم و سعی کنیم دست در دست هم به حل مشکلات پدید آمده بپردازیم. این کار را بایستی از همان روزی که تصمیم به ازدواج گرفتیم آغاز کنیم. در دوران قبل از ازدواج با همسران برای حل هر معضلی هر چند کوچک صحبت کنید، با او به برنامه ریزی بپردازید و سعی کنید تصمیمات شما بر اساس نیازها، امیال و آرمان های واقعی هر دوی شما گرفته شود. فراموش نکنید که هر دو با هم تصمیم بگیرید، نه اینکه تصمیم خودتان را به همسران تحمیل کنید. از روز اول از رودر بایستی های بی مورد پرهیز کنید. سعی نکنید «خود واقعی» تان را به دلایلی نظیر حفظ آبرو یا شرم در پشت هاله ای از ابهام به همسران معرفی کنید. با همسران رو راست، مهربان، وفادار و صادق باشید. «کشتن گربه دم در حجله» چیزی جز تنش در ابتدای زندگی و سردی و بیگانگی



اضطراب زدایی از جامعه - ۸۵

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها

در ادامه زندگی به دنبال نخواهد داشت.

مثبت اندیشی و واقع گرایی دو مفهومی هستند که از هر دری وارد شوند، تنش و اضطراب از در دیگر خارج خواهند شد. در داستان های کودکی ما همیشه شاهزاده ای خوش سیما سوار بر اسبی سفید از افق های دور ظاهر می شد و همسر خود را انتخاب می کرد و سوار بر اسب به قصر مجللی می برد و هفت شبانه روز جشن و پایکوبی ازدواج آن ها به طول می انجامید، داستانی که ناگزیر در ضمیر ناخودآگاه بسیاری از ما نشسته است. بهتر است هر فرد با واقع گرایی از شرایط فردی، اجتماعی و اقتصادی خود برای آینده برنامه ریزی کند.

اینکه تنها یک بار ازدواج می کنید و بایستی هر چیزی بی نظیر باشد دلیل متقاعد کننده ای برای تحمیل شرایطی خارج از توانایی شما نیست. حق با شماست، تنها یک بار ازدواج می کنید. پس سعی کنید با واقع نگری طوری برنامه ریزی کنید که بتوانید در کنار همسران هر چه بیشتر لذت ببرید و سال های بعد

گاهی والدین یا اقوام و اطرافیان به دنبال تحقق آرزوهای برآورده نشده شان در زندگی فرزندشان هستند، آرزوهایی که گاهی رسیدن به آن باعث درد و رنج فرزندشان می شود.

این تدبیر و زیرکی شماسنت که چگونه احترام آن ها را نگهدارید و برنامه ایده آل خودتان را اجرا کنید. فراموش نکنید شما با همسران ازدواج می کنید نه با اقوام و دوستان و آشنایان!

که به خاطرات این سال ها می اندیشید، احساس بدی وجودتان را فراتر کنید. فراموش نکنید این مراسم متعلق به شما و همسران است و شما بیشتر از هر کسی حق لذت بردن و شادی هستید. شادی خودتان را برای رعایت حال دیگران یا رودر بایستی با یک سری قوانین اجتماعی دست و پا گیر تبدیل به غم و تنش نکنید. به

دغدغه های اقتصادی برگزاری مراسم ازدواج و تبعات آن بر زندگی پس از ازدواج، هزینه مسکن و نحوه مدیریت سایر هزینه هایی که تازه پس از ازدواج با آن روبرو می شوید و ترس از ناتوانی در برآوردن تمام نیازهای اولیه تان گاهی بیشترین تنش را درست در زمانی که بایستی زیباترین و لذت بخش ترین برهه از زندگی مشترک تان باشد به شما و همسران وارد می کند

علاوه فراموش نکنید که چه بخواهیم و چه نخواهیم با توجه به وضعیت فرهنگی-اجتماعی کشورمان نمی توانیم کنترل همه چیز را در دست گیریم که این می تواند منجر به نقایصی در مسیر مراسم و مراحل ازدواج شود. قبول این واقعیت به خصوص اگر با هم فکری و همراهی همسرمان باشد، باعث می شود که خیلی از مشکلات پدید آمده را به همان شکل قبول کنیم و از کنارش بگذریم، بدون آن که درگیر شویم و در تنش بیفتیم.

پدر و مادر ما معمولاً الگویی از ارتباطات خانوادگی را به ذهن ما سپرده اند. اما بعضی از این الگوها صحیح نیستند، رفتارهایی مبتنی بر برتری جویی، عصبانیت و پرخاشگری، شرم و خجالت، اهمال کاری و ... باید بدون تعصب الگوهای مطلوب را در رفتارمان جایگزین کنیم و دیگر الگوها را تا حد امکان از رفتارمان حذف کنیم. نباید فراموش کنیم که پس از ازدواج خانواده ما دیگر خانواده ای که پدر و مادر و خواهر و برادرمان در آن هستند نخواهد بود؛ بلکه شما و همسران خانواده ای نوین را بنا نهاده اید. گاهی والدین یا اقوام و اطرافیان به دنبال تحقق آرزوهای برآورده نشده شان در زندگی فرزندشان هستند، آرزوهایی که گاهی رسیدن به آن باعث درد و رنج فرزندشان می شود.

بایستی با دید باز به این گونه دخالت ها نگاه کرد و در عین رعایت احترام والای آن ها، طوری رفتار کرد که به منافع خانواده جدید شما و به شادی و

سلامتی شما لطمه نخورد. این تدبیر و زیرکی شماسنت که چگونه احترام آن ها را نگهدارید و برنامه ایده آل خودتان را اجرا کنید. فراموش نکنید شما با همسران ازدواج می کنید نه با اقوام و دوستان و آشنایان!

این دوران پر از برنامه و رفت و آمد است، طوری که گاهی خودتان را فراموش می کنید. سعی کنید برای آن که بتوانید بهتر تمام مشکلات احتمالی را مدیریت کنید، خواب مناسب و کافی، ورزش و تغذیه مناسب را فراموش نکنید. اگر سر کار می روید و آن جا هم کلی برنامه دارید که خسته تان می کند، چند روزی را مرخصی بگیرید تا بهتر بتوانید برای برنامه هایتان وقت بگذارید. در میان همه این رفت و آمد و هیاهوها، چند دقیقه ای در روز با همسران به پارک بروید یا در خارج از منزل یک فنجان چای یا قهوه بنوشید و در مورد زیبایی زندگی آینده تان به صحبت بنشینید، بدون اینکه حتی جمله ای راجع به مراسم و برنامه های ازدواج بگویید. نگذارید تنش ها رفته رفته به صورت مزمن وجودتان را به تصرف خود در بیاورد، قدری آرام سازی روزانه بسیار کمک کننده خواهد بود. هر چند روز یک بار هم، خودتان به تنهایی در حالی که به یک موسیقی آرام بخش گوش می کنید در خلوتی به برنامه هایتان و در مورد مسایلی که هنوز در مورد آنها به نتیجه نرسیده اید بیندیشید. گاهی در آرامش تنهایی می توان راه حل هایی طلایی پیدا کرد.

اگر بعد از همه این راه ها هنوز هم تنش ها دست از سر شما برنداشته اند یا اینکه شرایط خاص شما هر لحظه به تنش های شما می افزاید سعی کنید به همراه همسران یا به تنهایی از راهنمایی های یک مشاور خبره استفاده کنید. در بسیاری از کشورها، شرکت در دوره های مشاوره قبل از ازدواج رایج است و در تحکیم خانواده بسیار کمک کننده است.

بسیاری از زوج ها با عشق و علاقه بی مثالی با هم ازدواج می کنند، ولی پس از چند ماه یا چند سال از رنگ باختن عشق و علاقه میان خود گله و شکایت دارند. خیلی از آن ها به یاد ندارند که چگونه در اولین گام و در دوران قبیل از ازدواج در میان تلاطم تنش ها و اضطراب گیر افتادند و در این طوفان هولناک به کمک یکدیگر نیامدند. این همان نقطه ای بود که عظمت، هیبت و زیبایی عشق شان شروع به افول کرد. شاید اگر آن ها هم در آن زمان قدری بیشتر می اندیشیدند، عاقلانه تر و منطقی تر در مورد مسایل قبل از ازدواجشان تصمیم می گرفتند.

در آخر داستان مهم نیست در چه سالی جشن گرفته اید، در مراسم شما چند نوع غذا سرو شده است یا لباس و خودروی عروسی شما چه بوده است، مهم این است که اولین گام مشترک شما و همسران سرشار از عشق، یگانگی، همبستگی، ابتکار، اشتیاق، فراسط، نشاط و هوشمندی باشد. آن وقت شما پایه های بنای مستحکم زندگی تان را با ذکاوت و خرد خودتان بنیان نهاده اید. حالا می توانید انتظار داشته باشید که عشق و محبت شما و همسران ماندگاری به پهنای زندگی تان داشته باشد.

استاد دانشگاه مونستر آلمان
مرکز تحقیقات علوم اعصاب شفا-بیمارستان
خاتم الانبیاء (ص)

خیلی خوب بودن کمی بد است

آنکه آنها مثل ما نه خدا باورند و نه امکانات جبرانی دارند مگر به طور محدود و آن هم تکوینی و غریزی. این همه امکانات و فرصت ها (علم و ادب و اخلاق و عرفان) داریم و با وجود این خیلی زود ناامید می شویم. برای مقابله با ناامیدی باید به طبیعت پناه برد.

در طبیعت، هیچ چیزی برای بلندمدت رو به عقب نمی رود، بلکه همه چیز رو به جلو و بالا (سازندگی و بالندگی) دارد.

پروفسور حسین باهر

در هستی فقط یک نمونه کامل در هر رده خلقتی داریم که همه چیزشان بدر خور است: سنگ طلا، درخت انگور، زنبور عسل، انسان کامل (توانا، دانا، شکیبا و زیبا). بقیه موجودات، از نوعی نقص برخوردارند که باید به سمت کمال حرکت کنند. پس اگر دیدی کامل نیستی نگران نباش ولی انگیزه کمال پیدا کن. متأسفانه بعضی ها دست به مقایسه می زنند و آنچه ندارند را می بینند. بعضی ها هم در شکستی که می خورند فرو می روند و باصطلاح «هنگ می کنند».

هیچ یک از مخلوقات خدا از شکست ناامید نمی شوند با





پهشت آرمیده در دامان گلستان خوانسار

کانسار، کانیسار، خنسنار، خونسار و اکنون می‌ریزد، پل ساسان یا (ساسون) که بر روی رودخانه خوانسار بسته شده، از پلهای باستانی است. تیدجان دارای چندین کبوترخانه است و سه واحد آسیاب آبی دارد و کوه هیکل که در آن عبادتگاه زرتشتیان بوده در ضلع شمالی روستای تیدجان است، در سوی دیگر جاده و نزدیک به تیدجان روستای(قودجان) قرار دارد در برخی منابع به صورت(فورجان)) آمده است.



اگر در اردیبهشت ماه به خوانسار رفته باشیم فصل دیدن لاله‌های سرنگون دامنه(گلستان کوه) است. کوهی که خوانسار در دامنه آن آرمیده است و گلستان است و گلستان کوه محل رویش گیاه(گزانگبین) نیز هست که از گلهای آن برای ساختن نوعی گز به نام(گزانگبین)استفاده می‌کنند که نوعی گون وحشی است.

است.برای وارد شدن به شهر خوانسار باید از کنار روستای (بیدهند) گذر کنیم آنجا یک مجسمه شیر سنگی وجود دارد که در قدیم بر روی مزار دلاورانی که در جنگ‌ها کشته می‌شدند می‌گذاشتند. حال وارد بلوار ورودی شهر خوانسار می‌شویم سمت راست ما باغ ها و درختان تناور گردو خود نمایی می‌کنند و در پشتست این درختان انبوه رودخانه خوانسار است، اگر چه هر ساله تعداد زیادی از این درختان قطع می‌شوند و به جای آنها ویلاها و ساختمان‌های مجلل ساخته می‌شود.حسینیه دوراه در خیابانی که از این مسیر منشعب می‌شود قرار دارد و از قدمتی زیاد برخوردار است. حال اگر مسیر مستقیم را ادامه دهیم به میدان امام خمینی می‌رسیم. پس از گذری چند به جایی می‌رسیم که درختان کهن و تناور از بالا چنان به هم نزدیک شده‌اند که یک(تونل سبز) را ساخته‌اند و در این رهگذر در آن طرف رودخانه (خانه حبیبی‌ها) آشکار است. خانه‌ای در دو آشکوب با تیرهای چوبین و پنجره‌های مشبک چوبین با سر در ورودی با شکوه که امروزه به (حسینیه حبیبی‌ها) تبدیل شده و همه سساله ماه محرم در آن عزاداری شهادت سالار شهیدان امام حسین علیه‌السلام و یاران باوفایش برگزار می‌شود.

آرامگاه(باباپیر)، که از علمای ششیعه در پارک سرچشمه قرار دارد و این بنا در سال ۱۲۵۵ قمری تعمیر شده و چشمه‌ای هم درون آن می‌جوشد در محل سرچشمه آسیابی آبی هنوز دایر است. در اطراف میدان سپاه و در حدود اداره پست خوانسار(مسجد جامع خوانسار) معروف به(مسجد چهارراه) قرار دارد و نرجس خاتون) با خط کوفی روی آنها نوشته شده

که در عهد صفویه بازسازی شده است. این مسجد با مساحتی حدود سه هزار مترمربع و گنجبری‌های بسیار نفیس آن گنبد ندارد و تنها دارای یک گلدسته کوچک سه متری است اثر تاریخی مسجد دری چوبی است که درب شمالی مسجد است و مثبت کاری ظریف و پر ارزشی دارد. محراب آن از جمله صنایع هنری بسیار ظریف است. در اطراف میدان سپاه و در خیابان سیزده محرم که از میدان در جهت جنوب منشعب می‌شود و سرایشیی است؛ و در محله(رئیسان)؛ خانه قدیمی(ابهریها) قرار دارد. این خانه در زمان قاجار توسط(آیت‌الله سید محمدباقر ابهری)، بنا شده است و در نقاشی یکی از اتاق ها در جبهه شمالی قطعه شعری نوشته شده که به حساب جمل تاریخ(۱۲۷۸ هجری قمری) را نشان می‌دهد. مساحت بنا با حیاط مرکزی ۸۰۰متر مربع است که در دو آشکویه ساخته شده در تاریخ دهم خردادماه ۱۲۸۲ خورشیدی به شماره ۹۰۵۲ ثبت ملی شده است.

قبل از میدان سپاه و در خیابان آیت‌الله خوانساری(استان امام‌زاده سیدمحمدابن علیقتی) و موزه مردم‌شناسی خوانسار قرار دارد.آرامگاه (بابا ترک)نیز در این شهر گنبدی هرمی شکل ۱۲ ضلعی دارد و قدمت آن به عهد صفویه می‌رسد. این مکان دارای آب انبار و سردابه‌ای قدیمی و نام واقعی آن(سیدمحمود) است.

اگر در اردیبهشت ماه به خوانسار رفته باشیم فصل دیدن لاله‌های سرنگون دامنه(گلستان کوه) است. کوهی که خوانسار در دامنه آن آرمیده است و گلستان کوه محل رویش گیاه(گزانگبین) نیز هست که از گلهای آن برای ساختن نوعی گز به نام(گزانگبین)استفاده می‌کنند که نوعی گون وحشی است و گلها و پوشش گیاهی دامنه گلستان کوه محلی بسیار مناسب برای زنبور داری و تولید عسل است و کولونی‌های عسل در این دامنه فراوانند و (عسل و گز) از سوغات مهم خوانسار هستند و نیز از باغات انبوه آن سوغات(برگه زردآلود و برگه هلو و لواشک و گردو...) حاصل می‌شود. هنر مثبت کاری و ساخت وسایل چوبی در خوانسار از گذشته‌های دور تاکنون بسیار معروف و یکی دیگر از تحفه و سوغاتی‌های این دیار هنرپرور را تشکیل می‌دهد.

هنر قالی‌بافی نیز در این شهرستان رواج دارد و قالی‌های آن از(نوع ویسی با نقشه شاه عباسی) است. گویش یا زبان خوانساری از زبان‌های ایرانی مرکزی و شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی غربی شمالی و بالاخره شاخه‌ای از (زبان‌های هند و اروپایی) است، سازمان یونسکو به دلیل کاهش شدید گویش وران این زبان به دلیل مهاجرت از خوانسار با نفوذ رسانه‌ها(آن را از جمله زبان‌های در حال خطر) اعلام کرده است.

عزیزالله‌سمیعی



«کرفتو» در زبان کردی به معنی غار آفتاب است؛ بزرگترین غار دست‌کنند ایران، با ۷۵۰ متر طول اکتشاف شده و تعداد زیادی دهلیزهای کشف‌شده در استان کردستان بین سقز و دیوان‌دره قرار دارد. خود غار این طور که زمین‌شناسان می‌گویند متعلق به دوره‌های میانی حیات زمین است که بعد از عقب رفتن آب‌ها، از زیر دریا بیرون آمده و تحقیقات نشان می‌دهد که در دوره پیش از تاریخ، محل سکونت انسان‌های اولیه بوده است.

اگر برای دیدن دست‌نگارهای بشر اولیه هیجان‌زده می‌شوید لازم نیست تا اسپانیا و فرانسه بروید؛ غار کرفتو تعدادی از این نگاره‌های باستانی را به صورت حجاری روی دیوارهای خود دارد؛ نقش‌هایی از گوزن و حیوان‌های ناشناخته دیگر.

باستان‌شناسان می‌گویند این غار در دوره‌ای از تاریخ ایران استفاده‌ای به عنوان معبد داشته است. مینرپرستان که قبل از سلطه حکومت زرتشتی بر سراسر کشور، آزادانه در فلات ایران زندگی می‌کردند، غار کرفتو را به عنوان یکی از عبادتگاه‌های خوشان انتخاب کرده بودند. بعدها وقتی دین زرتشت در سایه حکومت هخامنشی گسترش پیدا کرد، پیروان میترا که مورد قبول نبودند، برای حفظ معبدشان از گزند و حمله، آنها را در پشت سنگچین‌های منظمی پنهان کردند تا حفظش کنند. در دوره‌های بعدی، این غار موارد استفاده دیگری هم پیدا کرد. ساخت «گور دخمه» که شکل رایج برای دفن مردگان در دوره‌های هخامنشی بوده است، غار کرفتو را به گورستان تبدیل کرد؛ جایی که در آن سالن‌های مختلف به عنوان پیشخوان، نمازخانه و اتاقی که اجساد را در آن قرار داده بودند وجود داشته است. در سال‌های سلسله سلوکیان که اصالتاً یونانی‌تبار بوده‌اند، غار کرفتو همچنان به صورت یک مقبره باقی مانده است. در ورودی یکی از اتاق‌های این غار که در طبقه سوم آن قرار دارد، نوشته‌ای به زبان یونانی روی سنگ کنده شده که می‌گوید: «در این مکان هراکلیس خفته است؛ نشانه‌ای از اینکه از گور دخمه‌ها حتی دوره سلوکیان نیز استفاده می‌شد.

این احتمال وجود دارد که غار در دوره ساسانیان هم همچنان به همان صورت گور دخمه مورد استفاده بوده است. بعد از ورود اعراب به ایران، موارد استفاده غار آفتاب باز هم تنوع بیشتری یافت. این بار نه به‌عنوان زیارت‌گاه یا مقبره بلکه محلی برای زندگی انسان‌ها؛ جایی که احتمالاً در سده چهارم هجری هنوز هم انسان‌ها با حیوانات اهلی و گله‌های بز و گوسفندشان در آن زندگی می‌کردند یا برای در امان ماندن از بلای‌های طبیعی به آن پناه می‌بردند. در سنگ‌های سازنده سالن‌های بزرگ غار هنوز هم کنده‌کاری‌هایی را که برای بستن مهار حیوانات آن‌ها استفاده شده می‌توان دید.

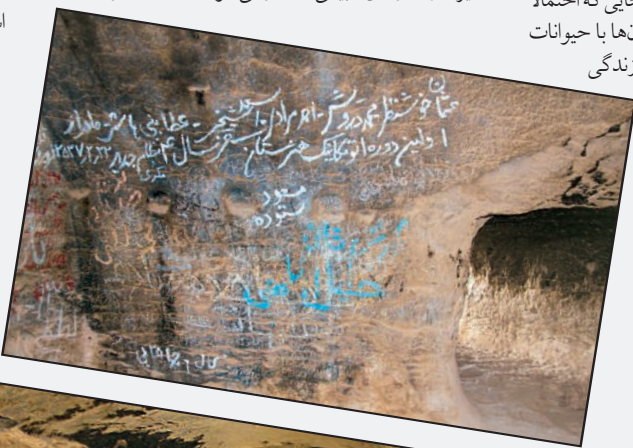
غار کرفتو اولین‌بار توسط یک باستان‌شناس روس تبار مورد بررسی سطحی قرار گرفت. دست‌نوشته او بر سنگ یکی از دیوارهای غار نشان‌دهنده زمان حضور او در کرفتو است. غار کرفتو در سال ۱۸۱۸ میلادی توسط سر ارابرت کریورتر» بازدید و کتیبه آن خوانده شد. در سال ۱۸۳۸ میلادی (هنری اولینسون» از غار بازدید کرد و آنچه را به وسیله کریورتر از کتیبه خوانده شده بود، اصلاح کرد. ۱۹۶۳ دوباره گذار یک باستان‌شناس خارجی به کرفتو افتاد، سر «اورل اشتین» به همراه یک دستیار ایرانی تلاش کردند نقشه غار را تهیه کنند و به موفقیت‌هایی هم دست یافتند؛ هرچند نقشی‌ای که توسط آن‌ها طراحی شده، کامل نیست.

دست‌نوشته و طرح‌های مختلفی روی سنگ‌های غار کرفتو وجود دارد که بعد از گذشت زمان ارزش

تاریخی پیدا کرده است. احتمالاً یکی از انگیزه‌های مردمی که این روزها با سنگ و سوهان و انواع و اقسام رنگ به جان بافت طبیعی و دست‌ساز غار می‌افتند تا روی آن یادگاری‌هایی از حضورشان در این محوطه باستانی بگذارند همین حس جاودان شده است! یکی از این دست‌نوشته‌ها که ارزش تاریخی پیدا کرده، یادگاری چند نفر از بازدیدکنندگان غار است که آن گونه که خود نگاشته‌اند در «سال ۲۵۲۷ شاهنشاهی» به این غار رفته بودند و نوشته‌شان هنوز هم روی سنگ‌های

حتی تالارهایی که دسترسی به آن‌ها دشوار است و گاهی باید راهروهای آن را خمیده و روی زانو‌ها طی کرد هم از قلم یادگاری‌نویسان در امان نبوده است؛ از دوستانی که دو نفره با هم به غار آمده‌اند گرفته تا اردوهای مدرسه‌ای، هرکس به سهم خودش دیواره سپید آهکی را مورد عنایت مورد عنایت قرار داده اند!

غار توی چشم می‌زند. علاوه بر قسمت‌های «دست‌کن» غار که طی سال‌ها مردمان دوره‌های مختلف ایران از آن استفاده‌های متفاوت کرده‌اند، غار آفتاب ساکنان دیگری هم دارد. بعد از گذشتن از یکی از دالان‌های این غار، تازه دهلیزها و تالارهای طبیعی آن آغاز می‌شود که سقفشان از



غار آفتاب، ا رثیه بلا تکلیف تمدن ایران



جنس آهک است و کفشان به عمق بیش از دو متر تماماً از مدفوع خفاش‌های ساکن غار پوشیده شده است.

حتی این تالارها که دسترسی به آن‌ها دشوار است، حضور در آن‌ها نفس کشیدن را سخت می‌کند و گاهی باید راهروهای آن را خمیده و روی زانو‌ها طی کرد هم از قلم یادگاری‌نویسان در امان نبوده است؛ از دوستانی که دو نفره با هم به غار آمده‌اند گرفته تا اردوهای مدرسه‌ای، هرکس به سهم خودش دیواره سپید آهکی را مورد عنایت قرار داده اند!

برق‌کشی در ۷۰ متر اولیه غار انجام شده، اما لامپ‌های زرد و نامناسب با کج‌سلیقگی در غار کار گذاشته شده‌اند. نور آنها در برخی مواقع به دلیل گرمای زیادی که ایجاد می‌کند به بدنه غار آسیب زده و گاهی انرژی لازم را برای رشد قارچ و جلبک‌هایی که به خرابی بافت غار می‌انجامد، فراهم کرده است. بعد از آخرین تالاری که با نور این لامپ‌ها روشن شده، غار همچنان ادامه دارد، اما اکتشاف در آن انجام نشده؛ چراکه دسترسی به این قسمت غار بسیار سخت‌تر است و به تجهیزات و صرف هزینه نیاز دارد.

برای ورود به این غار باید بلیط بسیار ارزان‌قیمتی تهیه‌شود و در اغلب مواقع بازدیدکننده‌ها راهنمایی ندارند که برایشان توضیح بدهد ارزش کرفتو چیست و باید مراقب باشند که بیش از این به غار آسیب وارد نشود.

میراث فرهنگی منطقه «زویوه» در تلاش است تا هزینه‌های مربوط به نگهداری و بهبود وضعیت غار را فراهم کند. تلاش برای انجام اکتشاف‌های جدید در غار، تهیه نقشه غار و آماده کردن زیرساخت‌ها برای معرفی این غار به گردشگران و علاقه‌مندان، در جریان است؛ با این حال، برخی آسیب‌های جبران‌ناپذیر هم به این اثر باستانی وارد شده که پول نمی‌تواند آن‌ها را جبران کند.

فاطمه کریم‌خان ایستا



کارشناسان سلامت روان می گویند ۲ تا ۳ درصد جمعیت هر کشور بیماری شدید روانی دارند یعنی در کشور ما حداقل یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر. کاردرمانی که از رشته‌های پیرایشکی محسوب می‌شود در کشورهای توسعه

کاردرمانی اعصاب و روان



یافته نقش و فعالیت قابل توجهی در توانبخشی بیماران جسمی و بیماران اعصاب و روان دارد. در کشورهای در حال توسعه مانند ایران متأسفانه هم خانواده‌ها شناخت کمی از این رشته و اثربخشی آن در تیم درمان و توانبخشی بیماران اعصاب و روان (که شامل روانپزشک، روانشناسی بالینی، روانپرستار، کار درمانگر و مددکار است) دارند و هم امکانات دولتی و غیردولتی بسیار محدودی از لحاظ کلینیک‌های کاردرمانی وجود دارد.

طیبه معصومی، کارشناس ارشد کاردرمانی در تعریف کاردرمانی می گوید: کاردرمانی (occupational therapy) به طور کلی رشته‌ای تخصصی است که هدفش بیشتر بازگرداندن استقلال در فعالیت‌های روزمره زندگی کسانی که به هر دلیل آسیب دیده‌اند (آسیب جسمی، روانی، اجتماعی) و همین طور بالا بردن کیفیت زندگی آنان است. واژه **occupation** به معنای فعالیت‌هایی است که افراد برای اهداف روزمره انجام می‌دهند و ممکن است عوامل مختلفی باعث اختلال در آن شود. لازم به ذکر است که در اقدامات پزشکی به رفع علائم بیماری پرداخته می‌شود اما در کاردرمانی، توانبخشی صرفاً به معنای کاستن از علائم بیماری نیست بلکه کمک به مراجعان برای یک زندگی مستقل با وجود محدودیت‌ها و علائم است.

به گفته این فارغ‌التحصیل دانشکده علوم توانبخشی، کاردرمانگرها در بخش‌های بیمارستان‌ها در مراکز جامع توانبخشی که مراجعه بیمار به شکل سرپایی است خدمات رسانی می‌کنند. در بیمارستان‌ها نقش کاردرمانگر کمک به تطابق بیمار با محیط بیمارستان به منظور تسهیل روند تشخیص و کاهش علائم بیماری است. همانطور که می‌دانید تحمیل محیط بیمارستان برای بیماران روان بسیار سخت است. کاردرمانگر فضا را متنوع و سرگرم کننده می‌سازد. وی با ملاحظه علائم و بیمار و گزارش آن به روانپزشک به تشخیص دقیق بیماری کمک می‌کند. در واقع هم به درمان بیمار کمک نموده و اثربخشی‌ها را بر روی وی بررسی می‌کند. کاردرمانگر سعی دارد تا در عین اینکه بیمار علائم حاد دارد او را فعال سازد و تأثیرات جانبی دارو مثل رخوت را به حداقل برساند.

او با بیان اینکه در کاردرمانی اعصاب و روان روش‌های متفاوتی از جمله گروه درمانی، رفتاردرمانی و شناخت درمانی وجود دارد، در توضیح مراحل کار می گوید: ابتدا مراجعه کننده یا بیمار ارزیابی می‌شود و بررسی می‌شود که چه توانایی‌هایی را از دست داده و چه توانایی‌ها و امکاناتی برای او باقی مانده است. سپس مطابق با وضعیت وی، کاردرمانگر به طراحی توانبخشی می‌پردازد که ایسن کار در مراکز کاردرمانی و با کمک خانواده صورت می‌گیرد.

معصومی درباره همپوشانی کاردرمانی با مشاوره و روانشناسی بالینی و مددکاری می گوید: کاردرمانگران در حوزه روان ممکن است از برخی روش‌های سایر درمانگران استفاده کنند اما

اقتصادی و تجارب وی توجه شود، می افزاید: خانواده جزء مهمی از درمان و توانبخشی است، اما متأسفانه خانواده‌ها معمولاً مانع استقلال بیمار می‌شوند. موضوع آن است که برخلاف هنگام بروز بیماری جسمی که خانواده در پی کسب اطلاع

از نظر اهداف درمانی، تفاوت اصلی درمانگران با سایر رشته‌های درمانی، ایجاد استقلال بیشتر در عملکردهایی روزمره مراجعان است. در واقع کاردرمانگر همه روش‌ها را برای بهبود عملکردهای روزمره فرد به کار می‌گیرد.

کلان مصرف می‌شود اما برای توانبخشی بیماران، کار کمی صورت می‌گیرد که باید حداقل در کنار هم پیش بروند. از طرف دیگر، نتیجه بسیاری از کارهای تحقیقی به کلینیک‌ها منتقل نمی‌شود. در مورد نهادهای مؤثر دولتی، ظاهراً سازمان بهزیستی و وزارت کار باید فعال‌تر باشند. این در حالی است که NGOها تلاش بیشتری دارند. البته گاه برای حرفه‌آموزی به بیماران اقداماتی انجام می‌گیرد ولی در امور دیگر ضعف‌هایی وجود دارد.

این کارشناس ارشد کاردرمانی درباره اشتغال بیماران روان می گوید: ابتدا باید فرهنگ‌سازی صحیح صورت گیرد و قبل از اشتغال، دید افراد جامعه و حتی متخصصان نسبت به بیماران روان اصلاح شود. در واقع همه افراد جامعه باید از حقوق مساوی برخوردار شوند و نباید اشتغال برای آنان را لطف به آنان دانست بلکه این یک وظیفه از سوی نهادهای مربوطه است. حتی صرف تصویب قانون حقوق بیماران روان کافی نیست بلکه اجرای آن اهمیت دارد. ضمناً ایجاد فرصت‌های شغلی موجب کاهش نشانه‌های بیماری شده و همچنین آمار بستری مجدد را کاهش می‌دهد.

معصومی ادامه می‌دهد: نظارت کاردرمانگر بر وضعیت بیمار فقط منحصر به پیش از اشتغال نیست، بلکه باید در صورت لزوم ابتدای اشتغال، حین اشتغال و پس از ترک احتمالی آن انجام پذیرد. کاردرمانگران در مراحل مختلف ارزیابی پیش حرفه‌ای، آموزش‌های شغلی، تطابقات محیطی، آموزش کارکنان و کارفرما و ... نقش اساسی دارند.

به گفته وی، کاردرمانگر حتماً باید محیط کار را از نظر ویژگی‌های فیزیکی و انسانی که بیمار باید در آن مشغول به کار شود به صورت اولیه ارزیابی کند و بدین ترتیب تجزیه و تحلیل دقیقی از نیازهای شغلی شغل مورد نظر داشته باشد. براساس این تجزیه و تحلیل انجام شده باید میزان تطابق نیازهای شغلی با شرایط بیمار و توانمندی‌هایش را مورد بررسی قرار دهد. در صورت مناسب بودن آن شغل، باید آموزش‌های لازم هم به بیمار، هم به کارفرما و نیز همکاران بیمار داده شود.

او با اشاره به اینکه کلینیک‌های کاردرمانی معروف به مراکز روزانه توانبخشی در برخی از دانشکده‌های توانبخشی دایر هستند ادامه می‌دهد: ولی تعداد این مراکز نسبت به تعداد بیماران روان بسیار محدود است و اکثر این مراکز در زمینه توانبخشی حرفه‌ای و شغلی بیماران فعالیت خاصی انجام نمی‌دهند.

وی درباره ویژگی‌های کاردرمانی روان چنین توضیح می‌دهد: سختی اصلی این رشته بیشتر به نگاه مردم مربوط می‌شود، جامعه و حتی خانواده‌های بیماران و کارکنان این حوزه. جالب است بدانند کار با بیماران روان سختی خاصی ندارد. توقعات خانواده‌ها متناسب با شرایط بیمارستان نیست، یعنی درک صحیحی از مشکل بیمارشان ندارند و عجول هستند و با مشکل وی کنار نمی‌آیند. علاوه بر این انتظار زیادی از کاردرمانگر دارند و همکاری لازم و اصولی را در منزل ندارند. مسئولین هم عموماً دید منفی نسبت به بیماران روان دارند و میان آنان و بیماران جسمی تبعیض قائل می‌شوند و رسیدگی به بیماران جسمی را در اولویت قرار می‌دهند.

گفتگو از: سیدجمال حسینی

کاردرمانی به طور کلی رشته‌ای تخصصی است که هدفش بیشتر بازگرداندن استقلال در فعالیت‌های روزمره زندگی کسانی که به هر دلیل آسیب دیده‌اند (آسیب جسمی، روانی، اجتماعی) و همین طور بالا بردن کیفیت زندگی آنان است

است، در مورد بیماری روان این طور نیست و اعضای خانواده نسبت به خود احساس منفی پیدا می‌کنند و دچار ناامیدی و سردرگمی می‌شوند. در حالی که هرچه اطلاعات آنان نسبت به بیماری بیشتر باشد در درمان و توانبخشی مؤثرتر خواهد بود و هرچه با کاردرمانگر همکاری بهتری داشته باشند نتیجه بهتری عاید آنان می‌شود. متأسفانه خانواده‌ها فقط جنبه‌های منفی را می‌بینند. ضمناً بیماران بهبود یافته و خانواده‌ها می‌توانند با تشکیل انجمن‌های مختلف از حقوق بیماران روان برای



خانواده جزء مهمی از درمان و توانبخشی است، اما متأسفانه خانواده‌ها معمولاً مانع استقلال بیمار می‌شوند
هرچه اطلاعات آنان نسبت به بیماری بیشتر باشد در درمان و توانبخشی مؤثرتر خواهد بود و هرچه با کاردرمانگر همکاری بهتری داشته باشند نتیجه بهتری عاید آنان می‌شود

مؤثرند و لازم است تا برای درمان و توانبخشی بیمار به نیازها، شرایط فردی و اجتماعی، موقعیت

اشتغال در جامعه حمایت کنند.

معصومی در پاسخ به پرسشی درباره مشاغل مناسب برای بیماران روان، می گوید: برای هر فرد شغل خاصی مناسب است و هر بیمار باید جداگانه بررسی شود. یعنی باید علایق و توانایی‌های او قبل و پس از بروز بیماری کشف شود. او درباره مشکلات و کمبودهای موجود در جامعه در مسیر اثربخشی توانبخشی بیماران می گوید: به نظر می‌رسد بودجه کافی داریم ولی تخصیص آنها به طور مناسب صورت نمی‌گیرد. به طور مثال برای پروژه‌های تحقیقاتی بودجه‌های

ادامه از صفحه اول

برای رسیدن به جامعه پایدار لازم است که جامعه به بستری که در آن قرار دارد اعم از بسترهای زیست محیطی تاریخی، فرهنگی توجه داشته باشد. تمامی نهادهای عمومی، خصوصی و دولتی می توانند در به دست آوردن این توجه ایفای نقش کنند. موزه ها از جمله نهادهای عمومی است که قابلیت ها و کارکردهای آن می تواند برای ایجاد

مبتنی بر آن با اهداف زیست محیطی سازگار است. این علوم سعی در دستیابی به دانش و راهکارهای علمی دارد که با طبیعت و محیط پیرامونی ما سازگار باشد و کمترین آسیب را به آن وارد کند. همچنین در تلاش است که از آسیب های ناشی از فعالیت های بشری بر محیط زیست بکاهد و یک نوع موقعیت همزیستی مسالمت آمیزی بین انسان و طبیعت فراهم کند.

«برهم کنش انسان با محیط پیرامون خود و نیز اثر بر روی سایر اکوسیستم های کره زمین» را بررسی و تفسیر می کند و سعی دارد در همزیستی مسالمت آمیز بشر با طبیعت ایفای نقش و در راستای توسعه پایدار جوامع و اصلاح الگوهای مصرف و رفتاری های محیط زیستی فعالیت می کند.

نقش آموزشی موزه ها

وی در خصوص نقش موزه ها برای رسیدن



موزه ها، علم سبز و توسعه پایدار

جامعه پایدار نقش مهمی داشته باشد.

شورای بین المللی موزه ها، هر سال شعاری را برای موزه ها برمیگزیند و از همه موزه های دنیا دعوت می کند که در راستای شعار آن سال فعالیت داشته باشند. در واقع این شعار توجه موزه ها را به سمت و سویی هدایت می کند که لازم است موزه ها با تاکید بر آن، توجه افکار عمومی را در ارتباط با آن موضوع خاص و چالش های پیش رو جلب کنند. شعار سال جاری میلادی «موزه ها برای جامعه ای پایدار» است. انتخاب این شعار بدان سبب است که موزه ها در ساخت جامعه پایدار کارکرد مهمی دارند. موزه ها فقط پیشینه تاریخی و قومی جوامع را یادآوری نمی کنند. در کارکردی که امروز برای آنها تعریف شده است، می توانند مسائل روز مانند مشکلات زیست محیطی و از دست رفتن منابع طبیعی را یادآوری و به بشر گوشزد کنند که توجه نداشتن و به سرعت به دنبال راه حل نبودن در مواجهه با این چالش، چگونه می تواند حیات بشری را به مخاطره افکند.

ترویج علم سبز

همایش جامعه پایدار و جایگاه موزه ها در ترویج علم سبز با توجه به ضرورت آنچه گفته شد، اواخر آبان ماه در کشورمان برگزار می شود.

دکتر بختیار محمودپوردبیر علمی همایش در گفتگو با خبرنگار مادر توضیح مفهوم علم سبز می گوید: بر حجم چالش ها و مشکلات فراوان زیست محیطی که بشر در چند دهه اخیر با آن مواجه بوده است، روز به روز افزوده می شود. به طوری که آینده حیاتی را در این کره خاکی با خطرات بزرگی مواجه کرده است. این خطرات و چالش ها، اندیشمندان و دانشمندان را به فکر پیدا کردن راهکارهایی برای کاهش و از بین بردن این معضلات واداشته و بر همین اساس در سال های اخیر مفهوم و گرایش جدیدی از دانش بشری به عنوان «علوم سبز» متولد شده است.

علم سبز در واقع شاخه ای از علم بشری است که در رابطه با مسایل و موضوعات محیط زیستی و در راستای کاهش معضلات زیست محیطی مطرح شده و در واقع دانش و محصولات تولیدی

به عنوان یک مثال ساده اگر در گذشته دانش بشری صرفاً به دنبال تولید سوختی اقتصادی و مقرون به صرفه برای حرکت اتومبیل ها بود، امروز علم سبز به دنبال پیدا کردن سوختی است که نه فقط از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه باشد بلکه با محیط زیست هم سازگار و کمترین آلودگی و تخریب را برای محیط زیست به همراه داشته باشد. نمونه های دیگری از این مثال ها را می توان در سایر علوم و از جمله علوم جو، علوم بوم شناختی، شیمی سبز یا شیمی محیط زیستی و علوم زمین نام برد. یا در سایر رشته ها مانند بیوتکنولوژی، نانوتکنولوژی، بیولوژی، بیوشیمی، کشاورزی و علوم غذایی، سم شناسی و مدیریت مواد دارویی، میکروبیولوژی و اپیدمیولوژی و صنایع بیومدیکال، توسعه شهری و روستایی، اکولوژی صنعتی، طراحی سبز و می توان از کاربرد های فراوان علم سبز جهت کاهش اثرات زیان بار فعالیت های انسانی بر محیط زیست نام برد.

دانش نظری و علوم محض به صورت تئوری در رابطه با قوانین و اصول حاکم بر جهان، بنیان گذاری شده اند. از این دانش برای تولید محصولات و فناوری استفاده می شود. با توجه به

علم سبز در واقع شاخه ای از علم بشری است که در رابطه با مسایل و موضوعات محیط زیستی و در راستای کاهش معضلات زیست محیطی مطرح شده و در واقع دانش و محصولات تولیدی مبتنی بر آن با اهداف زیست محیطی سازگار است.

این تعریف، فناوری یعنی تبدیل دانش و علم به ابزارها و محصولاتی که در جهت رفاه بشری باشد. این مفهوم در علوم سبز نیز مصداق پیدا می کند و به کلیه محصولات و ابزارهایی که با علم سبز و در جهت رفاه بشر و سازگار با اهداف زیست محیطی تولید می شود، فناوری سبز می گویند.

در واقع علوم سبز (green science) یا علوم محیط زیستی (environmental science)

موزه های علوم و فناوری می توانند با نمایش و آموزش قوانین و اصول علمی از جمله اصول و قوانین علوم سبز و دستاوردهای بشر در این عرصه به ترویج علم سبز و فرهنگ حفاظت از محیط زیست کمک کنند

به این هدف می گوید: موزه ها به عنوان موسسه های علمی، فرهنگی و آموزشی هستند که از جمله اهداف آنها، حفظ و انتقال میراث فرهنگی گذشتگان و انتقال آن به نسل حاضر از گذشته های دور و تلاش انسان های نخستین برای سازگاری با طبیعت و تشکیل تمدن های کنونی است.

عمدت ترین وظیفه ای که امروز بر عهده موزه ها گذاشته شده است، آموزش است. موزه ها از طریق فعالیت های گوناگون تفریحی، سرگرمی و فرهنگی می توانند بازدیدکنندگان را آموزش دهند و این آموزش می تواند در رابطه با موضوعات گوناگون و مسائل متناهی جامعه باشد. یکی از عمده ترین موضوعاتی که موزه ها امروزه وظیفه آموزش آن را بر عهده دارند، جلب توجه افکار عمومی و آگاه کردن اقشار مختلف جامعه نسبت به چالش ها و مشکلات زیست محیطی است.

وی در پاسخ به این پرسش که موزه ها چگونه می توانند باعث جلب نظر افکار عمومی به چالش های زیست محیطی شوند؟ می گوید: موزه ها می توانند با ابزار و امکاناتی که در اختیار دارند به مردم نشان دهند که چگونه انسان از گذشته های دور سعی در کنترل و تسلط بر طبیعت برای رسیدن به رفاه و زندگی بهتر داشته است و همیشه طبیعت و محیط پیرامونی بخش جدایی ناپذیری از زندگی او بوده است و تمدن کنونی بشری و دستاوردهای آن حاصل این تلاش ها است. متأسفانه در تلاش های بشر در چند دهه اخیر برای تسلط بر طبیعت و رفاه بیشتر به تخریب و نابودی آن منجر شده که آینده تمدن بشری را با چالش عمده ای مواجه کرده است. موزه ها با گوشه زدن کردن این چالش ها و خطرات و یادآوری گذشته مسالمت آمیز همراهی

اگر در گذشته دانش بشری صرفاً به دنبال تولید سوختی اقتصادی و مقرون به صرفه برای حرکت اتومبیل ها بود، امروز علم سبز به دنبال پیدا کردن سوختی است که نه فقط از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه باشد بلکه با محیط زیست هم سازگار و کمترین آلودگی و تخریب را برای محیط زیست به همراه داشته باشد

طبیعت و انسان می توانند جامعه را نسبت محیط پیرامونی خود آگاه تر کند و مسئولیت اجتماعی تک تک شهروندان را در این باب متذکر شوند و آنها را با دستاوردهای علم سبز و استفاده از محصولات تولید شده با فناوری سبز ترغیب کند.

از آنجا که اکثر بازدیدکنندگان و جامعه مخاطب موزه ها قشر فرهیخته و مرجع جامعه هستند از این طریق می توان آنان را نسبت به چالش های محیط زیستی آگاه کرد و از این طریق موزه ها به وظیفه خود در آگاه کردن و آموزش جامعه عمل می پوشانند.

امروز با گسترش موزه ها و تخصصی شدن آنها انواع مختلفی از آنها در زمینه های گوناگونی مثل موزه های آب، زمین شناسی، مردم شناسی و غیره بوجود آمده اند و یکی از انواع موزه ها که در چندین دهه اخیر رشد فزاینده ای یافته و روز به روز به تعداد آنها افزوده می شود، موزه های علوم و فناوری هستند. این موزه ها علاوه بر وظیفه حفظ و حراست از میراث علمی و صنعتی جوامع، وظیفه ترویج علم در میان عامه مردم را بر عهده دارند.

موزه های علوم و فناوری می توانند با نمایش و آموزش قوانین و اصول علمی از جمله اصول و قوانین علوم سبز و دستاوردهای بشر در این عرصه به ترویج علم سبز و فرهنگ حفاظت از محیط زیست کمک کنند.

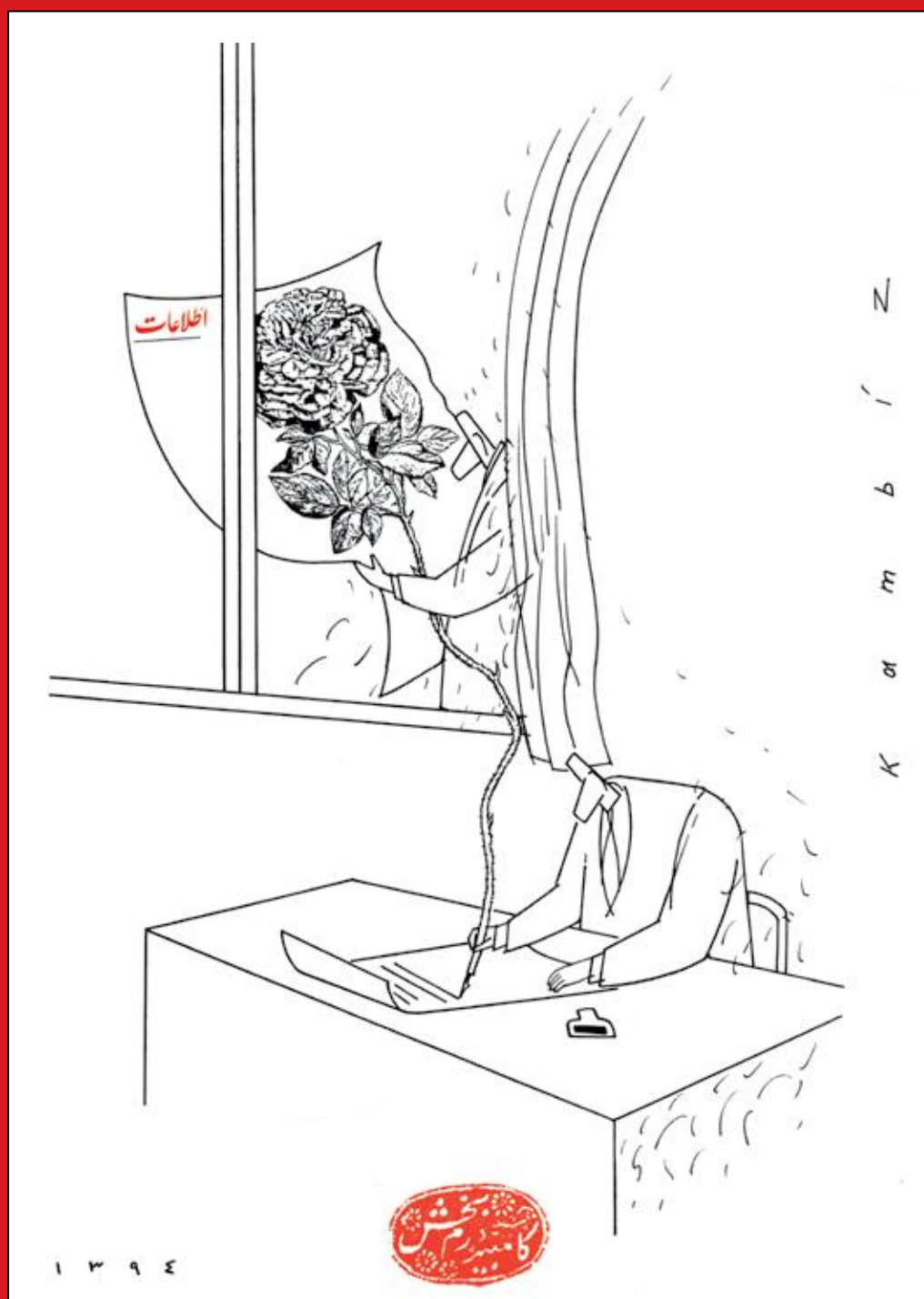
این موزه ها با شبیه سازی فرآیندهایی که در محیط زیست اتفاق می افتد و باعث ضربه زدن به آن می شود، جامعه را نسبت به این خطرات آگاه می کنند و راهکارهای پیشگیرانه و جایگزین برای جلوگیری از این صدمات را به مردم آموزش می دهند.

موزه های علوم و فناوری به عنوان موزه های مشاهده محور، بیش از سایر موزه ها وظیفه آموزش را بر عهده دارند و از آنجا که بیشتر بازدیدکننده ها از این موزه ها را دانش آموزان، دانشجویان و قشر جوان تشکیل می دهند، فرصت خوبی را در اختیار موزه های علوم و فناوری قرار می دهد که از این طریق جوانان را هرچه بیشتر با فرهنگ حفاظت از محیط زیست و خطرات ناشی از آن آشنا کنند.

دکتر محمود پور در انتها با تاکید بر نقش مسئولان و سیاست گذاران در حفاظت از محیط زیست بیان می دارد: این نهادها می توانند از طریق مجاری قانون گذاری و اجرایی از محیط زیست حمایت کنند و اهمیت حفاظت از محیط زیست را به مردم جامعه نیز منتقل کنند که در این بین یکی از راهکارها برای حمایت از محیط زیست، سیاست گذاری های علمی و آموزشی است که می توانند با ترغیب و حمایت از دانشمندان، موسسات تحقیقاتی و دانشگاه ها و الزام حرکت آنها برای تحقیقات مبتنی بر علم سبز و تولید محصولات سبز تحقق یابد.

ضمن آنکه سیاست گذاری برنامه های آموزشی مدارس، دانشگاه ها و آموزش های غیر رسمی باید در جهت سازماندهی شود که لزوم حفظ و حراست از طبیعت پیرامونی را به مردم گوشزد کند و آنها را به استفاده از محصولات مبتنی بر علم سبز ترغیب کند و از این طریق آگاهی و فرهنگ حفاظت از محیط زیست را در جامعه ارتقا دهد.

سمیه میرزایی



دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۴ - ۳۰ ذیقعدة ۱۴۳۶ - ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۵
سال نودم - شماره ۲۶۲۵۳

اطلاعات در حدیث دیگران

با آثاری از:

فرهنگ ارشاد، سید محمد اصغری، حسین بنی احمد، محمد توکل، حمید رضا جلایی پور، فتح اله جوادی آملی، نگین حسینی، علیرضا خانی، هادی خانیکی، مهرداد خدیر، سید محمد صادق خرازی، بهاء الدین خرّمشاهی، جلال رفیع، محمد ولی سهرابی، یونس شکرخواه، کاظم عباسیون، ایرج فاضل، محمد مهدی فرقانی، ناصر فکوهی، فریدون مجلسی، بهرام مسعودی، سید فرید قاسمی، سید مصطفی محقق داماد، سید محمد کاظم موسوی بجنوردی، یونس نوربخش

اطلاعات، خاطرات و تبریکات

امیررضا پوررضایی، عباس خری، هادی سودبخش، سیاوش صحت، علی طیب نیا، حبیب کریمی، حمید میرزاده، احمد وحدت تربتی، و ...

اطلاعات، دولت ها و کابینه ها

اطلاعات، دادگاه ها و محاکمات قضایی

ملت، ۹۰ سال مبارزه و مقاومت

اطلاعات، ویتترین ۹۰ ساله

اطلاعات، مهرنامه

ویژه نامه نودین سال انتشار روزنامه اطلاعات



۱۳۷۹/۸/۲، آمفی تئاتر مؤسسه اطلاعات - مراسم افتتاح رسمی ساختمان جدید بعد از انقلاب در منطقه میرداماد و بزرگراه شهید حقانی
با حضور رئیس جمهوری وقت (سید محمد خاتمی)، رئیس دفتر مقام معظم رهبری (حجت الاسلام و المسلمین محمدی گلپایگانی)، نماینده ولی فقیه و سرپرست مؤسسه (سید محمود دعایی)، دانشگاهیان و اصحاب فرهنگ و رسانه، (ارکستر استاد فرهاد فخرالدینی، در حال اجرای سرود ملی جمهوری اسلامی و سرود ای ایران و موسیقی سریال امام علی).



۱۳۴۸/۴/۷، جشن چهل و چهارمین سال تأسیس روزنامه اطلاعات و افتتاح تأسیسات جدید مؤسسه اطلاعات
عباس مسعودی مؤسس روزنامه اطلاعات در حال استماع گزارش آقای مژدهبخش مسئول فنی - در تصویر رئیسی از واحد گراور سازی و گل محمدی سرپرست چاپ مسطح هم دیده می شوند.



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



شرافت روزنامه نگاری در تقوای بیان است

علیرضا خانی

سر دبیر روزنامه اطلاعات

۳

معلمی در روستایی دور افتاده موهایش را به خاطر همراهی با شاگرد سرطانی اش می تراشد و فردای آن روز همه دانش آموزان، سر تراشیده سر کلاس می آیند. معلم دیگری در استانی محروم، کلیه اش را هدیه می کند به شاگرد فقیر تر از خودش. آتش نشانی گمنام، هنوز نخستین جشن تولد کودکش را نگرفته خود را به هنگامه هراسناک آتش و دود می زند و بی اعتنا به سخن شعارپیشگان بی عمل، جانش را به دختر کوچک معصوم هدیه می کند.

دو جوان تنومند با رد پای چاقو بر گونه و گردن، بر موتوری می غرند و در تاریکای صبحدم، همه هستی پیرزنی تازه رسیده به شهر را، که برای مداوای دخترش آورده، یکجا می ربایند تا خرج شیشه و شب نشینی و شراب کنند و چند خیابان آن سوتر، راننده فقیر تاکسی، بسته های پول های جا مانده در ماشین را، بی اندیشه جهیزیه دختر و مداوای همسر، با تقوا و استغنا به صاحبش برمی گرداند...

چوپانی به پیکر سوخته زنی بر می خورد که بعدها پلیس می فهمد یکی دیگر از قربانیان آدم ربایی و آزار و قتل و سوزاندن است که صبحی از خانه درآمده و سوار بر ماشین عبوری شده و دیگر بازنگشته و چشمان عزیزانش را در انتظار و خون نشانده است...

پیری گمنام و بی ادعا، در روستایی دور با چشمانی کم نور و قامتی خمیده و دستان چروکیده، همه وزنش را روی چوب عصا می اندازد تا دست بر دیوار نگیرد و ناخواسته دیوار خشتی را نساید و حقی را از صاحب دیوار ضایع و زایل نکند یا ناغافل دانه ای از لب موری برنگیرد و آن سوتر، مدیری متظاهر، میلیاردها ثروت ملت را برمی دارد و در کشوری دور دست قصر می سازد یا کرورها پول ملی نفت را در حساب شخصی می ریزد و گردن فراز می دارد و ناز بر فلک و فخر بر ستاره می کند...

آن سو، رهبری خود را سپر مردمش می کند که فدا شود و آن سوتر رهبرانی همه مردم را سپر تاج و تخت خود می کنند تا مردم فنا شوند و آنها بمانند.

پر شمار است اتفاقاتی از این دست که برخی شان فرشتگان ساجد انسان را سرافراز می کند و خیلی هاشان شیطان طاغی و عاصی را گردن فراز...

در میانه این میدان، چه می توان کرد جز گفتن و سنگ سراجچه دل به الماس آب دیده سفتن. یگانه ساز و برگ ما که نه سیاستمداریم و نه قانونگذار و نه قاضی و نه مجری و نه میانجی و نه منجی، محک زدن احوال و اقوال و افعال است و پاسداشت شب چراغ امید و زنده داشتن شمع تابنده و آیین بازتابنده نقد.

آینه چون نقش تو بنمود راست

خود شکن، آینه شکستن خطاست

جان و جوهر روزنامه نگاری نقد است و نقد ناب، گوهر کمیاب و دُر دیریابی است که در این ملک و دیار غریب و مهجور مانده است، از بس رقابت های سیاسی و حسادت ها و طمع ورزی به پست و مقام و جاه و جلال و ثروت و مکت و قدرت را به جای نقد جا زده اند و در هر گروه و رسته و حزب و دسته و رسانه و مجلس و انجمن، تخریب و تخطئه دیگران را به قصد تحسین و تقدیس خود، در قالب مظلوم نقد ریخته اند و جاه طلبی و قدرت اندیشی



و آزمندی خویش را برای سر پوشاندن، در جامه و زوروق نقد پیچانده‌اند، که نقد ناب را از نقدهای دروغین و کینه‌ورزانه و منفعت‌خواهانه به سختی می‌توان تمیز داد.

نقد ناب، بازتابانیدن کژی‌ها و فاش گفتن گزافه‌ها و عریان کردن خطاهاست، بی‌شائبه رقابت و چشمداشت موقعیت و رؤیای قدرت و ثروت و منزلت.

نقد ناب، تاباندن آفتاب روشن صبحگاهان بر ابریشم تاریک شب‌راه خاموش است. شلاق باران سرد و درشت ارباب‌پهشتی بر تن رخوتناک برهوت خشک و تفتیده است، شکستن شیشه سکوت شب سیاه صحرای هراس‌انگیز با اوج ضرباهنگ یک آواز است آن که بر آستانه چاه بر تو سکوت می‌کند، دوستار تو نیست، رؤیایش در دام حادثه افتادن توست... آن که در اوج غرور و قدرت، بر تو عیب نمی‌گیرد و نهیب نمی‌زند، می‌خواهد قربانی غرور و مسحور کبر و مغلوب خودشیفتگی‌ات شوی...

نقد ناب، یعنی نهیب، یعنی فریاد، یعنی پس کشیدن تند و بی‌رحمانه یک دوست از آستانه سقوط و صخره. یعنی فرمان ایست دادن به آنکه بی‌محبا و پرشتاب، در پیچ تند جاده بی‌حفاظ، می‌رانند...

و چنین است که باور داریم کلامی که از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند و نقدی که از روی صلاح و سلام و با قصد و نیت صالح و سالم گفته شود، حتی در خشکسالی زمان و سترونی زمین، می‌تواند برشکوفد و برشکوفاند و به برگ و بار نشیند و نشاند و آب و آبادانی بیاورد و سینه سیاه شب را ستاره‌باران کند و سردی رختبار سکوت را غزل‌بازان و از دل کویر خشک ترک خورده، جنگل پرگیسوی سبز برویاند و بر تن آرزومند صحرای تشنه، چشمه پر غلغل سرد بجوشاند و زمین و زمان را تغییر و تحول بخشد و آدمیزاده را به سمت و سوی معنای ناب آدمیت گسیل دارد...

رسالت و دغدغه ما در روزنامه‌نگاری امروز در این جغرافیا بر این محور و ستون است که برخلاف شیوه مرسوم و ادبیات مسلط، ریشه دردها و کاستی‌های جامعه و نیز اشتباهات و انحرافات افراد و گروه‌ها را، نباید یکسره در عوامل بیرونی موهوم و تقدیر و سرنوشت و کجمداری روزگار غذار و توطئه خارجی و داخلی جست بلکه گاه نیک و بل ضروری است نیم‌نگاهی پرسشگرانه و نامتکبرانه بر خود افکنیم و علل و دلایل همه کژی‌ها و کژتابی‌ها و درماندگی‌ها و جاماندگی‌ها و عسرت‌ها و حسرت‌ها را در خود بجوییم و بی‌رحمانه در برابر آن بایستیم.

رسالت دیگر ما - و مطبوعات به طور اعم - خبررسانی و آگاهی‌بخشی است. دنیای امروز با خبر به روز می‌شود. نه در شهر که در روستا و کوهپایه نیز، مردمان براساس آخرین اخباری که به دست می‌آورند، میزان الحراره زندگی‌شان را تنظیم می‌کنند. خواه خبر آب و هوا باشد خواه قوانین و مقررات جدید یا میزان تورم یا حوادث طبیعی و غیرطبیعی، تغییرات و تحولات سیاسی، وقایع فرهنگی و آموزشی و... اینها، فضای زندگی را می‌سازد و زندگی امروز، بدون حضور و وجود «خبر» لامحاله چیزی و چیزهایی کم دارد.

به تعبیری نیک‌تر، روزنامه‌ها، وقایع‌نگاری می‌کنند و پس از عصری، مثلاً عصر ۹۰ ساله اطلاعات، تاریخی از وقایع کوچک و بزرگ کشور و جهان را روزشمار کرده‌اند و برای نسل بعد و نسل‌های بعد باقی گذاشته‌اند و چه چیز نیک‌تر و مطمئن‌تر از روزشماری مطمئن برای تاریخ‌نگاران آینده.

جزئیات و ریشه وقایعی چون جنگ جهانی دوم، سقوط رضاشاه، کودتای ۲۸ مرداد، دادگاه مصدق، اصلاحات ارضی، دادگاه‌های گروه‌های سیاسی و مبارز، اطلاعاتیه‌های شهربانی و ساواک، روند سقوط شاه، پیروزی انقلاب، دادگاه‌های پس از انقلاب، آغاز و روند و فرجام جنگ، وقایع پس از جنگ، ظهور تروریسم جدید، جنگ آمریکا علیه عراق، تحولات خاورمیانه، بهار عربی، تغییر حکومت‌ها در منطقه، تغییر دولت‌ها در ایران، روند قانونگذاری و تغییر قوانین، برنامه‌های پنجساله، اصلاحات اقتصادی، اتخاذ سیاست‌ها و تغییر سیاست‌ها، اختلافات جناح‌ها و اصطکاک میان آنها، برکشیدن و برکوفتن افراد و جریان‌ها، وقایع امنیتی، ظهور گروه‌ها و شبکه‌های فساد، تبلیغات انتخاباتی، وعده و وعیدهای افراد و جریان‌های سیاسی هنگام انتخابات، تخریب و تخطئه دولت‌های پیشین توسط عمده دولت‌ها، افشاگری درباره دوران گذشته، ارزیابی موفق از شرایط حاضر و پیش‌بینی جهش‌های بلند در عصر طلایی آینده... همه و همه از میان تیتراها، عکس‌ها و لابه‌لای سطور اخبار و رویدادهای قریب یک قرن روزنامه اطلاعات قابل ملاحظه و بهره‌برداری تاریخ‌نگارانه است... اینها در شرایطی است که از ۹۰ سال انتشار اطلاعات دست کم دوسومش مربوط به دورانی است که رسانه مکتوب دیگری نبود یا اگر بود، تک و توک روزنامه و هفته‌نامه کم‌تیراژ و نامنظم و ضعیفی بود که نه وقایع‌نگاری را به تمامی می‌توانست انجام دهد و نه جامع‌الاطراف و جامع‌نگر بود و اطلاعات سالیانی عملاً چنین باری را به تنهایی به دوش کشید...

در دو دهه اخیر که رسانه‌ها، تنوع گرفتند و اصطلاحاً روزنامه‌های رنگی و رنگین پا به عرصه گذاشتند، ظاهراً باید بخشی از رسالت اطلاعات را به دوش می‌کشیدند، اما آنها نوعاً یا متعلق به احزاب و گروه‌ها و جناح‌های سیاسی بودند و انتشار اخبار جناحی موردنظرشان مجالی برای وقایع‌نگاری نمی‌گذاشت، یا زود تعطیل و توقیف می‌شدند و عمرشان کفاف نمی‌داد... و یا هر دو!

رسالت دیگر اطلاعات، علاوه بر نقد جامعه و حکومت و وقایع‌نگاری، تحلیل و تفسیر رخدادها به منظور ارائه محک و مطنه‌ای به خوانندگان و ایضا مسئولان بود تا پس و پشت وقایع پیچیده یا مبهم بازتابانده شود و نیز





ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

افق و زاوید دید چشم انداز آینده به روی خوانندگان روشن تر و وسیع تر گردد. اطلاعات در این وظیفه نیز کوشا و کاممند بود.

در این میان رشته‌ای ظریف اما محکم عمده یادداشت‌ها و تحلیل‌ها و تفسیرهای روزنامه را به هم پیوند می‌دهد و آن بازگشت و کاویدن ریشه‌های مسائل و مصائب داخلی در درون و جستن مشی‌ها و منش‌ها و رفتارها و کردارهای ناسنجیده و نامدبرانه خود و نیز قائل شدن به نقش عوامل و علل حقیقی و ملموس و قابل اندازه‌گیری و قابل اثبات در به وجود آمدن رخدادهاست به جای تن سپردن به عوامل موهوم و فرضی و فریبنده و توطئه‌اندیشانه.

اما اگر دفتر یادبود خوانندگان در نمایشگاه مطبوعات را ورق بزنیم یا نوار پیام‌های شفاهی مضبوط ستون خط ارتباطی اطلاعات را بشنویم، در کنار همه پیام‌های صمیمانه و تشکرآمیز از مشی و منش متین روزنامه و توجه به آبرو و حیثیت افراد، برخی خوانندگان گلایه می‌کنند که اطلاعات چرا کماکان تا حدی سنتی است. چرا وقایع پرهیجان سیاسی را، آن‌طور که دیگر روزنامه‌ها نشر می‌دهند، پوشش نمی‌دهد و چرا به اخبار حوادث، به سان دیگر جراید، توجه ندارد. چرا قطع روزنامه بزرگ است و نمی‌توان آن را در اتوبوس و مترو گشود. چرا همه صفحات روزنامه رنگی نیست...

البته بخشی از این انتقادات، درست و بجاست. خواننده امروزی روزنامه دوست دارد روزنامه امروزی باشد. مثلاً قطع و رنگش با شرایط جامعه مدرن همسو و همساز شود و ما ان شاء الله این مشکل شکلی و کمبود تکنیکی را بالاخره رفع خواهیم کرد. اما از دیگر سو نیز خوانندگان درست می‌گویند، ما تا حدود زیادی کماکان سنتی هستیم. اگر سنت را به معنای پایبندی به قواعد و قوانین نوشته و نانوشته اخلاقی و عرفی و شرعی بگیریم، ما کماکان سعی داریم برخلاف رویه رایج، به سنت‌های بزرگان شرع و اخلاق عمل کنیم.

ممکن است خواننده امروز علاقه داشته باشد به محض اینکه یک چهره مشهور دستگیر شد، هنوز اتهامش مشخص نیست و اثبات نشده و قاضی رأی به محکومیت او نداده است، ما اسم و عکسش را - به سان برخی جراید - در صفحه اول بزنیم. این شیوه، حتی اگر برخی خوانندگان بیسندند و توقع داشته باشند، خلاف اخلاق و شرع و عقل است. اخلاق از آن‌رو که آبروی افراد، باارزش‌ترین گوهر آنهاست که نمی‌توان آن را به بازی گرفت، شرع از آن حیث که اتهام اثبات نشده ممکن است تهمت باشد و تهمت حرام مسلم است و عقل از آن منظر که اگر همه را آماج تیر اتهام و طعن و کین قرار دادیم، فردا کسی جرأت نمی‌کند که مسئولیتی بپذیرد و باری به دوش گیرد و بیرقی بر نیزه کند جامعه‌ای که مدیرانش از حداقل شجاعت و احساس امنیت برخوردار نباشند رو به اضمحلال می‌گذارد...

و اما درباره انعکاس اخبار حوادث، در این باره دو فرضیه وجود دارد. فرضیه اول معتقد است که هر چه اخبار جرم و جنایت و دزدی و قتل و آدم‌ربایی و ضرب و جرح و تجاوز و غارت و کیف‌قاپی و زورگیری و فساد و فحشاء و اعتیاد و بزهکاری را بیشتر منتشر کنیم، جامعه هشیارتر می‌شود و مردم بیشتر مراقب خود و عزیزانشان خواهند بود تا در دامگه حادثه نیفتند... فرضیه دوم معتقد است انتشار وسیع اخباری از این دست با ذکر جزئیات و به کار بردن تیترا و عکس‌های جذاب و جلب‌کننده، از یکسو امنیت روانی جامعه را مختل می‌کند و موجی از اضطراب می‌آفریند و از دیگر سو، قبح جرم و بزهکاری را در نزد خانواده‌ها فرو می‌ریزد. در مجموع اطلاعات به فرضیه دوم بیشتر عقیده دارد. درست است که اطلاعات اهم وقایع حادثه‌ای را منتشر می‌کند اما اولاً می‌کوشد از منابع رسمی و معتبر این وقایع را منعکس کند و ثانیاً از ذکر جزئیات زیانبار و بدآموز احتراز جوید. تیترا «شیوه جدید کلاهبرداری» که در ذیل آن شیوه کلاهبرداری را با جزئیات می‌آورد، جز آموزش جرم خاصیت دیگری هم دارد؟ تیترا «جنایتکاران نابغه هیچ ردپایی از خود نگذاشتند» جز آموزش راه‌های فرار از مجازات به جنایتکاران غیر حرفه‌ای و غیر نابغه، چه خاصیت دیگری برای جامعه دارد؟

البته برای روزنامه نود ساله اطلاعات، جذابیت اخبار و برآوردن علائق و سلائی برخی خوانندگان تنوع طلب نیز اهمیت دارد اما نه به هر قیمتی. هیچ کاری ندارد که ما نیز، جزئیات جنایات و راه‌های گریز از قانون - که متأسفانه گاهی روی سایت پلیس هم هست - را به تمامی و با جذاب‌ترین شیوه چاپ کنیم یا به محضی که شنیدیم فلان شخص متهم به فلان کار شد، اسم و عکسش را درشت در صفحه اول به همراه تیترا چکشی و میخکوب‌کننده بیاوریم، اما نه تنها این شیوه را نمی‌پسندیم، بلکه آن را تقبیح می‌کنیم و همه تلاش‌مان بر این است که حتی سهواً نیز مرتکب چنین کاری - که مضارش برای جامعه به مراتب بیشتر از منافعش برای روزنامه است - نشویم. که به فرموده مولا علی «لا تحدث الناس بكل ما تسمع فکفی بذلک خرقاً» (هر چه را می‌شنوی - و به آن اطمینان نداری - برای مردم بازگو نکن که این نشانه جهل است) (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۱۹۸)

ما، براساس مشی و منشی روشن و الگو قرار دادن مکارم اخلاق و مرام مرضیه بزرگان آیین آینه و آفتاب و پیروی از مبادیان آداب و ادب و کرامت و تأسی از صاحبان فضیلت‌های فراموش‌ناشده، برآنیم تا به سر حد تاب و توان، فضیلت‌های کمرنگ و کرامت‌های کمیاب و سبجایای مهجور و مروت‌ها و مداراها و مهربانی‌های مظلوم و کم‌فروغ را، اسرافیل‌وار بر کشیم و زنده نگه داریم و ترویج و عمومیت ببخشیم و بشکوفانیم و چهره ناب و مهربان



آیین رحمانی را از لابه‌لای زنگارها و غبار سالیان به قدر وسع پاکیزه گردانیم و در معرض و مرآی نسل جدید قرار دهیم تا تصویری مهربان و پاک و زلال و مخملین از دین و آیینشان داشته باشند و در برابر توفان‌ها و تندبادهای اسلام‌هراسی و سنت‌گریزی بایستند و به همه داشته‌هایشان با افتخار ببالند و گردن فراز دارند... تندبادهایی که با سلاح برنده و بی‌رحم رسانه‌های جهانی بر نسل امروز وزیدن گرفته و در این میانه، با هزار غم، برخی رسانه‌ها و تریبون‌ها و حنجره‌های داخلی نیز، خواسته و ناخواسته بر آن می‌دمند و چهره‌ای خشن و نامروت‌آمیز از دین و آیین رحمت و شفقت و مهربانی به نمایش می‌گذارند... و براساس همین مبنا و معیار، تصمیم نداریم که آبرو و حیثیت عمرانۀ افراد را فدای رضایت آنی برخی خوانندگان کنیم و شأن و کرامت انسانها را، با توجیه فریبنده افشاگری و انذار، به مناقصه بگذاریم... خوشحالیم که سرپرست ارجمند مؤسسه از روز حضورش در اطلاعات همه تحریریه‌های روزنامه و مجلات را به پابندی به این اصل اساسی دعوت و ملزم کرده است و بادها و توفان‌های روزگار نیز نتوانسته خدشۀای به این مشی و منش وارد آورد. و سخت و صمیمانه آرزومندیم و امیدوار که آیندگان و وارثان اطلاعات - و بلکه روزنامه‌نگاری این دیار - هرچه می‌کنند، به این مرام و منش، به منزله اصلی بغایت اساسی و بنیادین، مؤمن و وفادار باشند و آن را به سان میراثی گرانبها، قدر بدانند... که:

«شرافت روزنامه‌نگاری در تقوای بیان است»

پانزدهم شهریور ۹۴

توجه خوانندگان ارجمند به چند نکته ضروری معطوف می‌شود:

الف - امروز، حدیث‌ها و حکایت‌های دیگران را در ویژه‌نامۀ حاضر (ویژه‌نامۀ دوم) ملاحظه می‌کنید. مسئولان مؤسسۀ اطلاعات به ذکر نام و نشان و تعریف و تمجید از اداره‌کنندگان این مؤسسه راضی نبودند و آنرا لازم‌الحذف می‌دانستند، اما بسیاری از نویسندگان و گویندگان زیربار نرفته حتی اجازه انتشار را به عدم حذف این بخش، مشروط می‌کردند. انشاءالله این خطای ناگزیر را در کارنامۀ ویژه‌نامه، خواهید بخشید.

ب - روشن است که این ویژه‌نامه در دورۀ بی‌تاریخ روزنامه اطلاعات منتشر می‌شود که به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تعلق دارد. بنابراین، معلوم است که هم بخش تصویری «دولت‌ها و کابینه‌ها» و هم بخش تصویری «محاکمه‌ها و دادگاه‌ها»، با توجه به معیارها و ملاک‌های مورد قبول انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی که کلیاتش در متن قانون اساسی آمده است سنجیده می‌شود. طبعاً توالی تصویرهای تاریخی بدان معنا نیست که همه دولت‌ها و همه دادگاه‌ها محکوم به حکم واحدند و همسینگ و هم‌طراز تلقی می‌شوند. دولتی که در خدمت مردم و وطنش نباشد با دولتی که برآمده از خواست اکثریت ملت و مجری سیاست‌های مورد تأیید همین اکثریت باشد، متفاوت بلکه متضاد است. هرچند حاکمیت خواستۀ اکثریت مردم یک سرزمین هم نباید به مفهوم نفی حقوق قانونی اقلیت قانونگرا و مقیم در همان سرزمین پنداشته شود.

دادگاه نیز در هر سرزمین چنین وضعیتی دارد. حقانیت و بطلانش را باید با ملاک‌ها و معیارهایی در ترازوی داوری نهاد که قانون برآمده از نهادهای ملی و استقلالی و منتخب اکثریت مردم ترسیم کرده است. هرچند خود آن ملاک‌ها و معیارها نیز در هر کشور به نوبۀ خودش علی‌القاعده مبتنی بر مبانی اخلاقی و حقوقی و معنوی و عرفی و علمی و امثال آنهاست. ملاک‌ها و معیارهایی که اکنون در کشور ما کسوت حقوق و قانون را دربر دارد، روشن است که در دورۀ پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ظل نظام جمهوری اسلامی تدوین شده و گفتمان انقلاب و جمهوری اسلامی، فضای حاکم بر ملاک‌ها و معیارهای مورد نظر است.

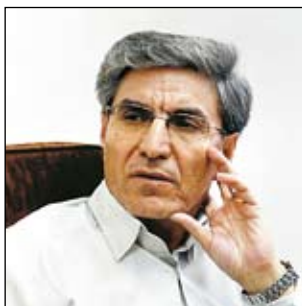
ج - بخش «ملت»، ۹۰ سال مبارزه و مقاومت و «اطلاعات جبهه» و شهیدانی که خاک وطن از خون آنان ارغوانی شد، روایتگر این واقعیت است که چه فداکاران و از خویش گذشتگانی به گردن ما و نسل‌های پس از ما حق حیات و حرکت دارند.

د - انعکاس نمونه‌ها و مثال‌هایی از میان هزاران خبر و گزارش و مطلب و مقاله، لزوماً به معنای جانبداری از این و آن شخص یا از این و آن واقعه یا به قول بعضی‌ها: نبش قبر کردن و لگد به میت زدن نیست. تورق کتاب رخدادهای تاریخی و توالی تصویری که هر کدام بخشی از واقعیت‌های سیاه یا سفید یا خاکستری روزگار محسوب می‌شود، اقتضا می‌کند که لااقل برای یکبار هم مجموعه‌ای نسبی و نمونه‌ای و البته مطبوعاتی و رسانه‌ای را - برگرفته از خیل حوادث و سیل وقایع ناگوار و گوارا و انبوه تجربه‌های تلخ و شیرین و درست و نادرستی که به هر حال در شکل‌گیری تاریخ ۹۰ سالۀ معاصر (البته در آینه امکانات مطبوعاتی و رسانه‌ای) نقش داشته - به نظاره و نظارت بنشینیم. پیشتر در ویژه‌نامۀ اول (۲۰ تیر ۹۴) نمونه‌هایی از اخبار و مقالات و گزارش‌ها ملاحظه شد. اکنون در ویژه‌نامه دوم نیز نمونه‌هایی دیگر را ملاحظه می‌کنید.

بدیهی است که در اینجا هم هر خبری و هر گزارشی و به طور کلی هر مطلبی که صرفنظر از درجه تطابقش با واقعیت به هر حال از رویکردی در جهت دفاع از منافع ملی و همراهی با حرکت‌های مردمی حکایت داشته و با حوزه‌های اخلاق و اندیشه و اعتقاد و انقلاب و آرمان و اصول دارای قرابت بیشتر و بهتری بوده، طبعاً برای اهل دین و درایت و دادگری نیز مطلوبیت بیشتر و بهتری دارد.



۹۰ سال به این سال‌ها و ۹۰ سال به از این سال‌ها



گفت: فی الحقیقه، کمال اگر کمال است هیچ‌گاه بس نبوده و نیست و نخواهد بود.

طبیعی است که موافقان و مشوقان اطلاعات در این نهاد فرهنگی کمال و جمال می‌جویند و می‌یابند و مخالفان و منتقدانش نیز کمال و جمال در آن می‌جویند و نمی‌یابند! هر نگاهی شاید بیشتر معطوف به یک رویه از سکه واقعیت است. کاستی‌ها و کژی‌های ناخواسته را نباید نادیده گرفت.

البته یکی از کمالات شاید این است که به قول مرحوم دکتر باستانی پاریزی: «اطلاعات نجیب است». این خصلت پسندیده را اگر راست باشد برخی به عصا به دست بودن تعبیر می‌کنند، غافل از اینکه نجیب بودن و نجیب ماندن در عرصه شور و شر روزنامه‌نگاری، هنری است که به پشتوانه اندیشه حاصل می‌شود.

روزی ناقد محترمی در جریده شریفه‌ای ضمن خبر دادن از برگزاری مراسم بزرگداشت آقای دعایی در کتابخانه ملی و آنرا «کنگره همه جناح‌های سیاسی داخل کشور برای بزرگداشت مرد دوست‌داشتنی سیاست و مطبوعات» نامیدن، نوشته بود: «اطلاعات، دیگر از [مرتبه] روزنامه دوم کشور [بودن] فرو افتاده و در تحولات سیاسی و اجتماعی مؤثر نیست. شخص محمود دعایی آنقدر دوست‌داشتنی است [هست] که در مراسم بزرگداشتش همه جناح‌ها چشم بر نزول وحشتناک یک روزنامه مهم کشور ببندند». متأسفانه مشخص نشده بود که منظور از این کلی‌گویی چیست تا اطلاعاتیان بتوانند از این نقد بهتر و دقیق‌تر استفاده کنند. روزنامه اطلاعات البته خود به نقض مختصات حرفه‌ای خویش و نیز به دلائلش واقف است، اما اگر خدای ناکرده منظور این قبیل گویندگان توسل و تمسک به حیل‌ها و جنجال‌های مرسوم روزنامه‌نگاری برای جلب و جذب مخاطب به هر بها و بهانه‌ای در عرصه روزنامه‌نگاری بوده، روشن است که این «صعود وحشتناک!» کاری است بسیار سهل و دم‌دستی که البته روزنامه اطلاعات عالماً و عامداً از این حیل‌های ناصواب برای جلب توجه مخاطب و بازار گرمی بهره نبرده است. خواه با مارک متعالی اصولگرایی و خواه با برند برجسته اصلاح‌طلبی‌اش. خود آنان که با هر نیتی چنین کرده‌اند، سال‌ها بعد بر کارنامه تیرها و تایتل‌های جنجالی گذشته

۲۶۲۰۱ شماره و ۲۶۲۰۱ روز دوام و بقا، در بحرانی‌ترین دوران تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران در طول ۸۹ سال و اینک «سال نودم»، بر پیشانی و شناسنامه روزنامه‌ای که پدر مطبوعات ایران لقب گرفته، نقش بسته است.

این روزها موسم ۹۰ سالگی پیر دیر مطبوعات ایران - روزنامه اطلاعات - است. روزنامه‌ای که سال ۱۳۰۲ در خیابان علاءالدوله (فردوسی) با عنوان مرکز اطلاعات پایه‌ریزی شد و سال ۱۳۰۴ هم نامرتب منتشر شد و عصر روز یکشنبه - ۱۹ تیر ۱۳۰۵ با عنوان «نامه اطلاعات» پا به عرصه گذاشت. این نهال نو پا در طول سال‌ها ریشه دواند و در برابر تندباد حوادث گوناگون؛ با انعطاف معقول دوام آورد.

تلاش شبانه‌روزی کارکنان این روزنامه و ویژگی‌های مدیریتی مسئولانش در این دوام و قوام مؤثر افتاد و چنین شده است اگر اینک به قول جلال رفیع می‌بینیم روزنامه اطلاعات نسبتاً عمر با برکت و با کمالی دارد.

«عمر با کمال» واژه زینده‌ای در وصف حال روزنامه‌ای است که در فراز و فرود عمر ۹۰ ساله خود به خصوص در دوران استقرار نظام جمهوری اسلامی، اگر به کمال مطلوب دست نیافته (کی‌ها دست یافته‌اند؟!، باری لااقل به اندیشه لزوم حرکت در طریق وصول به کمال مطلوب - البته در چارچوب جایگاه حقوقی و قانونی‌یی که نه از او یک مؤسسه خصوصی می‌سازد و نه یک مؤسسه دولتی - دست یافته است.

کمال روزنامه اطلاعات (کم و بیش هر چه باشد) همچون جمال آن، در تلاطم خیره‌کننده بحران‌های سیاسی و اجتماعی دچار دگرگونی نشده است. هر چند به قول بعضی از اهل نقد و نظر، دگرگونی در جمال هم به مقتضای زمان لازم تغییر و تحول در عرصه روزنامه‌نگاری است، اما اطلاعات تقریباً با همان سیما و جمال ۹۰ ساله‌اش همچنان میهمان مخاطبان دیرینه و وفادار خویش است و آن‌ها اطلاعات را همانگونه که هست می‌پسندند و گویی هر دو طرف (با توجه به ظرفیت حقوقی و اداری این مؤسسه و این روزنامه) می‌پندارند: کمال این است و بس! هر چند با نگاه همیشگی بالاترین و برترین، باید نه راضی بود و نه قانع. و لذا باید

خود یا لاقلاً بر بسیاری یا برخی از مهمترین آنها خندیده‌اند. اگر گاهی نگریسته باشند. به قول خاقانی: خندند بر آن دیده کاینجا نشود گریان!

اگر منظور تان نپرداختن اطلاعات است به افراط و تفریطها، دشمن و دشنام به هم پرتاب کردنها، یکدیگر را فاشیست و مرتجع و عقب‌مانده یا جاسوس و مزدور خارجی خطاب کردنها، یک کلاغ چهل کلاغ کردنها، آبرو بردن‌ها و حیثیت تباه کردن‌های قیل و بعد از حکم دادگاه‌ها، با تیتراهای کلیشه‌ای بمباران کردنها، و اگر نزول وحشتناک همین است، اطلاعاتیان از خیر و شر این «صعود وحشتناک» گذشته‌اند و آنرا برای اهلیش گذاشته‌اند.

پیمودن این راه و عدم اعتقاد به روش‌های جنجال‌آفرین و یکبار مصرف (!) در کنار پایبند بودن به مشی اعتدال و میانه‌روی نسبی هر چند هزینه‌های مادی و معنوی را متوجه مؤسسه بزرگ اطلاعات می‌کند، اما مدیریت مؤسسه در عمر ۳۶ ساله پس از انقلاب اسلامی با آموختن از تجربه طولانی روزنامه‌نگاری‌اش این هزینه‌ها را به جان خرید، تا اعتدال همچنان سرلوحه کار و روش و منش روزنامه باقی بماند. تا اگر به زبان اغراق نگویند کمال این است و پس (!)، به زبان آرمانگرایی واقع‌نگرانه بگویند کمال در اعتدال است. البته که می‌دانیم اهل نظر در تعریف و تفسیر اعتدال هم حرف‌ها دارند. (در چه ندارند!)

خانواده بزرگ «اطلاعات» از سال ۱۳۰۵ با ((نامه اطلاعات))، تا ((مؤسسه اطلاعات)) تاریخ پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. خانواده مسعودی پایه‌گذار آیین مجموعه بوده‌اند و البته با توجه به طبع ویژه مدیریت مؤسسه پس از انقلاب، از ذکر نقش و سهم بنیان‌گذاران روزنامه اطلاعات هم غفلت نشده تا در گذر تاریخ نقش هر کس در هر مقطع زمانی و مکانی هر چه بوده ارج نهاده شود. نقش‌آفرینی اطلاعات

در دوران انقلاب و پس از پیروزی انقلاب و... همه و همه مؤید این نکته است که باید گفت چه خوش‌فکر و اندیشه بودند بزرگانی که در تب و تاب پیروزی انقلاب اسلامی، این ثروت ملی و سرمایه بزرگ فرهنگی را بدون توجه به حاشیه‌های مثبت و منفی ناشی از شور اولیه انقلاب، مدبرانه حراست و پاسداری کردند تا بعد به مدد تدبیر و تلاش همه کارگران و کارمندان و همه کارکنانش، نامه دیروز اطلاعات به یکی از بزرگترین مؤسسه‌های فرهنگی و انتشاراتی امروز تبدیل شود و سال‌ها در عرصه مطبوعات، انشاءالله نجیبانه در خط اعتدال میدان‌داری کند.

مؤسسه اطلاعات در عمر دیرپای خود، بدون اینکه رسماً دانشکده و مرکزی برای تربیت نیروی انسانی خلاق در عرصه روزنامه‌نگاری تدارک ببیند، در عمل به چنین هدف بزرگی در عرصه رسانه دست یافته است. حضور پررنگ و تعیین‌کننده بسیاری از نیروهای توانمند مؤسسه اطلاعات در راه‌اندازی و مدیریت بسیاری از روزنامه‌ها و نشریات (خارج از مجموعه)، گویای این واقعیت است که روزنامه اطلاعات غیرمستقیم به دانشگاه و مکتبی برای آموزش و تربیت نسل بزرگی از روزنامه‌نگاران تبدیل شده است، که هر کدام منشأ تحولی در عرصه خبر و روزنامه‌نگاری بوده و هستند.

به هر حال، حکایت اطلاعات، حکایت ۹۰ سال حضور پرثمر و بی‌وقفه در عرصه فرهنگ، هنر، خبر، گزارشگری، پژوهشگری، نویسندگی، روزنامه‌نگاری مجله‌نگاری، انتشارات کتاب و تربیت نیروی انسانی - مطبوعاتی است و این حضور پرثمر را به امید حکایت‌های دیگران در یک‌صدسالگی و... سالگی، گرامی می‌داریم.

محمّدولی سهرابی

(مجله جوانان و اطلاعات علمی)





۱۳۶۳/۹/۱۹

حضور رهبر معظم انقلاب در زمان ریاست جمهوری در مؤسسه اطلاعات

بازدید رئیس جمهوری از مؤسسه اطلاعات



ریاست جمهوری کشورمان، پیش از ظهر امروز با حضور در مؤسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ ضمن بازدید از بخش‌های مختلف مؤسسه، سیستم جدید حروفچینی کامپیوتر روزنامه را افتتاح کرد.

در بازدید رئیس جمهوری، حجت‌الاسلام دعایی نماینده امام و سرپرست مؤسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ و آقای نیری (حاج حسن آقای تهرانی) مدیر مؤسسه، ایشان را همراهی می‌کردند.

رئیس جمهوری ابتدا در تحریریه روزنامه «اطلاعات» حضور یافت و ضمن حضور در شورای سردبیری روزنامه با اعضای تحریری سرویس‌های مختلف روزنامه به گفتگو پرداخت. سپس به بازدید از قسمت‌های مختلف مؤسسه «اطلاعات» پرداخت. وی ابتدا از چاپخانه و قسمت حروفچینی «لاینتایپ» روزنامه دیدن کرد و مورد استقبال کارگران قرار گرفت. در این قسمت رئیس جمهوری ضمن گفتگو با کارگران قسمت صفحه‌بندی نسبت به کار آنان اظهار علاقه کرد و ابتکارات آنان را در صفحه‌بندی ستود.

رئیس جمهوری تأکید کرد باید صفحه اول روزنامه قدیمی شما حالت یکنواختی به خود نگیرد و کارتان همراه با توسعه ابتکارات باشد.

وی سپس از قسمت‌های چاپ افسست بازدید کرد و در مورد ماشین‌های مدرن چاپ آن از کارگران توضیحاتی خواست.

شعب گراورسازی، عکاسی و رتوش نیز مورد بازدید ایشان قرار گرفت.

رئیس جمهور آنگاه به بازدید از آرشیو و کتابخانه مؤسسه پرداخت و توضیحاتی پیرامون سوابق آرشیو و قدمت و اسنادی که در آن حفظ می‌شود خدمت ایشان تقدیم شد. رئیس جمهور سپس با کارکنان آرشیو به صرف چای نشست و روش کار آنان را به طور دقیق جویا شد که در هر مورد توضیحات جامعی ارائه شد. در پایان، حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای به بازدید بعضی مطبوعات قدیمی و پوسترهای عکس و مطلب پرداخت.

افتتاح قسمت کامپیوتر مدرن اطلاعات

رئیس جمهوری سپس با قطع پرچم سه رنگ، تأسیسات جدید حروفچینی کامپیوتری روزنامه اطلاعات را افتتاح کرد و در مورد ماشین‌های نصب‌شده از مسئولان توضیحاتی خواست. وی ابراز امیدواری کرد که سیستم جدید کامپیوتری پیشرفته حروفچینی اطلاعات که سرعت آن بسیار است روزنامه اطلاعات را همچنان که بوده و هست در سطح بزرگترین مؤسسه مطبوعاتی کشور قرار دهد.

روایت آقای دعایی پس از سی سال

سی سال پس از رخداد مذکور، سید محمود دعایی سرپرست روزنامه نیز در خلال بازدید دکتر مسجد جامعی عضو شورای شهر تهران از مؤسسه اطلاعات به مناسبت روز خبرنگار (۱۷ مرداد ۹۴)، به شرح خاطراتی پرداخت که یکی از آنها به دیدار سرزده مقام معظم رهبری در زمان ریاست جمهوری ایشان از این مؤسسه اختصاص داشت. وی گفت: قبل از ساعت هشت صبح ۱۹ آذر سال ۶۳ از دفتر ریاست جمهوری تماس گرفتند و از من خواستند که قبل از رفتن به مؤسسه اطلاعات به آنجا بروم. به دفتر ریاست جمهوری مراجعه کردم و متوجه شدم که حضرت آقا قصد بازدید از روزنامه اطلاعات را دارند. این گونه بود که بازدید تاریخی رهبر معظم انقلاب (در زمان ریاست جمهوری) از مؤسسه اطلاعات ثبت شد و ایشان بازدیدی صمیمانه از بخش‌های مختلف مؤسسه انجام دادند، سر میز شورای تیرت حاضر شدند، از واحدهای فنی و آرشیو بازدید کردند و سیستم جدید حروفچینی کامپیوتری مؤسسه اطلاعات به یمن حضور مبارک ایشان به بهره‌برداری رسید.





در بخش حروفچینی روزنامه اطلاعات



مقام معظم رهبری (دوره ریاست جمهوری) در تحریریه روزنامه اطلاعات



در سالن اجتماعات روزنامه اطلاعات





ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

یادگار گرامی امام:

مهمترین سرمایه رسانه «اعتماد» است



دارد که اولین و بزرگترین آن صداقت است.»

دروغ دشمن اعتماد و رسانه

حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی در ادامه سخنانش «دروغ» را دشمن اعتماد دانست و گفت: «اعتماد از آن چیزهایی است که به عمری به دست می آید و به شبی از دست می رود. با یک دروغ رسانه در چشم مخاطب فرو می ریزد و به همین دلیل یک رسانه نباید به هیچ قیمتی دروغ بگوید جز وقتی که می خواهد انتحار (خودکشی) کند».

یادگار گرامی امام افزود: «جمله معروفی است که می گوید ممکن است بتوان سر یک نفر را برای همیشه کلاه گذاشت و یا سر جمعی را برای مدت کوتاهی کلاه گذاشت اما بر سر همه برای همیشه نمی توان کلاه گذاشت. در صداقت هم مسئله بسیار مهمی وجود دارد. مثلاً در دادگاه ها که قسم می خورند تعبیر بسیار قشنگی وجود دارد که «راست بگویم، جز راست نگویم و همه راست را بگویم». رسانه ها هم باید همین گونه باشند و اگر غیر از این باشند یک رسانه هویت خود را از دست می دهد. آن رسانه تبدیل به تریبونی می شود که نمی گویم اثر ندارد. ممکن است اثر داشته باشد اما اثر رسانه را ندارد».

سید حسن خمینی دلسوزی رسانه برای مخاطبین را عامل دیگری بر شمرده و گفت: «دومین نکته این است که رسانه باید دلسوز مخاطبش باشد. یکی از مهمترین شروط تبلیغ این است که مخاطب احساس نکند از این تبلیغ چیزی گیر گوینده می آید. در قرآن هم آمده است که پیامبران هم که برای تبلیغ اقدام می کردند هیچ چیز نمی خواستند جز رضای خدا. گوینده اگر بتواند به شنونده بیاورد که در آنچه می گوید نفعی ندارد اثر سخن او چندین برابر می شود».

وی افزود: «در طول تاریخ علت تأثیر پیامبران همین نکته بوده است که وقتی سخن می گفته اند مخاطبان احساس نمی کردند که چیزی قرار است گیر اینها بیاید. جز مصیبت و سختی برای پیامبران چیزی نبوده است. در همین ارتباط می توان گفت که رسانه و گوینده نباید منافع شخصی خود را لحاظ کنند».

شجاعت عامل موثر در جلب اعتماد مخاطبین است

به اعتقاد یادگار گرامی امام «شجاعت عاملی مؤثر در جلب اعتماد مخاطبین است و اگر مخاطب احساس کند یک رسانه شجاعت لازم را ندارد تصور می کند که شاید او همه راست را نمی گوید و چه بسا همه حقیقت را هم نمی گوید و مخاطب به سمت کسانی می رود که شجاع تر هستند؛ بنابراین رسانه غیرشجاع اعتماد مخاطب را به دست نمی آورد و این امر فقط شامل روزنامه ها و سایر رسانه ها نمی شود بلکه در مورد هر کسی که دارای مخاطب است صدق می کند».

حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی «شجاعت را ویژگی بزرگ و یا وجه امتیاز کسانی دانست که توانسته اند تاریخ را تحت تأثیر قرار دهند».

سرویس فرهنگی، هنری - منوچهر دین پرست: ۹۰ سال از انتشار روزنامه اطلاعات گذشت و تا امروز بیش از بیست و شش هزار شماره از این روزنامه در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. روزنامه اطلاعات که در شامگاه روز یکشنبه ۱۹ تیر ۱۳۰۵ در تهران به سرپرستی مرحوم عباس مسعودی منتشر شد، اینک یکی از قدیمی ترین روزنامه های نه فقط ایران بلکه خاورمیانه محسوب می شود. این روزنامه با اینکه طی سالهای پس از انتشار خود فراز و نشیبهای مختلفی را به خود دیده است، ولی اینک در جایگاهی قرار دارد که به تعبیر یادگار گرامی امام «روزنامه مورد اعتماد مردم است».

به مناسبت نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات و رونمایی از تمیر یاد بود آن با حضور یادگار گرامی امام حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی، صبح روز شنبه ۳۱ مرداد مراسمی در مؤسسه اطلاعات برگزار شد.

در این مراسم علاوه بر خبرنگاران و کارکنان روزنامه اطلاعات و پیشکسوتان این روزنامه، آیت الله موسوی بجنوردی، حجت الاسلام علی اکبر آشتیانی، دکتر حمید انصاری، مدیر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، دکتر سید رضا صالحی امیری، رئیس کتابخانه ملی ایران، احمد مسجدجامعی، رئیس سابق شورای شهر تهران و وزیر اسبق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر هادی خانیکی، استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، دکتر مهدی محقق، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و دیگر اصحاب فرهنگ و رسانه حضور داشتند.

۹۰ سال اعتماد در میان مردم

در مراسم نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی از نود سال انتشار روزنامه باسابقه اطلاعات ابراز خوشنودی و سخنانش را با یاد امام راحل، فرزند امام، شهدای انقلاب و هشت سال دفاع مقدس و همچنین درگذشتگان مجموعه اطلاعات آغاز کرد.

یادگار گرامی امام در این مراسم با اشاره به این نکته که «تنها سرمایه رسانه اعتماد مخاطب است» گفت: «رسانه ای که اعتماد مخاطب را ندارد رسانه نیست، بلکه یک بوق تبلیغاتی محسوب می شود. ممکن است آن رسانه دیده و شنیده شود اما هیچگاه از آن به عنوان رسانه ای برای کسب اطلاعات و اخبار و یک رسانه امین یاد نمی شود».

به گفته حجت الاسلام سید حسن خمینی «در طول عمر بشر از زمانی که شعرا بزرگترین رسانه های دربارها بودند و قصایدی می سرودند تا بعد از آنکه رسانه های جدید شکل گرفتند و امروز که شبکه های اجتماعی نقش رسانه ها را ایفا می کنند، تریبون هایی وجود داشته که انسان ها از آن ها حرف هایی می شنوند و خیلی وقتها می شنویم که عکس آن گفته شده اما مهم این است که تا چه حد مردم به این حرف ها اعتماد می کنند. به همین دلیل است که اعتماد بهترین سرمایه رسانه است».

یادگار گرامی امام بر این باور است که «جلب اعتماد مخاطب به رسانه، چند عامل



وی با اشاره به خاطره‌ای که سال‌ها پیش در کنگره‌ای که در مورد انقلاب اسلامی ایران برگزار شده بود، گفت: در آنجا طی بحثی گفتم که چگونه می‌شود افراد وارد انقلاب بشوند یا نشوند. امام قدرت را شرط «تنجز» می‌دانستند و بر همین اساس وارد انقلاب شدند اما دیگران قدرت را شرط «فعلیت» می‌دانستند و به همین دلیل وارد جریان نشدند؛ پس از پایان سخنرانی، مرحوم آیت‌الله توسلی به بنده گفت همه این سخنان درست است اما علت واقعی این بود که امام نمی‌ترسید و مابقی می‌ترسیدند. ما در سجایای اخلاقی و ویژگی‌هایی داریم که در جوهره آنها این موارد نهفته است. مثلاً فردی در جوهره‌اش حسد و کینه نیست اما این گونه نیست که قابل تربیت هم نباشد. مرز بین تهور و جُبُن (ترس) واقعیتی است و شناسایی اینها که آیا شجاعت است یا مصلحت‌اندیشی، واقعیتی است که شناسایی آن توسط خود فرد امکان‌پذیر است. فردی از امام صادق (ع) پرسید بیماری تا چه اندازه باشد می‌توان روزه را افطار کرد، حضرت فرمودند خود بیمار بهتر از هر کسی می‌داند. درباره مرز بین شجاعت و مصلحت‌اندیشی هم می‌توان همین معیار را به کار برد. روزنامه اطلاعات در سال ۵۶ متأسفانه شجاعت «نه» گفتن در برابر کسانی که نامه معروف رشیدی مطلق علیه امام خمینی را بر این روزنامه تحمیل کردند نداشت.

رسانه نباید احساس ترس کند

یادگار گرامی امام که در مراسم نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات سخن می‌گفت تاکید کرد که «رسانه نباید احساس ترس کند. البته در مقوله شجاعت علاوه بر نقش گوینده، نظام حاکم نیز مسئولیت دارد و نباید هزینه بیان برخی از مسائل آنقدر بالا رود که بیان آنها نیازمند شجاعت باشد. برخی ممکن است خطوط قرمز را مضیق تعریف کنند و هزینه در رسانه‌ها بالا رود و این موضوع مربوط به مسئولین امر است».

حاج سید حسن خمینی «تخصص» را شرط دیگر اعتماد به رسانه توصیف کرد و گفت: «رسانه باید کار خود را بلد باشد تا مردم به آن اعتماد کنند. رسانه در حوزه‌ای که انتخاب کرده مثلاً سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی است توانایی و تخصص لازم را باید داشته باشد».

به گفته وی «متأسفانه دروغ‌گویی به مقدار زیادی در جامعه ما شایع شده و برخی دروغ‌گویی را با این دیدگاه ماکیاولیستی توجیه می‌کنند که «هدف» وسیله را توجیه می‌کند. ولی باید به یاد داشته باشیم که هیچ هدفی نشر اکاذیب و نشر فرهنگ دروغ‌گویی را در جامعه توجیه نمی‌کند. شما نشریات صدر مشروطه را تورق کنید می‌بینید که چه اندازه دروغ و افترا نسبت به دیگری روا می‌داشتند اما تأثیر از آن نشریه‌ای بود که ادب را سرلوحه کار خویش قرار داده بود».

یادگار امام راحل با اشاره به این نکته

که ملت ایران در طول تاریخ ملت مؤدبی بوده است تا جایی که متهم بوده که ادب زیاد او را به تملق کشانده گفت: «این امر نشانگر آن است که ادب از ویژگی‌های مهم ملت ما بوده است. همان گونه که متون ادبی اندکی وجود دارد که ادبیات پر خاش گونه داشته‌اند و برخی مطایبات، اما امروز متأسفانه بی‌ادبی مقداری در جامعه ما رایج شده است و هنگام سخن گفتن زبر و گزنده حرف می‌زنیم».

ادب، نماد برجسته روزنامه اطلاعات

حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی بر این باور است که «تیزمند نهضت بازگشت به گفتار مؤدبانه هستیم. رواج ادبیات تلخ که به این مقدار شاهد آن هستیم، جامعه را از سرمایه‌های خودش تهی می‌کند. متأسفانه بعضی اوقات ما فکر می‌کنیم اگر پر خاشگر باشیم تأثیر بیشتری داریم اما باید بدانیم عمر تأثیر با رسانه‌هایی است که با ادب محشور هستند. ملت ایران در طول تاریخ ملت مودبی بوده است».

یادگار امام راحل در سخنان پایانی خود «ادب را نماد برجسته روزنامه اطلاعات برشمرد» و گفت: «آقای دعایی خودشان از نمادهای تواضع هستند و خصوصیتی که برای اعتماد به رسانه عرض کردم از نمادهای روزنامه اطلاعات به حساب می‌آید. روزنامه اطلاعات در جای جای تاریخ ما حضور دارد و امیدوارم در کنار آقای دعایی صدمین سالگرد تاسیس این روزنامه را نیز جشن بگیریم. انشاء الله در آینده شاهد بسط فرهنگ ادب، شجاعت و اعتماد در جامعه باشیم».

پیش از سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی مراسم رونمایی از تمبر یادبود نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات با حضور مدعوینی مانند دکتر احمد مسجدجامعی، آیت‌الله بجنوردی، آیت‌الله آشتیانی، دکتر مقدم، آهنگران، بهرام مسعودی، دکتر مهدی محقق، دکتر رضا صالحی امیری، دکتر انصاری، دکتر هادی خانیکی، دکتر شیرانی، دکتر میرزایی، دکتر ابوالقاسم قاسم زاده، جلال رفیع، جواد مظفر و حسین بنی احمد برگزار شد.

اطلاعات همراه با موج عظیم انقلاب بود

در بخش آغازین مراسم نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات، سید محمود دعایی، سرپرست مؤسسه اطلاعات، سخنانی درباره جایگاه روزنامه اطلاعات ایراد کرد.

وی در آغاز سخنانش با اشاره به این نکته که شاید امکان‌پذیر نبود که ما تمامی مدیران مؤسسه اطلاعات را از آغاز تاسیس تا کنون به اینجا دعوت می‌کردیم گفت: «من به صورت سمبلیک نماد مدیریت مؤسسه اطلاعات در پیش از انقلاب و یادگار و فرزند مرحوم عباس مسعودی یعنی بهرام مسعودی را به اینجا دعوت کردم. ایشان نقشی در چاپ نامه





ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



رشیدی مطلق علیه امام خمینی نداشتند چون مسئول روزنامه در آن تاریخ نبودند. در ایام انقلاب هم با این حرکت و موج عظیم همراهی کردند و بعد از هجرت بسیاری از مسئولان موسسه، ایشان وفادارانه به انقلاب و مردم در ایران ماندند و اعتصاب مطبوعات در آن ایام را مدیریت و به عنوان یک مدیر این روزنامه را تقدیم انقلاب کردند. تا اینکه مسئولان قضایی تصمیم گرفتند که روزنامه اطلاعات و کیهان را مصادره کنند. ایشان به مسئولان وقت پیام دادند که من شرایط انقلاب را درک می کنم و اگر به تخصص من در مؤسسه نیازی باشد می توانم همانند یک کارمند در خدمت مؤسسه پدری ام باشم.

در آن زمان سرپرست بنیاد مستضعفان، مرحوم حسین بنکدار را که از اعضای حزب موتلفه اسلامی بود به مؤسسه فرستادند که آقای مسعودی در کنار ایشان باشند. در آن زمان متأسفانه فضا برای آقای مسعودی تنگ شد و ایشان مجبور شد که از کشور خارج شود.

خوشبختانه امروز علاوه بر ایشان جناب آقای بنی احمد از سردبیران پیش کسوت روزنامه اطلاعات و چند تن دیگر از یاران قدیمی این روزنامه هم حضور دارند.

نماینده ولی فقیه در مؤسسه اطلاعات با اشاره به تصمیم حضرت امام (ره) برای مدیریت اطلاعات و کیهان گفت: «امام (ره) اینجانب را برای مدیریت اطلاعات انتخاب کردند و من به مرحوم شهید بهشتی رجوع کردم که یارانی را برای اداره مؤسسه معرفی کنند و ایشان هم آقای موسوی را به بنده معرفی کردند و در کنار ایشان هم اعضای روابط عمومی شورای انقلاب را معرفی کردند. در بین این اعضا آقای محمدجواد مظفر هم دیده می شد که به عنوان اولین مدیر مؤسسه اطلاعات مشغول به کار شدند که البته بعد از

پایان انقلاب فرهنگی آقای مظفر تشخیص دادند که در جای دیگری می توانند خدمت کنند بنابراین مؤسسه را رها کردند و بعد از ایشان مرحوم حاج حسن آقای نیری معروف به حاج حسن آقا تهرانی مدیر مؤسسه شدند. سپس دکتر علیرضا شیرانی به عنوان مدیر مؤسسه انتخاب شد که منشأ بسیاری از تحولات در مؤسسه شدند. بعد از ایشان یار ارجمندم آقای ایرج جاوید مدیر فعلی مؤسسه اطلاعات شدند و هنوز هم مدیریت مؤسسه را در اختیار دارند. بنابراین ما سعی کردیم تقریباً تمامی مدیران مؤسسه اطلاعات را از بدو تاسیس مؤسسه به صورت سمبلیک به این مراسم دعوت کنیم.

به عهدی که با امام بستم وفادارم

سید محمود دعایی در ادامه سخنانش خطاب به یادگار گرامی امام گفت: «من دیرپا ترین مسئولی هستم که در این نظام از سوی حضرت امام خمینی و همچنین مقام معظم رهبری تحمل شدم و بعد از جناب واعظ طبسی که اولین مسئول منصوب شده از طرف امام (ره) هستند، بنده دومین مسئولی هستم که از سال ۱۳۵۹ تاکنون دوام آورده ام».

برخی از مدیران مؤسسه اطلاعات (قبل و بعد از انقلاب)



ایرج جاوید



دکتر علیرضا شیرانی



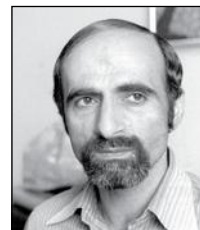
حاج حسن تهرانی (تهران عدل)



جواد مظفر



شهید بادپا همدانی



حسین بنکدار



بهرام مسعودی



از راست به چپ: حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر آشتیانی، آیت الله موسوی بجنوردی، دکتر مهدی محقق بهرام مسعودی، دکتر سید رضا صالحی امیری، دکتر احمد مسجدجامعی، در مراسم رونمایی از تمبر نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

سرکار خانم دکتر ابتکار رونمایی کردیم و آن دستگاهی بود که فیلم را از مرحله چاپ حذف می‌کرد. فیلم، مواد آلوده‌کننده و سرطانی‌زا دارد و حذف آن صد درصد به نفع محیط زیست است».

نماینده ولی فقیه در مؤسسه اطلاعات در بخش دیگری از سخنانش درباره تمر یادبود روزنامه اطلاعات گفت: «در این تمر نمادهای زیادی می‌توانست جای بگیرد اما در اینجا عکس مشهدی علی که اولین کسی بود که چرخ چاپ دستی را می‌چرخاند و روزنامه را منتشر می‌کرد جای گرفته است و همچنین عکس‌های دیگری جای گرفته که یکی از آن‌ها، نماد معروف صوراسرافیل ولی در حقیقت همان الهه پیام است که بنیانگذار مؤسسه آن را انتخاب کرده که آن الهه، هم تقدس بشارت‌دهندگی و هم تقدس فرشته بودن را دارد».

سید محمود دعایی در پایان سخنانش اظهار داشت: «بسیار علاقه‌مند بودم که دکتر قالیباف به واسطه همکاری‌های فعال‌شان با مؤسسه اطلاعات در این مراسم حضور می‌داشتند که به دلیل تقارن این زمان با زمان کارهای دیگری که داشتند متأسفانه نتوانستند حضور یابند و گل فرستادند. همچنین نتوانستیم افتخار حضور دکتر علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد را به دلیل سفر خارجه داشته باشیم. اما هم اکنون دکتر مهدی محقق به عنوان یکی از چهره‌های شاخص فرهنگی که الگوی اندیشه در این مؤسسه هستند حضور دارند. همچنین باید از مرحوم استاد دکتر باستانی پاریزی یاد کنم که ایشان هم خدمات بسیار ارزشمند معنوی به مؤسسه اطلاعات داشتند».

مدعوبین مراسم نود سالگی روزنامه اطلاعات در ادامه از امکانات جدید لیتوگرافی مؤسسه و همچنین موزه صنعت چاپ (موزه مطبوعاتی) دیدن کردند.

سید محمود دعایی خطاب به حجت الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی ادامه داد: «جد بزرگوار شما به من اعتماد کردند و من در حضورشان عهدی کردم. از شما می‌خواهم شهادت دهید که من تاکنون به عهدم وفادار بودم، خیانتی به لباسم نکردم، من آبروی روحانیت را نبردم و آنچه را که امام از من خواستند و پدر نازنین شما از من خواستند این بود که چهره اسلام و انقلاب را مخدوش نکنم و تاکنون سعی کردم به این عهد وفادار باشم».

به گفته مدیر مسئول روزنامه نود ساله اطلاعات «ما همواره تلاش کردیم روزنامه اطلاعات را به صورتی اداره کنیم که چهره‌ای رحمانی و پذیرفتنی از اسلام ارائه کنیم و به عنوان یک روحانی مسئول، خدای ناکرده کسی نباشیم که مردم را از اسلام و دین منزجر کنیم. در تمام این سال‌ها با دقت و صرفه‌جویی تمام به گونه‌ای از بیت‌المال استفاده کردیم که در سخت‌ترین شرایط هم بتوانیم در راستای عهدی که بسته ایم حرکت کنیم، اگر بنیان‌گذار این مؤسسه از صفر شروع کرده بود من در زمان تحویل این مؤسسه از ۲۵۰ میلیون تومان زیر صفر شروع کردم زیرا هنگامی که مؤسسه را تحویل گرفتیم به سیستم بانکی بسیار مقروض بود. ماشین آلات فرسوده بودند و کارمندان سر ماه حقوقشان را مطالبه می‌کردند».

سید محمود دعایی در ادامه سخنانش با اشاره به این نکته که با مدیریت مدیران این مؤسسه همه بدهی مؤسسه روزنامه اطلاعات را پرداخت کردیم و تمامی ماشین‌آلات فرسوده را تعویض کردیم و اکنون یکی از پیشرفته‌ترین امکانات چاپ و قبل از چاپ را در اختیار داریم، گفت: «در چند روز اخیر از امکان جدیدی توسط معاون رییس جمهوری



حاج حسن خمینی در دیدار از مؤسسه اطلاعات و موزه صنعت چاپ، دکتر حمید انصاری هم در تصویر دیده می‌شود.



شنبه ۱۳۹۴/۵/۱۷

همزمان با روز خبرنگار انجام شد

بازدید دکتر احمد مسجدجامعی از موزه صنعت چاپ مؤسسه اطلاعات

نشست صنعت چاپ را در این روزنامه برگزار کردیم. شاید آن زمان کارهای مربوط به صنعت چاپ به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسید، به همین دلیل پایان نامه‌های بسیاری را در این باره جمع‌آوری کردیم.

وی تأکید کرد: روزنامه اطلاعات ماشین‌آلات قدیمی چاپ بسیاری را جمع‌آوری کرده بود و ما از این بابت خوشحال شدیم. در آن نشست از آقای دعایی خواهش کردیم با توجه به قدمت مؤسسه اطلاعات، موزه صنعت چاپ را راه‌اندازی کند تا وسایل قدیمی چاپ جمع‌آوری شود البته خود ایشان از همان زمان و حتی پیش از آن هم برای این مساله برنامه‌ریزی کرده بود.

وی با تأکید بر این که قدیمی‌ترین نشریه هفتگی کشور، «اطلاعات هفتگی» است، افزود: برایم جالب است که دوستانمان در خارج از کشور هم سعی می‌کنند روزنامه اطلاعات بین‌المللی را تهیه کنند و آن را بخوانند و این خیلی خوب است که این میراث حفظ شده و روزنامه اطلاعات سرمایه ملی است و می‌توانیم از آن در حوزه‌های مختلف بهره بگیریم.

تاسیس موزه صنعت چاپ

همچنین سید محمود دعایی سرپرست روزنامه اطلاعات در این بازدید که دکترهای خانگی استاد علوم ارتباطات هم حضور داشت، گفت: این موسسه، به یمن مدیریت مدیران برنامه‌ریز و کاردان از مؤسسه‌ای که در سال ۵۹ تحویل گرفتیم و در حال ورشکستگی بود، به مجموعه‌ای ارزشمند در جمهوری اسلامی تبدیل

این روزنامه طی ۹۰ سال به طور پیوسته منتشر شده و این نکته در کشور ما بسیار مهم است که روزنامه‌ای به مدت طولانی و بدون وقفه و با همه فرازاها و فرودها منتشر شود. من غیر از روزنامه اطلاعات، نشریه‌ای را سراغ ندارم که در چندین دهه به طور متوالی منتشر شود. این روزنامه بعد از ۹۰ سال تبدیل به میراث فرهنگی در کشور شده است و حجت‌الاسلام دعایی و همکارانش این روزنامه را به یک نهاد تبدیل کرده‌اند.

عضو شورای اسلامی شهر تهران از اطلاعات به عنوان روزنامه‌ای یاد کرد که در طول فعالیتش، کارکرد دیگری در حوزه آموزش روزنامه‌نگاران را هم به عهده داشته است. وی گفت: انصافاً عملکرد روزنامه اطلاعات جای تقدیر دارد، همچنین جا دارد از گل‌آقا هم یاد کنیم چرا که طنز بعد از انقلاب مدیون ستون گل‌آقا در این روزنامه است.

وی از فعالیت ویژه صفحه شهرستان‌ها به عنوان کار شایسته اطلاعات یاد کرد و گفت: صفحه شهرستان‌های روزنامه اطلاعات نگاه ملی دارد و بر همین اساس بسیاری از افراد اولویت خود را روزنامه اطلاعات قرار می‌دهند.

مسجدجامعی گفت: مجموعه این روزنامه برای کسانی که در حوزه فرهنگ کار می‌کنند، واقعاً راهگشا است و صرفاً یک روزنامه نیست و ما هم از آن استفاده‌های زیادی کردیم. همچنین روزنامه اطلاعات برای دسترسی به این منابع ساختار منظمی دارد.

مسجدجامعی در بخش دیگری از سخنانش به بیان خاطره‌ای پرداخت و افزود: به خاطر دارم که نخستین

سرویس سیاسی - اجتماعی: روزنامه اطلاعات دیروز در نودمین سال انتشار خود و همچنین روز خبرنگار، میزبان مسئولی از جنس رسانه بود، مردی که پس از گذشت سال‌ها خدمتش در جایگاه سکنداری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هنوز دغدغه امور فرهنگی دارد و سعی می‌کند در قالب برنامه تهرانگردی، به شناسایی نقاط قوت و ضعف مسائل مرتبط با هنر، اندیشه و رسانه بپردازد.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر احمد مسجدجامعی چهره فرهنگی و عضو شورای اسلامی شهر تهران صبح دیروز به همراه جمعی از اساتید برجسته علوم ارتباطات، فرهیختگان و همچنین شماری از کاریکاتوریست‌ها، خبرنگاران و عکاسان رسانه‌های مختلف کشور، آغاز چهل و نهمین تهرانگردی‌اش را به بازدید از مؤسسه اطلاعات اختصاص داد و در ادامه به خبرگزاری‌های ایرنا، ایسنا و ایکن رفت تا برنامه فرهنگی رئیس سابق شورای شهر تهران در روزهای جمعه، در این هفته رنگ و بوی رسانه‌ای به خود بگیرد.

مسجدجامعی در ابتدای سخنانش در سال کنفرانس مؤسسه اطلاعات، فرا رسیدن روز خبرنگار را تبریک گفت و تأکید کرد: موجب افتخار است که برنامه تهرانگردی این هفته رنگ و بوی خبرنگاری دارد و در آستانه روز خبرنگار به روزنامه اطلاعات آمده‌ایم تا به همکارانمان این روز را تبریک بگوئیم.

وی به ۹۰ سالگی روزنامه اطلاعات اشاره کرد و گفت:



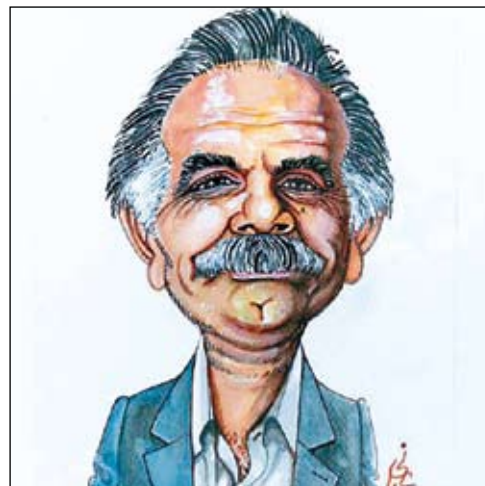
در مراسم بازدید از موسسه اطلاعات به مناسبت روز خبرنگار: احمد مسجد جامعی، هادی خانیکی، کامبیز درمبخش، فتح‌الله جوادی آملی، سید محمود دعایی



کاریکاتور اهدایی استاد کامبیز درمبخش



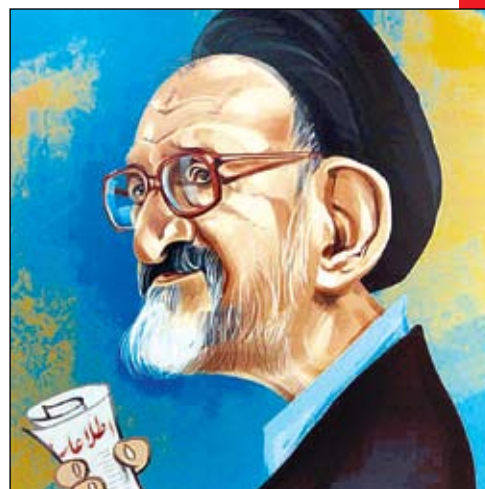
عموزاده خلیلی و احمد عربانی در این مراسم حضور دارند



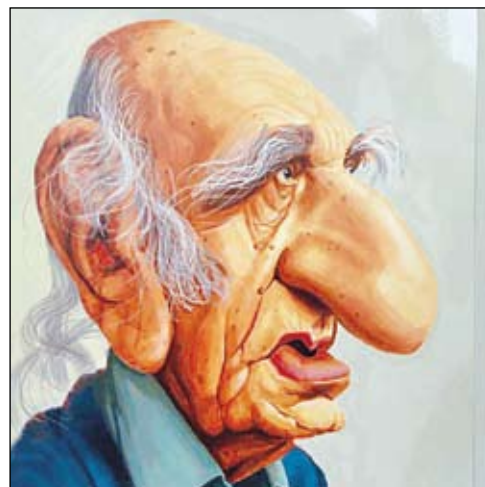
کاریکاتور کیومرث صابری، اهدایی استاد احمد عربانی

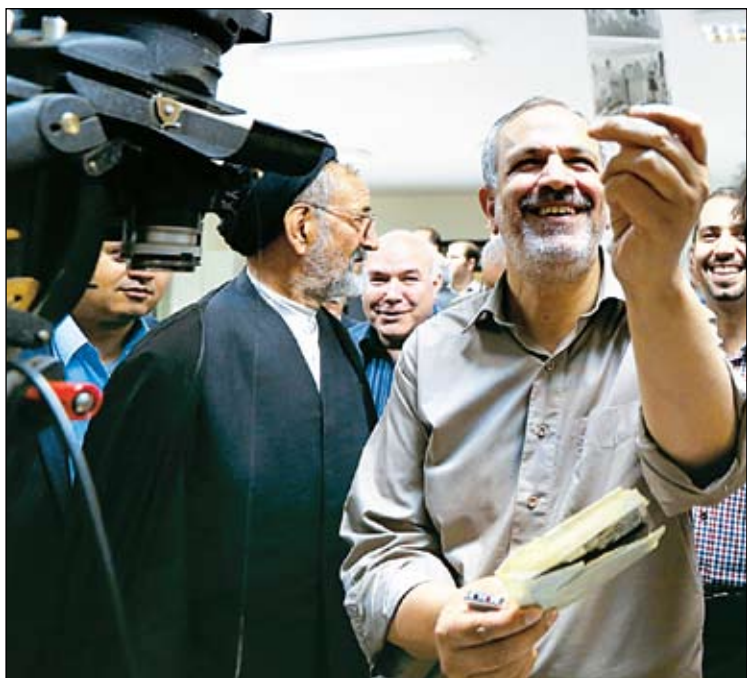


تصویر اهدایی هنرمند جوان هادی حیدری به سرپرست موسسه اطلاعات



کاریکاتور دکتر باستانی پاریزی، اهدایی سعید نوروزی به سرپرست موسسه اطلاعات





صحنه‌های بازدید از مؤسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ



دیدار سرزده مقام معظم رهبری در زمان ریاست جمهوری ایشان از مؤسسه اختصاص داشت. وی گفت: قبل از ساعت هشت صبح ۱۹ آذر سال ۶۳ از دفتر ریاست جمهوری تماس گرفتند و از من خواستند که قبل از رفتن به مؤسسه اطلاعات به آنجا بروم. به دفتر ریاست جمهوری مراجعه کردم و متوجه شدم که حضرت آقا قصد بازدید از روزنامه اطلاعات را دارند. این گونه بود که بازدید تاریخی رهبر معظم انقلاب (در زمان ریاست جمهوری) از مؤسسه اطلاعات ثبت شد و ایشان بازدیدی صمیمانه از بخش‌های مختلف مؤسسه انجام دادند، سر میز شورای تیرت حاضر شدند، از واحدهای فنی و آرشو بازدید کردند و سیستم جدید حروفچینی کامپیوتری مؤسسه اطلاعات به یمن حضور مبارک ایشان به بهره‌برداری رسید.

بنا به این گزارش در پایان این بازدید، مسجد جامعی و هیأت همراه به همراه مسئولان و جمعی از کارکنان اطلاعات عکس یادگاری گرفتند و سپس این روزنامه را به مقصد سه خبرگزاری ترک کردند.

گزارش: امیر طوسی‌نژاد
عکس‌ها: داود قهردار

در روزنامه اطلاعات، ورق خورد. حیدری سپس یک اثر کاریکاتوری را تقدیم آقای دعاوی کرد. در ادامه، کامبیز درم‌بخش، کاریکاتوریست یکی از کارهای خود را به فتح‌الله جوادی سر دبیر «اطلاعات هفتگی» هدیه داد و گفت: روزنامه اطلاعات تنها روزنامه‌ای است که به من آرامش می‌دهد و من سالگرد ۹۰ سالگی آن را تبریک می‌گویم. هنرمند همکار نشریات معروف توفیق و گل آقا احمد عربانی و سعید نوروزی هم دو کاریکاتور هدیه دادند. همچنین حمید فروتن، جواد گلزار، مهدی نصرتی، رضا یوسفی و محسن سجادی عکاسان رسانه‌های مختلف تابلوهایی از عکس‌های برگزیده را که در تهرانگردی‌های گذشته گرفته بودند به سرپرست روزنامه اطلاعات هدیه کردند.

بازدید از بخش‌های مختلف روزنامه
دکترمسجد جامعی و جمع حاضر سپس از بخش‌ها و واحدهای مختلف مؤسسه اطلاعات از جمله موزه در دست تکمیل صنعت چاپ، تحریریه، صفحه‌بندی، حروفچینی و... بازدید کردند.

سیدمحمود دعاوی در خلال این بازدید به ارائه توضیحات و البته خاطراتی پرداخت که یکی از آنها به

شده است. با توجه به ۹۰ سالگی این روزنامه، امروز شاهد مجموعه اقدامات برای راه اندازی موزه صنعت چاپ هستیم که عمده وسایل آن پیش از این در این مؤسسه به کار گرفته شده است و شامل ماشین‌های دستی تا پیشرفته‌ترین امکانات چاپی می‌شود. به گفته وی این موزه به زودی با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افتتاح خواهد شد.

همچنین در این نشست صمیمی، هادی حیدری کاریکاتوریست، در سخنانی موفقیت روزنامه اطلاعات و وجود آرامش در این مؤسسه را مدیون تدابیر و شخصیت آقای دعاوی و سایر همکاران وی دانست و آرامش و تحمل بالا و همچنین تدبیر و نقدپذیری را از ویژگی‌های مدیریت مؤسسه اطلاعات برشمرد وی گفت: روزنامه اطلاعات همواره سعی کرده طی این سال‌ها، بیشتر وجه مهربانانه نظام را در معرض دید عموم قرار دهد و نه فقط چهره و وجه قهرآمیز را. وی افزود: روزنامه اطلاعات دنبال ترویج دین و جذب افراد به اسلام و انقلاب با وجه مهربانانه است. آقای دعاوی همچنین گروه‌های مختلف با اندیشه‌های متفاوت را زیر یک چتر جمع کرد و آنها توانستند در این مؤسسه قلم بزنند به نحوی که تاریخ طنز با ایجاد ستون گل آقا



بازدید از موزه صنعت چاپ به مناسبت روز خبرنگار

عکس یادگاری بازدیدکنندگان ، در پایان مراسم (۹۴/۵/۱۷)





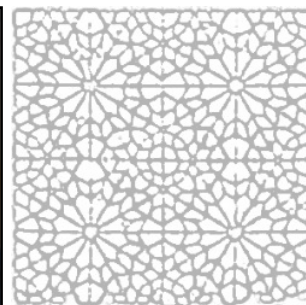
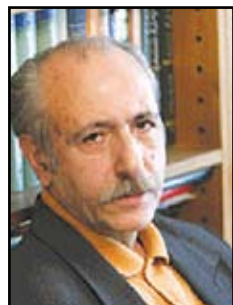
ویژه‌نامه نودین سال انتشار روزنامه اطلاعات

اطلاعات، در حدیث دیگران

❖ «اطلاعات در حدیث دیگران» منعکس‌کننده نظریات صاحب‌نظران درباره مؤسسه اطلاعات و روزنامه اطلاعات و ماندگاری نود ساله این نهاد فرهنگی، مطبوعاتی و انتشاراتی است. عذر مؤسسه اطلاعات را بپذیرید که اگر اصرار بسیاری از خود استادان و کارشناسان نبود، لاقلاً برخی تعبیرات لطف آمیزشان از متن این نوشته‌ها کنار می‌رفت. با این همه و در هر حال از حسن ظن آنان، که نگاه خود را به اصطلاح روی نیمه پُر این جام تمرکز داده‌اند و از نیمه خالی‌اش غمض عین کرده‌اند، و نیز به خاطر نفس همکاری و همیاری و اجابت دعوت، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود. به امید آنکه نقادی‌ها و عیب‌یابی‌های کارشناسانه و صمیمانه اهل نقد و نظر نیز، در چارچوب ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های کاری این موسسه و این روزنامه، یاری رسان باشد. بدیهی است که عموم کارگران و کارمندان و همه همکارانی که در قسمت‌های مختلف خانواده بزرگ مؤسسه اطلاعات در طول ۹۰ سال عمر آن از دل و جان کوشیده و زحمت کشیده‌اند و بار این کار فرهنگی را بی‌ادعا و بی‌ریا از آغاز تا امروز بردوش برده‌اند، مخاطبان اصلی «حدیث دیگران» و شایسته‌ی همه حسن ظن‌ها و حمایت‌ها و توصیف‌ها و تبریک‌هایی هستند که با قلم اهل نقد و نظر در این ویژه‌نامه بازتاب یافته است.

اطلاعات نودساله شده است

بهاءالدین خرّمشاهی



تجدد اگر خصمانه به سنت - به معنای وسیعش، چه دینی، چه عرفی - بنگرد قافیه را باخته است، به یک معنا سنت همان لایه‌های بر هم انباشته سنت‌ها و بدعت‌ها و ابتکارات کهن است. این افتخاری برای هیچ گونه تجدیدی نیست که صرفاً به نو بودن خود بنزد. به عنوان مثال نیما نكوشید که سنت را نابود کند یا نابوده بینگارد. بلکه عناصر مهمی از آن از جمله و به ویژه وزن را حفظ کرد. اما در ضرورت و مساوی بودن مصرع‌ها شک کرد. همچنین قافیه را هم پس نزد و گفت نه همیشه، بلکه هر جا که زنگ و آوای خوشی دارد بیاورید. امروزه شعر نوی نیمایی خود به سنتی ماندگار ولی جوان‌تر از سنت هزار و صد ساله شعر فارسی بدل شده است. شاملو هم به عنوان پیرو و در عین حال منتقد نیما و شعر نیمایی، شعر سپید خود را بر عناصر زیبایی از نثر کهن قرن چهارمی/پنجمی استوار کرد. و هر دو، شعر کلاسیک هم فراوان دارند.

اوج تجدید روزنامه‌نگاری ما هم در تحول عظیم اجتماعی/سیاسی و فرهنگی مشروطیت رخ داد.

بعضی پدیده‌ها که جان و جوهری ندارند، تاب‌گذر زمان را ندارند و کهنه و فرسوده می‌شوند. اما پدیده‌ها و فرآورده‌های جان و جوهردار، با گذر زمان جلا و جلوه پیدا می‌کنند. و اگر کتاب و نشریه باشند ارزش همیشه خوانی و پیوسته‌مانی دارند. اینها نو کلاسیک و سپس تر کلاسیک می‌شوند. نشریه پایدار و مایه‌دار «اطلاعات» هم ارزش بازخوانی دارد و هم ارزش تاریخ فرهنگی. به پیری می‌ماند که گذر زمان نه فرتوت و فرسوده، بلکه فرزانه‌اش کرده است.

به گفته استاد محمود دولت‌آبادی «ما ملت انقطاعیم». با این جمله معنا دار و بیدارگر، قصد ایشان این نبوده و نیست که ما سنت و سنن نداریم، بلکه بیشتر این بوده که ما سنت‌های خود را پاس نمی‌داریم، و آثار فرهنگی/هنری خود را تا دو سه دهه گذشت قدیمی و بدتر از آن منسوخ می‌شماریم. حال آنکه طبق برآورد واقع‌گرایانه، باید آنها را نوکلاسیک (مانند کلیدر و جای خالی سلوچ) یا کلاسیک (مانند آثار جمال‌زاده و صادق هدایت) به شمار آوریم. نشانه آثار کلاسیک این است که کهنه و بی‌جان و رمق نمی‌شوند: چه در شعر، چه در داستان، و چه در مقاله‌نویسی و نشریات، چه موسیقی و چه خوشنویسی و چه هنرهای دستی و ده‌ها فرآورده دیگر.

آری در نشریه نودساله و افتخارآفرین اطلاعات در هر سال از این نود سال «اخبار روز» آمده که امروزه به جای ارزش خبری، ارزش تاریخی و سیاسی و تاریخ فرهنگی دارد، تا چه رسد به مقالات تحلیلی و انتقادی که گذر زمان فقط به ارزشمندی آنها می‌افزاید.

اطلاعات خصایص چندگانه‌ای داشته و دارد که برایش نه فرسودگی و فرتوتی، بلکه چنانکه اشاره باشد، فرزنگی و دل‌زندگی و سرزندگی به بار آورد، که مهمترین آنها به تعبیر زیبای آقای مهندس امیررضا پوررضایی: فضیلت آهستگی یعنی ملایمت و مدارا و وقار است.

در قرآن کریم آیه زیبایی داریم که: هرچه مردمان را سود رساند، بر روی زمین پایدار می‌ماند. مدیریت با مهر و محابای چند دهه اخیر اطلاعات و سردبیری هشیارانه و هیأت تحریریه دانشمند و دارای سواد حرفه‌ای و تعهد میهنی و نگرش جهانی و همقلمان داخل نشریه و خارج از آن، اطلاعات را به روزنامه ملی ایران زمین بدل ساخته است، که هرگز به ورطه جنجال آفرینی - به هیچ قیمتی در نغلتیده - و در هر شماره دست کم ده مقاله تحلیلی یا فرهنگی دارد و صفحه ششم آن در کل مطبوعات ما می‌درخشد.



گفتاری از آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد

شنیدن و خواندن اخبار دروغ هم حرام است

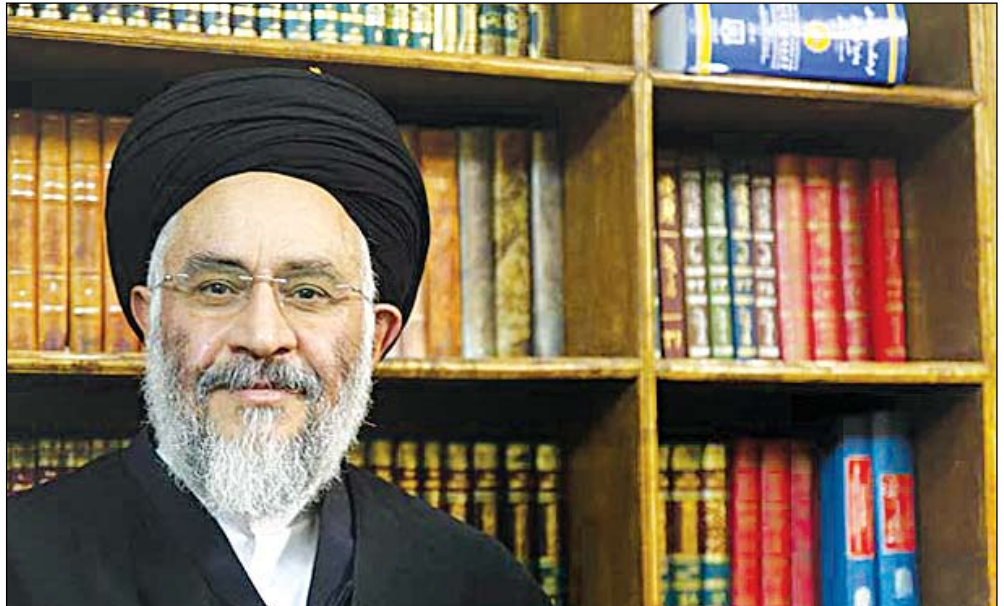
من فرزند یک خانواده روحانی اصیل هستم. به دلیل اینکه جد مادری من مؤسس حوزه علمیه قم بود و به قول سعدی همه قبیله من عالمان دین بودند. در دوران نوجوانی‌ام در منزل ما اینگونه بود که اولاً رادیو نداشتیم. چرا که در آن زمان یعنی حدود دهه سی رادیو را حرام می‌دانستند و به خصوص خانواده‌های متدینین رادیو نداشتند و گوش هم نمی‌کردند. اگر رادیویی در خانه بود بیشتر نشان روشنفکری تلقی می‌شد. و ثانیاً روزنامه‌خوانی هم بین علما رسم نبود. طلبه‌های جوان، بسیار کم، کنار روزنامه فروشی می‌ایستادند و نگاهی به تیترها و صفحات اول روزنامه‌ها می‌کردند و اغلب بودجه‌ای هم برای روزنامه خریدن نداشتند. اما به مرور در بعضی مواقع حساس آقایان علمای جوانتر به روزنامه‌ها نگاهی می‌انداختند و کسب اطلاعاتی می‌کردند. من به خاطره‌ای اشاره کنم که شاید برای شما جالب باشد.

مرحوم پدرم، سید محمد محقق داماد آموزگار فقاقت قرن معاصر، از کسانی بود که اواخر عمرش روزنامه می‌خواند و به خصوص به روزنامه اطلاعات توجه داشت. در آن زمان معروف بود که روزنامه‌خوانها روزنامه اطلاعات می‌خوانند. پدرم در سال ۱۳۴۷ درگذشت، اما به خاطر دارم که ایشان در سالهای اواخر عمرشان روزنامه اطلاعات را که عصرها منتشر می‌شد تهیه می‌کرد و به دقت می‌خواند. حتی به ما می‌گفت که شما روزنامه را دقیق نمی‌خوانید و سر سری نگاه می‌کنید. ولی قبلها چنین نبود. گاهی روزنامه می‌خواندند. به خاطر دارم در سال ۱۳۳۴ که آن موقع من کلاس سوم ابتدایی بودم، در زمستان همان سال بود که پدرم روزی به من و برادرم که امروز ایشان از مراجع علمی حوزه علمیه قم است گفتند که روزنامه را برای من تهیه کنید، من نگران هستم. پرسیدیم چرا نگران هستید؟ گفتند می‌خواهم بدانم تکلیف این بچه سیدها چه شد؟ در آن زمان چند تن از اعضای فداییان اسلام محاکمه نظامی شده بودند و ایشان می‌خواستند بدانند که تکلیف اینها چه شده است. پدرم خبر داشت که اینها محکوم به اعدام شده‌اند و عده‌ای از آقایان علما هم وساطت کرده بودند که وضعیت اینها تغییر کند و پدرم می‌خواست بداند که این وساطتها بالاخره به اطلاع ارباب قدرت رسیده یا خیر و اگر رسیده اثر کرده یا نه.

من و برادرم به سمت دکه روزنامه فروشی که صاحبش آقای به نام بابایی بود و جلوی صحن آستانه فیضیه بود رفتیم. عصر زمستانی بود. صاحب روزنامه فروشی گفت که روزنامه نیامده است. ظاهراً جاده بارانی بوده است. پیگیر شدیم و فهمیدم که روزنامه را از طریق گاراژ ترانسپورت شمس‌العماره می‌آورند. به گاراژ رفتیم و مدتها صبر کردیم که دست خالی برای پدرم بازنگردیم. اما سرانجام ماشین نیامد و روزنامه‌ای هم به دست ما نرسید. فردا صبح که روزنامه را به دست آوردیم خبر تیرباران فداییان اسلام در روزنامه منتشر شده بود. پدرم خیلی سریع البکاء و شدیدالتأثر بود. با دیدن این خبر به شدت گریه کرد. وقتی که ایشان خبر را خواندند در خبر آمده بود که سه نفر از افرادی که اعدام شدند یعنی نواب صفوی، خلیل طهماسبی و محمد واحدی درخواست ملاقات با تیمسار آزموده دادستان ارتش کرده بودند. نوشته بود وقتی که با تیمسار ملاقات کرده بودند نواب صفوی از دادستان خواسته بود که جریان فرجام‌خواهی را برای آنها توضیح دهد. در خبر آمده بود که تیمسار آزموده فرجام‌خواهی را برای آنها بیان کرده و گفته بود که هر محکومی که حکم محکومیتش در دادگاه تجدید نظر اعلام شود می‌تواند ظرف ده روز درخواست فرجام‌خواهی کند. اگر مهلت مقرر منقضی شود و محکوم درخواست تجدید نظر نکند این عمل به منزله عدم فرجام‌خواهی است. و سپس بلافاصله در همان خبر جریان تیرباران شدن را نوشته بود. به هر حال در خبر همین آمده بود. این بحث در آن موقع می‌شد و پدرم که فقیه بود در این مورد به سبک فقها بحث می‌کرد که ظاهر این خبر اینست که اینها درخواست فرجام‌خواهی نکرده‌اند چون از جریان ومقررات فرجام‌خواهی اطلاع کافی نداشته‌اند. اگر چنین است لازمه‌اش اینست که حق آنان تضییع شده است.

به هر حال در آن ایام تماس با روزنامه گاه گاهی بود. به خاطر دارم از سال

ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



به حضا است. سابقاً انتظار می‌رفت که در هر جلسه‌ای مستمعین به فرد صاحب سخن گوش کنند، اما مکرر دیده‌ام که فردی تلفنش زنگ می‌خورد یا همانجا جواب می‌دهد و یا بلند می‌شود و بیرون می‌رود و دوباره فرد دیگری اینکار را می‌کند. مکرر دیده‌ام که در یک جلسه دو ساعته تمرکزی احساس نمی‌کنیم. لذا ادب و اخلاق را به راحتی با استفاده از یک موبایل از دست داده‌ایم. مکرر دانشجویان به من گفته‌اند فلان استاد در کلاس درس به موبایلش جواب می‌دهد و حتی یادش رفته که قبلاً چه می‌گفته است. این نهایت بی‌ادبی به کلاس درس است. لذا روزنامه‌هایی که با عموم مردم تماس دارند و کثیرالانتشار هستند باید رفتار مودبانه و اخلاقی را برای مردم تبیین کنند. رادیو و تلویزیون هم باید به مردم آموزش دهد که چگونه محیط زیستشان را آلوده نکنند. متأسفانه گاه در تلویزیون ساعتها صرف تبلیغ یک موضوع بیهوده می‌شود اما برای اخلاق چه می‌کند؟ به نظر من از نظر شرعی این کارها اشکال دارد. رسانه‌های گروهی که از پول ملت اداره می‌شوند باید در برابر چنین رفتارهایی پاسخگو باشند. البته روزنامه سرمایه ملت است ولی بسیاری از نشریات از طریق فروش و آگهی اداره می‌شوند و از این حیث ربطی به پول بیت المال ندارند. متأسفانه کسی به برنامه‌های رادیو و تلویزیون اعتراض نمی‌کند و راهی هم برای اعتراض نیست. بنده به عنوان یک شهروند حاضرم این مسأله را اثبات کنم که برخی و یا بسیاری از برنامه‌های تلویزیون هدر است و لاقول مروج اخلاق نیست. اینجاست که وظیفه روزنامه‌ها پر رنگ می‌شود و آنها باید اخلاق عمومی را به مردم آموزش دهند. من نسبت به انتشار موضوعات دینی در روزنامه‌ها حساس هستم. باید مطالبی انتشار یابد که قابل فهم برای عموم مردم باشد و آنها را با مسائل آشنا کند و انس دهد. اکنون روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه معتدلی شناخته می‌شود که جانب اعتدال را دارد و حریم کسی را نمی‌شکند و توهین به کسی نمی‌کند و واقعاً جای تقدیر و تشکر دارد. من با مردم تماس دارم. مردم شاکر و سپاسگزار این روزنامه هستند که توهین به کسی نمی‌کند.

واقعیت این است که قرآن مجید در سراسر قرآن چند جا عدالت را شرط کرده است. در سوره مبارکه حجرات گفته شده است که یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ جَاءَكُم فَاسِقٌ بَنِيٌّ فَتَبَيَّنُوا أَن تَصِيبُوا قَوْمًا بَٰجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَالِي مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید! (۶)

این آیه شریفه حامل چند پیام مهم است:

۱- شرط سمت «خبر آوردن» و به عبارت امروزی‌ها خبرنگاری و رسانه گروهی، عدالت است. و اگر فاسق باشد خبرش ارزشی ندارد. جالب است بدانید که قرآن در موارد محدودی شرط عدالت را مطرح کرده است از جمله همین سمت است. ۲- در مورد وظیفه شنوندگان اخبار، قرآن می‌گوید: ای مؤمنین اگر فاسقی برای شما خبر آورد در مورد خبر او تحقیق کنید. یعنی ترتیب اثر دادن بی‌چون چرا به خبر شخص غیر عادل، با ایمان منافات دارد. و بالاخره فرهنگ بی‌اعتنایی به خبر فاسق نشانه ایمان شماست. ۳- اگر این کار را نکنید و تحقیق نکرده به خبر فاسق توجه کنید توالی فاسده بسیاری دارد. جامعه شما گرفتار جهالت خواهد بود و زندگی شما جاهلانه خواهد بود و گرفتار پشیمانی خواهید شد. شما نسبت‌های ناروایی به مردم بیگانه‌ای از روی جهالت می‌دهید که خداوند را به غضب می‌آورد. به نظر من این آیه باید سرلوحه زندگی روزنامه‌نگاری باشد. در رأس رسانه‌ها باید فرد عادل باشد. اگر کسی سابقه دروغ گفتن و تملق بی‌جا و فسق داشته باشد تمامی اخبارش بی‌اعتبار است و شنیدن اخبار دروغ با گفتن دروغ فرقی نمی‌کند. باید انسان دروغ نشنود و دروغ نگوید. غیبت نکند و غیبت نشنود و غیبت نخواند. اگر خبری را بخواهیم بشنویم که در آن خبر دروغی راجع به کسی داده شود یا آبروی کسی برده شود و یا اتهامی بدون دلیل و اصل به کسی زده شود، نباید بشنویم و باید رادیو و تلویزیون را خاموش کنیم و یا روزنامه را نخیریم. اگر کسی ظن نزدیک به علم برایش وجود داشته باشد باید تکلیف شرعی خودش را انجام دهد. قرآن مجید در سوره فرقان نیز نشانه مومنین را چنین می‌شمارد وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ إِذَا مَرُّوا بِاللِّغُومِ وَاكْرَامًا (۷۲) و مومنین کسانی هستند که به دروغ گواهی نمی‌دهند و در مجالس دروغ و غنا و فحش و ناسزا و غیره حضور نمی‌یابند، و چون به لغو و بیهوده‌ای عبور کنند بی‌اعتنا و بزرگوارانه می‌گذرند.

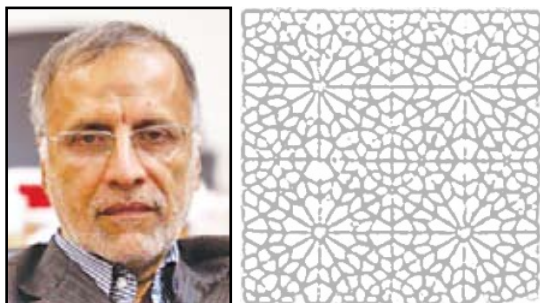
۴۲- به بعد منزل ما آبونمان روزنامه اطلاعات بود. روزنامه اطلاعات قبل از انقلاب هم جزو روزنامه‌های پر خواننده بود. آن مقاله توهین آمیزی هم که نسبت به حضرت امام خمینی طاب ثراه در این روزنامه منتشر شده بود، به خاطر این بود که اطلاعات روزنامه پر خواننده‌ای بود. روزنامه صفحات متنوعی داشت. طلاب به ندرت مقید بودند روزنامه بخوانند و در سنوات اخیر به خاطر دارم که مرحوم فلسفی تکه‌ای از روزنامه را بالای منبر برومطلبی را برای مردم خواند. خطبایی هم برای مردم همین شیوه را تقلید می‌کردند. حتی وقتی که من به تهران به منزل دایی ام حضرت آیت‌الله دکتر مهدی حایری یزدی می‌آمدم و ایشان هم آبونمان روزنامه اطلاعات بودند روزنامه را می‌دیدم. علمای اهل فکر واقف بودند که «مطبوعات» بعد از ماجرای مشروطیت رکن چهارم مشروطیت است و باید آزاد باشد. در ذهن آنها این بود که اگر قانون اساسی رعایت شود و اگر مطبوعات که رکن چهارم مشروطیت است بتواند آزاد باشد، برای جامعه ثمرات خوبی خواهد داشت. البته در ذهن برخی هم بود که اگر مطبوعات آزاد باشند ممکن است علیه دین هم بنویسند. مقصود آنها روزنامه‌های چپ بود که علیه دین می‌نوشتند. البته در همین روزنامه‌ها تصاویر مبتذل و تبلیغ‌های نامشروعی بود که علما فکر می‌کردند که اینها رواج فساد است. آنها این قبیل نشریات را اوراق ضاله می‌گفتند و اگر گاهی هم می‌خردند و می‌خواندند معتقد بودند که نوعی اضطراب است. روزنامه اطلاعات انصافاً از این نظر وزن تر بود و خیلی هم سراغ موارد مبتذل نمی‌رفت.

لازم است که در اینجا به نکته مهمی اشاره کنم و آن مباحث دینی و اخلاقی است. قبلاً روزنامه‌های دینی روزنامه‌های خاص بودند مانند روزنامه سرچشمه و یا ندای حق و ندای اسلام. مجلات دینی هم بود مانند مجموعه حکمت و درسهایی از مکتب اسلام که آیت‌الله مکارم مسئول آن بودند و مورد تأیید آیت‌الله بروجردی هم قرار گرفت. بعداً فصلنامه‌ای به نام مکتب تشیع که مسئولش آقای هاشمی بود منتشر شد و افراد دیگری مانند شهید باهنر هم همکاری داشتند. آن موقع انتظار این بود که این جراید موضوعات دینی را منتشر کنند. در روزنامه‌های کثیرالانتشار مانند روزنامه اطلاعات به جز ایامی مانند عاشورا و بیست و یکم رمضان مقاله‌ای از فضایل امام حسین (ع) و امام علی (ع) منتشر نمی‌شد. اما اکنون معمولاً در یک یا چند صفحه از مطبوعاتی که در ایران منتشر می‌شود به موضوعات دینی پرداخته می‌شود. بعد از تشکیل جمهوری اسلامی ایران دین در متن سیاست قرار گرفته و سیاست دینی هم اقتضا دارد که مطبوعاتش دینی باشد. اما به نظر بنده و استدعایی که دارم به خصوص از روزنامه‌های مانند اطلاعات، این است که باید در کنار مباحث دینی اهتمام به اخلاق عمومی کند. خوشبختانه تلویزیون و مساجد و محافل تبلیغ دین می‌کنند و کار خودشان را می‌کنند. اما اگر روزنامه‌های کثیرالانتشار از این فرصت استفاده کنند و اخلاق عمومی را و جزییاتی را که در زندگی عمومی در حال انحراف است با یک سبک نوین و پر جاذبه‌ای برای مخاطبان تشریح کنند بسیار مطلوب است. اینکه مردم چگونه با هم زندگی کنند؟ چگونه با هم حرف بزنند؟ چگونه با هم مواجه شوند؟ چگونه به هم دست بدهند و ادب و احترام را رعایت کنند؟ چگونه محیط زیست را آلوده نکنند و آشغال در خیابان نریزند؟ البته مقالات سنگین برای این موارد خوانده می‌شود اما جاذبه عمومی ندارد. وظیفه روزنامه‌ها است که عموم مردم را با مسائل اخلاقی آشنا کنند. فرهنگ سازی برای ترویج اخلاق عمومی امروز از وظایف روزنامه‌هاست.

مثالی بزنم. تکنولوژی تلفن همراه در عین اینکه وسیله‌ای بسیار کارآمد و مهم است متأسفانه باید بگویم مهمترین رفتارهای بی‌ادبانه را رواج داده است. فرهنگ ما را از نظر روابط انسانی از میان برده است. افرادی در یک جلسه‌ای نشسته‌اند و فردی با سن بالا و محترم پیامک‌های موبایلش را می‌خواند و یا ارسال می‌کند. این حرکت، زشت و بی‌ادبی

«پیدا» و «پنهان» دنیای اطلاعات

دکتر هادی خانیکی



۱) در آموزش‌های کلاسیک روزنامه‌نگاری، برای آنکه بیاموزند «چه چیز خبر است» و «معیارهای گزینش اخبار کدامند»، از الگویی در زمینه ارزشهای خبری سخن به میان می‌آورند که «والتر وارد» در خلال تحقیقاتی برای نگارش رساله دوره دکتری روزنامه‌نگاری خود در آمریکا به آن دست یافته است. «الگوی وارد»، خبر را در سه بعد «اهمیت»، «برجستگی» (معروفیت) و «معمول - متعارف» بودن و در هر بعد با چند عنصر مورد سنجش قرار می‌دهد و با تعریف مجموعه‌ای از معیارهای خبری، کار گزینشگری را برای روزنامه‌نگاران آسان می‌کند. از میان این مجموعه سه بعدی که براساس ویژگی‌هایی مثل شدت دربرگیری، دامنه بزرگی و فراوانی، میزان شهرت، مجاورت معنوی و جغرافیایی، حد برخورد و درگیری و عجیب و استثنائی بودن، «ارزش خبری» وضع می‌شود، ویژگی آخر درخور توجه بیشتر است. رویدادی آن‌گاه خبر است که غیرعادی، استثنائی، عجیب و نادر بوده و برخلاف پیش‌بینی و انتظار، اتفاق افتاده باشد.

۲) در خبرهای این روزها و ماه‌ها آمده است که «اطلاعات نود ساله شد». نمی‌دانم روزنامه‌نگاران با کدام معیار از الگوی وارد به این خبر نمرة ارزش خبری داده‌اند و در کدام سطح و صفحه برای این خبر کوتاه تیر و جا برگزیده‌اند؟ روایت تاریخی خبر «عادی» است و البته چند عنصر خبری متعارف را در بردارد:

خبر از زبان محمدمصدا هاشمی در تاریخ جراید و مجلات ایران چنین است: روزنامه اطلاعات در تهران به صاحب‌امتیازی و مدیرمسئولی عباس مسعودی تأسیس و نخستین شماره آن در ۱۹ تیر ۱۳۰۵ (مطابق ۳۰ ذیحجه ۱۳۴۴) روی یک ورق بزرگ در مطبعه سربری روشنائی چاپ شد... در بدو تأسیس، اطلاعات به وسیله مرکز اطلاعات ایران که مؤسسه‌ای برای نشر مطبوعات فارسی در تهران بوده و عباس مسعودی نیز در آن عضویت داشته نشر می‌شده است. انتخاب نام اطلاعات که مبین هیچ‌گونه جهت‌گیری سیاسی نبوده، از سوی مسئولان وزارت معارف آن ایام، به‌ویژه علی‌اصغر حکمت مورد استقبال قرار گرفت.

در «نود سالگی اطلاعات» می‌توان هر بعد این خبر تاریخی را به اعتبار معیاری از ارزش‌های خبری وارد زنده کرد و به میانه رویدادهای روز آورد. من به دلایل گوناگونی که از جمله آنها علاقه‌مندی به «نگاه تاریخی» است، این خبر را از آن رو دارای اعتبار و ارزش بالای خبری می‌دانم که نامتعارف و سرشار از شگفتی‌هاست.

۳) نود سالگی یک روزنامه در ایران که خبر عادی و متعارف روزنامه‌نگاری‌اش در تاریخ معاصر جوانمرگی

مطبوعات است خبری استثنائی و عجیب و نادر و برخلاف پیش‌بینی‌ها و انتظارهای تاریخی است. نه تنها مطبوعات بلکه نهادهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در تاریخ معاصر ما معمولاً کم‌عمرند و به گفته دکتر همایون کاتوزیان خود مصداق‌های «جامعه کوتاه مدت» به شمار می‌آیند. صاحب‌نظران توسعه اساساً شکنندگی، ناپایداری و کم سن و سالی نهادهای مدنی را در ایران از جمله موانع توسعه پایدار و موزون و متوازن و همه‌جانبه این سرزمین به حساب می‌آورند و به این سبب توجه به آثار منفی توقف و توقیف و تعطیل مطبوعات را از هر نظر و منظر ضروری می‌دانند.

حال باید دید چگونه است که در حوزه توسعه سلامت و بهداشت از شاخص‌های بالا رفتن «امید به زندگی» و پائین آمدن «مرگ و میر کودکان» به وضوح یاد می‌شود، اما در حوزه توسعه فرهنگی و سیاسی و اجتماعی شاخص‌هایی مثل «دوام و قوام نهادهای فرهنگی» و «نهادمندی و تاریخداری» مطبوعات به آسانی مورد غفلت قرار می‌گیرند. هیچ چیز مثل مرگ ناگهانی یا آرام یک نهاد، یک شبکه، یک پاتوق و یک رسانه‌ای که موجب گرد آمدن تاریخی شهروندانی است به توسعه فرهنگی و سیاسی و اجتماعی یک جامعه ضربه نمی‌زند. کوتاهی عمر مطبوعات وقفد و ضعف تبار تاریخی یعنی از میان بردن بخشی از تجربه‌ی حرفه‌ای و حافظه فرهنگی جامعه و رها کردن «سرمایه‌های نمادین» آن در برابر تندباد سرگشتگی و بی‌سامانی مدنی. کوتاهی عمر مطبوعات و هر نهاد مدنی و علمی و حرفه‌ای و فرهنگی دیگر تنها «گذشته» را در معرض تهدید و تخریب قرار نمی‌دهد، به «حال» و «آینده» هم ضربه‌های کاری می‌زند. نهاد فرهنگی تاریخمند می‌تواند میان گذشته و حال و آینده پل بزند و نگذارد هر نو که به میان می‌آید، کهنه را دل‌آزار کند، و هر کهنه نیز میدان را بر نو ببندد. پیوند موزون میان نو و کهنه در نهاد حافظه‌دار مطبوعات، گفتگو و زبان‌آوری است، هیچکس جا را بر دیگری تنگ نمی‌کند و هر کس می‌تواند برای «دیگر» خود چه نباشد و چه کهنه، جا باز کند. مشاهده‌های من در طول این سالها حاکی از آن است که روزنامه اطلاعات توانست در ثلث آخر عمر نود ساله‌اش «سکته» نکند و با بنا نهادن کار و بار خویش بر بنای اخلاق، گفتگو و مدارا «حیات تاریخی» و «هم‌پیوندی فرهنگی» را در خانواده مطبوعات کشور معنا بخشد. اطلاعات در این سی و چند سال به جای دیوار در عالم اندیشه در ساخت و به جای سیلاب، پل و به همین سبب «خبر» شد و «خبرساز».

۴) نمی‌توان از کنار حقیقت‌های تاریخی به سادگی

گذشت. اگر «اطلاعات» توانست پل شود و پنجره و به افق‌های باز راه بگشاید باید سر توفیق آن را در تأثیر رنگ و اثر بینش و روش و منش سیدمحمود دعایی بر رویکرد این مؤسسه دید.

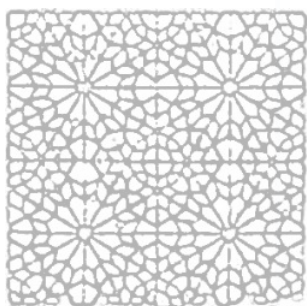
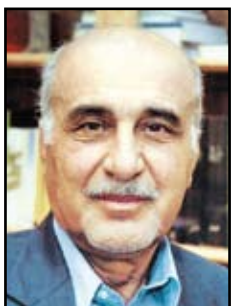
معجزه فروتنی و مدارا و گره‌گشایی او از کار اهالی فکر و نظر در این قریب چهل سال سرنوشت «اطلاعات» را متفاوت از نهادها و روزنامه‌های مشابه کرد. اینجاست که به گفته جامعه‌شناسان می‌توان ترجیح نقش «عاملیت» را در برابر «ساختار» در این زمینه دید.

دعایی کشتی طوفان زده اطلاعات را که زمانی با چاپ مقاله موسوم به «رشیدی مطلق» علیه امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۶ سر از منتهی‌الیه وابستگی به استبداد درآورده بود به لنگرگاه اعتماد و اطمینان سیاسی و فرهنگی در درون و بیرون روزنامه اطلاعات کشاند. خانواده روزنامه اطلاعات قدیم و جدید را در کنار هم با دوستی و به خوبی پذیرفت و در منظومه علمی و فرهنگی و سیاسی کشور این «هم‌پذیری» و «هم‌پیوندی» جامعه عمل به خود گرفت.

پای من به نوشتن در روزنامه از طریق جلال رفیع که سابقه و تجربه دوستی‌هایم با او از سخت‌ترین دوران پیش از انقلاب تاکنون همواره به گفته نیما «زنده‌ام می‌دارد» به اطلاعات باز شد در سالهای دور اوایل انقلاب، اما پس از آن که به روزنامه کیهان رفتم در سالهای اول دهه ۶۰، گویی دو خانواده کیهان و اطلاعات نه همسایه که خویشاوند بودند. میان «ما» و «آنها» نه دیوار بود و نه پل. در کیهان نماینده امام سیدمحمّد خاتمی بود و در اطلاعات سید محمود دعایی. در شورای سردبیری روزنامه اطلاعات، جلال رفیع و احمد ستاری و احمد شیرزاد و عبدالعلی رضایی و سعید پورعزیزی و در شورای سردبیری روزنامه کیهان سیدمصطفی رخ صفت و رضا تهرانی و محمود شمس‌الواعظین و محمد عطریان‌فر و من و بعدها مسعود غفاری. مدیریت مؤسسه بر مدار شهید آل قلم سیدحسن شاهچراغی می‌چرخید و در این دو منظومه که بزرگان دیگری از پیشکسوتان روزنامه‌نگاری و اندیشوران کشور با دلگرمی و همنگرمی قلم می‌زدند، یکی از بهترین دوران روزنامه‌نگاری ایران به‌ویژه در شرایط جنگی و در دوره دفاع مقدس رقم خورد.

داستان این تجربه‌ها را باید در جاهای دیگر گفت و نوشت، تا «تاریخمندی» و «سنت‌داری» روزنامه‌نگاری در ایران فراز و فرودهای خود را بیشتر ببیند و بداند و گفت‌وگو میان نسل‌های کهنسال و میان‌سال و جوان روزنامه‌نگار عملاً به انجام رسد.

۵) روزنامه اطلاعات صورتی آشکار دارد که در



ویژگی‌های یک مؤسسه فرهنگی

دکتر ایرج فاضل

عمر مؤسسه آبرومند و بزرگ اطلاعات به یک قرن می‌رسد و به بهانه آن قرار است مطالبی از طرف دوستداران نشریات آن عنوان شود. در بین نشریات بسیار متنوع و رنگارنگ دهه‌های پس از انقلاب و طلوع و غروب‌های فراوان، اطلاعات موقعیتی ویژه و ممتاز دارد. در نشریات اطلاعات به همت مدیر شایسته و کارکنان شریف و کارآمد آن حتی رگه‌ای از انحرافات شایع دیده نمی‌شود، حرمت قلم پیوسته پاسداری شده است و موضع‌گیری‌ها اکثراً عقل‌پسند و متعادل و نزدیک به واقعیت است که بخش مهمی از آن مدیون مدیریت مردی خیراندیش، صاحب سبک و سلیقه، و پاکدل است که علیرغم مقام رفیع و جایگاه ویژه‌ای که قبل و بعد از انقلاب داشته است بی‌ادعترین فرد با فروتنی مثال‌زدنی است و پیوسته چون شاخه پرباری سر به زیر دارد.

جناب حجت‌الاسلام سید محمود دعایی، خانواده بزرگ و با فرهنگ اطلاعات را با کفایت و درایتی کم‌نظیر اداره کرده است و در سالهای پرتلاطم و بحرانی دهه‌های پس از انقلاب با پشت سر گذاشتن دوران پرتلها و طوفانی و عبور از بین صخره‌ها و گرداب‌های هایل و امواج خردکننده در شب‌های تاریک با مدیریت قدرتمند و انسانی و سرشار از خیرخواهی خود کاری کارستان انجام داده است. و توانسته است در شرایطی که عمر نشریات گاه به چند روز هم نمی‌رسد عمر مؤسسه اطلاعات را به یک قرن رسانده و نودسالگی و انشاءالله صد سالگی آن را در عرصه فرهنگی کشور جشن بگیرد و کاری کند که فقط از مردان بلندقامتی چون دعایی عزیز می‌توان انتظار داشت. کارهای صمیمی و بی‌ریا است و از هیچ کمکی به دیگران دریغ ندارد، پیوسته منادی صلح و صفا و مرهم نهادن بر زخم‌ها و ایجاد آرامش و دوستی است و انگار برای ایجاد مودت و مهربانی آفریده شده است. حجت‌الاسلام محمود دعایی مردی است خوش فکر و کارآمد با دلی پاک و خیرخواه و تواضعی مثال‌زدنی که شایسته افراد بزرگ است، موضع‌گیری‌های صریح و خرد پسند و شجاعانه است، بسیار کم سخن می‌گوید و هرگاه مجبور به صحبت شود سخنش گیراست و بر دل می‌نشیند.

در مراسم افتتاحیه ساختمان جدید اطلاعات که مزین به حضور جناب خاتمی عزیز بود ضمن سخنان کوتاهش به نکته‌ای اشاره کرد که نشانه فکر آزادانه است. (نقل به مضمون) چنین فرمود: ما امروز فرزند بنیانگذار محترم مؤسسه اطلاعات را در بین خود داریم و از او که علیرغم جفاهای گذشته دعوت ما را پذیرفته است سپاس گزاریم. این نوع قدرشناسی صمیمانه و فارغ از معادلات و ملاحظات متداول، از روحی پاکیزه و اندیشه‌ای زلال سرچشمه می‌گیرد که دعایی عزیز نماد آن در زمانه ماست. این قلم ناتوان عادت به تعریف و تمجید ندارد ولی آنها که حجت‌الاسلام دعایی را می‌شناسند می‌دانند آنچه گفته شد از دل برآمده است و امید است بر دل نشیند.

اطلاعات به سبب همان تعلق خاطری که به وجه عقلانی و اخلاقی و رحمانی دین و انقلاب اسلامی و فرهنگ ایرانی دارد، در این سالها غبار از چهره اندیشه و اندیشوران ایرانی زدوده و راه را بر کشف استعدادها و توانمندی‌های علمی و معرفتی باز کرده است.

● **اطلاعات، باشگاه و کانون و پاتوق اندیشه و فرهنگ و هنر ایرانی و اسلامی است.**

● **اطلاعات محل نشو و نمای کسانی بوده است که در این سالها جز به اطلاعات در جای دیگری به آسانی پا ننهاده‌اند. از محمدرضا شفیعی کدکنی و عبدالحسین زرین‌کوب و عباس زریاب‌خویی و احمد مهدوی دامغانی و محمدابراهیم باستانی پاریزی و محمدعلی جمال‌زاده تا نسل دوم و سوم اندیشه‌ورزان و صاحبان هنر و اثر کشور.**

استعدادها» بوده است، نیز پاس داشت. (۷) سخن آخر اینکه جوانمردی و فتوت که از جمله اخلاق پارسایان است، سنگ زیرین روزنامه‌نگاری و مدیریت فرهنگی است. باید بر این وجه دعائی و اطلاعات بیشتر تأکید کنم و از خاطراتم برای سودمندی و حتی آثار ملموس این بنا و بنای اخلاقی یاد کنم. این چهره پنهان‌تر دعایی و اطلاعات، بزرگترین ارزشهای خبری را دارد. اینکه بی‌چشمداشت و بدون نگاه به منافع آنی دستی از صاحب اندیشه‌ای گرفته شود، نهالی می‌کارد که شاخ و برگ و سایه سارش رهگذران بی‌شماری را بهره می‌رساند. «کریم زمانی» را زمانی در ایامی سخت سیدمحمود دعایی به مؤسسه اطلاعات برد و این فراهم‌آوردن فرصت توان او را فعلیت داد و آثار او را در «شناخت مثنوی» و «مولوی‌شناسی» وارد میدان فرهنگ این کشور کرد. اگر دعایی و اطلاعات نبود و این کار را نمی‌کرد، آیا افقی بر پهنه این اندیشه پویا گشوده می‌شد؟ آری، اطلاعات را باید با نوشته‌ها و نانوشت‌ها، با گفته‌ها و ناگفته‌هایش با هم شناخت.

نسل دوم و سوم اندیشه‌ورزان و صاحبان هنر و اثر کشور، بهای بهره‌برداری از این سرمایه‌های فرهنگی و نمادین کشور به واقع حرمت‌نهادن در عمل به قلم و اهل قلم بوده است و همین رویه است که اطلاعات را ساخت و میدان خردورزی و اندیشه‌پروری کرده است. اطلاعات با تیتراها و خبرهای خود در صفحه اول، بر روی اعصاب جامعه راه نمی‌رود، حتی سعی می‌کند جامعه را به «اقیانوس آرام» نزدیک کند، اما در کنار آن گوهرهای کمیابی از سخن و مقاله در صفحات زیرین دارد و شاید وجه ناآشکار اما دیدنی آن همین باشد.

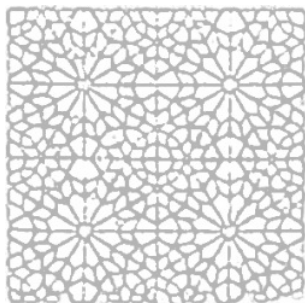
۶ حسن ختام را با یاد گل آقای عزیز می‌آورم که می‌گفت روزنامه وقتی روزنامه است که در آمد، دلت نلزد، بمبی زیر پایت منفجر نشود. او خود در اطلاعات با «دو کلمه حرف حساب» چنین پایه‌ای نهاد و با زبان طنز، تلخی نقد را کم کرد و سطح آن را بالا برد. صابری (گل آقا) که در سفر حج توفیق همراهی و همکاری را با او داشتم این تجربه را از «خبرنامه حجاج» با عنوان «جعفر آقا» آغاز کرد و بعد در اطلاعات «گل آقا» شد و دامن و دامنه را گسترش داد. اطلاعات را باید از این رو که با آرامی و میانه‌روی «میدان دار اندیشه‌ورزی» و «به زبان آوردن

صفحات رو و زیر آن و مجموعه نشریه‌ها و آثار مکتوب آن دیدنی است، معلوم است که چه کسانی، چرا اطلاعات می‌خوانند و سراغ کدام بخش‌های آن می‌روند، اما بخش ناآشکار روزنامه اطلاعات، «دیدنی» تر است و ارزشهای خبری بیشتری دارد. اطلاعات به سبب همان تعلق خاطری که به وجه عقلانی و اخلاقی و رحمانی دین و انقلاب اسلامی و فرهنگ ایرانی دارد در این سالها هم توانسته است غبار از چهره اندیشه و اندیشوران ایرانی بزداید و هم راه را بر کشف استعدادها و توانمندی‌های علمی و معرفتی باز کند. اطلاعات به معرفی درست کلمه، باشگاه و کانون و پاتوق اندیشه و فرهنگ و هنر ایرانی و اسلامی است، هیچ دانشمند و اندیشمندی به جبر و اکراه در اطلاعات قلم و قدم نزده است و هیچ برگی از اوراق زرین تاریخ و ادب و اندیشه این سالیان جز با نسیم مهر و لطف دعایی و دست‌اندرکاران اطلاعات به آن سو نرفته است.

اطلاعات محل نشو و نمای کسانی بوده است که در این سالها جز به اطلاعات در جای دیگری به آسانی پا ننهاده‌اند. از محمدرضا شفیعی کدکنی و عبدالحسین زرین‌کوب و عباس زریاب‌خویی و احمد مهدوی دامغانی و محمدابراهیم باستانی پاریزی و محمدعلی جمال‌زاده تا

مکتب اطلاعات

دکتر محمد مهدی فرقانی



اعتدال و میانه روی در سالهای پس از انقلاب و در دوره‌ای که بسیاری از مطبوعات و رسانه‌ها راه افراط، پر خاشگری و جهت‌گیری‌های غیر حرفه‌ای را پیموده‌اند، بسی مغتنم است.

● **روزنامه اطلاعات امروز بزرگ‌ترین یار و مددکار دانشکده ارتباطات و رشته روزنامه‌نگاری است.**

۱- نخستین آشنایی‌ها و در نتیجه، عاشقی‌های من با دنیای روزنامه‌نگاری، با «اطلاعات» شکل گرفت. آن زمان، اواخر دهه ۱۳۳۰ و اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی بود. هر روز بعد از ظهر، دوچرخه سواری، کوچه‌های خاکی محله‌مان در یزد را طی می‌کرد، وقتی به در خانه ما می‌رسید، پیاده می‌شدم و کوبه در را به صدا در می‌آورد. من مشتاقانه در را می‌گشودم و یک نسخه اطلاعات «دیروز» را از او تحویل می‌گرفتم. او آقای منشی‌زاده (اگر درست به یاد داشته باشیم) نماینده روزنامه اطلاعات در یزد بود که هر روز با دوچرخه‌اش شخصا روزنامه معدود مشترکان شهر را در خانه، تحویل آنها می‌داد.

مرحوم منشی‌زاده در چشم کودکی من، احترامی وصف ناشدنی داشت مردی که از میان همه مشاغل، کار با مطبوعات را برگزیده بود. انگار متعلق به کهکشان دیگری بود. به هر روی ما باید روزنامه را بلافاصله و بی آنکه اجازه باز کردن و خواندن دست و پا شکسته‌اش را داشته باشیم، به دست پدر می‌رساندیم. او با روزنامه به اتاق خود می‌رفت، در را می‌بست و ساعتی را در تنهایی خویش با روزنامه تازه از راه رسیده می‌گذراند و سپس آنرا با احترام، در گوشه طاقچه اتاق می‌گذاشت. پس از آن بود که ما اجازه دست زدن به روزنامه و خواندن آن را می‌یافتیم، بی آنکه مجاز باشیم حتی «تای» آن را به هم بزنیم چه برسد به اینکه احیانا ضمن تورق پاره‌اش کنیم. این روزنامه‌ها جمع و در انبار خانه نگهداری می‌شد تا سرگرمی تابستان‌های ما را نیز فراهم کنند. من تابستانها فرصت می‌یافتم که حتی پاورقی‌های روزنامه را نیز بخوانم و پاورقی «مردی که فرار کرد» از آن روزها در ذهن و خاطره من به جای مانده است. همیشه با خود می‌گفتم که آیا می‌شود روزی یک روزنامه‌نگار را ببینم یا یک موسسه مطبوعاتی را؟ و بعد در خیال، قیافه یک روزنامه‌نگار و دنیای او را مجسم می‌کردم و این کار بسیاری از روزهای دبستان و دبیرستان من در یزد بود. برای همین بعدها در اوایل دهه ۱۳۵۰ شمسی وارد رشته روزنامه‌نگاری و سپس وارد حرفه روزنامه‌نگاری شدم چه سرشار و سرمست بودم که.... هنوز هم هستم.

۲- روزنامه اطلاعات، اکنون به دهه ۹۰ عمر خود پای گذاشته است. روزنامه کهنسال یا کهنسال‌ترین روزنامه در حال انتشار ایران که «کهنه» نیست، که آسبیش به کسی نرسیده، که کسی از خواندن آن تن و بدنش نمی‌لرزد، که خواننده آن احساس می‌کند باید زندگی کرد و باید مثبت اندیشید، که دشمن تراشی و دشمن‌سازی نمی‌کند که.... که....

این عمر طولانی گرچه ممکن است زبان برخی را به انتقاد از بعضی عملکردها نیز باز کند اما خود یک نقطه قوت است. عمر طولانی، ظرفیت‌ساز است، شکیبایی‌آفرین است، صاحب آن را سرد و گرم چشیده می‌کند تا به خرمایی گرمی‌اش نکند و به مویزی، سردی‌اش. عمر طولانی، طمأنینه می‌آورد. استقلال رأی و دوراندیشی در عمل را باعث می‌شود، عمر طولانی زبان صاحبش را نرم، دل او را مهربان و فکر او را خیرخواه می‌کند، عمر طولانی گرچه همیشه باید با قضاوت دیگران نسبت به گذشته و حال سر کند، اما در عین حال نشانه عبور موفقیت‌آمیز از گردنه‌ها و گذارهای تاریخ است.

به این قدیمی‌ترین روزنامه در حال انتشار ایران، ادای احترام می‌کنیم، در مقابلش کلاه از سر بر می‌داریم؛ روزنامه‌ای که به رغم پدربزرگ بودن در جامعه مطبوعات به لحاظ قدمت و سابقه هیچ‌گاه خود را پدرخوانده مطبوعات ندانسته و برایشان ادعانامه صادر نکرده است.

۳- به لحاظ مشی و رفتار رسانه‌ای، اطلاعات به ویژه در سالهای پس از انقلاب نماد اعتدال و میانه‌روی، همان که قرآن کریم نیز بندگان خدا را بدان توصیه کرده، بوده است. این میانه‌روی و اعتدال البته باعث نشده که اطلاعات در مقاطعی و مواردی،

گفتمان‌سازی‌های خاص خود را نداشته باشد. این اعتدال و میانه‌روی در سالهای پس از انقلاب و در دوره‌ای که بسیاری از مطبوعات و رسانه‌ها راه افراط، پر خاشگری و جهت‌گیری‌های غیر حرفه‌ای را پیموده‌اند، بسی مغتنم است. استفاده از زبان نرم، حفظ تعادل و توازن و رعایت اخلاق؛ چه اخلاق حرفه‌ای و چه اخلاق عمومی، از ویژگی‌های بارز روزنامه اطلاعات در این دوران بوده است.

۴- در حوزه مدیریت، من بر این باورم که به لحاظ مدیریت رسانه‌ای امروز می‌توان از «مکتب دعایی» یاد کرد. کسانی که من را می‌شناسند، می‌دانند که هیچگاه اهل مداخله و چرب‌زبانی نبوده‌ام و از این رفتار بیزارم؛ اما آقای دعایی به لطف ثبات مدیریت در اطلاعات و نیز به اعتبار ویژگی‌های فردی، سوابق کاری و تجاربی که در طول سالهای حضور در اطلاعات کسب کرده به طور طبیعی، مکتبی از مدیریت رسانه‌ای را شکل داده که باید ویژگیهای آن را استخراج کرده و آموزش داد. برای آنکه فقط ادعا نکرده باشم، چند مورد از این ویژگیها را بر می‌شمارم:

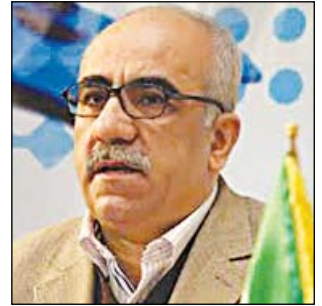
الف. مدیریت آقای دعایی در اطلاعات، «مدیریت جذب» بوده است. نه تنها جذب در داخل موسسه، بلکه جذب در سطح اجتماعی و ملی. آقای دعایی همواره چهره رؤف و انسانی زندگی را به نمایش گذاشته، جوری که آدمی با خواندن اطلاعات، از زندگی سیر نمی‌شود، بلکه به آینده امیدوار می‌ماند.

ب. مدیریت مبتنی بر اعتدال و میانه‌روی، که شرحش پیش از این رفت و یکی از اصول حرفه‌ای روزنامه نگاری نیز هست.

ج. مدیریت بر قلبها، فروتنی، ادب، مهربانی و در عین حال بذله‌گویی و شوخ طبعی، سبک مدیریت آقای دعایی را در موسسه اطلاعات، به جای مدیریت عمودی و آمرانه، به صورت مدیریت افقی و مشارکتی تبدیل کرده و این شیوه مدیریت، راه خود را به سوی حوزه‌های اجتماعی و فردی نیز گشوده است. آقای دعایی، شجاعت و انعطاف‌پذیری را در ساختار مدیریتی خود توامان به کار گرفته است، به طوری که در رفتار شخصی و رسانه‌ای او همواره می‌توان بازتاب و بازخوانی منافع کلان ملی و نگرش اخلاقی و انسانی را به وضوح مشاهده کرد.

د. و بالاخره، مدیریت توسعه‌گرا. آقای دعایی هیچگاه میراث گذشته و تاریخ اطلاعات را نفی نکرد، چرا که می‌دانست جهان و هستی در زندگی، روندی تاریخی دارد و با انکار تاریخ، حال و آینده نیز شکل نمی‌گیرد دعایی به جای نفی گذشته آن را برای آینده فربه و بارور ساخت. حضور رفیع موسسه اطلاعات در میانه میرداماد و حقانی، گواهی بر این توسعه‌گرایی است. او سرمایه مادی و انسانی سازمانش را گسترش داد. با این نگرش که آقای دعایی و همکارانشان در روزنامه اطلاعات حتی همین امروز بزرگ‌ترین یار و مددکار دانشکده ارتباطات و رشته روزنامه‌نگاری هستند، هرگاه که دانشجویی برای گذراندن واحد کارآموزی به آنجا معرفی شده با آغوش باز مورد پذیرش قرار گرفته و این همکاری کمکان ادامه دارد.

و کلام آخر، بزرگترهای فامیل همیشه نقطه اتکا و وزنه تعادل خانواده‌اند. تا هستند، حضور جمع ساز آنها محسوس نیست اما اگر روزی نباشند، سرگشتگی و پراکندگی در میان افراد خانواده محسوس می‌شود. به اعتقاد من روزنامه‌هایی چون اطلاعات، مرکز ثقل و نقطه تعادل جامعه مطبوعات و حتی جامعه رسانه‌ای کشورند، کار کردن و مدیریت کردن در این روزنامه و حفظ این جایگاه گرچه بسیار سخت، اما غرور آفرین است. برای این روزنامه و دست اندرکارانش آرزوی توفیق روز افزون دارم.



روزگاری که تاریخ زادگاهم را می‌نوشتیم به صدها مطلب در لابه‌لای صفحه‌های روزنامه اطلاعات آگاهی یافتیم که در هیچ یک از اسناد و بر جای مانده‌ها وجود نداشت. نکته دیگر آن که خبر نشر دهها روزنامه و مجله را در این تورق دیدیم که در هیچ منبعی نام و نشان‌شان وجود ندارد و نسخه‌ای از آن نشریه‌ها در کتابخانه‌های معتبر نیست.

بنابر این لازمه بهره‌برداری نظام‌مند از این گنجینه بی‌مانند، تأسیس مرکز اطلاعات پژوهی در مؤسسه اطلاعات است که ذیل سه سرفصل اصلی ۱. مؤسسه اطلاعات؛ ۲. تاریخ روزنامه‌نگاری و مطبوعات؛ ۳. ایران معاصر؛ به پژوهش و نگارش و نشر بپردازد. برای برگزاری شایسته صدمین سال روزنامه اطلاعات از هم‌اکنون باید به فکر بود. این مرکز می‌تواند یاری‌رسان برگزاری آبرومند صدسالگی شود. البته مرکز یادشده باید در دهه منتهی به صدسالگی چندین کار را همزمان به انجام برساند.

پیش‌زمینه پژوهش و نگارش تاریخ کامل مؤسسه اطلاعات فراهم‌آوری پازل/ جورچین‌هایی است. یکی از جورچین‌ها تک‌نگارهایی درباره هر یک از نشریه‌های مؤسسه تواند بود که از ۳۰ عنوان در می‌گذرد. انتشارات، چاپخانه و کتابخانه را هم نباید از یاد برد. انتشارات مؤسسه اطلاعات پیشینه‌ای نزدیک به عمر روزنامه دارد. بنیاد چاپخانه نیز به ۸۴ سال پیش بازمی‌گردد. اطلاعات فقط ۶ سال و سه ماه در چاپخانه‌های بوسفور و سیروس (روزنامه کوشش) چاپ شد و در ۱۶ مهرماه ۱۳۱۱ «مطبعة اطلاعات» به وجود آمد. البته تاریخ چاپخانه را باید ذیل سه سرفصل «مطبعة اطلاعات»، «شرکت سهامی چاپ» و «شرکت ایران چاپ» بررسید. کتابخانه روزنامه/ مؤسسه اطلاعات ۷۵ سال عمر دارد و امروز یکی از کتابخانه‌های فعال پیشینه‌دار کشور است. لحظه‌ای به اهمیت این کتابخانه پی خواهیم برد که بدانیم در سال ۱۳۱۸ چند کتابخانه در کشور وجود داشت و از کتابخانه‌های آن سال چه تعداد اکنون نیز به حیات خود ادامه می‌دهند. نکته دیگر آن که اسناد مؤسسه اطلاعات باید رده‌بندی موضوعی شوند تا زمینه پژوهش و نگارش دهها کتاب دیگر فراهم آید. نباید تاریخ را یکسویه انگاشت و یک‌طرفه نگاشت. بنیادگذار مؤسسه را باید در ظرف زمانی خود دید. ممکن است ما گوشه‌هایی از کارنامه زندگی او را بر نتابیم اما نمی‌توان نادیده گرفت نهالی را که وی کاشت و به درختی تناور بدل شد تا از سایه‌سارش هزاران تن بهره‌یاب شوند. ما نه «روتاری شناس» هستیم و نه «سنا» پژوه؛ بحث ما درباره مؤسسه اطلاعات است.

کارنامه وی و فرزندش را باید با انصاف و اشراف نوشت. همچنین نقش مدیریت ۳۶ سال اخیر را در بقاء، بالندگی و جایگاه مؤسسه به خصوص در تندباد حوادث نباید نادیده گرفت. باید به جای تاریخ جانبدارانه، سرگذشت همه‌جانبه مؤسسه اطلاعات نوشته شود. برای نگارش تاریخ همه‌جانبه، بیطرفانه و پژوهشگرانه، رشته‌های مرتبط دانشگاهی باید به مدد مؤسسه اطلاعات بیایند. به نظرم ذیل مؤسسه اطلاعات می‌توان ۳۰ موضوع برای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری تعریف کرد و در دهه منتهی به یکصد سالگی پیش‌زمینه‌هایی را تدارک دید تا مراسم قرن/ سده اطلاعات درخور برگزار شود و آینه تمام‌نمای یک‌صدسال باشد.

رفیع، مؤسسه اطلاعات را به یکی از مؤسسه‌های مجهز مطبوعاتی کشور بدل کرد.

می‌توان گواهی داد سکانداران ۳۶ سال اخیر مؤسسه اطلاعات همیشه و همواره تلاش داشته‌اند با یاری رسانی به انسجام ملی و یکپارچگی ایرانیان، تصویر رحمانی از دین ارائه دهند. دلجویی از کسانی که بی‌سبب در پسین سال‌های دهه ۱۳۵۰ و نیمه نخست دهه ۱۳۶۰ مورد بی‌مهری قرار گرفتند و دهها خدمت صادقانه پیدا و پنهان دیگر در کارنامه حرفه‌ای‌شان جای دارد که یکی از این خدمات، حفظ، توسعه و پیشرفت میراثی گرانبها و ملی با عنوان مؤسسه اطلاعات است.

روزنامه و به طور کلی مؤسسه اطلاعات و شرکت ایران چاپ اکنون دیگر یک بنگاه مطبوعاتی و نشر نیست، بلکه باید یک میراث ملی و فرهنگی ایرانیان قلمداد شود. اطلاعات، مرجع و منبع و گنجینه‌ای بی‌مثل و مانند است که افزون بر دارایی پاره عمده‌ای از تاریخ روزنامه‌نگاری و مطبوعات، خزانه اطلاع و آگاهی ۹۰ سال تاریخ ایران را پاسداری می‌کند. برای این ادعا باید مثال بزنم. روزگاری که در پی ضبط و ثبت تاریخ شفاهی خرم‌آباد بودم یکی از کهنسالان خبر از تأسیس یک سینما در سال ۱۳۰۷ داد. چون این سینما در آستانه جنگ جهانی دوم رو به ویرانی نهاده بود کمتر کسی از وجودش در دوره پهلوی اول اطلاع داشت و همگان بر این باور بودند نخستین سینما را در شهر ما سال ۱۳۲۳ برپا کرده‌اند. مصاحبه‌شونده نام سینما را به یاد نداشت. اسناد هم در این زمینه خاموش بود. چاره‌ای جز مراجعه به شماره‌های روزنامه اطلاعات نداشتیم. به تورق روزنامه نشستیم. از سال ۱۳۰۷ به دقت روزنامه را ورق زدیم. با تورق ۹ سال روزنامه به این خبر رسیدیم: «دومین کنفرانس عمومی در سالن سینما سپه با حضور محترمین و رؤسای دوایر و وجوه اهالی تشکیل و آقای بهروز آهی رئیس بانک ملی خرم‌آباد نطق جالبی در اطراف خودشناسی و خدانشناسی ایراد نمودند» (اطلاعات، ش ۳۰۲۱، ۲۴ دی ۱۳۱۵، ص ۴).

با این خبر دریافتیم سینما را سپه نامیده‌اند. نمونه دیگر روزگاری بود که جهانگیر پارساخو طراح جدول و سرگرمی به سراغم آمد و گفت دکتر علی بهزادی مدیر مجله سپید و سیاه گفته برو از قاسمی تاریخ روز و ماه و سال درگذشت محرمعلی خان سانسورچی مطبوعات روزگار پهلوی را ببرس. به او گفتم راهی جز تورق روزنامه اطلاعات وجود ندارد. زنده‌یاد پارساخو نیز در صفحه تحريم روزنامه اطلاعات ۲۱ بهمن ۱۳۵۴ به آگاهی فوت او رسید و پس از آن بود که همه دانستیم زینعلی نام خانوادگی محرمعلی خان است. سخنی به گزافه نیست اگر بنویسم پیش زمینه دانشنامه‌نگاری به خصوص رجال‌شناسی ایران معاصر نمایه‌سازی صفحه تحريم روزنامه اطلاعات است. چراکه تنها منبع آگاهی از زمان درگذشت بسیاری از مشاهیر فقط صفحه یاد شده است و اطلاع‌دهی این صفحه برای نگارش فرجام زندگی خیل بیش‌شماری از ناموران سده چهاردهم خورشیدی بی‌نظیر است. امروز اگر کسی بخواهد مثلاً سیر تاریخی برق، تلفن، رادیو، لوله‌کشی آب، بانکها و صدها موضوع دیگر را بنویسد باید به تورق روزنامه اطلاعات بنشیند و به فیش‌نویسی/ بر گه نگاری تحقیقی بپردازد. نگارنده

مؤسسه اطلاعات پیشینه دیرینه‌تری از روزنامه اطلاعات دارد. سرآغاز تشکیل این مؤسسه را باید بنگاه خبرنگاری/ خبرگزاری مرکز اطلاعات ایران دانست. شرکت سهامی مرکز اطلاعات ایران، مردادماه ۱۳۰۲ به همت علی اکبر سلیمی، علی صادق‌زاده/ صادقی، عباس مسعودی، جهانگیر مصوررحمانی و محمدباقر نیک‌انجام راه‌اندازی شد. سلیمی به صراحت «سه چهارم سهام» اولیه را متعلق به خود می‌دانست و صادقی نیز خود را بنیادگذار مرکز می‌نامید. روایت سوم اما به عباس مسعودی تعلق دارد. مسعودی، با اشاره به تلاش‌های خودش، نقش دوستانش را در شکل‌گیری مرکز اطلاعات ایران یادآور می‌شد.

بنگاه خبرنگاری مرکز اطلاعات ایران سه سال دوام آورد و عدم پرداخت «حق اشتراک اخبار»، گردانندگان مرکز یاد شده را بر آن داشت چاره کار را در تعطیل خبرگزاری و انتشار روزنامه ببینند. علی‌اکبر سلیمی، درخواست صدور مجوز جریده اطلاعات و عباس مسعودی، تقاضای انتشار روزنامه نهضت ملی را به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ارائه دادند. هر دو مجوز صادر شد اما علی‌اکبر سلیمی از نشر روزنامه اطلاعات انصراف داد و میدان را برای عباس مسعودی وانهاد. مسعودی نیز به جای نهضت ملی، نام اطلاعات را برای روزنامه‌اش برگزید. ۱۸ تیرماه ۱۳۰۵ پروانه انتشار اطلاعات به نام عباس مسعودی صادر شد و فردای آن روز ۱۹ تیر ماه ۱۳۰۵ نخستین شماره روزنامه انتشار پیدا کرد.

پس از یک ماه، دومین شماره با تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۰۵ بر پیش‌خوان روزنامه‌فروشان نشست. شماره دوم سرآغاز انتشار مرتب روزنامه بود و اعلام شد که «از امروز اطلاعات مرتباً عصرها منتشر می‌شود».

با انتشار روزنامه اطلاعات، حیات بنگاه خبرنگاری/ خبرگزاری مرکز اطلاعات ایران متوقف شد. علی‌اکبر سلیمی و علی صادقی با مسعودی وداع کردند، جهانگیر مصوررحمانی و محمد باقرنیک انجام اما ترجیح دادند به عنوان حقوق‌بگیر همکاری خود را با مسعودی ادامه دهند.

۹۰ سال از آن روزگار می‌گذرد. در این ۹۰ سال راه پُرفراز و فرودی طی شد تا روزنامه‌ای که در دو سه اتاق یک ساختمان فرسوده استیجاری آغاز به کار کرد به مؤسسه‌ای عریض و مُدرن تبدیل شود.

روزنامه اطلاعات، ۴۸ سال (تیرماه ۱۳۰۵ تا تیر ماه ۱۳۵۳)، به‌وسیله بنیادگذارش اداره شد. به دنبال فوت او، ۳۰ مردادماه ۱۳۵۳ مجوز روزنامه و شماری از مجله‌ها را به نام فرزندش صادر کردند. هنوز شش سال از درگذشت مؤسس نگذشته بود که می‌رفت اطلاعات به نیستی برسد. مؤسسه‌های مطبوعاتی مصادره‌ای را می‌توان به دو گروه عاقبت بخیر و فرجام به شر تقسیم کرد. اطلاعات، خراسان و... در گروه نخست و مهر ایران، خواندنیها و... در گروه دوم جای می‌گیرند. دلیل عاقبت‌بخیری اطلاعات وجود سیدی‌والا‌تبار بوده و هست که به عنوان ناجی اداره امور را به دست گرفت. سلوک انسانی آقا سیدمحمود دعایی را همگان می‌دانند و نیاز به بازنویسی نیست. ایشان با درایت و دلسوزی هرچه تمامتر مؤسسه را از پیچ و خم‌های تاریخی ۳۶ ساله عبور داد و با بهره‌گیری از دانش و بینش و بلندنظری خود و مشاورانی همچون استاد جلال

۱- منزلت انسان:

پیامبر(ص) با گروهی از یاران (صحابه) در گذرگاهی از «مدینه» نشسته بودند، ناگهان جمعی ظاهر شدند. با جنازه‌ای بر دوش. پیامبر برخاست و صحابه نیز به تأسی از ایشان به پا خاستند. پس از عبور جمع، یکی از حاضران گفت: ای رسول خدا، جنازه‌ای که به پاس او برخاستید، از آن یک یهودی بود. پیامبر فرمود: «مگر او روح نداشت؟! سبحان الله، عمق و عظمت سخن پیامبرانه را ببین و اصل «حرم و کرامت و شرافت» نوع انسان را. و نیز سخن بلند «شمس»، مراد «مولانا» را که می‌گوید: «هیچ فرمود: لقد کرنا السموات؟ لقد کرنا العرش؟! (بلکه فرمود: ولقد کرنا بنی آدم، ما بنی آدم را کرامت دادیم). گویا هر طبیعت عقلانی فی‌نفسه غایت است، چرا که حامل نفخه‌ای از روح خداست. پس انسان دوستی و «احترام به نوع انسان»، ریشه در توحید دارد. مدار اصل «مدارا» و تحمل دیگران نیز ناشی از همین حقیقت است. و چنین است که سخن امام علی بن ابیطالب(ع)، به گذشت ایام زنده‌تر و درخشنده‌تر می‌شود که فرمود: «اما اخ لك فی الدین، و اما نظیر، لك فی الخلق». (مردم، یا برادر دینی تواند یا همنوع انسانی تو). آری، مدارا با اعتقادورزان است،

نه با «اعتقادات». لازمه مدارا دست شستن از عقاید خویش نیست. کلام بلند معصوم(ع) هم که در حد توان است، مؤید این سعه صدر و مبین بی‌کراتگی دل‌دریایی مؤمن است که: «ما آمن بی من بات کاسیا و جاره عاری». آنکه در رفاه، و راحت بخوابد و همسایه‌اش نیازمند باشد، از نور ایمان بیگانه است. «همسایه هر که باشد!» (و نکته مهم‌تر همین است: همسایه هر که باشد).

۲- مؤسسه اطلاعات:

مؤسسه دیرپای اطلاعات، خصوصا روزنامه مردمی و سربلند آن که با انقلاب اسلامی تولدی دوباره یافت و به گفته جلال «مؤسسه انقلاب» شد و دور جدید موجودیت خود را آغاز کرد، نه فقط اصول برشمرده یعنی اصل کرامت انسان، اصل احترام به همنوع، و اصل مدارا با انسان را مدار و محور خود قرار

داد، بلکه در کنار اجرای قوانین، اصول و قواعد دیگری را که همواره موجب ماندگاری اسلام و انقلاب عظیم اسلامی بوده و هست، چون چراغی فراراه خود نمود و همین سیاست سبب دوام و ماندگاری و سرافرازی مؤسسه اطلاعات و کارکنان آن گردید.

رعایت قاعده عظیم عدالت، اصل حریت، اصل احترام به جان و مال و آبروی انسان، اصل رحمت و رحمانیت، اصل جذب حداکثری و دفع حداقلی، اصل اعتدال، اصل عزیز اعانت به مظلوم، اصل زینت و زیور بودن برای دین و پیشوایان^۲، اصل رعایت حقوق متهم، اصل پاکی و برائت انسان، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، و اجرای دهها «قاعده» و «اصل» دینی و حقوقی و فقهی دیگر (در حد امکان)، از مؤسسه و روزنامه اطلاعات، نهاد سرافراز و آبرومندی ساخت که نه فقط دوام و استمرار آن را تأمین و تضمین کرد، بلکه این «نهاد رسانه‌ای» عظیم را جلوه‌گاه امید و اطمینان گروه‌های فرزانه‌ای ساخت که همه آنها وفادار به انقلاب و رفاه و سلامت مردم و رشد و تعالی کشور بودند. مؤسسه و روزنامه‌ای که خانه اعتماد ملت شد و به گذشت زمان جایگاه رفیع خود را بازیافت، و به زیبایی و دلسوزی تمام این حقیقت را اثبات کرد که می‌توان

«قدرت رسانه» ای را با دین و معنویت و اخلاق جمع کرد و خشونت را با عدالت و انصاف و عقلانیت و مصلحت مهار نمود، و تمرکز قدرت را که موجب ستم و تبعیض و افراط و تفریط در طول تاریخ بوده است، با مهربانی و عطوفت تعدیل و توزیع کرد. به همگان، خصوصا اهل قلم و روزنامه و رسانه و «خبر» آموخت که به‌رغم تصور پاره‌ای از مکتب‌ها و رسانه‌ها، همه چیز در «سودانگاری» و «فایده‌گرایی»، منحل و خلاصه نمی‌شود. و به‌رغم وجود «جدایی‌ها» خصوصا در غرب پس از رنسانس که اخلاق را از سیاست و اقتصاد و حقوق و فرهنگ و هنر جدا کردند، نشان داد که حقوق و سیاست و اخلاق و فرهنگ باید مکمل هم و همراه و همدوش باشند. با بزرگواری و فروتنی تعلیم داد که آشوب و چالش و «تنش و تپش»، علیرغم نظر برخی، لازم لاینفک یک «رسانه»ی خوب نیست. گواين که، در برهه‌ای به‌طور استثناء مفید و کارگشا تلقی شود، اما این «استثناء» هرگز نمی‌تواند بر جایگاه اصل یا «قاعده» بنشیند.

روزنامه اطلاعات، با تقویت و گسترش «اخلاق والای رسانه‌ای» و تکیه و تأکید پرهیز انسان‌دوستی، به تربیت نیروهای مطبوعاتی سلیم و صادق همت گماشت، و با



منزلت انسان و اصل اعتدال

(برای ۹۰ سالگی روزنامه اطلاعات)

دکتر سید محمد اصغری

شناخت و حرمت‌گذاری به صاحب‌نظران، و صاحبان قلم و تجربه، توفیق روزافزونی یافت و خصوصا در گذر از مقاطع دشوار و بحرانی، پناهگاه اهل اندیشه شد. در برابر برخوردهای نه‌چندان دوستانه و صمیمانه، با بزرگواری و صبوری ایستاد و بی‌مهری و بی‌اخلاقی و نادانی را با کرامت و مهربانی پاسخ گفت. روش و منشی که در تاریخ رسانه‌ای و مطبوعاتی ماندگار شد و برگ درخشانی از تاریخ ملت ایران گردید.

۳- از میدان مبارزه به دنیای رسانه

از میدان مبارزه و سیاست، ناگهان به عرصه فرهنگ و مطبوعات آمدن، و در نخستین سالهای پیروزی انقلاب، که هنوز هرم و حرارت انقلابی در اوج است و شور و شعار و فریادهای پیروزی و انتقام، چون طوفانی سرکش و سیلی مواج فضا را آکنده است و خطرها و خیانت‌ها، در هر گوشه به شکلی چنگ و دندان نشان می‌دهد، سنگر تلاش و میدان خدمت را عوض کردن، آن‌گاه موج قهر و خشونت را، با صبوری و ایثار و فروتنی و مهر و «اعتدال» تعدیل کردن، و با وجود سوابق درخشان مبارزاتی، سیاست نرمش و «مدارا» در پیش گرفتن و درد و رنج

دیگران را حکیمانه و دردمندانه، چون درد و اندوه خویش دیدن، و «عدل و اعتدال» را چون چراغی فرا راه خود داشتن، انصافا و بی‌هرم مجامله یکی از «بدیده»های نادر خصوصا در عرصه رسانه و روزنامه‌نگاری است که آقای دعایی مظهر و نمود بارز آن است. این پدیده مبارک را نباید دست‌کم گرفت که به گفته روان‌شناسان گونه‌ای از تحول حال و «تبدیل» شدن است. و چه می‌گوییم؟ شاید مرحله‌ای دشوار از سلوک تربیتی و سیاسی و اجتماعی و انقلابی، که سخت درخور بررسی و الگوگیری است، و ظرفیتی بسیار متعالی را نشان می‌دهد.

طرفه آنکه، این خوی و خلق سرشار از کرامت، تنها به عرصه فکر و فرهنگ و رسانه و مطبوعات محدود نمی‌شود. دعایی مبارز و انقلابی و پیرو «خط امام» در تمامی عرصه‌های قانونگذاری، فکری و فرهنگی، مدیریتی و حتی عرصه‌های سیاسی و مبارزاتی، در مأموریت‌های خارج از کشور، در برخورد با همکاران و همراهان، جز بذر مروت و مردانگی و مدارا نکاشت، و جز به گستردگی دایره یاران و دوست‌داران انقلاب و اسلام و ایران فکر نکرد. او را در مدت هشت سال همکاری در مجلس، در مأموریت‌های خارج، در ایام دشوار جنگ، انجام وظیفه در مؤسسه

کیهان و اطلاعات، در دستگیری از بینوایان و محرومان، در نحوه برخورد با صاحبان اندیشه، در دفاع از حقوق مردم و انقلاب، می‌دیدم که همواره منافع خود یا گروه خود را، فدای مصالح انقلاب، و راحت و رضای جمع می‌کرد، و «تهدید»ها را با تبسمی دردمندانه به «فرصت»ها تبدیل می‌نمود و بزرگواری، جفا و نادانی را با «حسان» پاسخ می‌گفت. اجازه می‌خواهم بگویم و چرا نگویم که بارها شاهد بودم و می‌دیدم که ایشان (دعایی) حتی به «رقیب» سیاسی یا مطبوعاتی خود نیز کمک می‌کند و به‌راستی که این خصلت برایم شگفت‌انگیز بود. «یوثرون علی‌انفسهم، ولو كان بهم خصاصة». (دیگری را برخورد مقدم می‌دارند هرچند خودشان محق باشند). روشن است که این ویژگی‌ها و خصلت‌ها در ماندگاری و توسعه مؤسسه نقش مؤثر و کارسازی داشته است. گام‌های بلندی در جهت رشد و توسعه «اخلاق» و نشان دادن شکوه اخلاق رسانه‌ای و اجتماعی در روزنامه برداشته شده است و... و چه بگویم از جلال روزنامه؟ مگر می‌شود از مؤسسه یا روزنامه اطلاعات، و حتی کیهان، سخن گفت و از یار دیرین و مشاور امین و دانشمند دعائی نگفت. عزیزی که بیش از چهل سال است از قلم و ادب و دانش او بهره برده‌ام. از دوران دانشجویی در دانشکده حقوق دانشگاه تهران تا امروز. صاحب دل، و صاحب دردی که افتخار اهل قلم و اندیشه است. امید که کماکان در خدمت به مردم و در اعتلای فرهنگ و ادب ایران اسلامی سربلند و سلامت و پیروز باشند. والله ولی‌التوفیق

دانشگاه تهران
۹۴/۵/۳

پی‌نوشت: ۱- مقالات شمس تبریزی. ۲- «و نفخت فیه من روحی»، (از روح خود (خدا) در او (آدم) دمیدم). ۳- «کونوا لئانزینا ولا تکنونا علینا شینا»، (با رفتار تان زینت ما باشید نه زشتی ما).

مطبوعات به اذهان عمومی شکل می دهد، معایب را آشکار و محاسن را عیان میکند. قلم آزاد زاینده فکر آزاد است. آنهایی که صاحب اندیشه اند و به راحتی آنرا از نوک قلم به روی صفحه کاغذ روان میسازند سازندگان دنیای امروز و فردا هستند.

● موسسه اطلاعات در ترقی مطبوعات سهیم عمده دارد و پیشرفت وسیع در فرهنگ، ادب، صنعت چاپ و روزنامه نگاری داشته است. تعداد کسانی که در روزنامه اطلاعات قلم زده اند و به خیل نخبگان پیوسته اند کم نیستند، می توان گفت «مغزپروری» از خدمات عمده این موسسه به شمار می رود.



یک فنجان چای با روزنامه اطلاعات

دکتر کاظم عباسیون

روزنامه اطلاعات همیشه «جزئی» از اجزاء خانواده ما به حساب می رود. این «جزء» از خانه پدری تا به امروز با من است. این «جزء» عضوی از اعضای خانواده و یا قسمتی از اثاث خانه نیست، «جزئی» است که نقش خاص خود را دارد. جزئی که جهان بینی و روشنفکری را به منزل ما آورده و می آورد. از دوران کودکی نام اطلاعات به گوشم آشنا بود. عجب آنکه وقتی بزرگتر شدم و خواندن و نوشتن را تا حدودی آموختم، من هم به سبک بزرگترها صفحات اطلاعات را ورق میزد و تیرها را به صدای بلند میخواندم تا اطرافیان از باسواد شدن من آگاه شوند.

اطلاعات با ارث پدری به خانه من آمد. تا امروز خواننده اطلاعات بوده و هنوز وقتی از بیمارستان به منزل باز میگردم، یک استکان چای با مطالعه روزنامه اطلاعات، آرام بخش غروب روز کاری من است.

با اطلاعات بزرگ شده ام، با اطلاعات وارد اجتماع شده ام و با اطلاعات زندگی می کنم خواننده از روزنامه مطلوب خود در وهله اول اعتماد و عقلانیت می خواهد. دوست دارد آنچه را میخواند باور کند و در زندگی روز به روز با معیاری که دارد، پیش برود.

حاصل مطالعه جراید، آگاهی، قدرت، و اعتماد به نفس است. انسان را با حقوق حقه خود آشنا میکند و می قبولاند که فردی از آحاد ملت است و میبایستی در سرنوشت وطن سهیم و دخیل باشد.

اهمیت مطبوعات در دنیای امروزی انکار نشدنی است. با آنکه رسانه های ارتباط جمعی از نظر کمیت بی شمار شده است معذالک نقش روزنامه و مجله به عنوان عضو مؤثر ارتباط جمعی، بسیار مطرح است.

مطبوعات به اذهان عمومی شکل میدهد، معایب را آشکار و محاسن را عیان میکند. قلم آزاد زاینده فکر آزاد است. آنهایی که صاحب اندیشه اند و به راحتی آنرا از نوک قلم به روی صفحه کاغذ روان میسازند سازندگان دنیای امروز و فردا هستند. معیار پیشرفتگی و دموکراتیک بودن یک ملت را از نوع جرایدی که دارند میتوان سنجید. وینستون چرچیل، نخست وزیر دوران جنگ دوم جهانی انگلستان، در یکی از نطق های به یاد ماندنی که در مجلس انگلستان جهت کسب رأی اعتماد ایراد کرد، گفت: «قبل از آنکه نمایندگان محترم رأی خود را به صندوق بریزند باید بگویم سرمقاله های روزنامه های صبح تکلیف دولت من را روشن ساخته اند.» سپس به صدای بلند گفت: «من ماندنی هستم». آنگاه دو انگشت دست راست را به علامت «V»، نشان پیروزی، بالا برد و ثابت کرد که ماندنی است. دو انگشت دست راست چرچیل به علامت پیروزی، «V» یادگاری است که از زمان جنگ جهانی دوم مانده است و تا به امروز کار را در پیروزی ها از آن استفاده شده است.

روزنامه ای که در جهت منافع ملی و دور از حبّ و بغض یا سوءاستفاده های مالی قلم میزند، راه گشای بسیار مفیدی برای هیئت حاکمه هم به حساب می رود. جلو خطاها و اشتباهات با انتقادات سازنده گرفته میشود. جراید وزین، از جارجنجال و تخریب شخصیت ها و سیاه نمایی و تهمت و افترا به دورند. اطلاعات روزنامه ای است که نود سال تمام توانسته است تا آنجا که مقدور بوده این رویه متین را حفظ کند.

موسسه اطلاعات در ترقی مطبوعات سهیم عمده دارد. علاوه بر پیشرفت وسیعی که در فرهنگ، ادب، صنعت چاپ و بالاخره روزنامه نگاری داشته است و از نظر اشتغال زایی هم جمع کثیری خبرنگار، کارمند، کارگر و روزنامه فروش را شاغل ساخته است. تعداد کسانی که در روزنامه اطلاعات قلم زده اند و به خیل

نخبگان پیوسته اند کم نیستند. در واقع میتوان گفت «مغزپروری» از خدمات عمده این موسسه به شمار می رود. نظر به اعتمادی که به این روزنامه دارم با علاقه و اطمینان اخبار و مقالات را دنبال میکنم و از مطالب علمی، فرهنگی و ادبی هشت صفحه ضمیمه، استفاده میکنم.

باور دارم که مدیران مطلع و معتقد موسسه با وقوف به وظایف سنگینی که دارند، حامی این نیت اند که میبایستی حد اعتدال را در همه امور رعایت کرد و از تیره اندیشی و عیب جوئی های آنچنانی که سبب انحراف افکار عمومی میشود پرهیز کرد. اطلاعات از هو و جنجال و ایجاد دشمنی پرهیز دارد و در راه جلب صلح و دوستی تلاش میکند و پیوسته تأکید مینماید که با دنیا باید دوستی کنیم نه دشمنی، میبایست بگویم این دیدگاه با فکر و سلیقه من همخوانی کامل دارد.

اگر جراید وزین دنیا مثل گاردین انگلستان، لوموند فرانسه و نیویورک تایمز آمریکا را مدنظر داشته باشیم می بینیم که اینها در درج اخبار موثق و اظهار نظرهای کارشناسانه وسواس دارند و بدون مستندات و آگاه بودن از صحت و سقم مطلب سبب بیراهه رفتن خواننده نمی شوند.

در عمر نسبتاً طولانی خود تجربه کرده ام که چگونه مشتی قلم بدست منحرف و شاید به سوءنیت در سرنوشت ملی ما آثار مخرب به جا گذاشته اند. روی دیگر این سکه عاشقانی هستند که جز صلاح کشور فکر دیگری در سر ندارند و با همتی خیرخواهانه آنچه را به صلاح مردم باید بگویند گفته اند و جلو انحرافات را گرفته اند. تاریخ معاصر ما شاهد زندهای بر این مدعا است. مثال های زیادی وجود دارد که به ذکر یک مورد آن قناعت میکنم.

در مسئله غامض و پر از گره کور مذاکره با ۵+۱ دیپلماسی کشورمان مشکلات بسیاری را پشت سر گذاشته است. تا آنجا که گفته میشود، پیروزی های قابل توجهی هم به دست آورده است. اقدامی آسان نبود. تشکیل تیمی متبحر و دیپلماتیک که مسلط به زبان های خارجی باشد، آماده ساختن طرف برای مذاکره و ایجاد احترام فوق العاده نسبت به کشورمان و هیئت سیاسی فقط از عهده کسانی برمی آید که اطلاع کامل از سیاست روز دنیا دارند. هیئت مذاکره کننده در این گفت و گوها اساس را بر دوستی و تفاهم گذاشته اند نه شعارهای تو خالی دشمن تراش. در این راه بدون شک رسانه های ارتباط جمعی از جمله مطبوعات بی اثر نیستند.

روزنامه اطلاعات با سابقه ۹۰ ساله و اعتمادی که خوانندگان به آن دارند موفق شده است که در نزدیک به یک قرن روش سازنده ای داشته باشد. تفاسیر و اظهار نظرهای کارشناسانه و درج اخبار بدون تحریف و سیاه نمایی و ذکر آنچه واقعاً اتفاق می افتد تا حدودی خیر و شر قضایا را برای ما روشن میسازد و این دقیقاً رسالتی است که یک روزنامه وزین و متعهد نسبت به خوانندگان میتواند ایفا کند.

خوشحالم که قسمت عمده ای از ۹۰ سال را گام به گام با اطلاعات پیش رفته ام و آرزو دارم خداوند متعال عمری باقی گذارد تا سالهای پیش رو را عصر هر روز با استکان چای و روزنامه اطلاعات بگذرانم. شاید روزنامه اطلاعات جزئی از اجزای ارثیه ای باشد که برای خانواده ام از خود باقی میگذارم.

توفیق قلم به دستهایی را که منافع ملی را هدف عالی خود میدانند از درگاه ایزد بزرگ خواستارم.

* پزشک متخصص و جراح

به مناسبت ۹۰ ساله شدن روزنامه اطلاعات

نهالی که نهاد شد / نهال هایی که نهاد نشدند

مهرداد خدیر (عصر ایران)



روزنامه اطلاعات پا به ۹۰ سالگی گذاشته است و از این رو لقب «دیرپاترین موسسه مطبوعاتی در ایران» این مجموعه را سزد. عصر روز یکشنبه ۱۹ تیر ۱۳۰۵ خورشیدی نخستین شماره روزنامه اطلاعات (به صورت متوالی) پس از یک سال انتشار ناپیوسته در حالی منتشر شد که شناسنامه آن آمده بود: «صاحب امتیاز و مسئول: ع. مسعودی - ناشر: مرکز اطلاعات ایران - محل اداره: خیابان لاله زار - کوچه وثوق نظام - تک نسخه چهار شاهی».

روزنامه اطلاعات در واقع کار خود را از سال ۱۳۰۴ شروع کرده بود و به این اعتبار هم ۹۰ ساله است و اگر شروع انتشار متوالی را از ۱۹ تیر ۱۳۰۵ در نظر بگیریم نیز باز می توان گفت

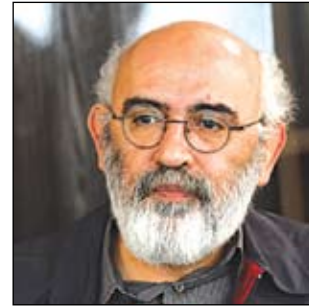
پا به ۹۰ سالگی گذاشته است. غرض از این گفتار اما این مته به خشخاش گذاشتن زمانی نیست. بیان این نکته است که «اطلاعات» اکنون یک «نهاد» است و در سرزمینی که گاه عمر رسانه ها به یک سال هم نمی رسد ۹۰ ساله شدن یک موسسه اتفاق مثبت و متفاوتی است. شاید برخی خرده بگیرند که این «اطلاعات» آن «اطلاعات»ی نیست که عباس مسعودی پایه گذاشت چون پس از انقلاب اسلامی مصادره شد و با مدیریتی دیگر به کار خود ادامه داده است و عمر آن را نمی توان تا قبل از ۱۳۵۷ برد. این سخن هر چند به تعبیری درست است اما بد نیست بدانید مسعودی در سال ۱۳۵۳ درگذشت و پس از آن مدیریت موسسه به دست فرزندان او - فرهاد و بهرام - افتاد و هر چند اطلاعات با حکم احمد آذری قمی دادستان وقت انقلاب مرکز مصادره شد و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت اما حجت الاسلام سید محمود دعایی که از سال ۱۳۵۹ سرپرستی آن را بر عهده گرفت از بهرام مسعودی دعوت به کار کرد و با رضایت او و این توجیه که موسسه اطلاعات بدهی های سنگینی به بانک ها داشته عملاً از شکل مصادره خارج شد و بهرام رسماً اجازه داد از این عنوان در سطح بین المللی نیز استفاده شود. به عکس کیهان که سناتور مصباح زاده برند را از آن خود می دانست و در لندن کیهان را منتشر می کرد.

بهرام مسعودی در ایران ماند و ادعای مالی و حقوقی هم مطرح نکرد و به همین خاطر اصطلاحاً «چشم» و حداقل در ظاهر به دنبال این موسسه نبوده و این اتفاق با ابتکار و روحیه مداراجوی شخص سیدمحمود دعایی رخ داد بی آن که هیچ الزام قانونی داشته باشد ولی موجب شد به کارکنان این موسسه احساس کار در یک بنگاه مصادره ای دست ندهد و این حس با مشاهده «بهرام مسعودی» که هر از گاهی سر می زد قوت می گرفت.

۹۰ ساله شدن روزنامه اطلاعات البته که خبر خوب و دلچسبی است اما همزمان موسسات رسانه ای دیگر را نیز فرایاد می آورد که خصوصاً در دهه ۷۰ جوانمرگ شدند در حالی که اکنون می توانستند ۲۰ یا ۱۵ یا ۱۰ سالگی خود را جشن بگیرند.

البته خوشبختانه معدودی از نشریات از توفان های سیاسی و تنگناهای اقتصادی جان به در برده و ۲۰ ساله شده یا ۲۰ سالگی را پشت سر گذاشته اند. از این جمله اند: روزنامه جمهوری اسلامی، ماهنامه فیلم، فصل نامه بخارا، فصل نامه نگاه نو، هفته نامه امید جوان، ماهنامه طنز و کاریکاتور و چند نشریه دیگر اما غالب نشریات قدیمی یا به محاق توقیف افتادند و از ادامه انتشار بازماندند، یا به دلایل اقتصادی متوقف شدند یا مانند «دانستیه ها» امتیاز آن از بخش خصوصی به عمومی انتقال یافت. از این رو می توان گفت از حیث «نهادهای مطبوعاتی» [همطراز] کشورهای منطقه به حساب نمی آییم در حالی که از نظر سابقه انتشار روزنامه و نشریه از همه پرپیشینه تریم و از ۱۵۰ سال هم فراتر می رویم. ۹۰ ساله شدن روزنامه اطلاعات در عین این که خبر خوبی است و شایسته شادباش اما یادآور دیگرانی هم هست که می توانستند بمانند و بپایند اما نماندند و نپاییدند و در واقع این جشن تولد، سوگ هایی را نیز به خاطر می آورد. «نهال» هایی که «نهاد» نشدند و گاه یک ساله نشده فروپاش شدند. حال آن که مجازات ها - فارغ از قضاوت درباره شدت و غلظت آنها - می توانست به جای شخصیت های حقوقی متوجه افراد و البته موقت باشد نه آن که کل موسسات را از پا بیاورد. البته خوشبختانه در سال های اخیر برخی نشریات توقیف شده انتشار خود را از سر گرفته اند و بعضاً مانند «ایران فردا» این اتفاق پس از ۱۴ سال رخ داده است. هر چند یک گپ طولانی موجب تغییرات گسترده و زبان های اقتصادی شده باشد. ماهنامه فیلم در ۲۰ سالگی خود نوشت: کاش وقتی یک موسسه مطبوعاتی ۲۰ ساله می شود به آن به چشم میراث فرهنگی نگاه کنند و به خاطر یک اشتباه یا سوء تفاهم کل موسسه را با خطر نابودی مواجه نکنند.

آرزو کنیم همه رسانه ها و نشریات از نهال به نهاد تبدیل شوند. جامعه مدرن بیش از هر چیز به نهاد نیاز دارد و فقر نهاد زبینه کشوری نیست که وقتی در انقلاب مشروطه دست به نهادسازی زد تعداد کشورهای مستقل منطقه با احتساب شمال آفریقا هم از ۶ مورد فراتر نمی رفت.



اطلاعات آنچنانکه که هست

دکتر یونس شکرخواه

خود عزیز نازنین آقای دعایی یک میراث گرانقدر فرهنگی برای این دیار است.

سایه درخت ۹۰ ساله اطلاعات (از سال ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۹۴) بر سر خیلی ها بوده است، خیلی ها به آقای دعایی مدیونیم، من رسماً اعتراف کرده ام و تکرار می کنم اگر روزنامه اطلاعات نبود و مهربانی آقای دعایی، من نمی دانم دکتر هادی خانیکی عزیزم و جلال رفیع نازنین باز هم می توانستند از من روزنامه نگار بسازند یا نه.

ماجرای روزنامه نگار شدنم را سال ها پیش در پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران سید فرید قاسمی - که به او هم همه وامداریم - نوشته ام. من با اطلاعات پا به جهان روزنامه نگاری گذاشتم.

پس سلام می کنم از بن جان به همکارانم در روزنامه اطلاعات و به آنها این پیوستگی، مداومت و استمرار در نشر را تبریک می گویم، حتی سلام می کنم به منتقدان این روزنامه به خصوص به آن ها که سال هاست هیچ روزنامه ای را نمی خوانند، اما یادشان نمی رود که از اطلاعات انتقاد کنند.

برخی نام ها را با حافظه بر باد رفته ام مرور می کنم، جلال رفیع، سید احمد سام، علی رضایی، بهروز صادقی، هوشنگ غلامی، احمد ستاری، رضا اسماعیلی، نگین حسینی، بیژن نفیسی، احمد رضا دریایی، حسین الهامی و... باید ادای احترام کنم.

اطلاعات با مرحوم کیومرث صابری و دو کلمه حرف حساب، خیلی حرف ها را زد که زدن نبود، با پاورقی ها و ضمیمه های عالی اش پای مباحثی را به روزنامه ها کشاند که دشوار بود شدنی شود، اطلاعات اتکایی معنادار به سنت یادداشت نویسی داشت و دارد. اطلاعات به بسیاری از چهره ها در هنگامه هایی که هوای سیاست و فرهنگ غبار آلود می شود، هرگز پشت نمی کند و تنهایشان نمی گذارد، نه از سر لج و لجبازی که از سر رفتار به عدالت و با پرهیز از هیجان زدگی.

شاید عجیب به نظر برسد اما معتقدم صفحه تسلیت روزنامه اطلاعات هم رازهایی در دل دارد که شاید روزی روزگاری توسط دانشجویان روزنامه نگاری و ارتباطات یا محققان ورق بخورد و آشکار شوند.

به سیاق سید محمود دعایی ارجمند - مسئول مؤسسه اطلاعات از سال ۱۳۵۹ - که برای تکریم پیشکسوتان و استادان علم و فرهنگ همیشه دست آنان را می بوسد، از همین جادست این جلیل القدر را می بوسم. سایهات مستدام آقای دعایی عزیز، که به رویه وصل فرهنگی ات، به فضیلت خواهی و به معرفت گرایشی ات و به اعتدال درونی شده ات سخت نیاز داریم.



۹۰ سالگی روزنامه مهربان

نگین حسینی

روزنامه‌نگار و عضو سابق تحریریه اطلاعات (مقیم خارج)

نیست که امروز سرمقاله‌ی سیاسی اصلاح طلبان چیست، بلکه مهم آن است که در بخش تامین اجتماعی، کشاورزی، بیمه، بهزیستی، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و... چه می‌گذرد. و کدام روزنامه، کامل‌تر و جامع‌تر از اطلاعات که در جغرافیای گسترده‌ی ایران، به این شکل مداوم و سراسری فعال بوده است؟

اما مهم‌ترین بخش این نوشتار، که در آمیخته است با عشق و شور و علاقه‌ی همیشگی‌ام، نقش روزنامه اطلاعات در پیشبرد حقوق معلولیت در ایران است که باید در تاریخ مطبوعات و رسانه‌های فارسی زبان ثبت و ضبط شود. باید نوشته شود که روزنامه اطلاعات، نخستین رسانه‌ی ایران بود که صفحه‌ی ویژه‌ی معلولین را راه‌اندازی کرد و هر چند وقفه‌هایی در انتشار این صفحه پیش آمد، اما همچنان پرچم‌دار این حرکت حقوقی برای افراد دارای معلولیت بوده و هست. همه‌ی کارهایی که من به عنوان خبرنگار و فعال در حوزه‌ی معلولیت کردم، به واسطه‌ی پشتیبانی و حمایت بی‌قید و شرط مدیریت روزنامه اطلاعات، آقای دعایی بود. هر دستاوردی که در پیشبرد گوشه‌ای از حقوق افراد دارای معلولیت داشتیم، هر گره کوچکی که در این حوزه باز کردیم، هر شمع‌ی که برای اطلاع‌رسانی برافروختیم، بدون پشتیبانی و تشویق مدیریت روزنامه، امکان پذیر نبود.

من نمی‌توانم نقشی را که روزنامه اطلاعات و همکاران پیشکسوت در شکل‌گیری شخصیت حرفه‌ای من داشته‌اند، انکار کنم اما حتی مهم‌تر از آن، همان نقشی است که روزنامه اطلاعات در پیشبرد حقوق افراد دارای معلولیت داشته است. هر جای دنیا که باشم و هر چه به دست آورم، بدون شک روزنامه اطلاعات را اساس و منشاء موفقیت‌هایم می‌دانم؛ با افتخار از همکاری هفده ساله‌ام با اطلاعات ۹۰ ساله یاد می‌کنم و خوشحالم که در شکل‌گیری بخشی از تاریخ این روزنامه سهمی داشته‌ام.

تولد روزنامه مهربان اطلاعات مبارک.

است روزنامه اطلاعات را نقد کند، باید آن را با روزنامه‌ی همشرایط خودش مقایسه کند و نه با روزنامه‌های مستقل یا دوم خردادی.

من بارها با منتقدان روزنامه اطلاعات حرف زده‌ام و در کمال تعجب دریافته‌ام که آنها روزنامه اطلاعات را در حالی نقد می‌کنند که به گفته‌ی خودشان، سال‌هاست حتی آن را ورق نزده‌اند! مشکل همین‌جا بوده و هست که روزنامه را نخوانده، نقد می‌کنند. مشکل اینجاست که برخی فراموش می‌کنند یا نمی‌دانند که روزنامه اطلاعات، در مقاطع تاریخی، چه نقش بزرگی در تحولات سیاسی کشور داشته است. امروز تا بوی مذاکره با آمریکا شکسته شده و روزنامه‌ها مطالب قشنگ و پر آب و رنگی در این باره می‌نویسند اما بیست سال پیش که حتی به زبان آوردن مذاکره هم جرم بود، تنها روزنامه اطلاعات بود که تابوشکنی کرد و از مذاکره با آمریکا نوشت. پنج سال پیش این روزنامه اطلاعات بود که عکس تظاهرات مسالمت آمیز مردمی را تن پوش صفحه‌ی اول خود کرد. چرا دور برویم؟! همین روزها که انتشار اسم و عکس آقای خاتمی در رسانه‌های جمعی جرم است، این روزنامه اطلاعات است که همچنان نام او را منتشر می‌کند و برایش جشن تولد می‌گیرد. اگر بخواهم مثال بیاورم، باید تا ساعتها بنویسم تا دستکم گوشه‌ای از خدمات اطلاعات به جریان اصلاح‌طلبی مشخص شود؛ به خصوص برای آنها که نخوانده، قضاوتش کرده و می‌کنند.

منهای بخش سیاسی (که کمترین علاقه و استعداد را در آن دارم)، باید به گوشه‌هایی از خدمات روزنامه اطلاعات در بخش‌های اجتماعی اشاره کنم. روزنامه اطلاعات را از قالب سیاست و از قلمرو پایتخت که بیرون بیاورید، و تمام شهرها و شهرستان‌ها و روستاهای کشور را که در نظر بگیرید، متوجه می‌شوید که این روزنامه با شبکه‌ی توزیع قوی و گسترده، چه نقش بزرگی در اطلاع‌رسانی به دورترین نقاط کشور داشته است؛ برای روستاهای فقیر چهارمحال و بختیاری و زاهدان و خوزستان، مهم این

روزنامه‌ی اطلاعات تیر امسال ۹۰ ساله شد و من با افتخار می‌گویم که ۱۷ سال عمر حرفه‌ای روزنامه‌نگاری‌ام را خبرنگار رسمی این روزنامه بودم؛ هستی حرفه‌ای من در روزنامه اطلاعات زاده شد، در اطلاعات جوانه زد، در اطلاعات به بلوغ رسید و در اطلاعات به بار نشست. برخلاف برخی از همکاران که نمک روزنامه‌ی اطلاعات را خورده‌اند و نمکدان شکسته‌اند، من با خوشحالی از دوران روزنامه‌نگاری‌ام در این روزنامه یاد می‌کنم و بدان مفتخرم.

از سال‌های همکاری با روزنامه اطلاعات، خاطرات خوب و بد زیاد دارم که مجال گفتنش نیست اما شاید یکی از تلخ‌ترین تجربه‌های مکررم، نیشخند و تمسخری بود که گاه از «روزنامه‌نگاران یک شبه» دریافت می‌کردم؛ از کسانی که در تولید انبوه روزنامه‌های پس از دوم خرداد، یک شبه راه صد ساله‌ی خبرنگاران پیشکسوت را طی کرده بودند، و بدون آموزش، بدون ترقی پله‌های روزنامه‌نگاری، بدون فرصت کار کردن و کار یادگرفتن در کنار موسسین، یکباره شده بودند خبرنگار و دبیر سرویس و معاون تحریریه؛ تازه واردهایی که پشت نام‌های معروف روزنامه‌های پس از دوم خرداد، مجالی برای خودنمایی و پوزخند به روزنامه‌های قدیمی‌تر پیدا کرده بودند، بدون آنکه صلاحیت علمی و عملی داشته باشند حتی برای نگارش یک خبر درست و بی‌غلط؛ آنها خاطراتی تلخ را برای من رقم زدند که هنوز هم در ذهنم باقی است.

کم نبوده و نیستند کسانی که منتقد روزنامه اطلاعاتند. نقدها به جای خود که خیلی از آن موارد، نقد خود من هم بوده و هست؛ اما نمی‌توان روزنامه اطلاعات را فارغ از چارچوب و نهادی که بدان وابسته است، نقد کرد. منتقدان تندرو از یاد برده‌اند که روزنامه‌های اطلاعات و... فرزند یک نهادند؛ اما این کجا و آن کجا. آنها فراموش کرده‌اند که چقدر راحت می‌شد آنها را همچون دوقلوهای همسان، به جامعه تحویل داد، اما این اتفاق هرگز نیفتاد. اگر کسی قرار



نویسنده این یادداشت، همراه با جمعی از اعضای تحریریه در ایام همکاری‌اش با روزنامه اطلاعات.

از راست به چپ: نگین حسینی، میرزا آغاسی، رفیعی، فرقانی، عبدالهی، قندالی، اسماعیل پور، قاسمی، حیدرزاده، نرجه، نفیسی، بختیاری، قهرمانی، محمدی، صادقی، آذرnia، کردان، صفری، رنجبران

گفتگو با سید محمدصادق خرازی، سفیر و معاون سابق نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد

«اطلاعات» بر فراز دسته‌بندی‌های سیاسی است

منوچهر دین پرست



ترسیم کردند توانستند این روزنامه را در عصر انفجار اطلاعات به عنوان یک روزنامه پیشرو مدیریت کنند. امروز هم با گذشت سالها هنوز روزنامه اطلاعات به عنوان یکی از روزنامه‌هایی که صاحب تیراژ است مطرح می‌شود و این روزنامه توانسته در سال‌های بعد از انقلاب (و حتی قبل از انقلاب هم که روزنامه‌هایی منتشر می‌شد مانند کیهان و رستاخیز) به عنوان یک روزنامه مطرح، دیده شود. آقای دعایی توانستند این روزنامه را با احترام و ادب خاص خودش حفظ کنند و توسعه دهند. روزنامه اطلاعات توانست اخبار و مطالب خود را در یک چارچوب و پارادایم خاصی در کشور نشر و ادامه دهد. روزنامه‌ها و مجلات مختلفی که همراه روزنامه اطلاعات منتشر شد توانست این موسسه را به یک هلدینگ مطبوعاتی تبدیل کند. من معتقدم اگر آقای دعایی مجوز داشت، در کنار این روزنامه، رادیو و تلویزیون هم تأسیس می‌کرد. قاعدتا هم به خاطر محدودیتهای قانون اساسی ایشان نتوانستند چنین کاری انجام دهند. به نکته دیگری اشاره کنم. از همه مهمتر روزنامه اطلاعات پناهگاه روشنفکران، نخبگان و متفکرانی است که هم پاسدار فضیلتها و ارزشهای دینی هستند و هم پیشتاز تجددخواهی و نوآوری در ایران. این افراد در راستای منافع و امنیت ملی فعالیت می‌کنند. کمتر شمای فردی را می‌یابید که بتواند این دو جنبه را با هم ممزوج کرده باشد. البته این دیدگاه حضرت امام (ره) هم هست که هم پیشتازی و هم پاسداری را در کنار هم در نظر داشتند. آقای دعایی هم توانست این جریان را در دوره حضرت امام (ره) و هم در دوره مقام معظم رهبری پیگیری کند. اینها مشخصات و ویژگی‌های برجسته یک مدیر است که توانسته به گونه‌ای مدیریت کند که هر جا پتکی به بدنه این کشور وارد شد و به آنجا ضربه‌ای زد، در اینجا نتوانست چنین ضربه‌ای به این روزنامه وارد کند. این پتک نتوانست کاری علیه روزنامه اطلاعات به پیش ببرد.

شما به لحاظ محتوایی روزنامه را چگونه می‌بینید و چه نقد و بررسی نسبت به آن دارید؟

ما به لحاظ شکل با پدیده‌ای مواجه هستیم که آن یک هلدینگ مطبوعاتی است. اکنون این موسسه مطبوعاتی توسعه یافته است اما به لحاظ محتوایی روزنامه در کجا قرار دارد، این سؤال مهمی است. شما وقتی که وارد این موسسه می‌شوید، می‌بینید در تمامی فعالیتهایی که در آن صورت می‌گیرد اعم از نشر کتاب و مجلات مختلف سیاسی و فرهنگی و غیره و روزنامه سراسری و بین‌المللی، از نخبه‌ترین افراد این کشور به نحو خوبی استفاده شده است. خود روزنامه اطلاعات بما هو حق و نیز شخصیت آقای دعایی، تبدیل به کانون تجلیل از نخبگان کشور شده است. هر جا یک نخبه‌ای باشد مدیریت این روزنامه آن را کشف کرده و از آن استفاده می‌کند.

اشاره: روزنامه اطلاعات طی سابقه نود ساله خود توانسته تجربه‌های مختلفی در عرصه‌های گوناگون رسانه‌ای به دست آورد. یکی از فعالیتهای روزنامه اطلاعات را که در کمتر روزنامه فارسی زبان و یا شاید بتوان گفت در هیچ روزنامه فارسی زبان ایرانی نمی‌توان دید در روزنامه اطلاعات بین‌المللی می‌توان مشاهده کرد. تجربه راهاندازی رسانه‌ای در قامت بین‌المللی می‌تواند یکی از دستاوردهای رسانه‌ای تلقی شود. در گفتگوی حاضر آقای خرازی ضمن بیان خاطرات و ویژگی‌هایی درباره روزنامه اطلاعات به طرح مباحثی در مورد روزنامه اطلاعات بین‌المللی پرداخته و معتقد است که «روزنامه‌ای می‌تواند در زمان فعلی موفق باشد که بتواند اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی را همزمان با تحولات تکنولوژیک و انفورماتیک ادامه دهد و با فضای جدید بیگانه نباشد».

روزنامه اطلاعات به نودمین سال انتشار خود رسیده است. با توجه به تجربه‌ای که شما طی سالهای بعد از انقلاب و در سمتهای مختلف سیاسی و فرهنگی داشتید و همچنین حضور شما به خصوص در خارج از ایران چه نگاه نقادانه‌ای به روزنامه اطلاعات می‌توانید داشته باشید. شما طی چند دهه گذشته که با روزنامه ارتباط مستقیم هم داشتید این گذشته را چگونه نقد و تحلیل می‌کنید؟

من صحبت‌ها را درباره روزنامه اطلاعات باید به دوره تقسیم کنم. یکی قبل از انقلاب و دیگری مربوط به بعد از انقلاب است. خاطرات و شناختی که من از روزنامه اطلاعات دارم هم پیشتر مربوط به بعد از انقلاب است. قاعدتا در مورد تاریخ روزنامه اطلاعات پیش از انقلاب باید کسانی صحبت کنند که تجربه تاریخی از این دوره داشتند. آنچه که می‌خواهم به آن اشاره کنم، مربوط به دوران روزنامه اطلاعات بعد از انقلاب است و بر این اساس موفقیت این روزنامه را به عنوان یک روزنامه ملی، من در مدیریت واحد این روزنامه که به دست آقای دعایی و با حکم حضرت امام (ره) صورت گرفت می‌دانم. ایشان با توجه به مشخصات و ویژگی‌هایی که برای روزنامه خود



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

مقام معظم رهبری و آیت الله هاشمی از این ایده که روزنامه‌ای با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خارج کشور منتشر شود (روزنامه اطلاعات بین‌المللی) استقبال کردند.

● **خرّازی: روزنامه اطلاعات بین‌المللی تقریباً تمام روزنامه‌های ضد انقلاب در خارج از کشور مثل کیهان لندن و نیمروز و غیره را خنثی کرد. چرا که بیشترین نقش را روزنامه اطلاعات در انتقال مبانی انقلاب اسلامی داشت.**

بیشتری را به خود جلب کند.

شما آیا با مورد خاصی در آن ایام مواجه شدید که انتشار اخبار در روزنامه بین‌الملل واکنش داشته باشد و مورد توجه افرادی قرار گیرد؟

معمولاً سالی یکبار وزیر امور خارجه به مجمع عمومی سازمان ملل می‌آمدند. در دوره آقای هاشمی این اتفاق نیفتاد و ایشان هیچ وقت به مجمع عمومی برای سخنرانی نیامدند. اما در دوره آقای خاتمی و دوره احمدی‌نژاد و هم اکنون هم آقای روحانی این اتفاق رخ داد و ایشان به مجمع بارها برای سخنرانی آمدند. به خاطر دارم که هر روز روزنامه به دست ما می‌رسید. روزی، من با آقای ولایتی در محل سازمان ملل باهم قدم می‌زدیم و صحبتی می‌کردیم و به جلسات مختلفی می‌رفتیم. در یک جلسه‌ای وزیر امور خارجه ژاپن روزنامه را دید و پرسید این روزنامه اینجا چه می‌کند؟ و من گفتم این روزنامه اینجا منتشر می‌شود. ایشان بسیار تعجب کرد و گفت مگر چقدر ایرانی اینجا حضور دارد. من گفتم در نیویورک و شرق آمریکا ایرانی‌های زیادی هستند. ایشان گفت که ای کاش ما هم می‌توانستیم این کار را برای هموطنان ژاپنی خودمان انجام دهیم. اگر اشتباه نکنم بعداً روزنامه آساهی ژاپن چند صفحه‌ای را در آمریکا منتشر می‌کرد. البته از زمانی که رسانه‌های الکترونیکی وارد شدند فضای رسانه‌ای هم بسیار متحول شده است. به هر حال از وقتی که روزنامه اطلاعات بین‌الملل منتشر شد بسیاری از مسئولین علی‌رغم میلشان نسبت به روزنامه جذب شدند. در آن زمان تولید روزنامه به خصوص در انتخاب اخبار برای مخاطبان خارج از کشور بسیار موفق بود اما معتقد بودم که توزیع روزنامه موفق نبوده است. من معتقد بودم که روزنامه باید به دست مخاطبان به شکل پستی ارسال شود.

شما روزنامه اطلاعات را در دسته بندی‌های سیاسی که در کشور عنوان می‌شود مثلاً اصلاح‌طلب و اصول‌گرا و یا اخیراً اعتدال‌گرا نامیده می‌شود چطور توصیف می‌کنید. آیا این روزنامه در این تقسیم بندی‌ها قرار می‌گیرد؟

من معتقدم روزنامه اطلاعات بر فراز این دسته بندی‌های سیاسی است. آقای دعایی روزنامه را به گونه‌ای جدول بندی کرده که در دسته بندی‌ها و سوء استفاده‌ها قرار نگیرد. این روزنامه جولانگاه تسویه حساب افراد نیست و اگر افراد بخواهند چنین کاری کنند در اینجا جایی ندارد. به خاطر این ویژگی است که این روزنامه توانسته موفقیت خوبی را برای خودش به وجود بیاورد.

با توجه به گستردگی مطبوعات و رسانه‌های الکترونیکی و شبکه‌های اجتماعی و اطلاع‌رسانی که در حال افزایش هم هست، روزنامه‌ای مانند اطلاعات که از قدمت نزدیک به یک قرن برخوردار است و بر این اساس راه خود را ادامه می‌دهد باید به لحاظ محتوا و شکل تغییراتی کند و یا اینکه بر اساس همان سنت قدیمی خود حرکت کند و تغییرات را به خود وارد نسازد؟

بی‌تردید بدون تحول هیچ کاری نمی‌تواند انجام شود. کاری که یک رسانه باید به آن توجه داشته باشد این است که رسانه فرزند زمانه خودش باشد و اگر روزنامه فرزند زمانه خودش باشد در این دوره وانفصاه هم می‌تواند ارتباط خودش را با مخاطبش حفظ کند و هم سازمانش را مدیریت کند و به عبارتی گلیش را از آب بیرون بکشد. تنها روزنامه‌ای می‌تواند در زمان فعلی موفق باشد که بتواند اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی را همزمان با تحولات تکنولوژیک و انفورماتیک ادامه دهد و با فضای جدید بیگانه نباشد. به نظرم روزنامه اطلاعات باید از لحاظ شکلی و محتوایی پذیرای تغییرات باشد. روزنامه زمانی می‌تواند با مخاطبش در ارتباط باشد که دائماً تغییر را شاهد باشد و نوآوری‌های جدید داشته باشد و مخاطبش با ایده‌های جدید دائماً رو به رو شود.

افرادی هستند که زمانی کسی نمی‌توانست نامی از آنها ببرد مانند دکتر سید حسین نصر، اما آقای دعایی از مطالب ایشان استفاده می‌کند. این عمل به این خاطر است که مدیریت اطلاعات از یک خط مشی صحیح پیروی می‌کند که برای اعتلای این مجموعه فکر کرده است.

حتی این موضوع را که به آن اشاره کردید می‌توانیم در افراد سیاسی هم ببینیم که نام و عمل آنها در دیگر روزنامه‌ها دیده نمی‌شود اما این روزنامه توانسته منصفانه و عالمانه به آنها بپردازد.

بله همینطور است. این اخلاقی‌ترین حرکتی است که یک مدیر رسانه باید داشته باشد و کسی هم که مدیریت اخلاقی داشته باشد مردم در اطراف او جمع خواهند شد. به نظر من روزنامه اطلاعات به عنوان یک رسانه، و موسسه اطلاعات به عنوان یک هلدینگ مطبوعاتی، از ظرفیتهای غنی برخوردار است.

شما مدتی هم در سالهای دهه هفتاد در نیویورک بودید. چه تجربه‌ای از دوران حضور روزنامه اطلاعات در عرصه بین‌المللی دارید؟ به خصوص اینکه روزنامه اطلاعات دارای یک روزنامه بین‌المللی برای ایرانیان خارج از کشور هم هست.

در همان ایام که من در نیویورک بودم با آقای دعایی صحبتی داشتم. در آن زمان یک نشریه هوایی بود که هفته‌ای یکبار منتشر می‌شد. هرچه نظام ما افرادی را داشت از خود دور می‌کرد. معلوم نبود همه هدف، جذب افراد و یا دفع افراد است. آیا قصد این بود که مثلاً مسلمانان انگلیسی زبان با ادبیات انقلاب آشنا شوند؟ خشونت و تندوی و افتراق در آن نشریه بسیار بود. باید تاکید کنم، بزرگانی که آن هفته‌نامه را راهاندازی کردند با چنین هدفی این کار را انجام ندادند. من با برخی از افرادی که آن نشریه را هدایت می‌کردند رفیق بودم، اما به هر حال آن هفته‌نامه نتوانست جایگاه خودش را باز کند. من با آقای دعایی در مورد انتشار روزنامه‌ای بین‌المللی صحبت کردم و ایشان گفتند که امکاناتش اگر فراهم شود من حاضرم که این روزنامه را منتشر کنم. من آن موقع یک نامه خدمت مقام معظم رهبری و آیت الله هاشمی رفسنجانی و آقای دعایی نوشتم. جلسه‌ای هم در تهران داشتیم که آقای احمد سام این موضوع را پیگیری می‌کرد. آقای دعایی مدیریت این کار را در لندن به ایشان دادند. مقام معظم رهبری و آیت الله هاشمی از این ایده که روزنامه‌ای با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خارج کشور منتشر شود استقبال کردند. البته برای آقای دعایی این کار در ابتدا سخت بود. به خاطر دارم که در روزهای اول کار برای چاپ و توزیع با چه مشکلاتی ایشان مواجه بودند. آقای دعایی مجاهدتی کردند و روزنامه اطلاعات بین‌المللی را منتشر کردند که تقریباً تمام روزنامه‌های ضد انقلاب در خارج از کشور مثل کیهان لندن و نیمروز و غیره را آچمز و خنثی کرد. چرا که بیشترین نقش را روزنامه اطلاعات در انتقال مبانی انقلاب اسلامی داشت. یکی از فضایل خیر آقای دعایی آگاهی‌رسانی و اطلاع‌رسانی در باب مبانی و دستاوردهای انقلاب به عرصه بین‌الملل بود.

یکی از موضوعاتی که درباره روزنامه‌های بین‌المللی مطرح می‌شود این است که روزنامه باید بیشتر مخاطبان ملی و یا مخاطبان فراملی را در نظر داشته باشد؟ شما قامت روزنامه اطلاعات را در چنین موضعی چگونه دیدید؟

من صحبتی که با آقای دعایی داشتم این بود که ایشان مخاطبان روزنامه را خاص قرار ندهند و به مخاطبان عام هم توجه کنند. مخاطبان خاص فقط ایرانیان هستند. اما مخاطبان عام شامل انگلیسی‌زبانان و علاقمندان به حوزه تمدن و تاریخ ایران هم هستند. آقای دعایی انگیزه کافی داشتند اما امکانات نداشتند. البته کار انتشار روزنامه بر اساس همان مخاطبان خاص آغاز شد و ادامه پیدا کرد اگرچه صفحه‌ای هم به زبان انگلیسی منتشر می‌شد اما جای کار هنوز هم دارد که مخاطبان

اشاره: در جهان امروز نمی‌توان رسانه‌ها را نادیده گرفت حتی اگر رسانه‌ای با هدفی خاص انتشار یابد. اما در این میان رسانه‌هایی هستند که نوع ارتباط آنها با مخاطبان و جامعه ارتباطی تعریف شده و بر اساس مصادیق اطلاع‌رسانی حرکت می‌کند. در گفت و گوی ذیل که با دکتر جلالی پور صورت گرفته سعی شده تا ضمن بررسی موضوع فوق جایگاه روزنامه اطلاعات به دلیل انتشار نود ساله اش در جریان‌ها و کنشهای سیاسی و اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. البته دکتر جلالی پور معتقد است که «روزنامه اطلاعات در فضای میانه حرکت می‌کند و چرخش عجیب و غریب ندارد».

یکی از مباحثی که در میان تئوری پردازان رسانه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد بحث ارتباط جامعه و رسانه است.

شما به عنوان یک جامعه‌شناس و فردی که فعالیت رسانه‌ای هم در کارنامه خود داشته ارتباط رسانه و جامعه را چگونه می‌بینید؟ آیا رسانه بر جامعه تاثیر گذار است و یا اینکه جامعه به رسانه‌ها نقش و خط‌دهی می‌کنند؟

این بحث از هر دو سو مورد توجه است. هم شرایطی که جامعه دارد بر رسانه تاثیر گذار است و هم هیات تحریریه و نویسندگان و گزارشگران و سردبیر روزنامه و یا نشریه‌ای که منتشر می‌کنند بر جامعه تاثیر گذار است و نمی‌توان یک‌سویه بحث کرد. نسبت جامعه و رسانه یک امر متقابل و دوسویه است و هیچ طرف بی تاثیر از طرف دیگر نیست. البته در جوامع تک صدا از روزنامه‌های رسمی انتظار دارند که جامعه را یک طرفه خط

بدهند ولی در جوامع چندصدایی رسانه واسطه دو سویه میان اقشار مردم و حکومت در جامعه است.

شما روزنامه اطلاعات را در این پروسه چگونه می‌بینید و تا چه اندازه نسبت روزنامه اطلاعات و جامعه امری دو سویه و تاثیر گذار است؟

در مورد روزنامه اطلاعات که یکی از اولین روزنامه‌ها و روزنامه باسابقه و ریشه دار ایران است بحثهای زیادی می‌توان کرد ولی من در این فرصت کوتاه به دو نکته اشاره می‌کنم. یکی این است که یک ضعفی در جامعه ایران است که ضعف کمی نیست. گفته می‌شود که در جامعه ما «انباشت امور» صورت نمی‌گیرد. حالا این انباشت امور می‌تواند مادی و حتی غیر مادی باشد. منظورم از انباشت غیر مادی، سرمایه‌های سازمانی و نهادی و رویه‌ای و پژوهشی و انجمنی است که در جامعه ما خوب انباشت نمی‌شود و نسل به نسل به درستی انتقال نمی‌یابد. همین ضعف است که دکتر کاتوزیان از آن در ایران به عنوان جامعه کوتاه‌مدت یاد می‌کند آنهم برای جامعه‌ای که تاریخی بلند و کهن دارد. حتی در سرمایه‌های مادی هم به درستی انباشت نداریم. به طور مثال ایران در یک دوره هشت ساله هشتصد میلیارد درآمد ارزی داشته اما وقتی که با تحریم مواجه می‌شود آن انباشت در اختیار اقتصاد سیاسی ایران قرار نمی‌گیرد که بتواند با مشکلات خودش دست و پنجه نرم کند.

ما نشریه دویست ساله نداریم. حتی انتشارات دویست ساله هم نداریم که امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا اعم از اروپایی و حتی آسیایی ما چنین نشریاتی و انتشاراتی را می‌بینیم. ما حزب صد ساله نداریم. اگر از این منظر نگاه کنیم بسیار جالب است که روزنامه اطلاعات نود ساله شده است. یعنی نشان می‌دهد که در این جامعه کوتاه مدت رخداد بلند دامنه هم داریم. اکنون می‌بینیم یکی از نشریات باسابقه، ملی، ریشه دار و سراسری تداوم نود ساله دارد.

شما پایداری این روزنامه را در چه چیزی می‌بینید؟

پایداری این روزنامه در پیش از انقلاب عوامل زیادی داشته که من به یک مورد اشاره می‌کنم و آن این است که افراد حرفه‌ای در این روزنامه مشغول بودند. روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و بعضی از آنها حتی چهره‌های معروف فرهنگی شدند. به این نکته اشاره کنم که یک روزنامه می‌تواند در خدمت یک حزب و یا یک مکتب و ایدئولوژی باشد و حتی در خدمت یک جریان اقتصادی و پولساز و تجاری باشد اما اطلاعات اینگونه نبود بلکه در این روزنامه افرادی فعالیت می‌کردند که کارشان و حرفه شان روزنامه نگاری بود.

تداوم این روزنامه در بعد از انقلاب به نقش مدیر مسئول این روزنامه یعنی آقای دعایی بازمی‌گردد. آقای دعایی دارای ویژگی‌های مهمی است که یکی از آنها سرمایه انقلابی این

مرد است که فقط به انقلاب ۵۷ خلاصه نمی‌شود بلکه به دو دهه قبل از آن مربوط است. وی یک انقلابی است که در کانون انقلاب قرار داشت و یار نزدیک امام و بلا واسطه بود. یک چنین آدمی (که معمولاً در انقلابها، فرصتها و مقامها و پستهای سیاسی و اقتصادی پیدا می‌کنند) بر گرایش فرهنگی خودش می‌ماند و به حداقلی قانع می‌شود. پستی که ایشان در اوایل انقلاب گرفت یعنی مسئولیت روزنامه اطلاعات، پست بسیار کم و کوچکی برای ایشان بود. ولی وی گرایش فرهنگی قبل از انقلابش را رها نکرد و در پست مسئولیت روزنامه ادامه داد. ایشان مثل آقای بجنوردی (که از انقلابیون فابریک بود) در دایره‌المعارف به امر فرهنگی چسبید. دعایی شش دوره نماینده مجلس بود اما مدیریت روزنامه اطلاعات را رها نکرد.

علت بعدی که البته این روزها این اصطلاح خیلی باب شده، این است که ایشان اعتدال گرا بود. با همه نیروهای انقلاب ارتباط همدلانه داشته و دارد و از معدود شخصیت‌های سیاسی است که اغلب گروه‌ها و گرایشهای سیاسی ایشان را قبول دارند. در جریان انقلاب شخصیت‌هایی بودند که به رسانه دو طرفه اعتقادی نداشتند و رسانه را ستون ضدانقلاب و بلندگوی خارجی می‌دانستند اما یک چنین شخصیتی باعث شد که کشتی روزنامه اطلاعات را در مسیر بادها به جلو ببرد. من عامل تداوم روزنامه اطلاعات در بعد از انقلاب را به شخصیت اعتدالی مدیر مسئول روزنامه مربوط می‌دانم.

روزنامه اطلاعات به یک تعبیری می‌توان گفت که جزو روزنامه‌های حرفه‌ای ایران است که خبر رسانی می‌کند و همه خبرها را پوشش می‌دهد. به این معنا نیست که مواردی را بزرگ و مواردی را کوچک جلوه دهد. البته از یک بابت حتی اخیراً پیشرو هم بوده است. در یکی دو سال اخیر تحت تاثیر جوه‌ای ممنوع‌التصویری و موارد دیگر قرار نگرفت. همین روزنامه بود که توانست وظیفه اطلاع‌رسانی را در برابر شخصیت‌های انقلاب ایفا کند و اکنون هم ادامه می‌دهد.

در میان کنشها و واکنشهای سیاسی و اجتماعی که در کشور رخ می‌دهد شما روزنامه اطلاعات را در کدام دسته قرار می‌دهید؟

به تعبیر امروزی‌ها متعلق به میانه‌روهاست. میانه‌روهای اصلاح‌طلبی و میانه‌روهای اصول‌گرایی. روزنامه اطلاعات در فضای میانه حرکت می‌کند و چرخش عجیب و غریب ندارد. یک دسته‌بندی در میان رسانه‌های دنیا قرار دارد و آن این مسئله است که برخی از روزنامه‌ها را جزو روزنامه‌های منتقد دولتی و یا حاکمیتی می‌دانند آیا می‌توان روزنامه اطلاعات را جزو این دسته دانست؟

به نظر من اطلاعات یک روزنامه حاکمیتی ولی حرفه‌ای است که سعی می‌کند روزانه خبررسانی کند و به سمت اطلاع حرکت کند. در ضمن در موسسه اطلاعات کارهای زیربنایی هم می‌شود. به طور مثال مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی که از سوی این موسسه منتشر شد بسیار تاثیر گذار بود. یک مجله با رویکرد به علل عمیق بود، که به مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایران به شکل سطحی نگاه نمی‌کرد. هم اکنون هم منتشر می‌شود. این مجله از جمله نشریات پیشکسوت فکری و عمیق بعد از انقلاب است.

مواجهه روزنامه اطلاعات با مخاطبانش چگونه می‌بینید؟

این روزنامه همیشه توانسته خبررسانی کند. روزنامه‌ای که در سطح ملی منتشر می‌شود.

برخی رسانه‌ها، از سنت و قدمتی که دارند سعی می‌کنند به لحاظ شکل و محتوا حفاظت کنند شما توجه به قدمت روزنامه اطلاعات را آیا مطلوب می‌دانید؟

یک چیزی که در روزنامه اطلاعات شما می‌بینید این است که شما با یک دسته خاصی از خبر و تحلیل رو به رو نمی‌شوید. شما با روزنامه‌ای رو به رو می‌شوید که ملی است و جریانها و اخبار به شکل توصیفی خودش را نشان می‌دهد. اخبار به شکل بزرگ نمایانده شده و یا کوچک نمایانده شده نیست. این روزنامه از قدیم حتی فراملی هم بوده و توانسته ایرانیان خارج از کشور را به سبک حرفه‌ای و به دور از شائناژ سیاسی مورد توجه قرار دهد.

مسئولیت روزنامه اطلاعات را در گفتمانهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور چگونه می‌بینید و چه مسئولیتی برای این روزنامه متصور هستید؟

جامعه ما همچنان نیازمند رسانه حرفه‌ای اطلاع‌رسان و تحلیل‌رسان است، ولی هم باید حکومت رسانه‌های حرفه‌ای داشته باشد و هم جامعه مدنی رسانه‌های حرفه‌ای خودش را داشته باشد. اگر چنین شود رسانه‌ها توانسته‌اند میانجی خوبی بین حکومت و مردم باشند و از شکاف تاریخی مردم و حکومت بکاهند. با این همه ما هنوز در عرصه رسانه‌ای راه بلندی در پیش داریم.



دیدار با یکی از سردبیران اطلاعات در سال های پیش از انقلاب

هومن ظریف



از چندین روزنامه بزرگ جهانی و خبرگزاری های بین المللی در اروپا و آمریکا و ژاپن دیدن کردم و همواره خود را یک روزنامه نگار می دانستم و می دانم.

«برای گویش و نگارش درست زبان، باید ابتدا رسانه های همگانی مانند تلویزیون - رادیو و روزنامه ها، نوشتار و گفتار درست را پیشه کنند»

به همراه دوست فرهنگ دوستی به دیدار روزنامه نگاری پیشکسوت و از سردبیران پیشین «اطلاعات» حسین بنی احمد رفته بودیم و خواه و ناخواه گفتار به جایی رسید که آیا گزارش نویسی در مطبوعات به ویژه در روزنامه اطلاعات از لحاظ ساختاری توانسته است خود را همپای حوصله تنگ مردم امروز بکشد یا گزارش نویسی نیازی ندیده است که در کار خود (با همه زیرشاخه های آن از توصیفی گرفته تا خبری) تغییری ایجاد کند؟

کهنه و نو ندارد

بنی احمد بر این عقیده است که گزارش نویسی کهنه و نو ندارد چون اصل مطلب چیزی نیست که تغییرپذیر باشد بلکه این کار بستگی کامل به ذوق و بینش نویسنده، چگونگی برگزیدن موضوع، توقع و انتظار دستور دهنده و همچنین در نظر گرفتن مخاطبان دارد.

گاه نیز گزارش نویس می تواند پیشنهاددهنده تهیه گزارش درباره «تهاده» یا سوژه ای باشد که مورد توجه قرار گرفته است. در این صورت او ممکن است پیش از دست به کار شدن، موافقت سرپرست مربوط را به دست آورد و یا آنکه گزارشی را به روش خود تهیه و تسلیم دبیر بخش نماید، که البته باید احتمال پذیرفته شدن آنرا نیز در نظر گرفته باشد! در این صورت می باید که میزان کاوش درباره یک نهاد (موضوع) به اندازه ای باشد که از هر جهت مورد توجه مخاطبان آن قرار گیرد.

همچنین است در مورد دستوردهنده که باید برای هر گزارش، تهیه کننده کارآمد برگزیند و نیز راهنمایی های بایسته را انجام دهد.

ناگزیری کاوش و پژوهش

از بنی احمد می خواهیم در این زمینه بیشتر به جزئیات بپردازد. او که خود در گذشته های دور، دوبار به سردبیری روزنامه اطلاعات برگزیده شده است، می گوید: در روزنامه های بزرگ و سراسر گزارش و خبر، نمی توان انتظار داشت سردبیر همه نوشته ها را بخواند و نظر بدهد. بلکه برای هر بخش از روزنامه باید دبیرانی که در کار خود تجربه کافی داشته باشند انتخاب شوند تا بتوانند مسئولیت انتخاب و تهیه و نیز ویراستاری را با چیره دستی کامل انجام بدهند و درباره خطاها پاسخگو باشند.

برای نمونه، دیده می شود در برخی از گزارش ها تنها به بازگو کردن بیان کارشناسان گوناگون بسنده می گردد. به نظر من میزان تجربه و آگاهی تهیه کننده گزارش باید به گونه ای باشد که بتواند بر پایه آنچه دریافت می کند، پرسش های گوناگون در میان بگذارد تا یک گزارش از هر سو آموزنده و گرانسنگ از آب در آید. چه بسا برای تهیه یک گزارش گریزی نباشد جز آنکه کاوش ها و بررسی های افزودنی انجام گیرد.

بایستگی تلاش و پیگیری

در اینجا بنی احمد از لایلای انبوه روزنامه ها، گزارشی را که زیر نام «فارسی زبان فرهنگ و ادب» (اطلاعات - ۳۱ تیرماه ۹۴ - صفحه ۵) بیرون می آورد و می گوید من نمی دانم پرسشگر و نویسنده این گزارش، تا چه اندازه بر زبان پارسی چیرگی داشته که برای دریافتن سرآغاز گزارش او، خود نیاز به آشکار سازی دارد چه رسد به آنکه او توانسته

باشد با پاسخ دهندگان به پرسش های خود به «کلنجک» بپردازد و وارد جزئیات بشود. بنی احمد همچنین می گوید: در گزارشی که یاد شد، تهیه کننده آن پاسخ های جامع و گیرنده از آقای میرجلال الدین کزازی - پژوهشگر و استاد ادبیات دریافت کرده است که می توانسته بر پایه آنها با دیگر پاسخ دهندگان بکاود چه رسد به آنکه پارسی را فارسی ننویسد.

او همچنین می توانسته پیشنهاد آقای قدمعلی سرامی - استاد دانشگاه و مولانا پژوه را که گفته اند «برای گویش و نگارش درست زبان، باید ابتدا رسانه های همگانی مانند تلویزیون - رادیو - و روزنامه ها، نوشتار و گفتار درست را پیشه کنند» مورد پیگیری قرار دهد و برای آوردن یک نتیجه جالب و مثبت تلاش کند. از این بهتر چه می خواهید؟

جای خالی و ویراستاری!

بنی احمد در اینجا یادآور می شود که رها کردن پیگیری در چنین وضعیت - همانگونه که در گزارش پنجشنبه یکم امردادماه ۹۴ صفحه ۵ با سرلوحه بسیار درشت نوشته اند، به معنی آن است که به راستی جای ویراستار خالی مانده است. زیرا آن روزنامه نگاری که نقش سرپرست بخش آماده ساختن گزارش ها را بر دوش دارد، و می باید نگرش ژرف در نوشته ها داشته باشد و نکته های شایسته پیگیری را از درون گزارش بیرون آورد و خبرنگار را به پیگیری بفرستد.

جای خالی چگونه پر می شود

از بنی احمد می پرسیم برای روزنامه چه پیشنهادی دارید چون در ویژه نامه ی نودمین سال، خواسته اند از نقد و سنجش و همچنین خاطره نویسی کوتاهی نکنید. در پاسخ می گوید: من چگونگی پیوستن خود به موسسه اطلاعات را کم و بیش نوشته ام و در سالنامه ۱۳۹۲ چاپ شده است. ناگفته نماند که در آن زمان، با آنکه بیش از ده سال در روزنامه های دیگر و شش هفت سال در موسسه اطلاعات سابقه داشتم، هنوز خود را شایسته سردبیری نمی دانستم. اما اینکه چگونه به سردبیری گماشته شدم و چه شد که کناره گیری کردم، جایی برای بازگو کردن ندارد.

اما در آن دوران و نیز در سال های پس از آن بخت این را داشتم که از سازمان های چندین روزنامه بزرگ جهانی و خبرگزاری های بین المللی در اروپا و آمریکا و ژاپن دیدن کنم و با چگونگی روش کار آنها آشنا شوم زیرا همیشه و همواره خود را یک روزنامه نگار می دانستم و می دانم.

به همین سبب اکنون می توانم بگویم به نظر من روزنامه برجسته و ریشه دار اطلاعات می باید مانند سازمان های جهانی و سترگ مطبوعاتی دارای بخش ویژه ای برای نگاهبانی تلاش های خود باشد. یک چنین بخشی را در همه جا کهنه کاران ورزیده مطبوعاتی می گردانند بدینگونه که در پایان هر روز و یا هر چند روز کار، گزارشی دربردارنده چگونگی انجام وظایف روزنامه نگاران موسسه خود تهیه و میان یکایک همکاران روزنامه و نیز مقامات و گردانندگان و صاحبان روزنامه و دیگر نشریات وابسته به آن پخش می کنند. در آنجا، همچنین اشتباه های چاپی و نگارشی را به نقد می کشند.

کارکنان موسسه های بزرگ مطبوعاتی نیز به اظهار نظرهای این گروه درباره خودشان اهمیت بسیار می دهند و آن را پر ارزش می دانند. بنابراین به نظر من روزنامه ای که یک گزارش گسترده زیر نام «جای خالی ویراستاری» چاپ می کند باید گام نخست را خودش برداشته باشد.



گفتگو با سید محمد کاظم موسوی بجنوردی
رئیس دایره المعارف بزرگ اسلامی

زندانیان به «اطلاعات» اعتماد داشتند

..... منوچهر دین پرست

در آن زمان که در نجف بودید مراد و ارتباط علما و بیوت مراجع را با روزنامه اطلاعات چگونه می دیدید؟

بسیار خوب و منصفانه بود. یعنی روزنامه اطلاعات مورد توجه روحانیت بود و بعدها هر چه مطالب تسلیتی و اعلام فوت و بعضا نکات خاص دینی را نیز به اطلاعات می دادند. ولی یکبار مسئله ای بر سر جریان حرکت مصدق برای روزنامه اطلاعات به وجود آمد که مورد غضب جبهه ملی قرار گرفت و تا حدودی می توان گفت در آن مقطع زمانی روزنامه اطلاعات را تهیه نمی کردند و به کیهان روی آوردند. آن وقتها کیهان قدری چهره ملی تری به خود گرفته بود. این ماجرا مربوط به اوایل دهه چهل بود. اما هیچ وقت اطلاعات ارزش خودش را از دست نداد و اطلاعات در آن دوره هم آن مقدار قوی بود که بتواند تاب مقاومت بیاورد که به کار خودش ادامه دهد. البته این موج مخالفت موقت بود و از سر گذشت.

شما بعد از این وقایع به زندان افتادید و به عبارتی از جامعه دور

شدید.

بله. من حدود سال چهل به ایران آمدم و سال چهل و چهار به زندان افتادم. من در همین دوران بود که حزب ملل اسلامی را تشکیل دادم و تشکیلات لورفت و من دستگیر شدم و به زندان افتادم. در تمام این مدتی که من در زندان بودم روزنامه اطلاعات و البته کیهان هم به زندان می آمد. ما مسئول یا مامور خریدی داشتیم که یک پاسبانی بود به نام قیاسی که ما به او می گفتیم آقای دکتر چون که آن موقع اونجا همه برای خودشان دکتر و مهندس بودند! آقای قیاسی طبق سفارشی که ما زندانی ها به او می دادیم روزنامه را برای ما می خرید. من در تمام این مدت همیشه روزنامه اطلاعات را مطالعه می کردم. من باید به خاطره عجیبی اشاره کنم که هنوز هم در ذهن من هست. من از طریق روزنامه اطلاعات مطلع شدم که پدرم فوت کرده است. آن موقع یک تالاری بود که زندانی ها آنجا می رفتند و اخبار را از طریق تلویزیون می دیدند. من اخبار خارجی را گوش کردم و بلند شدم و به سلول خودم آمدم و اخبار داخلی را نشنیدم. وقتی که اخبار پخش می شد بند کاملاً خالی بود. بنابراین وقتی که اخبار داخلی پخش شد و من آنجا نبودم، فوت پدرم را که از مراجع بودند اعلام می کند ولی من نبودم که بشنوم. من آن موقع در سلول چشمم به روزنامه اطلاعات خورد که عکس پدرم در آن منتشر شده بود. دیدم زیر عکس پدرم نوشته مرحوم. همانجا نشستم و متن خبر فوت پدرم را از روزنامه خواندم. خبر فوت پدر برای یک زندانی قدیمی خیلی دردآور است. چرا که اتکای زیادی به خانواده دارد به خصوص پدر و مادر. پدرم بسیار علاقه به ما داشت و در تمامی زمینه ها از ما

اشاره: نگاه بسیاری از زندانیان به رسانه ها

خاطره انگیز و بعضاً دارای تجربه است. به خصوص زندانیانی که از هر گونه اتفاق و خبر به دور هستند و حتی بسیاری از اخبار روزمره و عادی را هم نمی توانند دریافت کنند. اما روزنامه اطلاعات طی نود سال انتشار توانسته در زندان هم حضور داشته باشد و بسیاری از زندانیان چه قبل از انقلاب ۵۷ و چه بعد از آن، به این ترتیب از اخبار و اتفاقات روزمره دور نبودند. کاظم بجنوردی یکی از چهره هایی است که طی سالهای قبل از انقلاب در زندان بود و بسیاری از اخبار را از طریق اطلاعات دریافت می کرد. در این گفتگو، وی ضمن ارائه خاطراتی در مورد حضور اطلاعات در زندان به نوع نگاه زندانیان به روزنامه اطلاعات و جایگاه آن پرداخته است.

روزنامه اطلاعات نود سال است که منتشر می شود و به عبارتی اکثر قریب به اتفاق مردم ایران این روزنامه را می شناسند. حال یا از خوانندگان این روزنامه هستند و یا در کمترین حالت اسم این روزنامه را شنیده اند. شما و خانواده شما که از چهره های فرهنگی و دینی معاصر هستید تا چه اندازه با این روزنامه ارتباط داشتید؟ به عبارتی می خواهم بدانم که نوع نگاه و جایگاه خانواده بجنوردی ها نسبت به روزنامه اطلاعات چگونه بوده است؟

خانواده ما از همان روز اولی که با روزنامه آشنا شدند اغلب مطالعه روزنامه در برنامه هایشان بود. به عبارتی آشنایی ما با جراید در واقع با نام روزنامه اطلاعات بوده است. به عبارتی این آشنایی مربوط به دهه سی است. البته من آن زمان در نجف بودم و روزنامه اطلاعات با تاخیر به نجف می رسید و فردی به نام سید محمد شوشتری در آن زمان بود که در بازار قویش نجف مجلات و روزنامه های چاپ ایران را یا می فروخت و یا اغلب کرایه می داد. چرا که شماره های محدودی به دستش می رسید و متقاضی هم زیاد بود. بنابراین کوشش می کردیم که مطالعه کنیم و مجدداً روزنامه را پس دهیم که خوانندگان دیگر هم آن را استفاده کنند. من آن موقع نوجوان بودم و امکان کرایه کردن روزنامه برایم مقدور بود.



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



روزنامه اطلاعات، هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب دو مدیر شایسته داشت. در بعد از انقلاب آقای دعایی این روزنامه را در اندازه یک روزنامه با منش اطلاع رسانی ادامه داد.

من از طریق روزنامه اطلاعات مطلع شدم که پدرم فوت کرده است، آن موقع در سلول چشمم به روزنامه اطلاعات خورد که عکس پدرم در آن منتشر شده بود. دیدم زیر عکس پدرم نوشته مرحوم. همانجا نشستیم و متن خبر فوت پدرم را از روزنامه خواندیم

حمایت معنوی می کرد.

در سلول شما چند نفر بودند؟

من زندانی بند شش زندان قصر بودم. در این زندان شش بند بود که در بند یک و دو و سه زندانی هایی که محکومیت کمی داشتند حضور داشتند. در بند چهار و پنج، زندانی های بالای ده سال بودند. در بند شش زندانی های حبس ابد بودند.

شما هم حبس بودید؟

بله بنده حکم اعدام داشتم که بعداً به حبس ابد تقلیل پیدا کرد. من وقتی که خبر فوت پدرم را دیدم خیلی ناراحت شدم. به فاصله کمی آقای حاجی کرمانی، عباس شیبانی، حاجی عراقی، آیت الله انواری و دیگر مشایخ زندانی سیاسی از راست و چپ و ملی و مذهبی و... وارد سلول ما شدند برای عرض تسلیت. آنها خبر فوت را از تلویزیون شنیده بودند.

شما موقعی که زندان بودید آیا شده بود در مورد روزنامه اطلاعات با هم بندی ها و دیگر افرادی که درگیر مسائل سیاسی بودند صحبت کنید؟ مثلاً در مورد اخبار و اقداماتی که صورت می گرفت و در روزنامه انعکاس پیدا می کرد. مثلاً سفر شخصیت های طراز اول کشور به خارج و یا آمدن افراد مهم سیاسی به ایران و یا حتی اخبار فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی. آیا بین مبارزان صحبتی صورت می گرفت؟

واقعیت این است که ما زندانیان سیاسی به روزنامه اطلاعات اعتماد داشتیم و می دانستیم که اخبار و اطلاعاتی که در روزنامه منتشر می شود مخصوصاً اخبار و تحلیل های خارجی که اگر اشتباه نکنم در صفحه سه و چهارش آن را می خواندیم و از آن ها استفاده می کردیم، قابل توجه است. من و مبارزان دیگر در زمانی که مبارزه می کردیم حتی قبل از اینکه به زندان بیفتیم اطلاعات و اخبارمان را از همین روزنامه ها می گرفتیم. یادم می آید در بولیوی کودتایی شده بود که من تحلیلی در مورد این کودتا داشتم و گفته بودم که این تحلیل را در ماهنامه خلق که برای حزب ملل اسلامی بود منتشر کنند. این تحلیل دست افراد اطلاعات شهربانی افتاده بود و آنها می گفتند این اخبار کودتا را شما از کجا می آورید و من به روزنامه های منتشر شده در آن موقع استناد می کردم. البته در دیگر روزنامه ها حتی کیهان هم این اخبار منتشر می شد. این دو تا روزنامه اطلاعات و کیهان در آن ایام عین دو رقیب یا شاید شبیه دوتا باجناب بودند که هر دو تایشان هم در آن زمان پرطرفدار بود.

آیا مبارزانی بودند که نسبت به برخی از اخباری که منتشر می شد مشکوک باشند و یا آن را غلط و یا بزرگ نمایی بدانند؟

بله. نسبت به اخبار داخلی این گونه بود. مخصوصاً اگر اخباری به نحوی ارتباط به دربار و شاه پیدا می کرد خبر بسیار سیاسی می شد و قاعداً هر حدسی مخاطب می توانست بزند.

تحلیل مبارزان سیاسی در زندان نسبت به اخباری که از سمت روزنامه اطلاعات منعکس می شد چه بود؟

آنها اعتماد داشتند. اخبار اگر خارجی و یا اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بود باز هم اعتماد داشتند.

بعضی اتفاقات است که به لحاظ خبری در ذهن ما می ماند. مثلاً تیرباران مبارزان انقلابی و یا فوت مرحوم شریعتی و یا مرحوم مصدق. این گونه اخبار را که می شنیدید چه واکنشی داشتید و چه باز خوردی در زندان این اخبار به همراه داشت؟

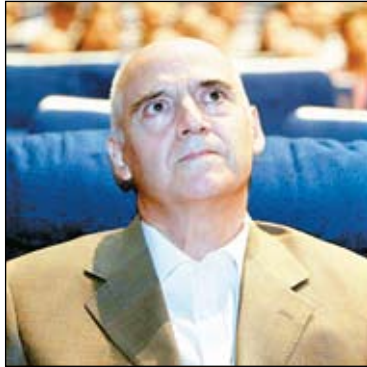
این گونه اخبار که با عکس و تفصیل در زندان به دست ما می رسید بسیار جلب توجه می کرد. ما چیز دروغی در این اخبار نمی دیدیم. حتی در مورد پرونده خودم هم در همین روزنامه اطلاعات به صورت وسیع منعکس می شد. حتی در دادگاه نظامی از سمت روزنامه اطلاعات افرادی بودند که خبر و عکس تهیه می کردند و در روزنامه هم منتشر شده بود. شما اگر به آرشیو آن سالها رجوع کنید آن اخبار را می بینید. دیگر اخبار هم که منتشر شده بود بسیار انعکاس در زندان داشت. مثلاً در مورد گلسرخی هم خیلی از زندانی ها - وقتی خسرو اعدام شد - خیلی واکنش داشتند. البته الان مدت زیادی از آن زمان گذشته و من برخی از موارد را از خاطر برده ام. باید به این نکته اشاره کنم که روزنامه اطلاعات روزنامه زنده ای بود. بسیار سعی می کرد که به روز باشد و اطلاعات صحیح را تا جایی که ممنوع نباشد در اختیار مخاطب قرار دهد. به همین دلیل هم بود که روزنامه اطلاعات مورد توجه روحانیت بود.

در مدتی که در زندان بودید آیا اخباری را ملاحظه کرده بودید که تصور کنید این انقلاب در حال پیروزی است؟

بعد از مذاکرات و صحبت های کارتر که در مورد حقوق بشر گفته بود، فضای سیاسی قدری باز شد انتقاداتی هم در سطح مجلس انجام می گرفت که این مطالب در روزنامه اطلاعات منعکس می شد و مورد توجه زندانیان سیاسی هم بود.

افرادی در روزنامه اطلاعات قلم می زدند که برخی از آنها از همکاران شما در دایره المعارف بزرگ اسلامی هم بودند. مانند مرحوم باستانی پاریزی و ایرج افشار و دیگر فرهیختگان. به نظر شما چرا چهره های سرشناسی که در تاریخ معاصر ما بسیار مورد توجه هم قرار گرفتند سعی کردند برای مخاطبان عام بنویسند؟ و به عبارتی به نوشتن در روزنامه روی بیاورند که حتی در نگاه برخی امری سطحی هم تلقی می شود؟

البته باستانی پاریزی ویژگی خاصی داشت که نوشته هایش برای مردم جذاب بود. ایشان یکی از ارکان فولکلور ایران شناخته می شود. در دانشنامه فرهنگ مردم ایران که در حال نوشتن در دایره المعارف بزرگ اسلامی است ما یک مدخلی هم بنام باستانی پاریزی داریم. خوشبختانه روزنامه اطلاعات از اعتبار برخوردار بود و نویسندگان بزرگی با این روزنامه همکاری داشتند و این از محاسن این روزنامه بود و هست. برخی از روشنفکران و استادان به نام این کشور ارتباط قلمی با روزنامه اطلاعات داشتند. روزنامه اطلاعات به خاطر قدمتی که داشت و امکانات خوبی هم که داشت باعث می شد که در سراسر ایران همه روزنامه را ببینند. روزنامه اطلاعات، هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب دو مدیر شایسته داشت. در بعد از انقلاب آقای دعایی این روزنامه را در اندازه یک روزنامه با منش اطلاع رسانی ادامه داد و خودش را در قامت یک روزنامه نگار قرار داد. خیلی مهم است که کسی برای روزنامه اش ارزش فرهنگی و اجتماعی قائل باشد و آقای دعایی این ارزش را برای روزنامه اطلاعات قائل بود.



آرم روزنامه اطلاعات

بهرام مسعودی

توسعه روزافزون این مؤسسه عظیم فرهنگی باشیم. همین چند هفته پیش بود که مؤسسه اطلاعات با دستگاه‌های پیشرفته لیتوگرافی استفاده از فیلم را از چرخه چاپ خارج کرد، همانگونه که روزی فیلم جای تابش نور خورشید بر روی زینک‌های ابتدایی و یا چاپ رتاتیو جای ماشین چاپ دستی را در مؤسسه گرفت.

در ساختمان جدید اطلاعات جشنی با حضور یادگار امام حجت‌الاسلام والمسلمین حاج حسن خمینی و جمعی از فرهیختگان و علاقه‌مندان به مطبوعات به مناسبت نودمین سال انتشار اطلاعات برپا بود.

آنروز هنگامی که وارد سالن اجتماعات شدم آرم روزنامه اطلاعات را بر پرده بزرگ پشت صحنه دیدم.

به زعم من احیای آرم روزنامه اطلاعات از جانب آقای دعایی به‌عنوان نماینده

ولی فقیه و مدیرمسئول روزنامه، نمودار دیگری از نیت ایشان به وصل است. وصل دوران قبل و بعد از انقلاب مؤسسه اطلاعات به عنوان یک مرکز بزرگ چاپ و نشر و یک نهاد مهم خبری و مطبوعاتی در عین تفاوت‌های این دو دوره تاریخی، گزینش شعار «نودسال انتشار مستمر» و خدمت اطلاع‌رسانی برای مردم، از دیگر مظاهر والای این بینش است و اثبات عملی این شعار هم دعوت از من و همکاران قدیم در روز بزرگداشت نودمین سال تأسیس مؤسسه عظیم اطلاعات است.

و اما آرم اطلاعات: از پدرم سؤال کردم که

این آرم چگونه پیدا شد؟ گفتند: «شب در خواب دیدم که بر فراز آسمان شهر پرواز می‌کنم و با شیپور به مردم خبر می‌دهم» خواب را برای همکارانشان تعریف می‌کنند و طراح باذوق هم این آرم زیبا را طراحی می‌کند که هر روز در روزنامه به چاپ می‌رسید. پس از انقلاب سال‌ها این آرم کنار گذاشته شده بود و چاپ نمی‌شد تا اینکه دوباره زینت‌بخش روزنامه و نشریات آن شد.

از پدرم سؤال کردم آیا این آرم معنی خاصی هم دارد؟ گفتند «این آرم نمادی از فرشته اسرافیل است که بشارت‌دهنده و خبررسان است. پرواز او بر دو بال میسر است. یک بال آن صداقت است و دیگری متانت. برای انتشار هر خبری سه شرط واجب است: صحیح باشد، مفید باشد و مهربان باشد. بال صداقت، درست بودن خبر و انعکاس به اندازه خبر و امانت در موضوع خبر و در خدمت مردم بودن است و بال دیگر (متانت) یعنی استفاده از ادبیات حرفه‌ای و پرهیز از افترا و جنجال.»

من شرمندۀ تمام درگذشتگان و بزرگانی هستم که با قلم و یا قدم خود به قوام و غنای این مؤسسه افزودند و نیز بازنشستگان و عزیزانی که در گذشته دور و حال نقش مؤثری در جاودانگی و پرفروغ نگاهداشتن چراغ مؤسسه اطلاعات داشته و دارند، چون قدرت قلمم برای ادای احترام و به‌جا آوردن حق مطلب همین اندک است.

برای همه همکاران قدیم و جدید آرزوی تندرستی می‌کنم و امیدوارم که به لطف الهی صدمین سال انتشار روزنامه وزین اطلاعات را هر چه باشکوه‌تر در کنار هم جشن بگیریم و این میراث فرهنگی ملی را ارج نهیم.

چند سال بعد از تأسیس مرکز خبر اطلاعات، پدرم تصمیم به انتشار روزنامه یومیۀ اطلاعات گرفت. مرکز خبر اطلاعات قرار بود یک بنگاه خبری بشود تا نیاز خبری روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های آن زمان را برطرف کرده و با بنگاه‌های خبری خارج از کشور در ارتباط و تبادل خبر باشد. از آنجا که نشریات آن دوره، به‌صورت یومیۀ و منظم منتشر نمی‌شدند و بنیه مالی ضعیفی داشتند، این طرح با مشکل روبرو شد، تا عاقب مرحوم عباس مسعودی خود تصمیم به بنیانگذاری و انتشار روزنامه یومیۀ گرفت. چنانچه مرکز خبر اطلاعات با چالش مالی مواجه نمی‌شد شاید روزنامه اطلاعات هم متولد نمی‌شد.

بر کسی پوشیده نیست که پدرم بدون پشتوانه مالی و فقط با اتکا به قابلیت‌های ذاتی‌اش و امید به استقبال خوانندگان پا به عرصه مطبوعات نهاد.

این چنین بود که در عصر یکشنبه ۱۹ تیر ماه ۱۳۰۵ اولین شماره روزنامه

اطلاعات همزمان با افتتاح ششمین دوره مجلس شورای ملی در یک ورق و به قیمت چهارشاهی در دسترس عموم قرار گرفت. از آن‌روز تا امروز روزنامه اطلاعات نود سال انتشار مستمر را پشت‌سر می‌گذارد و نود سال تاریخ ایران و جهان را در سینه آرشیو خود به امانت برای محققین و تاریخ‌شناسان محفوظ می‌دارد.

اطلاعات اولین روزنامه ایران نیست ولی اولین روزنامه‌ای است که نود سال پی در پی منتشر می‌شود که این خود یک افتخار ملی است.

اما این استمرار را باید مدیون چه دانست؟

آیا می‌توان اعطای اعتبار برای خرید کاغذ از سوی حاج رضا کتابچی کاغذفروش را و نیز معوق نمودن هزینه چاپ توسط چاپخانه‌های روشنائی و کوشش و بسفر را که روزنامه نوپای یک برگی اطلاعات را چاپ می‌کردند بیاد نیاورد؟ آیا می‌توان نام آقای بزرگمهری را که تمام اندوخته سیصد تومانی‌اش را به عنوان استقراض به عباس مسعودی داد تا مشکل مالی آن‌زمان برطرف شود، فراموش کرد؟ جایگاه یاران پاک‌نهاد و وفادار مسعودی که بدون چشمداشت با نیت او برای انجام یک خدمت ملی همسوی شده بودند چه؟ همه و همه در ساماندهی این مؤسسه عظیم شریک و سهیم هستند. و اما نقش تعیین‌کننده خوانندگان صدیق روزنامه اطلاعات چه؟ آنانی که هر روز با پرداخت قیمت تک‌شماره، رأی اعتماد خود را به صندوق اطلاعات می‌ریزند و این مؤسسه ملی را حمایت می‌کنند.

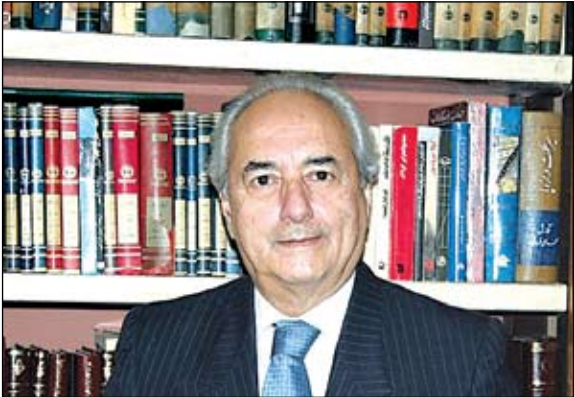
نباید نقش و جایگاه عزیزانی را که بعد از انقلاب شبانه‌روز در حفظ و حراست از این مؤسسه ملی کوشیدند و مؤسسه را در تلاطم انقلاب تنها نگذاشته و حتی از گزند تنگ‌نظران و مغرضان به ساحل امن هدایت کردند فراموش کرد، بلکه جای بسی قدردانی دارد.

من از آقای سعید محمود دعایی سپاسگزارم که در فرصت‌های بسیاری از من و یاران قدیم اطلاعات دعوت می‌کنند و نه تنها ما را از سیر تکاملی مؤسسه مطلع می‌کنند بلکه سهیم می‌دانند. ما هم همواره افتخار می‌کنیم که شاهد پیشرفت و



نود سال در متن فرهنگ

فریدون مجلسی



در منطقه ای از جهان که نه از نود سال پیش بلکه بیشتر و بیشتر از آن، یعنی از روزی که روزنامه پدید آمد و وارد شد، بالای سِر هر روزنامه و روزنامه نگارش شمشیر تمام قد داموکلس، آماده به خدمت، به مویی آویخته و آویزان بوده و به فوت و آهی بر آمده از نفس یا کیش سیاست پیشگان و قدرت مداران زودرنج بند بوده تا برگردنی فرود آید، ۹۰ سال جان به دربردن هنر است و اطلاعات به هر تقدیر از این هنر بهره مند بوده است، که اگر نبود، نبود! برای من اطلاعات بخشی از زندگی بوده است. یعنی از زمانی که چشم باز کردم زندگی را در چرخش «صبحانه، ناهار، اطلاعات، شام و خواب» می دیدم و از زمانی که به مدرسه رفتم، و پس از آنکه «مشهدی حسن آسیابان ده ما است» را خواندم و یاد گرفتم که با این حروف و نشانه ها می توان حرف زد و حرف دیگران را خواند، نخستین ابزار تمرین سواد بیرون از کتاب درس برایم اطلاعات بود. یعنی از همان زمانی که تَرِبچه را تَرِبچه می خواندم، از عناوین درشت اخبار و یادداشت های اطلاعات شروع کردم تا به حروف ریزتر رسید، و بعد هم دیگر نفهمیدم چه شد که تدریجا روزنامه خوان شدم. و بعد از آن بود که «پینوکیو یا آدمک چوبی» را به دست گرفتم. با اخبار کشمکش های شاه و مصدق و ۳۰ تیر و ۹ اسفند، و قتل رزم آرا و ترور هایی که روزنامه فروش فریاد می کشید، تا آخرین خبرهای جنگ کره و زیر و رو شدن اوضاع در ۲۸ مرداد، تا اخبار بعدی و انقلاب سفید، تا امواج انقلاب و پایان کار شاه و جنگ عراق و گروگان گیری، تا اخبار و مقالات دیگر که خاطرات زندگی ما را تشکیل می دهد. روزنامه ها می آمدند و می رفتند، و اطلاعات مانند ریگ ته جوی باقی ماند.

در بیش از ۵۰ سال پیش، روزنامه اطلاعات برای جلب مشرتی و افزودن بر اعتیاد سودمند و ارزشمند روزنامه خوانی، کتاب های خوبی را به صورت پاورقی چاپ می کرد. یکی از این کتاب ها خاطرات جنگ جهانی دوم، اثر چرچیل بود که برای آن سیاستمدار برجسته جایزه ادبیات نوبل را به ارمغان آورد. اطلاعات آن کتاب را با شماره گذاری کتاب در پایین صفحه میانی چاپ می کرد به طوری که در کنج پایین صفحات ۵ و ۶ و ۷ و ۸ هر روز چهار صفحه مسلسل آن کتاب به چاپ می رسید. به یاد دارم که چگونه پدرم، مانند هزاران خواننده دیگر اطلاعات، هر روز با یک سوزن و خط کش آن بخش را می برید و می خواند و روی هم می گذاشت، تا زمانی که چند جلد کتاب به پایان رسید، آنوقت اوراق مرتب را صحافی می کرد و در کتابخانه می گذاشت، و بعدها نوبت خواندن آن به من هم می رسید. کتاب دیگری که به همین طریق و با شکیبایی و دقت جمع آوری شد برپاد رفته اثر مارگارت میچل بود. زمانی دلم سوخت که دوستی شش یا هفت جلد کتاب چرچیل را گرفت و بعدها گفت که سه جلد آن را در جاهایی که می خوانده در سفر جا گذاشته است، و نمی دانست برای من یادآور چه خاطرات ارزشمندی بود. برای نشان دادن آزدگی خودم، از پس گرفتن بقیه سری ناقص شده خودداری کردم.

اطلاعات در هر زمان بدون آنکه خودش را از مسیر کلی افکار و منافع ملی کنار بکشد، از برخورد احساسی و جناحی با مسئله پرهیز کرده است و راز بقا و در امان ماندنش نیز همین بوده است. به مناسبت نودمین سال اطلاعات دیدم که خاطرات بسیاری منتشر می شود، از عکس دستگاه های چاپ و حروفچینی اولیه تا دستگاه رتاتیو که موجب افتخار اطلاعات بود و چاپ رنگی و انتشار عکس های سیاسی و وقایع مهم روز که از اقصی نقاط جهان به روش تله فتو دریافت و همان روز چاپ می شد، یعنی مخایره خطوط سیاه و خاکستری که وقتی کنار هم چیده می شدند مانند تلویزیون های خطی قدیمی تصویری به دست می دادند، و نخستین بار حدود پنجاه سال پیش توسط اطلاعات راه اندازی شد، که به آن می بالید و برای خوانندگان هم موجب حیرت بود، تا عکس روزنامه نگاران باسابقه، تا مستخدمان و موزعین دو چرخه ای، تا ساختمان و دستگاه های مدرن و کامپیوتری کنونی و...، اما با وجود گذشتن ۵۶ سال از انقلاب، که باید بسیاری از کینه ها و حساسیت ها فراموش شده باشد، ندیدم عکسی یا یادی از عباس مسعودی که این سازمان عظیم امروزی بیش از هر کس و هر چیز مدیون اراده و پشتکار و عزم و ابتکار او بوده است، که خیلی سختی ها را هم تحمل کرد تا آن را حفظ کند، به میان آید. کسی که سازنده و پرورنده اطلاعات بود و سرانجام نیز در اتاق کارش در اطلاعات، که خانه اش بود، در بستری که پس از خستگی کار روزانه بر کف اتاق گسترده بود، برای آخرین بار خوابید و بیدار نشد. باشد که نام او و خدمت فرهنگی بی بدیلش را نیز گرامی بداریم. من به سهم خود از او و از اطلاعات که بسیاری از آموخته هایم را به آن مدیونم، سپاسگزارم.



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



به اطلاع استاد می رساند که در طول سالهای پس از انقلاب در مؤسسه و روزنامه اطلاعات، بارها از مرحوم عباس مسعودی بنیانگذار این مؤسسه و روزنامه به صورت مکتوب و مصوّر یاد شده و حتی سناتور بودن آن مرحوم در مجلس سنای پس از سال ۳۲ نیز(به مصداق این سخن که هرکاری در جای خودش قابل بحث و بررسی است)مانع یادآوری نقش محوری مسعودی در تأسیس روزنامه اطلاعات و توسعه صنعت چاپ و نشر کشور و ابراز حق شناسی نسبت به این نقش ماندگار نبوده است. فقط به عنوان نمونه می توان نگاه کرد به: جلد اوّل مجموعه پنج جلدی «اطلاعات ۸۰ سال» و چاپ مقالهٔ مشروح دکتر باستانی پاریزی به درخواست روزنامه اطلاعات دربارهٔ سوابق این مؤسسه و روزنامه و ماجرای برخورد تلخ شاه با عباس مسعودی در واپسین سال های عمرش که به سبکته و فوت او انجامید، همچنین چاپ یادداشت یکی از خوانندگان روزنامه در کتاب «اطلاعات سال ۸۰ سال، جلد پنجم» تحت عنوان «اطلاعات سرمایه ملی ایران»، و نیز چاپ مقالهٔ احمد احرار در کتاب «اطلاعات سال ۹۱»، و علاوه بر اینها چاپ خبر افتتاح رسمی ساختمان جدید مؤسسه اطلاعات در خیابان میرداماد (نفت جنوبی) در سال ۷۹ به وسیلهٔ رئیس جمهور وقت با حضور بسیاری از اهالی مطبوعات از جمله فرزند مرحوم مسعودی (بهرام) و چاپ خبر مراسم رونمایی از تمبر ویژهٔ نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات با دعوت از مهمانان متعدد از جمله مشارالیه، تا چاپ یادداشت طنز هشدارآمیز در یکی از روزنامه های معروف علیه سرپرست روزنامه اطلاعات به جرم (!) همراهی با فرزند عباس مسعودی برای شرکت در مجلس ترحیم مادر دکتر سیدمحمد اصغری(سرپرست وقت روزنامه کیهان) در مسجد ارگ تهران در دی ماه ۷۱.



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

گفت و گو با دکتر ناصر فکوهی

استاد انسان شناسی دانشگاه تهران

طوفان اطلاعاتی ما را خواهد برد

منوچهر دین پرست

اشاره: پیر بورديو را بايد بدون تردید يکي از مهم ترين و تاثير گذار ترين روشنفکران و دانشمندان قرن بیستم به شمار آورد. در علوم اجتماعی مخصوصاً جامعه شناسی تأثیری را که بورديو در به راه انداختن جریان های فکری دراز مدت داشته است شاید تنها بتوان با دو متفکر بزرگ ابتدای قرن یعنی وبر در آلمان و دورکیم در فرانسه مقایسه کرد. و این تأثیر گذاری ها به باور بسیاری از تحلیل گران تنها در آغاز کار هستند و در سالهای آینده افزایش چشم گیری خواهند داشت. بورديو توانست با مجموعه نوشته ها و کتاب های خودش که به بیش از سی جلد بالغ می شوند جان تازه ای به جامعه شناسی انتقادی بدهد و آن را به صورتی واقعی در گیر مسائل حیاتی جوامع کنونی انسانی کند. امروز بیش از سه سال پس از مرگ بورديو اندیشه او رفته رفته با قدم هایی مطمئن در سراسر جهان نفوذ کرده و امید تازه ای در دل تمام کسانی که از آینده علوم اجتماعی و ناتوانی آن در درگیر شدن با مسائل پیچیده جهان کنونی، نومید شده بودند به وجود می آورد. نام بورديو در ایران نیز ناشناخته نیست. دکتر ناصر فکوهی، استاد انسان شناسی دانشگاه تهران و مدیر موسسه انسان شناسی و فرهنگ، از جمله کسانی است که نسبت به انتشار برخی از آثار بورديو و نقد و بررسی آرای وی اقدام کرده است. بورديو در میانه تلاشها و بررسی هایش حول موضوع جامعه از مسئله رسانه ها نیز غافل نبوده و سعی کرده آنها را نیز مورد نقد و بررسی قرار دهد. در این گفت و گو نیز سعی کرده ایم در ابتدا نگاهی به نقطه نظرات بورديو درباره رسانه داشته باشیم. سپس به مناسبت نود سالگی روزنامه اطلاعات، این روزنامه را از منظر و نگاه بورديو مورد بررسی قرار دهیم. اگر چه دکتر فکوهی معتقد است «اطلاعات دستکم در بخشی از کار خود که به موضوع فرهنگ اختصاص داشته ، خوب عمل کرده است» اما وی بر خوش نامی اطلاعات تأکید دارد و آن را بزرگترین سرمایه این رسانه می داند.

بورديو با رسانه ها کاملاً مرتبط بود. موضع گیری های مکرر بورديو علیه رسانه ها به ویژه علیه روزنامه نگاران که آنها را به تقلید از اصطلاح غذای سریع (Fast Food) متفکران سریع (Fast Thinkers) نام می داد و همچنین علیه تلویزیون که آن را یک فساد ساختاری ارزیابی می کرد، سبب شده بود که در این رسانه ها همواره به او با نگاهی مشکوک نگریسته شود و از هر ابزاری برای تخریب شخصیت او و میدان دادن به مخالفان اش استفاده شود. اما بورديو در ژانویه سال ۱۹۹۶ در یک برنامه تلویزیونی با عنوان «ایست روی تصویر» (Arret sur l'image) شرکت کرد و مناقشه سختی بین او و خبرنگاران تلویزیونی در گرفت که به انتشار کتاب معروف او با عنوان «درباره تلویزیون» (Sur la télévision) انجامید. جناب عالی این کتاب را ترجمه کردید. در این کتاب بورديو به شدت این ابزار رسانه ای را زیر حمله گرفت. به باور او تلویزیون بارزترین شکل از بروز پدیده «فکر سریع» است در حالی که اصولاً فکر کردن در زیر فشار زمان و با سرعت امکان پذیر نیست. بنابراین نتیجه کار در تحمیلی است که این ابزار به شکل گسترده بر افکار عمومی تحمیل کرده و آنها را از توانایی درک واقعیت های اجتماعی بر اساس ابزارهای جامعه شناختی محروم می کند و به این ترتیب می تواند بهترین کمک را نسبت به باز تولید نظام سلطه انجام دهد. من می خواهم از این فرصت استفاده کنم و این پرسش را از شما داشته باشم که آیا می توانیم به روزنامه هم از منظر نقادانه بورديو نگاه داشته باشیم؟

بدون شک در مورد روزنامه ها نیز بورديو کاملاً چنین نظری داشت اما اتفاقاً نکته جالب در آن است که در بسیاری موارد به همان دلایلی که گفتم این موضوع شامل روزنامه های ما نمی شود؛ مثالی برایتان بزنم. اغلب روزنامه های ما بسیار بیشتر از آنچه در حد متعارف باید به موضوع های فکری و اندیشه و مباحث تخصصی در مطبوعات عادی پرداخت، وارد این موضوعات می شوند. بسیاری از موارد ما شاهد درگیر شدن بحث های فوق تخصصی در روزنامه هایی هستیم که باید قاعدتاً عمومی

خواهد کشاند. شاید قدری زود وارد بحث جهان ژورنالیسم ایرانی شدیم اما به نظر می رسد که شفاف شدن این موضع می تواند ما را در بحثمان کمک کند. چرا که بورديو از جمله اندیشمندانی بود که با رسانه ها ارتباط جدی و وثیقی داشت و با ابداع واژگانی مانند میدان، تمایز، خشونت نمادین و... مباحثی را وارد جهان فکری کرد. اما پرسش این است که آیا می توانیم از جهان فکری بورديو با جهان فکری روزنامه نگاران ارتباطی بیابیم و یا حتی از اندیشه های بورديو برای قوام بخشی مبانی معرفتی رسانه ها بهره ببریم؟

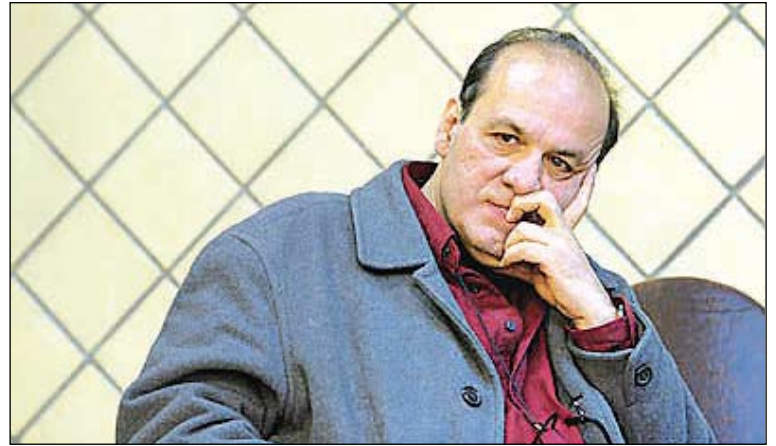
شکی نیست که تمام این مفاهیم، از جمله میدان به مثابه پهنه ای که کنشگران یک حوزه در آن برای دستیابی به امتیازات بیشتر رقابت می کنند و یا خشونت نمادین به معنای قابلیت از میان بردن بخشی یا کل امتیازات و زیر فشار قرار دادن کنشگران اجتماعی از خلال سازوکارهایی خشونت آمیز اما بدون نمود بیرونی خشونت، و... قابل بازیابی و تحلیل در نظام رسانه ای ژورنالیستی ما هستند. اما ورود عامل سیاست، عامل ایدئولوژی آن هم نه به مفهوم متعارف ایدئولوژی بلکه باز هم به معنای استفاده ای ابزاری از ایدئولوژی های سیاسی، بازی گسترده قدرت های مالی و سیاسی در ژورنالیسم که خود در چارچوب ساختار یک انقلاب بزرگ اجتماعی قرار می گیرد، از این موقعیت یک وضعیت کاملاً استثنایی به وجود می آورد. این البته به آن معنا نیست که مثلاً در کشورهای دیگر روزنامه ها و رسانه ها سیاسی نیستند یا وابستگی های سیاسی ندارند، اما دستکم در کشورهای توسعه یافته نوعی از سازو کارهای حرفه ای اساس آنها را تشکیل می دهد و نوعی از شفافیت و باز بودن فضای سیاسی سبب می شود که کنترلی هر چند نسبی ممکن باشد که ما اغلب با این سازوکارها کمتر آشناییم. مثلاً رابطه با مخاطبان واقعی، رابطه محتوا با فروش و بازار یک رسانه، مسیر تحول رسانه و روزنامه و رابطه اش با تحولات اجتماعی و غیره... همه این ها در اینجا تنها در صورتی قابل دنبال کردن تحلیل هستند که ابتدا لایه های بی شماری از پیچیدگی را کنار بزنیم.

شما جزو آن دسته از استادان حوزه جامعه شناسی و انسان شناسی هستید که تعلق خاطری به پیر بورديو، جامعه شناس فرانسوی، دارید و برخی از آثار این جامعه شناس را به ایرانیان معرفی کردید. من هم بد نمی بینم که صحبتمان را از تعبیری که بورديو به کار برده آغاز کنیم. او می گوید: «جهان ژورنالیسم، خرده کیهانی است که قوانین خاص خود را دارد و به وسیله روابط جذاب یا دافعه دارش، نسبت به خرده کیهان های دیگر تعریف می شود». اگر بخواهیم از این منظر به بحث ورود پیدا کنیم به نظر شما جهان ژورنالیسم ایرانی چه قوانین خاص خود را دارد و در آن چه می گذرد؟

بحث بورديو هر چند می تواند برای درک موقعیت ایران و یا کشورهای دیگر قابل استفاده باشد، اما به خصوص در مورد کشور خودمان باید بسیار با دقت از آن بهره برد. ژورنالیسم در ایران به دلایل بسیار زیادی که عمدتاً به موقعیت های ایران به مثابه یک کشور در دوران پسا انقلابی و زیر فشار جهانی قرارداد و همچنین در منطقه ای پر تنش با گسست های درونی تاریخی و معاصر بی شمار قرار دارد، باید با الگوها و نظام های تحلیلی خاصی بررسی شود که به گمان من با الگوی نظری بورديو که یک ساختارگرایی کاملاً عقلانیت یافته است خوانایی کاملی ندارد.

با توجه به آنچه گفته شد، اگر خواسته باشم نخستین خصوصیت ژورنالیسم ایران را بگویم، که البته تنها خاص ژورنالیسم آن نیست، کژکارکردی بودن است، یعنی آنچه شاهدش هستیم به جز چند روزنامه و مجله همچون اطلاعات و مجله های آن به ویژه حکمت و معرفت، همشهری و ایران در یکی دو سال اخیر و چند مورد دیگر، واقعاً یک ژورنالیسم نیست که ما از آن سخن بگوییم. روزنامه ها، مجلات و رسانه های ما اغلب بیشتر از آنکه در یک نظام رسانه ای و ارتباطی مبتنی بر ضوابط و قوانین و سازوکارهای رایج چنین نظام هایی قابل تبیین و تعریف باشند، تابع کنش، کنشگران و ساختارهای سیاسی گوناگون هستند. بنابراین بردن تحلیل رسانه ها و ژورنالیسم ایران به درون یک تحلیل رسانه ای مبتنی بر نظریه بورديویی به گمان من ما را به اشتباهات زیادی

باشند. مواضع سیاسی با صراحت بسیار زیاد و گاه همچون یک تریبون حزبی به بیان در می آیند. هم از این رو چندان بی راه نرفته ایم اگر بگوییم روزنامه ها، مجلات و رسانه های ما در بسیاری موارد به ارگان های حزبی شباهت دارند و نه به مطبوعات و رسانه های معمولی که به دنبال مخاطبان عادی باشند. این امر بسیاری از داده های موضوع را عوض



می کند.

البته می دانیم که شبکه های رسانه ای سیاسی از جمله مطبوعات و رادیو و تلویزیون های حزبی نیز در همه جهان وجود دارند و می توان درباره آنها بحثی مستقل انجام داد. اما وقتی ما با یک کژکار کرد سروکار داریم، یعنی مطبوعات و رسانه هایی که خود را عمومی می نامند ولی در واقع حزبی و کاملاً سیاسی و جانبدار هستند، موضوع کاملاً تغییر می کند.

ارتباطات، رسانه ها، افکار عمومی و مسائلی از این دست، امروزه به جریان هایی تبدیل شده اند که تأثیر بسیار عمیقی چه بر شناخت ما از جهان اجتماعی و چه در شکل دادن به عناصر فرهنگی که بوجود آورنده ساخت اجتماعی هستند، دارند. بنابراین رسانه ها هم بر ذهنیت یا جهان بینی افراد جامعه نسبت به پیرامون و هم در شکل دادن به عینیت یا واقعیات اجتماعی که سازنده کلیشه های ذهنی و گزاره های فکری آحاد جامعه است تأثیر گذارند. برای مثال رسانه ها قادر هستند تصاویر مختلفی از یک رویداد و یا یک موضوع ارائه کنند. به نظر شما روزنامه اطلاعات با توجه قدمتی نود ساله چه تصویری از رویدادها ارائه کرده است و در جهان ژورنالیسم بورژوازی چه جایگاهی دارد؟

آنچه در پرسش شما مطرح می شود به طور کلی درست است. به این معنا که رسانه ها امروز اهمیت بسیار زیادی در زندگی کنشگران اجتماعی دارند. همه کسانی که امروز از یک دستگاه موبایل یا از اینترنت برای نامه نگاری یا ارسال و دریافت پیامی روی شبکه های اجتماعی استفاده می کنند، دائماً در معرض امواج و برنامه های صدا و بلکه هزاران رسانه به صورت نوشتار، تصویر ثابت و متحرک، صدا، موسیقی و غیره قرار دارند. این ها هم، بدون تردید تأثیر گذار هستند. اما نکته بسیار مهمی در همین سال های اخیر تغییر کرده است و آن از میان رفتن عملی انحصارهای سیاسی - اجتماعی بر رسانه ها یا بهتر است بگوییم نسبی شدن این انحصارها است. ابتدا بگوییم منظورم چیست و سپس نتیجه گیری کنم. بیست یا سی

سال پیش نه فقط در کشورهای در حال توسعه بلکه حتی در کشورهای توسعه یافته، تعداد کانال های تلویزیونی و رادیویی نسبتاً محدود و تقریباً کاملاً قابل کنترل بودند؛ چیزی به نام اینترنت یا وجود نداشت و یا دسترسی به آن تقریباً برای درصد کوچکی از جامعه ممکن بود. موتورهای جستجویی در کار نبودند که اطلاعات را طبقه بندی و قابل استفاده کنند؛ انتشار کتاب، نوشتن و منتشر کردن مقاله و ترجمه کردن و خواندن نوشته های دیگران، کاری ساده نبود و هم نیاز به هزینه بالایی داشت و هم از محدودیت هایی فیزیکی تبعیت می کرد که همان ها نیز امکان کنترل، محدود کردن، ممنوعیت، به انحصار در آوردن و بسیاری قابلیت های دیگر را به دولت ها و قدرت های دیگر

اقتصادی و سیاسی و اجتماعی می دادند. امروز تقریباً تمام این ها به شوخی تبدیل شده اند. هر کسی از طریق تلفن همراهش و یا یک کامپیوتر کوچک و ارزان قیمت می تواند به هزاران هزار رسانه تصویری، شنیداری، کتاب، نشریه، مقاله به تمام زبان های دنیا دسترسی داشته باشد. البته هنوز سانسورهای اعمال می شود اما عمر این ها بسیار محدود است. بنابراین سخن گفتن از انحصار کاملاً بی معنا است. امروز باید به صورت فعال در شبکه ها حضور داشت و مخاطبان را جذب کرد، نه از طریق محروم کردن آنها از دیگر رسانه ها که نه فقط ممکن نیست بلکه خود سبب جذاب کردنشان می شود (نگاه کنید به مساله فیلترینگ در ایران و تأثیر آن بعد از بیست سال). انحصارهایی مثل تلویزیون، سینما، رادیو و مطبوعات صرفاً هنوز در مغز کسانی وجود دارد که جهان امروز را درک نکرده اند. در این میان، میزان تأثیر گذاری به همان اندازه سابق و بلکه بسیار بیشتر است اما سازوکارهای آن بسیار متفاوت و پیچیده تر شده است.

بنابراین اگر هر نیرویی، گرایشی، عقیده ای، برنامه ای، فکری و کنشگری بخواهد رابطه ای ایجاد کند و به خصوص بتواند مخاطبانی را جذب کرده و بر آنها تأثیر بگذارد، باید راه و روشی کاملاً متفاوت پیش بکشد. کنشگران امروز برای آنکه از یک خبر و واقعه مطلع شوند، تنها از یک کانال استفاده نمی کنند، آنها این قابلیت را دارند که مطالب مختلف را بخوانند و با یکدیگر وارد کنش متقابل شوند (مثلاً در شبکه های اجتماعی) بنابراین هر چیزی را نپذیرند. از این رو، بهتر است هر چه زودتر سیاستمداران و متولیان فرهنگ و همه کسانی که تصور می کنند وظیفه ای بر دوش دارند که از فرهنگ این کشور حمایت و محافظت کرده و آن را تقویت کنند، با درک و شناخت این سازوکارها سیاست هایی کاملاً متفاوت به پیش بگیرند. در این میان به نظر من روزنامه نگاری حرفه ای به دور از دغدغه های حزبی در ترکیبی که می تواند میان کار حرفه ای و کار داوطلبانه و تمایل افراد به کنش علمی و رسانه ای و غیره به وجود بیاورد یکی از بدیل هایی است که می تواند بسیار مفید واقع شود. و به همین جهت فکر می کنم روزنامه اطلاعات اگر رو به نوسازی برود،

با سرمایه و اعتبار نود ساله خویش در یکی از بهترین موقعیت ها باشد که بتواند در این زمینه حضوری پررنگ داشته باشد. مساله همان طور که گفتم داشتن دیدی باز و انعطاف بسیار زیادی است مثلاً در پیوند خوردن روزنامه و رسانه حرفه ای با خوانندگان خود (مثلاً با ایجاد شبکه ها و انجمن های خوانندگان). امروز دیگر نمی توانیم رابطه رسانه و مخاطبان را به انتشار چند نظر این و آن خواننده و پاسخ به آنها خلاصه کنیم. روزنامه و رسانه باید به صورت گسترده ای به روی مخاطبان خودش، هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی (از خلال انجمن های مردم محور واقعی یا مجازی)، گشوده شود. تنها راهی که برای نجات دادن رسانه ها و مطبوعات از غرق شدن در دریای بزرگ و امواج خروشان رسانه های نسل جدید انقلاب اطلاعاتی وجود دارد، همین است.

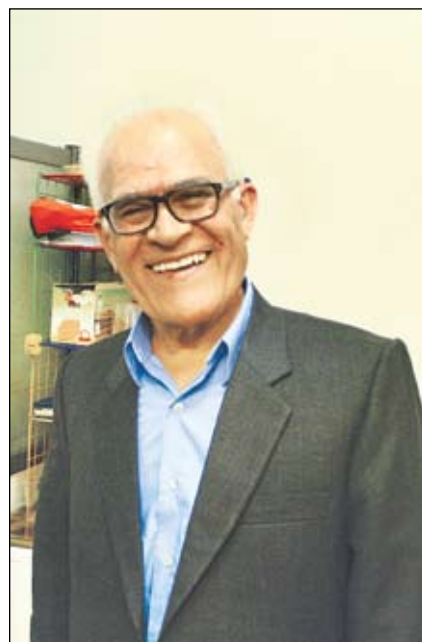
با توجه به پرسش فوق شما روزنامه اطلاعات را در «میدان ژورنالیسم» چگونه دیدید؟ جدی ترین نقد شما یا ساحت این روزنامه با توجه به پیشینه تاریخی آن و آینده پیش رویی که دارد و دنیای امروز نیز دنیای پیش بینی ناپذیر و بسیار متغیر و متحول است این روزنامه چگونه در مسیر خود باید قدم بردارد تا حوزه هایی که به آن اشاره کردید مورد توجه مخاطبان قرار گیرد و یا شاید بتواند افق هایی را نیز بگشاید؟

به نظر من اتفاقاً اطلاعات دستکم در بخشی از کار خود که به موضوع فرهنگ اختصاص داشته، خوب عمل کرده است؛ یعنی بسیار بهتر از روزنامه هایی که خود را بسیار فرهنگی می دانند اما در واقع ارگان های حزبی این و آن گرایش هستند. به نظر من بزرگترین سرمایه اطلاعات خوش نامی آن است، اینکه خود را بدل به یک ارگان برای کار حزبی نکرد و شهرتش را به باد نداد. البته همان طور که گفتم رای کلی نمی شود داد زیرا حتی در روزنامه های حزبی ما هم نوعی بی نظمی کامل دیده می شود و اغلب می بینیم که سرویس های فکری به وسیله جوانانی اداره می شود که ربطی به خط مشی صاحبان روزنامه ندارند و آنها در بسیاری موارد کار خود را به خوبی انجام می دهند. اما کل ماجرا در یک ساختار درست و حرفه ای در تناسب با مخاطبان جدید انقلاب اطلاعاتی قرار نمی گیرد. به نظر من روزنامه ای مثل اطلاعات اگر بتواند گامی اساسی یعنی نوسازی کامل خود و زیباسازی شکل و تازه کردن محتوای خود را همراه با سیاست گذاری های جدیدی برای رسیدن و پیوند خوردن با مخاطبان و ایجاد میدان کنش های جدید با آن مخاطبان انجام بدهد، شانس بالایی برای موفقیت خواهد داشت. اما آنچه گفتم خاص روزنامه اطلاعات نیست. همان طور که گفتم طوفانی که از راه می رسد، هر رسانه ای را که نخواهد سازوکارهای جهان جدید اطلاعاتی را بپذیرد با خود خواهد برد. البته با زور طبعاً می شود این طوفان را تا حد اندک و به شکل مضحکی بازداشت، اما نه برای مدتی طولانی. جدال اصلی روی شبکه های اطلاعاتی در حال رخ دادن است به همین دلیل است که می بینیم هم اکنون بزرگترین قدرت های جهان بیشترین سرمایه گذاری را روی این شبکه ها می کنند و این متأسفانه در حالی است که ما هنوز بعد از گذشت بیش از سی سال از شروع انقلاب اطلاعاتی نتوانسته ایم آن را بفهمیم و انتظار داریم با ابزارهای قرن نوزدهمی و بیستمی غول های بزرگ رسانه ای قرن بیست و یکمی را شکست بدهیم. نتیجه اینست که متأسفانه اگر به این وضعیت ادامه بدهیم، تخریب کل زیرساخت های رسانه ای ما، تن دادن به جریان های بزرگ قدرت و ثروت جهانی است که البته در اینجا شکل بومی خواهند گرفت اما در عمل از منافع آن قدرت ها دفاع خواهند کرد.

دکتر فرهنگ ارشاد
استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

مهاجران به اطلاع رسانی دقیق نیاز دارند

منوچهر دین‌پرست



رسانه‌هایی است که در عمر حرفه‌ای خود تا حد زیادی توانسته است از جلوه‌های نسبتاً مثبتی از سنت‌گرایی تا مدرنیسم برخوردار شود و به کمک معیارهایی که زیربنای خط مشی حرفه‌ای و منش فرهنگی خود قرار داده با نوسانات کمتری، جایگاه خود را در فضای ارتباطی کشور حفظ نماید. و اما پرسشی که مطرح شد، دو موضوع محوری را پیش می‌کشد، یکی رابطه مهاجرت و رسالت رسانه‌های جمعی و دیگری رابطه مهاجرت با حس نوستالژیک که بسیاری از مهاجران دور از زادگاه با آن درگیر می‌شوند و آن را به صورت‌های مختلف بروز می‌دهند. اجازه بدهید بحث خودمان را از همین عواطف نوستالژیک یا دلتنگی‌های دوری از وطن و حسرت و غبطه گذشته و خاطرات خوبی که از دست رفته است شروع کنیم. می‌خواهم کلمه نوستالژی را در اینجا به صورت «حسرت دوری از وطن» یا مسامحتاً «غم غربت» ترجمه کنم. به قول شاعر بزرگ ما حافظ:

هوای کوی تو از سر نمی‌رود، آری

غریب را دل سرگشته با وطن باشد

غم غربت یا حسرت گذشته، نمودی از عواطف بشرند. در انسان دو نیروی درونی عاطفه و ادراک وجود دارد که هرچند دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند ولی با یکدیگر و همچنین با دنیای بیرون از انسان ارتباط تنگاتنگ دارند، چون هر دو خاص انسان هستند. بدون این که وارد بحث در باره حوزه‌های عواطف و ادراکات و تفاوت‌های آن‌ها شویم، اشاره می‌کنم که معمولاً مهاجر با تکیه بر توان ادراکی خودش، زندگی فعلی خود را بر هم می‌زند و از وطن یا زادگاه اش مهاجرت می‌نماید. البته اگر کسی صرفاً به اتکاء عواطف و هیجانات خود تصمیم گرفته و جلای وطن نماید، معمولاً به زودی پشیمان می‌شود و معلوم نیست چه آینده‌ای در انتظار او باشد که این کار انسان عاقل نیست. ادراکات انسان با قوه استدلال و ارتباط دادن ارادی دنیای درون و بیرون تقویت می‌شود. به زبان ساده و کلی، می‌توان گفت فردی که می‌خواهد مهاجرت کند در حد توان عقلانی و ادراکی خود، حداقل در عالم تصور، مزایا و محدودیت‌های شرایط موجود در زادگاه یا اقامتگاه فعلی را با شرایط موجود در مقصد مهاجرت یا کوچگاه مقایسه می‌کند و اگر برآیند این سنجش، مثبت بود دست به مهاجرت می‌زند.

یکی از صاحب نظران مهاجرت، به نام مایکل تودارو، مهاجرت را از چارچوب نظری سرمایه انسانی تحلیل و تبیین می‌کند. از دیدگاه او این استنتاج را می‌توان کرد که کسانی که سرمایه انسانی بیشتری دارند، در مهاجرت با بحران کمتری روبه‌رو می‌شوند زیرا احتمال زیاد دارد که با سطح تخصصی و مدارج علمی و مهارت شغلی که دارند، زودتر به شغل مناسب و درآمد خشنود کننده دست یابند. چنین افرادی با سرمایه انسانی (فرهنگی و اجتماعی) قابل توجهی که دارند، بینش و اطلاعات آن‌ها نیز معمولاً بیشتر است و با عقلانیت و سنجیدگی بیشتری با محیط و شرایط جامعه میزبان تطابق پیدا می‌کنند و زندگی شخصی و خانوادگی آن‌ها با بحران کمتر، کوتاه‌تر و سبک‌تری سروسامان می‌گیرد. تودارو بویژه بر این نکته توجه دارد که افراد با سرمایه انسانی بیشتر، می‌توانند با آگاهی و اطلاعات واقع بینانه‌تر، شرایط زادگاه و کوچگاه را با هم مقایسه کنند و انگیزه برای مهاجرت و زمان مناسب آن تصمیم بگیرند. هرچند دیدگاه نظری تودارو، همچون هر چارچوب نظری دیگر قابل نقد است ولی نکته‌ای که ذکر شد معقول و مستدل به نظر می‌رسد. به طور خلاصه منظور من این است که اگر مهاجر با عقلانیت و ادراکات استوارتر و با آگاهی و اطلاعات بیشتری درباره مقصد مهاجرت، دست به اقدام بزند شاید چندان زود دچار هیجانات بحرانی یا حس نوستالژیک نشود. البته حد متعارف عواطف مثبت برای زادگاه، معقول است و دوست داشتن وطن و دلتنگ شدن برای خویشاوندان،

اشاره: مهاجرت موضوع بین رشته‌ای بسیاری از علوم انسانی، اجتماعی و اقتصادی است. آرا و نظریات گوناگونی درباره آن وجود دارد که هر یک از آنها به مصادیق خاصی از مهاجرت پرداخته و در آن زمینه‌ها نیز موضوع را نه به صورت کلیت و تمامیت آن بلکه به حالت انتزاعی و در قالب نگرش‌های خاص خود بررسی و تحلیل کرده‌اند. و به همین دلیل نظریه‌های مهاجرت همه جا شمول نبوده و قادر به تبیین انواع مهاجرت‌ها نیست. شکل و ماهیت مهاجرت در کنار اثر پذیری آنها از ویژگیهای فردی، محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و دامنه عملکرد نظریه‌های مهاجرتی را تقلیل داده و آنها را به ابزارهایی برای درک بهتر ابعاد گوناگون مهاجرت محدود کرده است، از این نظر بی‌تردید، نگرش‌های اقتصادی جایگاه رفیعی دارد و کمی از زمینه‌های وسیع بحث و بررسی‌های مهاجرتی را تشکیل می‌دهد و در کنار آن نگرش‌های اجتماعی، نگرش‌های سیاسی و نگرش‌های جامع و سیستمی هم قابل ذکرند. اما بسیاری از مهاجران تعلق خاطری به وطن خود دارند و آن را به نحوی بروز و ظهور می‌دهند. در این میان می‌توان توجه مهاجران را به رسانه‌هایی که به زبان آنها در کشور مقیم منتشر می‌شود ملاحظه کرد. روزنامه اطلاعات بین‌المللی را که ویژه ایرانیان خارج از کشور نشر می‌یابد و به عبارتی انعکاسی از مطالب روزنامه اطلاعات نشر ایران است باید یکی از این رسانه‌ها دانست. در گفتگوی ذیل سعی کردیم با توجه به حضور ایرانیان بسیاری در خارج از کشور توجه آنها را به این رسانه مورد بررسی قرار دهیم.

می‌خواهم گفت و گویمان را در مورد مهاجرت و رسانه آغاز کنم. در دنیای امروز بسیاری از افراد از محل و زندگی خود به کشور دیگر مهاجرت می‌کنند و برای خود دلایلی بسیاری نیز قائل هستند. ما قرار نیست وارد دلایل آنها شویم اما نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است که تعدادی از مهاجران نسبت به کشور خود یک حس نوستالژیک و حتی به دنبال اتفاقات و رویدادهای کشور خود نیز هستند. لذا در اینجا است که نقش رسانه پر رنگ می‌شود. به خصوص رسانه‌ای که به زبان آنها منتشر شود و از سوی دیگر اخبار و اطلاعاتی از کشور و زادگاهشان در اختیار آنها قرار دهد. به طور مشخص روزنامه اطلاعات که سابقه نود ساله در انتشار خود دارد روزنامه‌ای هم با عنوان روزنامه اطلاعات بین‌الملل را منتشر می‌کند که برای فارسی‌زبانان و ایرانیان خارج از کشور است. این روزنامه همان اخبار و اطلاعات رسمی داخل ایران را برای ایرانیان خارج از کشور منتشر می‌سازد. به طور مشخص شما مسئله مهاجرت ایرانیان و نسبت آنها با روزنامه‌ای که برای آنها منتشر می‌شود را چگونه می‌بینید و اساساً باید دارای چه ویژگی باشد؟

نخست ۹۰ سالگی عمر روزنامه اطلاعات را تبریک می‌گویم. این روزنامه از جمله



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

روزنامه اطلاعات در عمر حرفه‌ای خود از جلوه‌های نسبتاً مثبت سنت‌گرایی تا مدرنیسم برخوردار بوده و به کمک معیارهایی که زیربنای خط مشی حرفه‌ای و منش فرهنگی خود قرار داده با نوسانات کمتری، جایگاه خود در فضای ارتباطی کشور را حفظ کرده است.

● غم غربت یا حسرت گذشته، نمودی از عواطف بشرند. در انسان دو نیروی درونی عاطفه و ادراک وجود دارد که هرچند دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند ولی با یکدیگر و همچنین با دنیای بیرون از انسان ارتباط تنگاتنگ دارند

برای رسانه‌هاست که بتوانند با این توانایی و نفوذی که دارند در اعتلای فرهنگی و تلطیف زندگی اجتماعی نقش ارزشمندی داشته باشند.

شما در فعالیتهای پژوهشی و علمی که داشتید معتقد هستید که مهاجرت به عنوان کنش اجتماعی، امری اتفاقی و پدیده‌ای خلق الساعه نیست بلکه امری فرآیندی و چندبعدی است. تصمیم‌گیری برای مهاجرت به یکباره صورت نمی‌گیرد. بلکه تصمیمی است که بر پایه یک انگیزه بالقوه گرفته شده و در شرایط موافق، این تصمیم بالقوه تبدیل به عمل بالفعل می‌شود. آیا رسانه و مشخصاً روزنامه فارسی‌زبانی که برای آنها منتشر می‌شود می‌تواند خلاء و یا حتی بستری معرفتی برای شناخت دقیق آن کنش اجتماعی که قاعدتاً مطلوب نیز باید باشد فراهم آورد؟

فکر میکنم در مطالب قبلی، نکاتی به طور گذرا در پاسخ به این پرسش گفته شد. ولی شما به نکته مهمی در پایان این پرسش رسیدید. جنابعالی به تأثیر رسانه به مثابه بستری معرفت‌شناختی در جهت ارتقاء شناخت مولفه‌های کنش اجتماعی مهاجرت برای افرادی که با این کنش درگیر شده یا خواهند شد اشاره کردید. این نکته بسیار ظریفی است که سخن گفتن در باره آن آسان است ولی جنبه مهم تر، چگونگی عملکرد به آن است. گاهی برنامه‌هایی از رسانه‌ها را دیده و خوانده‌ام که مشکلات افرادی را که به مهاجرت رفته اند، مطرح می‌کنند. حتا گاهی از همین افرادی که جلای وطن کرده و رخت و بخت خود را در آن سوی مرزها و آب‌ها گشوده‌اند به عنوان شاهد استفاده کرده و آن‌ها هم این مشکلات را تایید کرده اند. ولی همین‌ها پس از اتمام دوره مرخصی و دیدار از وطن و خوشاوندان، باز هم به همان جا بر می‌گردند! و نیز امواج مهاجرت هم همچنان ادامه دارد. آیا خدای ناکرده این افراد همه آدم‌های دروغگو یا نادانی هستند که سود و زیان خود را تشخیص نمیدهند؟! حتماً چنین نیست. هنگامی که رسانه، فقط معایب جانب دارانه مهاجرت را بگوید و از مزایای آن چیزی نگوید، نمی‌تواند ادعا کند که مثلاً حد اقل نیمی از حقیقت را گفته است. بلکه چنین روشی، تحریف حقیقت است. اکنون مهاجرت در کشور ما به صورت امری عادت واره (به قول بورديو) در آمده است. آیا باید چنین باشد؟ اگر رسانه بتواند با رعایت منطق چند صدایی و حد اقل ذکر نقاط قوت و ضعف مهاجرت حرف بزند و اجازه دهد نظر موافقان و مخالفان دیدگاه رسانه شنیده شود، مخاطب خود می‌داند راه منطقی و صراط مستقیم چیست و نیازی هم به راهنمایی‌ها و نصایح کارشناسانه ندارد.

با توجه به نکاتی که طرح کردید به این نکته هم میتوانیم اشاره کنیم که به جای تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شتابزده تلاش کنیم از پتانسیل‌های مهاجرت بهره بگیریم و فضای روزنامه را نیز به مثابه پتانسیلی برای رسیدن به امر مطلوب بدانیم. نظر شما در این مورد چیست آیا اساساً امکان چنین امری با توجه به رویکردی که شما نسبت به رسانه دارید به خصوص رسانه فارسی زبان برای مهاجران و ایرانیان خارج از کشور میسر است؟

تا بحث مان تمام نشده میل دارم عرض کنم که من بحثی کلی در باره رسانه کردم و منظورم فقط درباره شرایط داخلی نیست. حتا شاید برخی مطالبی که گفته شد به تمامی، شامل روزنامه اطلاعات نشود. بویژه این که من با آگاهی ناقصی که در این باره دارم احساس کرده‌ام که مشی این روزنامه به گونه‌ای بوده که کمتر به هیجانات و بویژه به هیجانات سیاسی مردم دامن می‌زند و من بدون این که بخواهم در باره این روزنامه تعارف و بزرگنمایی کنم، این روش را حد اقل برای این زمان و در این مملکت می‌پسندم. چیزی که هست وارد معقولات علمی شدن نیاز به ملزومات آن دارد. اگر می‌خواهیم در یک کنش یا نهاد اجتماعی دستکاری کنیم باید به پیش فرض‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه آن مفهوم علمی آگاهی داشته باشیم. مهاجرت، اصولاً امری گزینشی است. مقوله مهاجرت - داخلی و خارجی - نیروی انسانی کم - مهارت و آموزش نادیده و متوسط را نمی‌خواهد. غربال مهاجرت، دانه درشت‌ها و بهترها را بر می‌گزیند. این واقعیت هستی‌شناسانه مهاجرت است. بر خلاف اشاره‌ای که در باره عقلانیت مهاجرها در پاسخ به پرسش قبلی گفته شد، مهاجرها نه فقط آدم‌های غیر عاقل و ناسنجیده‌ای نیستند بلکه افراد با انگیزه و حد اقل بالقوه فعال و بهجویی هستند. رسانه‌ها و خیرخواهان ملت و مملکت، نخست این را بپذیرند و سپس به همفکری و اطلاع‌رسانی به مهاجران برخیزند.

آشنایان و حتا کوچه و خیابان‌های محل، امری طبیعی است ولی اگر این دلتنگی و عواطف، زندگی انسان را تحت تأثیر قرار دهد، معلوم است که در تصمیم‌گیری برای مهاجرت اشکالی وجود داشته است. در این جا نقش رسانه‌های جمعی می‌تواند تعیین کننده باشد. یعنی اگر جوانان ما بتوانند آگاهی سالم و واقع‌بینانه از کوچگاه (میزبان آینده خود) به دست آورند و بتوانند شرایط و اقامتگاه فعلی و آن کوچگاه خود را عاقلانه مقایسه کنند حالت‌های شدید نوسانتالژیک پیش نیاید؛ چرا که گاهی ممکن است این حالت عاطفی شدید تعادل روانی و اجتماعی فرد را بر هم بزند. معمولاً در کشورهای مهاجر پذیر، حالت‌ها و آسیب‌های روان رنجوری و روان نژندی در میان مهاجران و اقلیت‌هایی که در معرض تبعیض هستند یا چنین تصور می‌کنند بیشتر است.

آیا اساساً روزنامه‌ای که دارای سابقه طولانی است و هدف اصلی آن اطلاع‌رسانی در مرحله اول است و ثانیاً روزنامه‌ای رسمی و به عبارتی حکومتی تلقی می‌شود می‌تواند ایرانیان خارج از کشور را به سمت و سوی آنچه که از اخبار می‌خواهند سوق دهد؟ با توجه به گستردگی حوزه اطلاع‌رسانی در دنیای امروز این امر با آسیبی رو به رو است و یا اینکه نقاط قوتی تلقی می‌شود که ایرانیان می‌توانند از آن منظر وارد حوزه دلخواه خود شوند؟ شاید بد نباشد که تجربه حضور خود را که مدتی در لندن بودید و از این روزنامه هم استفاده می‌کردید در پاسخ به این سؤال قرار دهید.

امیدوارم بتوانم منظور و دغدغه شما در این پرسش را به درستی فهم کنم. شاید بخواهم نکاتی را در اینجا عرض کنم که به نظر برخی کارشناسان، حاشیه‌گویی یا شعار پردازی به شمار آید. ولی من عمری را در معلمی جامعه‌شناسی گذرانده‌ام و هرچند مباحث جامعه‌شناختی نمی‌تواند رنگ و بوی سیاسی نداشته باشد، اما کوشش و تعهد من آن است که گوهر علم و از جمله جامعه‌شناسی را به گرایش‌های سیاسی نیالایم. البته بحث جامعه‌شناسانه می‌تواند پیامد یا حاشیه سیاسی داشته باشد. چنانچه مباحث جامعه‌شناسی تعهد علمی و اخلاقی خود را مینا و در تقدم قرار دهد از پیامدهای سیاسی آن باکی نیست. ولی اگر این مباحث از مینا هویت و جانب‌سیاسی داشته باشد، به نظر این دانشجو دیگر به کلی هویت علمی خود را از دست خواهد داد. به نظر من تعهد و رسالت روزنامه‌ها هم از جنس تعهد و رسالت معلمی و نهاد آموزش و پرورش است. این درست است که نقش رسانه‌ها در آگاهی‌دادن و اطلاع‌رسانی (اطلاع سالم و نه جانب‌دارانه) می‌تواند از تأثیر دانشگاه و نهاد آموزش و پرورش بسیار بیشتر باشد. امروزه صاحب‌نظرانی که می‌خواهند با نگاه انتقادی به رسانه‌ها بپردازند از مفهوم «امپراتوری رسانه‌ای» استفاده می‌کنند - بویژه با توجه به تحولات فناورانه قدرتمند و نوآوری‌های فوق پیشرفته اطلاع‌رسانی جدید که رسانه در کانون این تحولات قرار دارد و خدمت‌شایانی به این امپراتوری کرده است. شاید در لایه‌های زیرین نقد آن‌ها این حقیقت نهفته است که رسانه‌ها و بویژه روزنامه و تلویزیون، که می‌تواند نخست یک کارگزار فرهنگی باشد و سپس سیاسی، جای این دو وظیفه را عوض کرده است و آموزه‌های فرهنگی دنباله‌رو مشی سیاسی می‌شود.

در این باره گفتنی زیاد است ولی موضوع مورد بحث اجازه نمی‌دهد که مطلب بالا بیش از این ادامه یابد. اما نتیجه‌ای که می‌خواهم در رابطه با سئوال جنابعالی بگیرم این است که رسانه‌ها تا چه حد می‌توانند یا مجاز هستند که مخاطب‌ها را به دنبال خود بکشند یا در جهت‌آزاری که می‌خواهند سوق دهند. اگر رسانه به منزله یک کارگزار سیاست و اقتدار سیاسی کار کند بعید به نظر می‌آید که بتواند اعتماد مخاطبان را به خود جلب کند. خوب می‌دانیم که اعتماد، در بازار سیاست یک کالای دست دوم است! اعتماد ستون سرمایه اجتماعی و فرهنگی است. رسانه‌ها و بویژه روزنامه کاغذی نه فقط می‌توانند مردم را در سامان دهی به کشاکش زندگی خودشان یاری دهند بلکه وظیفه دارند که چنین نکنند. افرادی که مهاجرت می‌کنند، از یک فضای فرهنگی - اجتماعی به فضای فرهنگی - اجتماعی دیگری نقل مکان می‌کنند. این بویژه در مهاجرت بین‌المللی مهمتر است. در مهاجرت خارجی، فاصله جغرافیایی بین دو جامعه فرستنده و پذیرنده مهاجر زیاد است ولی معمولاً فاصله فرهنگی بسیار بیشتر و تأثیر گذارتر است. و به همین دلیل، بحرانی که مهاجر بین‌المللی تحمل می‌کند نافذتر است و رسانه‌ها که در خانه و خلوت مردم وارد می‌شوند می‌توانند تأثیر بیشتری در التیام تنش‌ها داشته باشند. بنابراین، این نقطه قوتی



گفتگو با دکتر محمد توکل، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

«اطلاعات» در مسیر منافع ملی حرکت کرده است

منوچهر دین‌پرست

اشاره: رسانه در طول تاریخ ظهور و شکل‌گیری خود توانسته نقشهای مختلفی بر عهده گیرد. برخی از رسانه‌ها به صرف اطلاع‌رسانی مشغول بوده و برخی دیگر به حوزه‌های تخصصی روی آوردند و برخی دیگر نیز در فضاهای سیاسی قرار گرفتند. اما هر رسانه‌ای که در هر کدام از این مسیرها قرار گرفته باشد می‌تواند نسبت به جلب و یا سلب اعتماد عمومی نقش مهم و جدی ایفا نماید. در این گفتگو دکتر توکل ضمن بررسی نقش رسانه‌ها در اعتماد عمومی معتقد است که رفتار صحیح و حرفه‌ای رسانه‌ها می‌تواند فضای جامعه را به سمت منافع ملی سوق دهد.

به عنوان سؤال نخست، صحبت‌مان را با اشاره به موضوع اعتماد عمومی و بستر معرفتی آن آغاز کنیم. شما جایگاه رسانه‌ها را در شناسایی و جایگاه اعتماد عمومی چگونه می‌بینید؟ به خصوص اینکه در هر کشوری رویدادهای مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و حتی مشکلات طبیعی و محیط زیستی نیز به واسطه رسانه‌ها نقش جدی در اعتماد عمومی دارند.

من با یک بحث مقدماتی به جایگاه اعتماد عمومی و افکار عمومی و نقش رسانه‌ها در این مورد صحبت‌مان را آغاز می‌کنم و در میانه بحث به سؤال شما به شکل مستقیم می‌پردازم. وجه ممیزه انسان را بسیاری معتقدند «زبان» است. بروز زبان هم در بیان است. ما بدون اصول زبانی و کلمات هم نمی‌توانیم فکر کنیم. برخی معتقدند که فکر وجه ممیزه انسان با دیگر مخلوقات است و این هم باز به زبان بر می‌گردد. اما اهمیت زبان در گفتگو و شنیدن است. باید گفته شود و دیگران هم بشنوند که اهمیت زبان شناخته شود. در نتیجه زبان ابزاری برای بیان به دیگران است. زمانی که انسان در گروه‌های محدود مانند خانواده زندگی

می‌کرد مخاطبین زبانی و فکری اش نیز خانواده بود. اما بعدها گروه‌ها رشد کردند مانند قبیله و روستا مخاطبین نیز وسعت یافتند. اما با رشد جوامع بشری در حد و قامت شهر و کشور و جهان نیز مخاطبین بیان انسانی، جهانی شدند. دیگر مخاطبین بیان انسانی تنها خانواده و روستا و شهر نیستند بلکه مخاطبین جهانی هستند. در نتیجه اهمیت انسان در نشر فکر و اندیشه اش است که در وسایل ارتباط جمعی تبلور می‌یابد. انسانها می‌توانند با وسایل ارتباط جمعی فکر و اندیشه و معرفتشان را در معرض دید و ذهن دیگران قرار دهند. بنابراین با آنچه که گفته شد اگر زبان اهمیت اساسی می‌یابد رسانه‌ها نیز اهمیت خود را برای تجلی ممیزه انسان باز می‌یابند. لذا اهمیت اساسی و بنیادین بیان انسانی به رسانه‌ها منتقل می‌شود. به موازات تغییری که از تشکل انسانی از خانواده به روستا و شهر و کشور و جهان گفتم ما شاهد تغییر در محتوای بیان انسانی و هم کانالهای ارتباطی شدیم. زمانی در خانواده فقط زبان ابزار ابتدایی و طبیعی بود اما بعداً این ابزار تغییر کردند و کانالهای خاصی مانند مجامع مذهبی محلی برای بروز افکار و اندیشه‌ها شد. اما در سده‌های نوین و دهه‌های اخیر رسانه‌های ارتباط جمعی مانند روزنامه و رادیو و تلویزیون و ماهواره و اینترنت این کانالهای ارتباطی را به دست گرفتند. اما باید تاکید کنم که با تغییرات اجتماعی هم ما شاهد تغییرات رسانه‌ها هم به لحاظ محتوایی بودیم. اما در این تغییر و دگرگونی که در عرصه اجتماعی به وجود آمد مسئله صنعت چاپ بسیار بروز یافت. با ظهور چاپ دو نتیجه مهم برای جوامع انسانی اتفاق افتاد. یکی اینکه عملاً کتاب اهمیت یافت و دیگر اینکه روزنامه‌ها نیز وارد عرصه اجتماعی شدند و نقش بسیار اساسی ایفا کردند. من از اینجا به تشابه عملکرد کتاب و روزنامه در تحول انسانی و اجتماعی اشاره می‌کنم. من قبلاً در یک جمع علمی که صحبت از دانشگاه ملی و عمومی بود اعلام داشتم که روزنامه‌ها نقش دانشگاه عمومی را ایفا می‌کنند. به بیان دیگر رسانه‌ها دارای چارچوب و ساختاری هستند که تمامی شهروندان آن توان خواندن و نوشتن دارند. در نتیجه روزنامه عملاً بزرگترین متن درسی این دانشگاه بزرگ می‌شود. روزنامه، دانشگاه عمومی است که آموزشها و تخصصهای مختلف را به شهروندان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و علمی و غیره می‌دهد. در اینجا روزنامه متن درسی همه شهروندان



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



رسانه‌ها می‌توانند در جلب و یا سلب اعتماد عمومی تاثیر گذار باشند. برای اینکه روزنامه‌ای مقبول باشد باید قابل اعتماد باشد. اگر اعتماد نباشد خبری که روزنامه‌ها منعکس می‌کنند نه تنها مورد قبول جامعه نیست بلکه مطالب آموزشی و علمی هم تاثیری در جامعه ندارند.

● روزنامه‌ها نقش دانشگاه عمومی را ایفا می‌کنند. به بیان دیگر رسانه‌ها دارای چارچوب و ساختاری هستند که تمامی شهروندان آن توان خواندن و نوشتن دارند. در نتیجه روزنامه عملاً بزرگترین متن درسی این دانشگاه بزرگ می‌شود. روزنامه، دانشگاه عمومی است

است که افراد بنا به ذوق و علاقه خودشان مطالب مختلفی را مطالعه می‌کنند.

در مورد تعبیری که شما از رسانه به مثابه دانشگاه عمومی یاد کردید می‌توان این سؤال را طرح کرد که آیا رسانه برای جامعه خط‌مشی تعیین می‌کند یا اینکه جامعه خط و خطوط و محورهای رسانه را ترسیم می‌کند؟

هر دو مورد امکان‌پذیر است. حتی در دانشگاه‌های تخصصی، برخلاف دوره‌های گذشته دانشگاه‌هایی مانند کمبریج و آکسفورد که سابقه بسیار طولانی دارند و آنها به دانشجویان و حتی استادان خط و مشی تعیین می‌کردند که چه چیزی آموخته شود، اکنون این مورد تغییر کرده و در دنیای نوین دانشگاه تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی است. بنابراین در دانشگاه‌های عمومی هم که ما از رسانه‌ها یاد کردیم شهروندان و رسانه‌ها تاثیر متقابل نسبت به هم دارند. این تاثیر از خط دادن به رسانه‌ها تا تکلیف کردن رسانه‌ها که چه کنند و چه بنویسند و چه اطلاع دهند هم خودش را نشان می‌دهد. بنابراین رابطه متقابل است.

یکی از آفات و آسیب‌هایی که می‌تواند به رسانه‌ها تنش وارد کند عوام زدگی و یا رفتار پوپولیستی و هیجانی است. برای اینکه رسانه به عنوان دانشگاه عمومی از این آسیب دور بماند چگونه باید عمل کند؟

روزنامه‌ها همه جا در معرض فشارهای بیرونی از عوام زدگی تا تکلیف‌های حاد و شاق قرار دارند. روزنامه‌ها در بسیاری از موارد در تلاش هستند که نسبت به خواست عمومی و نیازهای مردم و فشارهای بیرونی که از انواع مختلف به آن وارد می‌شود تعادل برقرار سازند. روزنامه‌ها سه هدف و رسالت مهم دارند. اول اینکه آگاهی بخشی و اطلاع رسانی از واقعیت‌ها داشته باشند. دیگر آنکه هدف آن آموزش است و در نهایت سرگرمی هدف واپسین آن است. آموزش یکی از اهداف مهم روزنامه‌ها است. متنی که توسط روزنامه‌ها در تیراژ بسیار بالای چند ده هزار تا و یا در برخی از کشورها به شکل میلیونی منتشر می‌شود مسلماً مخاطب بسیاری دارد در مقابل کتاب تخصصی که در حد یک یا دو هزار نسخه منتشر می‌شود. در نتیجه اثر بخشی و خوانده شدن مطالب روزنامه‌ها بسیار بالاست. بسیاری از آگاهی‌هایی که ما داریم برگرفته از روزنامه‌هاست. در روزنامه‌ها تنها اخبار ناگوار و بد نیست که منعکس می‌شود. بلکه مطالب قابل تامل و خواندنی بسیاری هم دیده می‌شود. لذا در هر سه بعد هم می‌تواند این فرایند در سطح نازل و عوامانه و هم مثبت و سازنده باشد. بنابراین اگر روزنامه‌ها نقش خود را به درستی ایفا کنند بیش از آنچه که مراکز تربیتی و علمی تاثیر گذار هستند، این روزنامه‌ها هستند که تاثیر بسیار بالا و گسترده‌ای دارند. لذا روزنامه‌ها می‌توانند آموزش وسیعی را در حد شهروندان خود داشته باشند. در مورد سرگرمی هم که یکی دیگر از ویژگی‌های روزنامه‌ها هست باید بگویم که این سرگرمی‌ها می‌تواند صرف وقت‌گیری و تلف کردن زمان باشد و یا می‌تواند به هوشمند کردن جامعه کمک کند.

از اینجا می‌توانیم به سؤال نخست بازگردیم که رسانه‌هایی که نقش دانشگاه عمومی را ایفا می‌کنند چگونه می‌توانند اعتماد عمومی

را ارتقا داده و یا سلب کنند؟

در هر سه ویژگی که اشاره کردم رسانه‌ها می‌توانند در جلب و یا سلب اعتماد عمومی تاثیر گذار باشند. برای اینکه روزنامه‌ای مقبول باشد باید قابل اعتماد باشد. اگر اعتماد نباشد خبری که روزنامه‌ها منعکس می‌کنند نه تنها مورد قبول جامعه نیست بلکه مطالب آموزشی و علمی هم تاثیری در جامعه ندارند. اعتماد پایه و اساس اثر گذاری است. اگر به روزنامه به عنوان این نکته نگاه شود که مصرف دیگری جز کاغذ ارزان ندارد این نشان دهنده این است که روزنامه مقبولیت ندارد.

با توجه به این نکته که روزنامه اطلاعات به عنوان قدیمی ترین روزنامه ایران به تاریخ نود ساله خود رسیده و نود سال در میان مردم حضور داشته است. به نظر شما این حضور نود ساله تا چه اندازه می‌تواند اعتماد عمومی را که از آن یاد کردید ادامه دهد و بر فرجه شدن این اعتماد تلاش کند؟

عدد نود سال را که مطرح کردید تقریباً نصف عمر تاریخ مطبوعات در جهان است. شکل‌گیری روزنامه‌ها در جهان عمر دویست ساله دارد و روزنامه اطلاعات به نصف این تاریخ دست یافته و این افتخاری برای این روزنامه نیز هست. من به نکته‌ای اشاره کنم. به جای اینکه روزنامه‌ها بخواهند افکار مردم را مشوش کنند و جامعه را به تلاطم بکشانند روی دیگر سکه آن این است که با آگاهی بخشی و اطلاع رسانی درست و انعکاس درست واقعیت‌ها به جامعه آرامش و امید دهند. فرهنگ مناسب توسعه را به جامعه منتقل کنند. روحیه همکاری را افزایش دهند. برای توسعه کشور، ما نیازمند روحیه همفکری و آرامش و تعامل هستیم. روزنامه‌ها اگر قرار است ذهن را به آشوب بکشند جامعه در مسیر توسعه هم قرار نمی‌گیرد. روزنامه اطلاعات هم در مسیری است که توانسته شرایط ذهنی را فراهم کند که از کشاکش و تشویش دور باشد. این روزنامه با سابقه طولانی که دارد در چارچوب‌های گاه تنگ و در شرایط مختلف تلاش کرده که این اعتماد عمومی را حفظ کند.

با توجه به نکاتی که طرح کردید تا چه اندازه روزنامه‌ها به خصوص روزنامه اطلاعات خودش را در میانه کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و غیره مصون نگاه دارد و از مسیر افراط و تفریط خارج نشود؟

چه بخواهیم و چه نخواهیم شرایط مختلفی در کشورها وجود دارند. برای اینکه جامعه‌ای کامل تسلیم شود و یا ایزوله شود باید شرایط خاصی را برای خود به وجود آورد. همانطور که روزنامه‌ها هم این شرایط را برای خودشان به وجود آوردند و سعی کردند متفاوت عمل کنند. روزنامه‌ها نمی‌توانند خودشان را از فشارها و شرایط مبرا کنند. روزنامه اطلاعات هم تلاش کرده بین تسلیم کامل و یا انزوا راه میانه‌ای را به دست بیاورد. البته این روزنامه می‌توانست شرایط دیگری را انتخاب کند که قطعاً داستان دیگری برای این روزنامه فراهم می‌شد. لذا چنین روزنامه‌ای برای تقویت منافع ملی می‌تواند تلاش بیشتری برای اثر بخشی در این راستا داشته باشد.

رسانه‌ها نباید از پرداختن به افکار نو دچار ترس و واهمه شوند و افکار کلیشه‌ای را دائماً مطرح کنند. فکر نو یک نوع خرق عادت است و قاعداً با مقاومت‌هایی هم رو به رو می‌شود و رسانه است که می‌تواند جرعه‌های اندیشه‌های جدید را در جامعه طرح کند

● اگر صرفاً رسانه تریبون دولت باشد و به حرف مردم و خواسته‌های آنها نپردازد قاعداً از حلقه اطمینان مردم هم خارج می‌شود.

● وظیفه رسانه تبیین و گفتگوست نه تبلیغ و تبشیر



گفتگو با دکتر یونس نوربخش، عضو هیأت علمی و رییس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

دین، جامعه، رسانه

منوچهر دین پرست

می‌توانند از ظرفیت دین برای افزایش حس مسئولیت پذیری جامعه و تحکیم روابط اعضای آن و افزایش انسجام اجتماعی بهره ببرند.

این وقتی است که روزنامه چند محور را مورد توجه قرار دهد: اول؛ مردم را با مفاهیم و واژه‌های دینی که بیانگر شکل روابط اجتماعی در جامعه اسلامی است، آشنا سازند و این ادبیات را ترویج کنند یعنی فرهنگ زندگی ایرانی اسلامی را معرفی کنند مثلاً: حقوق همسایه، عدالت، انصاف، گذشت، بیت المال، ادب و فرهنگ...

دوم؛ از ادبیات و هنر و بیان غیرمستقیم برای ترویج و تحکیم مفاهیم دینی استفاده کند. ترویج مفهوم دینی می‌تواند در قالب نقل یک واقعه تاریخی و یا معرفی هنر اسلامی و یا یک داستان و اثر ادبی باشد. گاه می‌تواند به شیوه انتشار یک مقاله با قلم شیوا و منطقی و استدلالی صورت گیرد و گاه می‌تواند با معرفی نظریه‌ها و یا شخصیت‌ها باشد.

سوم؛ بخش مهمی از ساختمان دین، باورها و اعتقادات است و رسانه باید مراقب باشد در حین ترویج اندیشه یا مفاهیم و حتی مناسک دینی به ارزش‌ها، نمادها و باورهای ادیان و مذاهب دیگر توهین نکند.

همزیستی اجتماعی و دینی و تقویت تحمل و شکیبایی یکدیگر و پرهیز از عوامل خشونت را و هم چنین فرقه گرایی اصول مهمی هستند که در پرداختن به دین می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه در جامعه ما به دلایلی - که خارج از مجال این گفتگو است - خشونت‌های کلامی افزایش یافته است و آستانه تحمل افراد پایین آمده و تمایل به همزیستی و به رسمیت شناختن و احترام گذاشتن به تفاوت‌های بین فردی به شدت تنزل یافته است که یکی از مصداق‌های ملموس و مشهود آن افزایش «نسبت طلاق به ازدواج» است. رسانه‌ها می‌توانند برای کاهش و کنترل سطح آسیب‌های اجتماعی، مثلاً به جای ورود مستقیم به موضوع طلاق، آن بخش از مفاهیم و اندیشه‌های دینی را که موید ارزش‌هایی چون «گذشت و مدارا»، «احترام به انسان‌ها»، «بردباری و شکیبایی»، «به رسمیت شناختن حقوق یکدیگر»، «پذیرش تفاوت‌های ذاتی و نهادی»، «از خودگذشتگی و ایثار» و «مهرورزی و عشق» هستند ترویج و تحکیم کنند.

در مورد توجه رسانه‌ها به دین، از منظر علم ارتباطات دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول مبتنی بر پیروی رسانه‌ها از اعتقادات رایج با هدف احترام گذاشتن و جلب مخاطب است. دیدگاه دوم بر این تکیه دارد که رسانه‌ها باید اندیشه آفرین و پیش‌تاز باشند تا مردم از آنها جهت بگیرند. شما کدام دیدگاه را تأیید می‌کنید؟

رسانه‌ها در عین حال که سعی می‌کنند همسو با جامعه و مردم در مناسبت‌ها و مناسک دینی با آنها هم‌نوا شوند هرگز نباید دچار ذهنیت‌های قالبی و تحجر شوند و

اشاره: رسانه و دین، با تعامل مناسب، با همدیگر و هدایت جامعه، می‌توانند مفهوم زندگی را برای مردم، پرمعنا سازند. اما اینکه رسانه‌ها، مردم را به سوی دین و معنویت هدایت کنند چگونه باید باشد بحث مهم و جدی در دنیای امروز ماست. همراهی دین و رسانه، پیام نوید بخشی برای دین داران است، ولی به دلیل تفاوت‌های ماهوی پیام دین و درک پیچیده رسانه‌ها از دین، انتقال این پیام می‌تواند سخت و دشوار باشد. رسانه دینی، بهترین ابزار دفاع علمی از ساحت ارزش‌هاست. در این گفتگو دکتر نوربخش سعی نموده تا نگاهی تبیینی به جایگاه دین در رسانه و نقش آن داشته باشد. ایشان معتقد است که روزنامه‌ها باید از طرح موضوعات کلیشه‌ای و کلی درباره دین دوری کنند و اجازه فضای دیالوگ و طرح موضوعات جدید در حوزه دین را که به زندگی اجتماعی و زیستی آنها مرتبط و نزدیک است بدهد.

موضوعات دینی در تمامی جوامع از مهمترین موضوعاتی است که تمامی اقشار اعم از دولتی و غیر دولتی با آن رو به رو هستند. بحثی که ما می‌خواهیم به آن بپردازیم این است که رابطه دین و رسانه چگونه باید باشد و رسانه‌ها چه نقشی در طرح موضوعات دینی باید داشته باشند؟ شما به عنوان یک جامعه شناس این موضوع را چگونه تبیین و بررسی می‌کنید؟

ما در یک جامعه دینی زندگی می‌کنیم و سنتها در آن بسیار قوی است پرداختن رسانه‌ها به دین نه تنها لازم است بلکه می‌تواند برای خواننده جذاب هم باشد. روزنامه نسبت به تلویزیون یک رسانه گرم و عمیق محسوب می‌شود و خواننده رابه تفکر و تأمل دعوت می‌کند پس موضوعات دینی نیز باید از عمق و محتوای خوبی برخوردار باشند و مخاطب را به تعمق وادارند.

یکی از وظایف رسانه و به طور خاص روزنامه در درجه اول انتشار اخبار رویدادها و وقایع مهم دنیاست. هم چنین آگاهی بخشی و اطلاع رسانی از مسائل پیرامونی و مرتبط با زندگی افراد نیز از وظایف روزنامه است. این آگاهی بخشی افراد جامعه را در تصمیم‌گیری صحیح و درک آنها از جامعه خودشان یاری می‌رساند و می‌تواند مخاطب را یک «شهروند آگاه و مسئول» سازد. اطلاعات صحیح دینی هم می‌تواند در یک جامعه دینی در همین راستا باشد یعنی حقوق اعضای جامعه و تکالیف آنها را به آنها گوشزد کند. یعنی رسانه‌ها

ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

عده‌ای به صورت تخصصی به موضوعات دینی می‌پرداختند و عده‌ای دیگر به صورت عمومی موضوعات دینی را مورد توجه قرار می‌دادند. اغلب رسانه‌های عمومی هم بیشتر مناسبت‌های دینی را در دستور کار خود داشتند و در این مسیر اطلاع‌رسانی می‌کردند. در چنین فضایی چگونه باید مخاطب با موضوعات دینی ارتباط برقرار کند؟

طبعاً مناسبت‌ها و مراسم موقعیتی است که مردم به آن توجه دارند و احساس مردم نیز در آن ایام به جوشش در می‌آید و لذا رسانه‌ها نیز نمی‌توانند این مناسبت‌ها را نادیده بگیرند. مثلاً موعد عاشورا بیاید اما مطبوعات چیزی در مورد آن ننویسند. اما بحث این است که کیفیت پرداختن به این مناسبت‌ها باید چگونه باشد در ضمن این نکته را باید توجه داشت که موضوعات دینی تنها مراسم و مناسبت‌ها نیست. به نظرم موضوعات متنوعی در جامعه رخ می‌دهد که به نوعی با دین هم در رابطه است و رسانه‌ها صریح و صریح به این مسئله می‌توانند بپردازند. مثلاً وقتی مسئله اختلاس‌های زنجیره‌ای یکی پس از دیگری فاش شد، روزنامه‌ها نمی‌دانستند چگونه به این موضوع بپردازند که هم دامن نظام اسلامی را نگیرد و هم مردم را آگاه سازند. چرا که این اتفاقات در دولتی رخ داده بود که ادعا می‌کرد پاک‌ترین دولتهاست، انقلابی است و طرفدار قشر ضعیف جامعه است. رسانه‌ها هم خودشان به وظیفه مطبوعاتی و انقلابی و دینی‌شان عمل نکرده بودند و نتوانسته بودند پیشاپیش جامعه را رصد کنند و پرده از این وقایع بردارند و نقش نظارتی خود را به عنوان رکن چهارم دموکراسی ایفا نکنند. آنها مثل بقیه مردم وقتی موضوع

منادی خرافات و یا تکرار روایت‌ها و برداشت‌های عامیانه و عوامانه - ولو پرتعداد - شوند. در واقع یک رسانه متعهد باید با تلاش در جهت ترویج مفاهیم اصیل و مترقی دینی، عامه مردم را به دنبال خود حرکت دهد نه اینکه خود دنباله رو تعصبات و خرافات عامه شود. افتادن رسانه در چنبره تکرار تصورات عوامانه از دین و ترویج قشر و پوسته دین، ممکن است خواننده سطوح بالاتر را مایوس و چه بسا دین‌گریز کند. به عبارتی رسانه‌ها باید از دینی سخن برانند که دغدغه همزیستی و همبستگی جامعه را دارد نه رویکرد تفرقه و تشتت. رویکرد روشنفکری و انتقادی جوهره اصلی انسان امروزی است و روزنامه‌ها نیز نمی‌توانند این گونه نباشند. اما در حوزه دین این امر دقت زیادی می‌طلبد چون با باورها و ارزش‌های مقدس آنها گره می‌خورد.

البته روزنامه‌های عمومی رسالت و وظیفه اصلی‌شان نشر مباحث دینی نیست و طبعاً نشریات تخصصی به صورت موضوعی و مشروح به این مباحث می‌پردازند در عین حال روزنامه‌ها نیز در ضمن پرداختن به موضوعات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی و یا جنبش‌های دینی و یا مسائل اقلیت‌های دینی و یا مثلاً نهادهای دینی و نهادهای آموزشی، خواه ناخواه با دین و باورهای دینی مردم ارتباط برقرار می‌کنند. مثلاً روزنامه اطلاعات در سال ۵۶ با درج مقاله‌ای از شخصی به نام «احمد رشیدی مطلق» با اهانت به امام، موجی از اعتراضات مردمی را برانگیخت. پس از انقلاب نیز مشابه این اتفاقات توسط روزنامه‌های دیگری تکرار شد مثلاً در مورد مرحوم آیت‌الله منتظری و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله خویی بعضی از روزنامه می‌خواستند آگاهی سیاسی نسبت



روزنامه نسبت به تلویز یون یک رسانه گرم و عمیق محسوب می‌شود و خواننده رابه تفکر و تأمل دعوت می‌کند پس موضوعات دینی نیز باید از عمق و محتوای خوبی برخوردار باشند و مخاطب را به تعمق وادارند

● **رسانه‌های توانمند از ظرفیت دین برای افزایش حس مسئولیت‌پذیری جامعه و تحکیم روابط اعضای آن و افزایش انسجام اجتماعی بهره ببرند**

● **رسانه منبر و خطابه نیست و اگر روزنامه از بستر گفتگو فاصله بگیرد از رسانه بودن هم خارج می‌شود**

توسط مقامات رسمی و قضایی افشا شد، بسیار کنترل شده وارد موضوع شدند. این حادثه نشان می‌دهد امر دینی و سیاسی و اجتماعی در هم تنیده است. مردم به لحاظ دینی انتظار دارند رسانه‌ها از حقوق آنها و بیت المال دفاع کنند و این موضوع را با جسارت پیگیری کنند. این مثال نشان می‌دهد که موضوعی که یک امر اجتماعی است با موضوع دینی هم گره می‌خورد چرا که دولت دینی هم هست و مردم نسبت به این مسئله نگرش دینی دارند و تحلیل دینی هم می‌کنند.

طرح ایده نو که اشاره کردید موضوع جدی و مهمی است. طی یکی دو دهه گذشته موضوع روشنفکری دینی در جامعه ما طرح شد که از یک سو با موضوع جامعه‌شناختی در ارتباط است و از سوی دیگر با ذات و ماهیت دین سر و کار دارد. چنین ایده‌هایی را رسانه چگونه باید مد نظر قرار دهد؟ آیا باید نهادهای قدرت را مورد توجه داشته باشد یا اینکه مناسبات فکری مردم را ملاحظه کند؟

مطبوعات هر وقت از مردم فاصله گرفتند به شدت با شکست مواجه شدند و جامعه روشنفکر و مخاطبان‌شان را از دست دادند. پرداختن به موضوع دینی امری بسیار حساس و پیچیده است. همچنان که دین باید یک امر اجتماعی باشد و همبستگی ایجاد کند از تفرقه و فروپاشی هم باید دوری کند. لذا رسانه‌ها از پتانسیل دین برای انسجام دینی می‌توانند بهره بگیرند. اما رسانه‌ها نباید از پرداختن به افکار نو دچار ترس و واهمه شوند و افکار کلیشه‌ای را دائماً مطرح کنند. فکر نو یک نوع خرق عادت است و قاعدتاً با مقاومت‌هایی هم رو به رو می‌شود و رسانه است که می‌تواند جرقه‌های اندیشه‌های جدید را در جامعه طرح کند. اما اینکه چگونه رسانه می‌تواند هم به ارزشهای مردم پایبند باشد و هم نهاد قانون را لطمه نزند از خلاقیتها

به بعضی جریان‌ها بدهند اما توجه نکردند که آنها راجع به یک مرجع دینی صحبت می‌کنند و باید از قلم و بیان مناسب استفاده کنند.

بسیاری از مردم اعتقاداتی دارند که مبانی آنها در رسانه‌ها طرح می‌شود و مخاطب آن را مطالعه می‌کند و آن را مورد توجه قرار می‌دهد. این مورد در جوامع سسکولار کمتر دیده می‌شود و آن را به «امر شخصی» تقلیل می‌دهند. مگر اینکه آن موضوع دینی تبدیل به یک بحث اجتماعی شود و در جراید و رسانه‌ها به آن اشاره می‌کنند. اما در کشور ما و دیگر کشورهای جهان اسلام بحث دین بسیار مهم و جدی است و در قالب جریان‌های سیاسی و اجتماعی و نهادهای دینی فراوانی که حضور دارند خودش را نشان می‌دهد. همه اینها در حقیقت به نوعی موضوعات امر دینی است که در رسانه‌ها مطرح می‌شود و باید بگوییم که طرح موضوعات دینی در رسانه‌ها نظر جدیدی است که تئوری‌های جدیدی را می‌طلبد و اخیراً هم در دنیا این موضوع مورد توجه قرار گرفته که چگونه باید به موضوع دین در رسانه‌ها پرداخته شود. اما می‌خواهم بگویم که روزنامه و نشریات چگونه باید به این موضوع بپردازد. روزنامه‌ها جزو رسانه‌های عمیقی هستند که تنها برای تفریح و سرگرمی خلق نشده‌اند بلکه روزنامه معمولاً برای افراد روشنفکر و تحصیلکرده و با سواد جامعه است که برای مطالعه وقت می‌گذارند. لذا مسائل دینی که در روزنامه‌ها طرح می‌شود باید از یک عمق و دقت بیشتری برخوردار باشد چرا که خواننده با قصد اینکه چیزی را فراگیرد سراغ روزنامه می‌آید. لذا از آنجایی که روزنامه به مسائل روز می‌پردازد نمی‌تواند به مقالات و مطالب کلیدی و کلیشه‌ای و تکراری اکتفا کند. برای اینکه خواننده انتظار دارد روزنامه‌ها مسائل را با نگاه روز تحلیل و تفسیر کنند، لذا اگر خواننده با مطالب کلیشه‌ای و تکراری مواجه شود بر خواننده تأثیر نامطلوبی دارد.

ما از زمان پیدایش رسانه‌های مکتوب شاهد دو گونه از جراید بودیم که

و توانایی‌های اهل قلم آن رسانه است.

به نظر شما نباید یک بحث بینا رشته‌ای طرح شود. یعنی بین اصحاب رسانه و فضای نخبگان دینی و نهادهای دانشگاهی ارتباطی برقرار شود که موضوعات دینی و ایده‌های نو دینی طرح شود؟

دقیقا باید به همین شکل رفتار شود. مثلاً یک رسانه مکتوب در جهت الهیاتی و کلامی اگر یک گزاره دینی را فقط طرح کند و مانند یک مبلغ رفتار کند نوعی الگو را برای خود انتخاب کرده است اما اگر رسانه‌ای بتواند مسئله دین را با زندگی مردم مرتبط کند و به عنوان یک مسئله اجتماعی و زیستی موضوعات دینی را طرح کند رفتار دیگری را اتخاذ کرده است. لذا اینجاست که باید بگویم وظیفه رسانه تبلیغ و تبشیر نیست بلکه وظیفه آن تبیین است. وظیفه رسانه اطلاع‌رسانی و ایجاد فضای دیالوگ است. رسانه منبر و خطابه نیست و اگر روزنامه از بستر گفتگو فاصله بگیرد از رسانه بودن هم خارج می‌شود. ما باید توجه کنیم که اساسا مطبوعات با طبقه متوسط سر و کار دارد و ذات آن دارای فرهنگ و ویژگی خاصی است که روزنامه با آن سر و کار دارد. کسی که روزنامه را تهیه می‌کند هدفمند عمل می‌کند و انتظار دارد به اهدافی که در نظر دارد برسد. لذا ادبیات سیاسی که در مطبوعات جریان گرفته نباید آن هدف تبیینی و اطلاع‌رسانی و فرهنگی را خدشه دار سازد. همین روزنامه اطلاعات که فرهنگ را همیشه مد نظر داشته نباید از آن فاصله بگیرد. اگر فرهنگ تحمل و مدارا از کشور دور شود ما با رادیکالیسم فکری و کلامی مواجه می‌شویم و آنهایی که با منطق عمل می‌کنند به حاشیه رانده می‌شوند.

یکی از موضوعاتی که دین به آن اشاره می‌کند بحث اخلاق است. به نظر شما تا چه اندازه رسانه‌ای که می‌خواهد مباحث دینی را طرح کند بحث اخلاق را هم مدنظر داشته باشد؟

یکی از مفاهیم امروزه ما بحث شهروندی است. اتفاقاً این نکته بسیار مهمی است که در نهاد دینی ما هم مورد توجه است. شاید برخی از واژگان که در غرب ابداع شده در کشور ما پدیده نویی باشد اما می‌تواند بن‌مایه‌های دین و معرفتی دین هم داشته باشد. در اینجاست که دین می‌تواند در شهروند سازی به ما کمک کند. مفاهیمی مانند انفاق، گذشت و مدارا که در دین وجود دارد و موضوعی اجتماعی هم تلقی می‌شود، اگر از سوی رسانه‌ها پرداخته شود بسیار می‌تواند به

جامعه کمک کند. یعنی صرفاً تنها گزاره‌های دینی طرح نشود. باید به جامعه سازی و توسعه مدنیت و ارتقای سطح اجتماعی کمک شود. ما در جامعه دینی زندگی می‌کنیم و صرف بیان قانونی نمی‌تواند مشکلات را حل کند. هنجارها و نگرشها بسیار مهم است و رسانه نباید از این موضوع به راحتی گذر کند. رسانه‌ها با طرح مباحث مختلف ایده‌ها و فکرهای جدیدی را به نخبگان و فرهیختگان انتقال دهند. الان مسئولین به موضوع پیشگیری از جرایم اشاره می‌کنند این یک موضوع نه تنها اجتماعی بلکه دینی هم هست چرا که در دین ما موضوعی به نام پرهیز هم داریم که با طرح این مسئله می‌توانیم از برخی از جرایم پیشگیری کنیم.

بحث شهروندی و مسئولیت اجتماعی یک بحث جامعه شناختی است. در یکی دو دهه اخیر ما شاهد رشد و گسترش سازمانهای مردم نهاد مختلفی هستیم که در حوزه‌های مختلفی مانند پاکسازی طبیعت و حمایت از حیوانات و آموزشهای مدنی و کمک به معلولین و غیره فعالیت می‌کنند این فعالیتها به نوعی نه تنها مسئولیت اجتماعی را در کشور افزایش می‌دهد بلکه روحیه گذشت و ایثار را که موضوعات دینی هستند هم مورد توجه قرار می‌دهند به نظر شما رسانه در چنین مواردی چگونه باید عمل کند؟

رسانه نباید تنها دولت و مردم را ببیند. امروزه در جوامع چیزی هست به نام مدنیت یا حوزه شهروندی. این موضوع در قالب سازمانهای مردم نهاد خودش را بروز می‌دهد. خوشبختانه طی سالهای اخیر هم این موضوع به شدت مورد توجه قرار گرفته و گسترش هم می‌یابد. لذا مردم وارد یک امر گفتمانی می‌شوند که حضور رسانه‌ها در این موضوع امر مهمی است. من نمی‌خواهم بگویم رسانه‌های دولتی بلکه رسانه‌های عمومی و رسمی می‌توانند در تقویت این نهادها نقش مثبتی ایفا کنند. این نقش یک امر دینی هم هست. چرا که اساساً رویکرد دین به مردم و نقش‌پذیری آنها هم شامل این بحث

می‌شود. از قدیم هم سازمانهای مردم نهاد بوده که ریشه در سنت داشته و امروزه هم بسیار مورد توجه قرار گرفته و می‌تواند نقش جدی در رفتار دینی مردم ایفا کند. انسان مدرن امروز می‌طلبد که فعالیت مدنی هم داشته باشد و رسانه که پایگاه آن در مردم و به خصوص طبقه متوسط است می‌تواند با بن‌مایه‌های دینی به تقویت نهادهای مردمی کمک کند و آنها را تقویت کند. اگر صرفاً رسانه تریبون دولت باشد و به حرف مردم و خواسته‌های آنها نپردازد قاعدتاً از حلقه اطمینان مردم هم خارج می‌شود.

جامعه ایرانی، جامعه دینی است. ما نباید با دیدن بعضی از ظواهر و علایم مخالف فکر کنیم که جامعه ایران دین‌گریز است. این فرضیه را جامعه ما در مقاطع مختلف به اثبات رسانده است. مردم همان طور که در تشیع یک هنرمند موسیقی پاپ حضور گسترده دارند در تشیع جنازه شهدای غواص نیز حضور گسترده دارند. این رفتارهای متناقض نیست بلکه باید درست تفسیر شود. جامعه دین را از خود می‌داند و اگر ببیند کسی و یا حکومت می‌خواهد به او تعیین تکلیف کند، عکس العمل نشان می‌دهد اما جامعه دچار یک نوع آنومی و ناهنجاری نیز شده و بشدت در زندگی روزمره در بین گفتمانهای مختلف سرگردان است. رسانه‌ها نیز در ایجاد این سرگردانی مقصر اند.

با توجه به موضوعاتی که طرح کردید شما به عنوان یک استاد جامعه شناسی مسئولیت روزنامه اطلاعات را که در آستانه نود سالگی قرار دارد در تبیین موضوعات دینی چگونه می‌بینید؟

متأسفانه بعضی از روزنامه‌ها و مجلات ما ادبیات سخیف و روحیه تنفر را در جامعه ترویج می‌کنند و به جای آگاهی بخشی به دنبال به افتضاح کشیدن طرف مقابل هستند. روزنامه‌هایی که مثل اطلاعات به مسئولیت اجتماعی شان توجه کنند و از یک فرهنگ رسانه‌ای متعادلی برخوردار باشند، در جامعه ما متأسفانه کم هستند.

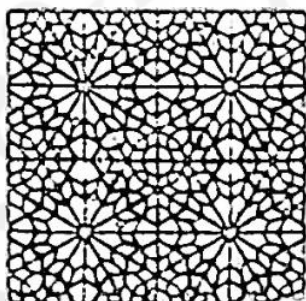
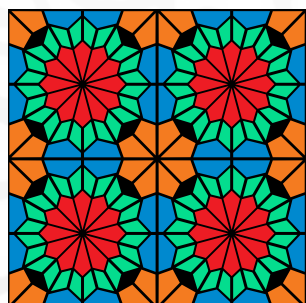
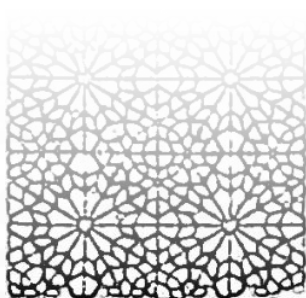
روزنامه می‌تواند انتقادی، صریح و آگاهی بخش باشد اما این به معنی لمپنیسم نیست. فرهنگ جامعه ایرانی متأسفانه مدتی است دچار چنین ادبیاتی شده است و از ادبیات فاخر خبری نیست. ادبیات و محاوره‌های سخیف که بیشتر در شوهای تلویزیونی و میتینگ‌ها و شوهای سیاسی دیده می‌شود در جامعه رایج شده است. گفتگوها و ارتباطات کلامی و اجتماعی ما کمتر بن‌مایه در ادبیات و دین و متون کهن دارد و بیشتر از طریق انواع رسانه‌ها شکل می‌گیرد.

فکر می‌کنم روزنامه اطلاعات همین توازن و تعادلی را که دارد اگر حفظ کند و در کنار ظرافت و حرمت‌گذاری و مهربانی و ادبیات

متینی که در قلم و رفتار دارد، شجاعت بیشتری هم داشته باشد و جسورانه‌تر به موضوعات جامعه بپردازد به گمانم می‌تواند جایگاه بهتری در جامعه داشته باشد. ادب و تعادلی که این روزنامه دارد اگر با شجاعت همراه کند می‌تواند الگوی خوبی باشد. چرا که مطبوعات ما بین این دو موضوع گیر کرده‌اند. یا می‌ترسند وارد موضوعات مبتلابه جامعه شوند و ادبیات کلی انتخاب می‌کنند که به کسی برنخورد و یا آنکه آنقدر در برخی موضوعات ورود پیدا می‌کنند که به ادبیات سخیفی منجر می‌شود. روزنامه اطلاعات دارای چنین ظرفیتی است که البته باید به افکار و ایده‌های نو هم توجه کند و نسل جدید به موضوعات نو نیاز دارد. چرا که پیشرفت در گرو طرح ایده‌های نو است. ما گاهی از تغییر می‌ترسیم اما باید اجازه تغییر و جسارت را به نسل جدید با رعایت ادب و قانون بدهیم.

رسانه متعهد باید با تلاش در جهت ترویج مفاهیم اصیل و مترقی دینی، عامه مردم را به دنبال خود حرکت دهد نه اینکه خود دنباله رو تعصبات و خرافات عامه شود

اگر فرهنگ تحمل و مدارا از کشور دور شود ما با رادیکالیسم فکری و کلامی مواجه می‌شویم و آنهایی که با منطق عمل می‌کنند به حاشیه رانده می‌شوند



ویژه‌نامهٔ نودین سال انتشار روزنامه اطلاعات

اطلاعات، خاطرات و تبریکات

* در این بخش، چند نامه و نوشته را ملاحظه می‌کنید که وجه غالب آنها به نقل خاطره و ذکر خیری از گذشته و حال اختصاص داده شده است. هم‌اکنون از همه کسانی که خاطره‌ای نقل شدنی در این باب دارند، دعوت می‌شود که برای بخش خاطره خوانی در «ویژه‌نامه‌ها» ی احتمالی بعدی یا «کتاب اطلاعات سال»، از این نوع همکاری به نحوی که ممکن و میسر باشد دریغ نکنند.

* صاحب‌نظران مختلفی، ۹۰ سالگی مجتمع مطبوعاتی و فرهنگی و انتشاراتی اطلاعات را تبریک گفته‌اند. روشن است که همه آنان چه در این بخش و چه در بخش‌های دیگر ویژه‌نامه یعنی «اطلاعات در حدیث دیگران» و «خاطره‌ها» - قصد تشویق داشته‌اند و به نکات مثبت و مفید توجه داده‌اند به امید آنکه برای رفع کاستی‌ها و نکات منفی نیز بتوانیم از نظر آنان و نگاه آنان حتی المقدور بیاموزیم. از اینکه در این بخش هم مانند بخش‌های دیگر این ویژه‌نامه، برخی اسامی و اوصاف و عناوین و تعریف‌های اغراق‌آمیز به صورت ناگزیر ذکر شده و از متن حذف نشده است، عذر خواهی می‌شود. از همه کسانی هم که پیام تبریکشان در اینجا آمده یا قبلاً در صفحات خود روزنامه منعکس شده است، سپاسگزاری می‌کنیم.



«اطلاعات»: از اطلاعات تا آگاهی

هادی سودبخش

یژه نامه نو دین سال انتشار روزنامه اطلاعات

اشاره: حضور همیشه در صحنه بزرگمرد حوزه روزنامه نگاری ایران، جناب سید محمود دعایی - حفظه الله تعالی باعمله - رشته های تازه بر الفت دیرینه ام با «اطلاعات» افزود که رد آن در توان استنکافم نیست، مگر اینکه چه بشود؟! ***

پنجشنبه ۲۱ خردادماه ۹۴، در فرهنگستان علوم، همایشی در تجلیل از پژوهندگان جوان در علوم پایه برپا بود که طی آن جایزه ابوریحان بیرونی به پژوهندگان برتر در علوم پایه اهدا شد و مقاله ای با عنوان «ضرورت گذار از تخصص های تکررشته ای به تخصص های چند رشته ای و میان رشته ای» ارائه گردید.

برحسب معمول این روزها و سالها، اطلاع رسانی این جریان فرهنگی، دو سه روز قبل در «اطلاعات» صورت گرفت و من به سابقه دیرینه اطلاعات خوانی و هم حساسیت و پیگیری این گونه وقایع علمی و فرهنگی در این گردهم آیی خطیر شرکت کردم.

«اطلاعات» طبق معمول و اقتضای کار، جریان همایش را پوشش داد و مراجعه به روزنامه شنبه ۲۳ خرداد، نگارنده را از تکرار آن بی نیاز می کند. در پایان جلسه، جناب دعایی، مرد همیشه حاضر در صحنه حوادث فرهنگی، راه بازگشت خود به «موسسه» را در ترافیک همیشگی تهران، خیلی دور کرد و مرا به مقصدم رساند؛ لطفی که بیش از حد انتظار من بود. در طول راه گفت: به مناسبت نودامین سال انتشار «اطلاعات» بنا داریم مراسمی برپا کنیم، و از من خواست بعنوان یک خواننده قدیمی «اطلاعات» خاطراتی از سالهای دور و نزدیک الفت با «اطلاعات» برای این مراسم داشته باشم. فضای دعوت طوری بود که توان رد را از من گرفت و قرار کار را گذاشتیم.

به عنوان خواننده قدیمی اطلاعات

من، متولد خرداد ۱۳۱۶ در قلعه وزیر و بزرگ شده در محله امیریه و چهارراه موعز السلطان و خیابان قلمستان در

جنوب غربی تهران آن زمان هستم. پدرم حاج غلامحسن (دایی حبیب) که در همان سال ۱۳۱۶، نام خانوادگی خود و فرزندان را به «سودبخش» تغییر داد، معمار بود ولی همیشه اطلاعات گسترده ای داشت که شاید به دلیل همان روزنامه خوانی اش بود. من تحصیلات ابتدایی ام را در دبستان نشاط، در همان امیریه، گذرانده ام. بیاد دارم که در کلاس سوم ابتدایی، معلم ما خانم الهامی، خانمی نسبتاً میانسال و مثل همه معلم های آن دوران بسیار مهربان و دقیق و «مسئول» بود. برای آموزش زبان و جمله سازی، تکلیف می داد که محاورات کودکانه و روزانه خود را از طریق جستجوی کلمات لازم در نشریات و روزنامه های معهود آن زمان از جمله روزنامه اطلاعات و بریدن و چسباندن آنها با «سریش» در دفتر چه مخصوص، مکتوب کنیم. امروزه، نقل جمله های انشایی و ابداعی آن زمان تحصیل، در دیدار دوستان دبستانی که هنوز بعد از هفتاد سال، هر از گاهی حدود ده نفری دور هم جمع می شویم، بسیار مفرح و خاطره انگیز و شادی بخش است و انشاءاله، مایه تلطیف احساسات دوران پیری و پیرانه سری است ...

باری امروزه برای آموزش کلمات، این رویه زیاد مورد توجه نیست و وسائل سمعی و بصری فراوانی در دسترس است.

شرح اشتیاق پدر برای روزنامه

آن روزها خاطرم هست که تنها روزنامه ای که دور و برم بود، «اطلاعات» بود که پدرمان می خواند. البته اینکه یک معمار با اینکه سواد زیادی نداشت آن روزها روزنامه می خواند، همیشه برای من اسباب شگفتی بوده است و خاطره انگیز. به یاد دارم روزنامه را برای ما همیشه روزنامه فروش پیری که نامش هنوز خاطرم هست: لطف الله شایورد - که بعدها در همین صفحات «اطلاعات» از او تجلیل شد - برایمان می آورد. پیاده و خورجین بر دوش و زیر بغل، که البته بعدها صاحب دوچرخه شد. گویا منزل ما آخر خط سیرش بود. سر راه توزیع خودش را «می ساخت» و شاید آخرین مشتری او، ما بودیم. صدای رسایی هم داشت و از سر کوچه «باغ» که وارد می شد، اعلام ورود می کرد. تا روزنامه فروش و روزنامه به ما برسد، پدر چند مرتبه پشت درب حیاط

روزنامه را برای ما همیشه روزنامه فروش پیری که نامش هنوز خاطرم هست: لطف الله شایورد - که بعدها به عنوان قدیمی ترین روزنامه فروش در همین صفحات «اطلاعات» از او تجلیل شد - برایمان می آورد. پیاده و خورجین بر دوش و زیر بغل، که البته بعدها صاحب دوچرخه شد.

اتفاق می افتاد که هر از گاهی - بهر دلیلی - روزنامه نمی آمد و حتی روز بعد هم بدست پدر نمی رسید. آنوقت، تحکم پدرانه، مجبورمان می ساخت یکی از ما برای خرید روزنامه به اداره «اطلاعات» در خیابان خیام فعلی برویم و با دو برابر قیمت بخریم!

می رفت و دست خالی برمی گشت. غرض، شرح اشتیاق پیرمرد است که چگونه منتظر دریافت روزنامه بود. بعضی وقتها که روزنامه فروش دیر می کرد و شب از ۱۰ و ۱۱ می گذشت، دیگر اعلام ورود نمی کرد و روزنامه را بیرون درب حیاط می انداخت که صبح روز بعد «عز و صول» می بخشید، یا نمی بخشید. و با توجه به مشغله او که «ب ساز و بفروش» بود، تلاش می کرد تا آنروز روزنامه را بخواند، یا نخواند و کنار بگذارد تا عصر که از کار برگردد و منتظر روزنامه بعدی باشد. اتفاق می افتاد که هر از گاهی - بهر دلیلی - روزنامه نمی آمد و حتی روز بعد هم بدست پدر نمی رسید. آنوقت، تحکم پدرانه، مجبورمان می ساخت یکی از ما برای خرید روزنامه به اداره «اطلاعات» در خیابان خیام فعلی برویم و با دو برابر قیمت بخریم!

اگر اشتباه نکنم آنروزها قیمت روزنامه ۲ ریال بود (سالهای ۳۰) بعدها که کهولت بر او غالب شده بود و روزنامه فروش پیر هم فوت کرده بود، روزنامه را بیشتر من می خریدم که دبیرستان می رفتم یا دانشجو شده بودم و قیمتش ۵ ریال شده بود - البته «آرشیو اطلاعات» می تواند

این اعداد را تصحیح کند - از پول توجیبی که به ما می داد و پول روزنامه را هم در نظر می گرفت، روزنامه را برایش می خریدم. و او به همان اندازه که اطلاعات می خواند، شوق خواندن مجله «ترقی» را هم داشت که هفتگی بود و دوشنبه ها منتشر می شد و من آنرا می خریدم و او تمام داستانهایش را می خواند. غرض، ترسیم فضای زندگی یک خانواده کثیرالعضو و خریدار اطلاعات بود که ببینیم چگونه روزنامه به آن وارد می شد.

واقعاً تصور اینکه اداره یک خانواده کثیرالعضو که همیشه چند دانش آموز داشت و همه مصرف کننده بودند به اضافه محل درآمدی که به علت بحرانهای کوچک و بزرگ اقتصادی افت و خیزهای مالی داشت و آسیب پذیر بود و برای پیرمرد دغدغه افزا، چگونه وقتی برای روزنامه خوانی برای آدم باقی می گذارد، بسیار مشکل است. ولی این حقیقتی بود که در اطراف ما جریان داشت.

بخاطر دارم در سالهای دانشجویی من که اواخر سالهای ۳۰ و زمان نخست وزیری دکتر امینی بود که پس از شریف امامی روی کار آمده بود، مجله توفیق به همین مناسبت برای تعریف اوضاع کاریکاتوری روی جلد چاپ کرده بود که «هیچ اتفاقی نیفتاده، شخص «شریفی» رفته و فرد «امینی» آمده است!» فضای سیاسی کشور کمی تا قسمتی باز شده بود و بعد هم اسداله علم روی کار آمد که هیجانات سیاسی آن روزها و رقابتی که بین دو روزنامه عصر یعنی اطلاعات و کیهان بود، منجر به اعلام تحریم اطلاعات توسط گروه های سیاسی آن زمان شد. این تحریم در خانه ما عملی نشد و پدر همچنان «اطلاعات» می خواند. می بینی که این اشتیاق چقدر «فراجناحی» بود؟!

در روزنامه دنبال سند می گشت

ناگفته نماند، وجه مشخصه عقیده ای اش مثل خیلی از هم نسلانش که از لحاظ سواد بالاتر از او بودند این بود که «انگلیس ها» را مدیر و سرور دنیا می دانست و همیشه دنبال سندی در روزنامه برای اثبات این موضوع بود. و طبیعی بود که پیدا هم می کرد! بکرات اتفاق می افتاد، من که در دوران دانشجویی تا دیروقت در اطاق خودم در طبقه دوم بیدار بودم و مطالعه می کردم، مواجه می شدم با اینکه او که تا دیروقت بیدار بود و روزنامه های گذشته را دورش می چید و دوره می کرد. مثلاً ساعت یک و دوی بامداد به طبقه بالا می آمد و می گفت «هادی، بابا، وقتی می گویم که این انگلیس از پشت به آمریکا خنجر می زند، بیخود نمی گویم. و بعد یک مطلب یکی دو خطی را از روزنامه های چند روز پیش نشانم می داد!»

از خصوصیات رفتاری او یکی هم این بود که تا از خواب بودن همه بجهه مطمئن نمی شد، نمی خوابید یعنی یک جور حس پنهان و آشکار نگهبانی. و گفتن ندارد که صبحها قبل از همه برای نماز بیدار می شد و ما را بیدار می کرد. باری....!

یادآوری چند مورد از اظهار نظرهای «سیاسی» این خواننده روزنامه اطلاعات و ذکر خاطرات کودکی و جوانیش، خالی از لطف نیست.

روزنامه خوانی و تحلیل حوادث

به یاد دارم که سال ۱۹۵۶ که جمال عبدالناصر رهبر مصر، اداره کانال سوئز را ملی اعلام کرد و تنگه «تیران» را بست، همزمان بود با انتخابات آمریکا و نامزدی - ژنرال آیزنهاور - وقتی نیروهای فرانسه و انگلیس و اسرائیل برای بازگشایی کانال به مصر حمله کردند و بعد از چند روز با اولتیماتوم آمریکا به عقب نشستند و آتش بس اعلام شد، پدر، پیروزی آیزنهاور را بر ترومن، پیش بینی کرد و به نوعی، این حوادث را بهم مربوط دانست. همین اواخر کتابی درباره ترور ناصرالدین شاه می خواندم که چگونه، بعد از ترور به دستور امین السلطان برای اینکه مردم معترض نشوند، جسد سلطان صاحبقران را در کالسکه نشانندند و دو نفر را مامور کرد دو طرف او نشستند و از پشت سر دستهای خود را دراز کردند و نفر سمت چپ، شاخه سمت راست و نفر سمت راست هم شاخه چپ سبیل ملوکانه را می تاباندند و مثلاً به سلطان بیجان، زندگی می دادند و خود امین السلطان که در کالسکه مقابل شاه بیجان نشسته بود به دکتر «تولوزان» که به دنبال ترور شاه به حضرت عبدالعظیم رفته بود، فرمان داد که همراه کالسکه ملوکانه باشد و هر از گاهی ظرف آبی را به دهان سلطان صاحبقران بیجان نزدیک می کرد و بقیه آب را کف کالسکه می ریخت. به خاطر آوردم از پدر که می گفت ۶ یا ۷ ساله بوده که در مسیر کالسکه قرار گرفته و تاباندن سبیل ملوکانه را می دیده. اینکه بعدها مثل من و خیلی زودتر کتابی در این باره خوانده یا بعد از سالها مشاهدات کودکان خود را برای من تعریف کرده، بی شک نشان از وسعت ذهن او داشته که حرفه اشتغالی خود را از بنایی شروع کرده و آن طور که خودش می گفت، همراه حاج حسین لرزاده و حاج حسینعلی آپاد در کاخ مرمر گجکاری و گجبری می کرده که اصطلاحاً به آن «لندنی سازی» می گفتند. به دلیل مسائل اقتصادی اش، ذره های تردید در «درستی» گفتار و رفتار او ندارم. «توهم» و «تخیل» و «ذهنگیری» ناشی از جهان بینی او مسئله دیگری است. آن طور که خودم شاهد بودم، مشاور حاج حسین لرزاده بود که معمار مسجد اعظم قم بود. اوایل سالهای ۴۰، هر از گاهی اتومبیلی به منزل ما می فرستاد و پدر را به قم می برد و شب بازمی گرداند. در کنار همه اینها و سرپرستی و تکفل یک خانواده کثیرالعضو، که هر وقت گرد سفره می نشستیم من برق غرور و رضایت و آرامش را در چشمانش می خواندم، روزنامه اش را ولو چند روز از آن گذشته بود می خواند و مرور و دوره می کرد. افزون بر تمام اینها، دهه سوم ماه صفر، عزاداری سیدالشهدا در منزل برقرار بود که خودش برای خانواده یک «حادثه» مهم بود با تمام حاشیه هایش.

در یکی دو سال اخیر و در ارتباط با بحران های منطقه ای و مسائل عراق به نقل از روزنامه ها و شاید شبکه های اجتماعی که بسیار متعددند، مطلبی شنیدم که بعد از جنگ جهانی اول و فروپاشی دولت عثمانی، فاتحان جنگ تصمیم گرفتند که قیمومیت و سرپرستی عراق را به اعتبار وجود اماکن متبرکه و عتبات عالیات به دولت ایران و حکومت شیعه آن واگذار کنند که رضاشاه یا احمدشاه (؟) - بهر حال سالهای اول انتقال سلطنت از قاجاریه به پهلوی - و رجال پیرامون نپذیرفتند و حل مسئله به راه دیگری رفت. به یاد آوردم که این موضوع را در سالهای جوانی از پدرمان شنیده بودم. و اخیراً با زنده یاد دکتر باستانی هم در میان گذارده بودم که برایش جالب بود و قول پیگیری و مستند ساختن درستی یا نادرستی آنرا داد. بعید می دانم که «قصه گوی» تاریخ معاصر چیزی از آن نشنیده باشد. باید از آنها که کتابهای فراوان او را بیشتر خوانده اند، بپرسیم.

روزنامه خوان باهوش و باایمان

گفتم هیچوقت نفهمیدم پدر چند کلاس سواد دارد

یا به کدام مکتب خانه رفته است. اینقدر بود که می دانستم پدر بزرگ پدرش، زمان محمدشاه قاجار، از دزفول به تهران کوچ کرده و تهرانی شده و در تهران، با خانواده مادری مان که همان زمان ها از تبریز به تهران کوچ کرده بودند، همسایه و فامیل شده بودند. به طوری که پدرمان پسردایی پدر بزرگ مادری مان بود که قتاد بود. باری، اینکه پدر کجانبایی یاد گرفت و چه وقت معمار شد، نمی دانم. اینقدر می دانم که وقتی مثلاً عقل رس شدیم، به اعتبار حرفه پدر، در محل به ما «معمارزاده» می گفتند. و این طور می دانم که در حرفه اش، به دلیل مسائل اعتقادی و ایمانی، بسیار «درستکار» و به دلیل مسائل هوشی و ذهنی بسیار «کار درست» و مجرب بود. تعطیلات تابستانی مدارس را، به اقتضای محدودیت برنامه های تفریحی زمان، در ساختمانها تحت مدیریت اجرایی او که بیشتر ملکی بودند تا کارفرمایی غیر، سپری می کردیم و من بیشتر از برادرانم از این شانس برخوردار بودم. بعدها که به دلایلی وارد حرفه مهندسی و نقشه برداری شدم، به عینه می دیدم که «مقاومت مصالح» را در همان حد کاربری و مصرف، خوب می شناسد و «هندسه» ساختمان را از نظر هماهنگی و تناسب اجزاء می فهمد. «پلان» ساختمانهایش را خودش طراحی می کرد و نمای ساختمانها را همیشه حاضرالذهن بود. در رفتارهای روزانه اش در محل، یا محجوبانه، سر به زیر بود و بر روی کمتر کسی نگاه می کرد، یا کنجکاوانه، سر بهوا بود و نمای ساختمانها را «ورانداز» می کرد و «ایده» می گرفت. با چنین خصوصیت شخصی، اینکه در زمره اولین روزنامه خوانها باشد، عجیب نیست. در دوره ای که مردم عادی کمتر «سیاسی» بودند، حتی در دوره نهضت ملی که «عیار» فکر و عمل سیاسی خیلی بالا رفته بود، دعوای «مشروعه» و «مشروطه» را بدون جهت گیری شخصی از هم تفکیک می کرد.

استقراض برای نخستین شماره «اطلاعات»

به اعتبار خبری که در صفحه ۸ ضمیمه روز یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۴، ستون «امروز در تاریخ» آمده، با عنوان: «استقراض پول برای راه اندازی روزنامه اطلاعات» چنین آمده: «سی و یکم خرداد ۱۳۰۵ در محافل تهران صحبت از این بود که عباس مسعودی مدیر مرکز اطلاعات (نخستین خبرگزاری غیردولتی ایران) سرگرم استقراض است تا بزودی روزنامه ای به همین نام (اطلاعات) منتشر کند، نخستین شماره اطلاعات ۱۹ تیر ماه ۱۳۰۵ انتشار یافت. و این شاهد بدان آوردم تا بدانی که هم وعده جناب داعی در برگزاری مراسم نودمین سال انتشار اطلاعات، وعده حق است، و هم، مدّعی مستند این «خاطرات» که با آن سابقه، هنوز «اطلاعات» می خوانم و چه و چه... باری!» سالها بعد از انتشار «اطلاعات»، قطع و صفحات روزنامه به ابعاد و تعداد امروزی نبود و کوچکتر و کمتر بود. همکاران قدیمی اطلاعات حتماً می دانند که این تغییرات که بی تردید دلایل فنی و اقتصادی و رقابتی و سیاسی و اجتماعی و ... داشته است، در چه زمانهایی رخ داده و ذکر آنها لازم نیست.

دیدار اطلاعات در سال ۳۷

فقط در «تبصره الحاقی» این خاطرات این راهم بگویم، در سال ۳۷ که من برای استخدام در آموزش و پرورش، کلاس کارآموزی می دیدم، همراه جمعی توفیق دیدار موسسه «اطلاعات» و دستگاه چاپ «روتاتیب» آنرا یافته ام که در ایران شاید منحصر به فرد بود و نشان از نوآوری های مدیریت موسسه داشت. دیگر اینکه، در کنار چاپ «روزنامه» روزانه و اطلاعات هفتگی و نشریات ماهانه و اختصاصی بانوان و کودکان - و شاید هم زودتر از اینها - ترجمه و چاپ کتابهای روز هم در دستور کار

موسسه بود - که نه چون امروز به صورت پاورقی و ستونی - بلکه هر شب با قطع رقی در ۴ صفحه وسط منتشر می شد. و من آنها را می بردم و پس از اتمام آنها را صحافی و جلد می کردم و اکنون تعدادی از آنها را به عنوان یادگاری از این سابقه رابطه با «اطلاعات»، در کتابخانه خود دارم. مثلاً با کتاب «ربه کا» اثر «دافنه دوموریه» ترجمه حسن شهباز، چاپ اردیبهشت ۱۳۳۳ یا «گیتا دختر کولی» اثر «هاتله» ترجمه حکیم الهی ۱۳۳۴ یا «خاطرات جنگ دوم جهانی» نوشته «وینستون چرچیل» ترجمه تورج فراز مند، یا، «یادداشت های یک دیکتاتور» ۱۳۳۵ یا بعضی را که از دست داده ام مثل «هوسهای امپراطور» ۱۳۳۴ نوشته هنریک سینکویچ، ترجمه حسن شهباز، یا «یوسف گاریبالدی» قهرمان ملی ایتالیا، از همین طریق گردآوری و تجلید و صحافی شده اند.

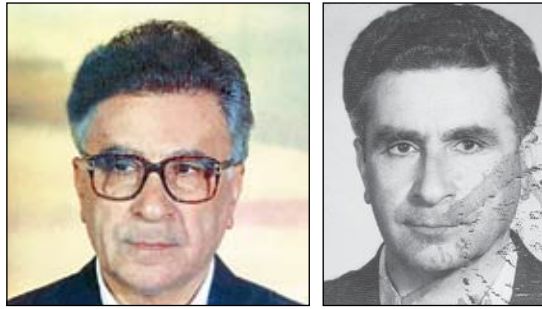
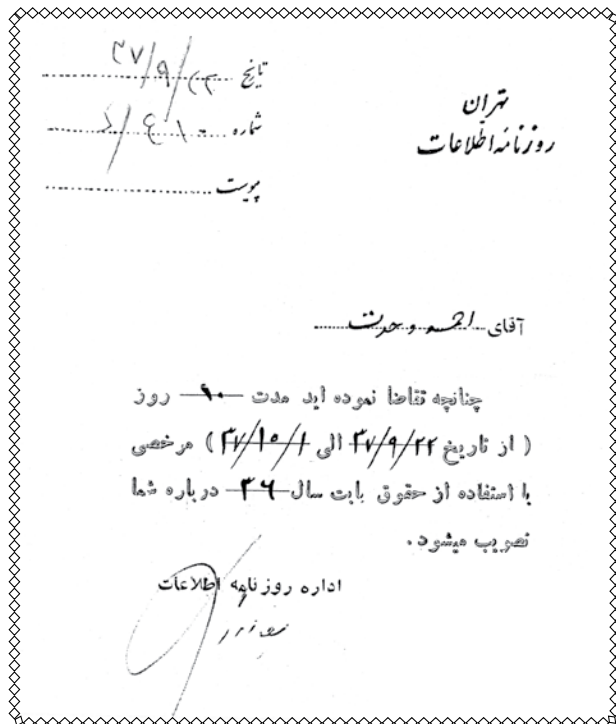
البته، ذکر وجود این کتابها برای «اطلاعات» و نظام «آرشیوی» «روزآمد» و منظم و مدرن آن، حتی در حدّ نوعی «زیره به کرمان بردن» هم نیست. اینقدر هست که این «خاطره» را «مستند» می کند و «شاهدی» است بر ارتباط قدیم با «اطلاعات».

انسان موجود فرهنگی است

در تورتی که به همین بهانه بر این کتابها داشته ام، نکته ای توجهم را جلب کرد که برایم خاطره انگیز بود. در کتاب «یادداشت های یک دیکتاتور و علل پیدایش آنان»، که نام نویسنده و سال انتشارش در پایان کتاب، «حکیم الهی» و ۱۳۳۵ ذکر شده و شیوه نگارش زمانی و «رومانتیک» کتاب در ۲۵۲ صفحه قطع رقی با حروف روزنامه ای، کاملاً معرّف نام نویسنده و میزان اعتبار متن آن است، در صفحه اول مطلب کوتاهی به دو زبان انگلیسی و فارسی درج و «کادره» شده بود با این متن: من فقط روزی به این حق که یک فرد می تواند، مستبدانه و دیکتاتورانه بر ملتی حکومت کند معتقد خواهم شد که به چشم خود مشاهده نمایم فردی با چکمه و مهمیز و ملتی با زین و پالان متولد شوند! «سیدنی» این «سیدنی» را من آن زمان نمی شناختم و هنوز هم نمی شناسم و به گمانم احراز هویت او را می توان به همان نویسنده واگذار کرد! اما این نقل قول از او از آن زمان تاکنون به حکم «ما قال، نه من قال» بر جان من نشسته است. نگاه تاریخی به سیر تحول جامعه شناسی، به یاد آدم می آورد که در این مقوله اظهار نظرهای متناظر و متشابهی شده است. شاید قدیمی ترین آن در مصحف شریف آمده که خداوند هیچ مردمی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنها خود را تغییر دهند. این «تغییر» مفهوم گسترده درازدامنی است که تمام تاریخ جامعه شناسی و مردم شناسی و انسان شناسی را پر کرده است. برخورد تحلیلی با این تاریخ بر حسب جهان بینی اقتصادی و اجتماعی و فیزیکی و متافیزیکی و ... «تفسیر» و «تعبیر» های متنوعی از این «تغییر» بدست می دهد که فصل مشترک همه آنها به «من» انسان، نه «منیت» انسان می رسد و به اصطلاح امروزی، «سلول بنیادی» همه مکاتب اجتماعی و محل و محل خردورزی و اندیشه انسان استعلامی است که «فرهنگ» را تعریف می کند. انسان یک موجود فرهنگی است. دیگر موجودات، نیستند.

می بینی که چگونه این «خاطره» از خط خود خارج شده و تغییر کرده است؟! این تغییر خط را به پای لطف جناب «دعایی» در روز پنجشنبه ۲۱ خرداد ۹۴ بگذارید. و همه دعا کنیم که «اطلاعات» برقرار باشد و اطلاعات ما به آگاهی و فرهنگ «تغییر» کند و متحول شود.

هادی سودبخش - تیرماه ۹۴



آنروز
و
امروز

نامه و خاطره یک همکار

احمد وحدت تربتی

(همکار بخش تصحیح روزنامه اطلاعات و اطلاعات هفتگی در سالهای ۳۵ تا ۳۸)

جناب حجت الاسلام آقای دعایی، مدیر مسئول نشریات اطلاعات با سلام و درود و احترام. اینجانب احمد وحدت تربتی از دیرباز به روزنامه اطلاعات علاقه و دلبستگی خاصی دارم. علاوه بر مطالب خوب و مقالات جالب و انتشار اخبار ایران و جهان که هر خواننده‌ای را جذب می‌کند این بنده علاقه و وابستگی زیادی نسبت به اطلاعات دارم. زیرا علاوه بر جاذبه‌های این نشریه، سه سال از بهترین ایام عمرم را - سالهای دانشجویی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ - یعنی تا فراغ از تحصیل در دانشسرای عالی تهران، در ایام فراغت از کلاس در دایره تصحیح روزنامه یومیه و گاهی در اطلاعات هفتگی به کار مشغول بودم.

مدت کوتاهی نیز مسئول تصحیح روزنامه صبح اطلاعات بودم. البته روزنامه صبح اطلاعات دیری نپایید. زیرا مردم همواره عادت کرده بودند، اطلاعات را در هنگام بعدازظهر و عصر بخوانند. البته مرحوم مسعودی از این بابت خیلی ناراحت شد، زیرا حسابش درست درنیامده بود. او در مسافرت‌هایی که به کشورهای اروپایی و آمریکا کرده بود، دیده بود که معمولاً در آن نواحی مردم بیشتر روزنامه‌ها را هنگام صرف صبحانه مطالعه می‌کنند. بهر حال استقبالی نشد و چاره‌ای جز تعطیل روزنامه صبح نبود. زیرا مسئله، عادت مردم بود و «ترک عادت هم که موجب مرض است»!

کارهای مربوط به روزنامه صبح، از ساعت ۵ بعدازظهر تا کمی بعد از نیمه شب ادامه می‌یافت. و در این فاصله که به تصحیح مطالب قبل از چاپ می‌پرداختیم، غالباً آقای مسعودی و آقای علی اصغر حاج سیدجوادی سردبیر اطلاعات نیز می‌آمدند و به کار آماده شدن مطالب روزنامه صبح سرکشی و نظارت می‌کردند. و ما کارکنان و گاهی حروف چین‌ها نیز شاهد و شنونده سخنان مرحوم مسعودی و سردبیر بودیم.

یکبار قبل از ۲۸ مرداد ۳۷ یعنی مثلاً روز بیست و پنجم، آقای مسعودی به آقای حاج سیدجوادی گفت بزودی ۲۸ مرداد می‌آید، شما مطلبی در مورد ۲۸ مرداد ۳۲ بنویسید. سردبیر گفت: دیگران باید بنویسند تا من مطلب را بخوانم و ویراستاری کنم.

آقای مسعودی گفت: سه روز قبل شما بمناسبت گران شدن نرخ چای در قهوه‌خانه‌ها، آن مطلب بسیار خوب را نوشته بودید. ماجرا این بود که چای در قهوه‌خانه‌ها از دانه‌های دهشاهی (نیم ریال)، شده بود هر دو چای سی شاهی. و آقای سردبیر استدلال کرده بود که این گرانی موجب گران شدن چیزهای دیگر هم خواهد شد و باصطلاح از این گرانی انتقاد کرده بود. بعد هم در مقابل سخنان آقای حاج سیدجوادی، آقای مسعودی گفت: آخر شما سردبیر هستید! آقای حاج سیدجوادی در جواب گفت: من تقاضای سردبیری نکرده‌ام، شما چنین ابلاغی به من داده‌اید. و خلاصه اینکه چون آقای حاج سیدجوادی مخالف کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بود بالاخره حاضر نشد چیزی در تأیید آن بنویسد. او مردی بود صاحب عقیده و سرسخت، و پای عقیده و باورش می‌ایستاد.

جناب آقای دعایی. حرف می‌آورد. شنیدم چند سال پیش آقای بهرام مسعودی به ایران آمده و به مؤسسه اطلاعات سر زده است. گویا جنابعالی در حضور او و همکاران، از مرحوم عباس مسعودی ذکر خیری کرده‌اید. و از او بعنوان پایه‌گذار اطلاعات یاد کرده و به خدمات آن مرحوم اشاره داشته‌اید. این کار شما عملی خوب و پسندیده و انسانی است. بقول شاعر:

حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد

زمانه را قلمی، دفتری و دیوانی است

ضمناً ذکر خیری از شادروان استاد باستانی پاریزی همشهری حضرت‌تعالی و طلب آمرزشی برای ایشان بکنیم که بقول استاد فقید آموزش و پرورش ما، دکتر محمدباقر هوشیار، می‌تواند مصداق این سخن باشد:

«عظیم باشید و متواضع». مرحوم باستانی چنین بود.

ضمناً از آن فرمول احوالپرسی کرمانی شما و مرحوم پاریزی یادآوری کنیم که در روزنامه شماره ۲۵۸۷۱ اطلاعات چاپ شده بود و من در دفترم یادداشت کرده‌ام و در نوع خود بی‌نظیر است و لذت‌بخش:

«آب روونی، برگ گلی، عجبی، تعجبی، بعد از نه هر گزی، آب روونی اوامده، برگ گلی آورده، قدم رو چشم ما گذاشتین، نون خورمویی خوردین، نگاه زیر پاتون کردین...»

جناب آقای دعایی. همانطور که قبلاً ذکر کردم من در سالهای دانشجویی در تهران (سالهای ۳۵-۳۸) در ایام فراغت از تحصیل، در آن مؤسسه بکار تصحیح مشغول بودم و به آن افتخار می‌کنم. نمونه‌ای از حکم ده روز مرخصی سال ۳۶ را ضمیمه کرده‌ام. خواهشمندم به قسمت بایگانی مؤسسه دستور فرمائید تا اگر نظیر چنین ابلاغی در پرونده اینجانب وجود داشت، فتوکی از آنها را در اختیارم بگذارند. بی‌تردید، همه آنها موجب مباهات خواهد بود. ضمناً یادآوری می‌کنم که در آن زمان در دایره تصحیح اطلاعات یومیه، دوست عزیزم آقای محمد صالحی آرام نیز همکار اینجانب بودند.

خدا یار و نگهدار تان باد.



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



حبیب کریمی

نگاهی به:

روزنامه‌های هوایی که در ایران انتشار یافت

خوشبختانه قیاق و سرحال و ایستا به کار تحقیق و پژوهش و کشاورزی و دامداری (میراث باقیمانده از پدر) می‌پردازد.

کیهان هوایی

* سال ۱۳۵۱، وقتی کیهان هوایی روزنامه‌ای که قرار بود برای دانشجویان و ایرانیان مقیم اروپا و آمریکا چاپ شود در آستانه انتشار بود، روزنامه‌نگار جوان و خوش ذوق و علاقمندی به نام حسین قندی به کیهان رفت و شد معاون سردبیر کیهان هوایی. حسین قندی در کیهان هوایی مسئولیت بخش سیاسی را عهده‌دار شد. جوان ۲۱ ساله، پرشور و علاقمند به روزنامه‌نگاری، او نوشتن را در کیهان هوایی تجربه کرد و برای چاپ خبر و گزارش تا مقاله و مطلب در آن قلم روان خود را به کار گرفت که مهمترین آنها سرمقاله‌ای درباره روابط سیاسی ایران و هند بود. قندی سپس خود به‌مانند دانشجویان مقیم کشورهای دیگر به خارج رفت. و با توجه به آنکه در سال ۱۳۵۴ از دانشکده علوم اجتماعی (علوم ارتباطات سابق) در رشته روزنامه‌نگاری گواهینامه کارشناسی دریافت کرد، برای تداوم تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری و اخذ کارشناسی ارشد وارد آمریکا شد.

قندی بعد از اتمام تحصیل به ایران بازگشت و مجدداً به کیهان هوایی پیوست و تا سال ۱۳۷۲، کار در انتشار کیهان هوایی را ادامه داد. خدایش او را بیامرز که رفتنش حیف شد، اما خانواده‌اش کاری کارستان کردند و چشم‌های خندان و زیبایی او را به جوانی اهدا کردند که در اثر تصادف نابینا شده بود. آن جوان حالا باید به خود ببالد که چشمان مردی با اوست که به استاد تیتیر معروف بود. به قولی آنکه چشمان این روزنامه‌نگار را اینک برای خود دارد بی‌تردید تیتیرها را «قندی» می‌بیند. استادی خندان و شاداب و با اخلاق و منضبط و شیرین بیان و مهربان و شیک‌پوش و موقر و متین. یادش گرمی باد.

* همانگونه که عنوان شد اینک اطلاعات بین‌الملل جایگزین اطلاعات هوایی شده و قدیمی‌ترین روزنامه که در خارج کشور انتشار می‌یابد به شمار می‌رود. نویسنده از وضعیت کیهان هوایی مطلع نیست، اما می‌داند که آژنگ هوایی در سال ۱۳۵۰ به محاق تعطیلی افتاد.

* توضیح روزنامه اطلاعات: «کیهان هوایی» که با همکاری

روانشاد حسین قندی منتشر شده بود و با مدیرمسئولی عباس سلیمی نمین تا سال ۷۲ تداوم انتشار یافت، هفته‌نامه‌ای بود که در داخل کشور به چاپ می‌رسید و آنگاه با پست هوایی به خارج کشور فرستاده می‌شد. در حالی که «اطلاعات بین‌الملل»، اولاً نخستین و هنوز هم تنها «روزنامه فارسی زبان» است.

چاپ و انتشار آن نه به صورت هفتگی بلکه واقعاً هر روزه انجام می‌گیرد. ثانیاً پس از تنظیم اخبار و گزارش‌ها و مقالات و حروفچینی و صفحه‌بندی کامل آنها (در داخل)، از طریق سیستم‌های دیجیتالی به خارج کشور منتقل و سپس در همانجا چاپ و منتشر می‌شود. روزنامه «اطلاعات بین‌الملل» دارای یک صفحه به زبان انگلیسی و هفت صفحه به زبان فارسی است و از آغاز این منظور را تعقیب می‌کرد که حتی‌المقدور در میان نسل جدید ایرانیان خارج کشور دوستداران زبان و ادبیات و روزنامه‌نگاری و وطن‌شان ایران را نسبت به این حوزه فرهنگی و مطبوعاتی، آشنا و آگاه نگه دارد.

از هنگام انتشار وقایع‌التفاقیه زمان امیرکبیر تاکنون روزنامه‌ها و مجلات و نشریات متعدد و متنوعی انتشار یافته که هر کدام در نوع خود بی‌نظیر و حتی کم‌نظیر بوده‌اند که بسیاری از آنها دیگر در دسترس مردم قرار ندارد و فقط می‌توان در کتابخانه ملی و یا مجلس شورای اسلامی یا کتابخانه‌های سازمان‌ها و نهادهای دولتی و یا کتابخانه‌های خصوصی یافت.

در این راستا از زمان امیرکبیر که اولین دانشجویان ایرانی به خارج از کشور رفتند تا درس جدید بیاموزند و بعد از تحصیل تخصص و مهاجرت به ایران بازگردند، به جز معدودی از دانشجویان که از اخبار و رویدادهای داخل کشور مطلع بودند، بقیه دانشجویان مقیم خارج از آنچه که در کشور می‌گذشت در بی‌اطلاعی محض به سر می‌بردند. مگر از طریق نامه‌هایی که از ایران و از سوی اولیای آنها برای آنان ارسال می‌شد و ضمن آن از اوضاع و احوال کشور باخبر می‌شدند.

اطلاعات هوایی

* در این راستا برای اولین بار مؤسسه اطلاعات علاوه بر انتشار روزنامه یومیه و انتشار نشریات هفتگی مثل جوانان امروز و بانوان و الاخاء (به زبان عربی) تهران ژورنال (زبان فرانسه)، دنیای ورزش، هفتگی و ...، مبادرت به انتشار روزنامه‌ای به نام اطلاعات هوایی نمود که اولین سردبیر آن حمید مشهور نام داشت و صاحب روزنامه نیز عباس مسعودی بود.

این روزنامه مختص دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج از کشور بود و متن و محتوای آن خلاصه اخبار و رویدادهای داخل کشور به اضافه مقالات و گزارش‌هایی درباره آنچه در ایران انجام می‌یابد بود.

تا آنجا که ذهن این نویسنده بیاد می‌آورد، نشریه مزبور که کاغذ و چاپ آن متفاوت با روزنامه کاهی اطلاعات و سایر نشریات وابسته به مؤسسه اطلاعات به شمار می‌رفت، مورد استقبال و پذیرش دانشجویان و ایرانیان خارج از کشور قرار گرفت و انتشار آن در زمان خود بدعتی تازه بود.

نویسنده از اینکه چرا آن نشریه دیگر انتشار نیافت اطلاعی ندارد اما می‌داند که اکنون اطلاعات بین‌الملل جایگزین آن نشریه شده که همزمان در اکثر کشورهای جهان انتشار می‌یابد و رسانه نوشتاری پرباری محسوب می‌شود.

آژنگ هوایی

* روزنامه دیگری که مخصوص دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج از کشور انتشار یافت، روزنامه یا ضمیمه دوهفتگی روزنامه یومیه آژنگ بود که مدیریت آن را سید کاظم مسعودی به عهده داشت. این نشریه نیز از سال ۱۳۴۵ به سردبیری رضا عزمی، سپس حمید دهقان و آنگاه این نویسنده تا سال ۱۳۵۰ که دولت وقت بسیاری از نشریات را توقیف کرد انتشار یافت. متن و محتوای آن، خلاصه اخبار و گزارش‌های مندرج در روزنامه یومیه بود. علاوه بر آن، مصاحبه‌ها و گفتگوهای هم با دولتمردان و گزارش‌هایی از آنچه در ایران از نظر عمرانی و اقتصادی و فرهنگی و ... روی داده بود درج می‌گردید. (شایسته است خاطر نشان نماید مدتی هم شادروان کیومرث حاتمی سردبیر آژنگ هوایی بود).

در آن سالها، وزارت علوم و آموزش عالی با همراهی سازمان جوانان کشور که ریاست آن را یکی از سردبیران رسانه نوشتاری یعنی ناصر خدایار به عهده داشت و برای دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج از کشور برنامه‌های دیدار از ایران ترتیب می‌داد که در نوع خود از جهت شناخت استعدادها و مقیم خارج از کشور مثل پروفیسور رضا، دکتر صادقی، دکتر شراره، دکتر امیدوار و دکتر کردوانی و ... بسیار مؤثر بود. جالبتر آنکه برخی از این چهره‌ها به ایران بازگشتند و پروفیسور رضا ریاست دانشگاه صنعتی شریف و سپس دانشگاه تهران را عهده‌دار شد. دکتر پرویز کردوانی مردی که خاک کویر ایران را طلا می‌داند همچنان تاکنون در ایران مانده است و

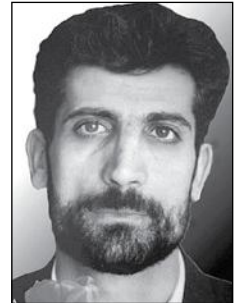
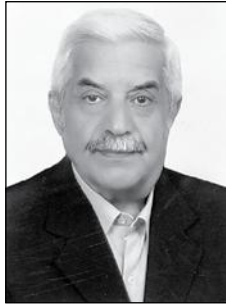
یاد آر ز شمع مرده یاد آر

یادی از منصور تاراجی مترجم و روزنامه‌نگار

حبیب کریمی



منصور تاراجی روزنامه‌نگار



شهید محمود صارمی
که ۱۷ مرداد به برکت
خون وی روز خبرنگار
نام گرفت



اشاره: در ایران، بعد از به شهادت رسیدن صارمی خبرنگار صداوسیما در کابل توسط تروریسم کور و ابلهانه «طالبان»، تصمیم بر این شد که روز هفدهم مردادماه هر سال به عنوان روز خبرنگار نامیده شود. در تمامی جهان برای خبرنگاران، این قشعر زحمتکش که مورد تعدی و تجاوز و اسارت و حتی «سر بردن» و ... قرار می‌گیرند، روز خاصی منظور شده تا از آنها تجلیل به عمل آید و از تلاش و کوشش آنها در وانمایی پشت پرده‌ها و بیان حقایق و راستی‌ها و نمایاندن واضح کژی‌ها و سستی‌ها تقدیر و سپاس معمول گردد.

بی‌شک تاریخ روزنامه‌نگاری در جهان اشباع شده از فداکارها، از خودگذشتگی‌ها، و سینه سپر کردنی‌ها خبرنگارانی است که جان خود را برای بیان حقایق در طبق اخلاص گذاشتند.

به هر تقدیر در کشورمان ایران نیز خبرنگاران و نویسندگان و گزارشگرانی بودند که در دوران روزنامه‌نگاری خود تأثیر گذار شدند. از جمله آنها می‌توان از منصور تاراجی خبرنگار و گزارشگر چالاک و بی‌باک یاد کرد که اینک سر در جیب خاک نهاده و به خانه ابدی پیوسته است.

آنچه در پی می‌آید، به قلم راقم این سطور است که در گذشته‌ای نه چندان دور در مناسبتی نوشته شد که تحت عنوان جایزه فروغ، از یکی از روزنامه‌نگاران قدردانی به عمل آمد و او منصور تاراجی بود.^۱ روانش شاد و قرین رحمت واسعه خداوند باد!

... «کار روزنامه‌نویس با کار یک شاعر تشابه بسیار دارد، همانطور که یک شاعر به محیط آزاد احتیاج دارد و هرگز در یک محیط خفقان و بسته نمی‌تواند پرورش بیابد یک روزنامه‌نویس نیز هرگز در محیط خفقان نتوانسته است گل بکند و به همین دلیل رابطه نزدیکی بین هنرمند و روزنامه‌نویس وجود دارد.

روزنامه‌نویس بیشتر از یک هنرمند و شاعر به آزادی نیاز دارد و روزنامه‌نویس در بیان مسائل اجتماعی در صف اول قرار گرفته، او باید راهگشای همکاران خودش در زمینه‌های مختلف باشد، اگر روزنامه‌نویس نتواند و یا نخواهد واقعیت‌ها را در روزنامه بیاورد، و درباره جریانهای فکر نو در جهان امروز سخن بگوید و خواننده را از همه مسائل آگاه سازد و نوکرسیم وزر باشد، در افیون بی‌خبری به سر خواهد برد و خواننده‌اش را گمراه خواهد کرد، روزنامه‌نویس باید در برابر مردم و در برابر تاریخ مملکت خویش احساس مسئولیت کند، جریانهای فکری اصیل را بشناسد و بشناساند، روزنامه‌نویس هر روز به آزادی بیشتری نیاز دارد تا مردم را از واقعیت‌های تاریخی و سیاسی میهنش بی‌اگاهانند. روزنامه‌نویس همواره در جبهه اول قرار دارد، به یاد آوریم که در جنبش مشروطیت، روزنامه‌نگاران در صف نخست قرار داشتند.

نویسنده یا باید حقیقت را بگوید و یا هیچ نگوید. قبل از هر چیز یک روزنامه‌نویس باید یک وطن‌پرست باشد.

اینکه میتکین جایزه فروغ به این فکر افتادند که به یاد روزنامه‌نویسها هم باشند، ستودنی است و من این را به جرات می‌گویم که بسیاری از روزنامه‌نویسان ایران، به جز یک دوران کوتاه، زندگی و حیات خودشان را در راه آرمانهای ملی از دست داده‌اند و اینک روزگاری است که باید مردم پشتیبان قلمهای حقیقت‌نویس باشند.

این فشرده سخنان منصور تاراجی روزنامه‌نگار برجسته و برگزیده سال بود که به خاطر کاوشگری و پرداختن نو در مسائل سیاسی و اجتماعی جهان و به خاطر به وجود آوردن آثاری چشمگیر در روزنامه‌نگاری ایران، مفتخر به دریافت جایزه مخصوص فروغ فرخ‌زاد، به عنوان بهترین روزنامه‌نویس سال شد.

نیک است در اینجا، منصور تاراجی را برای آن گروه از خوانندگان که بیشتر به اندازه کافی با این روزنامه‌نگار و خبرنگار فعال، آشنا نیستند، بازشناسیم:

منصور تاراجی در سال ۱۳۰۸ در تهران متولد شده است. پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه، به پاریس می‌رود و از سال ۱۳۲۹ الی ۱۳۳۳ در دانشگاه پاریس مشغول تحصیل می‌شود و در رشته علوم سیاسی به اخذ درج لیسانس نایل می‌گردد و در همان زمان از بورس روزنامه‌نگاری در دانشگاه سوربن بهره می‌برد و ضمن آن، دوره فوق لیسانس تاریخ را در دانشگاه سوربن طی می‌کند.

وی از سال ۱۳۳۷ به عنوان مترجم اخبار خارجی کار مطبوعاتی را به طور جدی آغاز می‌کند و در سال ۱۳۳۹ اقدام به افتتاح یک صفحه در روزنامه اطلاعات به نام عبور از پنج قاره جهان می‌کند (و این صفحه در آن سالها طرفداران بسیاری پیدا کرد).

شگرد کار مطبوعاتی منصور تاراجی در ایام جنگ الجزایر و فرانسه، قابل توجه است. وی به عنوان خبرنگار و مفسر سیاسی به الجزایر می‌رود و گزارش مستند تاراجی از جنگ استقلال طلبی مردم الجزایر بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد.

وی آنگاه به ترجمه کتابی به نام جمیله بویاشا دختر مبارز الجزایر و کتاب دیگری به نام پسر مچال می‌پردازد.

پس از کودتایی که در عراق روی می‌دهد و عبدالکریم قاسم سقوط می‌کند، تاراجی اولین روزنامه‌نگاری است که به عراق می‌رود و با عبدالسلام عارف رئیس جمهور جدید مصاحبه می‌کند و متن این مصاحبه در بعضی از جراید و مطبوعات خارجی درج می‌شود.

در نخستین جنگ هند و پاکستان تاراجی روزنامه‌نگار با پشتکاری است که به جبهه جنگ می‌رود و در جبهه لاهور به نگارش خبر و رپرتاژ می‌پردازد.

منصور تاراجی، در سال ۱۳۴۶ به عنوان نخستین روزنامه‌نگار ایرانی به الجزایر رفت و از جنگ بیافرا نیز گزارشهای جالبی تهیه کرد. وی سپس از کشورهای حبشه، کنیا، تانزانیا، ساحل عاج، داهومی، بنگال، مراکش،

گزارشهایی خواندنی تهیه کرد.

از آذر سال ۵۱، تاراجی عملاً مسئولیت صفحات داخلی روزنامه اطلاعات را به عهده می‌گیرد، و می‌کوشد تا تحول همه‌جانبه‌ای در محتوای مطالب این صفحات به وجود آورد.

وی دارای همسر است و دو فرزند به نام نگار و نیما دارد.

روانشاد منصور تاراجی در سال ۵۵، پس از سی سال کار در بانک ملی که به عنوان معاون روابط عمومی در بانک مزبور فعالیت می‌کرد بازنشسته شد و به لحاظ تسلط کامل به زبان فرانسه و دارا بودن دکترای تاریخ از دانشگاه سوربن به محله «مون پلیه» پاریس عزیمت نمود و با راه‌اندازی یک کتابفروشی، به فعالیت روزنامه‌نگاری خود ادامه داد. او در دوران فعالیت در ایران تا مرحله سردبیری روزنامه اطلاعات (به عنوان سردبیر شب) پیش رفت و در دوران بعد از انقلاب نیز چند بار به دامن مام میهن بازگشت و سالها قبل در پاریس جان به جان آفرین تسلیم کرد. یادش گرامی.

پانویست

۱. برگرفته از نشریه پست ایران، ۵۲/۱/۱، به قلم راقم این سطور.

۲. نانوشته نماند که هم‌قلم محترم خانم مینو بدیعی مدرس رشته روزنامه‌نگاری در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی حدود سی سال قبل با مشارالیها در روزنامه هفتگی «بازار روز» همکاری می‌کردیم، در آئین بزرگداشت استاد حسین قندی در تالار دانشکده علوم اجتماعی ضمن سخنانی اظهار داشت که روزنامه‌نگار باید درس روزنامه‌نگاری بخواند. ذکر این جمله باعث اعتراض و تعجب برخی از حضار شد. در پایان آن آئین، به مشارالیها اظهار داشتم قسمتی از سخن شما درست نیست که می‌گوئید یا معتقدید که روزنامه‌نگار حتماً باید درس روزنامه‌نگاری بخواند. ایشان یادآور شد که فعلاً جای بحث و جدل در این باره نیست. در حالی که ضمن سخنان خود از صور اسرافیل و فرخی یزدی و ... یاد کرد.

راستی آیا محمد مسعود، عباس مسعودی، کریم پورشیرازی درس روزنامه‌نگاری خوانده بودند؟ کریم پورشیرازی مدیر روزنامه طلوع در آتش برافروخته از خشم اشرف پهلوی در روز چهارشنبه سوری به خاطر نوشته‌هایش سوخت. در حالی که فقط دیپلم ادبی داشت و درس روزنامه‌نگاری هم نخوانده بود. محمد مسعود که پسوند دهاتی را هم زیر سرمقاله‌های خود درج می‌کرد، در دانشکده روزنامه‌نگاری گداخته شده بود که مقالات آتشین می‌نوشت و توده‌ای‌های خیانتکار و ملعبه دست استالین و حزب کمونیست او را کشتند؟ عباس مسعودی که روزنامه را ابتدا از دو دکان در بازار تهران آغاز کرد و سپس به خیابان خیام رفت و ساختمان رفیع روزنامه را به پا کرد، تحصیل‌کرده روزنامه‌نگاری بود؟



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



رها کردن جانب و جبهه به نفع منافع ملی

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دعایی، سرپرست محترم و گرانقدر موسسه اطلاعات، با سلام و احترام و آرزوی توفیق. از آنجا که در آستانه نود سالگی و پس از آن (با یک دهه فرصت) صد سالگی روزنامه و نهاد اطلاعات در سال ۱۴۰۴ هستیم، ضمن تبریک پیشاپیش این دستاورد مهم به جنابعالی، موسسه اطلاعات و جامعه ایران، پیشنهادهایی به نظر رسید که مناسب دیدم با حضرتعالی مطرح شود.

سال ۱۴۰۴ از یک سو صدمین سال تاسیس اطلاعات و از سوی دیگر سال هدف برنامه‌های کشور، معروف به «افق ۱۴۰۴» است. این تقارن می‌تواند دستمایه ما برای برداشت هر چه بیشتر و روشن‌تر از آرشیو روزنامه باشد تا به آنچه در این «نُه دهه» در روزنامه و سایر نشریات موسسه پرداخته شده، بپردازیم. از سوی دیگر برداشتها و تحلیلهای افراد سرشناسی را که در این سالها همکار اطلاعات بوده‌اند یا مطالبی از آنها در اطلاعات به چاپ رسیده، جمع‌آوری کرده و تا حد امکان نظر آنها را در رابطه با آنچه ده، بیست، چهل سال پیش گفته یا نوشته‌اند جویا شویم. بعضی از آنها مسئولان دیروز هستند که امروز مسئولیتی ندارند و برخی دیروز مسئولیت نداشته‌اند و امروز در مسئولیتهای مختلفی هستند. کنار هم قرار دادن گفته‌های آنها در زمانها و موقعیتهای مختلف زندگی شخصی و شغلی می‌تواند جالب بوده و برای نسل امروز و فردای مملکت روشنگری کم‌نظیری داشته باشد. برخی ممکن است در ایران و بعضی در خارج از ایران باشند که می‌توان به ترتیبی با آنها این مصاحبه‌ها را انجام داد.

در حال حاضر و در گام نخست، پیشنهاد بنده این است که برای نوروز سال ۱۳۹۴ که نودمین سالگرد فعالیت موسسه است کتابی با عنوان «نُه دهه» آماده شود که در آن مقالاتی از بزرگان رشته‌های مختلف جمع‌آوری گردد که به وضعیت علوم مختلف در این نُه دهه بپردازند و یک بخش دیگر کتاب به فعالیتها، عکسها و تحلیلهای اطلاعات و از همه جالب‌تر به همکاران روزنامه اطلاعات از ابتدا تا کنون بپردازیم. همکارانی که هر یک از بزرگان و برجستگان کشور بوده‌اند و در دوره‌ای در روزنامه اطلاعات کار می‌کرده‌اند یا همکاری داشته‌اند.

نفس اینکه در یک جامعه یک روزنامه در آستانه صد سالگی است، پدیده‌ای بسیار مبارک است که به نظر می‌رسد لازم باشد در این خصوص حرکتی صورت گیرد که به صورت غیر مستقیم این دستاورد ارزشمند اطلاع رسانی ملی و جهانی شود و کشور از منافع این تبلیغ ظریف، علاوه بر ابعاد ملی در ابعاد جهانی بهره مند گردد.

نامیک ملی [برند ملی] یک کشور از شناخت موجود از مجموع افراد و نهادهای آن جامعه ساخته می‌شود. و از مهم‌ترین شاخصها برای اجازه حضور یک شخص یا یک نهاد در ترکیب نامیک ملی یک کشور، مدت حضور آن، در عرصه است. امروز بی شک اطلاعات، با قریب به یک قرن حضور در عرصه اطلاع رسانی، لازم است برای تقویت نامیک ملی کشور اقدام به معرفی شایسته تری از خود علاوه بر داخل کشور، در جهان و در منطقه داشته باشد و با این معرفی شایسته از یک سو سهم خود را از ارتقاء نامیک ملی و رشد اعتماد به نفس ملی ادا کند و از سوی دیگر با ارائه تحلیلی آنچه در این سالها ارائه داده، گامی را در عرصه رسانه‌های کشور بردارد، که به نظر می‌رسد فقط از اطلاعات ساخته است. اطلاعات، روزی پا به صحنه رسانه‌های کشور گذاشت که تعریف رسانه در جهان این بود که هر نهادی صدا، تصویر یا نوشته‌ای پخش می‌کرد، رسانه بود. و امروز در زمانه‌ای به حیات خود ادامه می‌دهد که شرط رسانه بودن، دیده شدن، شنیده شدن و خوانده شدن است. برای اینکه در بزنگاههای تاریخ بتوان نقش ایفا کرد باید رسانه بود و برای رسانه بودن باید یک عمر موثق و مورد اعتماد بود. و بهای آن قربانی کردن منفعت در پای مصلحت و رها کردن جانب و جبهه به نفع منافع ملی است. امر پرهزینه‌ای که اهتمام به آن به نفع بسیاری افراد خواهد بود، به ویژه افرادی که ممکن است امروز این رویه را نپسندند.

در پایان به سه هم خودم از تمامی بزرگواران موسسه اطلاعات، به ویژه شخص شما که سهم بسیار مهمی در حرکت سازنده و حفظ کشتی اطلاعات از توفانهای بزرگ و کوچک داشته‌اید قدر شناسی می‌کنم و از درگاه خداوند متعال طول عمر با عزت و سرشار از شادی برایتان آرزو دارم.

امیررضا پوررضایی

(نویسنده، پژوهشگر و مهندس عمران)



تبریک ۹۰ سالگی یک نهاد فرهنگی کاری طاقت فرسا و خطیر

جناب آقای حجت الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی، مدیر مسئول محترم روزنامه اطلاعات، سلام علیکم. ۲۰ تیرماه یادآور نودمین سالگرد انتشار روزنامه وزین اطلاعات است که توانسته طی نزدیک به یک قرن فعالیت، الگویی نوین و خلاقانه از وقایع نگاری در قالب رسانه مکتوب در ایران را با تمام فراز و نشیب هایش فراوری مخاطبان خود قرار دهد. الگویی که به جای طعم گزنده انتقادات ناروا، با متانت در کلام، شاهد شیرین نقد منصفانه را به همراه بیان خدمات نظام مقدس جمهوری اسلامی در کام مخاطبان خود می‌نشانند.

استواری، ثابت قدمی، تلاش و پشتکار جنابعالی و همکارانتان برای تولید و انتشار یک روزنامه مستقل و متعهد ستودنی است؛ آنهم در زمانه‌ای که انجام این مهم، کاری طاقت فرسا و خطیر است. اطمینان دارم در ورای این سخت کوشی، دل‌های عاشقی قرار دارند که برای سربلندی ایران اسلامی می‌تپند و مرارت‌ها و سختی‌های آن را تحمل می‌کنند. رجاء واقع دارم که روزنامه اطلاعات الهام‌بخش ارزش‌های راستین انقلاب اسلامی و پیشگام در حرکت جامعه ایران اسلامی به سمت قله‌های رفیع توسعه و آبادانی خواهد بود.

ضمن تقدیر و تشکر از فعالیت‌های ارزشمند جنابعالی و همکاران محترمان، این سالگرد را تبریک گفته و موفقیت و سربلندی شما خدمتگزاران به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را از درگاه باری تعالی خواهانم.

علی طیب‌نیا
وزیر امور اقتصادی و دارایی



پیامی از موسسه ملی زبان

سرور ارجمند حجت الاسلام حضرت آقای سید محمود دعایی. با سلام و ارادت. امسال حلول سال ۱۳۹۴ همراه با نودمین سال خدمات روزنامه اطلاعات است. روزنامه‌ای که با مدیریت سالم و حق جویانه جنابعالی نزد ملت ایران مرتبه والایی احراز کرده است.

هم حلول سال نو و هم در آستانه نودمین سال تولد اطلاعات، ظرفیت شگرف خدماتی این نامه ارزشمند را به جنابعالی و همکارانتان تبریک عرض می‌کنم.

ارادتمند
عباس حرّی
بتاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۹۳



ویژه‌نامه زیبا

حضرت حجت الاسلام سید محمود دعایی. مدیر مسئول محترم روزنامه اطلاعات. روز بخیر با سلام فراوان.

ویژه‌نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات [ویژه‌نامه اول در ۲۰ تیر ۹۴] را که اخیراً منتشر شده است، مطالعه کردم. خداوند به شما عمر باعزت و توأم با موفقیت بدهد که این روزنامه را به شکل وزینی سرپا نگاه داشتید، در حالی که بقیه نتوانستند این کار را بکنند.

من از دوستان شادروان داریوش فروهر هستم و افتخار آشنایی شما را در سالهای بلافاصله بعد از ۲۲ بهمن در منزل آقای فروهر داشتم. چندی پیش هم حضرت تعالی به جامعه جراحان ایران تشریف آورده بودید. حضور شما رسیدم که مورد لطف شما هم قرار گرفتیم و در همان تاریخ تصویری از من، آقای دکتر ایرج فاضل و دکتر کاظم عباسیون در روزنامه با متنی چاپ شد.

ویژه‌نامه زیبایی بود اگر چه جزیی تغییراتی در بعضی از اخبار سال‌های قبل داده شده بود ولی توجه شما به درج خبر قتل شادروان داریوش فروهر و پروانه فروهر در این زمانه قابل تحسین و تقدیر است. سپاس فراوان من را بپذیرید.

ارادتمند، دکتر سیاوش صحت
(دبیر علمی جامعه جراحان ایران)

بعد از انقلاب، اطلاعات می‌خوانم

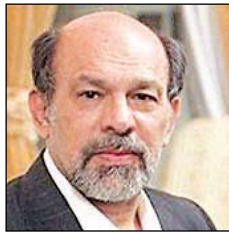
بنده از سال ۱۳۲۷ روزنامه خوان شده‌ام. زمان ملی شدن صنعت نفت، روزنامه باختر امروز و کیهان و شاهد را مطالعه می‌کردم. بعد از انقلاب روزنامه اطلاعات را مطالعه می‌کنم و روزنامه همشهری و گاهی اوقات هم آرمان و روزنامه دیگری که به نظرم برسد. و اما حقیقت آن است که روزنامه اطلاعات صفحه ۶ دارد که برای بنده جالب است و اکثراً آرشینو و نگهداری می‌کنم. گاهی اوقات شاید دو بار به خواندن این صفحه می‌پردازم. اطلاعات، سالگرد انتشار در ۹۰ سالگی خود را جشن می‌گیرد که تبریک می‌گویم. امیدوارم که توفیق دوام داشته باشد برای همیشه.



عزیز الله علاءالدینی
(کارآفرین و از بنیانگذاران مؤسسه خبریه کهریزک و خواننده مستمر روزنامه اطلاعات)



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



پیامی از دانشگاه آزاد

استاد گرامی و یار یک جهت حق گزار ما
جناب آقای دعایی عزیز. با سلام و احترام. سالروز ۹۰ سالگی روزنامه اطلاعات، صور اسرافیل
مداری فرهنگی و اجتماعی ایران که با مدیریت امین و قوی حضرت تعالی در جامعه علمی و فرهنگی
کشور جای بالا و مرتبت والایی پیدا کرد، تبریک عرض می‌کنم و از خداوند بزرگ برای آن سرور
ارجمند و فرهیخته تداوم توفیق و سلامتی را آرزومندم.

با تشکر
حمید میرزاده
۱۳۹۴/۴/۲۰

سپاسگزار
استاد گرامی و یار یک جهت حق گزار ما
جناب آقای دعایی عزیز
بسم ربهم
سالروز ۹۰ سالگی روزنامه اطلاعات، بهر سرافرازی و توفیق علمی و فرهنگی ایران
مراد برسد. این روزی حضرت تعالی در جامعه علمی و فرهنگی
کشور جای بالا و مرتبت والایی پیدا کرد، تبریک عرض می‌کنم و از خداوند بزرگ برای آن سرور
ارجمند و فرهیخته تداوم توفیق و سلامتی را آرزومندم.
حمید میرزاده
۱۳۹۴/۴/۲۰

اعتدال و انصاف

برادر ارجمند حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی مدیر مسئول محترم روزنامه اطلاعات.
با اهدای سلام و تحیت و آرزوی قبولی طاعات و عبادات، بدینوسیله نودمین سالگرد انتشار روزنامه اطلاعات را
به جنابعالی و مجموعه فرهیخته این روزنامه وزین تبریک عرض می‌نمایم. بی‌شک روزنامه اطلاعات گنجینه‌ای
پر بها برای تاریخ معاصر ایران است و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نیز با مدیریت مدبرانه شما توانسته
است با رعایت اعتدال و انصاف در ارتقاء فرهنگ عمومی جامعه مؤثر واقع گردد. توفیق روزافزون جنابعالی و
مجموعه همکاران گرامیتان را از درگاه ایزد متعال خواستارم.



داود محمدی

نماینده مردم شریف قزوین، آبیک و البرز

مجاهدت ۳۶ ساله

استاد ارجمند حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمود دعایی، مدیر مسئول محترم روزنامه
وزین اطلاعات. با سلام و عرض ادب؛ ضمن عرض تبریک به مناسبت آغاز نودمین سال فعالیت مؤسسه اطلاعات،
بر خود لازم دانستم از مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر جنابعالی طی ۳۶ سال گذشته در انتشار روزنامه وزین
اطلاعات کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم. بدون شک «اطلاعات» نمی‌توانست ۹۰ ساله شود مگر در
سایه عنایت‌های روحانی انقلابی و مطبوعاتی به نام سید محمود دعایی. پیروزی، سلامتی و طول عمر را برای
جنابعالی و سایر همکاران مؤسسه مطبوعاتی اطلاعات از خداوند متعال خواستارم.



با تجدید ارادت - احسان مازندرانی

مدیر مسئول روزنامه فرهیختگان

آرزوی توفیق و سرافرازی

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمود دعایی (دام‌عزه). مدیر مسئول محترم روزنامه اطلاعات.
با سلام و احترام؛ ضمن آرزوی قبولی طاعات و عبادات شما در ماه مبارک رمضان، نودمین سالگرد انتشار روزنامه
اطلاعات را خدمت جناب عالی تبریک عرض می‌نمایم.
امیدوارم با استعانت از پروردگار متعال و در ظل توجهات حضرت ولی‌عصر (عج) در راستای خدمت به ملت
شریف، موفق و سرافراز باشید.



علیرضا امیرپور

(مدیر عامل و عضو هیأت مدیره شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس)، ۹۴/۴/۲۳



اطلاعات روزنامه نوستالژیک ایرانیان

امیرعباس تقی‌پور

مشاور مدیرعامل و مدیر کل روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی

در عصر جدید پس از تحولات گسترده در تمامی ابعاد زندگی، نیاز به دریافت اطلاعات، محدود به کانال‌های سنتی نمی‌شد و روزنامه‌ها به عنوان نشریات یومیه که حوادث و اخبار را به مردم انتقال می‌دادند در زندگی بشر جای خود را پیدا کردند. روزنامه اطلاعات از آن دسته روزنامه‌های قدیمی کشور است که به انعکاس اخبار در حوزه‌های مختلف می‌پردازد و هیچ‌گاه از رویکرد اخلاقی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاری غافل نشد.

اطلاعات روزنامه نوستالژیک مردم است و مردم اخبار خوشی‌ها و ناخوشی‌های این کشور را در آن دنبال کردند و به نوعی این روزنامه یادآور خاطرات این سرزمین است.

جوانان دیروز غالباً اطلاعات را می‌خواندند و هر آنچه را که نیاز داشتند از آن دریافت می‌کردند و در دورهمی‌ها به بازگو کردن اخبار منتشر شده می‌پرداختند. اطلاعات روزنامه مستقل و آزادی است و تحت تأثیر جریان‌های سیاسی قرار نگرفته و صرفاً برای ارتقای سطح دانش و آگاهی خوانندگان اقدام نموده است. علیرغم انتشار روزنامه‌های متعدد و پس از آن ورود رسانه‌های مجازی و توسعه روزافزون آنها، روزنامه اطلاعات همواره مخاطب خود را در این دهه‌ها حفظ نموده و با رعایت چارچوب‌های قانونی، احترام به تمامی سلیقه‌ها و به دور از هرگونه جنجال، صرفاً به انعکاس اخبار و روشن‌سازی افکار عمومی عمل نموده و با شناخت از مخاطبان جایگاه تثبیت شده خود را در میان رسانه‌های کشور مستحکم ساخته است. این روزنامه، محل تربیت، پرورش و تجربه‌اندوزی بسیاری از روزنامه‌نگاران صاحب قلم و اندیشه بوده و در حال حاضر نیز از تیم متخصص و متعهد رسانه‌ای بهره می‌برد.

از آن جایی که روزنامه اطلاعات اخبار حوزه کارگری، بازنشستگی و کارفرمایی را به صورت مطلوب پوشش می‌دهد، بیمه شدگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی از خوانندگان قدیمی این روزنامه هستند و اخبار مورد دلخواه را از آن دریافت می‌نمایند.

۹۰ سال فعالیت این روزنامه در عرصه خبر و اطلاع‌رسانی، تداعی گر همت والای مسئولان و کارکنان این روزنامه است که ستودنی است و ضمن تبریک حضور ارزشمند این رسانه در این سالها، توفیقات روزافزون برای این نشریه متعهد و قدیمی کشور را خواستارم.

...اطلاعات شد نود ساله

محمد علمی

ای گرمای رسانه‌ی پُربار
نام نیک تو جاودان ماناد
نامه‌ات بازتاب آنچه که هست
قلمت حامی و مدافع داد
مردمان را بیان حوالی
تا بدان جا که خامه رخصت داد
نه دهه انتشار پی در پی
حاصل همت است و سعی زیاد
خادم ملتی و کشورخویش
طالب صلح و آشتی و وداد
مردم هوشمند کشور ما
خادمان را نمی‌برند از یاد
«اطلاعات» شد نود ساله
عمرش از نوح بس فزون تر باد...



به انگیزه نودمین سالروز تأسیس روزنامه اطلاعات

عمر بلندش حامل بار گران است

محمدعلی کفاش

یکی از همکاران بازنشسته موسسه اطلاعات، احساس صمیمانه خود را در باب نودمین سال انتشار روزنامه و در قالب این سروده به همکاران خود تقدیم کرده است:

پایان مرداد، هزار و سیصد و چار
نشریه‌ای تک برگ و نو آمد به بازار
دارای چند اعلان و دارای خبر بود
کوتاه و گویا بود و نقشش پرثمر بود
طرح قشنگِ صور اسرافیل گویا
همراه نامِ اطلاعات است زیبا
اکنون نود سال است کاین نشریه پویاست
آثار رشد و ارتقای آن هویداست
عمر بلندش حامل باری گران است
سختی این ره بر عموم ما عیان است
دست قضا یا در گذرگاه حوادث
بس رنجها را در حیاتش کرده حادث
پیوسته تابیده است این شمع فروزان
از عشق مردان شجاع و لطف یزدان
در عرصه فناوری و نشر و دانش
پیوسته کوشیده است در امر نگارش
صحت کنار دقت و همپای سرعت
در جمع همکاران شده این وجهه بدعت
مجموعه‌ای را از علوم روز و دیروز
در انتشاراتش به طبع آورده امروز
میراث ارزشمندی از ایران زمین است
نزد عموم مردم ایران امین است
از اهتمام رهبر و الطاف یزدان
وز پیروان رهرو راه شهیدان
از جمع همکاران خوب و جمله یاران
وز همت مردان مسئول و مدیران
بالنده و پویاست نشر اطلاعات
در سطح هر شهر و دیار و اجتماعات
شخص دعایی هم در این ره سخت کوشید
بذر جهاد او در این نشریه روید
شمع وجودش در خضوعی خوش درخشید
بی‌وقفه این ره را به جد و جهد پوید
همواره استاد و مراد او امام است
استاد وی آن عارف فرخنده فام است
او مظهر تقوی، تواضع در کمال است
از او سخن گفتن در این فرصت محال است
بنیانگذار سخت‌کوش و مهربانش
لبخند پیروزی همیشه بر لبانش
یادش گرمی راه او سبز است و پویا
در عصر مطبوعات نقش اوست گویا
«کفاش» می‌بالد به نام اطلاعات
پاینده باد این رسم و این آداب و عادات
«پیر جماران» گفت نقش این رسالت
باب هدایت باشد و پیغام ملت



ویژه‌نامه نودین سال انتشار روزنامه اطلاعات

اطلاعات، دولت‌ها و کابینه‌ها

* فصلی از کتاب ۹۰ سال و بیش از ۹۰ سال در کتاب تاریخ معاصر را برگ‌های سیاه و سفید و خاکستری‌یی پُر کرده است که تأسیس دولت‌ها و تشکیل کابینه‌ها را نشان می‌دهد. این فصل برای جوانان کنجکاو به نوعی مطالعه درس تاریخ است و برای پیران باتجربه نیز به نوعی دیگر خاطره گردی تلقی می‌شود. مشخص است که دولت‌ها و کابینه‌های تحمیلی فاقد پشتوانه ملی و استقلالی بوده‌اند ولی دولت‌ها و کابینه‌های مردمی چنین پشتوانه‌ای را در اختیار داشته‌اند. نگاهی به سیر استقرار ۳۲ دولت در فرصت زمانی ۹۰ سال و بیش از ۹۰ سال در ادوار قبل از انقلاب و بعد از انقلاب می‌تواند از جهات و جوانب مختلف، تأمل برانگیز و درس‌آموز و عبرت‌آور باشد.

هیأت دولت میرزا حسن خان مستوفی الممالک * دوم مرداد ۱۲۸۹-۲۰ اسفند ۱۲۸۹



میرزا حسن خان مستوفی الممالک به همراه چند تن از اعضای هیأت دولت . اسدالله میرزا شهاب الدوله (پشت سر مستوفی) عبدالحسین میرزا فرمانفرما نفر دوم از سمت چپ ، حسینقلی نواب، دبیرالملک نفر اول از سمت راست در تصویر دیده می‌شوند.

رئیس الوزرا: میرزا حسن خان مستوفی الممالک
معاون عدلیه: محمد حسین خان دبیرالملک
وزیر خارجه: حسن قلی خان نواب
وزیر داخله: عبدالحسین میرزا فرمانفرما
وزیر مالیه: ابراهیم خان حکیم الملک
وزیر جنگ: احمد قوام السلطنه
وزیر فوائد عامه: معرفی نشد
وزیر تجارت: معرفی نشد
وزیر پست و تلگراف: اسدالله میرزا شهاب الدوله



* سوم اسفند ۱۲۹۹ - چهارم خرداد ۱۳۰۰

هیأت دولت سید ضیاء الدین طباطبایی (دولت کودتا)



اعضای هیأت دولت سید ضیاء الدین طباطبایی که به کابینه سیاه یا کابینه کودتا مشهور شد عبارت بودند از:

نخست وزیر: سید ضیاء الدین طباطبایی
کفیل وزارت عدلیه (دادگستری): مصطفی خان منصور السلطنه
وزیر خارجه: محمودخان مدیرالملک
کفیل وزارت داخله: حسین خان عدل الملک
وزیر مالیه: عیسی خان فیض-سپس مدیرالملک
وزیر جنگ: ماژور مسعود خان-سردار سپه
وزیر معارف و صنایع مستظرفه: جعفر قلی خان نیرالملک
وزیر فوائد عامه و تجارت: محمودخان موقر الدوله
وزیر پست و تلگراف: تقی خان مشیرمعظم
وزیر صحیه و امور خیریه: دکتر علی اصغر خان مودب الدوله

کابینه سید ضیاء الدین با آن که بیش از چهارماه برسرکار نبود ولی در همین مدت تغییرات چندی در آن انجام شد. در اردیبهشت ۱۳۰۰ سردار سپه به جای ماژور مسعود خان به وزارت جنگ - مدیرالملک به وزارت مالیه و معزز الدوله به وزارت خارجه منصوب شدند. و ماژور مسعود خان هم به سمت وزیر مشاور منصوب شد. تصویر حاضر تصویر کابینه سید ضیاء الدین طباطبایی پس از تغییر است.



سمت راست از بالا به پایین: مدیرالملک، معزز الدوله، مودب الدوله، مشیرمعظم
ردیف وسط: سردار سپه، سید ضیاء الدین طباطبایی، عدل الملک
ردیف چپ: نیرالملک، منصور السلطنه، ماژور مسعود خان



هیأت دولت رضا خان سردار سپه * شهریور ۱۳۰۳ - ۹ آبان ۱۳۰۴

رضا خان میرپنج که با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ در کنار سید ضیاء بر سر کار آمده بود، سرانجام با سمت رئیس الوزرای تشکیل کابینه داد.

نخست وزیر و وزیر جنگ: سردار سپه
وزیر عدلیه: نصرت الدوله فیروز
وزیر خارجه: شکرالله خان قوام الدوله
وزیر مالیه: محمدعلی خان ذکاءالملک فروغی
وزیر معارف و صنایع مستظرفه: سید مهدی خان عماد السلطنه
وزیر فوائد عامه و تجارت: عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی (تیمورتاش)
وزیر پست و تلگراف: جعفرقلی خان سردار اسعد



سمت راست از بالا به پایین: مشارالملک، فروغی، سردار اسعد
ردیف وسط: سردار سپه، امیر اقتدار
ردیف چپ: مشارالدوله، ادیب السلطنه، سردار معظم

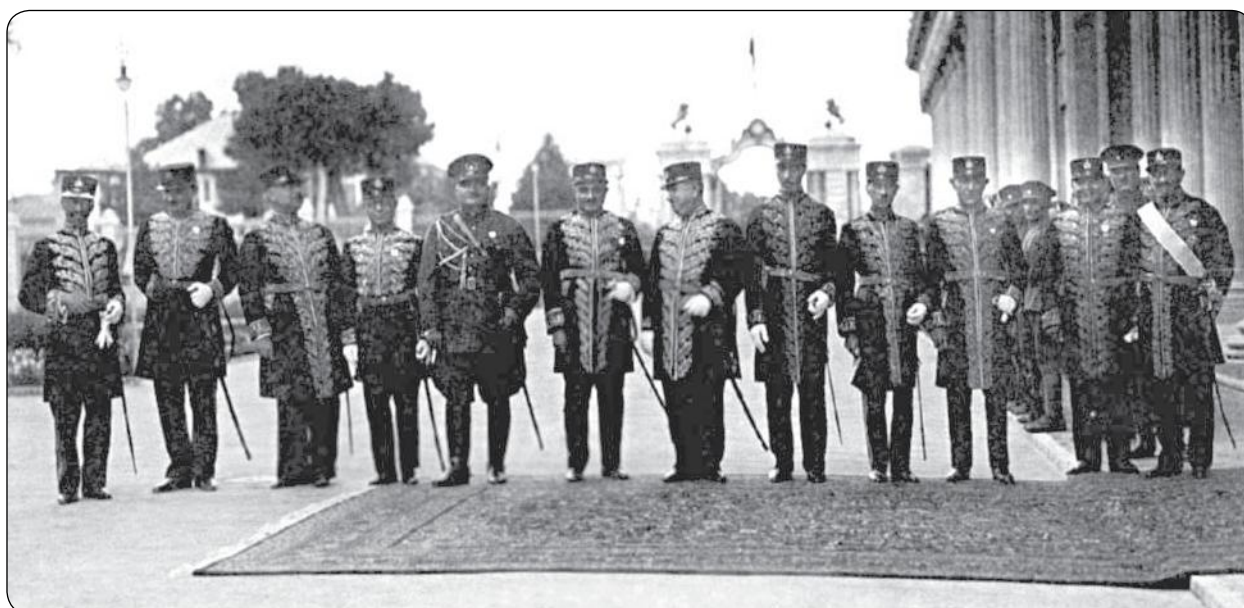


فروغی و اعضای هیئت دولت در مجلس شورای ملی

ردیف جلواز سمت راست نفر سوم: احمد نخجوان، علی منصور، فروغی، محمود جم، علی اکبر داور و سید حسن امین

وزیر معارف و صنایع مستظرفه: علی اصغر حکمت
وزیر طرق و شوارع: علی منصور
وزیر پست، تلگراف: نظام الدین حکمت
ریاست اداره کل تجارت: مصطفی اعلم
ریاست اداره فلاح: مصطفی قلی بیات
ریاست اداره صنعت: امین

رئیس الوزرا: محمدعلی فروغی
وزیر عدلیه: محسن صدر
وزیر خارجه: باقر کاظمی
وزیر داخله: محمود جم
وزیر مالیه: علی اکبر داور
کفیل وزارت جنگ: سرلشکر احمد نخجوان



علی فروغی و اعضای کابینه وی در محوطه مجلس شورای ملی - از راست: محمد علی فروغی، محمود جم، علی اکبر داور، رجبعلی منصور، محسن صدر، نظام الدین حکمت، علی اصغر حکمت، احمد نخجوان، مصطفی قلی بیات، مظفر اعلم، علی سهیلی و حسین امینی

هیأت دولت مرتضی قلی بیات (سپهسالار) * ۵ آذر ۱۳۲۳ - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۴



از چپ نفر دوم: علی اکبر سیاسی، مصطفی عدل، امان الله اردلان، حسنعلی کمال هدایت، مرتضی قلی بیات، خلیل فهیمی، عیسی صدیق، نادر آراسته، سعید مالک، نصرالله انتظام

نخست وزیر: مرتضی قلی بیات
وزیر دادگستری: مصطفی عدل
وزیر خارجه: محسن رئیس و سپس نصرالله انتظام
وزیر کشور: محمد سروری
وزیر جنگ: ابراهیم زند
وزیر فرهنگ: عیسی صدیق
وزیر دارائی: امان الله اردلان
وزیر راه: عبدالله انتظام
وزیر بهداری: سعید مالک
وزیر پست و تلگراف و تلفن: نادر آراسته
وزیر کشاورزی: مرتضی قلی بیات
وزیر بازرگانی و پیشه و هنر: کمال هدایت
وزیر مشاور: علی اکبر سیاسی - خلیل فهیمی



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



هیأت دولت محسن صدر (صدرا لاشراف) * ۲۶ تیر ۱۳۲۴ - ۱۳ آبان ۱۳۲۴



کابینه صدر از راست به چپ: سپهبدی، آراسته، زند، دکتر سعید مالک، گلشائیان، غلام حسین رهنما، صدر، کمال هدایت، احمد اعتبار، دکتر نخعی

نخست وزیر: محسن صدر
وزیر دادگستری: حسنعلی کمال هدایت
وزیر خارجه: انوشیروان سپهبدی
کفیل وزیر کشور: احمد فریدونی
وزیر جنگ: ابراهیم زند
وزیر فرهنگ: غلامحسین رهنما
وزیر دارائی: محمود بدر
وزیر راه: نادر آراسته
وزیر بهداشت: سعید مالک
وزیر پست و تلگراف و تلفن: معرفی نشد
وزیر کشاورزی: محمد نخعی
وزیر بازرگانی و پیشه و هنر: عباسقلی گلشائیان
وزیر مشاور: مصطفی عدل

۱۳ آبان ۱۳۲۴ - ۱۳ بهمن ۱۳۲۴ *

هیأت دولت ابراهیم حکیمی (حکیم الملک)



۶۴

از راست به چپ: عبدالحسین هژیر، سرلشکر فیروز، فهیمی، رهنما، سعید مالک
وسط: ابراهیم حکیمی
سمت چپ: نجم، اردلان، سرلشکر ریاضی، اللهیار صالح، عدل



دومین کابینه ابراهیم حکیمی که کمتر از سه ماه بر سر کار بود.

وزیر راه: سرلشکر محمد حسین فیروز
وزیر بهداری: سعید مالک
وزیر پست و تلگراف و تلفن: محمود نریمان
وزیر کشاورزی: احمد حسین عدل
وزیر بازرگانی و پیشه و هنر: ابراهیم حکیمی
وزیر مشاور: حسنعلی کمال هدایت- اللهیار صالح

نخست وزیر: ابراهیم حکیمی
وزیر دادگستری: امان الله اردلان
وزیر خارجه: ابوالقاسم نجم
وزیر کشور: خلیل فهیمی
وزیر جنگ: سرلشکر علی ریاضی
وزیر فرهنگ: غلامحسین رهنما
وزیر دارائی: عبدالحسین هژیر



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



هیأت دولت محمد ساعد

* ۲۵ آبان ۱۳۲۷ - ۱۶ اسفند ۱۳۲۸

۶۵



علی اصغر حکمت، اشرفی، آراسته، مصطفی عدل، امیر اعلم، محمد سجادی، ساعد مراغه ای، جمال امامی، زنگنه، زند، دکتر مقبل، منوچهر اقبال.

وزیر دارائی: عباسقلی گلشائیان
وزیر فرهنگ: محمد سجادی
وزیر راه: منوچهر اقبال
وزیر بهداری: دکتر امیر اعلم و سپس منوچهر اقبال
وزیر پست و تلگراف و تلفن: نادر آراسته
وزیر اقتصاد ملی: آقاخان اشرفی
وزیر کشاورزی: احمد مقبل
وزرای مشاور: جمال امامی - هادی طاهری

کابینه چهارم محمد ساعد مراغه ای که نزدیک به یک سال ونیم بر سر کار بود. و در این مدت تغییرات زیادی در اعضای کابینه به عمل آمد. اعضای اولیه این کابینه عبارت بودند از:

نخست وزیر: محمد ساعد مراغه ای
وزیر دادگستری: محسن صدر
وزیر خارجه: علی اصغر حکمت
وزیر کشور: ابراهیم زند
وزیر جنگ: سپهبد امیر احمدی



از چپ: ابوالحسن صادقی، محمد ولی میرزا فرمانفرمائی، علی اکبر موسوی زاده، عزیزالله اعزاز نیک پی، احمد امیر احمدی، احمد قوام، حمید سیاح، عبدالحسین هژیر، منوچهر اقبال، شمس الدین امیرعلایی و علی شایگان

احمد قوام در چهار دوره به سمت نخست وزیری منصوب شد. دوره اول بعد از سقوط دولت سید ضیاء الدین طباطبایی که دوبار رئیس الوزرا شد. در دوره دوم بعد از شهریور ۱۳۲۰ بعد از علی سهیلی تشکیل دولت داد و در دوره سوم از ۲۵ بهمن ۱۳۲۴ تا ۶ دی ماه ۱۳۲۶ که در این فاصله چندین بار ترکیب اعضای کابینه تغییر یافت. کابینه حاضر سومین کابینه این دور قوام است

وزیر کشور: احمد قوام
وزیر جنگ: احمد امیر احمدی
وزیر فرهنگ: علی شایگان
وزیر دارئی: عبدالحسین هژیر
وزیر راه: ابوالحسن صادقی
وزیر بهداری: منوچهر اقبال
وزیر پست و تلگراف و تلفن: اعزاز نیک پی
وزیر کشاورزی: شمس الدین امیرعلایی
وزیر کار و تبلیغات: محمد ولی میرزا فرمانفرمائی

نخست وزیر: احمد قوام
وزیر دادگستری: علی اکبر موسوی زاده
وزیر خارجه: احمد قوام



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



هیأت دولت عبدالحسین هژیر * اول تیر ۱۳۲۷ - ۲۵ آبان ۱۳۳۲



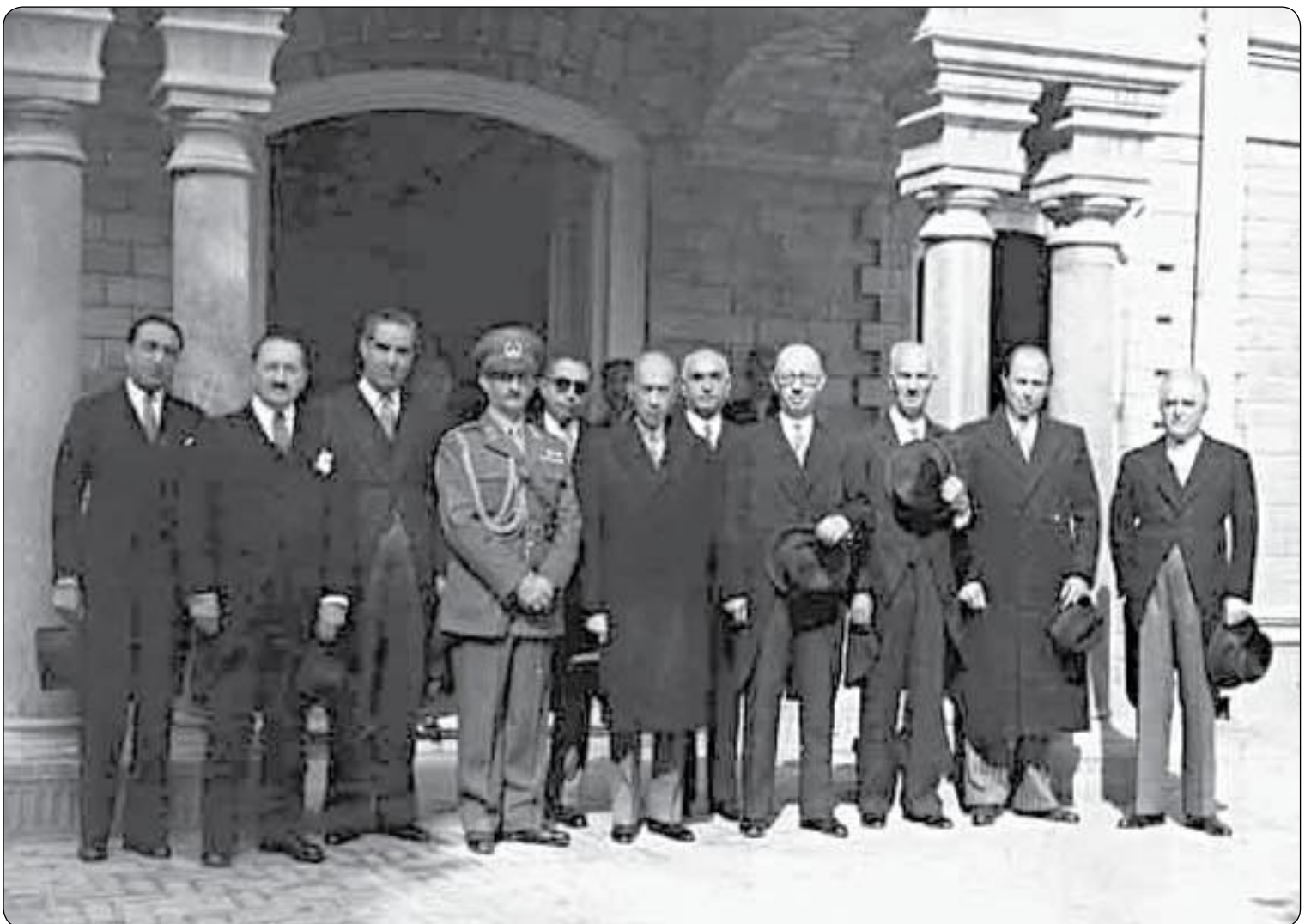
سمت راست : منوچهر اقبال، نادر آراسته، امان الله اردلان

وسط : عبدالحسین هژیر

سمت چپ: نفر دوم عباس ادهم، فخرالدین شادمان، موسی نوری اسفندیاری و سپهبد امیر احمدی

وزیر پست و تلگراف و تلفن: نادر آراسته
وزیر کشاورزی: جواد بوشهری
وزیر اقتصاد ملی: فخرالدین شادمان
وزرای مشاور: مصطفی عدل-جمال امامی

نخست وزیر: عبدالحسین هژیر
وزیر دادگستری: محمدعلی نظام مافی
وزیر خارجه: موسی نوری اسفندیاری
وزیر کشور: خلیل فهیمی
وزیر جنگ: سپهبد امیر احمدی
وزیر فرهنگ: منوچهر اقبال
وزیر دارائی: امان الله اردلان
وزیر راه: معرفی نشد
وزیر بهداشت: عباس ادهم



از راست: دکتر اردلان، محمد نخعی، مسعود کیهان، علی هیئت، وارسته، علی منصور، علی امینی، سپهبد یزدان پناه، منوچهر اقبال، ابراهیم زند و اسدالله علم

نخست وزیر و وزیر دارایی: علی منصور

وزیر دادگستری: علی هیئت

وزیر خارجه: حسین علاء (دکتر اردلان کفیل وزیر)

وزیر کشور: ابراهیم زند

وزیر جنگ: سپهبد مرتضی یزدانپناه

وزیر فرهنگ: مسعود کیهان

وزیر راه: منوچهر اقبال

وزیر بهداری: محمدعلی وارسته

وزیر پست و تلگراف و تلفن: سید جلال الدین تهرانی

وزیر کشاورزی: اسدالله علم

وزیر کار: محمد نخعی



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



* ۶ تیر ۱۳۲۹ - ۱۶ اسفند ۱۳۲۹

هیأت دولت حاجعلی رزم آرا



از چپ: محمدرضا پهلوی، سپهبد رزم آرا، غلامحسین فروهر، نفر چهارم: ابراهیم مهدوی

نخست وزیر: حاجعلی رزم آرا
وزیر دادگستری: محمدعلی بوذری
وزیر خارجه: محمودصلاحی
وزیر کشور: حاجعلی رزم آرا
وزیر جنگ: سرلشگر عبدالله هدایت
وزیر فرهنگ: شمس الدین جزایری
وزیر دارائی: تقی نصر
وزیر راه: معرفی نشد
وزیر بهداشت: جهانشاه صالح
وزیر پست و تلگراف و تلفن: معرفی نشد
وزیر کشاورزی: ابراهیم مهدوی
وزیر اقتصاد ملی: مرتضی آزموده
وزیر کار: محمد نخعی

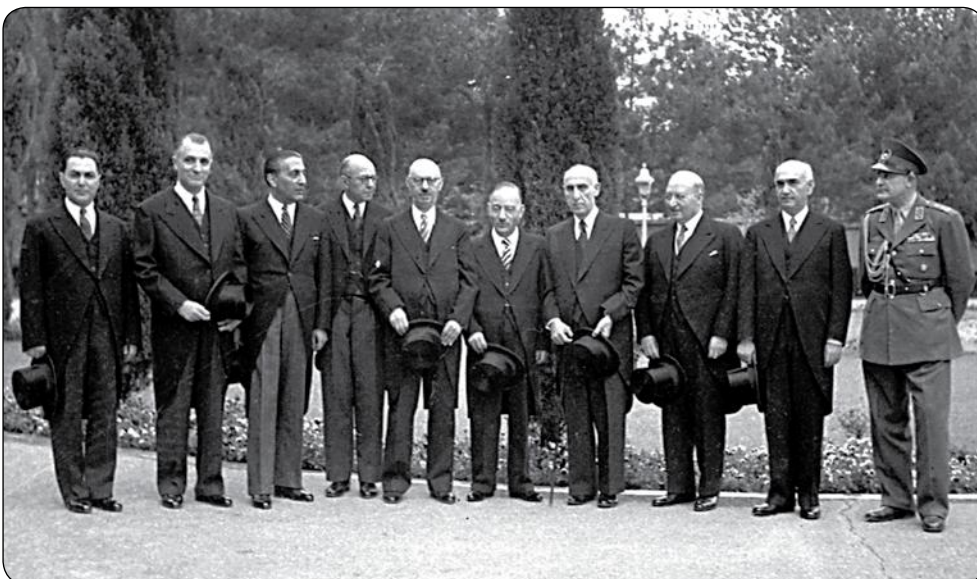
هیأت دولت دکتر محمد مصدق

۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ *



آخرین کابینه دکتر مصدق نشسته از راست: دکتر اخوی، دکتر عالمی، عبدالعلی لطفی، سیف الله معظمی، مهندس احمد زنگنه، دکتر مهدی آذر ایستاده از راست: دکتر ملک اسماعیلی، مهندس حق شناس، دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر مصدق، مهندس رجبی، دکتر سید حسین فاطمی، صبار فرمانفرمایان، تیمسار مهنا معاون وزیر دفاع

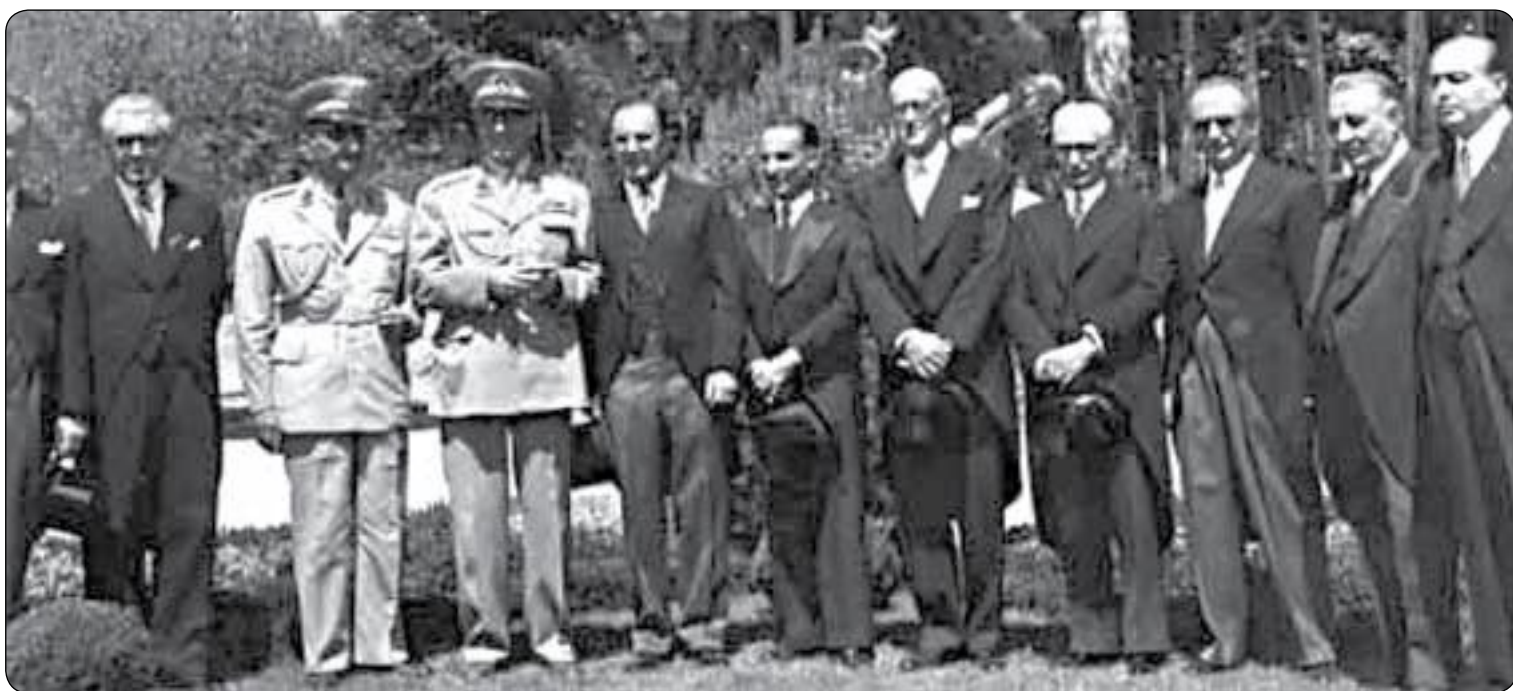
دکتر مصدق از ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زمامداری ایران را بر عهده داشت. در طی این مدت وی چند بار اعضای هیأت دولت خود را تغییر داد. اعضای آخرین هیأت دولت وی به قرار زیر است:



نخست وزیر: محمد مصدق
وزیر دادگستری: عبدالعلی لطفی
وزیر خارجه: حسین نواب و سپس دکتر سید حسین فاطمی
وزیر کشور: غلامحسین صدیقی
وزیر جنگ: تیمسار تقی ریاحی
وزیر فرهنگ: مهدی آذر
وزیر دارائی: باقر کاظمی
وزیر راه: داود رجبی
وزیر بهداری: صبار فرمانفرمایان
وزیر پست و تلگراف و تلفن: سیف الله معظمی
وزیر کشاورزی: خلیل طالقانی
وزیر اقتصاد ملی: علی اکبر اخوی
وزیر کار: ابراهیم عالمی



هیأت دولت فضل الله زاهدی (دولت کودتا) * ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - ۲ اردیبهشت ۱۳۳۳



آقایان: علی اصغر پورهمایون، علی اصغر حکمت، شناخته نشد، جمال الدین اخوی، عباس فرزندگان، جهانشاه صالح، فضل الله زاهدی، سرلشگر هدایت و...

دولت زاهدی که به دولت کودتا شهرت داشت در روز ۲۸ مرداد با سرنگونی دکتر مصدق بر مسند قدرت تکیه زد. این دولت با آغاز به کار دوره هیجدهم مجلس بنا به سنت پارلمانی استعفا داد و زاهدی نخست وزیر باردیگر مامور تشکیل کابینه شد. در دولت دوم زاهدی تغییراتی صورت گرفت

اعضای کابینه اول زاهدی به شرح زیر است:

نخست وزیر: فضل الله زاهدی

وزیر دادگستری: جمال الدین اخوی

وزیر خارجه: معرفی نشد

وزیر کشور: نخست وزیر

وزیر جنگ: سرلشگر عبدالله هدایت

وزیر فرهنگ: رضا جعفری

وزیر دارئی: علی امینی

وزیر راه: غلامعلی میکه

وزیر بهداری: جهانشاه صالح

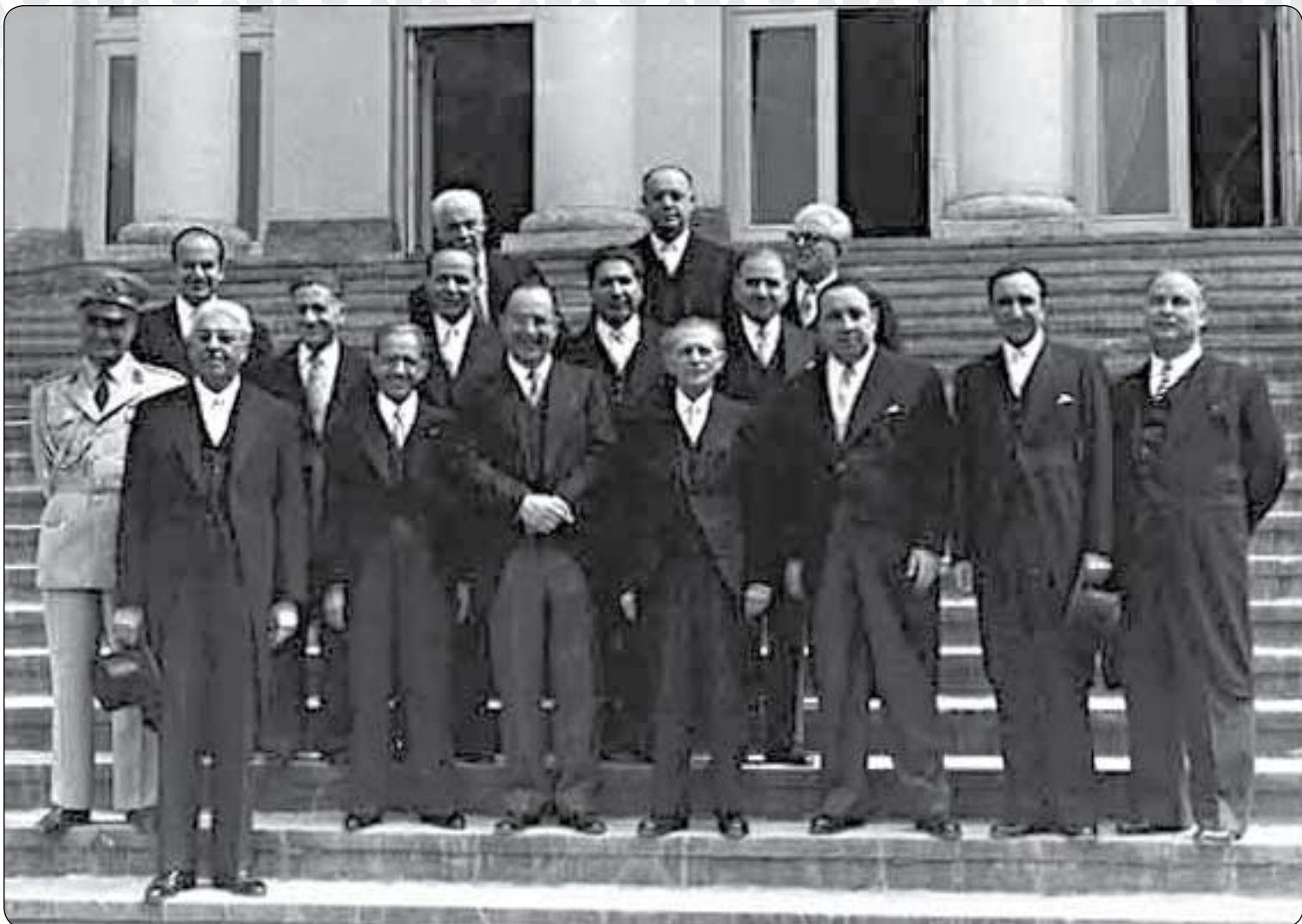
وزیر پست و تلگراف و تلفن: سیف الله معظمی

وزیر کشاورزی: احمد حسین عدل

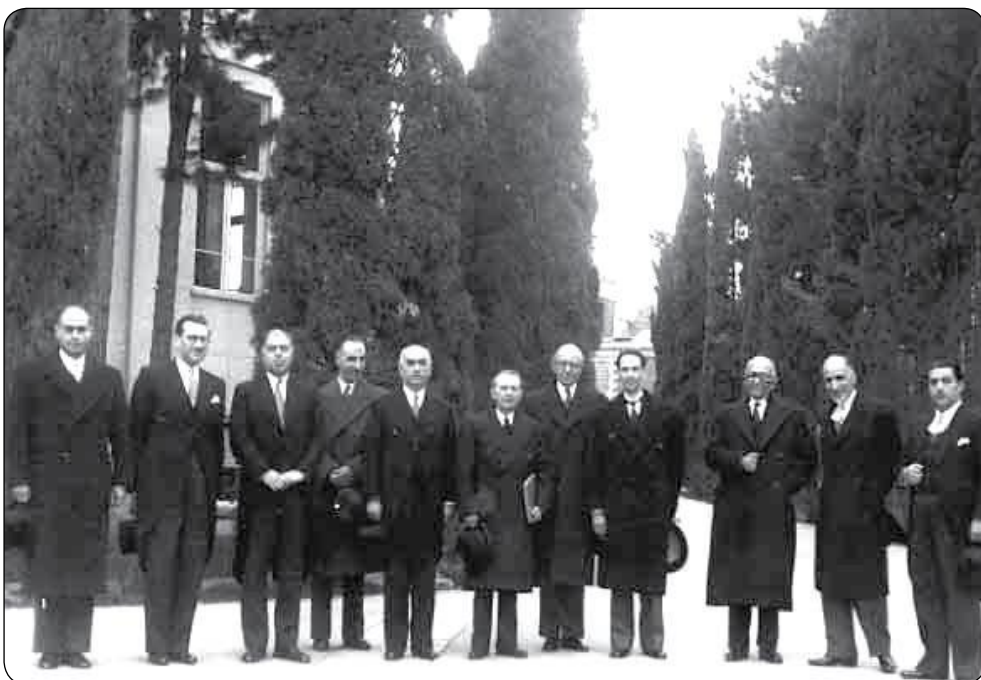
وزیر اقتصاد ملی: علی اصغر پورهمایون

وزیر کار: ابوالقاسم پناهی

وزرای مشاور: علی اصغر حکمت - امیر حسین ایلخان بختیار - محمد سجادی



ردیف جلو از راست: نفر دوم اسدالله علم، غلامحسین فروهر، حسین علاء، محمود مهران، عباسقلی گلشایان
ردیف پشت سر: علی قلی اردلان (نفر اول سمت راست، ردیف سوم)



نخست وزیر: حسین علاء
وزیر دادگستری: عباسقلی گلشایان
وزیر خارجه: علی قلی اردلان
وزیر کشور: اسدالله علم
وزیر جنگ: سرلشگر احمد وثوق
وزیر فرهنگ: محمود مهران
وزیر دارائی: غلامحسین فروهر
وزیر راه: سرلشگر ولی انصاری
وزیر بهداشت: جهانشاه صالح
وزیر پست و تلگراف و تلفن: امیرقاسم اشراقی
وزیر کشاورزی: محمودناصری
وزیر صنایع و معادن: رضا گنجی ای
وزیر کار: محسن نصر
وزرای مشاور: محمد نمازی-خلیل طالقانی-احمد مقبل
نایب نخست وزیر و وزیر مشاور: عبدالله انتظام



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



۱۵ فروردین ۱۳۳۶ - ۹ شهریور ۱۳۳۹ *

هیأت دولت منوچهر اقبال



از راست: سرلشگر بختیار، دکتر مهران، مهندس طالقانی، دکتر اقبال، مهندس اشراقی، سرلشگر وثوق، سرلشگر انصاری
ردیف دوم: سرتیپ اخوی، علی قلی اردلان، آقاخان بختیار، مجلسی، دکتر جلالی
ردیف سوم: خسرو هدایت، دکتر راجی، مصطفی تجدد، اشرف احمدی



وزیر مشاور: خلیل طالقانی
وزیر گمرکات و انحصارات: سرتیپ علی اکبر ضرغام
معاون نخست وزیر و رییس سازمان اطلاعات
و امنیت کشور: سرلشگر تیمور بختیار
معاون پارلمانی و قائم مقام نخست وزیر در سازمان
برنامه: خسرو هدایت

وزیر راه: سرلشگر ولی انصاری
وزیر بهداری: عبدالحسین راجی
وزیر پست و تلگراف و تلفن: امیر قاسم اشراقی
وزیر کشاورزی: سرتیپ حسن اخوی
وزیر بازرگانی: مصطفی تجدد
وزیر کار: آقاخان بختیار
وزیر صنایع و معادن: جعفر شریف امامی

نخست وزیر: منوچهر اقبال
وزیر دادگستری: محمد مجلسی
وزیر خارجه: علی قلی اردلان
وزیر کشور: فتح الله جلالی
وزیر جنگ: سرلشگر احمد وثوق
وزیر فرهنگ: محمود مهران
وزیر دارئی: علی اصغر ناصر



نورالدین الموتی، علی اصغر پورهمایون، جمال گنجی، سپهبد نقدی، علی امینی، غلامعلی فریور، هادی اشتری، عبدالحسین بهنیا، سپهبد عزیزی، حسن ارسنجانی



نخست وزیر: علی امینی
وزیر دادگستری: نورالدین الموتی
وزیر خارجه: قدس نخعی
وزیر کشور: سپهبد صادق امیر عزیزی
وزیر جنگ: سپهبد علی اصغر نقدی
وزیر فرهنگ: محمد درخشش
وزیر دارائی: عبدالحسین بهنیا
وزیر راه: جمال گنجی
وزیر بهداشت: عبدالحسین طباطبائی و سپس ابراهیم ریاحی
وزیر پست و تلگراف و تلفن: هوشنگ سمیعی
وزیر کشاورزی: حسن ارسنجانی
وزیر بازرگانی: جهانگیر آموزگار
وزیر کار: عطاء الله خسروانی
وزیر صنایع و معادن: غلامعلی فریور
وزیر مشاور و سرپرست امور اقتصادی: علی اصغر پورهمایون
وزیر مشاور: هادی اشتری - ناصر ذوالفقاری



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



* ۲۸ تیر ۱۳۴۱ - ۲۹ بهمن ۱۳۴۱

هیأت دولت اسدالله علم



۲۵

ردیف جلو از راست: سپهبد عزیزی، داوود رجبی، سپهبد نقدی، اسدالله علم، خوشبین، انتظام، ریاحی، ارسنجان
ردیف دوم: خانلری، جهانشاهی، خسروانی، سمیعی، بهنیا، اصفیا

اسدالله علم بعد از استعفای علی امینی در ۲۷ تیر ۱۳۴۱ مامور تشکیل دولت شد. علم تا ۱۷ اسفند ۱۳۴۲ در مسند نخست وزیری بود و در این مدت سه بار کابینه خود را ترمیم کرد. اعضای اولین کابینه وی به شرح زیر است:

نخست وزیر: اسدالله علم
وزیر دادگستری: غلامحسین خوشبین
وزیر خارجه: عباس آرام
وزیر کشور: سپهبد صادق امیر عزیزی
وزیر جنگ: سپهبد علی اصغر نقدی
وزیر فرهنگ: پرویز ناتل خانلری

وزیر دارئی: عبدالحسین بهنیا
وزیر راه: داود رجبی
وزیر بهداری: ابراهیم ریاحی
وزیر پست و تلگراف و تلفن: هوشنگ سمیعی
وزیر کشاورزی: حسن ارسنجان
وزیر بازرگانی: غلامحسین جهانشاهی
وزیر کار: عطاء الله خسروانی
وزیر صنایع و معادن: طاهر ضیائی
وزرای مشاور: نصرالله انتظام - مسعود فروغی
رییس سازمان برنامه: صفی اصفیا



تصویر اولین جلسه هیأت دولت حسنعلی منصور، روبه رو حسنعلی منصور نخست وزیر و در دوطرف وی اعضای هیأت دولت. حسنعلی منصور در بهمن ۱۳۴۳ به وسیله محمد بخارایی ترور شد.



وزیر اقتصاد: علی نقی عالیخانی
وزیر کار: عطاء الله خسروانی
وزیر اطلاعات: نصرت الله معینیان
وزیر آبادانی و مسکن: هوشنگ نهاوندی
وزیر مشاور: محمود نصیری-هادی هدایتی
وزیر مشاور و مدیرکل سازمان اموراستخدامی: منوچهر گودرزی
وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست وزیر: ناصر یگانه
معاون نخست وزیر و رئیس هنرهای زیبا: مهرداد پهلبد
معاون نخست وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور: سرلشگر حسن پاکروان
معاون نخست وزیر و رئیس سازمان جلب سیاحان: قاسم رضائی

نخست وزیر: حسنعلی منصور
وزیر دادگستری: باقر عاملی
وزیر خارجه: عباس آرام
وزیر کشور: جواد صدر
وزیر جنگ: سپهبد اسدالله صنیعی
وزیر فرهنگ: عبدالعلی جهانشاهی
وزیر دارائی: امیرعباس هویدا
وزیر راه: محمود کشفیان
وزیر بهداشت: جمشید آموزگار
وزیر پست و تلگراف و تلفن: فرهنگ شفیع
وزیر کشاورزی: سپهبد ریاحی



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



۵ بهمن ۱۳۴۳ - ۱۶ مرداد ۱۳۵۶ *

هیأت دولت امیرعباس هویدا:



ردیف اول از چپ: قاسم معتمدی، منوچهر تسلیمی، غلامرضا کیانیور، جمشید آموزگار، امیر عباس هویدا، عبدالمجید مجیدی، شجاع الدین شیخ الاسلام زاده
ردیف دوم: امیر قاسم معینی، منوچهر آزمون، محمد یگانه، صفی اصفیا
ردیف سوم: مهناز افخمی، منوچهر شاهقلی، منصور روحانی، عباسعلی خلعتبری، هادی هدایتی
ردیف چهارم: مهرداد پهلبد، کریم پاشا بهادری، ضیاء الدین شادمان و ارتشبد عظیمی



وزیر بازرگانی: منوچهر تسلیمی
وزیر کار و امور اجتماعی: منوچهر آزمون
وزیر مسکن و شهرسازی: همایون جابر انصاری
وزیر مشاور: صفی اصفیا
وزیر مشاور: جمشید آموزگار
وزیر مشاور: مهناز افخمی
وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه: عبدالمجید مجیدی
وزیر مشاور در امور پارلمانی: محمود کاشفی
وزیر مشاور در امور اجرایی: هادی هدایتی
معاون پارلمانی: دکتر شادمان

وزیر فرهنگ و هنر: مهرداد پهلبد
وزیر امور اقتصادی و دارایی: هوشنگ انصاری
وزیر راه و ترابری: ابراهیم فرحبخشیان
وزیر بهداری و بهزیستی: شجاع الدین شیخ الاسلام زاده
وزیر پست و تلگراف و تلفن: کریم معتمدی
وزیر علوم و آموزش عالی: دکتر معتمدی
وزیر آموزش و پرورش: منوچهر گنجی
وزیر صنایع و معادن: فرخ نجم آبادی
وزیر نیرو: مهندس حکمت
وزیر اطلاعات و جهانگردی: کریم پاشا بهادری
وزیر کشاورزی و امور روستایی: منصور روحانی

امیر عباس هویدا بعد از مرگ حسنعلی منصور در ۵ بهمن ۱۳۴۳ مأمور تشکیل کابینه شد. وی از آن پس تا ۱۶ مرداد ۱۳۵۶ بر مسند نخست وزیری باقی بود. کابینه زیر آخرین هیأت دولت هویدا بود که تا پیش از کناره گیری تغییراتی نیز در آن انجام شد.

نخست وزیر: امیر عباس هویدا
وزیر دادگستری: غلامرضا کیانیور
وزیر خارجه: عباسعلی خلعتبری
وزیر کشور: امیر قاسم معینی
وزیر جنگ: ارتشبد رضا عظیمی



از راست: نعمت الله نصیری، محمدرضا امین، رضا عظیمی، مهرداد پهلبد، سپهبد خزاعی، تقی توکلی، محمد یگانه، مرتضی صالحی، جمشید آموزگار، عباسعلی خلعتبری، هوشنگ انصاری، محمود کاشفی، مهناز افخمی، منوچهر گنجی، صفی اصفیا، داریوش همایون، شیخ الاسلام زاده

- | | |
|---|--|
| وزیر کشاورزی و امور روستایی: احمدعلی احمدی | نخست وزیر: جمشید آموزگار |
| وزیر بازرگانی: کاظم خسروشاهی | وزیر دادگستری: غلامرضا کیانپور |
| وزیر کار و امور اجتماعی: امیر قاسم معینی | وزیر خارجه: عباسعلی خلعتبری |
| وزیر مسکن و شهرسازی: فیروز توفیق | وزیر کشور: اسدالله نصر اصفهانی |
| وزیر مشاور در امور اقتصادی: صفی اصفیا | وزیر جنگ: ارتشید رضا عظیمی |
| وزیر مشاور در امور زنان: مهناز افخمی | وزیر فرهنگ و هنر: مهرداد پهلبد |
| وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه: محمد یگانه | وزیر امور اقتصادی و دارایی: هوشنگ انصاری |
| وزیر مشاور در امور پارلمانی: محمود کاشفی | وزیر راه و ترابری: مرتضی صالحی |
| وزیر مشاور در امور اجرایی: منوچهر آگاه | وزیر بهداری و بهزیستی: شجاع الدین شیخ الاسلام زاده |
| معاون نخست وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور: نعمت الله نصیری | وزیر پست و تلگراف و تلفن: کریم معتمدی |
| معاون نخست وزیر در امور اجتماعی: محمد صادق کاظمی | وزیر علوم و آموزش عالی: منوچهر گنجی (سرپرست) |
| معاون نخست وزیر و رئیس سازمان انرژی اتمی: اکبر اعتماد | وزیر آموزش و پرورش: منوچهر گنجی |
| معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف: علی فرشچی | وزیر صنایع و معادن: محمدرضا امین |
| معاون نخست وزیر و رئیس آمادگی ملی و بسیج غیر نظامی: قاسم خزاعی | وزیر نیرو: تقی توکلی |
| | وزیر اطلاعات و جهانگردی: داریوش همایون |



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



۵ شهریور ۱۳۵۷ - ۱۵ آبان ۱۳۵۷

هیأت دولت جعفر شریف امامی:



۷۹

از راست: منوچهر آزمون، عباس قره باغی، حسن شالچیان، رضا عظیمی، رضا امین، هوشنگ نهانودی، پرویز آوینی، محمد باهری، جهانگیر مهدمینا، جعفر شریف امامی، منوچهر گنجی، عزت الله یزدان پناه، امیر خسرو افشار، حسنعلی مهران، محمد یگانه، محمد رضی ویشکایی، نصرالله مقتدر مژدهی و کاظم ودیعی

وزیر علوم و آموزش عالی: هوشنگ نهانودی
وزیر آموزش و پرورش: منوچهر گنجی
وزیر صنایع و معادن: محمدرضا امین
وزیر نیرو: جهانگیر مهدمینا
وزیر اطلاعات و جهانگردی: محمدرضا عاملی تهرانی
وزیر کشاورزی و عمران روستاها: امیر حسین امیر پرویز
وزیر بازرگانی: محمدرضی ویشکایی
وزیر کار و امور اجتماعی: کاظم ودیعی
وزیر مسکن و شهرسازی: پرویز آوینی
وزیر مشاور: علی نقی کنی
وزیر مشاور در امور اجرایی: منوچهر آزمون
وزیر مشاور و رییس سازمان برنامه: حسنعلی مهران
وزیر مشاور در امور پارلمانی: عزت الله یزدان پناه

جعفر شریف امامی در ۵ شهریور ۱۳۵۷ در جریان اوج گیری تظاهرات مردمی علیه رژیم شاه به منظور فرونشاندن موج اعتراض های مردمی به رژیم شاه تشکیل شد. ولی به دلیل ناکامی در امر سرکوب حرکت مردم در ۱۵ آبان مجبور به استعفا شد.
نخست وزیر: جعفر شریف امامی
وزیر دادگستری: حسین نجفی
وزیر خارجه: امیر خسرو افشار
وزیر کشور: ارتشبد عباس قره باغی
وزیر جنگ: ارتشبد رضا عظیمی
وزیر فرهنگ و هنر: محسن فروغی
وزیر امور اقتصادی و دارایی: محمد یگانه
وزیر راه و ترابری: حسن شالچیان
وزیر بهداری و بهزیستی: نصرالله مقتدر مژدهی
وزیر پست و تلگراف و تلفن: کریم معتمدی

❖ ۱۰ دی ۱۳۵۷ - ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

هیأت دولت شاهپور بختیار



۸۰

اعضای کابینه شاهپور بختیار در مجلس شورای ملی برای کسب رای اعتماد - احمد میرفندرسکی در حال سخنرانی. صادق وزیری، شاهپور بختیار و جعفر شفقت در ردیف اول



وزیر کشاورزی و عمران روستاها: منوچهر کاظمی
وزیر کار و امور اجتماعی: منوچهر آریانا
وزیر مسکن و شهرسازی: جواد خادم احمدآبادی

نخست وزیر: شاهپور بختیار
وزیر دادگستری: یحیی صادق احمدی
وزیر خارجه: احمد میرفندرسکی
وزیر کشور: شاهپور بختیار
وزیر جنگ: ارتشبد جعفر شفقت
وزیر امور اقتصادی و دارایی: رستم پیراسته
وزیر بهداشت و بهزیستی: منوچهر رزم آرا
وزیر پست و تلگراف و تلفن: لطفعلی صمیمی
وزیر آموزش و پرورش: محمد امین ریاحی
وزیر صنایع و معادن: عباسقلی بختیار
وزیر اطلاعات و جهانگردی: سیروس آموزگار



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

هیأت دولت مهندس مهدی بازرگان (دولت موقت انقلاب) * ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ - ۱۴ آبان ۱۳۵۸



از سمت راست: محمود احمدزاده، اسدالله مبشری، ناصر میناچی، ابراهیم یزدی، یدالله سبحانی، احمد صدر حاج سیدجوادی، مهندس بازرگان، داریوش فروهر، مصطفی کتیرایی، غلامحسین شکوهی، مهندس طاهری، دکتر سامی و تقی ریاحی

وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت آموزش و پرورش	غلامحسین شکوهی - محمدعلی رجایی
وزارت امور اقتصادی و دارایی	علی اردلان
وزارت امور خارجه	کریم سنجابی - ابراهیم یزدی
وزارت بازرگانی	رضا صدر
وزارت بهداری	کاظم سامی
وزارت پست و تلگراف و تلفن	حسن اسلامی
وزارت دادگستری	اسدالله مبشری - احمد صدر حاج سیدجوادی
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	تقی ریاحی - مصطفی چمران - احمد مدنی
وزارت راه و ترابری	مهندس طاهری
وزارت صنایع	محمود احمدزاده
وزارت فرهنگ و آموزش عالی	علی شریعتمداری - حسن حبیبی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ناصر میناچی
وزارت کار و امور اجتماعی	داریوش فروهر - علی اسپهبدی
وزارت کشور	هاشم صباغیان - احمد صدر حاج سیدجوادی
وزارت مسکن	مصطفی کتیرایی
وزارت نیرو	عباس تاج
وزارت کشاورزی	علی محمد ایزدی
وزارت نفت	علی اکبر معین فر
وزیر مشاور و سرپرست برنامه و بودجه	عزت الله سبحانی
معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی	حسین شاه حسینی



تصویر جلسه هیأت دولت به ریاست شهید رجایی. آقایان محمدرضا نعمت زاده، شهید فیاض بخش، شهید کلانتری، شهید عباسپور، عباس دوزدوزانی و محمد سلامتی در تصویر حضور دارند.



وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت فرهنگ و آموزش عالی	حسن عارفی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	عباس دوزدوزانی
وزارت کار و امور اجتماعی	احمد توکلی
وزارت کشور	محمدرضا مهدوی کنی
وزارت مسکن و شهرسازی	محمدشهاب گنابادی
وزارت نفت	محمدجواد تندگویان
وزارت نیرو	حسن عباس پور
بهریستی	محمدعلی فیاض بخش
وزارت کشاورزی	محمد سلامتی
وزیر مشاور در امور اجرایی	بهزاد نبوی
وزیر مشاور و سرپرست شرکت ملی فولاد ایران	محمود احمدزاده هروی

وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت آموزش و پرورش	محمدجواد باهنر
وزارت اموراتصادی و دارایی	محسن نوربخش
وزارت امور خارجه	میرحسین موسوی
وزارت بازرگانی	حسین کاظم پور اردبیلی
وزارت برنامه و بودجه	موسی خیر
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	هادی منافی
وزارت پست و تلگراف و تلفن	محمود قندی
وزارت دادگستری	ابراهیم احدی
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	جواد فکوری
وزارت راه و ترابری	موسی کلانتری
وزارت صنایع	محمدرضا نعمت زاده



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



۲۲ مرداد ۱۳۶۰ - ۸ شهریور ۱۳۶۰ *

هیأت دولت دکتر محمد جواد باهنر



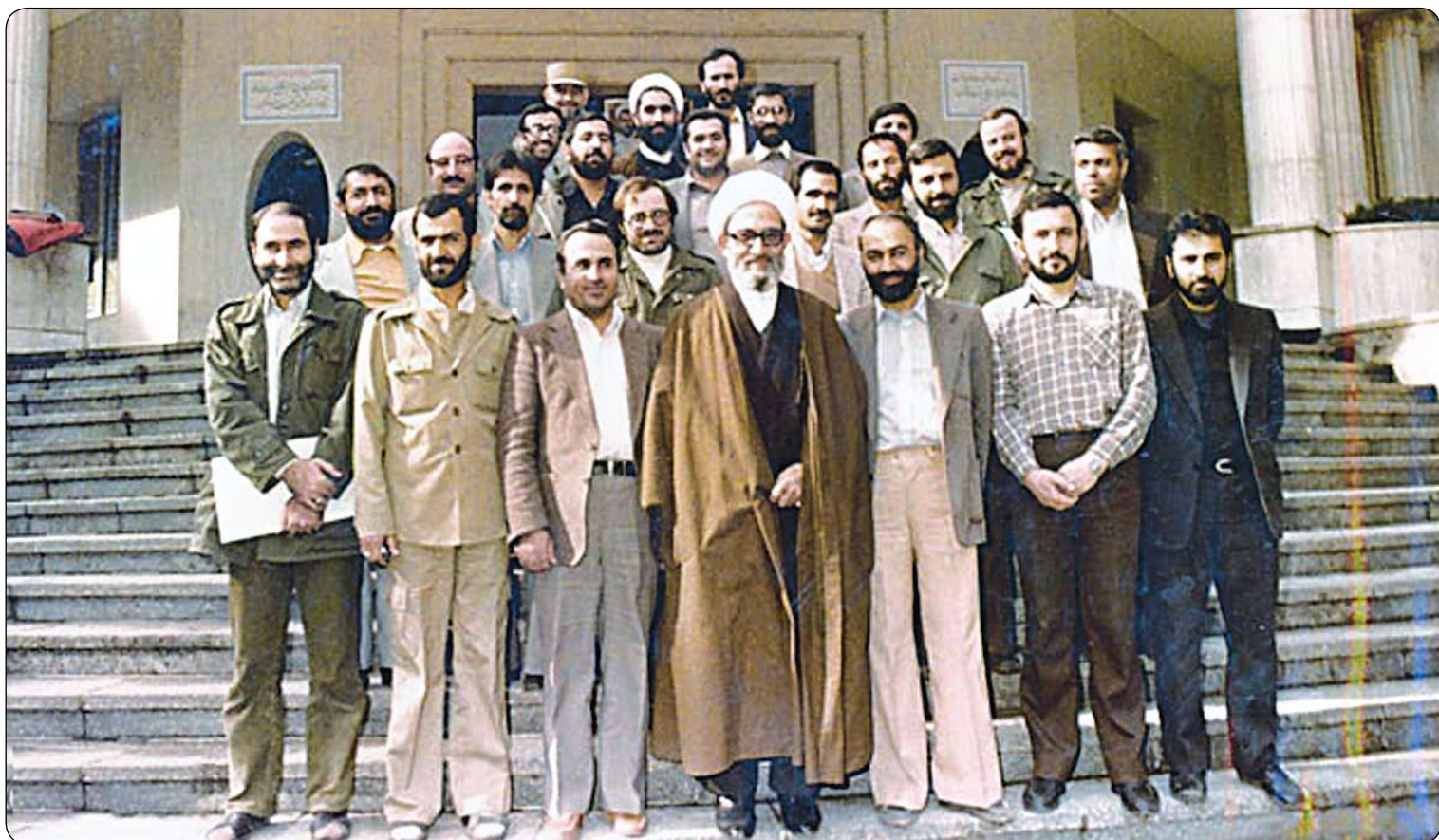
۸۳

نشسته از سمت راست: میر حسین موسوی، موسی نامجو، حسن غفوری فرد، شهید رجایی (رییس جمهور)، شهید باهنر (نخست وزیر)، علی اکبر پرورش، محمدرضا مهدوی کنی
ایستاده: هادی منافی،...، محمد تقی بانکی، محسن نوربخش، مرتضی نبوی، محمود روحانی، سید حسین موسویان، حسین نمازی، شهاب گنابادی، محمد میر محمد صادقی، محمد علی
نجفی،...، بهزاد نبوی و محمد غرضی.
رجایی و باهنر بر اثر انفجار بمب تروریست‌ها در ساختمان نخست‌وزیری به شهادت رسیدند.



وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت صنایع و معادن	مصطفی هاشمی
وزارت فرهنگ و آموزش عالی	محمد علی نجفی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	عبدالمجید معادیخواه
وزارت کار و امور اجتماعی	محمد میر محمد صادقی
وزارت کشور	محمدرضا مهدوی کنی
وزارت مسکن	محمد شهاب گنابادی
وزارت نیرو	منصور شهیدی
وزارت نفت	محمد غرضی
وزیر مشاور در امور اجرایی	بهزاد نبوی
وزیر مشاور و سرپرست شرکت ملی فولاد	حسین موسویانی
وزیر مشاور و رییس سازمان بهزیستی	محمود روحانی

وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت آموزش و پرورش	علی اکبر پرورش
وزارت امور اقتصادی و دارایی	حسین نمازی
وزارت امور خارجه	میر حسین موسوی
وزارت بازرگانی	حبیب الله عسگر اولادی مسلمان
وزارت برنامه و بودجه	محمد تقی بانکی (وزیر مشاور)
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	هادی منافی
وزارت پست و تلگراف و تلفن	مرتضی نبوی
وزارت کشاورزی	محمد سلامتی
وزارت دادگستری	سید محمد اصغری
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	سید موسی نامجو
وزارت راه و ترابری	تاجگردون



ردیف جلو از سمت راست: محمدعلی نجفی، محمدتقی بانکی، هادی منافی، محمدرضا مهدوی کنی، نیکروش، حسن غفوری فرد، بهزاد نبوی
ردیف دوم: حسین موسویان، مصطفی هاشمی طباطبائی، محمد سلامتی، محمود روحانی، محمد غرضی
در ردیف های بعد آقایان هادی نژاد حسینیان، شهاب گنابادی، علی اکبر پرورش، حسین نمازی، میر حسین موسوی، عبدالمجید معادیخواه، مرتضی نبوی، محمد میر محمدصادقی و موسی نامجو حضور دارند.



وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت آموزش و پرورش	محمدعلی نجفی
وزارت امور اقتصادی و دارایی	عبدالمجید معادیخواه
وزارت امور خارجه	محمد میر محمدصادقی
وزارت بازرگانی	سید کمال الدین نیک روش
وزارت برنامه و بودجه	محمد شهاب گنابادی
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	حسن غفوری فرد
وزارت پست و تلگراف و تلفن	محمود روحانی
وزارت دادگستری	حسین موسویانی
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	محمد غرضی
وزارت راه و ترابری	بهزاد نبوی
وزارت صنایع	محمود احمدزاده هروی

وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت آموزش و پرورش	علی اکبر پرورش
وزارت امور اقتصادی و دارایی	حسین نمازی
وزارت امور خارجه	میر حسین موسوی
وزارت بازرگانی	حبیب الله عسکراولادی مسلمان
وزارت برنامه و بودجه	محمدتقی بانکی (وزیر مشاور)
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	هادی منافی
وزارت پست و تلگراف و تلفن	مرتضی نبوی
وزارت دادگستری	سید محمد اصغری
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	سید موسی نامجو
وزارت راه و ترابری	هادی نژاد حسینیان
وزارت صنایع	مصطفی هاشمی



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

* سال ۱۳۶۰ - خرداد ۱۳۶۸

هیأت دولت مهندس میر حسین موسوی



۸۵

ردیف جلواز سمت راست: سراج الدین کازرونی، محمد درگاهی، سید محمد خاتمی، مسعود روغنی زنجانی، سید منصور رضوی، رئیس جمهور، محمد غرضی، میر حسین موسوی، دکتر آذای، علی اکبر ولایتی، محمد فرهادی، هادی منافی
ردیف دوم: مجتبی خسرو تاج، محمد علی نجفی، بهزاد نبوی، بیژن نامدار زنگنه، میرزاده، ناصر محمد خان، مجید قاسمی، علیرضا مرندی، غلامرضا شافعی، غلامرضا آقازاده، عیسی کلانتری
ردیف ایستاده: ابوالقاسم سرحدی زاده، علی شمخانی، محمد سعیدی کیا، علی اکبر محتشمی پور، حسن حبیبی، عطا اله مهاجرانی، میر محمدی

هیأت دولت میر حسین موسوی سال ۶۴

وزارتخانه	اسامی وزرا	وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت آموزش و پرورش	کاظم اکرمی	وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	محسن رفیق دوست
وزارت اطلاعات	محمد محمدی ری شهری	وزارت صنایع	غلامرضا شافعی
وزارت امور اقتصادی و دارایی	جواد ابروانی - حسین نمازی	وزارت صنایع سنگین	بهزاد نبوی
وزارت امور خارجه	علی اکبر ولایتی	وزارت فرهنگ و آموزش عالی	محمد فرهادی
وزارت بازرگانی	عابدی جعفری	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	سید محمد خاتمی
وزارت برنامه و بودجه	مسعود روغنی زنجانی	وزارت کار و امور اجتماعی	ابوالقاسم سرحدی زاده
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	علیرضا مرندی	وزارت کشور	علی اکبر محتشمی پور
وزارت پست و تلگراف و تلفن	محمد غرضی	وزارت مسکن	سراج الدین کازرونی
وزارت جهاد سازندگی	بیژن نامدار زنگنه	وزارت معادن و فلزات	محمد رضا آیت اللهی
وزارت دادگستری	حسن حبیبی	وزارت نیرو	محمد تقی بانکی
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	محمد حسین جلالی	وزارت کشاورزی	عباسعلی زالی
وزارت راه و ترابری	محمد سعیدی کیا	وزارت نفت	غلامرضا آقازاده



ردیف جلو: علی اکبر ولایتی، محمدی گلپایگانی، هاشمی رفسنجانی، مقام معظم رهبری، محسن نوربخش، غلامرضا آقازاده، علی لاریجانی
ردیف دوم: میرمحمدی، غلامرضا شافعی، بیژن نامدار زنگنه، علی محمد بشارتی، محمد غرضی
ردیف سوم: محمدرضا نعمت‌زاده، ناصر محمدخان، غلامرضا فروزش، اکبر ترکان، میرزاده، علیرضا مرندی، عطا اله مهاجرانی
ردیف چهارم: مصطفی هاشمی طباء، عیسی کلانتری، اسماعیل شوشتری، غلامحسین کرباسچی، محمد هاشمی، علی فلاحیان، علی شمخانی، حسن حبیبی



وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت صنایع	محمدرضا نعمت زاده
وزارت صنایع سنگین	هادی نژاد حسینیان
وزارت فرهنگ و آموزش عالی	مصطفی معین
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	سید محمد خاتمی - علی لاریجانی
وزارت کار و امور اجتماعی	حسین کمالی
وزارت کشور	عبدالله نوری
وزارت مسکن	سراج الدین کازرونی
وزارت معادن و فلزات	حسین محلوچی
وزارت نیرو	بیژن نامدار زنگنه
وزارت کشاورزی	عیسی کلانتری
وزارت نفت	غلامرضا آقازاده

وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت آموزش و پرورش	محمد علی نجفی
وزارت اطلاعات	علی فلاحیان
وزارت امور اقتصادی و دارایی	محسن نوربخش
وزارت امور خارجه	علی اکبر ولایتی
وزارت بازرگانی	عبدالحسین وهاجی
وزارت برنامه و بودجه	مسعود روغنی زنجانی
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	ایرج فاضل
وزارت پست و تلگراف و تلفن	محمد غرضی
وزارت جهاد سازندگی	غلامرضا فروزش
وزارت دادگستری	اسماعیل شوشتری
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	اکبر ترکان
وزارت راه و ترابری	محمد سعیدی کیا



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



هیأت دولت حجت الاسلام سید محمد خاتمی

* مرداد ۱۳۷۶ - شهریور ۱۳۸۴



۸۲

ردیف جلو: علی یونسی، محمد شریعتمداری، غلامرضا آقازاده، حسن حبیبی، مقام معظم رهبری، سیدمحمد خاتمی، محمدرضا عارف، محمدعلی ابطحی، در ردیف‌های بعد آقایان: میرمحمدی، محمدعلی صدوقی، علی شـمخانی، حسین مظفر، اسحاق جهانگیری، عبدالواحد موسوی لاری، محمود حجتی، علی عبدالعلی‌زاده، دکتر معتمدی، بیژن نامدار زنگنه در تصویر دیده می‌شوند

هیأت دولت سید محمد خاتمی سال ۱۳۷۶

وزارتخانه	اسامی وزرا	وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت آموزش و پرورش	حسین مظفر	وزارت راه و ترابری	محمود حجتی
وزارت اطلاعات	قربانعلی دری نجف آبادی - علی یونسی	وزارت صنایع و معادن	غلامرضا شافعی
وزارت اموراتصادی و دارایی	حسین نمازی	وزارت فرهنگ و آموزش عالی	مصطفی معین
وزارت امور خارجه	سید کمال خرازی	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	احمد مسجد جامعی - عطاءالله مهاجرانی
وزارت بازرگانی	محمد شریعتمداری	وزارت کار و امور اجتماعی	صفدر حسینی - ناصر خالقی
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	محمد فرهادی	وزارت کشور	سید عبدالواحد موسوی لاری
وزارت پست و تلگراف و تلفن	محمدرضا عارف	وزارت مسکن و شهرسازی	علی عبدالعلی‌زاده
وزارت جهاد کشاورزی	محمد سعیدی کیا	وزارت نیرو	حبیب الله بیطرف
وزارت دادگستری	اسماعیل شوشتری	وزارت تعاون	مرتضی حاجی
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	علی شمخانی	وزارت نفت	بیژن نامدار زنگنه



ردیف جلو: محمود بهمنی، زریبافان، محمدرضا رحیمی، مقام معظم رهبری، محمود احمدی نژاد، علی نیکزاد، غلامحسین الهام
در ردیف‌های بعد: کامران دانشجو، سید محمود حسینی، رستم قاسمی، فرزین، علی سعیدلو، شیخ الاسلامی، در تصویر حاضر هستند.

هیأت دولت محمود احمدی نژاد سال ۱۳۸۴

وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت صنایع	علیرضا طهماسبی - علی اکبر مهربان
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	محمد مهدی زاهدی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حسین صفار هرنندی
وزارت کار و امور اجتماعی	محمد جهرمی
وزارت کشور	مصطفی پورمحمدی - علی کردان - صادق محصولی
وزارت مسکن	محمد سعیدی کیا
وزارت نیرو	پرویز فتاح
وزارت نفت	کاظم وزیري هامانه - غلامحسین نوذری
وزیر رفاه	کاظمی - عبدالرضا مصری

وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت آموزش و پرورش	محمود فرشیدی - علی احمدی
وزارت اطلاعات	محسنی اژه ای
وزارت امور اقتصادی و دارایی	داود دانش جعفری - حسین صمصامی - شمس الدین حسینی
وزارت امور خارجه	منوچهر متکی
وزارت بازرگانی	مسعود میر کاظمی - مهدی غضنفری
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	کامران باقری لنکرانی
وزارت پست و تلگراف و تلفن	محمد سلیمانی
وزارت جهاد کشاورزی	محمدرضا اسکندری
وزارت دادگستری	جمال کریمی راد - غلامحسین الهام
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	مصطفی محمد نجار
وزارت راه و ترابری	محمد رحمتی - حمید بهبهانی



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



هیأت دولت دکتر حسن روحانی

* شهریور ۱۳۹۲



ردیف جلو: از راست: نویخت، عباس آخوندی، محمد علی نجفی، نهایندیان، حسن روحانی، محمود واعظی، صالحی امیری، اسحاق جهانگیری
ردیف دوم: از راست: علی اصغر فانی، جعفر توفیقی، محمود حجتی، علی جنتی، محمدرضا نعمت‌زاده، مصطفی پورمحمدی، سید محمود علوی
ردیف سوم: از راست: علی طیب‌نیا، سید حسن هاشمی، علی اکبر صالحی، محمد جواد ظریف، علی ربیعی، بیژن نامدار زنگنه، حمید چیت‌چیان

هیأت دولت حسن روحانی سال ۱۳۹۲

وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت راه و ترابری و مسکن	عباس آخوندی
وزارت صنعت و تجارت	محمدرضا نعمت‌زاده
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	محمد فراهی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	علی جنتی
وزارت کار و رفاه اجتماعی	علی ربیعی
وزارت کشور	عبدالرضا رحمانی فضلی
وزارت نیرو	حمید چیت‌چیان
وزارت نفت	بیژن نامدار زنگنه
وزارت ورزش و جوانان	محمود گودرزی

وزارتخانه	اسامی وزرا
وزارت آموزش و پرورش	علی اصغر فانی
وزارت اطلاعات	سید محمود علوی
وزارت امور اقتصادی و دارایی	علی طیب‌نیا
وزارت امور خارجه	محمد جواد ظریف
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	سید حسن هاشمی
وزارت ارتباطات	محمود واعظی
وزارت جهاد کشاورزی	محمود حجتی
وزارت دادگستری	مصطفی پورمحمدی
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	حسین دهقان

دستور العمل بخشودگی غیبت سربازی اعلام شد

«در مصوبه سازمان وظیفه عمومی ناجا ۱۱ شرط استفاده از بخشودگی اعلام شده است
فردی که تقاضای معافیت پزشکی داده است در صورتی که پرونده‌اش در شورای پزشکی به صدور
رای منجر نشده باشد، می‌تواند با انصراف از معافیت پزشکی از این نوع معافیت استفاده کند

صفحه ۱۳



اطلاعات

نامزدهای حزب الله به پارلمان لبنان راه یافتند

«یکی از نمایندگان فرانسویون حزب الله در پارلمان لبنان اعلام کرد جناح «۱۴ مارس» نیاید سلاح حزب‌الله
و نقش آن به عنوان جنبش مقاومت را زیر سؤال ببرد

«رژیم صهیونیستی از پیروزی جناح ۱۴ مارس در انتخابات لبنان ایران خر سندی کرد

صفحه ۱۶

سه شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۸۸ - ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۳۰ - ۹ ژوئن ۲۰۰۹ - شماره ۲۳۴۸ - صفحه ۲۰ - ۵۰۰ ریال - به همراه ۱۶ صفحه ضمیمه اطلاعات و ۱۶ صفحه نیازمندها

تداوم رکود معاملات در بازار مسکن

«رئیس اتحادیه مشاوران املاک: این که اعلام می‌شود خرید و فروش مسکن در حال رونق گرفتن است، صحیح نیست
«مراجعه‌کنندگان فقط برای اطلاع یافتن از قیمت‌ها وارد بنگاه‌ها می‌شوند»
«تصور نمی‌شود حتی بعد از انتخابات ریاست جمهوری نیز شاهد افزایش قیمت مسکن باشیم»
«دولت آینده لازم است برای کاهش قیمت مسکن تلاش کند»

سرویس اقتصادی: بازار مسکن در حد پرس و جو و کتب اطلاعات خرید و فروش مسکن در حال رونق گرفته است، صحیح نیست چرا که رئیس اتحادیه مشاوران املاک با بیان اینکه این روزها بدست آوردن قیمت مسکن و شرایط بازار مسکن از بنگاه‌ها افزایش یافته، گفت: هسته اما آنچه که این روزها نمود بیشتری پیدا کرده این است که مراجعه به بنگاه‌های مسکن طبق گزارشات تنها

۴ تندیس از دانشمندان ایرانی در وین پرده برداری می‌شود

صفحه ۳

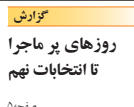
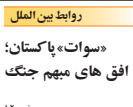


نکوداشت حافظ از سوی آلمانی‌ها در شیراز

صفحه ۲



ویژه ادب و هنر ضمیمه اطلاعات امروز



«میشل عون» خواستار مشارکت در دولت لبنان شد

«میشل عون در مورد تحولات انتخاباتی به شورای قانون اساسی لبنان شکایت می‌کند
«فواد سننور» اکثریت فعلی در مجلس لبنان باید وضعیت خود را در قبال اقلیت روشن کند
«رئیس مجلس لبنان: اسرائیل به دنبال اطمینان یافتن از خلع سلاح مقاومت است»

صفحه ۱۶



اطلاعات

اعلام میزان دارایی‌ها و بدهی‌های خارجی ایران

«میزان کل بدهی‌های خارجی معادل ۲۱ میلیارد و ۷۲۳ میلیون دلار اعلام شد
«میزان سپرده‌های ایران در بانک‌های خارجی تا پایان سال ۲۰۰۸ به ۴۱/۵ میلیارد دلار افزایش یافته است»

صفحه ۲

پنجشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۸۸ - ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۳۰ - ۱۱ ژوئن ۲۰۰۹ - شماره ۲۳۴۸ - صفحه ۲۰ - ۵۰۰ ریال - به همراه ۱۶ صفحه ضمیمه اطلاعات و ۱۶ صفحه نیازمندها

برای انتخاب برتر

فردا همه رای می‌دهیم

توصیه‌های مهم رئیس ستاد انتخابات کشور به مردم

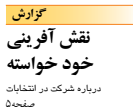
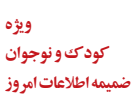
«رای‌دهندگان باید حتماً شناسنامه خود را به همراه داشته باشند
حتی اگر شناسنامه عکس‌دار نباشد
«مردم از ساعت ۸ صبح برای رأی‌دین به شعبه‌های اخذ رأی مراجعه کنند تا در ساعات پایانی با ازدحام جمعیت روبرو نشوند
«نمایندگان نامزدها می‌توانند در مرحله جمع آراء حضور داشته باشند
«حضور خبرنگاران به دلیل تعداد زیاد آنها در ستاد انتخابات امکان‌پذیر نیست»

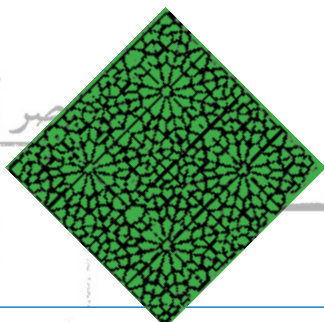
«افراد برای رأی‌دین از خودکارهای خود استفاده کنند و از گرفتن خودکار از افراد بیرون یا داخل شعبه خودداری کنند»

اعلام مصدق جرایم انتخاباتی در روز رأی‌گیری

«جامعه‌مدرسین حوزه علمیه قم حضور حداکثری مردم در انتخابات امری واجب است
«سخنگوی شورای نگهبان: روسای ستادهای می‌توانند از ستاد نظارت بر انتخابات دیدن کنند»

صفحه ۲ و ۱۳





ساحب امتیاز و مؤل : ع. مسعودی
 نشر : مرکز اطلاعات ایران
 اداره : خیابان لاله زار کوچه وثوق نظر
 تک نسخه چهارشاهی

کارکنان این اداره در دومین قدم برای
شرف و توفیق و مؤسسه اطلاعات بآنکه توجه
علاقه عموم هموطنان میادرت به نشر روزنامه
«ام» (اطلاعات) خواهند کرد در حقیقت
ن نامه وسیله ایست برای استقبال و جلب توجه
نامه نیست باین مؤسسه که شاید بتواند
ری سریعتر داخل مراحل ترقی و تکامل گردد
این روزنامه بطور یومیه و مرتب انتشار
یافته و جای اخبار و حوادث گاه به گاه

خلاق که نامی از بیماری و هر بیماری جزای
است و دو این معطلی که بجای تشویق هزار
گونه مشکلات و موانع برای خنثی کردن
قدرات این مؤسسه که جز برای اصلاح و
ترقی مملکت نیست تهیه می کنند توانسته است
عرض اندام نموده قدم هایی بر دارد ولی باید
صدیق کرد که این قدم ها فوق العاده بطئی
و دایم شده است زیرا میبایست این اداره
با حال طوری توسعه یافته باشد که بتواند
بر این آژانس ها، خاد عظمی و عظمی

سال، کارنامه
۱۳۰۵
از جمله بخش
ویتترین ۹۰ سال
مکمل ارائه شد
طهران را از
رئیس کل تشکیل
کریم آقا خان بود
سواره حرکت میگرد
در عا
گورد سو

[illegible]

شده است (۸۸٪، ۸۲٪، ۷۸٪) و دوره‌های روزنامه
تاکنون مراجعه کرد. ضمناً در فصل‌های دیگر
«۹۰ سال مبارزه و مقاومت» و نیز بخش
«له»، شواهد و نمونه‌های بیشتر و گسترده‌تر
دهه است.

خود نمایندگان حاضر در مرکز که
۷۶ نفر بود در کرسی های خود
آقای رئیس الوزراء و وزراء و
روی پروین قزاق گرفتند

ویژه نامه نوبین سبانی

در وقتی که اعلیحضرت
جایز فرمودند يك تیر آپ عایر
در عبور از میدان سپه نیز سه
عایك گردید در دو طرف تمام
همایونی از دهم كبری از طبقات
حضور داشتند طوری كه راه عبور
اطلاعات،
چند مقاله و گزارش

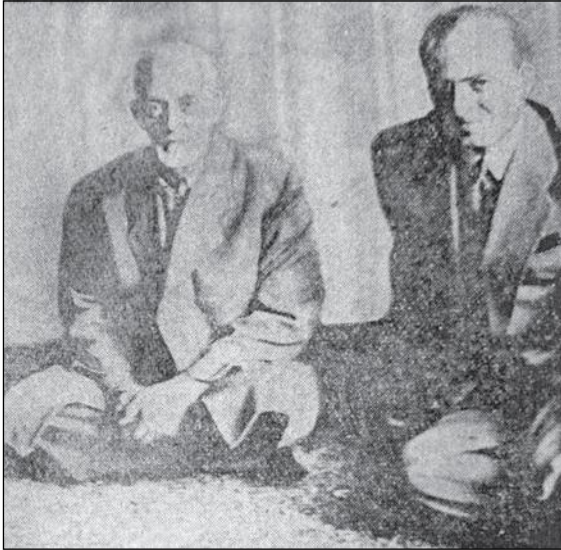
چند مثال از مقاله‌ها و گزارش‌ها را با مثال‌هایی چند، از میان هزاران خبر و جانبداری از این و آن شخص یا این و آن نامه، بیش از این اقتضا ندارد. برای کتاب اطلاعات سال، مجموعه پنج جلدی ساله (۸۶، ۸۷، ۸۸) و دوره‌های روزی که در فصل‌های دوم مراجعه کرد. ضمناً در فصل‌های دهم، نهم و هفتم «مبارزه و مقاومت» و نیز به شواهد و نمونه‌های بیشتر و گسترده‌تر.

کتابخانه ملک: گنجینه هنر و ادب ایران



هر کس در این دیار با کتاب و کتابخانه سروکار دارد نام کتابخانه ملی ملک را شنیده است اهل فضل و دانش میدانند که این کتابخانه یکی از چند کتابخانه مهمی است که در پنجاه سال اخیر در ایران بوجود آمده است ولی محققا بسیار کمند آنهایی که خبر دارند چه گنجینه‌هایی از آثار اندیشه و ذوق و هنر مردم ایران در آن گردآمده است.

● ۶۵۰۰ جلد کتاب خطی، بیش از ۱۴ هزار کتاب چاپی، ۱۲ تابلوی کمال‌الملک - مجموعه‌های تبر، سکه و قلمدان در این کتابخانه گرد آمده است.



از چپ: حاج حسین آقا ملک بنیانگذار کتابخانه ملک و احمد سهیلی خوانساری سرپرست کتابخانه

کتابهای خطی

آنچه بیک کتابخانه ارزش و اهمیت می‌دهد تعداد کتابهای خطی و نسخه‌های منحصر بفرد یا کمیاب آن کتابخانه است.

شماره کتابهای خطی کتابخانه ملک ۶۵۰۰ مجلد است ولی چون غالب مجلدات شامل چندین کتاب و رساله است از این رو دارای در حدود هفده هزار عنوان (فیش) کتاب و رساله خطی است. و آنچه باعث اهمیت این مجموعه است این است که در میان این هفده هزار اثر تقریبی آثار منحصر بفرد و باصلاح کتاب‌شناسان «نسخه» و کتابهای کمیاب بسیار است.

از نسخه‌های بی‌نظیر و منحصر بفرد کتابخانه ملک:

کتاب‌العین خلیل بن احمد نحوی، کتاب المحيط صاحب بن عباد، مقدمه الادب فارابی در لغت و مشکلات ابن هیثم در هندسه و کتاب اثمار بخاری در نجوم است کتاب اثمار بخاری به خط و قلم سرآمد شاعران و نویسندگان طنزپرداز ایران عبید زاکانی است در صفحه پشت این کتاب اسحاق پسر عبید پس از فوت پدرش تملک کتاب را تسجیل کرده است.

کتابهای چاپی

شماره کتابهای چاپی فارسی و عربی و ترکی کتابخانه ملک ۱۴/۵۰۰ عدد و ضمناً دارای ۳۶۰۰ جلد کتاب فرانسوی و انگلیسی و آلمانی و روسی می‌باشد این کتابها نیز همه با دقت و ذوق انتخاب شده و در میان آنها مجلداتی هست که کمیاب و گرانها است و رویهم‌رفته مجموعه دست‌چینی است.

موزه کتابخانه

کتابخانه ملی ملک مانند بسیاری از کتابخانه‌های بزرگ و معروف جهان موزه تاریخی مهمی دارد که در آن بسیاری از نقایس آثار هنری و تاریخی گرد آمده که باختصار و اجمال بدانها نیز اشاره می‌شود، در مجموعه مینیاتورهای کتابخانه تصویر خواجه نصیرالدین طوسی همراه با آثاری از بزرگان این هنردیده می‌شود. و در میان مجموعه صدها قطعه خط ممتاز کتابخانه خط بزرگان و نامورانی چون نورعلی شاه و یایسنغر و میرزا غلامرضا و علی‌رضای عباسی و میرعلی هروی و میرعماد و سایر بزرگان و استادان نامور به چشم می‌خورد در قسمت اسناد و اوراق تاریخی قباله عقد و ازدواج میرزا تقی خان امیرکبیر با عزت الدوله خواهر ناصرالدین شاه جلب نظر می‌کند.

کتاب‌العین خلیل بن احمد نحوی، کتاب المحيط صاحب بن عباد، مقدمه الادب فارابی

سکه‌ها

مجموعه سکه موزه کتابخانه ملی ملک در نوع خود بی‌همتا و فوق‌العاده مهم است در میان چهار تا پنج هزار

سکه طلا و نقره و مس که در این مجموعه گردآمده است سکه‌هایی دیده می‌شود که در هیچ مجموعه‌ای نظیر آن نیست.

مانند سکه طلای بهرام اول پادشاه ساسانی که از لحاظ ضرب هم جالب و قابل توجه است، سکه فتحعلیشاه قاجار در لباس ایللی (ترکمن)، سکه حسینعلی میرزا قاجار که پس از مرگ فتحعلیشاه و قبل از ورود محمدشاه به تهران پنجاه روز در شیراز نام پادشاه برخورد نهاده بود و سکه بنام خود زده بود و همچنین چند سکه‌ی بی‌مانند از سکه‌های دوران ولایت‌عهدی حضرت رضا (ع).

مجموعه سکه کتابخانه ملک علاوه بر این خصوصیات از لحاظ جامع و کامل بودن یعنی شامل بودن سکه شاهان قبل و بعد از اسلام نیز اهمیت دارد.

مجموعه تبر

مجموعه تبر موزه کتابخانه ملک از جهات عدیده دارای اهمیت است اهمیت عمده آن در این است که این مجموعه اختصاص به تبر ایران ندارد و شامل مجموعه از تبرهای تمام کشورهای جهان تا ۱۵ سال پیش و از جمله بهترین مجموعه تبر کشور اتریش در آن میان است.

بقیه آثار موزه

شرح بقیه آثار موزه باعث طولانی شدن این نوشته می‌شود و فقط به‌دوچیز جالب دیگر این موزه اشاره کرده و می‌گذرم. در موزه کتابخانه در حدود نود قلمدان وجود دارد که تقریباً می‌توان گفت از تمام آثار هنرمندان بزرگ این هنر زیبای ملی از قبیل محمودخان ملک‌الشعراء - آقازمان - آقا نجف در آن میان دیده می‌شود و مجموعه بالنسبه کاملی است.

تابلوهای کمال‌الملک

دوازده تابلو برجسته از آثار نقاش نامور و هنرمند بزرگ کمال‌الملک نیز از آثار گرانبهادر این موزه و کتابخانه است. مرحوم ملک تا ۱۵ سال پیش که خریداران این آثار در ایران فراوان نبود و بهای این آثار با همه اهمیتی که دارد بالنسبه ارزان بود، و خریدار شاید فقط خود ملک بود به جمع‌آوری این آثار ابراز علاقه می‌کرد. ولی از ۱۵ سال پیش که خریداران این آثار بتدریج روبه فزونی نهاد و بهای آثار هنری بالا رفت مرحوم ملک خریدهای خود را متوقف ساخت و در سالهای آخر عمر چیزی بر این گنجینه نیفزود ولی آنچه از او بیادگار مانده کافی است که تا نام او را زنده و باقی نگاه دارد. سهم و همت و کوشش و پایمردی مرحوم ملک بجای خود محفوظ ولی در بوجود آوردن این کتابخانه و موزه شخص دیگری هم دست اندکار بوده و غالب آثار نفیس موزه و کتابخانه بدست او و به تلاش و اصرار و ابرام او فراهم شده است. مرحوم ملک مال و عمر خود را روی بوجود آوردن کتابخانه گذاشت و آن یک هم نقد جوانی

و زندگانی و مایه علمی و هنری و ذوق خود را یکسره وقف بوجود آوردن این کتابخانه کرد و این شخص شاعر و نویسنده محقق و خطاط و هنرمند و هنرشناس گرانمایه احمد سهیلی خوانساری است که چهل سال پیش وقتی احمد سهیلی برای تنظیم ترجمه دائرةالمعارف بریتانیکا باتفاق جمعی دیگر از مترجمین پا در کتابخانه ملک نهاد اصولاً کتابخانه‌ای در میان نبود سالی در خانه مرحوم ملک وجود داشت که در آن سالن در حدود ۵ هزار کتاب بدون نظم و ترتیب روی هم ریخته شده بود و لحافی از خاک و خاشاک پوشش آن کتابها بود.

دو سال پس از این تاریخ سهیلی باتفاق مرحوم ملک مشغول ثبت و تنظیم فهرست کتابها شد و از آن زمان بود که بر اثر کوشش سهیلی میتوان بتدریج سالن‌ها را قفسه‌بندی کردند و کتابها را با نظم و ترتیب در آنها جای دادند و انبار کتاب تبدیل به کتابخانه شد و از همین زمان بود که سهیلی دامن همت به کمر زد و با سفر کردن مکرر به اصفهان و شیراز و آذربایجان و قزوین و اهتمام بسیار در خود تهران به یافتن و خرید کتابها و آثار نفیس پرداخت و بهمین جهت اکنون هر کتاب و اثر مهمی را در کتابخانه ملک ملاحظه کنید در پشت صفحه آن به قلم و خط سهیلی بر می‌خورید که نوشته در چه تاریخ و چه گونه آن اثر را او خریداری کرده است، تاسیس موزه و گردآوردن گنجینه سکه‌ها و غیره نیز از پیشنهادهای بود که سهیلی به مرحوم ملک کرد و خود مباشر انجام و اجرای آن مقصود شد و با عشق و شور و علاقه بسیار که لازمه انجام گرفتن این امور است بالاخره موفق شد این موزه را پدید آورد که امروز گنجینه‌ایست از آثار هنری ایران که بها و ارزش برای آن نمیتوان فرض کرد.

تجلیل و تکریم نسبت به واقف موزه و کتابخانه و کسی که سرمایه و همت و ذوق خود را روی این کار گذاشته کاریست که انجام شده و امروز نام مرحوم ملک در شمار خدمتگزاران صمیمی هنر و فرهنگ ایران است که در جریده عالم دوام آن ثبت شده است.

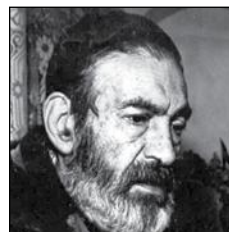
ولی در مورد احمد سهیلی چه اقدامی شده من شخصاً هیچگونه اطلاعی ندارم آیا از طرف مقامات فرهنگ و هنر از وی تشویقی شده؟ آیا اولیای آستان قدس توجه و عنایتی به خدمات این مرد هنرمند کرده‌اند؟...

من تصور می‌کنم باید حق هر خدمتگزاری در زمان حیات او در کشور اداء شود تا خدمتگزاران صدیق و با ایمان تشویق شوند ما نباید حق‌شناسی از خدمتگزاران علم و دانش و هنر را فقط موقوف به بعد از وفات آنها کنیم باید هنرمند در زندگی خود نیز قدر ببندد و بر صدر نشینند تا مردم بویژه جوانها عملاً ببینند که جامعه حق‌شناس و بیدار است.



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

۱۳۵۴/۵/۱



جلال الدین همایی



دکتر ضیاء الدین سجادی

نابخردان، زبان فارسی را به تباهی می کشند

با این حساب برای یک هوس کاری و یک لغت سازی ناهنجار هر شبانه روز یکسال و هر سالی ۳۶۰ سال عمر گرانبهای مردم تلف می شود.

مثال دیگرش کلمه «سده» اصفهان است که آنرا مبدل به همایون شهر کرده اند. در صورتی که لفظ سده دو سیلاب بسیار کوتاه شیرین فارسی و در تلفظ فقط دو حرف متحرک است که تمام معنی و مراد این نامگذاری را می رساند زیرا که سده در اصل سه قریه بوده (خوزان، فروشان، و رنسفادران) حالا این کلمه را مبدل به همایون شهر کرده اند که هم لفظش طولانی تر، هم مفهومی بی اعتبار است.

برگردیم به کلمه مجمع، اگر شعر حافظ را به شاگرد مدرسه بدهند که ترجمه کند مجمع خوبی و لطف است عذار چو مهش لیکنش مهر و وفا نیست خدایا بداهش باید بنویسند گردهم آیی یا گرد هم آمد نگاه خوبی و لطف است که این تعبیر مفهوم کلمه «مجمع» را در این بیت نمی رساند...

حماسه بدیهی

پس از قرائت سخنرانی استاد همایی آقای امین بنائی استاد ایرانی در یکی از دانشگاه های آمریکا درباره شاهنامه و ریشه های حماسی بدیهی چنین سخن گفت:

حماسه به هنگام بروز خطرات آنی در آدمی - یا در یک ملت زاده می شود، چنانکه در قرن هشتم قبل از میلاد هومر در یونان و در قرن چهارم هجری فردوسی در ایران به حماسه پرداختند، چون بیم آن میرفت که یونانیان در آن روزگار بر اثر درآمیختن با اقوام و ملل دیگر فرهنگ و قومیت خود را باز نشاناسند از اینرو «ایلیاد» آفریده شد تا رابطه هر فرد یونانی را با گذشته کشورش استوار کند، شاهنامه فردوسی نیز در دوره یی پدید آمد که زبان و قومیت ایرانی در معرض خطر بود. در آن روزگار پاره ای از ایرانیان از پارسی گفتن عار داشتند و گروهی خود را به غیر ایران منسوب می داشتند، در این دوره شاهنامه چون یک ضرورت تاریخی و فرهنگی پدید آمد که من آنرا حماسه بدهی نام میدهم، در برابر حماسه های فرمایشی چون «انهئید» نوشته ویرژیل، یا بهشت گمشده اثر میلتن که با ضرورتی واقعی همراه نبوده است.

پس از پایان سخنرانی امین بنائی حاضران مسائلی را مطرح کردند. استاد محیط طباطبائی گفت: این را می دانیم که زبان دری در قرن چهارم کمال یافته بود و در خشانترین نمونه نثر و نظم را از آن دوره داریم، چگونه بیم زوال آن می رفت که فقط بدین منظور فردوسی به نوشتن شاهنامه وادار شده باشد.

امین بنائی پاسخ گفت: امروز که به آثار فارسی قرن چهارم نگاه می کنیم آنرا کامل می یابیم اما باید از دیدگاه مردم آنروزگار مسأله را بررسی کنیم آن بیم و امیدها، فشار حکومت های دست نشانده عرب را بشناسیم. در دورانی که ابوریحان گفته است من دشنامی را به زبان عربی از درودی به زبان پارسی خوشتر می دارم، و در دربار طاهریان به عربی سخن می گفتند. دکتر رجائی به تایید سخنان بنائی چنین گفت: با تعارف نمی شود مجالس علمی را بر گزار کرد. آقای محیط طباطبائی گفتند که در زمان فردوسی زبان فارسی دری به حد کمال بود.

من نظری جز این دارم، بنیاد فرهنگ ایران در کار تدوین فرهنگنامه تاریخی زبان فارسی است که تا قرن پنجم آن تدوین شده است. با مراجعه به آن دیده می شود تا قرن پنجم سیزده تا چهارده متن فارسی داریم که یکیش شاهنامه است و حجم متون دیگر که بیشتر طبی و جغرافیایی است مجموعاً به اندازه نیمی از شاهنامه است و واژه های فارسی که در شاهنامه است بیش از تمام لغات آنهاست، از سوی دیگر در دوره هایی که همه بسودای آیه سودای مقام و منصب و ثروت بردهوار باز یچه دست نشاندهان عرب بودند و کسانی چون غزازی رازی و انوری بر اثر تملق «از نقره دیگدان می ساختند» فردوسی بر خلاف جریان شنا کرد، به فارسی گفت و به ایران اندیشید و تملق نگفت، ادای حق اینست.

محیط طباطبائی پاسخ داد: در همان قرون تاریخ طبری و تفسیر طبری نوشته شده که بیش از شش هزار واژه پاک فارسی دارد. هنوز هم ملاک صحبت زبان ما شعر و نثر قرن چهارم است، البته زبان فارسی با شاهنامه تکامل یافته و باشد که همچنان ادامه یابد. امیدوارم زبان فارسی هیچ گاه کامل نشود چون پس از کمال مرحله سقوط فرا می رسد، و این بجز تکامل است.

در این جلسه دکتر اسلامی پیشنهاد کرد چون پاره ای از روایات مجعول چون سرودن شاهنامه به امید صله و امثالهم در کتابهای دبستانی هست، و ذهن کودکان آنرا به سادگی و قاطعیت می پذیرد که حتی با تحقیق دانشگاهی نیز از سر آنان بدر نمی رود، از این رو پیشنهاد می کنم که این افسانه پردازی ها از کتاب های دبستانی زدوده شود.

بعلت اهمیت موضوع قسمت هایی از هشدار و زندهای استاد [همایی] را که خطاب به نویسندگان امروزی است نقل می کنیم:

«خیلی برای من گفتن این حرف دشوار است، اما چاره چیست؟ حقیقتی است که باید اظهار کنم و در واقع درد دلی است که باید با دوستاناران شاهنامه و علاقه مندان به وطن و آب و خاک خود در میان بگذارم، باشد که چاره گری کنند و جلو سیل وحشتناکی را که ملت ها را تهدید می کند بگیرند. می خواهم بگویم که متأسفانه مثل اینست که ما در حال حاضر قدر ادبیات فارسی خود را و در ضمن همین شاهنامه را که موضوع بحث است. و در ظاهر محصول یک عمر رنج و زحمت خونبهای یک دانشمند گوینده و دهقان آزاده ایرانی به نام فردوسی است نمی دانیم، سهل است که احیاناً کارها می کنیم و حرف ها می زنیم که با آن منظور مقدس منافات دارد.

خلاصه این که می خواهم بگویم که تحقیقات ادبی و منشآت نظم و نثر فارسی و لغت سازی های ناهنجار و برف انبار و تغییر و تبدیل های بی جا و غیر لازم و امثال این هوس بازی ها که از قلم و زبان های نیخته سر می زند گاه طوری است که خواه ناخواه، دانسته یا ندانسته بهمان نیخته شوم منتهی خواهد، چه بسا که در کتب و جراید و مجلات به عنوان شعر و مقاله و تحقیق ادبی عبارات ناهنجار و نافر هیخته به چشم می خورد که روح فردوسی و سعدی از آن بیزار و در شکنجه و آزار است، و اگر در بر این پاشنه بگردد دیری نمی گذرد که نسل بعد دیگر به هیچ وجه از عهده فهم و درک شاهنامه و دیگر آثار گرانبه ادبی بر نمی آیند.

ملت بدون سابقه

سپس استاد به لغت سازی و واژه بازی معاصران اشاره می کند: همانطوریکه در اثر هجوم لغت سازی و متدبازی که هر دو معلول هوسبازی بود کم کم در مدارس پیش آمد و ما خود شاهد و ناظر بودیم که لغات ریاضی قدیم مثل (جمع و تفریق، تقسیم، ضرب و کسر) و امثال آن و همچنین روش تدریس را به عنوان اینکه متد قدیم پوسیده و زاده است از روی خودنمایی و هوس های کودکانه یا اغراض ناپاک عوض کردند و نتیجه اش این شد که رابطه فرهنگی خانواده ها از هم گسست. پدران و مادرانی که ریاضی خوانده بودند و آنرا خوب می دانستند و بایستی در پیشرفت دروس به فرزندانشان در خانه کمک کنند زبان فرزندان را نمی فهمیدند، عجیب است که آن روش نامطلوب همچنان ادامه یافت یعنی چندی نگذشت که باز هم آن کلمات و روش را تغییر دادند تا کار بدانجا رسید که خواهر و برادرهای بزرگتر که هنوز در آن دبیرستان تحصیل می کردند زبان دانش آموزان کلاس های پائین تر را نمی فهمیدند. امروز متأسفانه چه بسا که معلمان ادبیات فارسی نیز اشعار بسیار مشهور فردوسی و اسدی و حافظ و سعدی را نمی شناسند و از هم تمیز نمی دهند و اگر لطیفه ای بشنوند که مثلاً مربوط به شاهنامه یا گلستان باشد، درک نمی کنند.

خلاصه من صریح و پوست کنده می گویم اگر هدف اصلی این است که پیوند نسل های بعد، از فرهنگ ملی پدران و اسلافشان یکی گسیخته شود و ملتی نوزاد بی سابقه تمدن یعنی علفی خودروی و نهالی بی ریشه باشند.

همین راه را که کج روان خام بد سلیقه یا مغرضان بد اندیش پیش گرفته اند تعقیب کنند و ادامه دهند وگرنه به یقین بدانند که این ره که تو میروی به ترکستان است.

استاد همائی سپس اظهار خوش بینی می کند که جشنواره ها و مجتمع هایی نظیر جشنواره توس رسالت تاریخی حفظ زبان و پاسداری فرهنگ را به همگان یادآور می شود.

سپس در بخشی دیگر استاد به ترکیب چند واژه نادرست حمله می برد و چنین می نویسد: نگاهی در روزنامه می خوانیم و از سخنرانان می شنویم که «گرد هم آیی» را به جای مجمع اختیار کرده اند گذشته از این که مفهوم مجمع را همه جان نمی رساند و از عهده تفهیم معانی «مجمع» که در زبان ادبی و محاورات متداول شده است بر نمی آید کلمه مجمع دو سیلاب سبک وزن و (گردهم آئی) پنج سیلاب سنگین وزن است.

و اگر مثل بعضی نویسندگان و سخنرانان تازه چرخ نوکار نوساز به جای مجمع «گرد هم آمد نگاه» بگویند هفت سیلاب گران وزن می شود، حال اگر فرض کنیم برای سیلاب زائد یک ثانیه وقت تلفظ لازم داشته باشد و ۳۰ میلیون جمعیت ایران هر کدام در شبانه روز یکبار آن کلمه را به جای مجمع به کار ببرند. ۳۰ میلیون ثانیه وقت گرانبهای خود را که باید صرف کارهای مفید و سودبخش کنند بیهوده و بی ثمر تلف کرده اند.

و چون سی میلیون ثانیه را به دقیقه تبدیل کنیم پانصد هزار دقیقه می شود و چون آنرا به ساعت مبدل کنیم ۸۳۳۲ ساعت می شود، تقریباً معادل ۳۴۷ شبانه روز یعنی حدود یک سال قمری که در مدت ۳۶۰ روز حدود ۳۶۰ سال می شود.

استاد محیط طباطبائی در پاسخ گزارشگر روزنامه اطلاعات به شرح این مساله پرداخته‌اند.

استاد محیط طباطبائی: گفته میشود از صله‌ای که سلطان محمود برای فردوسی فرستاد و بهنگام مرگ شاعر بدست دخترش رسید، مقبره‌ای در توس برای شاعر بنا کردند. آرامگاه مجلی که تا استقرار حکومت مغول در ایران باقی ماند. وقتی والی مغولی توس خواست در کناره ویرانه توس شهری یا محلی برای اقامت خود بسازد این مقبره باشکوه را خراب کردند و از مصالح آن به کار ساختمان قلعه‌ای رسانیدند که نتیجه آن هسته اصلی توس دوم بود. قاعدتا قلعه خرابه‌ای که بازمانده آن در شرق بقعه معروف به هارونیه موجود است باید همان بنایی باشد که با مصالح مقبره قدیم فردوسی برپا شده است.

این مزار فردوسی نیست

استاد شما در کنگره توس فرمودید که آرامگاه فردوسی در مکان فعلیش نیست ممکن است در این مورد توضیحی بدهید؟

استاد طباطبائی: آرامگاه فردوسی در همین محل توس است منتهی با یک فاصله از بنای فعلی آن.

آرامگاه فردوسی بین دو محل جدید و قدیم آن وجود دارد که خوشبختانه مقدار این فاصله معین و معلوم است. وقتی به زیارت آرامگاه فردوسی میروید در سر راه خود بنای چهار گوشه مرتفعی با سقف گنبدی یک پوش می‌بینید که اخیراً انجمن آثار ملی آنرا تعمیر کرده این گنبد در کنار قبر فردوسی بوده است.

فریزر سیاح انگلیسی در ۱۵۰ سال پیش که زیارت خرابه‌های توس رفته وصفی دقیق از حالت موجود آن کرده است می‌گوید: وقتی از دروازه جنوبی شهر وارد شدیم در داخل فضای وسیع ویرانه‌ها تنها عمارت چهار گوشه برپا بود و در کنار آن گنبد کاشی پوشی قبر فردوسی وجود داشت. ما اول همین گنبد را مقبره فردوسی بزرگ می‌پنداشتیم ولی بعد معلوم شد که آن شاعر بزرگ در آن گنبد کوچک بخاک سپرده شده است.

چند سال بعد از آن «دو نو آن» سیاح انگلیسی که بر اینجا گذشته آن گنبد کوچک ویرانه شده و زیر زراعت رفته بود ولی عمارت چهار گوشه بر جای خود استوار بود راهنمای «دو نو آن» همین گنبد را به او قبر فردوسی معرفی کرده که مسلم است اشتباه کرده. کسانی که بر این سرزمین عبور کرده‌اند همه به نوشته فریزر اشاره کرده‌اند ولی از گنبد کوچک اثری نیافتند در سال ۱۳۰۳ که اعتماد السلطنه «مطلع الشمس» را منتشر کرد و در آن کلیه روایات راجع به خرابه توس و مقبره فردوسی را جمع آوری و ترجمه و چاپ کرد.

آصف‌الدوله شیرازی که قبلاً نصیرالدوله لقب داشت و در این موقع نایب‌التولیه آستان رضوی بود درصدد برآمد قبر فردوسی را پیدا کند و بسازد. خودش در نامه‌ای که به محمود خان ملک‌الشعرا نوشته می‌گوید: «تذکار نام فردوسی بطور باشکوهی در لندن مرا بدینکار واداشت و به



۱۳۵۴/۵/۱

فردوسی در آرامگاهش بخاک سپرده شد



آیا ساختمان آرامگاه فعلی فردوسی که زیارتگاه ادب دوستان و شیفتگان شاهنامه است، قبر او را در بر دارد یا مزار فردوسی در جای دیگری قرار دارد؟

ملک‌الشعرا مژده می‌دهد که پایه‌های آنرا پیدا کرده‌ام و بر آن بنایی خواهم کرد. ولی او موفق نمی‌شود و میمیرد. مرحوم ملک‌الشعراء بهار نقل میکرد و گویند یکی از مقالات خودش هم نوشته که هنوز آن پایه و سنگ بستی را که نصیرالدوله تهیه کرده بود در جوانی دیدم که برجا و قابل دیدن بود. بیش از آن خالیکوف اشاره به همین پایه ویرانه میکند وجود پایه ویرانه‌ای را که کاشی‌های سبز در کنار آن ریخته بود یادآور میشود اما طمع مالکان این آثار را بر زیر خاک زراعتی فرو می‌برد و چنانکه در سال ۱۳۰۴ که بعد از تأسیس انجمن آثار ملی ساختن مقبره‌ای برای فردوسی وجهه همت انجمن قرار گرفت، یکی از مالکان مشهد توانست مزرعه‌ای را که نزدیک باین محل داشت جای قبر فردوسی معرفی کند و در آنجا تشکیلات قبر جدید فردوسی برقرار شد. مرحوم فروغی که در آنموقع با کارهای انجمن تماس داشت تعیین محل را باقید احتمال قوی ذکر کرده و گواه دیگری بر آن نداشته است.

اما قبر اصلی فردوسی که «رسلان جاذب» از محل پولی که محمود فرستاده بود بناکرد تا دوره مغول برقرار بود، متأسفانه در مدرک مهمی مانند تاریخ یا سفرنامه‌ای از وجود آن سخنی نرفته و در سفرنامه حاضر ناصر خسرو ابدا اشاره‌ای به عبور او بر توس نیست ولی معلوم نیست نویسندگان مقدمه شاهنامه بایستغری به چه مناسبت و از روی چه مدرکی عبور ناصر خسرو را از رباط بنا شده فردوسی نقل کرده‌اند. بهرحال در این سفرنامه چنین

چیزی نیست. حمدالله مستوفی در سال ۷۳۰ مینویسد که قبر فردوسی و حجه الاسلام غزالی و احمد غزالی برادرش و معشوق توسی عارف در مزاری در جنوب خرابه توس قدیم واقع بوده‌اند. همین مقدمه نویسان شاهنامه بایستغری که زمان آنها به زمان مغول نزدیک است نوشته‌اند. وقتی خواستند تجدید بنای توس کنند عمه و بنا قبر فردوسی را ویران کردند و از مصالح آن قلعه توس دوم را بنا کردند و در زمان غازان خان که مقابر اولیاء عرفا را ترمیم و احیا میکرد به والی مغولی توس دستور داد بر سر قبر فردوسی خانقاهی بسازند و او هنوز این، بنا را بیپایان نبرده بود که مرد. و آن بنا، بنای دیگری جز همین عمارت چهار گوش نیست که در مدت یکصد سال همه کسانی که با دیده کنجکاو بر این محل گذشته و این بنا را نگرستند اظهار نظر کردند که این بنا ناقص مانده است و از اول بصورت کامل در نیامده بوده و این صفت درست تطبیق میکند به آنچه که راجع خانقاه فردوسی گفتیم.

در این باب تحقیق دقیقی از رادیو ایران در دو سال پیش پخش شد و دیگر به تفسیر جزیی نمی‌پردازم. هنوز در این نظر باقی هستم که قبر فردوسی در پشت همین بنای چهار گوشه‌ای است که تعمیر شده در محلی که شاید اکنون باسم غزالی در آنجا صورت قبری بسته شده است. باشد، ولی قبر غزالی هم از کنار او دور نبوده بنابراین هیچ اشکالی ندارد که بنای یادبود آرامگاه فردوسی از همه احترامات موجود خود همواره برخوردار و زیارتگاه اهل دل باشد و این راهی که این بنای یادبود را بدان خانقاه می‌پیوندد دو اثر مربوط به فردوسی را بهم مربوط میسازد، و کسانی که آن آرامگاه را بیاد فردوسی زیارت میکنند بعداً همین خانقاه را هم بنام خانقاه فردوسی زیارت کنند.

خانقاه فردوسی

استاد مطلب تازه‌ای را در بیانات شما استنباط میکنم و آن اینکه به عارف بودن فردوسی اشاره میشود جایی گفتید که غازان برای عرفا خانقاه میساخته و دستور داده که برای فردوسی هم خانقاهی بسازند تا آنجا که من اطلاع دارم فردوسی اهل تصوف و عرفان نبوده آیا فکر میکنید فردوسی خانقاه هم لازم داشته باشد؟

استاد طباطبائی: چنانچه ملاحظه کردید گفته شد غازیان - خان که معتقد به عرفا و اولیا و رجال طریقت بود چنین دستوری صادر کرد و در آن زمان که زاویه ابراهیم ادهم عارف را در کنار این بابویه دستور بنا می‌داد، زاویه‌ای که حالا به غلط نام برج طغرل بر آن نهاده‌اند - در همان زمان به والی توس دستور داد، خانقاهی بسازد. پس این بنا که قبلاً شاید ربطی در کنار مقبره بوده است بصورت خانقاه بنا شده تا پناهگاه صوفیان باشد. خانقاه از بابت نامگذاری فردوسی یا ارسلا ب جاذب نیست نامی است که غازان خان باین عمارت تازه داده است. اما در دوره قاجاریه چون کسی توجه به اصول تاریخی نمی‌کرد نامه‌های مختلف برج نقاره‌خانه، بقعه هارونیه و اسامی دیگر که برمرور زمان گفته و فراموش شده بر آن نهاده‌اند.

بقعه هارونیه تا زمان ما به این اسم باقی مانده بنابراین اشکالی ندارد که نامش هم خانقاه بماند.



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

۱۳۵۴/۵/۵



پرویز معیری

پرویز ایرانزاد

السلام علیک یا ثارالله ... و بن ثاره

اشاره:

به دعوت دولت عراق، برای شرکت در جشن های ژوئیه آن کشور نمایندگان «ورلد پرس» - مطبوعات بین الملل - در بغداد گرد آمدند. نحوه انتخاب چنین بود که از هر روزنامه بزرگ و معتبر سراسر جهان یک یا چند نویسنده، خبرنگار و خبرنگار عکاس برای گزارش انقلاب های ۱۴ و ۱۷ ژوئیه عراق راهی بغداد شده بودند از ایران پرویز ایرانزاد همراه با پرویز معیری خبرنگار عکاس از گروه نشریات «اطلاعات» برای تهیه گزارش از مراسم سالروز انقلاب عراق به این کشور رفته بودند که از این شماره گزارش های جالب آنها به چاپ خواهد رسید.

ساعت ۱۲ و ۲۰ دقیقه دوشنبه ۲۳ تیرماه از فرودگاه مهرآباد با هواپیمای خطوط عراق حرکت کردیم و حدود یک ساعت و ۱۰ دقیقه بعد در فرودگاه بغداد بودیم که در آن ساعات از روز حرارت هوا در محوطه فرودگاه بیداد میکرد. حدود ۵۰ درجه سانتیگراد با همین هواپیما یک گروه ۵۳ نفری از هنرمندان وزارت فرهنگ و هنر برای اجرای برنامه های هنری وارد بغداد شدند. و گرما چنان ناگهانی و غافلگیرکننده بر ما تاخت که لحظاتی مهیوت همدیگر را می نگرستیم و یارای حرف زدن نداشتیم. سوار اتوبوس هایی که پای پلکان هواپیما منتظر بود شدیم و اندکی بعد در سالن فرودگاه بغداد که هوایی مطبوع داشت، آسودیم. مقام هایی از جانب دولت عراق و سفارت شاهنشاهی کشورمان در بغداد با گشاده رویی خوشامد گفتند با آرزوی سفری دلپذیر در طول مدتی که برای اقامت در عراق تعیین شده بود.

از فرودگاه بغداد هنرمندان ایرانی به قصر العباسی رفتند که یکی از هتل های مشهور بغداد است. ما را با اتومبیل وزارت اعلام «اطلاعات» به قصر السلام بردند که میهمانسرای دولتی است و برای اقامت اعضای گروه «ورلد پرس» در نظر گرفته شده بود.

اولین برنامه نخستین روز ورود شرکت در میهمانی اداره شکاربانی بغداد بود که در باغ مصفایی ترتیب یافته بود. ساعت حدود ۱۲ شب بود که به قصر السلام برگشتیم و با کمال مسرت خبردار شدیم که فردای آنروز سه شنبه ۲۴ تیر، صبح زود به زیارت مرقد سیدالشهداء سرور آزادگان مشرف می شویم.

نزدیک بودن تشرف به آستان قدس امام سوم علیه السلام خواب از دیدگانم ربود. تمامی شب مشغله فکری من کربلا بود و شوق زیارت حسین (ع) صحنه کارزار در آن ظهر پراشوب روز دهم ماه محرم، در نظرم مجسم میشد و حسین علیه السلام، با ۷۲ یار جانباز از خود گذشته و در آنسوی قشون اشقیاء که به روایتی شمارشان فزون از ۳۰ هزار بود و بروایت دیگر ۷۰ هزار - مجهز و مسلح و آسوده صف آرای کرده بودند در برابر امام حسین که تشنه بود و خسته با دردی جانکاه در سینه از بیوفایی قوم و دیگر مثنی کودک و خوابتن حرم که در آن سرزمین تفته روزها بود رنگ آب ندیده بودند.

صبح صادق دمیده بود و من هنوز سعی داشتم فاجعه کربلا را بکاوم و این معمرا را حل کنم که چرا از میان

این همه فاجعه در تاریخ بشری، فاجعه کربلا ماندنی و جاودان شد. آیا ماندنی شد برای اینکه ۳۰ تا ۷۰ هزار ستمکار بیمرور در برابر یک لشکر قلیل ۷۲ نفری ایستادند؟ یا اینکه علم و یقین داشتند کمر به قتل کسی بسته اند که فرزند پیامبر آنها بود یا واقعه کربلا به ابدیت پیوست چون نبرد آزادگی و حریت بود با جهل و خودکامی، بی مروتی و انقیاد. بغداد و مردمش روز نو را تازه آغاز کرده بودند که کاروان «ورلد پرس» در حالیکه چند اتومبیل پلیس راهنمائی بغداد در پیشاپیش حرکت میکرد با اتوبوسهای سازمان جهانگردی بطرف کربلا حرکت کرد.

روزنامه نگاران کشورهای مختلف در طول راه پرسش های حاکی از کنجکاوی مطرح کردند که پاسخ داده می شد. ازین قبیل:

حسین (ع) چرا کشته شد؟ چرا با لشکریان یزید درافتاد در حالیکه می دانست کشته میشود. اصلا جنگ و ستیز کربلا بر سر چه بود؟ مگر حسین می خواست کربلا را فتح کند!

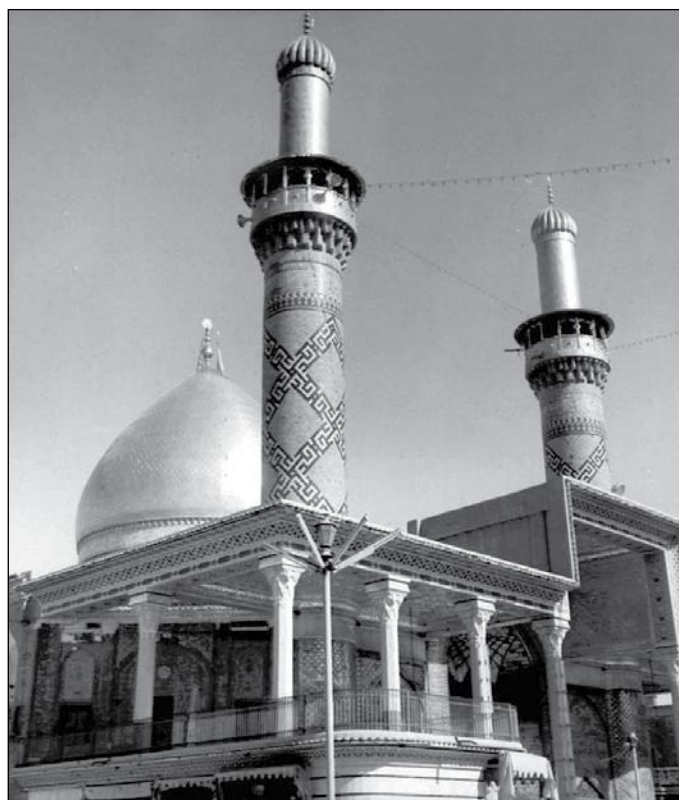
مسافت بغداد تا کربلا حدود ۹۰ کیلومتر است. و نظر بجاده خوب و مرتبی که دارد آمد و رفت در هر آن زحمتی برای زائر یا مسافر جاده ندارد. تا چشم کار می کند در دو سوی جاده درخت نخل است و نخلستان های بزرگ. ۶۰ کیلومتر مانده به کربلا خرابه های بابل قرار دارد که داستانی دارد پس شنیدنی که از آن بعدا خواهیم گفت.

در راه کربلا که می دانی ساعتی بعد به آستان سرور شهیدان عرض ادب و ارادت خواهی کرد انسان حال و هوای دیگری دارد. روح جلا می یابد. فکرت دربست متوجه آن جبروت ازلی و ابدی است. چنان سودازدهای که صدای تپیدن دل در قفس سینه را می شنوی. از پنجره اتوبوس به دوردست چشم می دوزی و ناشکیبا هستی تا چه وقت گنبد و گلدسته های بارگاه حسینی را در برابر می بینی. تا از فاصله سلام کنی و عرض ارادت من چنین حالی داشتم. چشم از دوردست بر نمی داشتم و در عوالم یک خلسه روحانی غوطه می خوردم.

پشت صندلی ما، مردی بود اهل بغداد جزو راهنمایانی که وزارت اطلاعات عراق برای راهنمایی اعضای گروه «ورلد پرس» تبیین کرده بود. تعریف می کرد وجه تسمیه کربلا به این سبب است که روزی علی

علیه السلام را گذار به این سرزمین افتاد. صحابه حضرت که در معیت او بودند ناگهان تغییر حال شدیدی را در سیمای حضرتش مشاهده کردند. علی را دیدند که آشکارا منقلب شد و افسرده و مغموم به نقطه ای چشم دوخت. صحابه علت این تغییر حال ناگهانی مولا را جویا شدند و علی علیه السلام فرمود «هذا کرب و بلا» این است سرزمین فاجعه و درد. و روزی فرزند من حسین در این نقطه شهید می شود و خون او و یارانش این جا را گلگون خواهد ساخت

سواد شهر کربلا نمایان شد و بعد گنبد و گلدسته های زرین حرم شریف، اتوبوس حامل ما در چند خیابان و گذر پیچ خورد و ما در برابر در اصلی یا باب قبله صحن مطهر حسین ابن علی (ع) بودیم، استاندار کربلا و مقام های بلند پایه شهر برای استقبال آمده بودند. استاندار با یک یک اعضای گروه دست داد و خوشامد گفت: - اهلا و سهلا - شتابان و ذوق زده بطرف حرم شریف دویدیم. سلام و عرض ادب به پیشگاه فرزند پیامبر و علی علیه السلام وارد حرم



گنبد طلا و گلدسته های زرین بارگاه حضرت عباس بن علی علیه السلام شکوه و جلال خاصی دارد. عکس را از بیرون بارگاه و از برابر در اصلی که زائران وارد می شوند، گرفتیم.

مطهر شدیم که شلوغ بود و مملو از انبوه زائران بلاد اسلامی. خادمان حضرت که چه خوب فارسی حرف می‌زدند ما دو ایرانی را دوره کردند. چشم ما روشن – خوش آمدید. مشرف بفرمائید از این طرف. در ایوان حرم شریف تالابو آنهمه طلاچشم را خیره می‌کرد. بالای در حرم خواندیم: قال رسول الله: حسین منی و انامن حسین. که جمله‌ای بود آشنا و نشان دهنده مقام والای حسین در پیشگاه نبی اکرم.

در داخل حرم، ضریح حضرت و مرقد شش گوشه‌اش جلال و جبروتی داشت وصف ناشدنی، از گوشه حرم مردی با صدایی حزین می‌خواند: السلام علیک یا ثارالله... و بن ثاره، والوتر الموتور – السلام علیک و علی الارواح التي حلت بفنائک و این سند محکومیت اشقیاء بود. که آزاده‌ای به آن عظمت را در جهالتی سیاه کشتند.

به لطف خادمان حضرت زیارت‌نامه خواندیم و مشغول زیارت شدیم. در «بالاسر» مرقد که معروف به محل اجابت دعاست، برای خود، دوستان و ملتسمین دعا طلب مغفرت کردیم – اللهم اغفر ذنوبنا – ضریح مطهر را دور زدیم، دور مرقد شریف در داخل ضریح، انبوه نامه‌ها و عریضه‌ها بود که زائران هر یک به زبانی از حضرتش مراد طلبیده بودند در پایین پا – توضیح داده شد که مرقد حضرت علی اکبر و حضرت علی اصغر است و در فاصله کمی درست آنطرف پایین پای حضرت حسین، ضریح ۷۲ یار جانباز و باوفای شاه شهیدان قرار داشت. شب عاشورا حسین علیه‌السلام با این رادمردان صحبت کرد و معروف است که مصرانه از آنان خواست چون دیگران که با استفاده از تاریکی شب از مهلکه جان بدر بردند، آنها نیز بروند. اما آنان نپذیرفتند و یکصدا به امام دلداری دادند: شرم بر ما باد اگر فرزند گرامی رسول اکرم را در این بیابان تنها و بی‌یاور رها کنیم، و به طمع چند روز بیشتر زیستن، نامی بس ننگین از خود در تاریخ به‌جانهیم. و آنها ماندند. در راه حق شمشیر زدند و سر آخر در خون خود غلتیدند.

در حرم شریف غوغای عجیبی بر پا بود. لعن و نفرین یزید و اعمال نابکارش لحظه‌ای قطع نمی‌شد: لعن الله امه قتلک – نفرین خدا بر شما باد که او را کشتید، لعنت بر تو باد ای شمر – ای ابن سعد – ای ابن مرجانه.

حین زیارت حرم مطهر سرور آزادگان، یک حالت روحانی عجیب پیدا می‌کنی – روح پیراسته می‌شود از بدی‌ها، پلیدی‌ها و بداندیشی‌ها – به چیزی توجه نداری جز آستان قدس سیدالشهداء و فلسفه کربلاء – و احترامی عمیق به رادمردی که مقابل تو در مرقد شریف آرمیده است و بی‌اختیار اشک از دیدگانت جاری می‌شود: یا لیتنا کنامعک – یا حسین، کاش من هم با تو می‌بودم، و در آن فیض عظیم که تو دست یافتی، من نیز سهمی داشتم.

خادمان حضرت ما را به مرقد حر ریاحی رهنمون شدند. که تفصیل سرگذشت او در تاریخ کربلا آمده است. نخست راه بروی حسین و اهل بیت او بست و وحشت آفرید، اما زود از کرده پشیمان شد و روی به حسین آورد. چکمه‌ها از شن سوزان صحرا پر کرد و به گردن آویزان ساخت و با همان حال سر به پای امام نهاد و طلب غفو کرد. از این جهت است که حر در میان یاران و جانبازان حسین علیه‌السلام مقامی بس شامخ دارد.

و حالا نوبت زیارت قتلگاه بود که در فاصله چند متری مدفن شریف قرار دارد. گودال قتلگاه را با سنگ مرمر مشخص کرده‌اند اینجا بود که ننگین‌ترین عمل شیطانی و پلید از قوم شقی و نابکار سر زد، قتلگاه در داخل محوطه کوچک در ضلع غربی ضریح قرار دارد زائران با دیدگانی اشکبار اینجا را زیارت می‌کنند و به آنچه در این گودال گذشته اشک حسرت می‌ریزند.

از بارگاه سیدالشهداء علیه‌السلام به قصد زیارت حضرت عباس علیه‌السلام بیرون آمدیم. مرقد مطهر قمر بنی‌هاشم در فاصله‌ای نه چندان دور از صحن حضرت حسین قرار گرفته که پای پیاده در چند دقیقه طی می‌شود. بالای درگاهی می‌خوانی یا قمر بنی‌هاشم، و وارد صحن می‌شوی که غوغایی برپاست از انبوه زائران.

در تاریخ کربلا آمده که در قیامت روز عاشورا وقتی تشنگی بر اهل بیت طهارت غالب آمد. سقای کربلا سخت منقلب شد. و با وجود خطرهایی که می‌دانست در هر قدم کمین کرده است، مشک آب بر دوش گرفت و راهی نهر القمه شد. مافوق تصور است که آدم بتواند حال فرزند دلاور علی(ع) را در آن لحظه‌ها که خیمه‌ها را ترک گفت، درک کند. کودکان خردسال دوره‌اش کرده بودند که عمو جان ما آب می‌خواهیم و عباس عزم جزم کرده بود که هر طور شده آب را به خیمه‌ها برساند. در تذکره‌های کربلا نوشته‌اند که عباس(ع) حسین و یارانش را بدرد گفت و بسوی نهر تاخت که در نزدیکی کارزار کربلا جاری بود و امروز بطوریکه که من تحقیق کردم اثری از آن بر جای نیست. با رفتن عباس بارقه‌ای از امید بر دل‌های خسته اهل بیت تابید و چشم‌های نگران براه نهر دوخته شد. چه خواهد شد؟ آیا عباس آب به خیمه خواهد رساند یا خود قربانی یک مشک آب می‌شود.

در کنار نهر عمال ابن سعد کمین کرده بودند و منتظر فرصت تا کار عباس را یکسره کنند، زیرا دلاوری‌هایی که قشون خصم از فرزند ابی‌طالب بیاد داشتند خود مایه نگرانی بسیار لشگریان کین بود. و اکنون فرصت مناسب برای شبیخون زدن به عباس پدید آمده بود.

سقای کربلا در کناب نهر از اسب پیاده شد. خود از تشنگی در تب و تاب بود، اما تا خواست مشتی آب بر لب‌های تشنه نزدیک کند، عطش حسین، یاران و بخصوص اهل بیت را بیاد آورد و آب را با شرمساری به نهر ریخت. مشک آب را پر کرد و بدوش افکند. اما نابکاران بر سرش ریختند اول با تیری کار مشک را ساختند. عباس به پیکار پرداخت و

گروه کثیری از لشگریان ابن‌سعد را به خاک هلاک افکند. تا اینکه خسته شد. به جای هر کشته از قشون خصم دهها تازه نفس از راه می‌رسید. و یکی در این میان با شمشیر دست چپ حضرت را انداخت و اینجا بود: که فریاد شیر کربلا در بیابان طنین افکند. سوگند به خدا اگر دست راستم را هم قطع کنید، از حمایت دین خود دست نخواهم کشید. لاجرم عباس علیه‌السلام از پای در آمد برادر را به یاری طلبید به روایتی از امام حسین علیه‌السلام خواست او را که شرمسار از نبردن آب به خیمه‌ها بود، همانجا به حال خود رها کند و حسین نیز چنین کرد. روایت دیگر این است که پیکر نازنینش چنان از زخم شمشیر و نیزه و تیر صدمه دیده بود که اصولا حمل پیکر به خیمه‌ها امکان نداشت. لذا حسین بدون عباس به خیمه بازگشت. در حالیکه با خود می‌گفت والله انکسر ظهري بخدا که کمرم شکست – عرض ادب کردیم و وارد حرم چنین بزرگ مردی شدیم در نور آفتاب گنبد و گلدسته‌های زرین بارگاه قمر بنی‌هاشم درخشش بدیعی داشت. حرم آینه‌کاری غرق در نور بود. زیارت‌نامه خواندیم. لعن الله من حال بینک و ماء الفرات نیز شهادت می‌دهم که تو مظلوم کشته شدی و سلام و درود بر تو باد ای بنده صالح خداوند که از خدا و رسول او و علی علیه‌السلام و امام حسن و حسین اطاعت کردی.

دور ضریح را زیارت کردیم. در حرم حضرت عباس و دیگر بقاع متبرکه کربلا و نجف با اینکه دلت می‌خواهد ساعت‌ها بمانی و راز و نیاز کنی. ازدحام زائران مانع می‌شود. موج جمعیت که پیوسته فزونی می‌گیرد، مانع ماندن طولانی در این اماکن مقدسه است. اذن خروج از حضرت عباس علیه‌السلام طلبیدیم و خارج شدیم، بیرون استاندارد کربلا و اعظم شهر منتظر بودند سوار اتوبوس شدیم و گشتی در کربلا زدیم. استاندار دوباره اقدام‌های عمرانی که در کربلا به عمل آمده و یا در دست اقدام بود را توضیح می‌داد. او گفت بدستور ریاست جمهوری عراق قرار است راهی مستقیم از صحن مطهر امام حسین به صحن شریف قمر بنی‌هاشم باز شود. به این منظور ساختمان‌هایی که در این مسیر قرار گرفته خراب خواهد شد و با این اقدام مسیر کنونی میان دو حرم کوتاهتر خواهد شد. همچنین بدستور ریاست جمهوری عراق تمامی بقاع متبرکه که عراق تعمیر و در قسمت‌هایی که لازم باشد، باز خواهد شد. در صحن مطهر حضرت عباس علیه‌السلام تعمیر و ترمیم صحن شریف هم اکنون آغاز شده است.

مرکز شهر کربلا که حرم‌های شریف امام حسین، به صحن شریف را در بر گرفته، خصیصه قدیمی خود را حفظ کرده، و مملو از مغازه‌ها و فروشگاه‌هایی است که بیشتر کالاهای زیارتی و اجناس دلخواه زائران را عرضه می‌کنند.

حتی در محوطه‌ای در مقابل بارگاه حسینی که کارزار کربلا بروز عاشورا بود، تا چشم کار می‌کند، مغازه است و حجره‌ها برای اقامت زائران. لذا حدود میدان جنگ کربلا بدرستی معلوم و مشخص نیست. اما بدیهی است واقعه در منطقه‌ای از سرزمین کربلا رخ داده که اینک بازار و محل داد و ستد اصلی شهر کربلا نام گرفته است. ناهار میهمان استاندارد کربلاء بودیم که در هتل کربلا ترتیب یافته بود. بعد از صرف ناهار استاندارد کربلا نطق مفصلی ایراد کرد و طی آن به پیشرفت‌هایی که در سال‌های اخیر در شئون مملکتی و به‌ویژه در عراق به عمل آمده، اشاره کرد. وی تذکر داد که در آینده به اماکن مقدسه توجه بیشتری مبذول خواهد شد. همچنین زاغه‌های اطراف کربلا خراب می‌شود، و زاغه‌نشینان به خانه‌هایی که در کنار شهر ساخته شده نقل مکان خواهند کرد.

در جریان دیدار از کربلا توجه کردم که یک زن و شوهر آمریکایی که جزو هیئت «وورلد پرس» بودند، با شور و شوقی خاص از کربلا می‌پرسند و یادداشت‌هایی بر می‌دارند، کنجکاو شدم و با آنها صحبت کردم. معلوم شد که والدین آندو از مسلمانان آلبانی قبل از جنگ دوم جهانی بودند و پس از جنگ به آمریکا – کالیفرنیا – کوچ کرده‌اند زن عضو هیئت نویسندگان روزنامه «لوس آنجلس تایمز» بود بنام ربیحه دوستی و شوهر لوان دوستی نام داشت که در زبان آلبانی به معنی شیر ژیان است. خود نمی‌دانستند چرا نام خانوادگی آنها «دوستی» و یک واژه فارسی است بانو دوستی می‌گفت: متأسفانه در لوس آنجلس مسجدی برای مسلمانان وجود ندارد و او که سخت شیفته عبادت در مسجد است، هر چند وقت به نیویورک یا واشنگتن می‌رود که مساجدی برای مسلمانان دارند. ساعت حدود ۴ بعد از ظهر روز ۲۴ تیرماه بود که از استاندار کربلا تشکر و خداحافظی کردیم و راهی بغداد شدیم، در اطراف کربلا رود فرات جاری است که کشت و زرع و آبادانی شهرها و آبادی‌های عراق به این رود بسته است.

فرات یک خصیصه بارز دیگر نیز دارد و آن اینکه از نزدیکی کربلا می‌گذرد و با فاجعه کربلا مربوط است. گویند در عالم معنی شرمسار است از اینکه بر کوه و صحرا جاری است و همه را سیراب می‌کند، اما اشقیاء نگذاشتند حسین و یارانش جرعه‌ای از آن بنوشند و در کنارش از تشنگی جان دادند.

بازگشت از کربلا، بر خلاف عزیمت به این شهر مقدس اندوهبار و ملال‌انگیز است. با خود می‌گویی هیهات، من باز هم به زیارت مرقد شریف شاه شهیدان مشرف شوم در راه به هر چه می‌گذری عبوس است. نخل‌ها، نخلستان‌ها دیگر آن لطف و طراوت را که در رفتن به کربلا دیده بودی، ندارد.

با هر گردش چرخ اتوبوس افسوس می‌خوری که یککاش فرصتی بود تا بیشتر در کربلا می‌ماندی و کسب فیض می‌کردی. در گزارش سفر نجف اشرف خواهم گفت که سعادت با ما یار بود که دوباره به کربلا مشرف شویم و دیگر بار با سیدالشهداء خلوتی داشته باشیم و راز و نیازی.

در کوفه، حیرت‌انگیز است

یادداشت‌های سفر عراق

گزارش چهارم: کوفه

پرویز ایرانزاد



تاریخ مسجد کوفه، فاجعه‌ای هولناکتر از ضربت خوردن امیر مومنان در آن سپیده‌دم نوزدهم ماه رمضان، بیاد ندارد. مولای متقیان آن بامداد نیز طبق معمول وارد مسجد کوفه شد. تا عبادت صبحگاهی خدا را بجای آورد.

اما شب دوشین آبستن خونین‌ترین فاجعه اسلام بود و قاتل با شمشیری که از مدت‌ها پیش به زهری کشنده آغشته می‌شد، در گوشه‌ای خفته بود. علی داخل محراب شد.

صف‌های نمازگزاران پشت سر امیر مومنان مرتب شد. و قاتل در صف مقدم پشت سر علی (ع) و به بهانه نماز اما در تشویش اجرای توطئه پلید توطئه‌گران بود. تا مولا سر از رکوع برداشت ضربه مهلک فرق مبارکش را شکافت.

و ندای آسمانی در کوفه پیچید: بخدا سوگند که ستون‌ها و ارکان هدایت فرو ریخت. علی مرتضی در محراب عبادت شهید شد.

*

روز یکشنبه ۲۹ تیرماه - برنامه‌های رسمی دیدار ما از عراق، پایان گرفته بود، ناگزینده و خبرنگار عکاس نگران بودیم و در تشویش: پس سفر به کوفه و نجف و زیارت مرقد شریف مولا علی علیه‌السلام چه می‌شود، توسط راهنما این شوق قلبی خود را با آقای وزیر اطلاعات عراق در میان گذاشتیم و الحق چه زود اقدام شد و با کمال خوشرویی اتومبیلی که روی پلاک آن نوشته شده بود، وزارت‌الاعلام - اطلاعات - با راننده در اختیار ما قرار گرفت که ما دو نفر همراه با راهنمایان را به کوفه نجف ببرد و از راه کر بلا بازگرداند به بغداد.

شیفته و مشتاق در پوست نمی‌گنجیدیم. بیقرار و شتابان، دوربین‌های عکاسی را آماده کردیم بعد آمدم به طبقه هم کف «فصل الاسلام» برای خداحافظی و بدرود با سایر نویسندگان و خبرنگاران عضو گروه «ورلد پرس» که اینک عازم کشورهای خود بودند. نظر به الفتی که با هم در این چند روز دیدار از عراق بهم زده بودیم. خداحافظی دشوار و حتی دلخراش بود، با وجود این با یکایک دست دادیم، سایورانا - خبرنگار آساهی - گودبای نویسنده لوس - آنجلس تایمز بدرود همگی، هر وقت گذارتان به کشور من افتاد، سری هم به ما بنزید و به وضوح دیدم که اشک در چشمان برخی از آنها حلقه زده است: از سنگ‌تاله خیزد روز وداع یاران!...

از پانزده سالگی که در کسوت طلبه علوم دینی و روحانی، از علی (ع) برای هزاران شیفته و دل‌باخته حضرتش می‌گفتم، شخصیت علی (ع) برایم معمایی بزرگ بود، که گویی از ازل ناگشودنی است: علی کیست؟ چرا وصف او در قالب واژه‌های وسیع‌ترین زبان‌ها نمی‌گنجد؟ چرا گروهی در اقیانوس پدیده‌ای بنام علی (ع) غرق شدند و او را خدا خواندند و گروهی فقط با قدری حزم و احتیاط او را نه جدا از خدا رقم زدند و بسیاری مستغرق در دریای حیرت که: متحریم چه خوانم شه ملک لافتی را...

اتومبیل بغداد را پشت سر گذارد و ما در ابتدای جاده‌ای بودیم که به کوفه ختم می‌شد. روی تابلو در تقاطع راه نوشته بود: کوفه - نجف، از عظمت مردی که به دیدارش می‌شتافتیم، بر خود لرزیدم.

باز ما بودیم و چشم‌اندازی وسیع از نخل و نخلستان در برابر ما.

در جاهایی در جاده روی ماءالفرات پل‌هایی زده بودند که در مسیر کوفه قرار گرفته بود بدرخواست ما، اتومبیل در کنار این پل‌ها توقف کرد. هم برای نوشیدن آب و چای و هم اینکه برای من فرصتی بود ولو کوتاه که به آمدن آرام آب خیره شوم و ببندیشم که در میان بیشمار رودخانه‌های دنیا این فقط فرات است که موجود موجودیتش چنین با تاریخ اسلام و سرگذشت بشری گره خورده و پیوسته است.

براه افتادیم از چند شهر کوچک و آبادی سر راه گذشتیم و هوا همچنان داغ بود و زمین تفته، که تابلوهای جاده نشان داد تا کوفه بیست، سی کیلومتر بیشتر نمانده است.

و چند دقیقه بعد ما در شهر تاریخی کوفه بودیم. که روزگاری پایتخت جهان اسلام بود و چه حادثه‌ها، و فاجعه‌ها، در دل خود نهفته داشت. اما با گذشت زمان امروز دیگر آن اهمیت دیرینه را از دست داده است و فقط شهری است از شهرهای کشور عراق.

*

اتومبیل ما در برابر مقر رئیس پلیس شهر توقف کرد و او که سرگردی بود ما را با خوشرویی تمام پذیرفت و نیز ترتیبی داد که ما بتوانیم از آثار تاریخی شهر عکس بگیریم و گزارش تهیه کنیم.

بعد به اتفاق ایشان رفتیم برای دیدار فرماندار کوفه که مردی تحصیلکرده و خلیق بود. خیلی زود با ما انس گرفت چرا که مدت سه سال مرزبان بود و در نزدیکی مرزهای کشور ما و نظر به عوالم دوستی میان ایران و عراق و نیز سفرهایی که به کشور ما کرده بود، بس گرمی داشت ما را که از ایران به شهر او رفته بودیم، از خاطره‌های خوبی که از سفر به ایران داشت سخن گفت و در جریان گفتگو با اشتیاق سعی میکرد، با ما فارسی حرف بزند ولی به اختصار و شکسته. ناهار را میهمان او بودیم در «فندق الکوفه» - هتل کوفه - که در جای سرسبز و پردرخت اطراف کوفه قرار داشت و فرات از کنارش میگذشت.

در این تصویر قسمتی از مسجد کوفه و نیز محراب عبادت علی علیه‌السلام تصویر کامل همین محراب نشان داده شده است. در این محراب بود

*

ساعت حدود چهار بعدازظهر بود، بیرون آمدم، رئیس پلیس شهر ما را همراهی کرد تا مسجد کوفه - کسی آنجا آمده بود که جای جای برای ما از این مسجد با عظمت بگوید و از وقایعی که بر آن گذشته است.

علی علیه‌السلام در اینجا می‌زیست اطاقی محقر و کوچک، اما جهان آنروز اسلام به این اطاق چشم دوخته بود و تصمیم‌های بزرگی که امیر مومنان در همین جا می‌گرفت. بگویم که مسجد کوفه مقامی بس شامخ دارد در تاریخ اسلام و بشمار است کتاب‌ها، تذکره‌ها درباره این مسجد و اشاره‌هایی که در کتب و تواریخ اسلامی به مسجد کوفه شده، بی حد و حساب است. شرف مسجد کوفه از آنست که رادمرد بزرگ عالم اسلام علی علیه‌السلام در این مسجد نماز می‌گذارد و هم در محراب مسجد کوفه بود که شمشیر زهرآگین ابن ملجم فرق مبارکش را شکافت.

زیارت کردیم، محراب مقدس را و زیارتنامه خواندیم.

*

مسجد باستانی کوفه گرچه همان کیفیت زمان صدر اسلام از نظر مساحت و ابعاد را دارا است اما سطح صحن مسجد نسبت به زمان‌های اول، به مرور بالا آمده یا به اصطلاح پر شده است. در زمان علی علیه‌السلام مسجد کوفه بدون سقف بود و یاران امیر مومنان



محل شهادت حضرت علی (ع)



محل غسل حضرت امیرالمومنین علی (ع)

پهناور اسلام آنروز را اداره میکرد. ازین خانه آذوقه بدوش میگرفت و شب هنگام در استتار تاریکی آنرا به خانه‌های مستمندان میرساند. در این اطاق کوچک که به زحمت می‌توانستی پای در آن دراز کنی و بیاسایی، نهج‌البلاغه را تحریر میکرد. به درس و مشق حسن و حسین علیهماسلام میرسید و غزوات بزرگ اسلام را طراحی میکرد. اما هر چه فکر میکردی بیشتر بر حیرت افزوده میشد. این بود خانه علی (ع) - حیرتانگیز است.

و بی‌اختیار بر زبانت جاری می‌شد:
الله اکبر.

اما ناگزیر باید باور می‌داشتی که اینجا کوفه بود و علی (ع) یک خانه بیشتر نداشت. اصولاً امیر مومنان از هر وسیله خیلی ضروری فقط یکی داشت. خانه یکی - لباس یکدست، آن هم پر وصله پینه و شمشیر یکی آنهم ذوالفقار. باز اطاق‌هایی بود بس کوچک و بی‌پیرایه که به اهل بیت طهارت اختصاص داشتند، فرزندان گرانقدر حیدر کرار.

و با مشاهده اینها بود که تا حدی پی می‌بردی چرا گروهی ره گم کرد علی (ع) را خدا می‌دانند. و چرا برخی در اقیانوس پدیده‌ای بنام علی (ع) کارشان حتی به جنون کشیده است...

*

خانه‌ای در کوفه که ما بنام خانه پیشوای شیعیان از آن دیدن کردیم، بنظر من در زمان خود ساده‌ترین خانه‌های جهان پهناور اسلام بود و ساده‌تر و پاک‌تر از بزرگمردی که در آن می‌زیست، در سراسر جهان یافت نمی‌شد. اما همین رادمرد در کارزارهایی بی‌همتا بود. در عدالت بی‌نظیر و در عطف و همونوع‌خواهی تالی نداشت. و چنان زیست که بهتر از آن زیستن از حیطه تصور بشری بیرون است.

متحریم چه نامم شه ملک لافتی را در اطراف خانه علی مرتضی از خرابه‌های کوفه باستان دیدن کردیم و نیز از خرابه‌های کنار خانه علی که گفته شد در آن زمان فرماندهان و سرکردگان قشون اسلام و دلاوران غزوات علی (ع) در آن منزل داشتند. و امروز پس از گذشت قرن‌ها نمی‌شد پنداشت که این جا روزگاری مأمن دلاوران بوده است که اینک تواریخ و کتب اسلامی مشحون است از جانبازی‌ها و فداکاری‌هایشان در راه اسلام و امیر مومنان علی علیه‌السلام. از کوفه رهسپار نجف اشرف مدفن شریف مولای متقیان شدیم که فردا از آن خواهیم گفت.

گزارش پنجم: نجف

در فضای باز مسجد به نماز می‌ایستادند و مسجد کوفه تقریباً مرکز شهر بود که امروز خرابه‌هایی از آن در اطراف مسجد بر جای مانده است.

مقام حضرت پیغمبر در شب معراج - ابراهیم خلیل، مقام نوح نبی - مقام حضرت جبرئیل، مقام آدم ابوالبشر در جای جای صحن مسجد با نماهایی مشخص شده است. همچنین پیرامون محراب علی (ع) در مسجد کوفه سقف و دیوار زده‌اند که عبادتگاه مردم کوفه است.

بارگاه و ضریح حضرت مسلم بن عقیل در جوار مسجد کوفه است که وقتی ما زیارت میکردیم شنیدیم که بدستور رئیس جمهوری عراق مشغول آینه‌کاری قسمتی از بارگاه هستند. و نیز گفته شد که ۱۵۰ هزار دینار عراقی صرف هزینه مطلق کردن گنبد و منارهای حرم این بزرگمرد جهان اسلام شده است. نیز ۲۰ هزار دینار برای تکمیل آینه‌کاری حرم حضرت مسلم اختصاص یافته بود. در حرم حضرت مسلم ۱۲ قطعه قالی جلب نظر میکرد که گفته شد بدستور آقای البکر برای حرم حضرت مسلم فراهم آمده و اینکه بدستور آقای رئیس جمهوری عراق برای هر یک از حرم‌های شریف نجف اشرف، کربلا و حرم حضرت عباس ۱۲ قطعه قالی در نظر گرفته شده است.

*

از مسجد کوفه خارج شدیم، و قدم زدیم تا خانه مولا علی که بیشتر می‌پنداشتیم چه جلال و شکوه و جبروتی باید داشته باشد. اما پالعه‌ج، اینجا بود خانه امام و پیشوای مسلمانان - زاده کعبه - اول مومن به رسالت پیامبر اکرم و فاتح خیبر. نه. باور نکردنی بود، از درگاهی که مشغول مرمت و تعمیرش بودند داخل شدیم به حیاط کوچکی که دور تا دور آن حجره‌هایی بود که بسیار کوچک تا حدی که دقت کردیم کوچکتر از آن برای آنکه بتوان نام حجره با اطاق به آنها اطلاق کرد. امکان پذیر نبود.

در گوشه‌ای از حیاط حجره‌ای بود که مکتب امامان حسن و حسین در زمان خلافت پدر بزرگوارشان بود با چند طاقچه که کتاب‌های دو فرزند ارجمند امیر مومنان در آنها قرار میگرفت.

بعد از محوطه کوچکی دیدن کردیم که بدن پاک شیرخدا پس از پیوستن به ارواح طاهرین در آن غسل داده شده و کفن شده بود. در گوشه‌ای از محوطه چاهی جلب‌نظر میکرد که از آب آن برای غسل دادن امیر مومنان استفاده شده بود و شگفت‌آور بود که امروز چاه به همان صورت نخست باقی بود و آب هم داشت.

و ما اینک در اندرون بارگاه کبریای علی علیه‌السلام بودیم که سادگی، بی‌پیراگی کوچکی اطاق‌ها اشک به چشمان آدم می‌آورد. اما از نظر عظمت معنوی با کائنات الهی کوس برابری میزد. شیر خدا در این اطاق کوچک، جهان

در مسجد کوفه آدم ابوالبشر عبادت کرده است



محراب مسجد کوفه



۱۳۵۴/۵/۱۱

دولت باید موسیقی ملی را حمایت کند

گفت و شنود کوتاهی با استاد علینقی وزیری موسیقیدان داریم که در زمینه پیشرفت و گسترش موسیقی اصیل ایرانی و موسیقی روز با ایشان سخن گفته ایم.

برای پیشرفت و گسترش هر چه بیشتر موسیقی ایرانی چه باید کرد؟

کلنل وزیری موسیقی غربی بر اساس دوازده و نیم پرده استوار است اما در موسیقی ما مسئله‌ی ربع پرده مطرح است ما باید در اندیشه‌ی آن باشیم که یک موسیقی ۲۴ بخشی را بنیاد گذاریم و این موسیقی را به جهان معرفی کنیم. چنین نظام جدیدی قدرت بیان آهنگساز را بالا می‌برد و سبب می‌شود که او بتواند با امکانات وسیع تر و سازه‌های غنی تر با بیان مکنونات ضمیر خویش بپردازد. باید در این زمینه تحقیقات وسیعی را دنبال کنیم باید طرح ساختن سازهای جدیدی را برای این موسیقی بدینا پیشنهاد کنیم این کار جنبش عظیم و دامنه‌داری در موسیقی ملل جهان بوجود می‌آورد.

مراد شما از موسیقی ۲۴ بخشی چیست؟ آیا در این زمینه تاکنون اقداماتی صورت گرفته است یا نه؟

کلنل وزیری بساده‌ترین بیان باید بگویم موسیقی غربی دارای دوازده و نیم پرده است که در موسیقی ایرانی همه‌ی آنها موجود است موسیقی ایرانی علاوه بر آن دارای فواصلی است که اصطلاحاً به آن ربع پرده‌ای می‌گویند بنابراین اگر در میان هر نیم پرده یک ربع افزوده شود در مجموع گام دوازده و نیم پرده‌ای تبدیل به گام بیست و چهار بخشی می‌شود. این موضوعی است که از صدسال پیش در راه معتدل کردن آن فعالیت‌ها و تحقیقاتی صورت گرفته است کما اینکه در سال ۱۸۵۰ میلادی پیانونی ساخته شد بر همین مبنی که این پیانو هم اکنون در موزه‌ی گلینکا در مسکو موجود است خود من در ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ در کتابی که بعنوان تز دکتری نوشته‌ام این موضوع را توجیه کرده‌ام و در آخر کتاب هم گام بیست و چهار بخشی را با آکوردهای لازم ارائه داده‌ام.

گزارشگر: در صورتیکه گام بیست و چهار بخشی بعنوان یک موسیقی پذیرفته شود چه تحولی در این هنر پدید خواهد آمد؟

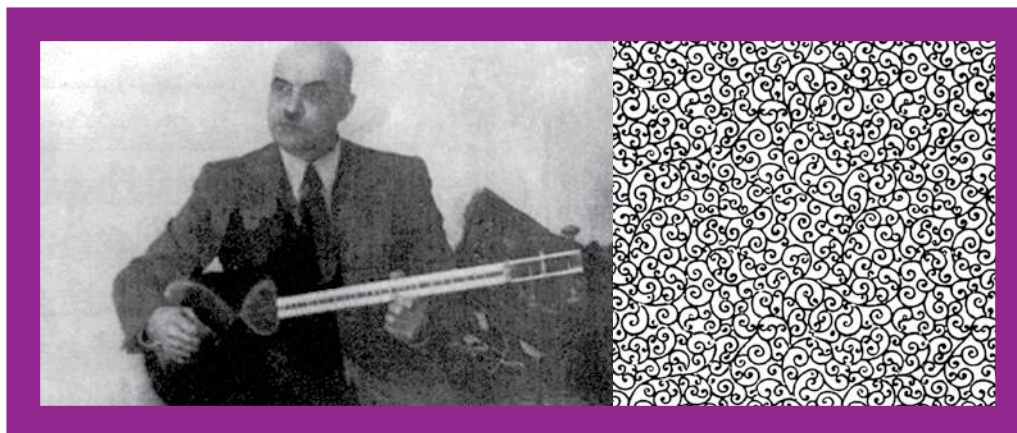
کلنل وزیری: همان تحولی بوجود خواهد آمد که گام تعدیل شده‌ی دوازده و نیم پرده‌ای از سبب سال قبل در موسیقی پولیفونیک ایجاد کرده.

گزارشگر: آیا باید موسیقی سنتی را همانطور که هست حفظ کرد و از بروز هرگونه تحولی در این موسیقی جلوگیری کرد؟

کلنل وزیری موسیقی سنتی ایران تاریخ ملت ما است در این موسیقی دردها و بی‌دردیهای مردم ایران در طول تاریخ انعکاس یافته است و بالطبع نمیتواند امروز بهمان صورت قدیمی‌اش ادامه یابد اساس موسیقی ایرانی را بشناسیم و بر آن بنیاد موسیقی نوینی که در خورد جامعه متحول امروز و فردای ما است بوجود بیاوریم. اکتفا کردن به موسیقی سنتی هیچ دردی را دوا نمیکند این موسیقی باید برای آهنگسازان و موسیقیدان‌های ایرانی آغازی برای حرکتی گسترده و بی‌گسست باشد نه عامل در جازدن و ایستادن و سکون.

گزارشگر: در مورد موسیقی روز چه پیشنهادی دارید؟

کلنل وزیری: باید بدانیم به آنکه موسیقی ملی با موسیقی متداول روز فرق‌ها دارد نباید تصور شود که وجود موسیقی روز نابود کننده‌ی موسیقی ملی است در همه‌ی دنیا این تنوع در موسیقی مست‌ها وجود دارد منتهی چیزی که هست دولت باید آنقدر از موسیقی ملی حمایت کند و آنقدر از موسیقی ملی حمایت کند و آنقدر به آهنگسازان و مصنفان موسیقی ملی میدان بدهد که کثرت و فزونی موسیقی متداول نتواند از اهمیت موسیقی ملی بکاهد. مسلم است اگر دولت از نوازندگان سازهای ملی حمایت نکند هر جوان علاقمند به موسیقی ترجیح میدهد بجای آموختن تار و سه‌تار و کمانچه، گیتار و بانجو و ماندولین را فرا گیرد اما اگر حمایتی همه جانبه از طرف دولت در راه پیشرفت کار موسیقی ملی صورت بگیرد باعث خواهد شد که روز به روز دامنه آن گسترده شود و مردم بیشتر به آن توجه کنند.



قلع و قمع مشروطه خواهان بی رحمانه و خونین بود



مجاهدان در مقابل یک کشته ده نفر روسی را می کشتند

● **ثقة الاسلام: بی تابی بهر چیست، ما را به از این که بدست دشمنان دین کشته شویم؟**

نهادند که از فردا جنگ نکنند. معذالک روز شنبه ۱ دی ماه جنگ آغاز شد امروز نیز جنگی سخت در مارالان بود روسیان برای اینکه مجاهدان را بترسانند به خانه‌ها ریختند و زن و بچه ما را کشتند و دو تا دوتا بهم بسته روی آنها بنزین پاشیده در تنور می انداختند با این درندگی به خانه خائنان ریخته و دست به کشتار و تاراج باز کردند. خائنان خانواده بزرگی بودند و روسیان این موضوع را می دانسته برای ترسانیدن ماجدان به خانه او حمله بردند مردم خانه به هم آمدند آنها فقط گمان تاراج می بردند، روسیان شادروان حاج علی و زن آبتن او و محسن آقا و یک پسر نوکر را با گلوله از پا انداختند و ده نفر دیگر را که در زیرزمین بودند کشته و به تاراج پرداخته و خانه را نیز آتش زدند.

حسن پسر شجاع علی مسیو: زنده باد ایران - زنده باد مشروطه

روز شنبه ۱۰ دیماه تبریز پراننده ترین روز بود، در این روز قرار بود روسیان سرداران مشروطه را بدار آورزند، یک دسته مردم جلوی سربازخانه گرد آمده خاموش ایستاده بودند ناگهان دو ارايه روسی که ۹ تن از دستگیرشدگان در آن بودند شادروانان ثقة الاسلام، شیخ سلیم آقا کریم، ضیاالعلمی، صمدقلی خان دائی او، صادق الملک، آقامحمدابراهیم، حسن پسر هیجده ساله علی مسیو مرد غیرتمند انقلاب مشروطه، قدیر برادر شانزده ساله او در توی آن بودند، پدیدار شد.

ثقة الاسلام و برخی دعا می خواندند. یک دسته مردان غیرتمندی را دشمنان بیگانه در لژ خودشان به گناه آزادیخواهی به دار می کشدند.

ثقة الاسلام به همگی قوت دل می داد و از هراس و غم ایشان می کاست، او می گفت: بی تابی بهر چیست ما را به از این که بدست دشمنان دین کشته شویم.

قدیر میلرزید لیکن حسن پروا نمی نمود. چون خواستند دار زند اول شیخ سلیم بود. او خواست سخن گوید افسر روسی سیلی به گوش او زد بعد نوبت ثقة الاسلام بود او همچنان بی پروا بود. دو رکعت نماز خوانده بالا رفت سوم ضیاالعلمی، چهارم صادق الملک پنجم آقا محمدابراهیم او با پای خود بالا رفت و طناب را به گردن انداخت ششم دائی ضیاالعلمی هفتم حسن او خود بالای کرسی رفت و فریاد زد: زنده باد ایران و زنده باد مشروطه پس از آن قدیر، دژخیمان حتی چشمان اینان را نبستند و برادر را جلوی برادر کشتند. طناب را هم به آسودگی نینداختند تا آنها شکنجه بکشند. باید گفت به فرمان «میلر» و «دنسکی» دیپلمات های روسی بود که دستور اعدام این چند تن را این دو تن صادر کردند.

و در آنجا نیز یک رشته جنگ شد و یکی از مجاهدان به نام شهناز کشته شد. عده ای از روسیان در شهربانی بودند مجاهدان به سراغ آنها رفتند و چون آنها را گیر انداختند خواستند تیراندازی کنند. رجب سربی که در مردانگی نظیر نداشت فریاد زد که شما ایمن خواهید بود ولی روسیان به او تیر زده مجاهدان طاقت نیاورده و همه را کشتند. از مجاهدان به نام در این جنگ سلطان علی و یوسف نامی بود. پس از این پیروزی امیرحشمت تلفن کرد و چگونگی را به ضیاءالدوله اطلاع داد با پس گرفتن شهربانی و عالی قاپو دست و بال مجاهدین باز شد و فقط کاروانسرای محمداف باقی مانده بود. نزدیک به پایان روز بود که مجاهدان به جنگ روسیان که در کاروانسرا بودند پرداختند. مشهدی محمد عمو اوغلی با دسته ای روی به سرخاب پیش آمد چون جنگ آغاز شد مجاهدان چنان تاخت بردند که روسیان سنگرها را رها کرده و رو به سوی باغ شمال گریختند. از کسانی که باید در اینجا نام ببریم کربلایی حسین آقایی فشنگی است که با یک شلیک او چند تن از روسیان کشته شدند.

پشیمانی کینه توزان

مشهدی محمدعلی خان می گوید از تفنگچیان ما کفش نداشت یکی از مردان کفش خود را با خواهش به او داد از یک طرف دکتر زین العابدین خان مجروحین را معالجه می کرد، فردا آدینه ۲۰ آذر هنوز آفتاب در نیامده بود که جنگ مجدداً آغاز شد. تویی از باغ شمال و ارک فریدن گرفت. امروز جنگ در پیرامون باغ شمال می بود، امروز سخنی در مارالان بود و روسین از تاراج و کشتن دریغ نمی کردند و زن و مرد و کودک را در تنور می انداختند. حاج حسین خان به خونخواهی برخاسته رزم سختی می کرد و از روسیان تعداد زیادی را کشت. امروز کسانی از بدخواهان مشروطه و دوجینان کینه را کنار گذاشته خواستار همکاری با مجاهدان شدند. ولی سردهسته گان سپاس نموده آنها را باز گردانیدند.

جوان هفده ساله بی خانمانی که شب در بازار می خوابید وقتی دو تن از سالدات ها را دید خود را پنهان کرده و با کارد بزرگی که در دست داشت آنها را کشت و فشنگ آنها را برداشت و به مجاهدان پیوست.

تشنه خون دشمن

یکی از مجاهدان را گویند از شدت خشم یک مشت خون یکی از سالدات ها را پس از کشتن خورد با این کینه توزی اندک زبانی به یک اروپایی یا مسیحی نرسید و این چیز پست که قونسول انگلیس با همه کینه توزی از گواهی آن باز نایستاد. امروز از تهران تلگراف رسید که مردم جنگ نکنند گویا ضیاءالدوله و ثقة الاسلام بر آن

نبردهای مردانه مجاهدان آذربایجان بر ضد نیروهای روس که حدود سال ۱۳۳۰ یعنی شش سال پس از صدور فرمان مشروطیت روی داد درس بزرگی از ایستادگی و شجاعت مردان میهن ما علیه بیگانگان است. آنچه در زیر می آید چکیده قسمت هایی از نوشته احمد کسروی درباره جنگ مجاهدان علیه روسها و جنایات سربازان تزار است:

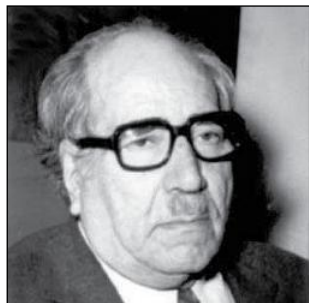
قونسول انگلیس: تفنگ مجاهدان را بگیرد

... اکنون بداستان پر شور و دردناکی می رسمیم که در شب پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۳۳۰ روسها دو نفر را در تبریز به قتل رسانیدند یکی حسین نام پاسبانی که جوان دلیری بود. سربازان تزار قبل از دیدن روشنائی ناگهان در شهربانی و عمارت علی قاپو ریخته و همه جا را فرا گرفتند و همه را کشتند و سپس چون روشنی رسید به عنوان گرفتن شهر دسته دسته سالدات و قزاق به کوچه ها فرستادند. امیرحشمت که این زمان کارهای شهربانی با او بود و در کوچه صدر می نشست گرد خانه اش را گرفتند. شبانه نایب الایاله و امیرحشمت آگاه شدند ولی کاری نمیتوانستند بکنند و دیگران از چگونگی آگاه شدند و چون روز شد از خانه خارج شدند. سالدات و قزاقان که کوچه ها را گرفته بودند به هر کس ظنین می شدند تا او را می دیدند میزدند. سپس تیراندازی آغاز شد مجاهدان با آنکه یکه خورده بودند خود را نباختند ولی نمی جنگیدند.

در این زمان ضیاءالدوله در خانه اش نشسته و ثقة الاسلام و بیشتر نمایندگان انجمن تبریز آنجا بودند. ضیاءالدوله دستور داد تا نامه ای به قونسول روس نوشته که روسیان دست از تیراندازی بردارند. قونسول پاسخ داد: نایب الایاله تفنگ های مجاهدان را بگیرند.

پیشروی مجاهدان

امیرحشمت در خانه خود میان شلیک نشسته و با تلفن چاره جویی می کرد. ضیاءالدوله و ثقة الاسلام چون اندیشه روس را فهمیدند فرمان جنگ دادند. به یکبار مجاهدان به جنگ برخاستند. امیرحشمت با کسان خود از خانه بیرون آمده و از سمت بازار مشهدی محمدعلی خان و اسعد آقاخان از لیلوا به پیشرفت پرداختند. از ملایان حاج حسین خان با افراد روس در باغ شمال زد و خورد سختی می کردند، از ارک هم دو توپ به غرش آمده، روسیان اگر یکی می کشتند ده نفر کشته می شدند. اسعد آقاخان که از لیلوا می آمد در مهارمیه با سنگرخانه و افسکی و قزاقانی که در آنجا بودند روبرو شد. قزاقان با آنکه جای استواری داشتند تاب نیاوردند و شصت تیر و پاره ای ابزار که آنجا بود نصیب اسعد آقاخان شد بدین سان رزم پیش می رفت. امیرحشمت نیز به عالی قاپو رسید



۱۳۵۴/۵/۱۸

فردوسی یوسف و زلیخا را از دست داد

میکرد.
نزدیک به موقعی که
فولرس هلندی میخواست از
ترکیب چاپ ماکان و چاپ
مهل از شاهنامه که سی
سال بعد از آن در پاریس

صورت گرفته بود چاپ ممتاز و جامعی نشر بدهد دونوان سیاح انگلیسی در خرابه‌های طوس از آن گنبد کاشی پوش معهودنشانی برجا نمیدید و راهنمای او همین بنای مربع را مقبره فردوسی به سیاح معرفی میکرد تعجب نکنید وقتی مرحوم ادیب‌الممالک ناشر روزنامه ادب در خراسان شاهنامه چاپ معروف امیر بهادری که در روز خود عمل ارجمندی تلقی میشده و خط زیبای عماد الکتاب بدان جلوه و ارزش هنری خاصی میداد. و از حیث قطع هم شاهنامه اختیار شده بود مقدمه مینوشت با وجودیکه چند سال پیش از آن مرحوم آصف‌الدوله شیرازی پایه‌های آن گنبدکاشی پوش عهد فریزر را از زیر کشت‌زار گندم بیرون آورده و در اطراف آن دیوارهای بسته بود و مرحوم ادیب‌الممالک وقتی در مشهد به سرمیبرد این پایه و دیواره هنوز برجا بوده و به چشم مرحوم بهار که در آغاز جوانی او رسیده بود همان عمل راهنمای دونوان را تجدید میکند وزیر تصویری که از آن بنای چهارگوش مجاور رسم و طبع شده مینویسد مقبره حکیم ابوالقاسم فردوسی. این خطای تعریف در تحریر ملحق به چاپ عامه پسند امیر بهادری سرموئی آسیب و زبانی به حسن شهرت ادبی و عظمت مقام فردوسی و ارزش شاهنامه او وارد نکرده و در همان روزی که کسی نمیتوانسته یادگار تربت او را در محل معینی زیارت کند باز فردوسی فردوسی بود و شاهنامه شاهنامه.

حقا نخستین عمل انجمن آثار ملی برای ساختن بنای یادبودی در محوطه طوس قدیم عمل بسیار ارزنده و شایسته‌ای بوده است اگر در تعیین محل دقیق و هندسه بنا مقتضیات زمان و مکان در نظر گرفته نشده و به جای گنبدی همچون گنبد کاوس یا برج رادکان و یا شبیه آثار عزنوی غزنه، مربعی همچون چهارطاقی‌های عصر ساسانی برای هندسه بنا و محلی موافق منافع زمینداران بزرگ خراسان که دلالت بر موضوع قبر را عهده گرفته بودند و به فاصله چند صدمتر از شمال غربی بنای مربع پایدار به جای چند متر در جنب شرقی آن بنا، این اثر یادبود را برپا کردند، در حقیقت با ساختمان آن بهترین خدمتی را که از عهده انجمن بر می‌آید در روز خود انجام داد.

خوشبختانه تحقیقات تازه‌تر ثابت کرد که این مربع پایدار که نشانه قبر فردوسی شده بود همان خانقاهی بوده است که به امر غازان خان مغول بر سر مقبره فردوسی بنا کرده بودند، مقبره‌ای که ارسال جاذب به امر سلطان محمود ساخت ولی مغول در عهد تولی خان برای تعمیر قلعه‌ای در طوس خراب و آن را ویران کرد.

استمرار وجود مقبره فردوسی در کنار این بنا در سده نهم، و دهم و یازدهم تأیید شده و در قرن سیزدهم هم جهانگرد انگلیسی آن را زیارت کرده است در این صورت چیزی با استمرار همچون خود شاهنامه بر روی زمین برجا نمانده که قلمرانی ناتوان در صحت محل وجود آن تردیدی روا داشته باشد.

در یادداشتهای بی‌تاریخ روز پنج‌شنبه گذشته نکته‌ای ظریفانه به قلم نویسنده ناقد آقای دکتر مجابی راجع به آرامگاه حکیم فردوسی رفته بود که به نظر دیگران قدری کسر موضوعی داشته و آن اسم فردوسی و و یوسف و زلیخای فردوسی بود که در کنگره فردوسی ۱۳۱۳ مورد تجدید نظر قرار گرفت بدین طریق که اسم مشهور حسن بن اسحاق بن شرفشاه که در اثر تکرار نقل و کثرت تداول در تذکره‌ها به صورت نام ثابت فردوسی درآمده بود در طی یک سؤال توأم با تحقیق در یکی از روزنامه‌های تهران به نام منصور بن حسن تبدیل شد و این تغییر اسم و رسم ایدا مورد اعتراض و یاردی قرار نگرفت.

موضوع دوم مثنوی یوسف و زلیخای فردوسی بود که در جلسات کنگره مورد مناقشه میان شادروان‌یان ریبکا خاورشناس جوان چک و این جانب قرار گرفت و دلیل عروضی و فونتیکی آن مرحوم بر انتساب کتاب به فردوسی رد شد و مدتی کوتاه بعد از آن به نسخه‌ای از یوسف و زلیخای معهود دسترسی یافت که مقدمه قدیمی و اصلی یوسف و زلیخا را داشت همچنین مرحوم میرزا عبدالعظیم خان قریب هم در آن اوان به نسخه دیگری از آن مثنوی با همان مقدمه اصلی دسترس یافت و مقاله‌ای به درخواست این بنده در سلب انتساب کتاب به فردوسی نوشت که در مجله آموزش و پرورش سال ۱۳۱۸ در دو شماره انتشار یافت و به امر نسبت کتاب یوسف و زلیخا به فردوسی به طور قطعی خاتمه داده شد. پس در حقیقت فردوسی در کنگره ۱۳۱۳ تهران اسم متداول خود را با یکی از دو اثر معروف به نام وی از دست داد آری آن روز جای ناقد شیرین بیانی همچون آقای دکتر مجابی خالی ماند تا کف دست محیط طباطبائی از بابت این دو امر با نکته ظریفانه دیگری بخارد.

مقام ادب فردوسی از بابت نظم شاهنامه چنان ثابت و استوار ابدی شده که تغییر نام و سلب نسبت یوسف و زلیخا از او کوچکترین اثر نامطلوبی برجا نگذاشت که چند سال بعد استاد مجتبی مینوی هم در مقاله محققانه‌ای که در مجله روزگار نولندن به سال ۱۳۲۳ انتشار داد به استناد نسخه سومی از این کتاب که در کتابخانه ملی پاریس یافته بود مطلب را اثبات و تأیید کرد ولی مرحوم قریب را از بابت سابقه حق تعریف قدری آزرده ساخت.

آری از فردوسی در جهان دو چیز ثابت و پایدار برجا مانده که هرگز در استمرار نفوذ و بقای آنها خدشه‌ای وارد نیامده است یکی شاهنامه که تاریخ منظوم ایرانی قدیم بر حسب روایت خداینامه علوی و داستان‌های دیگری است که در سندهای دیگر نقل شده بود، دیگری کنیه و تخلص ابوالقاسم فردوسی بوده که بجای اسم متعارف او هموار در اسناد و آثار به کاررفته و می‌رود و هرگز در صورت ظاهر آن تبدیلی رخ نداده است.

در همان اول که فریزر سیاح انگلیسی در خرابه‌های طوس قدیم گنبد کاشی‌پوش قبر فردوسی را در جوار تنها بنای مربع ناتمام و ناشناخته‌ای که از آثار طوس و اول و دوم برجا مانده بود زیارت میکرد، ماکان (ترنر) خاورشناس انگلیسی در کلکته با همکاری عده‌ای از ادبا و فضلالی هند، شاهنامه را از راه طبع و نشر در دسترس پارسیزبانان و فارسیدانان عالم می‌گذازد و با این عمل جلیل خود حکیم ابوالقاسم فردوسی را در متن مطبوع شاهنامه خود به مردم دور نزدیک معرفی

در ایران هنوز مفهوم خوانندگی روشن نشده است

موسیقی امروز ما پاسخگوی نیازهای جامعه نیست

برای مقامات مسئول هنری و فرهنگی ایرانی فرستادیم تا در مورد اینکه دانشجویان من این کار را درست انجام داده‌اند یا نه، نظرشان را بمانویسند، اما باور کنید که ما بارها نامه نوشتیم اما هیچ جوابی از هیچ دستگاهی نگرفته‌ایم. پروفیسور کشیه میگفت: چطور ممکن است اولیاء امور فرهنگی کشور شما اینهمه به مسائل مربوط به کارشان بی‌علاقه باشند؟

مسئله‌ی بسیار مهم دیگری که درباره‌ی موسیقی مطرح است مسئله‌ی خوانندگان است. هنوز معنی خواننده در این کشور روشن نشده است. همه فکر میکنند خواننده یعنی کسی که خوش صدا است. حال آنکه خوانندگی شرایطی لازم دارد. خواننده باید شعر و ادبیات قدیم و جدید فارسی را بشناسد. بتواند خوب دکلمه کند. از تحریر کردن عاجز نباشد. و از همه‌ی اینها گذشته موسیقی ملی را بشناسد و خوب هم بشناسد.

چند شب پیش دخترکی را دیدم که در تلویزیون تصنیف میخواند. این دخترک باید در این سن و سال برود درس بخواند. و اگر واقعا بخواهد خواننده بشود باید اول شرایط آنرا در خود جمع کند و بعد خوانندگی کند. این درست نیست که بهر کسی اجازه بدهند در رادیو و تلویزیون خوانندگی کند.



شصت سال پیش که وزارت معارف درس سرود خوانی را جزو مواد درسی مدارس قرار داد نخستین تیشه به ریشه‌ی موسیقی ایرانی فرو کوفته شد. این سرودها براساس موسیقی غربی ساخته میشد و همین سبب آن بود که گوش نواآموزان بجای اینکه با موسیقی ملی انس و الفت بگیرد به موسیقی غربی عادت کند.

امروز ما برای رفع این نقیصه باید موسیقی ایرانی و ردیف‌های آنرا در مدارس تدریس کنیم تا گوش کودکان و نوجوانان با این موسیقی خو بگیرد و بعدها که بزرگتر شدند فرق میان موسیقی روز و موسیقی بومی ملی را بشناسند و امروز برای این جوانان از موسیقی ملی بی‌خبرند که از کودکی آنان را در جریان این موسیقی قرار نداده‌اند. شناخت موسیقی ملی باید جزء فرهنگ شخصی هر تحصیل کرده‌ای شود. اگر این کار صورت بگیرد مسلم بدانید دیگر کاباره‌ها را پر از جوانان دانشگاه رفته نخواهید دید.

در سال‌های اخیر در کشور ما انقلاب همه‌جانبه‌ی اقتصادی و اجتماعی بوجود پیوسته و در حقیقت کوشش گسترده‌ای در راه تجدید سازمان جامعه‌ی ایرانی به عمل آمده است اما متأسفانه این انقلاب در زمینه‌های هنری دنبال نشده است. هنوز موسیقی ما یک موسیقی بزمی است و پیوندی چنانکه باید با تحولات اخیر جامعه‌ی ما ندارد. حال آنکه پا به پای دگرگونی‌های دیگر همه‌ی هنرها از جمله موسیقی باید در جریان تازه قرار گرفته باشند.

موسیقی امروز ما بهیچوجه پاسخگوی نیازهای جامعه‌ی در حال دگرگونی فعلی نیست. این حقیقت بزرگی است که باید دولت به آن توجه کند و ترتیبی بدهد که این ناهماهنگی میان هنر و جامعه از میان برداشته شود.

تاکنون هر گروه که تصدی فعالیت‌های مربوط به موسیقی را در دست گرفته با اعمال سلیقه‌ها و اغراض شخصی عمل کرده و یک خط مشی مشخصی در این زمینه دنبال نشده است. یکسال این آمده و کسانی که به حساب خودش بدرد بخور بوده‌اند بر سر کار گماشته و سال دیگر کس دیگری آمده و آنها را کنار زده و گروه تازه‌ای را به تصدی کارها گماشته است. فقدان خط مشی مستمر در زمینه‌ی فعالیت‌های مربوط به موسیقی ملی از عوامل بوجود آورنده‌ی هرج و مرج غم‌انگیز کنونی است.

امروز کار رهبری فعالیت‌های موسیقی این مملکت بدست کسانی سپرده شده است که در دانشگاه‌های خارجی تحصیل کرده‌اند و با نوشتن رساله‌هایی درباره موسیقی ایرانی به اخذ درجه دکتری نائل آمده‌اند. اینها با نگرشی غربگرا پیداست که نمی‌توانند پاسداران خوبی برای موسیقی ملی باشند. اینها حرف نوازندگان خارجی را در مورد موسیقی ایرانی سند میدانند اما کاری بکار کسانی که در این رشته تجارب فراوانی داشته‌اند ندارند.

بهرحال در این زمینه متأسفانه در بیشتر موارد کار بدست کاردانان سپرده نشده است.

هیچیک از متصدیان فعالیت‌های موسیقی در کشور تاکنون نخواستند از تجارب موسیقی‌دانان کشور استفاده و با سنجش و مقایسه درباره‌ی مشکلات موجود در امر موسیقی ملی چاره‌گری کنند.

دولت بجای تشویق موسیقی‌دانانی که شاگرد تربیت می‌کنند با اخذ مالیات برمشکلات کار آنان میافزاید. حال آنکه در همه جای دنیا از آهنگسازانی که کارشان اشاعه‌ی موسیقی ملی است حمایت بیدریغ به عمل می‌آورند.

دستگاه‌های مختلفی که در ایران به نشر و اشاعه‌ی موسیقی ملی مشغول‌اند از قبیل رادیو تلویزیون، سازمان اشاعه‌ی موسیقی ملی، هنرستان عالی موسیقی و... کارهایشان با هم هماهنگی ندارد. هرگز در صدد این نبوده‌اند که با یک شیوه‌ی هماهنگ کار بکنند. نه تنها دست بدست هم نداده‌اند بلکه در بسیاری از موارد دیده‌ایم که برای هم کارشکنی کرده‌اند. همین چند ماه پیش در ژاپن از زبان پروفیسور کشیه مطلبی شنیدم که وحشت کردم. او میگفت: دانشجویان موسیقی در ژاپن موظف‌اند روی نغمه‌های هر ملتی که دوست داشته باشند تحقیق کنند و رساله‌هایی ارائه بدهند. چند تن از دانشجویان طبق علاقه‌ی خودشان خواستند که روی نغمه‌های ایرانی کار کنند و ما «گل گندم» را در اختیارشان گذاشتیم. آنها این اثر را هارمونیزه کردند و به دانشگاه تسلیم نمودند. ما گل گندم هارمونیزه شده را



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

حافظ‌های موجود برای مردم عادی خوب هستند بعضی از دبیران حوصله فراگیری مطالب تازه را نداشتند



– در سمک عیار تاجه حد به جنبه‌های نمایشی توجه شده و اصولاً از این متن می‌توان بهره نمایشی برد. دکتر خانلری – سمک عیار قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین داستان از این نوع است. کتاب‌های دیگری از این نوع در دست است که غالباً تحت تأثیر همین کتاب قرار گرفته و شاید بعضی‌ها تقلیدی از آن کرده باشند. در هر حال این نوع داستان‌ها یکی از شعبه‌های مهم ادبیات فارسی است. تا زمان‌های اخیر ادبا اعتنایی به آنها نداشتند و اینها را متعلق به عوام می‌دانستند.

تکلیف دستور زبان چه میشود

– در بین گفته‌هایتان اشاره کردید باین مساله که از کتاب سمک عیار می‌توان استفاده دستوری برد. سئوالی که برای من مطرح است و البته اغلب دانش‌آموزان ایران با آن دست بگریبان هستند اینست که کتاب دستور مشخصی فعلاً وجود ندارد. که دبیران ادبیات بتوانند بر اساس آن تدریس کنند و نتیجه این میشود هر دبیر با نقطه نظرهای شخصی خودش جزوهای می‌گوید. این مساله زمانی دردناک میشود که در یکسال چند دبیر در یک کلاس عوض بدل شوند. این وضعیت را چگونه توجیه می‌کنید؟ دکتر خانلری – در دوره‌های قدیم اصلاً کتابی و بحثی درباره دستور زبان فارسی وجود نداشت. در مدارس قدیم صرف و نحو عربی می‌خواندند. اگر بحث‌هایی درباره قواعد زبان فارسی تالیف و تدوین میشد غالباً در کشورهای همسایه که زبان مادریشان فارسی نبود انجام میگرفت مثل هندوستان و ترکیه شاید کمی که دستور زبان فارسی را بعنوان ماده درسی در مدارس ایران معمول کرد مرحوم عبدالعظیم خان قریب بود که تا آخر عمرش هم بتدریس همین ماده مشغول بود و کتاب‌های دستوری که تالیف او بود در تمام مراحل دبیرستان تدریس میشد. بعدها وزارت فرهنگ و هنر آن زمان، پنج نفر از استادان را مامور کرد که کتابی در دستور زبان برای مدارس بنویسند که یکی از این پنج استاد خود مرحوم قریب بود.

اما حقیقت مطلب اینست که آن چهار استاد دیگر چندان اعتنایی به موضوع نکرده بودند. این کتاب تفاوت‌های خیلی جزیی با کتاب‌های قدیم مرحوم قریب داشت.

ده دوازده سال پیش خود من کتاب زبان فارسی را برای تدریس در کلاس‌های اول و دوم دبیرستان تالیف کردم. این کتاب از حیث متد و روش علمی بکلی با کتاب‌های سابق متفاوت بود و مبنا و اساسش روش علمی زبان‌شناسی جدید در دنیا بود و روش علمی تعلیم و تربیت البته منظور این بود که بعدها جلد‌های سوم و چهارم را هم بنویسم تا با همین روش همه قواعد لازم فارسی تعلیم داده شود. اما من مشغله‌های دیگری داشتم.

نتیجه این شد که چندین سال در کلاس‌های اول و دوم دبیرستان کتاب مرا تدریس می‌کردند و در دوره‌ای دیگر همان کتاب قدیمی معروف به پنج استاد را، معدودی از دبیران زبان و ادبیات فارسی به روشی که به من پیش گرفته بودم توجه کردند عده دیگری که با همان روش قدیم آشنا بودند حوصله این را نداشتند که چیز تازه‌ای

دکتر خانلری – درباره مطلب باین وسعت در چند کلمه نمی‌توان بحث کرد. اما من از جمله کسانی نیستم که می‌گویند زبان فارسی خراب شده یا نثر فارسی بد شده. بسیاری از نویسندگان هستند که خیلی خوب، فصیح و قابل فهم می‌نویسند و نوشته‌هایشان باقتضای روز از بهترین نمونه‌های نثر قدیم پست تر نیست.

خود شما اگر روزنامه اطلاعات ۴۰ سال پیش را نگاه کنید و با روزنامه اطلاعات این ایام بسنجید می‌بینید که زبان فارسی خیلی پیشرفت کرده، فصیح‌تر شده و نویسندگان مقصود را بهتر بیان می‌کنند در مقابلش البته نوشته‌هایی هم در مطبوعات امروز بچاپ میرسد که وقتی من می‌خوانم به هوس می‌افتم که نویسنده‌اش را پیدا

چندی پیش جایزه آکادمی روسیه که به فردوسی‌شناسان جهان داده می‌شود به دکتر پرویز ناتل خانلری تعلق گرفت. هر چند مدتی از این مساله می‌گذرد، مناسب دیدیم که در این زمینه و مسائل دیگر گفتگویی داشته باشیم.

استاد به تاریخچه و چگونگی به وجود آمدن این جایزه بطور کلی این چنین می‌گوید:

در یکی از ملاقاتهایی که بین اعلیحضرت و آقای پادگورنی صدر هیئت رئیسه اتحادیه جماهیر شوروی اتفاق افتاده بود پیشنهاد شد که جایزه‌ای در نظر گرفته شود برای کسانی که در ایجاد و توسعه روابط فرهنگی میان دو کشور کوشش بیشتری کرده‌اند این جایزه از

۲۳ مرداد ۱۳۵۴

گفتگو با دکتر پرویز ناتل خانلری

دستور زبان فارسی را کشورهای همسایه تدوین می‌کردند



کنم و بیرسم می‌خواسته‌ای چه بگوئی؟

سمک عیار

– گویا کار شما در زمینه سمک عیار بپایان رسیده و قرار است از آن سریالی برای تلویزیون بسازند، آیا این سریال برداشتی از سمک عیار شماست؟

دکتر خانلری – نمی‌دانم، چون کسی با من مشورتی نکرده و نمی‌دانم چه کسانی هستند و چه کار می‌خواهند بکنند لابد اقتباسی کرده‌اند و خلاصه‌ای از آن را بنمایش می‌گذارند.

– ممکن است بخصوصیات این کتاب اشاره بیشتری بفرمائید؟

دکتر خانلری – سمک عیار پنج جلد شده که فکر می‌کنم ۲۵۰۰ صفحه پیشتر باشد کتاب از جهات بسیاری خیلی مهم است و می‌توان استفاده‌های مختلف از آن کرد. از زبان لغت، قواعد زبان گرفته تا موضوعهای اجتماعی، اخلاقی حتی تربیتی و طرز زندگی طبقات اجتماع و روابطشان با یکدیگر.

یادداشت‌های من درباره موارد استفاده این کتاب که اگر فرصت کنم در جلد ششم چاپ خواهم کرد متن جداگانه پر حجمی خواهد شد.

یکطرف به محققان ایرانی و از طرف دیگر به محققان شوروی داده میشود. مراسمی که چندی پیش انجام گرفت برای اعطای جایزه از طرف شوروی با ایرانیان بود و ظاهراً در اولین فرصت مراسم مشابهی برای اعطای جایزه بدانشمندان و محققان شوروی که کارهای برجسته‌ای در این زمینه کرده‌اند در ایران انجام خواهد گرفت.

– این جوایز به چه ترتیب و توسط چه کسانی داده میشود؟

دکتر خانلری – کمیته مشترکی از نمایندگان شوروی و ایران برای دادن جایزه همکاری می‌کنند که در این بار در ایران و در وزارت فرهنگ و هنر با حضور آقای غفوراف رئیس انستیتوی شرق شناسی شوروی و از ایران هم آقای دکتر ذبیح‌اله صفا رئیس دبیرخانه شوراییعالی فرهنگ و نمایندگان وزارت خارجه انجام گرفت. این دو جوایز برای تشویق کسانی است که در رشته‌ای فعالیت می‌کنند.

نثر فصیح امروز

– بسیاری معتقدند که نثر امروز نتوانسته در ادبیات فارسی موقع و موضعی بیابد اصولاً در گذشته نیز چندان توجهی به نثر نمی‌شد و بیشتر شعر را هنر می‌پنداشتند. نثر و زبان امروز را چگونه می‌بینید؟

یاد بگیرند بعد دیگران همان کتاب مرا گرفتند و بدون توجه به روش اصلی و علمی کتاب دستکاری کردند.

نتیجه این شد که آنچه فعلاً بعنوان کتاب درسی در دبیرستانها متداول است، مخلوطی از دو روش بکلی متفاوت است البته آن روش را من بعداً چاپ کردم که باید از دستبرد دیگران محفوظ بماند و فعلاً چندین سال است که مشغول تالیف کتاب دیگری بعنوان تاریخ‌زبان فارسی یا بعبارت دیگر دستور تاریخی زبان فارسی هستم که در دوره‌های بالاتر از لیسانس و دوره‌های دکتری غالباً مورد استفاده دانشجویان است. دو جلد از این کتاب چاپ شده و جلد سوم زیر چاپ است و گمان میکنم به ده جلد خواهد رسید.

در کتابهای سال گذشته مطالب را یک جا می نوشتند که هر کدام مربوط به تاریخ و دوره جداگانه‌ای بود. اساس مطلب اینستکه وقتی می‌گوئیم زبان فارسی باین مساله توجه داشته باشیم که این زبان در مرحله آخر ۱۰۰۰ سال از عمرش گذشته و زبان امر ثابتی نیست که در طول زمان یکسان بماند. بنابراین مطالعه در چگونگی تحول زبان یکی از موضوعات مهم تحقق در این رشته است حالا هم مشغول هستم و اقلاً روزی سه ساعت از وقتم را صرف ادامه و تکمیل این کار میکنم.

– پس تکلیف دانش آموزان چه میشود، حتی در روش جدید هم نتوانست‌اند دستور تدوین شده‌ای برای تدریس در نظر بگیرند در کتاب فارسی سال اول نظری هر جا که درس هست نکات دستوری آن درس را در پایان همان درس گوشزد کرده‌اند، این‌باعتماد من نه تنها به دانش آموز کمک نمیکند بلکه روند منطقی یادگیری دستور را از میان می‌برد مثلاً بحثی که می‌آید آخر بیابد اول با وسط آمده است.

دکتر خانلری – بهر حال آنچه که بنظر من رسیده برای اتخاذ یک روش آسان و علمی طرحش را در همان دو جلد کتاب ارائه کرده‌ام.

تحقیق اصولی

– استاد کار تحقیق شما در زمینه دیوان حافظ بکجا رسید و اصولاً حافظ‌های موجود را چگونه می‌بینید
دکتر خانلری – ما چاپ حافظ را شروع کرده‌ایم، اما نمی‌دانم که تمام میشود، در مورد حافظ‌های موجود، بستگی باین دارد که قصد و غرض خواننده از خواندن دیوان یک شاعر چه باشد. برای خواننده عادی همه اینها خوب است. اما تحقیق درباره متون بزرگان قدیم یک تحقیق علمی است که شاید برای مردم عادی که فقط از روی ذوق می‌خواهند شعر بخوانند و لذتی ببرند، نه تنها جالب توجه نباشد گاهی حتی ملال آور باشد. تحقیق در متون ادبی قدیم کاری نیست که ما اختراع کرده باشیم در بسیاری از کشورهای دیگر سالها بلکه قرن‌هاست به تحقیق درباره متون قدیمی خودشان می‌پردازند و حتی اهل فن گاهی بر سر یک کلمه با هم جنگ و جدال میکنند ولی بهر حال ایسن کار در دنیای امروز یک روش علمی و دقیق برای خودش دارد. و کسانی‌که در این رشته کار میکنند باید به آن اصول توجه داشته باشند.



معینی کرمانشاهی:

شعر واسطه‌های هنری را کم کنید!

خوانندگان باید به تلویزیون بابت تبلیغ

آثارشان پولی بپردازند حقوق ترانه‌سرا و آهنگ‌ساز را خوانندگان پایمال می‌کنند

در ایران، در عالم موسیقی دو دسته هنرمند را می‌شناسیم با آنکه در کنار هم زندگی میکنیم، حسابشان از هم جدا است. دسته‌ی اول هنرمندانی هستند که به اصالت‌ها دلبسته‌اند و تمام هم و غم‌شان مصروف گسترش فرهنگ پاک و پالوده‌ی ایران است که اگر آهنگ می‌سازند کوشش‌شان در آن است که ساخته‌شان گوش و هوش ایرانی را خوش آید و اگر ترانه می‌سرایند سعی‌شان بر آنست که از این راه زبان شیرین فارسی را توانگر کنند و اگر می‌خوانند می‌خواهند صدایشان، صدای سخن عشق باشد با انحرافی که در ذوق و سلیقه‌ای مردم ما بوجود آمده است هنر این گروه بازار پر رونقی ندارد، خوشبختانه این جماعت نه خود تاجرپیشه‌اند و نه هنرشان تجارتی است.

دسته دوم هنرمندانی هستند که نان را به نرخ روز می‌خورند و دنبال پسند عوام‌الناس‌اند و بازارشان از کوره‌ی حدادان گرم‌تر است. در همه جای دنیا رسم برین است که دولت‌ها از هنرمندان دسته‌ی اول حمایت میکنند و هنرمندان دسته‌ی دوم را بحال خود می‌گذارند.

اما متأسفانه در ایران با همه جا اندکی تفاوت دارد، در اینجا به هنرمند راستین میدان نمی‌دهند، در عرضه‌ی محصول هنری‌اش چنانکه باید و شاید اقدام نمی‌کنند و حتی گاهی پا روی دل او می‌گذارند اما تا بخواهی از هنرمندان بازارشناس حمایت میکنند شما برنامه‌های تلویزیون را نگاه کنید ببینید میدانداران کیانند. البته من می‌دانم که مسئولان در اصل می‌خواهند هنر متعالی را در جامعه انتشار دهند و ذوق هنری مردم را بالا ببرند اما نمی‌دانم چه دست‌هایی در کار است که مانع آن میشود نمی‌دانم چرا هر کس در جامعه‌ی هنری ایران دنبال هنرناب میرود و در حفظ حیثیت و شرافت انسانی خویش میکوشد سرش به سنگ می‌خورد اما هر کس که دکاندار هنر است سر فخر بر آسمان میساید.

چند سال پیش هنرمندان دسته‌ی اول به خیال اینکه میتوانند از طریق قانون به حق خود برسند تلاش کردند به این دوران در زندت تا بالاخره قانون متری حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان شکل گرفت.

زمستان گذشت و رو سیاهی به زغال ماند چون به موجب این قانون همه حقوق و منافع که از اجرای عرضه یا فروش آثار هنری حاصل میشود به پدید آورندگان این‌گونه آثار تعلق دارد. قانون‌گزار هم پدیدآورنده را کسی میدانست که به نیروی اندیشه و ابتکار خویش اثری نو خلق کرده باشد. اما متأسفانه در عمل از این قانون هم کاری بر نیامد.

هنرمندان بازاری در پناه امکاناتی که وسائل ارتباط جمعی دولتی و غیر دولتی در اختیارشان قرار داده بود قانون را زیر پا گذاشتند و ثابت کردند که از قانون خشک و خالی هیچ‌کاری ساخته نیست. هنرمندان قانون را با چنان زیرکی و عیاری شکستند که صدای شکستنش را هم کسی نشنید. حتی وقتی ما شکایت کردیم، اعتراض کردیم گله کردیم و بارها خاطر نشان کردیم که قانون را شکستند کسی باورش نشد. مادام که این حق‌کشی‌ها این بی‌تفاوتی‌ها این بی‌حرمتی‌ها و بی‌توجهی‌ها نسبت به هنرمندان راستین در جریان است نتیجه‌ای جز این نخواهد داشت که هنرمندان مجرب سکوت کنند و جوانانی که دوستدار و شیفته اصالت‌های هنری هستند همرنگی با جماعت را به حفظ شرافت و حیثیت فردی خویش ترجیح دهند.

مطمئن باشید اگر حمایت بیدریغ دولت در آینده شامل حال هنرمندان واقعی مملکت نشود بزودی موسیقی ایرانی تمام کمال در انحصار این دکانداران هنر درخواهد آمد.

حقوق ترانه‌سرا

من از شما می‌پرسم آیا سهم ترانه‌سرا و آهنگ‌ساز در پیدایش یک تصنیف کمتر از خواننده است؟ مسلماً اگر انصاف داشته باشید جوابتان منفی خواهد بود. اما هیچکس نمیدانند چرا تمام حقوقی که از خلق تصنیف حاصل میشود متعلق به خواننده است. منافع مادی‌اش را کاباره‌ها و مجالس بزم و خواننده میبرد. درآمد صحنه و نوارش را خواننده صاحب میشود. محبوبیت و شهرت حاصل از آن نصیب خواننده میشود. برای شاعر و آهنگ‌ساز چه میماند؟

هیچ فقط نامشان را در رادیو می‌برند و بعد «تو گویی فرامرز هرگز نبود» اجراکنندگان آثار هنری در سرزمین ما همه در رفاه‌اند اما پدیدآورندگان هنر از این راه سهمی ندارند.

همانطوری که دولت در مورد کالاها و ارزاق عمومی مصمم است دست واسطه‌ها را کوتاه کند در عالم هنر هم باید واسطه‌های هنری را برداشته و از حقوق هنرمندان دفاع کند. مقصود من از واسطه‌های هنری کسانی هستند که خود در خلق آثار هنری نقشی ندارند و تنها اجرا کننده‌ی آن هستند.

قانون هم این گروه را از اعمال هرگونه دخالتی محروم کرده و بصراحت مقرر داشته است که فقط با اجازه‌ی پدیدآورندگان (آهنگساز و شاعر) می‌توانند به اجرای آثار هنری مبادرت کنند، حتی قانون برای هر بار اجرا اجازه‌ی جداگانه‌ای پدیدآورندگان را ضروری تشخیص داده است و اجراکننده را مکلف کرده است که در هر اجرایی نام آفرینندگانش را اعلام دارد. بدیهی است در چنین وضعی شامه‌ی اقتصادی اجراکنندگان اجازه نمیدهد که با پدیدآورنده‌ی مقتدر و محتشم که حتی نام او هم بر نام اجرا کننده برتری دارد کنار بیاید و حقوق مادی او را طبق قانون بپردازد.

اجراکننده ترجیح میدهد که از آثار پدیدآورندگان دسته دوم که گوش بفرمان او دارند استفاده کنند.

چنین پدیدآورنده‌ای آنقدر فقیر و ناتوان است که حتی بفرمان خواننده جمله‌ها را پس و پیش میکند تا باب میل و سلیقه او کار کرده باشد.

باید بخواننده فهماند که برای دخالت در کار پدیدآورنده اثر هنری نه حق دارد و نه صلاحیت به‌ویژه خوانندگان وطنی که حتی گاه از عهده‌ی درست خواندن شعر تصنیف هم بر نمی‌آیند.

عوارض خوانندگی

باز هم تکرار می‌کنم تنها راه علاج، تأیید و تقویت مراکز ارتباط جمعی و دولت از هنرمندان اصیل است. و اگر چنین برنامه وسیعی به مرحله اجرا درآید خود بخود بازار فرهنگ ملی رونق خواهد گرفت و آب رفته بجوی باز خواهد گشت.

پیشنهاده من به رادیو و تلویزیون این است که چون هنرمندان دسته دوم از این وسیله ارتباط جمعی تنها بعنوان ویتترین‌های عرضه کالاهایشان استفاده میکنند برای هره بار پخش آثارشان همانگونه که در پخش تبلیغات و آگهی‌های تجارّتی عمل میکنند رفتار نمایند. یعنی مبالغی بابت حق پخش از آنان اخذ کنند و وجوه حاصله را در صندوق به نفع پدیدآورندگان آثار با ارزش و غیر تجاری ذخیره نمایند و در راه گسترش اینگونه آثار به مصرف برسانند.



۱۳۵۴/۵/۲۳

ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

شیعه در انتخاب مرجع تقلید، مختار است

گفتگو با استاد محیط طباطبایی

خدا، پیغمبر، قرآن و معاد پیونددهنده فرقه‌های اسلامی است

کلی موضوعی بسیار دامنه‌دار است که در ظرف مدتی کوتاه ممکن نیست جواب جامع و شاملی بدان داد مگر این که همه در ارکان اصلی دین یگانگی دارند و این تفاوتها اختلافات صورت و فردی است.

– استاد جواب پرسش من کافی نیست ممکن است به بخش دوم سؤال من اشاره بیشتری بفرمائید.

استاد طباطبایی – بله، راجع به اهل حق و برخی از فرق دیگر باید گفت تا حدی این اصول کاملاً تطبیق نمی‌کند و مطلب محتاج به بحث و رسیدگی بیشتری است زیرا در طول ۱۳۰۰ یا ۱۴۰۰ سال عمر دین اسلام برخی پیروان ادیان دیگر که به تدریج به اسلام گرایدند تا حدی که برایشان میسر بوده از مبانی عقاید دیرینه خود چیزهایی را هم حفظ کرده‌اند ولی برای این که با جامعه اسلامی اختلاف رنگی پیدا نکنند آنها را بطور پوشیده و نهفته و نسل به نسل باقی نگهداشته‌اند و لی صورت ظاهر همان یادبودهای گذشته هم زیر اسامی و عناوین و موضوعات اسلامی مستور مانده است.

– استاد آیا انتخاب مرجع تقلید در میان اهل سنت هم مثل شیعه متداول است؟

استاد طباطبایی – فقهای مذاهب اهل سنت مورد مراجعه عوام و سایر طبقات هستند اما وظیفه آنها اجتهاد در موضوع نیست بلکه ناقل نتیجه اجتهاد پیشوایان دیرین مذهب خود هستند و اگر کار تازه‌ای هم انجام بدهند از مقوله شرح و تفسیر مشکلات منقول از ائمه سنت است.

با وجود این امروز در میان علما سنت افراد صاحب‌نظری وجود دارند که پا را از این حد فراتر گذارده و بخود حق می‌دهند که در صورت ضرورت مطلبی را از راه مذهب دیگری حل کنند چنانکه در سمینار خدمات اجتماعی جامعه عرب که در ۱۳۳۲ در دمشق زیر نظر یونسکو برپا شده بود می‌دیدم در برخی موارد حتی جواز امری را از فقه شیعه هم اقتباس می‌کردند. مرحوم محمد ابوزهره در «کمیسیون زکوه» راجع به جواز استفاده از مال زکوة برای کمک به اهل فرقه یا عبارت دیگر غیرمسلمانانی که در حمایت حکومت مسلمان هستند با مخالفت فقهای سوریه مواجه شد ولی با استدلال مثبتی گفت: ما این موضوع را امروز با عملی از روی فقه اهل بیت پیغمبر حل کنیم و اجازه بدهیم که از این محل بدانان کمک شود و مطلب بهمین نحو در تصمیمات آن سمینار ثبت شد.

– آیا در مذهب تشیع میتوان از میان چند مرجع تقلید یا مجتهد یکی را بعنوان مجتهد اعلم انتخاب و بمردم معرفی کرد تا ایشان به تقلید از او بپردازند.

استاد طباطبایی – اصولاً تشخیص این که کدام مجتهد اعلم است این بزرگترین مشکل این مسأله می‌باشد. آنکه بتواند تشخیص بدهد که از میان چندین فقیه بزرگ زمان کدام افقه است باید از حیث معرفت به مبانی و لوازم اجتهاد از همه فقها اعلم و افضل باشد و چنین فردی اگر هم باشد بخود چنین حقی نمیدهد.

بنابراین باید این کار در حوزه‌ای از مجتهدین صورت بگیرد و تاکنون ملاک عمل هم چنین بوده است که در نجف اشرف یا کربلا و یاقم و مشهد و بیش از آنها اصفهان فقهای محل در ضمن مذاکره و مباحثه و مراجعه به امتیاز یکی از افراد که از حیث سن و تجربه، اخلاق و قدرت استنباط احکام قوی تر بوده گردن می‌نهند و در حوزه درس او می‌نشستند و اگر هم از او تقلید نمی‌کردند او را ترویج می‌کردند.

پس انتخاب و ترویج کار مجتهد فقط در حد مجتهد دیگر است خواه از راه اجازه اجتهاد و خواه از راه قبول ریاست.

مرحوم حاج آقا حسین بروجرودی مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم شیخ عبدالکریم که در زمان ما ریاست حوزه‌های علمیه را علاوه بر مقام اجتهاد حائز بودند این توفیق را از راه موافقت و معاونت مجتهدان دیگری یافتند که در حوزه علمیه ایشان وجود داشتند. شاید این امتیاز که هر فردی می‌تواند خود را به مقام مجتهد اعلم برساند یک وضعیت بی‌نظیری است که نبایستی با هیچ تدبیر یا ترتیبی مخدوش و مقلوب گردد هر طلبه علوم دینی باید در طی تحصیل خود آرزو داشته باشد که بمقام مجتهد اعلمی برسد تا همت درباره او لاقال مراتب نازل تری را تأمین کند.

– آیا کسی هم می‌تواند در مسائل دینی تقلید نکند؟

استاد طباطبایی – بله کسی که بتواند از راه علم و کوشش در درک مسائل فقهی و اصولی بمقام استنباط احکام برسد و خود قادر به حل مشکلات دینی خود باشد در اینصورت از طرف معلم یا مجتهد اعلم که استاد چنین کسی باشد بدو اجازه عمل به نظر خود داده میشود ولی این مرحله شامل دیگری پیش از تکمیل مطالعات و کسب اجازه اجتهاد شامل و جلب اعتماد خلق از راه علم و فضیلت نمیتواند بشود.

فقدان عالم ربانی حضرت آیت‌الله العظمی شیخ محمدمهدی هادی میلانی برای خیلی‌ها این سؤال را مطرح کرده است که چگونه یک روحانی عالی‌قدر مرجع تقلید شیعیان میشود؟ شرایط لازم برای مرجعیت چیست؟ و اصولاً پیرو مذهب شیعه چگونه باید یک مرجع را برگزیند و در احکام مربوط به فروع دین از او پیروی کند؟

طرح این پرسش‌ها بما اجازه داد یکی از شریف‌ترین سنن تشیع را که آزادی اختیار شیعیان در پیروی از عالم‌ترین روحانیون زمان خویش است، و در عین حال سبب میشود روحانیون شیعه برای کسب مرتبه عالی مرجعیت دائماً در تلاش کسب علم و معرفت و منزّه‌تر ساختن خویش باشند، مورد بحث قرار دهیم:

این بحث را شما خوانندگان در خلال پرسش و پاسخ‌های گزارشگر روزنامه اطلاعات با استاد محیط طباطبائی مطالعه می‌فرمائید:

– استاد گویا پیرو مذهب شیعه در انتخاب مرجع تقلید آزاد است. در این مورد توضیح بفرمائید.

استاد طباطبایی – مرجع تقلید در حقیقت معلم کاملی است که مردم بیسواد یا نیمه سواد را میتواند بوظایف دینی ایشان آشنا کند و در موردی که راجع به روا بودن یا ناروا بودن کاری تردیدی بایشان دست دهد رفع اشتباه بکند، در این صورت هر کس از نظر علم و فضیلت و تقوی بمقامی برسد که از عهده انجام چنین خدمتی بمردم یا وظیفه‌ای برآید مورد مراجعه چنین خدمتی بمردم یا وظیفه‌ای برآید مورد مراجعه شیعیان قرار می‌گیرد. چون در مذهب شیعه امامیه اثنی عشریه، یعنی شیعه ایران و عراق و لبنان، هر فردی میتواند از نظر تحصیل مبانی فقه و اصول و مراتب معرفت تا بالاترین حد متصور بکوشد و دریابد و بشناسد و بداند، مسلم است در هر زمانی عده‌ای از میان علمای دین به آن مقام شامخ علمی می‌رسند که سزاوار ارجحیت باشند.

چون در کار دین و مذهب هیچگونه تکلیف و الزامی وجود ندارد، هر فردی از افراد حق دارد در میان این مراجع هم‌وزن و هم‌سنگ، یکی را که بیشتر مورد اعتماد قلبی او باشد برگزیند و در آموختن مسائل دینی و حل مشکلات مذهبی بدان مراجعه کند. بطور کلی باید این نکته را دانست که در کار انتخاب مرجع هیچگونه اجبار و الزامی جز کسب اعتماد نسبت به مقام علم و فضیلت مرجع نیست.

این که ملاحظه میکنید در مجموعه‌ای از مسائل مذهبی اختلاف‌نظری در حاشیه رساله‌ها به امضای مراجع میرسد این اختلافات باندازه‌ای ناچیز و جزئی است که هرگاه دسترسی به مرجعی نباشد میتوان به صورت مفصل مضبوط در متون فقهی برای رفع نیازمندی مراجعه کرد.

– استاد: در دین مبین اسلام مذاهب و فرق مختلفی می‌بینم مثلاً تشیع و تسنن که باز از هر کدام از این دو مذهب رشته‌های دیگری نیز منشعب میشوند میتوانم به مسلک‌های دیگری هم اشاره کنم مثلاً «اهل حق» را که البته هدف غایی همه آنها به یکتاپرستی است میخواستم بدانم این تفکیک‌ها در اسلام چگونه بوجود آمده آیا مسأله‌ای را که در مورد تشیع فرموده‌اید در فرقه‌های دیگر نیز صدق میکند یا خیر.

استاد طباطبایی – جواب این سئوال احتیاج به مدتی مدید زمان و مراجعه به کتابهای علمی کلام دارد تا به ترتیب و بتدریج، موجب بروز این اختلافات معلوم شود. نکته‌ای که باید در نظر داشت هرگز در آنچه که مبانی اصلی دین شمرده میشود یعنی خدا و پیغمبر و کتاب و معاد اختلافی بوجود نمی‌آید و همه مسلمانان در این چهار رکن اصلی دین شرکت دارند.

چون حوزه شمول موضوعات و مسائل دینی وسعت بیکرانی دارد و هرچه زمان پیش برود از اوضاع و احوال تازه، مسائل تازه‌ای برمیخیزد، حل این مشکلات اقتصادی کوشش و پژوهشی دارد که فقها و علما به تعهد آن میتوانند برخیزند. مثلاً مذاهب اربعه سنت به وسیله پیشوایان تسنن برای تعدیه همین تکلیف بوجود آمده است. برخی مسائل در طول مدت از نقطه نظر سیاسی برخاسته و رنگ دینی بخود بسته است. شاید با مراجعه به کتابهای سودمندی مانند «ملل و نحل» شهرستانی بتوان به درک نکاتی که مذاهب را از نظر نفوذ جنبه‌های سیاسی یا حل مشکلات مذهبی به وجود آمده شناخت. بطور

اشک‌هایی بر ساحل نیل

از: دکتر سیدجعفر شهیدی



۱۰۶

«بر دیده من خندی کاین جاز چه می‌گیرید؟»

قاهره را نخستین بار در بهار سال ۱۳۵۰ دیدم، و یادداشت‌هایم از آن دیدار در همان سال در مجله یغما به چاپ رسید. جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر مرده و انور سادات روی کار آمده و ایران با مصر رابطه سیاسی برقرار کرده بود. از رئیس دانشکده ادبیات برای شرکت در مجمع البحوث الاسلامیه دعوت کردند و او مرا معرفی کرد و من نخستین کس از دانشگاه تهران بودم که پس از چند سال قطع رابطه، از مصر دیدن کردم.

بیست سال گذشت و سیزده سال است ایران با مصر پیوند سیاسی ندارد. هر چند در این مدت با یک دو تن از علمای الازهر و چند تن از استادان دانشگاه‌های قاهره و اسبوط مکاتبه داشته‌ام. اما نمی‌دانستم وضع آنجا چطور است. در چنین شرایط باید به قاهره بروم. چرا؟ شاید برخی از آنان که این یادداشت را می‌خوانند شنیده باشند که مرحوم دکتر محمود افشار یزدی موقوفاتی دارد، و هیأتی از شخصیت‌های علمی و سیاسی به نام شورای تولید متولیان آن هستند. برابر وصیت‌نامه درآمد این موقوفات باید صرف گسترش زبان فارسی و حفظ وحدت ملی ایران شود.

از جمله مصرف‌های آن پرداخت دو جایزه در سال بدو استاد خارجی و ایرانی است. که در راه نشر زبان فارسی مقاله‌ها نوشته و یا کتاب‌هایی تألیف کرده باشند. نخستین جایزه به آقای دکتر نذیر احمد استاد دانشگاه علیگره هند تعلق گرفت. از او دعوت شد به ایران بیاید. در آذر ماه سال هزار و سیصد و شصت و هشت در تالار علامه امینی دانشگاه تهران با حضور رئیس شورای تولید، رئیس دانشگاه تهران و معاونان دانشگاه و شمار فراوانی از استادان و شخصیت‌های علمی و علاقمندان به زبان فارسی جایزه و منشور آن به ایشان داده شد.

در سال ۱۳۶۹ جایزه استاد ایرانی به آقای دکتر غلامحسین یوسفی دانشمند محترم (که متأسفانه امروز در جمع ما نیستند) و جایزه استاد خارجی به آقای دکتر امین عبدالمجید از مصر تعلق گرفت.

کمیسرین ناظر بر اعطای جایزه‌ها بهتر دید جایزه استاد خارجی در محل اقامت وی و با حضور دیگر استادان و دانشجویان کشور او تسلیم شود، چه بدین ترتیب اثر آن بیشتر خواهد بود.

انجام این کار را به عهده این بنده واگذارند. خوب، باید به مصر بروم. در سفر پیش گرفتن ویزا از کنسولگری لزومی نداشت و در فرودگاه رخصت درآمدن به کشور را می‌دادند، ولی این سال‌ها چنین نیست چرا که همه می‌دانند پس از برفاتدان رژیم شاه و تأسیس جمهوری اسلامی، سادات رئیس جمهور وقت مصر با ایران روشی خصمانه پیش گرفت و در نتیجه رابطه دو کشور قطع شد.

چه باید کرد؟ دکتر امین را استاد بازنشسته دانشگاه قاهره می‌پنداشتم. پس چاره جز آن نبود که نامه‌ای به رئیس دانشگاه قاهره بنویسم تا هم نظر او را بخواهم و هم درخواست کنم در گرفتن ویزا اقدام کند. پاسخ این نامه چهار ماه طول کشید. باید در حاشیه بیفزایم که وضع رفت و برگشت نامه از تهران به قاهره شگفت‌آور است. یکی از علمای الازهر نامه‌ای به من نوشت و پرسید آیا در مذهب شیعه مسندهائی مانند مسند احمد بن حنبل موجود است که سند همه روایت‌ها را به پیغمبر (ص) برساند؟ پاسخ او را نوشتم. پس از هشت ماه نامه دیگری از او رسید که جواب تو را امروز دریافت کردم و می‌پنداشتم نامه من به تو نرسیده است و شگفت اینکه این نامه را ظرف پانزده روز پس از تاریخ نوشتن آن دریافت کردم.

سرانجام پس از چهار ماه انتظار نامه‌ای از رئیس دانشگاه قاهره رسید که دکتر امین عبدالمجید در دانشگاه قاهره سمتی نداشته و در دارالکتب المصریه کار می‌کرده است. دانستم پاسخ سربالا می‌دهند، و نمی‌خواهند برای خود دردسر درست کنند ولی از پا ننشستم و نامه‌ای به دارالکتب نوشتم. متأسفانه آنها هم به قول معروف از سر خود باز کردند. در این میان از برکت مجلس بزرگداشت فردوسی دو تن از استادان دانشگاه‌های قاهره به تهران آمدند: آقای دکتر عبدالنعیم حسنین و آقای دکتر سباعی.

از جناب آقای دکتر رحیمیان رئیس دانشگاه تهران خواستم به آقای دکتر عبدالنعیم حسنین که تازه بازنشسته شده حرمتی بنهد. ایشان هم بزرگواری کردند و در حضور همه استادان خارجی و داخلی هدیه‌ای بدو داده شد و چنانکه دانستم این بزرگداشت اثری مطلوب در دانشگاه‌های قاهره نهاد.

دکتر سباعی رئیس مرکز دراسات شرقی که جزء دعوت شدگان بود گفت دکتر امین در دانشگاه عین شمس تدریس می‌کرد و استاد من بوده است. من به عهده می‌گیرم این مجلس را تشکیل بدهم. نامه‌ای به من و به رئیس دانشگاه عین شمس در این باره بنویس. نامه‌ها را نوشتم و فرستادم. در این میان شنیدم آقای نامق حافظ منافع مصر به ایران آمده و در مهمانخانه استقلال اقامت دارد. به دیدن او رفتم و ماجرا را به وی گفتم. با خوشروئی پذیرفت و قول داد برای ما درخواست ویزا کنند. من ماه شوال را برای رفتن به قاهره تعیین کردم. نامه از دانشگاه عین شمس و مرکز دراسات شرقی رسید که در ماه شوال آماده دیدار شما و تشکیل مجلس بزرگداشت دکتر امین هستیم. لیکن سفر مکه موجب شد نتوانم در ماه شوال به قاهره بروم. بار دیگر به آقای طلعت نصر نفر دوم سفارت مصر متوسل شدم. حالا دیگر حافظ منافع از مهمانخانه بیرون آمده و در خیابان شیراز جایی گرفته است. آقای نصر با خوشروئی از سفر من استقبال کرد ولی گفت باید برای شما از وزارت خارجه ویزا بخواهم و مدتی طول می‌کشد. قرار بود با آقای دکتر جزایری معاون وزارت بهداشت و درمان و نائب رئیس شورای موقوفات دکتر افشار برویم. سه چهار



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

شیخ الازهر گفت: ما مردم ایران و فرهنگ ایران را محترم می‌شمایم. پس از انقلابی که در آن کشور رخ داد به شما چشم امید دوخته بودیم اما شما در آغاز انقلابتان گفتید همه مذهب‌های اسلامی باید از میان بروند و مذهب شیعه جای آنرا بگیرد. با تعجب پرسیدم چه کسی این مطلب را به شما گفته است. پاسخ داد: مگر معنی تصدیر الثورة (صدور انقلاب) جز اینست؟ مگر شما نمی‌گوئید همه مسلمانان باید مذهب ما را بپذیرند و شیعه شوند؟ گفتیم شیخنا درست است که ما شیعه مذهب هستیم، اما هیچ‌گاه نگفته‌ایم مقصود از انقلاب ما اینست که شما دست از مذهب خود بردارید و شیعه شوید

نه هزار جلد کتاب فراهم کرده‌ایم. ولی این‌بار که به دیدن کتابخانه رفتیم. سخت متأثر شدم چه کتابخانه‌ای؟! در سالهایی که با مصر رابطه نداشته‌ایم محل کتابخانه که گویا اجاره‌ای بود به صاحبش واگذار شده و طبعاً او هم مفت خود دانسته که آنجا را چند برابر اجاره دهد. چنانکه شنیدم کتاب‌ها مدتی در کارتن و گونی در انبار گرد و خاک می‌خورده. مثلی است معروف «مال دیدار صاحب می‌خواهد» وقتی این کتاب‌ها یا محل سفارت و یا اموال سفارت به دست سرایه‌دار محلی باشد. بهتر از این محافظت نمی‌شود. باز خدا پدرش را بیامزد کتاب‌ها را به عنوان کاغذ پاره نفروخته یا دور نریخته است! اخیراً که بچه‌ها اندکی آب شده یا از ضخامت لایه آن کاسته است و حافظ منافعی زبان‌دان و تحصیل کرده بدانجا رفته، اطاقی در زیرزمین سفارت برای کتابخانه معین کرده‌اند و آقای دکتر صادق را که ایرانی است و هفت هشت سال است در قاهره به سر می‌برد از دانشگاه الازهر دکترا در ادبیات فارسی گرفته به نگهداری کتاب‌ها و مرتب کردن آن گمارده‌اند.

مجموع کتاب‌هایی که دیدم به دو هزار و پانصد جلد می‌رسید، اما چه فایده که نه استاد و نه دانشجوی مصری به خود جرات نمی‌دهند برای مطالعه به سفارت بیایند و باز این طبیعی است که مأموران محلی به چنین مراجعه‌کنندگان با شک و تردید بنگرند. آنچنانکه در فرودگاه به من می‌نگریستند و باز طبیعی است که حافظ منافع ما از مراجعه مستقیم آنان به کتابخانه دریغ ورزد.

در یادداشت‌های بیست سال پیش نوشتیم - مردم مصر با ما دوستاند بلکه ما را از خود می‌دانند. در این سفر هم دانستم رفتار مردم همچنان است که بود و حساب مأموران دولتی از آنان جداست.

در همین سفر بدیدن آقای علی‌الدین هلال رئیس بخش سیاسی دانشگاه قاهره نائل شدم. هیچ‌گاه او را ندیده بودم ولی چنان با گرمی با من برخورد کرد که گوئی سال‌هاست دوستیم و از هم جدا افتاده‌ایم. ضمن سخن گفت شما دانشگاهیان می‌آیید و میان خود و مردم رابطه برقرار می‌کنید و ما سیاستمدارها رشته‌های شما را پنبه می‌کنیم. چرا باید چنین باشد؟ ما با شما چه اختلافی داریم؟ گفتم از شما باید پرسید. بیاد سخن فرماندار جیزه در نخستین سفرم افتادم که می‌گفت مغز متفکر جهان عرب مصر و مغز متفکر شرق اسلام ایران است. دشمنان ما می‌دانند اگر ما با هم باشیم کشورهای اسلامی را نجات می‌دهیم بدین‌رو می‌کوشند میان ما اختلاف بیندازند. متأسفانه من بینش سیاسی ندارم و نمی‌دانم چه باید کرد. آن اندازه که به کار من مربوط است اینست که می‌دانم سال‌های پیش از انقلاب سالانه عده‌ای از استادان و دانشجویان مصری به ایران می‌آمدند و در مدت یک‌ماه توقف یا بیشتر از یک‌ماه، با استادان فارسی، نشریه‌های روز، کتاب‌های تازه منتشر شده، آشنا می‌شدند. هریک از این مهمانان در بازگشت به مصر تحقیق در قسمتی از زبان و ادب ما را عهده‌دار می‌شد و کتاب یا مقاله در این‌باره منتشر می‌کرد.

تقریباً از چهل و پنج سال پیش تا پیروزی انقلاب دانشجویان مصری به ایران می‌آمدند و در بخش فارسی مخصوص دانشجویان خارجی درس می‌خواندند و پس از گرفتن مدرک دکترا در دانشگاه‌های قاهره، عین شمس یا اسکندریه به تدریس می‌پرداختند. اینان به حقیقت سفیرهای فرهنگی و معنوی ما در آن کشورند.

سی سال بیشتر است که این بنده در کنار همکارانم این دانشجویان را می‌پرورانیم و حالا می‌بینیم مصداق شعر سراینده طوس شده‌ایم که:

چو بر باد دادند رنج مرا

نبد حاصلی سی و پنج مرا

در سال ۱۳۲۸ وزیر خارجه وقت می‌خواست استاد بزرگوار آقای محیط طباطبائی را به عنوان رایزن فرهنگی به هند بفرستد. برای بزرگداشت و معرفی ایشان به احراز این سمت. جلسه‌ای در تالار فرهنگستان مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) تشکیل شد. تصادفاً این بنده هم در آن مجلس بودم. وزیر خارجه گفت همکاران من می‌گویند فلائی حالا که وزیر خارجه شده به جای دیپلمات معلم می‌فرستد. لابد اگر وزیر جنگ شود به جای توپ و تانک کتاب وارد می‌کند. سپس افزود همین‌طور است. «آقایان! ما نه در صنعت می‌توانیم با کشورهای پیش‌رفته رقابت کنیم نه در سیاست. آنچه بدان می‌نازیم و دیگر کشورها به خاطر آن به ما حرمت می‌نهند فرهنگ و ادب ماست.» بنده نمی‌دانم آقایان سخن ایشان را درست می‌دانند یا نه؟! اینقدر می‌دانم در این سی سال که به برخی کشورهای آسیائی و اروپائی سفر کردم، پروده‌های دانشگاه تهران را می‌دیدم که هریک در رشته‌ای از تمدن و فرهنگ ما مشغول تحقیق‌اند و آثاری ارزنده منتشر کرده‌اند و همین

هفته منتظر شدیم و آقای طلعت نصر پی‌درپی معذرت می‌خواست که هیچ‌گونه مشکلی در کار نیست جز کندی کار در اداره‌های دولتی مصر و راست می‌گفت چه از بیش با این کندکاری آشنا بودم - سرانجام ویزا رسید ولی آقای دکتر جزایری به عللی از سفر منصرف شدند و بنده به تنهایی روانه قاهره شدم.

از تهران آقای ملکی به آقای محمدی حافظ منافع کشور ما سفارش کرده بودند به فرودگاه بیایند تا اگر مشکلی پیش آمد بکشایند. پس از یکشب توقف در دبی به قاهره رسیدم. و آقای محمدی و آقای عارف‌نیا را در فرودگاه منتظر دیدم. انتظار داشتم مأموران گمرک مانند نخستین سفرم با من روبرو شوند. متأسفانه به محض رسیدن به سالن گمرک دانستم وضع غیر از آنست که می‌پنداشتم.

اگر کسی از خوانندگان این یادداشت، آنچه را بیست سال پیش در صفحه ۲۰۹ شماره چهار مجله یغما سال ۱۳۵۰ نوشته‌ام، خوانده باشد و با آنچه می‌نویسم مقایسه کند می‌داند مقصودم از تغییر وضع چیست.

آنچه در آن مجله نوشتیم این بود که: مأموران فرودگاه قاهره با مهربانی توام با احترام با من روبرو شدند و سبب آن دو چیز بود: یکی شغل معلمی و دیگری ایرانی بودن. به محض اینکه دانستند ایرانی هستم گفتند خوش آمدید. امیدواریم قاره را بیسندید و در این جا به شما خوش بگذرد.

ولی این‌بار که آقای محمدی و عارف‌نیا قبول زحمت کرده و به فرودگاه آمده بودند، حدود نیم ساعت بیشتر معطل شدیم. قیافه‌های پر از شک و تردید پاسبانان و مأموران فرودگاه را می‌دیدم و تعجب می‌کردم. خدایا چه شده است. آقای عارف‌نیا از این میز به آن میز و از این اطاق به آن اطاق می‌رفت و من به قول معروف جوش آورده بودم که چرا آدم و بهتر است از همین جا برگردم.

آقای محمدی مرا آرام می‌کردند که این معطلی‌ها برای همه است و معمولی است نگران مباش! البته پس از یکی دو روز توقف در قاهره و دیدار با استادان و دانشجویان و بعضی علما دانستم چنانکه ایشان گفتند این بدبینی برای مأموران دولتی زائیده وقت است و نظر مردم قاهره با من و دیگر ایرانیان همانست که بود؛ ما را دوست می‌دارند و حرمت می‌گذارند. در این چند سال که ما با مصر رابطه نداریم به خصوص در سال‌های جنگ تحمیلی وسایل ارتباط جمعی بیگانگان از ما برای آنان چهره زشتی ترسیم کرده و از طریق رادیو و روزنامه‌ها به مردم نشان داده‌اند. اثر این تبلیغات خاص مردم مصر نیست. در دومین کنگره استادان فارسی‌هند یکی از استادان افغانی از اینکه مرا زنده می‌دید، تعجب کرد و گفت ما شنیدیم شما و بیشتر استادان را کشته‌اند.

در دیداری که با شیخ‌الزهر داشتیم گفت: ما مردم ایران و فرهنگ ایران را محترم می‌شمایم. پس از انقلابی که در آن کشور رخ داد به شما چشم امید دوخته بودیم اما شما در آغاز انقلابتان گفتید همه مذهب‌های اسلامی باید از میان بروند و مذهب شیعه جای آنرا بگیرد. با تعجب پرسیدم چه کسی این مطلب را به شما گفته است. پاسخ داد: مگر معنی تصدیر الثورة (صدور انقلاب) جز اینست؟ مگر شما نمی‌گوئید همه مسلمانان باید مذهب ما را بپذیرند و شیعه شوند؟ گفتم شیخنا درست است که ما شیعه مذهب هستیم، اما هیچ‌گاه نگفته‌ایم مقصود از انقلاب ما اینست که شما دست از مذهب خود بردارید و شیعه شوید. معنی صدور انقلاب یا (تصدیر الثورة) اینست که ملت‌های مسلمان باید به ما اقتدا کنند و برابر سلطه اجنبی بایستند و آنان را از کشور خود برانند. گفت اگر «تصدیر الثورة» چنین معنایی دارد ما هم با آن موافقیم. اینست حاصل تبلیغ‌هایی که رادیوهای بیگانه شب و روز تکرار می‌کنند و ما نتوانسته‌ایم حقیقت را به درستی به این مردم بفهمانیم.

روز بعد از ورودم آقای دکتر سباعی رئیس مرکز دراسات شرقی و استاد دانشگاه عین شمس به دیدنم آمدند و قرار گذاشتیم با هم به دانشگاه عین شمس برویم تا ترتیب مجلس بزرگداشت آقای دکتر امین داده شود.

صبح روز دوم ورودم به قاهره به فکر دیدن کتابخانه‌ای که در آنجا داریم افتادیم. این کتابخانه سابقه‌ای طولانی دارد. تأسیس آن به بیش از شصت سال می‌رسد. بیست سال پیش که من آنرا دیدم چهار هزار مجلد کتاب داشت و در محلی خارج از سفارت خانه بود. استادان و دانشجویان دور از جنجال سیاسی می‌توانستند برای مطالعه به آنجا بروند. دو سال پیش از انقلاب و دوست من آقای سیدنورالدین آل علی به عنوان وابسته فرهنگی و استاد زبان فارسی به قاهره رفت و در توسعه کتابخانه کوشید و روزی به من گفت در حدود

موجب سربلندیم بود.

طبق قانون دانشگاه‌های کشورهای عربی، دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب باید علاوه بر زبان عربی یکی از سه زبان شرقی، فارسی، ترکی و یا عبری را فرا گیرند. بیست سال پیش که برای نخستین بار از کشور مصر دیدن کردم دانشجویان عموماً فارسی را بر می‌گزیدند چرا که با اسرائیل دشمن بودند و محتوای زبان فارسی از ترکی غنی‌تر بود. لیکن برابر آماری که در این سفر به دست آوردم نسبت فراگیری زبان فارسی به عبری در دانشگاه‌های مصر چنین است.

دانشگاه قاهره	زبان عبری	زبان فارسی
	۶۰ درصد	۴۰ درصد
دانشگاه عین‌شمس	۹۰ درصد	۱۰ درصد
دانشگاه الازهر	۶۰ درصد	۴۰ درصد
دانشگاه اسکندریه	۸۰ درصد	۲۰ درصد

چرا رو به فرا گرفتن عبری می‌آورند، چون از یکسو چنانکه نوشتیم پس از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی رابطه ایران با مصر بریده شد و دانشجویان و استادان از آنچه در دانشکده‌های ادبیات ما می‌گذرد بی‌اطلاع مانده‌اند و از سوی دیگر اسرائیل فضائی آماده و خالی یافت و آنرا اشغال کرد.

کتابخانه مرکز دراسات شرقی که آقای سباعی سرپرستی آنرا عهده‌دار است شش‌هزار مجلد کتاب دارد. از این رقم دو هزار مجلد آن عبری، سی و چهار مجلد فارسی و بقیه به زبان عربی یا زبان‌های دیگر است. کتاب‌های چاپ سال ۱۹۹۰ را دیدم که از اسرائیل برای آن کتابخانه فرستاده بودند. دعوت از استادان و دانشجویان هم که جای

طبق قانون دانشگاه‌های کشورهای عربی، دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب باید علاوه بر زبان عربی یکی از سه زبان شرقی، فارسی، ترکی و یا عبری را فرا گیرند. بیست سال پیش که برای نخستین بار از کشور مصر دیدن کردم دانشجویان عموماً فارسی را بر می‌گزیدند.

● **دانشجویان مصری از آنچه در دانشکده‌های ما می‌گذرد بی‌اطلاع و برخی از آنان ادبیات فارسی را با آغاز انقلاب پایان یافته می‌دانند**

خود را دارد با این در باغ سبز نشان دادن‌ها از یکسو و بی‌خبر ماندن ما از آنان و آنان از ما از سوی دیگر، اگر دانشجویی زبان فارسی با بگزیند جای شگفتی است!

روز شنبه بیست و هفتم مهر به دانشکده ادبیات دانشگاه عین شمس رفتم نخست با مدیر گروه، آقای دکتر سعید دیداری داشتیم. سپس با رئیس دانشکده آقای دکتر محمدطه جاد و به اتفاق او و دکتر سعید و دکتر صادق به دیدن رئیس دانشگاه رفتیم. رئیس دانشگاه عین شمس از اینکه استادی از ایران به مصر آمده است اظهار شادمانی کرد. لختی از ارتباط مصر و ایران از روزگاران پیش تا امروز و عظمت تمدن و فرهنگ کشورما و سهمی را که در تمدن جهانی داریم سخن گفت و افزود ما از اینکه در این چند سال از شما بی‌خبر مانده‌ایم متأسفیم و آمدن شما را به قاهره به فال نیک می‌گیریم رئیس دانشکده ادبیات گفت ما آمده‌ایم تا از شما اجازه برگزاری مجالس بزرگداشت دکترامین را بخواهم و منتظریم به ما چراغ سبزی نشان دهید. پاسخ داد به چراغ سبز نیازی نیست از جانب من سراسر سبزی است بروید و هر کاری لازمست بکنید و باز شرحی در عظمت تمدن و فرهنگ ایران و اینکه ایران کشور بزرگ اسلامی است بیان داشت. از آنجا به دفتر رئیس دانشکده برگشتیم، معلوم شد برای دیدارم با استادان مجلسی ترتیب داده است. به عنوان یادبود آرم دانشکده را به من داد. از استادان دکتر نوار رئیس سابق دانشکده، دکتر سعیدعبدالمزمّن دکتر ملکه استاد فارسی و دو سه تن از دیگر استادان بخش‌های گوناگون حضور داشتند.

روز یکشنبه بیست و هشتم مهر طبق قرار قبلی به دانشگاه عین شمس رفتم. تا با دانشجویان بخش فارسی گفتگوئی داشتم. در این مدت که رابطه ما با مصر قطع بود، دانشجویان مصری از آنچه در دانشکده‌های ما می‌گذرد بی‌اطلاع بودند. برخی از آنان ادبیات فارسی را با آغاز انقلاب پایان یافته می‌دانند. گفتار من درباره شعر پس از انقلاب بود. بدان‌ها گفتم در بیست سال اخیر شاعران تحولی در مضمون پدید آوردند. دیگر از

شعرهای پرطنطنه و طمطراق پرلفظ کم معنی اثری نیست یا کمتر اثری است. بیشتر آنچه در شعر پس از انقلاب می‌بینید مردم‌اند و اسلام، و جهاد و مبارزه با استعمار، و خون و شهادت. در این مجلس چند تن از استادان قدیمی چون دکتر عبدالنعم حسنین، دکتر ضیاد، دکتر سباعی، دکتر عفاف، دکتر سعید خانم ملکه و گروهی از دانشجویان بودند.

ساعت ۱۲/۵ به دیدن رئیس دانشکده ادبیات قاهره رفتم تا به همراهی او به ملاقات رئیس دانشگاه قاهره برویم. در آنجا مطلع شدم آقای دکتر شوقی ضیف در دانشکده ادبیات درس می‌دهند و در همان ساعت حضور دارند.

آقای دکتر ضیف را سال ۱۳۴۶ در دانشگاه عمان دیدم، استادی بزرگوار است و شناخته در جهان عرب و غیرعرب و صاحب تألیف‌های فراوان در عمان. به قدری به من محبت داشت که در سخنرانی‌هایم از آغاز تا پایان می‌نشست و مورد عنایت قرار می‌داد. تا شنید من از ایران آمده‌ام، به دفتر رئیس دانشکده آمد. متأسفانه پیرو شکسته شده بود، یکدیگر را در آغوش گرفتیم. خاطرات عمان را همچنان در ذهن داشت. در این میان خبر دادند رئیس دانشگاه آماده ملاقات است. ایشان هم نهایت محبت را نشان دادند. گفتند شما باید در باشگاه دانشگاه اقامت کرده باشید حالا که اینجا نیامده‌اید برای شما دعوت‌نامه می‌فرستم تا بار دیگر بیایید و مهمان ما باشید. اینجا هم سخن از تمدن ایران و موقعیت کنونی آن در جهان اسلام بود.

ساعت چهار بعدازظهر روز چهارشنبه اول آبان مجلس بزرگداشت آقای دکتر امین در قصر زعفران دانشگاه عین شمس تشکیل شد. خبرنگار و عکاس هم دعوت کرده بودند. استادان بخش فارسی دانشگاه‌های قاهره و گروهی از دانشجویان حاضر بودند. از سفارت ایران آقایان محمودیان و عارف‌نیا حضور داشتند. آقای محمدی برای شرکت در کنفرانس فلسطین به تهران رفته بود. نخست دکتر سعید رئیس بخش فارسی، سپس رئیس دانشگاه درباره دکتر امین و خدمات علمی او و سپس از رئیس دانشگاه تهران که عضویت شورای تولید موقوفات دکتر افشار را هم به عهده دارد، سخن گفتند یکی از استادان به معرفی بیشتری از دکتر امین پرداخت و دیگری شعری در ستایش او گفت.

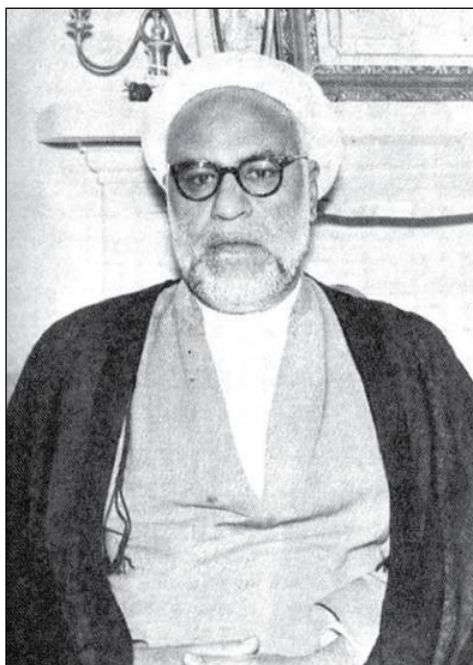
بنده هم سخنان کوتاهی درباره پیوند فرهنگی ایران و مصر، موقوفات دکتر افشار و مصرف آن و خدمات دکتر امین به زبان و ادب فارسی ایراد کردم و جایزه و منشور را به رئیس دانشگاه دادم تا به آقای دکتر امین بدهند و بدین ترتیب دیدار من از دانشگاه‌های قاهره پایان یافت.

دیداری آمیخته با شادی و غم و به تعبیر متداول یک چشم خندان و چشم دیگر گریان!

افسرده از اینکه می‌دیدم از شمار فراگیران زبان فارسی کاسته می‌شود. خرسند از اینکه دیدم هنوز هم گروهی بسیار (در حدود هشتصد تن) در دوره‌های لیسانس، فوق لیسانس و دکتری به فرا گرفتن زبان فارسی مشغولند و امید می‌رود اینان در آینده مشعل زبان و ادب فارسی را در سرزمین نیل روشن نگاهدارند.

در پایان این گزارش باید بیفزایم که آنچه نوشتیم درد دل معلمی بود که می‌بیند عمری رنج کشیده و با یاری همکارانش شاگردانی تربیت کرده و حالا ثمر کشته او را دیگران برمی‌دارند.

چند شب پیش در تلویزیون دیدم و شنیدم جناب آقای هاشمی رئیس جمهور محترم درباره گسترش زبان فارسی در خارج کشور توصیه فرمودند، خواستم به مسئولان محترم تذکر دهم تا آنجا که ممکن است مصر را هم از یاد نبرند.



۱۳۷۰/۹/۵

راشد از زبان راشد

۱۰۹

آنچه به نظرم برای مردم مفید می آید بگویم. منبر خود را آلت دست هیچ کس و وسیله اجرای هیچ غرضی جز ارشاد و نصیحت مردم قرار ندادم. در منبر هرگز وارد مسائل خلاقی و مناقشات مذهبی و مطالبی که صحت آنها معلوم نیست یا به کار مردم نمی خورد نمی شوم و فقط مطالبی می گویم که در بیدار کردن فکر و نیرو دادن به عقل مردم و تهذیب اخلاق و اصلاح اعمال آنها مفید باشد و آنها را به مصالح ملی و اجتماعی متوجه سازد. منبر خود را از حیث کمیت نیز محدود کرده و کم منبر می روم و معتقدم که سخن وقتی بسیار گفته شد کم اثر می شود.

آثار قلمی اینجانب عبارت است از چند رساله در مباحث اصول مانند مبحث مشتق و مبحث طلب و اراده و مبحث حجیت خبر واحد و مبحث حجیت به ظواهر قرآن و مبحث استصحاب و برائت که در زمان اشتغال به تحصیل به عربی نوشته ام و چاپ نشده است. دیگر کتابی به نام «دو فیلسوف شرق و غرب» که در شرح نظریه حرکت در جوهر منسوب به صدرالمتهلین شیرازی و نظریه نسبی بودن حقایق منسوب به انیشتین نوشته ام و در سال ۱۳۱۸ در تهران چاپ شده است. دیگر پاره ای مقالات که در سالهای قبل از جنگ در روزنامه ها و مجلات تهران یعنی روزنامه اطلاعات و ایران و مجله مهر و مجله شهربانی و مجله ایران امروز می نوشتم.

دیگر سخنرانیهایی که از اواخر سال ۱۳۲۰ به این طرف در رادیو تهران کرده ام و تاکنون یکصد و پنجاه و دو تا از آنها در پنج مجلد چاپ شده و یکصد و سی تای دیگر باقی است که هنوز چاپ نشده است.

تفسیری هم بر قرآن مجید به زبان فارسی در دست تألیف دارم که نمی دانم موفق به اتمامش خواهم شد یا نه. مشاغل علمی اینجانب فعلاً عبارت است از هفته ای شش ساعت درس که در دانشکده معقول و منقول می گویم سه ساعت فقه و سه ساعت فلسفه و هفته ای یک درس خطابه که در مدرسه عالی سپهسالار برای طلاب و محصلین می گویم و بعضی درسهای آزاد که گاهی برای طلاب و محصلین از فلسفه یا فقه می گویم.

آقا حسین قمی که آن هم خارج اصول بود و یک دوره به درس مرحوم آقا میرزاهمدی اصفهانی که خارج اصول بود با معارف حاضر شدم و بسیاری از مباحث اصول را نوشتم. علاوه بر آنها کتاب شرح اشارات را در فلسفه قدیم که متن آن تألیف ابن سینا و شرحش از خواجه نصیرالدین طوسی است با قسمت امور عامه کتاب اسفار تألیف صدرالمتهلین شیرازی در نزد مرحوم آقابزرگ شهیدی خواندم و متن اشارات را از حفظ کردم.

در مدت این ده سال که در مشهد بودم به مطالعات خارج از برنامه درسی خیلی پرداختم و غالب کتب اجتماعی و تاریخی و ادبی را که در مصر با ایران تألیف یا ترجمه شده بود خواندم و بر افکار عصر حاضر خوب مطلع شدم. این چنین در تاریخ ادیان و مذاهب و مباحثات و مجادلات دینی مطالعاتی کافی کردم و چون در تمام آن مدت آنچه را می خواندم می نوشتم و برای طلاب دوره های بعد از خود درس می گفتم، زبانم به گفتن و قلمم به نوشتن باز شده بود.

پس از آن مدت به نجف مشرف شدم که در آنجا بمانم و مدت چند ماهی نیز اقامت کردم و به درس اصول مرحوم آقامیرزا حسین نائینی و درس فقه مرحوم آقاسیدابوالحسن اصفهانی حاضر می شدم لیکن به علت کسالت شدیدی که عارض شد و عوارض هنوز هم باقی است ناچار شدم به ایران برگردم. پس از مراجعت به ایران و طی دوره نقاهت در سن بیست و هشت سالگی که برای تغییر آب و هوا به اصفهان و شیراز مسافرت کرده بودم در سال ۱۳۱۲ در شیراز به منبر رفتم و از آن تاریخ زندگی منبری اینجانب آغاز می شود. نزدیک به یک سال و نیم در شیراز و نزدیک به سه سال در اصفهان بودم و اکنون آن که مرتکب جرمی شده باشم چند ماهی مرا زندانی و پس از آن از شغل خود محروم کردند و در اثر فشار زیادی که بر اینجانب وارد شد مبتلا به یک نوع کسالت عصبی گشتم بنام «پیلپسی» که همچنان باقی است و این مرض نشاط مرا خیلی کم کرد و به قوه حافظه ام زیان وارد آورد و بسیاری از محفوظات مرا از میان برد.

در منبر از روش هیچ کس تقلید نکردم و فقط با نهایت سادگی و صراحت بیان بدون پیرایه سعی می کنم

اینجانب که نامم «حسینعلی» و نام خانوادگی «راشد» است در روز دوم تیر از سال ۱۲۸۴ شمسی در شهرستان تربت حیدریه متولد شده ام. پدرم مرحوم حاج شیخ عباس تربتی مردی به تمام معنا روحانی و بسیار زاهد و پرهیزگار و زحمتکش بود. برای امرار معاش با دست خود زراعت می کرد و با این حال همه عمر در مقام ارشاد مردم می کوشید و در تعلیم و تربیت آنها و رسیدگی به حوائج خصوصی و عمومی دقیقه ای فروگذار نمی کرد.

مرا در سن شش سال و چند ماهگی در شهر تربت به مکتب گذاشت و خودش نیز شخصا به کار درس و تربیت اینجانب رسیدگی می کرد. چون هوش و حافظه ام قوی بود در ظرف چهارماه، تمام قرآن مجید را با قرائت صحیح فرا گرفتم و بسیاری از سوره ها را از حفظ کردم. درست یکسال که از آغاز مکتب رفتنم گذشت کتاب نصاب صبیان می خواندم و در اثر کتابهای فارسی متعددی که در ظرف هشت ماه خوانده بودم، سواد فارسی اینجانب پس از یک سال به طوری خوب شده بود که هر نوع کتاب فارسی را به روانی می خواندم و در نوشتن غلط املائی کم داشتم.

تا سن چهارده سالگی در تربت مشغول تحصیل بودم و در آن مدت که تقریباً هفت سال می شد مقدمات عربی را که عبارت بود از نحو و صرف به طور مفصل و قسمتی از معانی بیان با عظم منطق و کتاب معالم و قسمتی از قوانین در اصول و یک مجلد از شرح لمعه را در فقه خواندم و بعضی از متون را مانند الفیه و تهذیب المنطق از حفظ کردم. علاوه بر آن به علت حافظه نیرومندی که داشتم اشعار عربی و فارسی بسیار از حفظ کرده بودم و کتب ناسخ التواریخ را بسیار می خواندم.

در این موقع فترتی پیش آمد که مدت دو سال اشتغال به تحصیل نداشتم. پس از آن در سن شانزده سالگی پدرم مرا برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس برد. ده سال تمام در مشهد مشغول بودم به تحصیل و تدریس آنچه خوانده بودم و در آن مدت سطح فقه و اصول را که عبارت بود از بقیه کتاب شرح لمعه و قسمتی از کتاب ریاض و کتاب مکاسب شیخ انصاری در فقه، و قسمتی دیگر از کتاب قوانین و قسمتی از کتاب فصول و کتاب رسائل و کفایه در اصول خواندم و دو دوره به درس مرحوم آقازاده که خارج اصول بود و یک دوره ناقص به درس مرحوم آقای حاج



۱۳۸۰/۲/۲۶

به مناسبت ۲۵ اردیبهشت، روز بزرگداشت فردوسی

پیام شاهنامه

دکتر محمد امین ریاحی

در عصر اساطیری از کیومرث تا جمشید، پادشاهان که در همان حال پهلوانان و مظهر مردم ایران‌اند، با مظاهر اهریمنی که آفات طبیعی و دیوان هستند، می‌جنگند و پیروز می‌شوند و داد و نیکی و رامش بر جهان فرمانروایی دارد. فردوسی عصر جمشید را چنین وصف می‌کند:

چنین سال سیصد همی رفت کار
ندیدند مرگ اندر آن روزگار
ز رنج و ز بدشان بُد آگهی
میان بسته دیوان بسان رهی
به فرمان مردم نهاده دو گوش
ز رامش جهان پر ز آوای نوش

آنگاه در عصر هزار ساله ضحاک، پیروزی اهریمن فرا می‌رسد. با قیام کاوه و پادشاهی فریدون باز هم نیکی پیروز می‌شود.

در دوره‌های پهلوانی نبرد ایرانیان با تورانیان و تازیان ادامه پیکار جاودانی خیر و شر است.

با اینکه شاهنامه در تمام عمر فردوسی، دست‌کم در ۳۵ سال و به دلایلی در بیش از چهل سال و بر مبنای منابع گونه‌گون سروده شده، در سراسر کتابی با این عظمت با همه تنوع حادثه‌ها و داستانها، روح و اندیشه و جهان‌بینی واحدی نمایان است. وحدت موضوعی و آرمانی و انسجام و هماهنگی و یکپارچگی در سراسر آن چنان است که گویی همه در یک روز، نه در تمام عمر شاعر از جوانی تا پیری سروده شده است.

این وحدت شگرف موضوعی و فکری حاصل نبوغ شاعر است نه مرهون منابع او. فردوسی علاوه بر منابع اصلی خود (شاهنامه ابومنصوری) از دریای بیکران داستانهای باستانی هر چه را که در چهارچوب واحد حماسه ملی می‌گنجیده، برگزیده و بقیه را رها کرده است. و از آنچه او ناگفته گذاشته، برخی را دیگران سروده‌اند و بسیاری هم از میان رفته است.

وطن پرستی در شاهنامه

مهیبت‌ترین نمود اهریمنی، هجوم انیران به سرزمین ایران، و والاترین و مقدس‌ترین وظیفه اهورایی، پایداری ایرانیان در برابر هجومهای بیگانگان و نگاهبانی آزادی و استقلال سرزمین و مردم خویش است. شاهنامه سرگذشت این پایداریها و تجلی روح ملی ایران و بیان آرمانهای جاودانی ایرانیان است. از اینجا است که در ضمیر ناخودآگاه ایرانیان جای گرفته و باگذشت هزار سال غبار کهنگی بر آن ننشسته است.

گردآوری داستانهای ملی و تدوین شاهنامه در عصر انوشیروان، به نیت تقویت همبستگی ملی و رفع پراکنده اندیشه‌ای درونی کشور و تقویت نیروی ملی در برابر خطرهای هجوم هیتالیان از شمال شرق و رومیان از غرب بود. در عصر فردوسی هم ایران از یک سودستخوش ستم و تاراج تازیان بود و از دگرسوی اقوام بیابانگرد تازه نفسی از شمال شرق به ایران می‌تاختند و شاهنامه فردوسی پیامی به مردم ایران برای برانگیختن روح پایداری در برابر این خطرها بود. این پیام در سراسر شاهنامه از آغاز تا انجام آن به گوش می‌رسد.

وقتی کاووس درهاماوران گرفتار گردید، افراسیاب لشکر به ایران کشید و از آن سوی تازیان به ایران تاختند:

ز ترکان و از دشت نیزه‌وران
ز هر سو بیامد سپاهی گران
سپاه اندر ایران پراکنده شد
زن و مرد و کودک همه بنده شد

اشاره: درباره شاهنامه که به راستی می‌توان آن را یکی از نام‌آورترین حماسه‌های جهان دانست، مطالب بسیاری نوشته شده است و بی‌اغراق جامع‌ترین تحقیق در این زمینه را آقای دکتر ریاحی از ادبای ایران و معاریف آذربایجان انجام داده‌اند که با استقبال گسترده ادب‌دوستان روبرو شده است. مقاله زیر خلاصه یکی از فصول کتاب «فردوسی» است که به همت انتشارات طرح نواز مجموعه بنیانگذاران فرهنگ امروز به چاپ رسیده است.

شاهنامه به نام خداوند جان و خرد آغاز می‌شود و این به تعبیر ادبی ادیبان براعت استهلال دارد. اینکه از صفات بیکران جمال و جلال خداوندی بر جان آفرینی و خردبخشی او تکیه می‌کند، می‌خواهد بگوید که مهمتر از هر چیزی جان است و زندگی. و زندگی باید با خردمندی توأم باشد. از اینجا است که در سراسر شاهنامه عشق به زندگی و آسایش و نیکبختی افراد انسانی و پرهیز از آزار دیگران و نفرت از جنگ و کشتار و خونریزی و ویرانگری موضوع سخن است.

زندگی انسانها و اندیشه و رفتار آنها هم باید بر پایه خرد باشد، و سرپیچی از حکم خرد مایه تیره‌روزی است. در داستانهایی که طبق منابع و حادثه‌های شگفت باورنکردنی خردناپذیر آمده، «رمز و معنی» آنها در نظر بوده است:

تو این را دروغ و فسانه مدان
به یکسان روشن زمانه مدان
ازو هر چه اندر خورد با خرد
دگر بر ره رمز و معنی برد

در داستان اکوان، دیو را چنین توجیه می‌کند:

تو مر دیو را مردم بدشناس
کسی کو ندارد ز یزدان سپاس
کسی کو گذشت از ره مردمی
ز دیوان شمر، مشمر از آدمی
خرد گر بدین گفته‌ها بگردد
مگر نیک معیش می‌نشود
گوان پهلوانی بود زورمند
به بازو ستبر و به بالا بلند
گوان خوان تو، اکوان دیوش مخوان
نه بر پهلوانی بگردد زبان؟

شاهنامه یادگار قرن چهارم، قرن اعتلای فکری و فرهنگی ایران، عصر خردگرایی و آزاداندیشی، عصر پرورش رازی و ابن سینا و بیرونی است. روزگاری که در آن اندیشیدن و خرد ورزیدن بردل‌های فرهیختگان عصر حکومت می‌کرد. جهان‌بینی روزگاری است که فرهنگ تابناک آن با سیاست محمود غزنوی به ضعف گرایید و با استیلای سلجوقیان به کلی از میان رفت.

اساس حماسه ملی ایران برنبرد جاودانی میان نیکی و بدی، روشنایی و تاریکی است. نیروهای اهریمنی بیداد و دروغ و جادو و فریب و پیمان شکنی و دژخویی و ویرانگری و مرگ و نیستی است که در وجود آفات طبیعی و دیوان و تورانیان و تازیان نمودار می‌شوند. فضیلت‌های اهورایی دادگری و مهرورزی و آشتی جویی و آبادگری و شادمانی است که در وجود پهلوانان ایران پدیدار است.



اساس حماسه ملی ایران بر نبرد جاودانی میان نیکی و بدی، و روشنایی و تاریکی است. نیروهای اهریمنی بیداد و دروغ است که در وجود آفات طبیعی و دشمنان نمودار می شود

ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

شخصیتهای داستانها باز می گوید. در پادشاهی هرمزد که ایران از همه سوی مورد هجوم بیگانگان است، موبد دستور او بیش از همه تازیان را تحقیر می کند:

ندارم به دل بیم از تازیان
که از دیدشان دیده دارد زبان
که هم مار خوارند و هم سوسمار
ندارند جنگی گه کارزار

در حمله سعد وقاص رستم پور هرمزد به برادرش چنین می نویسد:

تبه گردد این رنجهای دراز
شود ناسزا شاه گردن فراز
نه تخت و نه دیهیم بینی نه شهر
ز اختر همه تازیان راست بهر
بپوشند از ایشان گروهی سیاه
ز دیبا نهند از بر سر کلاه

(لباس سیاه اشارتی به شعار عباسیان است.)

فراموش نکنیم که فردوسی مسلمان پاک اعتقادی بود، و به خاندان رسالت (ص) مهر می ورزید، اما اعتقادات دینی او با نفرت از قومی مهاجم منافات نداشت. از یک سو خلافت عربی بغداد و ستم عمال آن دستگاه مورد نفرت همه ایرانیان بود و از دگر سوی انس حکیم با تاریخ و داستانهای سراسر جلال و شکوه باستانی کینه او را نسبت به قوم فاتح برمی انگیزد. شاید دلش می خواست که کاش ایرانیان خود بی جنگ اسلام می آوردند، و پای سعد به صورت سرداری فاتح ویرانگر به ایران نمی رسید، و جلال و شکوه باستانی از میان نمی رفت، و مردم ایران دچار آن همه خواری و گرفتار ظلم و استیلاي خلفای دمشق و بغداد نمی شدند. نامه رستم پور هرمزد به برادرش مقارن با جنگ قادسی از شاهکارهای فردوسی و آیین روح او و ایرانیان روزگار اوست. اگر هم تصور کنیم روایتی در منبع اصلی بوده که رستم نامه ای به برادرش نوشته، با صورت خلاصه ای از آن در خداینامگ بر جای مانده بود، قطعاً چنین تفصیل شاعرانه ای نداشته است. فردوسی در نامه ای که سروده در عالم خیال احساسات ایرانیان مورد هجوم را به تصور آورده، از طرف دیگر فرمانروایی بندگان و بی هنران و خونریزها و بیدادگرهای آنان و خواری و سیه روزی مردم روزگار خود را نیک نگریسته و آنگاه گذشته را با حال در آمیخته و شاهکاری جاودانی پدید آورده است.

از ایران و از ترک و از تازیان
نژادی پدید آید اندر میان
نه دهقان نه ترک و نه تازی بود
سخنها به کردار بازی بود
چنان فاش گردد غم و رنج و شور
که شادی به هنگام بهرام گور
زبان کسان از پی سود خویش
بجویند و دین اندر آرند پیش

بر کناری از نژادپرستی

امروز با نمونه های فراوانی که از وطن پرستی افراطی در اکناف جهان دیده شده و مایه خونریزیها و ویرانگریها شده است و می شود، گاهی از وطن پرستی مفهومی توأم با نژادپرستی و تعصبات جاهلانه و نفرت بی جا از هریکانه به ذهن می رسد. وطن پرستی در شاهنامه بر کنار از این الایشهاست. وطن پرستی فردوسی احساسی حکیمانه توأم با اعتدال و خردمندی و عاطفه انسانی و به کلی دور از نژادپرستی است. عشق به ایران در شاهنامه به مفهوم عشق به فرهنگ مردم ایران، و آرامش و آبادی ایران، و آزادی و آسایش مردم ایران، و برخورداری آنها از عدالت است. نفرتی که نسبت به مهاجمان هست، به سبب تبار آنها نیست؛ به سبب این است که بیگانه به ناحق و به ناخواست مردم به این سرزمین هجوم آورده، و چون با فرهنگ مردم بیگانه است و از محبت و پشتیبانی مردم محروم است، ناچار با خونریزی و بیدادگری و ویران سازی فرمان می راند. نفرت از مهاجم به مفهوم نفرت از ظلم است. نفرت از ضحاک و افراسیاب، نفرت از بیدادگرهای آنهاست، و ستایش کین خواهی ایرانیان، ستایش اجرای عدالت است؛ مثلاً وقتی که اردشیر بابکان از کرم هفتواد شکست می خورد و می گریزد به دو جوان ایرانی می رسد که به او می گویند:

به آواز گفتند کای سرفراز
غم و شادمانی نماند دراز
نگه کن که ضحاک بیدادگر
چه آورد از آن تخت شاهی به سر
هم افراسیاب آن بداندیش مرد
کزو بد دل شهپریان به درد
سکندر که آمد بر این روزگار

ایرانیان شوریده بخت روی به زابلستان نهادند و پیام به رستم فرستادند:

که ما را ز بدها تو باشی پناه
چو گم شد کنون فر کاووس شاه
دریغ است ایران که ویران شود
کنام پلنگان و شیران شود
همه جای جنگی سواران بُدی
نشستنگه شهپریان بُدی
کنون جای سختی و جای بلاست
نشستنگه تیز چنگ اژدهاست
کنون چاره ای باید انداختن
دل خویش از رنج پرداختن

رستم که مظهر نیروی پایداری ایران در برابر انیران بود، مهاجمان را تار و مار کرد و ایرانیان را نجات داد. بعد از آن هم تا پایان عمر نگهبان ایران بود. حتی وقتی پسرش سهراب به تورانیان پیوست (اگر چه هدفش از میان بردن افراسیاب خونخوار و کاووس سبکسر بود) اما به دست پدر (اگر چه ناشناخته) کشته شد.

در شاهنامه هجوم های سه قوم تازی، رومی و تورانی به ایران را می خوانیم. نخستین و باز پسین دشمنان تازیاند که با چیرگی هزار ساله ضحاک، جنگ کاووس با شاه هاماوران (=حمیر)، حمله شعیب قتیب در عهد داراب، و حمله طایر عرب در عهد شاپور اول و شکست نهایی ایران در عصر یزدگرد بیان می شود. دومین دشمن رومیانند که کینه آنها از سلم پسر فریدون آغاز می شود و با حمله اسکندر و کشته شدن دارا (=داریوش سوم) اوج می گیرد، و در دوره تاریخی ساسانیان در جنگهای شاپور ذوالاکتاف و نوشیروان و هرمز و خسرو پرویز ادامه می یابد تا به جنگ قادسی می رسد. فردوسی داستان اسکندر را که بر مبنای ترجمه ای از «اسکندرنامه» کالستینس دروغین در «شاهنامه ابومنصوری» گنجانیده شده بود، ناچار به ملاحظه جانب امانت در شاهنامه آورده است؛ اما نفرت ایرانیان را از آن مهاجم که گجستگ (یعنی ملعون) نامیده می شد، ناگفته نگذاشته است. خسرو پرویز ضمن نامه ای در بیان سابقه دشمنی های رومیان با ایرانیان می نویسد:

نخست اندر آیم ز سلم بزرگ
ز اسکندر آن کینه ور پیر گزرگ
از زبان بهرام گور می خوانیم:

بدانگه که اسکندر آمد ز روم
به ایران و، ویران شد این مرز و بوم
کجا ناجوانمرد بود و درشت
چو سی و شش از شهر یاران بکشت
لب خسروان پر ز نفرین اوست
همه روی گیتی پر از کین اوست
کجا بر فریدن کنند آفرین
بر او ایست نفرین ز جویای کین

دیربازترین دشمنی و بیشترین و خونین ترین جنگهای ایرانیان با تورانیان است که با کین ایرج آغاز می شود و به خونخواهی سیاوش در عصر کیخسرو و افراسیاب پر حادثه ترین جنگها پدید می آید و به کشته شدن افراسیاب می انجامد. آنگاه جنگهای ارجاسب با گشتاسب بعد از ظهور زردشت پیش می آید. این را هم گفته این که تورانیان قبایلی آریایی بودند که هنوز تمدن شهرنشینی نیافته بودند. ساکنان آسیای میانه پیش از میلاد زبان ایرانی داشتند. مقارن با میلاد مسیح (ع) توده های عظیم قبایل بیابانگرد از اعماق آسیای میانه و از مرزهای چین به جنوب سرازیر شدند و تاخت و تاز آنان به مرزهای ایران آغاز گردید. در دوره تاریخی شاهنامه حمله خاقان چین به ایران در عصر بهرام گور و جنگهای عصر پیروز و خسرو نوشیروان و هرمز از این تاخت و تازهاست. در عصر فردوسی هجومهای ترکان خلخ از سرزمینهایی که در روزگار گذشته سرزمین تورانیان بود، سبب شده است که ترک و تورانی معنی واحدی یافته است. در پادشاهی گشتاسب و جنگهای مذهبی او با ارجاسب (که به گواهی نامش آریایی بوده)، بارها خلخ جزو توران ذکر شده است. از آن جمله اسفندیار می گوید:

نه ارجاسب مانم، نه خاقان چین
نه کهرم، نه خلخ، نه توران زمین

از تورانیان که بگذریم، تازیان در شاهنامه منفورترین دشمنان ایران شمرده شده اند. با اینکه وجود حکیم فردوسی سرشته از مهر و نیکی است، همه جا در شاهنامه خشم و نفرت از آن قوم پدیدار است. و این انعکاس احساسات ایرانیان عصر او نسبت به استیلاي تازیان است. داستان ظلم هزارساله ضحاک بیان همین خشم و نفرت است. هنر بزرگ فردوسی از مصلحت بینی او در این است که به ملاحظه تعصبات عصر همه جا این احساسات را از زبان

میان برادر به دو نیم کرد
چنان سنگدل ناهشیوار مرد
خواننده شاهنامه به همان سان که به کاوه و رستم و سهراب و سیاوش و اسفندیار
و فریدون و کیخسرو و گودرز مهر می‌ورزد، با اغریث و جریره و پیران و یسه تورانی نیز
احساس همدلی می‌کند. فردوسی صفات ستودنی را منحصر به ایرانیان نمی‌داند. هر جا
در دشمنان ایران هم هنری و فضیلتی می‌بیند، از بیان آن باز نمی‌ایستد. زال در وصف
افراسیاب می‌گوید:

شود کوه‌آهن چو دریای آب
اگر بشنود نام افراسیاب
در میان افراد یک ملت هم فرهیختگی بهتر از نژادگی (=گوهر) است. در پرسش و
پاسخهای میان انوشیروان و وزیر خردمندش بودرجمهر (که فردوسی آن را از منبع خود
نقل کرده است) چنین می‌خوانیم:

ز دانا بپرسید پس دادگر
که: فرهنگ بهتر بود یا گهر؟
چنین داد پاسخ بدو رهنمون
که: فرهنگ باشد ز گوهر فزون
که فرهنگ آرایش جان بود
ز گوهر سخن گفتن آسان بود
گهر بی‌هنر زار و خوار است و سست
به فرهنگ باشد روان تندرست

نفرت از جنگ

با اینکه فردوسی داستان سرای جنگهاست، و بهترین وصفها را از میدانهای جنگ و
هنرنمایی جنگجویان در شاهنامه می‌خوانیم، با این همه او از جنگ و خونریزی نفرت دارد
و آن را ناگزیر و حکم سرنوشت می‌داند. حکیمی که شاهکار خود را به نام «خداوند جان و
خرد» آغاز کرده، طبعی است که قدر جان انسانها را بداند، حتی قدر جان مورچه دانه کش
را هم بداند. او در جاهای فراوان جنگ را می‌نکوهد.

پیران ویسه در گفتگو با رستم می‌گوید:

مرا آشتی بهتر آید ز جنگ
نباید گرفتن چنین کار تنگ
در جواب او از رستم می‌شنویم که:
پلنگ این شناسد که پیکار و جنگ
نه خوب است و داند همی کوه و سنگ

رستم کوشش فراوان می‌کند که اسفندیار را از جنگ با خود باز دارد. توفیق نمی‌یابد.
در آخرین لحظه‌ای که تیر گز را به سوی چشم اسفندیار رها می‌کند، خدا را گواه می‌گیرد
که این کار به دلخواه او نیست:

همی گفت کای پاک دادار هور
فزاینده دانش و فر و زور
همی بینی این پاک جان مرا
توان مرا، هم روان مرا
که چندین پیچم که اسفندیار
مگر سر بیچاند از کارزار
تو دانی به بیداد کوشد همی
همی جنگ و مردی فرو شد همی
به باد افره این گناه همی مگیر
تویی آفریننده ماه و تیر

جنگهای ایرانیان در شاهنامه، هیچ گاه به قصد کشور گشایی و تصرف سرزمین دیگران
یا تحمیل کیش و آیین خویش یا به چنگ آوردن غنایم جنگی نیست. شاهنامه، حماسه
اسکندر و چنگیز و تیمور نیست که از شرق و غرب به ایران می‌تاختند. شاهنامه حماسه
مردم ایران است در دفاع از هستی ملی و پایداری ابدی در برابر هر چه اهریمنی و انیرانی
است. از آن گذشته، کین خواهی کشتگان مظلوم هم از علل جنگهاست، چون جنگهای
فریدون و منوچهر با سلم و تور به کین خواهی ایرج، و جنگهای رستم و کیخسرو به
کین خواهی سیاوش. رستم در این باره چنین سوگند می‌خورد:

به یزدان که تا در جهان زنده‌ام
به کین سیاوش دل آگنده‌ام
بر آن تشت زریں کجا خون اوی
فرو ریخت ناکار دیده گروی
بمالید خواهم همی روی و چشم
مگر بردلم کم شود درد و خشم
و گر همچنانم بود بسته چنگ
نهاد به گردن درون پالهننگ،
به خاک اندر خوار چون گوسفند
کشندم دو بازو به خم کمند،
و گرنه من و گرز و شمشیر تیز



شاهنامه سرگذشت پادارپها و تجلی روح ملی ایران و بیان آرمانهای جاودانی آنان در نگاهی از آزادی و استقلال و مردم است

● در سراسر شاهنامه عشق به زندگی و آسایش و نیکبختی انسانها و پرهیز از آزار دیگران و نفرت از جنگ و کشتار و خونریزی و ویرانگری موضوع سخن است

بکشت آنکه بُد در جهان شهریار
برفتند و زیشان جز از نام زشت
نماند و نیابند خرم بهشت

چگونه می‌توان در پیام وطن پرستی شاهنامه نشانی از نژادگرایی یافت، در حالی که
می‌بینیم کیخسرو پادشاه آرمانی شاهنامه از یک سو نژاد تورانی دارد و مادرش فرنگیس -
دختر افراسیاب دشمن آشتی ناپذیر ایران است؟ مادر رستم - جهان پهلوان ایران - دختر
مهراب کابلی دیوزاد است که تبار از ضحاک تازی پلیدترین دشمن ایرانیان دارد و سرانجام
هم به نیرنگ همان مهراب در چاهساری جان می‌سپارد.

بلی، شاهنامه حماسه ملی مردم ایران، و ستایش ایران و ایرانیان است، و از دشمنان
ایران نفرت دارد؛ اما فردوسی هر جا در میان اقوام بیگانه نیکی و دانایی و خردمندی می‌بیند،
از بیان آن باز نمی‌ایستد. یک نمونه‌اش تصویری است که از «پیران ویسه» آفریده است.

پیران ویسه را با اینکه از تورانیان و سپهسالار دشمن است، به خردمندی و دوراندیشی
و فرزاندگی و مدارا جویی و پاکدلی و آزادگی و مردانگی و جوانمردی می‌ستاید. پیران به
سیاوش مهر می‌ورزد و موجبات ورود او را به توران زمین فراهم می‌کند و دختر افراسیاب
را برای او می‌گیرد. فرنگیس و کیخسرو و بیژن را از مرگ می‌رهاند. در دل از خونریزیها
و بیدادگریهای افراسیاب ناخشنود است. در همان حال به حکم وظیفه، به وطن و کشور و
پادشاه خود وفادار است. فردوسی چنان تصویری از پیران ویسه در پیش چشم خواننده
می‌نهد که گویی دلیری رستم و کفایت و تدبیر و لشکرآرایی گودرز و خرد و حکمت بزرگمهر
را یکجا در وجود خود جمع کرده است. سردار تورانی با خردمندی و آزادگی زندگی می‌کند،
و با مردانگی و افتخار جان می‌سپارد. در جنگ تن به تن با گودرز زخمی می‌شود و به کوه
پناه می‌برد، گودرز که هفتاد فرزندش به دست پیران جان باخته بوده‌اند، در پی او می‌رود
و به او می‌گوید: «پیرمرد، زنهار بخواه، تسلیم شو! تا تو را به نزد کیخسرو برم او تو را خواهد
بخشید.» پیران نمی‌پذیرد و کشته می‌شود.

چون چشم کیخسرو بر جنازه او افتاد:

به پیران دل شاه آن سان بسوخت
که گفتی به دلش آتشی بر فروخت

و دستور داد دخمه‌ای برای او ساختند و او را با جلال و شکوه تمام در دخمه نهادند.
اغریث برادر افراسیاب هم با اینکه تورانی است، خردمند و پاکدل و نیکاندیش است و
جان بر سر آزادگی و جوانمردی خود می‌گذارد. وقتی بعد از مرگ منوچهر، پدرش پشنگ
می‌خواهد او را به جنگ نودر به ایران بفرستد، پدر را پند می‌دهد:

اگر ما نشوریم بهتر بود
کزین شورش آشوب کشور بود

در حمله تورانیان نودر پادشاه ایران کشته می‌شود و ۱۲۰۰ تن بزرگان همراه او اسیر
می‌شوند. افراسیاب به اغریث دستور می‌دهد که اسیران بیگانه را بکشد. او نمی‌پذیرد و
می‌گوید اسیر کشی دور از جوانمردی است. اسیران را در غاری در ساری نگه می‌دارد که بعد
به دست زال آزاد می‌شوند. افراسیاب سنگدل خشمگین می‌شود و به او می‌گوید:

بفرمودمت کای برادر، بکش
که جای خرد نیست و هنگامش...



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

یکی مرغ پرورده ام خاک خورد
به گیتی مرا نیست با کس نبرد
ز مادر بزامم، بینداختی
به کوه اندرم جایگاه ساختی
نه گهواره دیدم، نه پستان، نه شهر
نه از هیچ خوشی مرا بود بهر
تورا با جهان آفرین است جنگ
که از چه سیاه و سپید است رنگ

وقتی رستم فرزندش سهراب را نمی شناسد و جگرش را می شکافد، فردوسی حیرتی اندوهبار دارد:

جهانبا، شگفتا که کردار توست
هم از تو شکسته، هم از تو درست
از این دو یکی را نجنبید مهر
خرد دور بد، مهر نمود چهر
همه بچه را باز داند ستور
چه ماهی به دریا، چه در دشت گور
ندانند همی مردم از رنج از
یکی دشمنی را ز فرزند باز

روزی که سیاوش دل آزاده ایران را ترک می کند و به توران پناه می برد، سخنان او و گله هایش از کاووس از دل پردرد فردوسی برخاسته است:

که من با جوانی خرد یافتم
به هر نیک و بد تیز بشتافتم
از آن آتش مغز شاه جهان
دل من بر افروخت اندر نهان
شبهستان او درد من شد نخست
ز خون دلم رخ بپایست شست
بپایست بر کوه آتش گذشت
مرا زار بگریست آهو به دشت
وز آن ننگ و خواری به جنگ آمدم
خرامان به جنگ نهنگ آمدم
دو کشور بدان آشتی شاد گشت
دل شاه چون تیغ پولاد گشت
نیامد همی هیچ کارش پسند
گشادن همان و همان بود بند
چو چشمش ز دیدار من گشت سیر
برسیر بوده، نباشیم دیر!

نوش زاد پسر انوشیروان آیین مادرش را دارد، مسیحی است. وقتی پادشاه بیمار می شود، او نامه ای به قیصر روم می نویسد و قیام می کند. انوشیروان به رام برزین نگهبان مداین فرمان سرکوبی شورش را می دهد؛ اما ضمن آن محبت پدری را فراموش نمی کند و دستور می دهد که نوش زاد در ایوان خود تحت نظر قرار گیرد و وسایل زندگی در اختیار او باشد:

نباید که آزار یابد تنش
شود رخنه از زخم پیراهنش
هم ایوان او به که زندان بود
هر آن کس که او را به فرمان بود
در گنج یکسر بدو در، مبند
و گر چه چنین خوار گشت ارجمند
ز پوشیدنی ها و از خوردنی
ز افگندنی، هم ز گسترده
بر او هیچ تنگی نیاید به چیز
جز این، آن سخنها نیز زد به نیز

این تدبیر و محبت پدرانه را مقایسه کنید با روش پادشاهانی که فرزندان خود را به اندک بهانه می کشتند و یا کور می کردند و این به تقلید سلاطین عثمانی بود که جز ولیعهد، همه فرزندان خود را از میان می بردند و مصالح مردم را بهانه می کردند که ممکن است آنها بعد از مرگ سلطان از جانشین قانونی او اطاعت نکنند و جنگ خانگی راه افتد و خون عده ای ریخته شود!

برانگیزم اندر جهان رستخیز
نبیند دو چشمم مگر گرد رزم
حرام است بر من می و جام و بزم
اساس این است که بیداد و بدی نباید بی کیفر بماند:

نگر تا چه گفته ست مرد خرد
که: «هر کس که بد کرد، کیفر برد»

افراسیاب سیاوش را می کشد و خود به دست پسر سیاوش کشته می شود؛ رستم سهراب را و اسفندیار را به نیرنگ می کشد، خود نیز به نیرنگ برادر در چاه جان می سپارد، آن برادر نابکار هم به تیر رستم به درخت دوخته می شود.

فریدون با تولد نوه اش منوچهر شاد می شود که انتقام ایرج را خواهد گرفت. کیخسرو به خونخواهی سیاوش با افراسیاب جنگها می کند و پیش از کشتن افراسیاب به او می گوید:

به کردار بد تیز بشتافتی
مکافات بد را بدی یافتی
کنون روز بادافره ایزدی ست
مکافات بد را، ز یزدان بدی ست

جنگهای ایرانیان همیشه برای اجرای عدالت «بادافره ایزدی» است؛ مثلاً در جنگ یازده رخ وقتی بیژن گیو با هومان ویسه در نبرد است:

به یزدان چنین گفت کای کردگار
تو دانی نهان من و آشکار
اگر داد بینی همی جنگ ما
براین کینه جستن بر، آهنگ ما
ز من مگسل امروز توش مرا
نگه دار بیدار هوش مرا

از سراسر شاهنامه برمی آید که جنگهای ایرانیان توأم با جوانمردی است. تا وقتی می توان صلح کرد، نباید دست به جنگ زد، و تا دشمن حمله نکرده، نباید به او حمله کرد. به دشمنی که تسلیم شد، نباید آزاری برسد.

هنگام پیروزی: مهربانی با اسیران، ایمن داشتن زنان و کودکان، پرهیز از ویران کردن شهرها، حرمت داشتن کشتگان دشمن آیین کارزار است. برای نمونه دستورهایی را که کیخسرو هنگام فرستادن گودرز کشودگان به جنگ یازده رخ داده، می آوریم:

نگر تا نیازی به بیداد دست
نگردانی ایوان آباد پست
به کردار بد هیچ مگشای چنگ
براندیش از دوده و نام و ننگ
کسی کو به جنگت نبندد میان
چنان ساز کز تو نبیند زیان
نگر تا نجوشی به کردار طوس
نبندی به هر کار بر پیل کوس
به هر کار با هر کسی داد کن
ز یزدان نیکی دهش یاد کن
شاهنامه، حماسه انسانی

وجود فردوسی لبریز از عواطف و احساسات لطیف و شریف انسانی است. درد همه دردمندان بر دلش سنگینی می کند: کودکان بی مادر، اسیران بی پناه، و امداران تهیدست آبرومند، پیران نیازمندی که فقر خود را از دیگران پنهان می دارند. از غم پهلوانان مورد علاقه اش غمگین است، و اگر سرنوشت آنان را به کاری ناکردنی و می دارد، خشمگین می شود و می گوید: «دل نازک از رستم آید به خشم!» مهر ورزیدن به فرزندان را وظیفه طبیعی پدر و مادر می داند، و از اینکه سام، زال نوزاد را به سبب سپیدی مویش دور می اندازد، دلتنگ است:

یکی داستان زد بر این شیر پیر
کجا کرده بد بچه را سیر شیر،
که گر من تورا خون دل دادمی
سپاس ایچ بر سرت ننهادمی،
که تو خود مرا ویژه خون دلی
دلم بگسلد گر ز من بگسلی
دد و دام بر بچه از آدمی
بسی مهربان تر ز روی زمی!

بعدها وقتی زال دل به رودابه می بندد و سام با این پیوند مخالف است، چنین گله می کند:

بیانیه جمعی از نمایندگان مجلس خبرگان رهبری در مورد مسائل کشور

اکثریت نمایندگان مجلس خبرگان رهبری در بیانیه‌ای خطاب به ملت ایران اعلام کرد که فصل الخطاب در امور رهبری است و هر گونه انحراف از راه و مواضع رهبری، انحراف از آرمان‌های انقلاب و خط اصیل امام خمینی (ره) است. به گزارش ایسنا در این بیانیه آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت بزرگ و حماسه‌ساز ایران اسلامی!

سلام علیکم

با حمد و سپاس بیکران به درگاه ایزد منان، ما جمعی از نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، حضور ۴۰ میلیونی شما مردم فهیم و انقلابی و ولایت‌مدار را در صحنه انتخابات ۲۲ خرداد ماه ۸۸ که نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی و یک همه‌پرسی در تأیید نظام جمهوری اسلامی ایران بود، ارج می‌نهیم و مواردی را با شما مردم خوب در میان می‌گذاریم. لازم می‌دانیم مراتب قدردانی و تجلیل و تکریم و تشکر خویش را از این همه شور و شعور و حضور و وظیفه‌شناسی اعلام داریم.

ولایت مطلقه فقیه، استمرار راه انبیاء و امامان است و ریشه در تفکر قرآنی و معارف اهل بیت علیه‌السلام و سابقه ممتد تاریخی از آغاز عصر غیبت کبرا تاکنون دارد.

ولایت الهی فقیه عادل، به طور ویژه بنیان نظری نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) است. اعتبار همه مناصب و مقامات حکومتی و مشروعیت تصرفات و تصمیم‌ها و اقدامات آنان در قلمرو مسائل عمومی و وظایف قانونی، ناشی از نصب مستقیم و یا غیرمستقیم و تأیید ولی فقیه است. در خصوص ریاست جمهوری هم به تصریح امام راحل و صریح اصول قانون اساسی، اگر تنفیذ انتخاب مردم از سوی ولی فقیه صورت نگیرد، ریاست جمهوری، طاغوت است و مشروعیت ندارد.

رئیس جمهوری با اعتماد و انتخاب مردم و تنفیذ رای ملت از سوی رهبری مشروعیت و اعتبار کسب می‌کند و به مثابه بازوی اجرایی ولی فقیه است. او موظف است سیاست‌ها و خط مشی دولت را بر اساس سیاست‌ها و رهنمودهای رهبری، ترسیم و اجرا کند، در غیر این صورت اعتبار شرعی و قانونی ندارد.

در این سه دهه ملت ولایت‌مدار و شهیدپرور، همواره وفاداری و پیروی از ولی فقیه واجب‌الاطاعه را در همه صحنه‌ها به نمایش گذاشته است. با تحقق گفتمان امام (ره) و رهبری، استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی پایدار شد. پس از ارتحال امام (ره) و تعیین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت برکاته از سوی خبرگان منتخب ملت به عنوان رهبری، معظم له با اقتدار و صلابت راه امام (ره) را در این دو دهه تداوم بخشیدند و رهبری شایسته و بی‌نظیری را در جهان ارائه دادند. این رهبری والا در سایه تعالیم اسلام و باورهای دینی مردم تحقق یافته است.

دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در جریان انتخابات دهم با فضا سازی رسانه‌ای و تشکیک زود هنگام در سلامت انتخابات و ایجاد التهاب سیاسی و اجتماعی و بالا بردن هیجانات و مطالبات از طریق استفاده ابزاری از انتخابات و استفاده از غفلت بعضی از نامزدهای ریاست جمهوری، با یک جنگ روانی تمام عیار وارد عمل شدند و با ادعای موهوم و شبیه به افسانه تقلب بزرگ در انتخابات که برگرفته از سناریوی انقلاب‌های مخملین بود، سعی در تخریب اذهان عمومی و ایجاد یاس و تردید در مردم کردند که با خطبه تاریخی مقام معظم رهبری در نماز جمعه ۲۹ خرداد ماه و اعتماد به نهادهای قانونی، توطئه دشمنان مثل گذشته نقش بر آب شد.

امت خداجو، با استحكام و اقتدار، پشت سر رهبر خویش برای پیشبرد اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی به راه خود ادامه خواهند داد.

بسیاری از علما و نخبگان و شخصیت‌ها و دلسوزان نظام انتظار دارند که رئیس محترم مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام که همواره با تدبیر و فراست در کنار امام و رهبری به حل مشکلات و معضلات کمک کرده‌اند، در شرایط کنونی نیز با پشتیبانی بیشتر و شفاف‌تر از ولایت فقیه و بیانات رهبری در این شرایط حساس، دشمنان اسلام و نظام و کینه‌توزان و بدخواهان و فرصت‌طلبان را در نقشه شیطانی برای آسیب به وحدت و همدلی ناکام گذارند.

از رئیس جمهوری محترم جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد که با اعتماد مجدد مردم و با اکثریت قاطع بیش از ۲۴ میلیون رای دوباره انتخاب شدند، می‌خواهیم که با تبعیت از اوامر رهبری و توجه به نصایح خیر خواهانه بزرگان دینی، اولاً بیش از گذشته با تمام توان، در ترویج دین و اخلاق و خدمت به ملت و حل مشکلات معیشتی و پیشرفت و عدالت تلاش کنند، ثانیاً از تمامی ظرفیت و توانمندی نیروهای متعهد و ولایی و متخصص و انقلابی در شرایط فعلی استفاده کرده و در جهت هماهنگی و انسجام و همکاری دولت و ملت و قوای سه گانه و سایر نهادهای عمومی و دستگاه‌های گوناگون و شخصیت‌های تاثیر گذار با جدیت بیشتر از گذشته تلاش کنند و از به کارگیری افرادی که موجب لطمه زدن به یکپارچگی دولت و حساسیت ویژه نخبگان و مردم ولایت‌مدار و دلسوزان نظام می‌شود قاطعانه بپرهیزند.

در پایان بار دیگر تأکید می‌کنیم نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه میراث گرانبستگ امام خمینی (ره) است و تنها شیوه برای حفظ راه امام و حراست از آن، حمایت از ولایت فقیه است.

تداوم انقلاب اسلامی بر پایه تمسک به ولایت فقیه و ولی فقیه واجب‌الاطاعه است. هم‌چنین اعلام می‌کنیم خط امام (ره) را باید در اندیشه و سلوک رهبری یافت. فصل الخطاب رهبری است و هر گونه انحراف از راه و مواضع رهبری انحراف از آرمان‌های انقلاب و خط اصیل امام خمینی (ره) است.

امیدواریم نخبگان جامعه در این امتحان الهی همراه صفوف یکپارچه ملت در کنار رهبری همواره در پاسداری از این ودیعه الهی و دفاع از حریم شرع مقدس و حقوق ملت و نعمت جمهوری اسلامی و ولایت فقیه مشمول تفضلات الهی و لطف و عنایت بقیه‌الله‌الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرند.

والعاقبه لاهل التقوی و البقین

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

اکثریت نمایندگان مجلس خبرگان رهبری



آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی:

برخی، دامنه اختلافات را در کشور تشدید می‌کنند

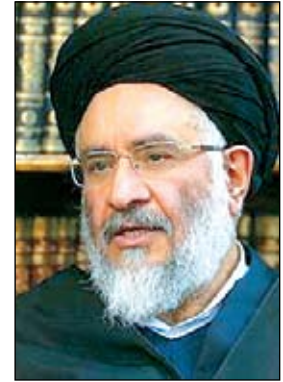
سرویس شهرستانها - آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی گفتند: برخی اشخاص به عناوین مختلف هر روز آتش اختلافات را در کشور تشدید می‌کنند. این مرجع تقلید پنجشنبه شب در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر امام رضاع (با اشاره به تحولات و مسایل اخیر کشور افزودند: این دسته افراد به جای آنکه آب بر روی آتش اختلافات بریزند و آنها را خاتمه دهند، هر روز به طرق مختلف بنزین بر روی این آتش ریخته و آنها را شعله ورتر می‌کنند.

به گزارش خبرنگار ایرنا، ایشان ادامه دادند: از این سری مسایل اخیر در کشور به عنوان فتنه و بحران یاد نمی‌کنیم، ولی این سری مسایل به نوعی نگرانی‌های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی مهم در جامعه هستند و باید با تاسی از آیات حکیمانه قرآن در جهت رفع تنگناهای جامعه اسلامی نهایت استفاده را کرد. آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی تأکید کردند: باید با الهام از آیات قرآنی سخن گفتن‌های خود را اصلاح کرد و با پرهیز از هرگونه تفرقه، اختلافات را فراموش کرده و در جهت تحکیم وحدت و همگرایی در جامعه اسلامی گام برداشت. ایشان تصریح کردند: باید ادبیات به کار گرفته شده در رسانه‌های ارتباط جمعی از قبیل روزنامه‌ها و صدا و سیما دوستانه و به دور از هرگونه تنش آفرینی و تشدید اختلافات باشد.

این مرجع تقلید با اشاره به آیات قرآن کریم اضافه کردند: با هم نزاع و علیه هم اختلاف افکنی نکنید چون این امر موجب ضعیف‌تر شدن قدرت شما خواهد شد و فکر نکنید دشمنان از این اختلاف‌ها و نزاع‌ها غافل هستند بلکه آنها از این اختلافات در جهت اهداف خود علیه شما و جامعه اسلامی سوء استفاده می‌کنند. ایشان گفتند: یکی از رجال سیاسی آمریکا به تازگی گفته است باید برای جلوگیری از خطر جمهوری اسلامی ایران، کشورهای اطراف این کشور را به بمب اتمی مجهز کنیم و در شرایطی که معاندان هر روز به طرق مختلف علیه کشور و نظام مقدس جمهوری اسلامی ما خدعه افکنی می‌کنند و از هیچ ترفندی علیه ما دریغ نمی‌کنند، مسئولان و جریان‌های سیاسی و آحاد جامعه باید با پرهیز از اختلاف افکنی که خواست اصلی دشمنان است، وحدت خود را حفظ و تحکیم بخشیده و با هم با محبت صحبت کنند.



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



* اشاره:

نامه‌ای که ملاحظه می‌شود، نوشته استاد کرسی فقه و حقوق و فلسفه، دکتر مصطفی محقق داماد است. هر چند ممکن است برخی از کلمات آن به ذائقه برخی از خوانندگان ناگوار آید، اما هنگام مطالعه کلمه کلمه باید این احساس و این امتیاز را از یاد برد که نویسنده منتقد در جایگاه دلسوزترین و آگاه‌ترین شخصیت‌های برجسته حوزه و دانشگاه است. صاحب چنین قلمی جز خیرخواهی برای اسلام و انقلاب و ملت و نظام ناشی از آن چه انگیزه‌ای می‌تواند داشته باشد؟ آمیزه‌ای از درد و درک، پشتوانه این نامه است. بنابراین آنان که به برخورداری از نعمت شرح صدر مفتخرند نه تنها لحن و لسان گاه تند و تیز این نوشته و هر نوشته دلسوزانه و خیرخواهانه‌ی مشابه را تاب می‌آورند، بلکه خود را به پیگیری و پذیرش نکته‌های ظریف مندرج در متن آن موظف خواهند دانست. «لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم». وقتی خداوند دوست دارد صدای رسای دادخواهان را هر چند جهر به سوء باشد، به طریق اولی دوست خواهد داشت زبان و قلم عالمان عدالت‌جویی را که صدایشان نه «جهر به سوء» بلکه جهر به حسن و خیر است. آیت‌الله مصطفی محقق داماد چنانکه بسیاری از خوانندگان وقوف دارند، از اهل بیت علم و دین است و همانند سایر اعضای این خانواده بزرگ، «ادری بما فی البیت» است. خوشبختانه رئیس قوه قضائیه، حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی، خود نیز همین خاستگاه و همین جایگاه والا را داراست. بنابراین، اگر نویسنده نامه در مقام امر به معروف و ناهی از منکر، داعیه‌ای جز یادآوری عدالت قضایی و جزایی ندارد، هیچ خواننده و شنونده‌ای نمی‌تواند از کلام و پیامی که به دادگستری و عدل‌پروری دعوت می‌کند استقبال نکند. در غیر این صورت به قول قویم امیرالمؤمنین (ع): «من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق». متن نامه را با هم می‌خوانیم:

حضرت آیت‌الله جناب آقای هاشمی شاهرودی ریاست محترم قوه قضائیه

باسلام و تحیات

به خاطر دارم نیمه اردیبهشت ۱۳۵۸ برای زیارت عتبات عالیات به نجف اشرف مشرف شدم. در بدو ورود مرحوم شهید آیت‌الله سید محمد باقر صدر طاب ثراه نگارنده را سرافراز فرمودند و به همراه یکی از دوستان مشترکمان به محل اقامت اینجانب تشریف فرما شدند و زیارت ایشان نصیبم شد. چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی که هرگز از خاطرم نمی‌رود. ایشان از مباحثات با ابن عثمّان امام موسی صدر، و یادداشت‌های درس مرحوم والدما، آموزگار جاودان فقهات مکتب قم «آیت‌الله سید محمد محقق داماد» و نظریات جدید مطروحه در این مکتب سخن گفتند. از استاد مرتضی مطهری که شهادتشان تازه رخداده بود و نظراتشان گفتگو به میان آمد. آنگاه ایشان خطاب به اینجانب فرمودند «این روزها آقای سید محمود هاشمی که گویی فرزند من است برای حفظ جان‌ش عراق را به قصد قم ترک کرده است و نوید دادند که ایشان می‌تواند صدیق همفکر گرانمایی برای شما باشند». من که نادیده خریدار شده بودم نخستین بار که جنابعالی را در قم زیارت کردم، درست همان یافتم که فرموده بودند. اینک به حکم ولایت دوستی، و با استفاده از حقوق شهروندی، مایلیم که بی پرده سطور زیر را به عرض برسانم:

حضرت آیت‌الله

به عقیده اینجانب بالاترین و بزرگترین ره‌آورد تحولات قرن حاضر برای بشریت معاصر قواعد جزای عمومی و آئین دادرسی کیفری است. این گفته حقوقدانان جهانی به هیچوجه گراف نیست که ارزیابی نظام قضایی و حقوقی یک جامعه بر محور قواعد جزای عمومی و آئین دادرسی کیفری و اجرای آن در جامعه دور میزند و بر همین محور باید سنجیده شود.

به موجب این گونه اصول قانونی است که اشخاص می‌دانند چه عملی جرم است تا اگر مرتکب شوند مجازات می‌شوند و اگر اجتناب کنند با خیال راحت می‌توانند در کنار خانواده با آرامش به زندگی ادامه دهند و کسی به آنان کاری ندارد؟ و در فرض ارتکاب به چه مجازاتی مجازات می‌شوند و چگونه و با چه آداب و موازینی مجازات بر آنها اجرا می‌گردد؟ و اگر متهم شدند از چه حقوقی برخوردارند و چگونه در دوران اتهام با آنان برخورد می‌شود و چگونه آنان می‌توانند دفاع کنند؟

معتقدم این نظام نامه‌ها هر چند نگارش و تنظیم آن در قرن حاضر انجام گرفته، ولی مبانی و اصول آن چنان عقلانی است که نمی‌تواند با تعلیمات راقیه اسلام متکی بر اجتهاد مفتوح شیعی منطبق نباشد. و لذا در دوران سابق مورد تأیید فقیهان بزرگ زمان خویش نظیر آیت‌الله نائینی و آیت‌الله مدرس اعلی‌الله مقامهم و خوشبختانه پس از انقلاب اسلامی مورد تأیید مراجع رسمی قرار گرفته است.

معتقدم که محور اصلی خواسته ملت ایران در انقلاب مشروطیت تحت عنوان تشکیل عدالت خانه در واقع تقنین همین اصول و موازین بوده و در انقلاب اسلامی هم، ما شاهد بودیم که یکی از انگیزه‌های خیزش مردمی نقض همین اصول در بیدادگاههای اختصاصی بود.

۱۳۸۸/۵/۱۳

نامه سرکشاده آیت‌الله دکتر محقق داماد به آیت‌الله هاشمی شاهرودی

جناب آقای هاشمی شاهرودی

تحمّل بفرمائید که به صراحت به حضورتان عرض کنم که در زمان شما، نه نظر بلکه عملاً، این رکن اساسی امنیت اجتماعی نه تنها متزلزل بلکه در ملاءعام ویران شد، و این بهای کمی نبود که ملت ایران پرداخت کرد.

توجیه شرعی نقض قواعد عمومی جزا و اصول محاکمات توسط برخی از دوستان، که فقهات آنان را اگر بپذیریم درایت و آگاهی آنان را هرگز نخواهم پذیرفت، هر چند ممکن است ارائه و بر آن اصرار شود. ولی شما مرا می‌شناسید که فرزند فقهاتم، و دیرینه این درگاهم، فقیهان واقعی را از فقیهان رسانه‌ای بخوبی تشخیص می‌دهم. با شناختی که اینجانب از جنابعالی دارم، شما از آن دسته فقیهان نیستید، و امکان ندارد که از نظر فکری بتوانید با آنانی همراه شوید که توجیه‌گر شرعی اینگونه نقض قوانینند.

سخنرانی شما در سال ۱۳۷۳ در محل کار اینجانب فرهنگستان علوم پیرامون محدوده تمسک به مصلحت ثبت و ضبط است و بعید می‌دانم که در تقلب احوال تغییر نظری برایتان حاصل شده باشد.

چند روز پیش در جلسه‌ای با حضور چند تن از مسئولان نسبتاً بالای نظام سخن از اخبار وقایع اسفبار روز و سستی که بر مردم رفته است، در میان بود. اخباری که به‌طور مستفیض و بلکه متواتر اجمالی ثبوت آن مسلم و انکار آن غیر ممکن بود، (باز هم خدا کند دروغ باشد). ناگهان یکی از ذوات محترم سکوت را شکست و با نگاهی عاقل اندر سفیه رو بمن کرد و با پوزخندی معنی‌دار گفت این اعمال که توجیه شرعی دارد!!! خدا می‌داند چنان مغز استخوانم را سوزاند که هنوز بیقرار و ناآرامم. یاد جمله حضرت مولا (ع) افتادم که فرموده است:

ولو کان امراً مسلماً مات من بعد هذا اسفا ما کان عندی ملوما بل کان عندی جدیرا.

مورخین آورده‌اند که وقتی حجاج بن یوسف ثقفی بدستور عبدالملک مروان خلیفه اموی، برای ایجاد خفقان و اسکات معترضین، همراه چند جلاّد وارد کوفه شد مستقیماً به مسجد آمد و مردم را فراخواند سپس بالای منبر رفت و اعلام داشت «هان ای مردم! نه به کودکانتان رحم می‌کنم و نه به پیرانتان! بیگناهان را به جای گناهکار مواخذه خواهم کرد و به صرف گمان تحویل جلاّدان خواهم داد(آخذ بالثمه و اقتل بالظنه)، همه این‌ها از اختیارات من است و هر چه من مصلحت بدانم عین شرع است!!!»

تفکر فوق دقیقاً همان بافته و تافته تفقه مبتنی بر کلام اشعری است که نتیجه‌اش در کتاب المستظهری غزالی به خوبی مشهود می‌گردد.

اگر خدای ناکرده قواعد عمومی جزا و اصول محاکمات رعایت نشود و یا نقض قوانین با توجیهات ضد اخلاق انسانی موجه گردد، زندگی به همین شرایط تلخ (العیاذ بالله) باز می‌گردد که مرگ بهتر از آن زندگی است.

ما که به پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و اجتهاد مفتوح مبتنی بر کلام عدلیه مبتهج و بر آن مفتخر و شاکر این نعمت بزرگ هستیم، هرگز مجاز نیستیم که در تشخیص حسن عدالت و قبح ستمگری که مردم خردمند ملتزمان خودشان به بدهت درک می‌کنند قیمومت شرعی نمائیم و تفکر آنان را تعطیل کنیم.

حضرت آیت‌الله

حضرت تعالی خدمات شگرفی در دستگاه قضایی البته که انجام داده‌اید که انکار آن ناسپاسی است، ولی با کمال تأسّف وقایعی در دوران ریاستان به خصوص در روزهای اخیر رخداد که ملت ایران طعم تلخش را هیچگاه از یاد نخواهد برد. وقایعی که چه به دست کارگزاران قوه مجریه انجام یافته باشد و چه بدست ظالمین قضایی و چه بدست دارندگان پایه قضایی همه و همه مسئولش قوه قضائیه‌ای است که شما مسئولیتش را به عهده داشتید.

حضرت آیت‌الله!

مطمئن باشید شما در راس قوه‌ای قرار داشتید که علیرغم همه ویرانی‌ها و خرابی‌ها به دلیل طبع کار و ساختار باقیمانده از پیش هنوز هم قضات شجاع، متشخص، پاکدامن و دارای وثاقت قضایی وجود دارند.

شما می‌توانستید با حمایت از استقلال قضایی بسیاری از مشکلاتی که ساعت‌ها وقت قوه مقننه را می‌گرفت و از کارهای مهمتر باز می‌داشت به آسانی حل کنید، که نکردید.

شما در حوادث اخیر می‌توانستید آمرین قانونی در هر پست و مقامی که هستند و مامورین متخلف از موازین اخلاقی را به دست قضات شریف آگاه به قوانین محاکمه کنید که لاقلاً تا امروز که واپسین روزهای ریاستان است، نکرده‌اید.

شگفتا! کار قوه قضائیه به جایی رسیده که از یکسو توسط ائمه جمعه موقتّه توصیه به بی‌رحمی شوند و حدیث شریف لا دین لمن لا رحم له را فراموش کنند و یا به «گرفتن

اعتراف!!!» مفتخر گردند و از سوی دیگر توسط ریاست قوه مجریه به رعایت اسلّامی و کرامت انسانی مورد خطاب قرار گیرند. البته بسیار خوب سفارشی بود که ایشان فرمودند - شکرالله سعیهم - ولی آیا بهتر نبود که رئیس‌جمهور دولت نهم به جای چنین خطاب بشر دوستانه به جنابعالی یا لا اقل در جنب آن، عتاب قانونی به وزیر کشورشان می‌کردند و وی را تحویل دستگاه عدالت می‌دادند؟ وزیری که تحت مسئولیت وی چنین وقایع شرم‌آوری اتفاق افتاده است مگر می‌تواند مسئول نباشد؟ آیا این نتیجه تأخیر حضرت تعالی در اقدام قضایی نیست؟

به موجب قوانین مدون مملکتی کلیه زندان‌های کشور زیر نظر قوه قضائیه اداره می‌شود، و مسئولیتش با این قوه می‌باشد. آیا بهتر نبود که قبل از صدور فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر تعطیل «زندان کهریزک»، شما خودتان دستور بازرسی صادر می‌فرمودید و چنانچه آنرا فاقد معیارهای لازم می‌دیدید مبادرت به تعطیل آن می‌کردید؟ شما آنقدر تأخیر فرمودید تا این مدخل در دائرة المعارف‌های جهانی بنام حکومت دینی ایران در کنار مدخل‌های زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب در زمان معاصر با کمال تأسّف وارد شد.

از منبع موثق شنیدیم که یکی از مراجع تقلید معاصر که از راه دور محاکمه‌ای که از سیمای ایران پخش می‌شد پیگیری می‌کردند، به همان منبع فرموده بودند که بهتر است لاقلاً این محاکمات را که ننگی است برای قضای اسلامی!! از تلویزیون پخش نشود.

عزیزانی که با زندگی صاحب این قلم آشنا نیستند می‌دانند که صراحت وی تا زنگی ندارد و سوابق اورا قی که تحت عنوان گزارش خطاب به شورای عالی قضایی وقت و یا صاحبان مناصب اجرایی نگاشته شده و در بایگانی سازمان بازرسی کل کشور علی‌القاعده موجود است، گواه و اثبات کننده این مدعاست. صاحبان مناصب اجرایی آنزمان که در عمل به گزارشات این ناصح مشفق و درخواست خالصانه وی مبنی بر اجرای صحیح قوانین را اهتمام نکردند و آنروز او را در پافشاری بر نهادینه کردن زندگی مدنی و تحت لوای قانون را یاری نمودند، امروز گرفتار کمند نقض قوانین شده‌اند. و باز هم معتقدم نقض قانون به نفع هیچکس نخواهد بود هر چه در آن تأخیر شود ظلم و ستم به همه می‌باشد.

از اینکه سخن به درازا کشید عذر می‌خواهم. آنچه عرض شد در این روزهای آخرین مسئولیت حضرت تعالی هر چند نوشداروی پس از مرگ سهراب است. ولی به هر حال این سطور شاید برای آیندگان مفید و برای شما نقطه افسوسی باشد که ایکاش در حوزه علمیه به کار تدریس و پژوهش ادامه داده بودید و هرگز به این ورطه خطیر پای نمی‌نهادید و به همان نقطه امید استاد شهید بزرگوارتان واصل می‌شدید.

عریضه را با بیتی از غزل خواجه شیراز به آخر می‌برم:

به قد و چهره هر آنکوه ماه مجلس شد

جهان بگیرد اگر دادگستری داند

سید مصطفی محقق داماد - ۱۱ مرداد ۸۸

۱۳۸۸/۵/۲۵

بر کناری و مجازات ۱۲ مامور و قاضی متخلف پرونده بازداشتگاه کهریزک

رئیس کمیته حقیقت‌یاب مجلس برای پیگیری وضع بازداشت‌شدگان اخیر از برخورد قضایی با ۱۲ پرسنل نیروی انتظامی و قاضی متخلف در برخورد با بازداشتی‌ها و تشکیل پرونده قضایی برای آنان در خصوص موضوع بازداشتگاه کهریزک خبر داد. پرویز سروری در گفتگو با مهر با اشاره به تلاش‌های کمیته حقیقت‌یاب مجلس در بررسی وضع بازداشت‌شدگان حوادث بعد از انتخابات اظهار داشت: اعضای این کمیته با بازداشت‌شدگان، کسانی که آزاد شدند، مسئولان بازداشتگاه‌ها و قضات دیدارهایی داشته‌اند.

وی خاطرنشان کرد: نتیجه این دیدارها منجر به برکناری تقریباً همه کسانی شد که در بازداشتگاه کهریزک مسئولیت داشته‌اند. به گفته سروری تاکنون نیروی انتظامی ۱۲ نفر از نیروهای خود را که در این قضایا تخلف داشته‌اند برکنار کرده و نتیجه این برخوردها در سایت نیروی انتظامی هم منتشر شده است.

این نماینده مجلس، تعلیق خدمت برخی از قضات، برخورد انضباطی، زندان و تشکیل پرونده قضایی و محاکمه و ارجاع به سیستم قضایی را از جمله مجازات کسانی خواند که در مورد بازداشتی‌ها دچار تخلف از قانون شده‌اند.

سروری تأکید کرد: همه این موارد در پی اقدامات گسترده کمیته حقیقت‌یاب انجام شده است. نماینده تهران گفت: اعضای کمیته به زودی در نشست خبری، گزارشی از پیگیری‌های خود را درباره وضع بازداشت‌شدگان اخیر به خبرنگاران ارائه خواهند کرد.

رئیس کمیته حقیقت‌یاب مجلس همچنین از بازدید اعضای این کمیته از بازداشتگاه کهریزک خبر داد و خاطرنشان کرد: این محل از استانداردهای لازم برای نگهداری بازداشتی‌ها برخوردار نبود.

وی افزود: معمولاً افراد شرور و اوباش با توجه به اقدامات خلاف شئونی که انجام می‌دادند در این بازداشتگاه نگهداری می‌شدند و این محل به هیچ عنوان در شأن کسانی که در اعتراض‌های خیابانی اخیر بازداشت شدند، نبوده است.

سروری تأکید کرد: آن قاضی که دستور انتقال بازداشتی‌ها را به بازداشتگاه کهریزک داده هم متخلف است و با وی برخورد خواهد شد. وی ادامه داد: این بازداشتگاه از استانداردهای بهداشتی لازم و امکانات تغذیه مناسب برخوردار نبود و مکان و نوع امکانات نامناسب دست در دست هم داد تا فضای نامطلوبی ایجاد شود و از این رو با دستور مقام معظم رهبری، برای بستن آن اقدام شد.



۱۳۸۸/۵/۲۵



برای من ای مهربان چراغ یاور و درخشان...

در باب دموکراسی و عدالت و بستر تربیتی اش

آن سوی کتاب؟!!

به یاد ندارم که متن این بیانیه را چگونه یادداشت کرده‌ام. اما به یاد دارم که روزی از روزهای موج و متلاطم انقلاب (۵۶-۵۷)، بیانیه‌ای را که به نام استاد مطهری منتشر شده بود، کلمه به کلمه با دقت می‌خواندم و در دفتری که همراه داشتم یادداشت می‌کردم. نباید فراموش کنیم که در صدر همه شعارها و در دست در کنار اصول اساسی «استقلال» و «جمهوری اسلامی»، از واژه‌های آزادی و دموکراسی هم بهره می‌برده‌ایم. بیانیه‌های آن روزگار را نه یک‌بار بلکه ده‌ها بار باید به یاد آورد. و باید باز خوانی کرد متن یا مضمون آنچه را در سال پنجاه و هفت شمسی می‌گفته و می‌نوشته‌ایم. - «در این روزها که نهضت ملت مسلمان به رهبری روحانیت شجاع و بیدار به مرحله تازه‌ای گام نهاده، اندک‌اندک جای شایسته خود را در میان نهضت‌های آزادی‌خواهانه و عدالت‌خواهانه جهان باز می‌کند. ملت ایران در هفتاد و اندی سال پیش که از استبداد به ستوه آمده بود، به رهبری روحانیونی آگاه و مجاهد و پایمردی مجاهدین مسلمان کوشش کرد رژیم آزادی و دموکراسی را در ایران برقرار سازد، ولی این دولت مستعجل بود و کودتای ۱۲۹۹ که با کودتای ۱۳۳۲ تأکید شد، بساط آزادی و دموکراسی را برچید. اگر آزادی و دموکراسی محفوظ می‌ماند، ملت ایران امروز در ردیف مترقی‌ترین کشورهای جهان بود.»

استاد پس از آن، در مقام تبیین و تعلیل انقلاب سال «۵۶-۵۷» شمسی گفته بود: «اختناق سیاسی و اجتماعی و محرومیت از آزادی و مشارکت در تعیین سرنوشت خود، یکی از موجبات خشم و نفرت این مردم است». آنگاه هدف‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران را بر شمرده و از جمله به این نکات اشاره کرده بود: «برچیده شدن دستگاه استبدادی پهلوی، برقراری نظام دموکراسی بر طبق موازین اسلامی، رسیدن به آزادی که شرط اصلی رشد و تکامل انسانی و اجتماعی است، اتم از آزادی بیان و آزادی قلم و آزادی اجتماعات، همراه با امنیت واقعی قضایی و اجتماعی، بدون دخالت‌ها و مزاحمت‌های رنگارنگ دستگاه‌های انتظامی. اجرای برنامه اقتصادی براساس مبارزه صادقانه با فواصل طبقاتی، بالابردن سطح تولیدات کشاورزی، صنعتی کردن کشور با برنامه صحیح، جلوگیری از اسراف و تبذیر بودجه عمومی به عناوین مختلف، به منظور رسیدن به استقلال اقتصادی، پایان دادن به وابستگی اقتصادی و اقتصاد مصرفی کنونی...»

راستی چه شده است که حالا برخی از واژه‌ها برای ما غریبه شده است؟ آیا ده‌ها و صدها مقاله و کتاب نوشته می‌شود تا دموکراسی را ضد دین و ضد دینداری معرفی کنند؟ تاریخچه‌های یونانی زده و غرب زده و کفر زده یا به عبارت دیگر اسناد یونانی زادگی و غرب زادگی و کفر زادگی و حرام زادگی دموکراسی را به عالم و آدم نشان دهند؟! تا حتی واژه غریبه و غرض‌ورز و غیظ‌آفرین آزادی را رسوای خاص و عام سازند؟! و اینهمه برای چیست؟ برای آن که گفته شود ادبیات روزهای انقلاب، ادبیات رودرواسی (رودربایستی) در برابر دنیای مدرن بوده و آنهمه حرف و حدیث‌های شفاهی و کتبی انقلابیون فقط از باب «الزام خصم» و «الزام بمایلزم به نفسه» به کار گرفته می‌شده است؟ برای ساکت کردن موقت بیگانگان بوده، نه برای ادای وظیفه دینی و ملی و اعتقادی و قلبی خویش؟! واقعا؟

اگر واقعا چنین است پس چرا آن را صریح‌تر و صادقانه‌تر نباید گفت؟ اگر در پشت کتاب شرع و در پشت اوراق کتاب قانون حرف و حدیث دیگری نوشته شده است (!)، چرا نباید آنرا با صدای بلند قرائت کرد؟ نشنیده‌اید سخنان آن روز امام خمینی را که به طنز تاریخ اشاره کرد و از خاطره عبرت‌انگیز جوانمردی سخن گفت که در محضر یکی از علمای در حال قرائت قرآن ناگهان پرسید: آقا! در آن طرف کتاب شما چه چیزی نوشته شده است؟ آن را برای ما هم بخوانید، تا اگر خدای ناکرده فردای قیامتی در کار نیست و در آن طرف مرز دنیا دیگر خبری نیست، ما هم کارهایمان را با خیال راحت انجام دهیم! مرحوم دکتر شریعتی سخن طنزآمیز دیگری را به آن پرسشگر نسبت داده است. پرسشگر گفته است: «پیششید، جسارت است، اگر فردا حسابی و کتابی یا عذابی و عقابی وجود ندارد، یواشکی در گوش بنده شرمند اعلام بفرمایید تا بلکه بتوانم این چند قلب ناقابل تلخ‌بزه زهرماری را با خیال راحت نوش جان کنم. و گویا آهسته و با احتیاط، سر بطری بیرون افتاده از جیب بغل را نیز نشان داده است!»

سایات‌ها و ست‌لایت‌های اینترنتی و ماهواره‌ای در ممالک خارج که حالشان معلوم است. آنها که شب اول قبر و سؤال نکیرین و وقایع عالم برزخ و پل صراط و میزان اعمال و عذاب دوزخ و حساب و کتاب «مثقال ذره» و صنوف مختلف ملائکه و (اخیرا حتی در کانال اول سیمای خودمان) دسته‌جات (!) متعدد اجته را تبلیغ و تشریح نمی‌کنند. ای بسا به این امور اصلا عقیده هم نداشته باشند. ولی ما خودمان با اینهمه ادعاهای بی‌نظیر و اعتقادهای کم‌نظیر، فردا چه احوالی خواهیم داشت؟ روزنامه‌های اهل تقوایمان، خبرگزاری‌های اهل دیانت‌مان، سایات‌های اهل عبادت‌مان، سخنرانی‌های اهل زهدمان، مصاحبه‌ها و داوری‌ها و تحلیل‌ها مان،... هر کدام را که می‌خوانیم و می‌شنویم و می‌بینیم، فقط باید با یک کلام در برابرش عکس‌العمل نشان بدهیم: به‌به! به‌به!

انصافاً بهتر از این نمی‌شود! ما محشریم. چه دقتی داریم در تفسیر کردن، چه درایتی داریم در تحلیل کردن، چه درک و دریافتی داریم و چه شیدایی و شتایی در هر چیز را به هر چیز وصل کردن و هر کسی را به هر جایی چسباندن. و آنگاه سرشار از رضایت انبوه نسبت به گفتار و کردار بی‌نظیر خویش هر چه را و هر که را در عالم بالا و پایین است به تقوا و عدالت سفارش کردن. به قول یکی از اهل علم: نه‌بیهک‌الله! و به قول خواجه شیراز:

این حدیثم چه خوش آمد که سحرگه می‌گفت
بر در میکده‌ای با دف و نی ترسایی
گر مسلمانانی از این است که حافظ دارد
وای اگر از پس امروز بود فردایی!

جلال رفیع

افطار سر سفره گرانی



نامناسب و نبود برنامه‌ریزی درازمدت را از سبب‌های افزایش قیمت میوه می‌دانند.

نان

یارانه آرد نان فانتزی و نان‌های حجم‌دار حذف شده و سبب افزایش صددرصدی نان شده است؛ و اکنون، نان باگت فرانسوی و نان بربری فانتزی را به بهای ۵۰۰ تومان به دست مردم می‌دهند؛ در حالی که تا پیش از حذف یارانه، نان باگت فرانسوی به عنوان «پرمصرف‌ترین نان فانتزی»، بهای بیش از ۲۰۰ تا ۲۵۰ تومان نداشت.

شکر

مسئول انجمن شیرینی و شکلات از افزایش ۵۰ درصدی قیمت شکر سخن گفته است؛ که مردم را به ویژه در ماه رمضان، در فشار قرار خواهد داد. بالا کشیدن ۵۰ درصدی بهای شکر در تیر و امرداد، مردم را مات کرد. باید توجه داشت که فشار این چینی، تنها بر چاشت (صبحانه) مردم نیست؛ ۴۵ درصد از بهای تمام‌شده شیرینی و شکلات را، قیمت شکر به خود اختصاص می‌دهد و افزایش بها، رنجبران مشغول به کار در این صنعت را نگران آینده کاری‌شان می‌کند.

هر هفته...

چرخ اقتصاد کشور، دچار درنگ است و بیشتر کنش‌های اقتصادی، متوقف.

قیمت مواد غذایی، هر هفته افزایش می‌یابد و بر سختی زندگی سخت، افزوده است.

برای مردم، کوشش برای خالی نبودن سفره، مدت‌هاست همراه با تنش روحی و جسمی بسیار است. کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند با خیز بلند قیمت‌ها - رخدادی که امسال نیز در آستانه ماه رمضان به تکرار نشست - برنامه مسئولان برای کنترل بازار موفق نباشد و نتواند توازن در قیمت‌ها ایجاد کند.

ارقام بانک مرکزی

آنان که دارامندند - و حتی در بحران اقتصادی نیز درآمد سرشار دارند - از گرانی آسیبی نمی‌بینند. دست‌گران بهای مواد غذایی، به گریبان فرادستان نمی‌رسد؛ این شلاق تنها بر کرده کم‌درآمدها فرو می‌آید، که بخش بزرگی از درآمدشان (تا ۹۰ درصد) برای تهیه غذا از دست می‌رود.

به گزارش بانک مرکزی، در یک سال گذشته، مردم گواه رشد ۱۰۰ درصدی بهای مواد خوراکی بوده‌اند؛ و اکنون ۸۰ درصد حقوق ناچیز کارگران، هزینه خرید

رکورد شکنی

اگر چه ورزش کشور مدت‌هاست رکوردی نشکسته است، ولی قیمت‌ها در میدان‌های غذایی رکورد می‌شکنند. در همین امرداد، نمودار نرخ‌ها، نشانگر رشد ۱۰ تا ۱۵ درصدی مواد خوراکی است.

مانند پارسال - و هر سال - مردم وازده از گرانی مواد غذایی، دوباره چشم دوخته‌اند به خیزاب (موج)

دیگری که از دور و در آستانه ماه رمضان، در حال پدیدار شدن است. از هم‌اکنون نشانگرها، داستان از آن دارند که امسال، خیز این سونامی، بسیار بالابند است. گوش قیمت‌ها، برای شنیدن دستورات مسئولان کر است و سر به هوا، راه‌سربالایی خود را می‌روند. مردم نیز هر روز و در سکوت، گواه سیر صعودی بهای مواد خوراکی‌اند. زبان آمار غیردولتی نیز در خود، آمیزه‌ای از تلخی و واقعیت دارد و داستان از آن که: قیمت گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، میوه و شکر، از ۱۰ تا ۵۰ درصد فراز رفته است.

ماکیان

برای نمونه، همین ماکیان خانگی، گرچه خود پرواز بلد نیست ولی بهایش چنان پر گرفته است (۳۰۰ و حتی ۴۰۰ تومان) که این روزها دست کمتر کسی به آن می‌رسد؛ این در حالی است که مرغ - هم به سبب سازگاری بیش‌تر با رژیم غذایی مردم و هم برای بهای منصف‌تر خود نسبت به گوشت قرمز و دیگر پروتئینی‌ها - در میان توده فرودست، خواهان بیشتری دارد و هرگونه فراز روی نرخ‌اش، کاهش مصرف پروتئین مردم را در پی خواهد داشت.

چراغ قرمز گوشت قرمز

از قرمز شدن نرخ گوشت قرمز نیز، روی مردم به زردی گراییده است. کدام کارگر و کارمند می‌تواند ران گوسفندی ۱۳ هزار و ۵۰۰ تومانی بخرد؟

توزیع گوشت قرمز منجمد ۴ هزار و ۶۰۰ تومانی نیز نتوانسته است تاثیری بر کاهش گرانی بگذارد. روند گرانی، سبب شده است دامداران و گله‌داران - از روی ندانم کاری - دست به کشتار بره‌ها بزنند؛ که خود دامن‌زن گرانی بیشتر است.

سبزی و میوه

در بازار تربار، پیاز با افزایش ۲۶ درصدی خود، پیش‌تاز است. رئیس اتحادیه میوه و سبزی تهران، از افزایش دو برابری بهای میوه در یک‌سال گذشته، خبر می‌دهد. کارشناسان، نبود ذخیره‌سازی و توزیع

پیش‌نهادی رسید برای تهیه گزارش پیرامون گرانی مواد غذایی؛ و من هم استقبال کردم؛ در حالی که دوست داشتم - هنگامی که همه نگاه‌های نگران، همواره به سمت پایتخت‌نشینان است - این گزارش، نگاه‌ها را به سوی فراموش‌شدگان: «روستائینان محروم» بچرخاند.

کمتر کسی را، اندیشه سفره افطار و سحر روستائینان است. کاش می‌شد کاغذ و دوربین و ضبط و خودکارم را در کیف می‌انداختم و به دور دست‌ترین روستاهای محروم می‌رفتم و وامی داشتم‌شان که با واگویی درد برآمده از ناداری، اندکی از بار گرانی که بر گرده‌شان است، فرو بکاهند.

نگاه به ماهو

همیشه نگاه‌های نگران، به وضعیت شهرنشین‌ها است، به ویژه پایتخت‌نشین‌ها؛ پس روستائین‌ها چی؟

ما حتی نگران دهک (طبقه) متوسط شهری هم هستیم؛ ولی نگران روستائینان نه. برای طبقه میانه (متوسط) شهری دل می‌سوزانیم که شتاب درآمدش، به پای شتاب گرانی نمی‌رسد و به میزان افزایش گرانی، درآمدش افزایش نیافته است؛ و از این سخن‌ها... در حالی که بسیاری از ندارها، در قلمروهای دورافتاده روستایی زندگی می‌کنند و بیش‌ترشان کشاورزان تهی‌دستی هستند که برای فروش فرآورده‌های خود، حتی به یک بازار خوب دسترسی ندارند. آیا نمی‌دانیم افزایش بهای مواد غذایی، خانواده‌های کم‌درآمد روستایی را بیش از شهرنشینان - در سکوتی دردناک - به سوی فقر فزون‌تر می‌برد؟

کشور ۱۰۰ میلیونی

بیابان‌های کشور از چوנית (کیفیت) درخوری برای چرای دام برخوردار نیستند. زیادی جمعیت کشور، به کاهش «تراز رفاه» انجامیده است. انفجار جمعیت، مردم را - حتی در انجام کارهای ساده زندگی‌شان - دچار سختی فزاینده کرده است. برای نمونه: ناوگان فلج حمل‌ونقل شهری، جوابگوی انبوه جمعیت نیست و مردم در واگن‌های مترو، به سختی نفس می‌کشند.

همین افزایش نفوس، سبب افزایش درخواست مواد غذایی از شمار گوشت شده است؛ آن‌گاه، برخی ادعا می‌کنند که کشور ظرفیت جمعیت ۱۰۰ میلیونی را دارد.



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



دکتر علی عفتی، مدیرعامل سازمان میوه و تره بار

علی عفتی، مدیرعامل میدان های میوه و تره بار: مردم گوشت قرمز ۵۰۰۰ تومانی و مرغ ۳۰۰۰ یا ۴۰۰۰ تومانی نخرند

دست گران بهای مواد غذایی، به گریبان فرادستان نمی رسد؛ این شلاق تنها بر کرده کم درآمدها فرو می آید که بخش بزرگی از درآمدها (تا ۹۰ درصد) برای تهیه غذا از دست می رود



اتحادیه، همچنین خواهان آن است که در برابر تأمین نیاز مصرف کنندگان و کنترل بها در ماه های پرمصرفی مانند رمضان، خدماتی به اتحادیه ارائه کنند که به تنظیم جوجه ریزی بپردازد و در توزیع مرغ، مسئولیت پذیری داشته باشد.

سازمان میوه و تره بار

دکتر علی عفتی، مشاور شهردار و مدیرعامل میوه و تره بار، در گفت و شنود با روزنامه اطلاعات، از برنامه خود برای رفع برخی از نیازهای مردم در آستانه ماه رمضان می گوید:

«در واحد پشتیبانی از مصرف کننده، به اندازه کافی، مرغ منجمد کیلویی ۲۵۰۰ تومانی دپو شده است و از هم اکنون و در همه روزهای ماه رمضان، در میدان ها توزیع می شود.»

دکتر عفتی پس از خواهش از مردم که مرغ گران ۳۰۰۰ یا ۴۰۰۰ هزار تومانی نخرند، می افزاید: «مردم گوشت قرمز منجمد وارداتی کیلویی ۵۰۰۰ تومان را نیز نخرند و نگران کمبود گوشت قرمز نباشند، چون ما محدودیتی در توزیع نداریم.»

مشاور شهردار، سپس به دانه ها می پردازد و ادامه می دهد: «افزون بر این، مردم در میدان های ما، به حیوانات، عدس و نخود با بهای کمتر از نرخ بازار نیز دسترسی خواهند داشت.»

مدیرعامل میدان های میوه و تره بار، سپس به دو برنامه نو اشاره می کند: «برنامه دیگر ما ارائه سبزی پاک کرده خوردنی و خورش های بهای ۱۰۵۰ و ۹۰۰ تومان است برای حفظ بهداشت محیط. برای کسانی که میوه درهم را نمی پسندند نیز میوه با بسته بندی خوب در میدان ها عرضه می شود.»

هم اکنون - هنگام ویرایش نهایی این گزارش - همچنان خبرهای گرانی بیشتر از راه می رسد. هنگامی که یکی از تیرها را می خوانی - گرانی ۳۰ درصدی برخی از مواد غذایی - می ترسی؛ و ترس از زمانی فرونی می گیرد که از زبان مسئولان، تنها گپ های تکراری بی تأثیر می شنوی.

ع - درویشی

بود که با مأموریت های مجموعه، همخوانی داشته باشد.

قیمت گوشت گاو و گوساله در دو سال گذشته، نزدیک به دو برابر شده است. وضعیت کنونی نشانگر آن است که از زمان جابه جایی مسئولیت تنظیم بازار - از وزارت بازرگانی به وزارت جهاد - نرخ قیمت گوشت و مرغ، نزدیک به ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است. اگر مسئولیت و دیده بانی به وزارت بازرگانی سپرده می شد - با توجه به تجربه چندین ساله - شاید می توانست با بکارگیری اهرم های گوناگون دیده بانی، کمی از التهاب بازار بکاهد.

بلاگردان ها

مسئولان، خشکسالی، کشتار زودهنگام دام، وجود مراکز کشتار و قیمت گذاری سلیقه ای دلالت ها، نبود دیده بانی (نظارت) درست بر واحدهای فروش، قاچاق گوسفند زنده، گرانی علوفه و بالابودن دستمزد نیروی کار را از شوندهای (علل) گران شدن بهای گوشت واگو می کنند.

برخی حتی پای آنفلوآنزای مرغی در استان های شرقی و جنوب شرقی را به میان می کشند و آن را در بالارفتن بهای فرآورده های پروتئینی بی تأثیر نمی دانند. برخی دیگر بر این باورند که افزایش صادرات دام زنده به کشورهای همسایه مانند عراق، سبب افزایش قیمت گوشت گوسفندی شده است.

پیش بینی ها

گرانی علوفه و نهاده های دامی نیز ماهیت خوشی به پیش بینی ها نمی بخشد و گمان می رود قیمت ها در شهریور، بیش از این پر بکشد. گزارش بانک مرکزی از افزایش ۷ درصدی قیمت گوشت گوسفند می گوید؛ و از افزایش ۸ درصدی بهای گوشت گاو و گوساله.

تولید کنندگان می گویند به سبب تأمین نشدن تسهیلات مورد نیازشان، کاری برای رفع گرانی مردم از دست شان ساخته نیست.

تشکل ها می گویند تا ابزارهای مورد نیاز در اختیارشان نباشد، مانند بر سر پیمان شان برای کنترل و افزایش نیافتن بهای مرغ و گوشت، میسر نخواهد بود.

اتحادیه مرغداران، یکی از این ابزارها را تسهیلات برای تأمین نهاده می داند، که پس از ۷ ماه دوندگی و تنظیم ضمانت نامه، هنوز بانک برای پرداخت وام، اعلام آمادگی نکرده است.

مواد غذایی خانواده می شود. این نسبت پارسال، ۴۷ درصد بود.

درویش تر شدن تغذیه درویشانه

دیرزمانی ست سرپرست خانوار، ناچار شده است از آسایش خود بزند و برای آسایش خانواده، به سوی چند کاره شدن برود.

ولی دو - یا - سه نوبت کار کردن نیز جوابگو نیست و هر بار، دیو گرانی، بخشی از مواد خوراکی را از سفره خانه ها می رباید.

به گفته کارشناسان، اکنون مصرف سرانه مواد غذایی مردم ایران، نسبت به میانگین کشورهای پیشرفته، در واپس قرار دارد.

برای نمونه: مصرف سرانه حبوبات مردم ایران، یک پنجم میانگین مصرف آن کشورهاست؛ شیر: یک سوم؛ میوه و سبزی: یک دوم. سرانه مصرف جهانی گوشت قرمز نیز، نزدیک به ۱۲ کیلو گرم است؛ حال آن که در ایران، این نسبت کمتر از ۵ کیلو گرم برآورد شده است.

بی گمان، افزایش بها، به کاهش هر چه بیشتر سرانه مصرف گوشت می کشد که پیامدهای ویژه خود را خواهد داشت. این در حالی است که مصرف نان مردم ایران، ۱۲ درصد بیش از نیاز طبیعی سالانه نان است.

با هر خیزاب گرانی، گرایش مردم به سوی نان فرونی می گیرد. روشن است که چیره شدن چنین تغذیه ای - جایگزینی نان به جای گوشت - در آینده، چیزی مگر سوء تغذیه را در پی نخواهد داشت.

گرانی کنونی، زمانی رخ می دهد که درآمدهای نفتی دولت در این سه سال، به ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده است و گرانی ۱۰۰ درصدی، به سفره مردم آمده است.

تجربه نشان داده است تا زمانی که نظام توزیع را متولیان مختلف هدایت کنند، افزون بر زیان دیدن بخش تولید، بازار توزیع و عرضه نیز دچار نابسامانی خواهد بود و پدیده های دلالی و قاچاق، بروز می کند.

با نگاهی به نوسان های بازار گوشت قرمز و مرغ در این سال ها، می توان دریافت که واگذاری مسئولیت توزیع این دو فرآورده پروتئینی به وزارتخانه ای مگر بازرگانی - یعنی وزارت جهاد کشاورزی - افزون بر این که تأثیری در ساماندهی بازار آن نداشته، که حتی موجب افسار گسیختگی قیمت ها شده است.

بی گمان، هر مسئولیتی در صورتی موفق خواهد

حماسه عاشورایی ملت در راهپیمایی سراسری دفاع از ارزش‌های انقلاب

سرور سیاستی - اجتماعی: مردم تهران دیروز با شرکت در تجمع عاشورائیان هتک حرمت عاشورای حسینی را محکوم کردند و خواستار مجازات عاملان این حادثه شدند.

به گزارش خبرنگاران ما مردم تهران از ساعت‌ها قبل از مراسم با حضور گسترده خود از ولایت فقیه و ولی فقیه زمان حمایت کردند و خواستار برخورد قوه قضائیه با این جسارت‌کنندگان شدند.

این گزارش حاکی است: حضور مردان و زنان، جوانان و نوجوانان، پیر مردان و پیرزنان در این حضور حماسی بسیار شگفت‌انگیز بود، به گونه‌ای که خیابان‌های اطراف میدان انقلاب از ساعت‌ها قبل از برگزاری مراسم مملو از جمعیت شده بود و دیگر علاقه‌مندان نمی‌توانستند خود را به میدان انقلاب برسانند.

در این مراسم مداحان اهل بیت به عزاداری به مناسبت ایام سوگواری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) پرداختند و هتاک به امام سوم شیعیان را توسط عده‌ای از حامیان آمریکا و اسرائیل محکوم کردند. براساس گزارش خبرنگار اطلاعات، سپس آیت‌الله علم‌الهدی عضو مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه مشهد در سخنانی با اشاره به این که حضور قهرمانانه شما مردم، مهر نامیدی و یاس بردل‌ها و مغزهای نابکاران ضد نظام و انقلاب است، افزود: اجتماع با شکوه شما در میدان انقلاب که از یک سو به میدان امام حسین(ع) و از طرف دیگر به چهارراه نواب در خیابان آزادی رسیده و خیابان‌های اطراف را پر کرده است، ثابت‌کننده بنیان مرصوص جریان حاکمیت، ولایت و حاکمیت الله بر این کشور است.

وی اضافه کرد: حضور شما نوید این حقیقت به دنیا است که در حمایت از خط ولایت پایدار هستید. علم‌الهدی ابراز امیدواری کرد که این حضور باشکوه مردم سبب شود که صاحب اصلی از پشت پرده ظاهر و زمینه ظهور آن حضرت فراهم شود.

وی با اشاره به این که در قرآن کریم به دو جریان حزب‌الله و حزب شیطان در جامعه اشاره شده است، گفت: خداوند در قرآن هواداران حزب‌الله و حزب شیطان را مشخص کرده است. حزب‌الله در قرآن بیانگر ولایت است. علم‌الهدی اضافه کرد: براساس آیات قرآن، ولی مومنین خدا، پیغمبر و کسانی هستند که در حال رکوع زکات و صدقه می‌دهند که مشخص و معلوم است این آیه مربوط به حضرت علی(ع) است. در آیه دیگر خداوند متعال می‌فرماید که بعد از ولایت رسول خدا(ص) و ائمه(ع) ولی، امام زمان حاضر است.

وی تاکید کرد: در دنیایی که ما دسترسی به امام زمان(عج) نداریم، ولی فقیه مجتهد جامع‌الشرایط جانشین ایشان است.

عضو مجلس خبرگان رهبری با اشاره به این که اگر امروز کسی ولایت فقیه را پذیرا نباشد ولایت امام زمان(عج) را پذیرا نیست، افزود: اصل ولایت فقیه همان اصل ولایت است و در مصداق ولی فقیه ما رهبر معظم انقلاب است که در اجلاس اخیر مجلس خبرگان رهبری ایشان را صددرصد تأیید کرد.

علم‌الهدی با تاکید بر این مطلب که مخالفت با اصل

ولایت فقیه مخالفت با اصل امامت و قرآن است، افزود: براساس آیات قرآنی حزب‌الله کسی است که رهبری و ولایت فقیه را پذیرفته باشد.

عضو مجلس خبرگان رهبری با اشاره به مشخصات طرفداران حزب شیطان گفت: براساس آیات قرآنی طرفداران حزب شیطان کسانی هستند که شیطان نسبت به آنها احساس دارد و از پشت‌سر آنها را فرماندهی می‌کند و به هر کجا که می‌خواهد می‌برد.

علم‌الهدی با اشاره به این که حضرت امام فرمودند امروز شیطان بزرگ آمریکاست بنابراین جریان‌هایی که آمریکا از آنها حمایت می‌کند آنها حزب شیطان هستند، افزود: حزب شیطان دشمنان ولی فقیه و رهبر هستند. وی افزود: هرکسی به هر اندازه درصدد دشمنی با رهبر باشد، جزو حزب شیطان است.

وی اضافه کرد: امروز ولایت‌پذیر ولی فقیه، جزو حزب‌الله است و دشمن ولی فقیه به استناد قرآن از حزب شیطان است و امروز جنگ حزب‌الله و حزب شیطان جنگ قطعی است و حزب‌الله در مقابل حزب شیطان قرار گرفته است.

علم‌الهدی تاکید کرد: شما امروز اینجا جمع شده‌اید تا برای همیشه تکلیف حزب‌الله در مقابل حزب شیطان را مشخص کنید.

هشدار به فتنه‌گران

وی به سران فتنه گفت: کاری که شما شروع کرده‌اید امروز به محاربه رسیده و خداوند در قرآن می‌فرماید: کسانی که بغی کنند عذاب خدا برای آنهاست. شما بغی را شروع کردید و آن مطالبه ناحق است.

امام جمعه مشهد با اشاره به اینکه امام عادل امت، رهبر عظیم‌الشان انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ۲۹ خرداد در نماز جمعه شما را به حق دعوت کردند و فرمودند: «اگر شما نسبت به انتخابات مشکل دارید بیاید از طریق قانون عمل کنید»، افزود: شما بغی کردید. و بغی شما بستر را برای جریان‌های الحادی، مارکسیستی و منافقین آماده کرد تا در روز عاشورا حرکت شما به محاربه رسید.

علم‌الهدی اضافه کرد: در روز عاشورا حرکت شما دقیقاً محاربه بود و برنامه روز عاشورا و شعارهای آن از روی سایت منافقین توسط آشوبگران برداشته شده بود.

وی با اشاره به این که حضرت امام(ره) در جریان عملیات مرصاد فرمودند: «منافقین محاربند و هرکس در داخل ایران با آنها همکاری کند نیز محارب و مهدور الدم هستند»، افزود: منافقین فرمانده عملیات عاشورا بودند و براساس حکم حضرت امام(ره) کسانی که در روز عاشورا این بساط را برپا کردند نیز محاربند.

امام جمعه مشهد بار دیگر خطاب به سران فتنه گفت: به شما اعلام می‌کنم باید توبه کنید و به دامان رهبری برگردید و اگر توبه نکنید شما هم محارب هستید و به عنوان محارب با شما برخورد می‌کنند.

علم‌الهدی افزود: متولیان مسئولند که اقتدار نظام را در عرصه‌های بین‌المللی حفظ کنند.

خصوصیات نظام اسلامی

وی افزود: نظام ما مقتدرترین نظام در جهان و مجهز به آخرین تجهیزات نظامی است، و میلیون‌ها حزب‌اللهی

پشت‌سر این نظام هستند، لذا دستگاه‌های امنیتی، نظامی و قضایی ملزمند که اقتدار نظام را حفظ کنند.

امام جمعه مشهد افزود: اصل اساسی نظام ولایت فقیه است و صدها هزار شهید خونشان را دادند تا این نظام شکل بگیرد.

وی افزود: برادران و خواهران! امروز از لابلای جنگل‌های آمازون و اقصی نقاط جهان اگر یک مسلمان قلبش برای اسلام بتپد و بخواهد فدائیان بدر و احد را ببیند، شما مردم حزب‌الله جلو چشم آنها می‌آید. شما مردم خیلی قدر دارید که حضرت امام(ره) می‌فرماید: «امام علی(ع) به شما افتخار می‌کند.»

وی اضافه کرد: از علی و زهرا امروز یک نواده باقیمانده و مردم این گونه آن را در دست گرفتند و خون‌های بدنشان را به ایشان تقدیم می‌کنند.

علم‌الهدی تاکید کرد: امروز جنگ نرم فضای کشور را فرا گرفته است و شما مردم سرباز در مقابل جبهه نرم هستید. تهاجم دشمن را جدی گرفته و خود دشمن را هدف بگیرید. ما باید ابتکار عمل را خودمان به دست بگیریم و انفعالی عمل نکنیم.

امام جمعه مشهد گفت: افرادی که امروز در برابر مقام ولایت ایستاده‌اند با هر سابقه و قیافه‌ای اینها امروز از نظر مردم مطروندن.

قطعه‌نامه اجتماع کنندگان

در پایان تجمع دیروز مردم تهران، قطعه‌نامه‌ای در پنج بند صادر شد که در آن بر پیروی از ولایت فقیه و تجدید میثاق با مقام معظم رهبری تاکید شده است.

در ابتدای این قطعه‌نامه آمده است:

انقلاب اسلامی در ایران که، معجزه بزرگ قرن و تجدید حیات اسلام نام گرفت، الهام گرفته از نهضت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) است.

صف‌بندی و مقابله استکبار، صهیونیسم بین‌الملل و ایدای وابسته به آن در برابر این نهضت الهی همانا ناشی از ماهیت عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی انقلاب اسلامی و پیوند آن با آموزه‌های عاشورای حسینی است.

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر پایه ولایت فقیه که استمرار راه انبیا و امامان معصوم (علیهم‌السلام) است، میراث گرانقدر معمار کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) است و افتخارات و دستاوردهای عظیم و بی‌بدیل سه دهه گذشته برای ملت سلحشور، انقلابی و غیرتمند ایران اسلامی را فراهم ساخته است و دشمنان قسم‌خورده همواره در کمین بوده‌اند تا در هر فرصتی از ملت بزرگ ایران اسلامی و نظام جمهوری اسلامی انتقام بگیرند، اما زهی خیال باطل که راه به جایی نخواهند برد.

این قطعه‌نامه افزود: در روز عاشورای حسینی، روز حزن و اندوه و مصیبت عظمای سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) که روز عزای عمومی جهان بشریت محسوب می‌شود، معدودی ضد انقلاب و فتنه‌گر که مخالف امنیت، آسایش، پیشرفت، آبادانی، سربلندی و عزت مردم ایران هستند، در برخی از خیابان‌های تهران با هدایت و پشتیبانی رسانه‌های بیگانه و برخی قدرت‌های استکباری، مقدس‌ترین ارزش‌های اسلامی را نشانه گرفته و با هلهله، سوت و کف به تخریب اموال دولتی، اماکن

باید گردد، اعتراض خود را نسبت به مداخله‌های مقامات این کشور در ایران بیان داشتند.

راهپیمایی‌ها در شهرستانها

مردم خداجوی و ولایت‌مدار شهرستانها دیروز همزمان با مردم تهران، با شرکت در راهپیمایی اعتراض‌آمیز، حرمت‌شکنی عاشورای حسینی را محکوم کردند.

راهپیمایان ضمن حمایت همه جانبه خود از مقام عظمای ولایت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب و تجدید پیمان با آرمان‌های والای امام خمینی (ره)، خواستار برخورد قوه قضائیه با هتاکان به مقدسات و حرمت‌شکنان عاشورای حسینی شدند.

* قم - خبرنگار اطلاعات: هزاران نفر از مردم قم، که آیات عظام، فضلا، علما و روحانیون آنها را همراهی می‌کردند، در یک راهپیمایی عظیم ضمن حمایت از ولایت فقیه، اقدام‌های حرمت‌شکنان در عاشورای حسینی را محکوم کردند.

مردم قم در این راهپیمایی از دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی و انتظامی خواستند به صورت قاطع و جدی با هتاکان برخورد کنند.

* کبودرآهنگ - خبرنگار اطلاعات: هزاران نفر از مردم کبودرآهنگ در راهپیمایی عظیم اقدام حرمت‌شکنان در عاشورای حسینی را محکوم کردند.

مردم کبودرآهنگ در این راهپیمایی از مسئولان قضایی خواستند که حرمت‌شکنان را به اشد مجازات برسانند.

در این راهپیمایی همچنین امام جمعه و فرماندار

و قضایی کشور می‌داند، آمده است: ما اغتشاشگران و آشوبگران روز عاشورا را که علیه قرآن، ارزش‌ها و مقدسات اسلامی و نظام جمهوری اسلامی دست به توطئه زدند، مصداق بارز ضد انقلاب، مفسد فی الارض و محارب با خدا می‌دانیم و از نهادهای مسئول خواهان شناسایی، محاکمه عاملان و مسببان این حرمت‌شکنی و اشد مجازات برای آنان هستیم.

در این قطعنامه همچنین از دولت خواسته شده است که در روابط خود با کشورهای حامی منافقین و ضدانقلاب از جمله انگلیس و فرانسه تجدیدنظر کند.

در پایان قطعنامه بر بیعت مجدد با آرمان‌های والای معمار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام راحل (رحمه‌الله علیه) و شهیدان انقلاب اسلامی تأکید و اعلام شده است: ما بار دیگر با ولی امر مسلمین جهان و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای تجدید میثاق می‌کنیم و پاسداری از اصل ولایت فقیه را دفاع از ارزش‌های اسلامی و فرهنگ عاشورایی سرور آزادگان جهان، حضرت امام حسین (علیه‌السلام) و اصحاب و یاران باوفایش می‌دانیم و آمادگی خود را برای لبیک و جانفشانی در راه پاسداری از حریم مقدس ولایت اعلام می‌داریم.

تجمع راهپیمایان مقابل سفارت انگلیس

جمعی از شهروندان تهرانی پس از خاتمه راهپیمایی عصر دیروز، مقابل سفارت انگلیس تجمع اعتراض‌آمیز برپا کردند.

معترضان با سردادن شعارهای، مرگ بر انگلیس، سفیر روپاه پیر اخراج باید گردد و سفارت انگلیس تعطیل

عمومی، سنگپرانی و حمل سلاح‌های گرم و سرد به صفوف نمازگزاران و عزاداران حسینی وحشیانه یورش برده، حتی به ساحت قرآن کریم جسارت کرده‌اند و بدین‌سان کارنامه ننگین وارثان یزیدیان را سیاه و سیاه‌تر کردند.

در ادامه قطعنامه تأکید شده است: اینک ما شرکت‌کنندگان در این تجمع عظیم و تاریخی ضمن اعلام انزجار و براءت از اقدام ننگین و شرم‌آور معدودی عوامل ضد انقلاب و ضد دین با ندای توحیدی و وحدت‌آفرین «الله اکبر» مواضع خود را اعلام می‌نماییم:

اغتشاش و آشوبگری معدودی ضدانقلاب و ضد دین و حرمت‌شکن نسبت به ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی بیانگر عمق توطئه و فتنه علیه تمامیت ارضی، منافع ملی و نظام جمهوری اسلامی از سوی دشمنان قسم‌خورده به سرکردگی استکبار و صهیونیسم بین‌الملل می‌باشد.

از همه اقشار مردم به ویژه جوانان و دانشجویان آگاه و غیور می‌خواهیم تا با حفظ هوشیاری، ارتقای بصیرت انقلابی، اعتماد، اتحاد و وحدت حول محور ولایت فقیه و مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی و تلاش آنان برای ایجاد شکاف و تفرقه در میان صفوف متحد و یکپارچه ملت بزرگ ایران را نقش بر آب کنند.

در این قطعنامه با تأکید بر این که ملت ایران گستاخی عوامل فتنه و ضد انقلاب را ناشی از نبود برخورد قاطع و انقلابی نهادها و دستگاه‌های مسئول امنیتی، اطلاعاتی



کبود آهنگ در بیانیه‌ای مشترک حرمت‌شکنی عاشورای حسینی را محکوم کردند.

* اهواز - خبرنگار اطلاعات: مردم ولایت‌مدار اهواز با حضور پرشورو حماسی گردهم آمدند و حمایت همه‌جانبه خویش را از ولی امر مسلمین و اصل مترقی ولایت فقیه و همچنین تنفر و انزجار خود را از حرمت‌شکنان روز عاشورای حسینی اعلام کردند.

در این مراسم حجت‌الاسلام حاجتی امام جمعه موقت اهواز در سخنانی بر ضرورت برخورد با حرمت‌شکنان ایام عاشورا تأکید کرد.

* شهرضا - خبرنگار اطلاعات: هزاران نفر از مردم

ولایت‌مدار شهرضا دیروز اقدام‌های حرمت‌شکنان روز عاشورای حسینی را محکوم کردند و خواستار مجازات آنان شدند.

* شاهرود - خبرنگار اطلاعات: گروه زیادی از مردم شاهرود دیروز در اعتراض به حرکت حرمت‌شکنان عاشورای حسینی راهپیمایی کردند.

در این راهپیمایی که قشرهای مختلف مردم حضور داشتند راهپیمایان با سر دادن شعارهایی خواستار برخورد قوه قضائیه با حرمت‌شکنان شدند.

* سراب - خبرنگار اطلاعات: هزاران نفر از مردم سراب در راهپیمایی باشکوهی اقدام حرمت‌شکنان در روز عاشورای حسینی را محکوم کردند.

مردم سراب با شعارهایی در حمایت از اصل ولایت فقیه و محکوم کردن دخالت کشورهای بیگانه با قرائت قطعنامه به راهپیمایی پایان دادند. تمامی کسبه بازار به دلیل برگزاری هرچه بهتر راهپیمایی مغازه‌های خود را تعطیل کرده بودند.

* زنجان - خبرنگار اطلاعات: در پی اهانت به آرمان‌های انقلاب اسلامی

و مقدسات که در روز عاشورا رخ داد، مردم زنجان به راهپیمایی اعتراض‌آمیز علیه حرمت‌شکنان پرداختند.

بنابر این گزارش، مردم ولایت‌مدار زنجان دیروز همزمان با سایر شهرها با راهپیمایی در مقابل مسجد جامع این شهر، خشم و انزجار خود را از حرمت‌شکنان اعلام کردند و از مسئولان قضایی خواستار برخورد قاطع با منافقان حرمت‌شکن شدند.

* ارومیه - خبرنگار اطلاعات: قشرهای مختلف مردم ارومیه عصر دیروز در یک راهپیمایی عظیم، ضمن محکوم کردن حرمت‌شکنان عاشورای حسینی با آرمان‌های انقلاب اسلامی و رهبری تجدید میثاق کردند.

راهپیمایان پارچه نوشته‌ها و پلاکاردهایی با مضمون حمایت از ولایت فقیه و نظام اسلامی و در محکومیت حرمت‌شکنان حمل می‌کردند.

حجت‌الاسلام حسینی نماینده ولی فقیه در آذربایجان غربی و امام جمعه ارومیه در این اجتماع گسترده سخنانی ایراد کرد.

این تجمع با قرائت قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد. * قرچک - خبرنگار اطلاعات: هزاران نفر از مردم ولایت‌مدار قرچک در راهپیمایی دیروز، اقدام‌های ساختارشکنانه گروهی را در هتاکسی و بی‌حرمتی به مقدسات محکوم کردند.

در این راهپیمایی از دستگاه‌های قضایی خواسته شد با عوامل حرمت‌شکن برخورد جدی کنند. همچنین در این راهپیمایی قطعنامه‌ای در چند بند قرائت شد.



۱۳۸۹/۱۰/۱۰

حماسه ۹ دی

فتح‌الله آملی



تا آن روز کشور در التهاب به سر می‌برد. چند ماه

از انتخابات می‌گذشت و هر روز در جایی و در گوشه‌ای بلوایی بلند می‌شد. در این هیاهو، دشمنان دیرپای انقلاب اسلامی، هر آبی را گل‌آلود می‌کردند تا بتوانند از آن ماهی بگیرند. بی‌بصیرتی، کم‌تجربگی، اشتباه و... از هر طرف و یکی پس از دیگری، فضا را آلوده و ملتهب کرده بود. دامنه این اشتباهات و مقاطع زمانی این اشتباهات بسیار گسترده و فراگیر بود. بخشی از آن قبل از انتخابات و در جریان مبارزات انتخاباتی و مناظره‌های تلویزیونی رقم خورد. بخشی دیگر و البته بسی بزرگتر در همان ساعات پایانی روز انتخابات و همچنین عدم تسلیم کاندیداهای معترض به بازنگری آراء از طریق مراجع قانونی. بخش دیگری از آن هم در تظاهرات طرفداران کاندیدای پیروز و بعضی از سخنان در آن مراسم، و بعد اشتباهات چند دیگری که از صدا و سیما سر زد و تعطیل فضای دوسویه قبل از انتخابات... و سپس حرکات واکنشی که از برخی مأموران سر زد و حوادث سنگینی که از ماجرای دردناک کهریزک پدید آمد و... در این میانه به گمان من رهبری، هم در میان نخبگان و هم حتی در میان برخی از آنها که دأب و داعیه حمایت و ولایت و حبّ او را داشتند، نوعی تنهایی علی‌گونه را تجربه می‌کرد. نه همه نخبگان به هشدارهایش توجه داشتند و نه همه مسؤولان و داعیه‌داران طرفداری. دایره بی‌بصیرتی نخبگان و کم‌تجربگی و اشتباهات مسؤولان و مجریان هر روز کار را خراب و خراب‌تر می‌کرد.

در آن روزها و در آن ماجراها به خیلی‌ها ظلم شد. به نظام اسلامی، به سپاه، به بسیج، به پلیس، به دستگاه قضا، و... به امام، به رهبری. در جریان مقابله با آشوب، من در مورد برخی از آنها که در خیابان می‌دیدم، نه تنها در چهره، بلکه در رفتار و گفتار و ادبیات کلامی هم کاملاً می‌فهمیدم که برخی از این رفتارها نه قربابتی با سپاه دارد و نه بسیج و نه حتی پلیس، درحالی که گناه همه این اعمال به پای آنها نوشته می‌شد و این خود کم‌ظلمی در حق نیروهای انقلاب نبود. در این میانه اما نخبگان هم دچار انفعال شدند و درجه و اهمیت خطر را درنیافتند که بحران اگر دامنه پیدا کند چه عواقبی دامنگیر می‌شود. کار هر روز سخت‌تر می‌شد و خامنه‌ای عزیز تنها تر... تا اینکه مردم بیش از همه به هشدار بصیرت او دل دادند. در آن روز مردم به مدد رهبرشان آمدند. مردمی که خلوص، صداقت، بیداری و بصیرت را باهم داشتند و درس وفا را به‌درستی آموخته بودند

و در این دعوای دو طرف، و در میانه این بی‌بصیرتی‌ها و کم‌تجربگی‌ها و کج‌فهمی‌ها و اشتباهات اهمیت حادثه را فهم کردند و به یاری رهبرشان آمدند. از آن روز ورق برگشت. کاملاً معلوم بود که دفع و رفع هر بحرانی نه کار حبس و ضرب و شتم و خشونت است و نه مدارا و تسلیم و مماشات و تماشا. بلکه راهش حضور است و ۹ دی به این خاطر حماسه نامیده شده است. حماسه حضور مردم... تا به همه اشتباهات پایان بدهد و امید آنان را که در رؤیای سقوط نظام اسلامی بودند، به یأس بدل کند و درهم بشکند و به همین اعتبار حماسه است و از آن باید به حماسه ۹ دی یاد کرد. ۹ دی و سپس حماسه باشکوه ۲۲ بهمن، و حضور یکپارچه و بی‌نظیر مردم، پایان‌بخش بحران‌ها بود.

من خود به عنوان قطره‌ای از دریا، در میان خیل جمعیت بودم و مردم را دیدم که با فهم این مهم که ضربه به نظام اسلامی و از دست رفتن آن چه خسارتی است، آمده بودند تا وفاداری خود را به نظام و پیوندشان را با رهبری در حماسه‌ای مکرر، به نمایش بگذارند و دیدم که هیچکس نمی‌تواند این عشق و بصیرت را مصادره به مطلوب کند. آنها که می‌گفتند دولت و نظام، عده‌ای سپاهی و بسیجی را از پادگانها و ادارات جمع کرده و از شهرستانها بسیج کرده تا به خیابان بیایند، قطعاً نه در جمع بودند و نه جمعیت را دیدند و نه حتی به تماشا لختی گذراندند. اینها مردم بودند و کم هم نبودند سرتاسر خیابان را پر کرده بودند. به پهنه‌ای که پهلوی روزهای نخست انقلاب می‌زد. اینها نه به حمایت از افراط‌گرایی آمده بودند که هر روز فضا را پلیسی‌تر می‌ساختند و نه به طرفداری از دولتمرد و یا دولتی. تصویر امام را با خود داشتند و تصویر رهبری را... و شعارهایشان حمایت از انقلاب بود و امام و رهبری... و این بزرگترین سرمایه این نظام است: مردم. ماجراهای سال گذشته و نیز حماسه ۹ دی و ۲۲ بهمن درس‌های بزرگی باید به همه ما داده باشد. هم به دشمنان بیرونی و درونی انقلاب، هم به نخبگان کم‌بصیرت و بی‌بصیرت، هم به برخی از مسئولان و متولیان کم‌تجربه و ناکارآمد و هم به همه ما... که بصیر باشیم و هوشمند. دوست مردم باشیم و در خدمت مردم و همواره آنان را سرمایه اصلی انقلاب و نظام بدانیم...

حال که یک سال از آن روز می‌گذرد و حال که بیش از یک سال از حوادثی می‌گذرد که در طول سال گذشته تا زمستان پیش آمد، بی‌مبالغه و مدهانه با خودم می‌گویم: راستی اگر بصیرت رهبری در آن شرایط دشوار نبود و راستی اگر حضور هوشیار و بابصیرت مردم نبود و راستی اگر...؟، در میانه آن غوغاها و اشتباهات و کم‌تجربگی‌ها و دخالت‌های بیگانگان و بحران‌آفرینی دشمنان و بدرفتارهای دوستان و در منظر تماشای گرگهایی که چشم دوخته بودند تا پای به این ملک و مملکت بگذارند، حال چه روزگاری داشتیم؟... سال گذشته و حوادث تلخ و تاب‌سوز آن باید برای همه درس‌آموز باشد. بر همه ماست که بصیرانه به آن اندیشه کنیم و هر کدام به سهم خود، درصدد اصلاح برائیم و بر بصیرت خویش بیفزائیم.

مرحوم راشد به روایت دکتر شهیدی

جواد میری

دکتر سیدجعفر شهیدی



جالبی که در اتاق به چشم می خورد دو قطعه فرش ۳×۴ کرمانی بود. بعداً دانستم به دستور آگاه، بازرگان معروف، در سفری که راشد به کرمان کرد آن را در صندوق عقب ماشین، بی اطلاع وی، نهاده بودند. باید اضافه کنم دیدار راشد از علمای آن روز نجف و دیدن زندگانی ساده آنان در وی اثری عمیق نهاد، چنان که در گفتار هفتگی خود آن تأثیر را پوشیده نمی داشت.

از خانه ها و مخصوصاً پله های آن خانه ها که تنگ و کج و معوج بود یاد می کرد و می گفت چه خانه هایی، چه پله هایی! من بارها و بسا هفته ای یک بار به دیدن او در همان خانه می رفتم. آن روزها با شیخی سالخورده که «شارح القرآن» لقب داشت آشنا شدم. او بر منبریان خرده می گرفت که چرا، به جای موعظت، موضوع های سیاسی را عنوان می کنند. چون گفتار راشد موعظت به معنی حقیقی آن نبود، بدو علاقه پیدا کرده بود و یک بار با هم به خانه او رفتیم. اما او در همان سال به رحمت ایزدی رفت. چون خبر مرگش را به راشد دادم، گفت: هیچ وقت از شنیدن خبری دریغ نمی خوردم، مگر از شنیدن خبر مردن کسی که می گویم ای کاش من به جای او بودم.

از راشد خواستند در دانشکده علوم معقول و منقول تدریس کند و او به تدریس اسفار مشغول شد. روزی از او شنیدم دربار از وی خواسته است وزارت معارف را قبول کند و او پاسخ داده است چنین کاری از من بر نمی آید و مناسب من هم نیست. نیابت تولیت مدرسه سپهسالار را پیشنهاد کرده بودند، گفته بود هر چند با وضع من چندان مغایر نیست، اما از عهده اداره آن بر نمی آیم. موسم انتخابات رسید و زمزمه این که زنان هم می توانند رأی بدهند یا نه و پرسش ها در میان آمد. طبیعی است که از راشد هم نظر بخواهند، او گفته بود: این امر فی ذاته، اگر عوارض جانبی نداشته باشد و معلوم نیست خالی از آن عوارض باشد، اشکالی ندارد.

این مطلب در روزنامه ها نوشته شد و سیل انتقاد، تهمت و لعنت به گوینده سرازیر. چه گفتند و چه نوشتند و چه آزارهای لفظی به او رساندند. آنان که آن روزها را دیده و آن روزنامه ها و اعلامیه ها را خوانده اند آگاه اند. یک نمونه آن را در اینجا می نویسم.

در ایوان مدرسه سپهسالار نشسته بودیم، موسوی

شده بود و شیخ محمدرضا مظفر ریاست آن را داشت، از راشد برای دیدار مُتَدّی و ایراد سخنرانی دعوت شد. در آن سال ها، موقعیت منتدی در دیده علمای نجف مانند موقعیت دانشکده علوم معقول و منقول در سال های پیش از ۱۳۲۰ در دیده عالمان دین بود. ولی باید گفت بسیاری از پرورده های منتدی از ادب و علوم اسلامی بهره کامل گرفتند و خود خطیب یا صاحب تألیف گردیدند.

راشد گفتار خود را با آیه ۱۴۳ سوره بقره «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» آغاز کرد و نتیجه گرفت که پروردگان منتدی حلقه واسطه بین حوزه و مردم اند، علم را از عالمان حوزه فرا می گیرند و متناسب با دریافت عموم به آنان تحویل می دهند. پس از پایان گفتار، که به فارسی بود، شیخ محمدرضا مظفری فی المجلس بیشتر آن را به عربی بازگرداند و مورد توجه قرار گرفت. در همان مجلس، راشد به عضویت افتخاری مُتَدّی التّشّیر درآمد. درست به خاطر ندارم شب آن روز بود یا شبی دیگر که راشد در مجلس درس حضرت آیت الله خویی حاضر شد. طبق معمول، در بین گفتگوی استاد دو تن اشکال کردند. پس از آن، راشد اشکالی را عنوان کرد که درست به خاطر من نیست چه بود. فقط یاد دارم آیت الله خویی گفتند: این مطلب هم ما تحت وجود است و خنده در گرفت، مجلس به خوشی پایان یافت.

راشد به ایران بازگشت. دیگر از او خبری نداشتم تا این که مدتی بعد به تهران آمدم و در مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) حجره ای گرفتم که بر حسب اتفاق فهمیدم راشد نیز در همسایگی من خانه ای اجاره کرده است. ترتیب رهن خانه نیز توسط او، خود، حکایتی شنیدنی دارد: راشد انسانی قانع و سلیم النفس بود و دغدغه دنیا و مادیات را نداشت، برای همین، در طول عمرش، منزل مسکونی مناسبی به دست نیاورد. وقتی که به تهران آمد، آقاخان بختیار برای او مقداری پول قرض گرفت و خانه ای نزدیک مدرسه سپهسالار برای وی رهن کرد. او، از همان ابتدا تا یک روز مانده به درگذشتش، علی رغم اصرار دوستان و بزرگان، با مناعت طبع و در عین سادگی، و حتی چیزی کم تر از آن، روزگار می گذراند. من هفته ای یک یا دو بار به خانه او می رفتم. خانه ای بود نه چندان وسیع با وسایلی بسیار ساده و ابتدایی. تنها چیز

سیدجعفر شهیدی از روزهای اقامت راشد در عتبات عالیات خاطراتی دارد: «با دانشمند فقید و خطیب بزرگوار، راشد، در سال ۱۳۶۶ هـ ق/ ۱۳۲۶ ش از نزدیک آشنا شدم. پیش از آن، تنها از راه شنیدن سخنان پربار وی او را می شناختم. در آن سال، چند تن از خطیبان ایران برای زیارت عتبات عالیات به عراق آمده بودند و او از جمله آنان بود. هم در آن سال آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی به جوار حق رفت و فرزندان و خویشاوندان او مجلس بزرگداشتی در مسجد هندی، معروف ترین مسجد نجف، به نام آن فقید برپا کردند.

چند تن از شاعران و نویسندگان نامزد خواندن شعر یا مقاله در آن مجلس بودند؛ از جمله، این کم ترین و جناب شیخ عبدالزهر صغیر. ایام زیارت بود و سیل زایران ایرانی به کربلا و نجف سرازیر، و طبیعی بود که بیشتر حاضران در مسجد هندی زایران ایرانی باشند. قرائت قصیده ها آغاز شد، و اندک اندک آثار ملامت در چهره ایرانیان پیدا، چرا که چیزی از آن قصیده ها نمی فهمیدند. کاری هم از دستشان بر نمی آمد، تنها چاره را در صلوات فرستادن دیدند. در مقابل، عرب ها هم گفتن «عَدُّ، عَدُّ» (از نو بخوان، از نو بخوان!) را برای قصیده خوان سر دادند. از ایرانیان صلوات و از عرب ها عَدُّ گفتن، کار به جای باریک کشید.

آیت الله سیدمحمد روحانی نزد من آمد و گفت هم چشمی عربی و عجمی پیش آمده و ممکن است به درگیری بینجامد و بهتر است به همین جا ختم کنیم و، برای رفع غایله، راشد به منبر برود، شما و شیخ عبدالزهر از خواندن مقاله صرف نظر کنید. پیشنهاد جالبی نبود، ما تازه بازاری یافته بودیم و می خواستیم کالای خود را به نمایش بگذاریم. شیخ عبدالزهر سخت برآشفته، ولی جز آنچه روحانی گفت کاری نمی شد کرد. راشد به منبر رفت، سر و صداها خوابید و او یکی از سخنرانی های ارزنده خود را آغاز کرد و به پایان رساند، هر چند دوستان من، که با این طرز گفتار آشنایی نداشتند و بیشتر طالب شنیدن مطالبی از لاهوت و ناسوت بودند، گفتند منبر آقای راشد مطلب نداشت. پس از سخنرانی، نزد ایشان رفتم و گفتگوی مختصری در میان آمد و می توان گفت از همان روز میان من و ایشان پیوندی خاص ایجاد شد. دو سه روز بعد، از طرف مُتَدّی التّشّیر، که آن سال ها تازه تأسیس

بهبهانی هم حاضر، او در آن ایام طالب علم معقول و منقول بود. جوانی قرآن به دسست، اشک در چشم، نالان و فریادکنان به مدرسه آمد و گفت: آقایان، شما را به خدا بگویند کجای این قرآن نوشته است که زن‌ها هم می‌توانند رأی بدهند، یاالله بگویند. خدایا به او چه پاسخی بدهیم که دروغ نباشد و خود از گزند سخنش در امان مانیم؟ موسوی مشکل را حل کرد و گفت: ما مقلدیم نه مجتهد. در این باره از آیت‌الله‌ها سؤال کنید و خدا خواست که او پذیرفت و رفت. بعدها به آقای راشد گفتیم: چرا آن مطلب را به روزنامه‌ها دادید؟ گفت: این پرسش مکرر شده بود و این پاسخ را داده بودم. نمی‌توانستم چیزی را که گفته‌ام و بدان معتمد نفی کنم. در حاشیه باید بنویسم راشد از کسانی بود که آنچه بدان اعتقاد داشت می‌گفت و به آنچه می‌گفت عمل می‌کرد و چنین اشخاص فراوان نیستند.

نماینده شدن راشسد را هم نباید سبک گرفت. او نه دستگاه تبلیغاتی داشت نه اعلامیه نوشت و نه در جمع مردم برای خود سخنرانی کرد. با این همه، مردم تهران به او رأی دادند و او به مجلس رفت. می‌گفت از همان روزهای اول قانون و آیین‌نامه‌ها را خواندم و خود را آماده کردم که خدمتی بکنم. ولی پس از مدتی دانستم این مجلس آن مجلسی نیست که در ذهن داشتیم. در یکی از جلسه‌ها، سخن تند و بلکه زشت عمیدی نوری، نماینده آن دوره، او را سخت رنجاند و از نمایندگی استعفا کرد. اما گویا تا پایان آن دوره استعفاى او را در جلسه طرح نکردند. نتیجه آن که نه حقوق نمایندگی را داشت و نه حقوق استادی مدرسه سپهسالار را. به من می‌گفت: اینها استعفاى مرا نمی‌پذیرند، چون می‌خواهند مرا محاصره اقتصادی بکنند. می‌گفت: من برای گذراندن روزانه گاه ناچارم به حقوق معلمی دخترم ناخن بزنم.

به خاطر دارم بعضی مسئولان وزارت فرهنگ آن روز در پرداخت حق ارتقای دختر ایشان هم اشکالی کرده بودند. راشسد از من خواست موضوع را دنبال کنم، خوشبختانه مشکل حل شد.

خاطره دیگری را هم می‌نویسم و به دراز شدن بیشتر نوشته پایان می‌دهم. خاطره‌ای که بزرگواری بیش از حد او را نشان دهد.

شبی در مسجد سید عزیرالله، گفتار خود را پایان داد و به یکی از ایوان‌های مسجد آمد. جمعی در آن ایوان نشسته بودند، از جمله حاج آقابزرگ ابوحسین که می‌توان گفت رئیس‌التجار آن عصر به حساب می‌آمد. این بنده هم – طالب علمی گمنام – در گوشه ایوان خزیده بودم. جوانی آمد و خود را مخبر یکی از خبرگزاری‌های غرب معرفی کرد و از راشد خواست مطلبی کوتاه درباره شیعه بنویسد. ایشان گفتند: کسانی هستند که از من آمادگی و آگاهی بیشتر دارند. این بوق و کرناها (رادیو) موجب شده است که نام من بر سر زبان‌ها بیفتد و عالم معرفی شوم، در صورتی که چنین نیست. هم‌اکنون به شما می‌گویم در این مجلس کسی هست که برای نوشتن چنین مقاله مناسب‌تر است و اشارت به این حقیر کردند. نگاه‌ها به من دوخته شد که این کیست که جناب راشد او را چنین می‌ستاید؟

من شرمگین شدم و معذرت خواستم، ولی ایشان به اصرار از من نوشتن مقاله را خواستند. نوشتم و به ایشان دادم و نمی‌دانم چه بر سر آن آمد.

راشد در ۱۳۲۹ نیز برای درمان بیماری‌ای، که از اصفهان بر او عارض شده بود، راهی اروپا شد و حدود هشت ماهی را در کشور فرانسه، انگلیس، آلمان، سوئیس و ایتالیا، علاوه بر معالجه، به مطالعه ارزنده و سیر آفاق و انفس در این کشورها پرداخت. از آنجا که مرتضی مطهری، به منظور قدرشناسی از راشد، می‌خواست سخنرانی او ادامه یابد، تمام مدتی را که راشد به خارج از کشور رفته بود، مطهری به جای او از رادیو سخن می‌گفت. او از دانشجویان ممتاز راشد در دوره دکترا در دانشکده الهیات و معارف اسلامی نیز به شمار می‌آمد.

در صورت‌جلسه مورخ سه‌شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۲۸ شورای دانشکده علوم معقول و منقول موضوع سفر راشد برای معالجه مطرح شده است. در این جلسه، که به ریاست بدیع‌الزمان فروزانفر و با حضور استادان: سید محمد مشکوة، فاضل تونی، میرزامحمود شهبابی، محمدتقی مدرس رضوی، غلامحسین صدیقی، موسی عمید، امام جمعه تهران، و علی‌اکبر مجیدی فیاض تشکیل شد، در بخشی از مذاکرات چنین آمده است...

... «آقای رئیس دانشکده اظهار داشتند چون آقای راشد، به واسطه کسالت سختی که عارض ایشان شده بود، ناچار به مسافرت به خارج بودند و معلوم شد که وسایل مادی کافی در اختیار ندارند، برای حفظ شئون ایشان و دانشکده، مبلغ سی هزار ریال از وجوه پس‌انداز دانشکده به ایشان پرداخت شد که ظرف ده ماه این مبلغ را از حقوق ماهیانه ایشان به تدریج وصول کنیم. این عمل مورد تقدیر آقایان استادان قرار گرفت و آقای شهبابی پیشنهاد کردند که اگر ممکن باشد این مبلغ بلاعوض به ایشان واگذار شود و آقای رئیس دانشکده وعده کردند که در این خصوص مطالعه کنند و، اگر انجام این نظر ممکن باشد، اقدام کنند.»

راشد، طی یک دوره تحصیلات منظم و استوار و درک محضر بهترین‌ها از عالمان علم و عمل و مطالعات شخصی پیگیر و نیز حضور فعال در جامعه و سیر و سفر در بسیاری از نقاط داخل و خارج کشور، چنان شخصیتی جامع و جهان بین یافته بود که بتواند به اجتهاد خود عمل کند. او که با دلی آگاه و دیده‌ای روشن بین از خرقة اعصار و قرون غرق در خرافات خردستیز سر به در آورده بود، دردهای جامعه و عوامل عقب‌ماندگی ایرانیان را نیک می‌شناخت و درمانش را در بیانی شیوا و رسا و در خور فهم همگان یافته بود که بی‌هیچ پیرایه با مردم زمان خویش در میان می‌نهاد. راشد بر هر زشت و زیبایی که می‌دید انگشت رد یا قبول می‌نهاد. هیچ‌گاه بر آن نبود که وجیه المله نشود. اصالت ارشادها و خلق و خوی انسانی‌اش چنان که باید او را مقبول مردم ساخته بود و چنان بود که می‌نمود. هرگز ابا نداشت از این که با شاه یا گدایی سخن گوید. چون بر هر نقد و نظر خیرخواهانه در هر زمان و مکانی پای می‌فشرد، از همین رو بود که، در شرایط استثنایی سال ۱۳۴۰ ش که ورود به مجلس را در دفاع از حقوق مردم اقرب به ثواب می‌یافت، درخواست مردم تهران را در پذیرش نمایندگی آنان پذیرفت؛ اما با آن پیروزی و استقبال درخشان، آن گاه که آن مجلس را محلی مناسب برای اهداف خیرخواهانه نیافت، لحظه‌ای درنگ در آنجا را جایز نشمرد و باز به صف مردم بازگشت و آگاه و آرام تا آن گاه که زنده بود خدمات علمی و اجتماعی خود را دنبال می‌کرد. نکته گفتنی این که او، در مدت وکالت خود، مبلغی دریافت نکرد و زمانی هم که پس از استعفا به اصرار حقوق او را پرداخت کردند، تمام مبلغ را برای برادرش به تربت حیدریه فرستاد تا صرف هزینه احداث حمام بهداشتی گردد.

وقتی در سال ۱۳۳۴ دوره دکترا دانشکده علوم معقول و منقول افتتاح شد، راشد تدریس در آن دوره را نیز آغاز کرد. مهدی محقق درباره آن سال‌ها می‌گوید: «من و شماری چند از دانشجویان، از جمله شیخ ابراهیم آیتی بیرجندی، حسن ملکشاهی، عباس مهاجرانی، علینقی منزوی، سیدعلی موسوی بهبهانی، علیرضا فیض و سید جعفر سجادی در درس اسفار ملاصدرا، که راشد تدریس می‌کرد، حاضر می‌شدیم. او به روش دوره‌های عالی دانشگاه‌های غرب درس را به صورت سمینار اداره می‌کرد، یعنی دانشجویان را در قرائت متن و شرح و گزارش آن شرکت می‌داد؛ در حالی که استادان دیگر به صورت متکلم و حده، از آغاز تا انجام درس خود، مطلب را به صورت خطابه القای می‌کردند. او، در یکی از مباحث که با دانشجویان شور می‌کرد و شقوق مطالب را بیان می‌داشت، رو به دانشجویان می‌گفت: اگر شما هم دکترا نشوید، من

بالاخره با این موشکافی‌ها و القای شکوک و شبهات در مطالب این کتاب دکترا خواهم شد!

در همان ایام و پس از آن که ما با شماری از استادان و دانشمندان ظهرهای چهارشنبه در تالار زیر ساعت مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) جمع می‌شدیم و به بحث‌های گوناگون علمی، ادبی، فلسفی و تاریخی می‌پرداختیم، راشد و سید کاظم عصار، هر چند که در ناهار شرکت نمی‌کردند، ساعتی پیش از ناهار با ما به بحث و گفتگو می‌پرداختند. محیط طباطبایی، مرتضی مطهری، احمد آرام، احمد راد، شیخ محمدعلی حکیم، شیخ عبدالله نورانی، سیدجعفر شهیدی، احمد مهدوی دامغانی و سیدعلی موسوی بهبهانی در میان این جمع بودند و آنچه راشد در مباحثات و مفاوضات بیان می‌داشت، واقعا، فصل‌الخطاب و سخن پایانی بود.

مرحوم راشسد در منصب کرسی تدریس و مدیریت گروه فلسفه و حکمت دانشکده همچنان به خدمات ارزنده خود اشتغال داشت تا در ۱۳۴۵ بازنشسته شد و از آن پس، تا دو سالی پیش از درگذشت، تدریس همین درس را در مدرسه عالی سپهسالار ادامه داد.

راشد، در ۲۹ مهر ۱۳۴۶، طی حکمی از طرف رئیس دانشگاه تهران به سمت استاد ممتاز دانشگاه تعیین شد. راشد ۶ آبان دچار سکتة مغزی شد و نیمه شب ۷ آبان درگذشت. ناگفته نماند که یکی از چشم‌هایش به علت کثرت مطالعه آسیب دیده بود.

سیدجعفر شهیدی آخرین خاطره‌اش را از راشد به یاد می‌آورد: «عصر روزی که فردایش راشد به جوار حق رفت، به عیادت او رفتم. نگاهم به اطراف خانه دوخته شد، شگفتا که، پس از سی سال، اثاث خانه همان بود که در خانه کوچه مدرسه سپهسالار دیده بودم، با این تفاوت که از دو قطعه قالی کدایی جز تارهای نخ و از شش صندلی چوبی جز چهارچوبه‌های تق و لق چیزی باقی نمانده بود.»

شگفتا از بازی روزگار، دانشکده‌ای که راشد در آنجا سال‌ها عمر عزیز خود را در طریق تعلیم و تربیت بهترین استعدادها سپری ساخته بود، سال‌ها پس از درگذشت راشد، در نشریه سال ۱۳۶۵ ش خود، در خلال نام استادان درگذشته، به همین بسنده کرده که بنویسد: «حاج شیخ حسینعلی راشد، ولادت ۱۲۸۴ ش، تربت حیدریه، درگذشت ۱۳۵۹ ش».

استاد حجتی کرمانی به یاد او می‌نویسد: راشد خطیب، استاد دانشگاه و سخنگوی مذهبی‌ای که نود و نه درصد (نگویم صد درصد) ملت ایران او را می‌شناختند و با آهنگ صدای او آشنا بودند و درعین حال ناشناخته ماند و غریبانه به جوار حق پیوست. مرتضی مطهری علاقه بسیاری به راشد داشت و پس از انقلاب اسلامی اصرار داشت که سخنرانی‌های او از رادیو پخش شود. اگر مطهری زنده بود، نمی‌گذاشت مرگ راشد این گونه غریبانه صورت گیرد و حق او به کلی ناشناخته و نادیده بماند.

استاد حجتی کرمانی می‌نویسد: «راشد بر بسیاری از ما حقی دارد. بر خود من، که این سطور را می‌نویسم، حقی فراوان دارد. من شاگردی او را کرده‌ام، نه در دانشگاه، بلکه شب‌های جمعه از رادیو. نمی‌توانم حساب کنم چقدر، ولی مسلما متجاوز از دویست جلسه از سخنرانی این دانشمند عارف فیلسوف را به دقت گوش کرده‌ام.

او نه در پی پول و مقام بود و نه کارش از سر فرصت‌طلبی و شهرت‌خواهی بود. این برای همه کسانی که با زندگی و افکار راشد آشنایی داشته‌اند چیزی است روشن و انکارناپذیر. نیت حقیقی اشخاص، بی‌پرده و روشن، در قیامت معلوم می‌شود و اجر هیچ کس پیش خدا ضایع نخواهد شد، هر چند مرد دانشمند، فیلسوف، عارف و آزاده‌ای چون راشد غریب و بی‌خبر به خاک سپرده شود. فردای قیامت اگر دیدید او با مطهری و طالقانی در بهشت باهم قدم می‌زنند تعجبی ندارد.»

راشد گاهی به تقنن شعر می‌سرود. حبیب یغمایی، که



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

نظر می‌رسد. تألیف این کتاب، در زمانی که مخالفان فلسفه، در مخالفت و تقابل با مدرسان فلسفه، آنها را تا حد کافر و ضد دین معرفی می‌کردند، خود جرأت و جسارتی خاص را می‌طلبید. معرفی این شاخه از علوم اسلامی، که سال‌ها زیر چتر دروس دیگر مخفی و مستور مانده بود، نیز شهامتی ویژه می‌خواست که راشد با آگاهی از وجود چنین تبعاتی به سراغ این کار رفت و به راستی توفیق یافت نسلی را که به سخنان جذاب و شیرینش خو گرفته و با آن بزرگ شده بود با گوشه‌ای دیگر از معارف بشری و دست‌آوردهای علمی و توانایی‌های خویش آشنا سازد.

در گزینه نشر فارسی از راشد یاد شده و نمونه‌ای از نشر او در آن کتاب آمده است.

از راشد، علاوه بر مجموعه سخنرانی‌هایی که در رادیو ایران ایراد کرده بود، چند کتاب و تعداد زیادی مقاله و متن سخنرانی به جا مانده است.

از آثار او: دو فیلسوف شرق و غرب، ملاصدرا و اینشتین؛ سخنرانی‌ها در رادیو؛ فلسفه عزاداری سیدالشهدا یا سخنرانی‌های دهه محرم در رادیو ایران؛ اسلام و قرآن؛ فضیلت‌های فراموش شده؛ تفسیر قرآن، سوره حمد و بقره.

دست و پای جمله را بریست و کوچیدن گرفت شد هوا صاف، آسمان آبی و خورشید آشکار آفتاب عالم آرا باز تابیدن گرفت آب‌ها را هم زمین کم‌کم به کام اندر کشید زان به دامن و برش بس سبزه روییدن گرفت ***

که چنین و گه چنان، این است اوضاع جهان از ازل گردون بر این منوال چرخیدن گرفت از درشتی نرمی و از قهر لطف آمد پدید چشمه حیوان ز سنگ خاره جوشیدن گرفت پس خوش‌شان کس که در سختی و غم خود را بناخت بر امید روز بهتر باز کوشیدن گرفت در زمستان برد هجران را به پایان و بهار بار دیگر چون که سرو ناز بالیدن گرفت سست‌دل هرگز نگشت از مشکلی آمده به پیش آن که رادل سست شد مر پای لغزیدن گرفت گر که ناهموار و گر هموار او پیمود راه ماند پا برجای و زان رو حق پاییدن گرفت

راشد درباره چگونگی سرودن این شعر می‌نویسد: این ابیات در روز جمعه ۲۶ آبان ۱۳۴۶ گفته شد. آن روز در سرسرای خانه نشسته بودیم و ناهار می‌خوردیم، قطعه‌ای ابری را دیدم که بر فراز کوه برآمد و رعد و برق، رگبار و سیلابی پدید آورد که رودخانه تجریش پر آب گشت و عبور و مرور غیرممکن شد، اما پس از اندکی هوا آفتابی شد و مردم به راه افتادند.

کتاب دو فیلسوف شرق و غرب، که به بررسی موشکافانه نظریه‌های «حرکت جوهری» ملاصدرا شیرازی، حکیم برجسته و مشهور شرق، و نظریه اینشتین، دانشمند شهیر آلمانی می‌پردازد، علی‌رغم گذشت شصت سال از تألیف و انتشار آن، همچنان خواندنی و پربار به

قطعه شعری از او را با نام «باران، سیل، آفتاب» در مجله یغما به چاپ رسانده است، می‌نویسد: «حسینعلی راشد واعظ متبحر و سخنگوی معروف را همگان می‌شناسند و از دور و نزدیک به مواضع مستند و آموزنده وی گوش هوش فرا داده‌اند. آنچه مایه شگفتی است و مکتوم است این که وی شاعری باذوق و با استعداد است و به نظر می‌آید که اگر به سرودن شعر می‌پرداخت آثارش جاودانی‌تر بود.

قطعه‌ای را که مطالعه می‌فرمایید - و تحسین هم - از او و به خط دست او و به امضای او است که مجله یغما نخستین بار بی‌اجازه - و شاید بی‌میل او - به چاپ می‌رساند:

بر شد ابری تیره بر کوه و خروشیدن گرفت وز درون تیره‌اش برقی درخشیدن گرفت گویی‌ا دیوی ز زخم تازبانه آتشین در غریب آمد از آن کهسار لرزیدن گرفت یا که زاد اهریمنی طفلی ز آتش وز مخاض نعره زدن سان که هر دل زان هراسیدن گرفت سرنگون شد ناگهان دریایی از بالا به زیر وز بر که سنگ‌ها ز امواج غلتیدن گرفت سیل چونان ازدهایی خشمگین کف بر دهان بر زمین جاری شد و هر سوی پیچیدن گرفت در ره خود، هر چه از جان دارویی جان یافت، برد دوزخ آسا هر کجا رو کرد بلعیدن گرفت باد پیچان گشت و باران و تگرگ بی حساب بر در و دیوارها بی‌بکاک کوبیدن گرفت باد و باران، رعد و برق آمیخت باهم در فضا هر درخت و شاخ زان آهنگ رقصیدن گرفت کوی‌ها پر آب گردید و گذرها بسته شد چرخ بر بیچارگی خلق خندیدن گرفت قطعه‌ای ابری و رگباری و سیلابی چنین

یک زن دانشمند ایرانی نشان نخل آکادمیک فرانسه را دریافت کرد



سرویس فرهنگی - هنری: خانم دکتر نسرين معظمی مدیر گروه بیوتکنولوژی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران نشان نخل‌های آکادمیک را که یکی از با اعتبارترین و نادرترین نشان‌های کشور فرانسه و نمایانگر قدردانی این کشور از خدمات علمی شخصیت‌هاست، دریافت کرد.

نشان نخل آکادمیک به خاطر فعالیت‌های شایان خانم دکتر نسرين معظمی در زمینه بیوتکنولوژی و به منظور قدردانی از خدمات علمی وی از طرف نخست‌وزیر فرانسه توسط سفیر این کشور به وی اعطا شده است.

خانم نسرين معظمی دارای دکترای میکروبیشناسی پزشکی از دانشگاه لاوال کانادا است و طرح‌های متعددی در زمینه بیوتکنولوژی در ایران به اجرا درآورده است.

از جمله فعالیت‌های وی ایجاد مرکز بیوتکنولوژی و کلکسیون قارچ‌ها و باکتری‌های صنعتی و عفونی ایران است که به عضویت فدراسیون جهانی «میرسن» درآمده و به عنوان مرجع منطقه‌ای شناخته شده است. وی همچنین طرح‌هایی را در مورد حشره‌کش‌های میکروبی برای کنترل ناقلین مالاریا، آفات نباتی، گل جالیز و کنترل شته‌ها و آفات مکنده به اجرا درآورده است که مرحله نیمه صنعتی برخی از آنها به پایان رسیده و آماده تولید انبوه است.

دکتر معظمی همچنین مسئول ایجاد مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی دریای خلیج فارس واقع در منطقه آزاد قشم است که این مرکز با هدف پرورش صدف‌های مرواریدساز، ساخت دارو از آبزیان دریایی و بررسی نحوه تهیه دارو از مرجانی‌های دریایی خلیج فارس در پیوند استخوان و درمان یوکی استخوان در دست ساخت است و بزودی به بهره‌برداری خواهد رسید.

اعطای نشان نخل آکادمیک بیانگر قدردانی کشور فرانسه از شخصیت‌هایی است که خدمات استثنایی و قابل توجهی در زمینه پیشبرد زبان، فرهنگ، ادبیات و علوم انجام داده‌اند و به دانشمندان داخلی و خارجی اعطا می‌شود. در سال ۱۹۹۵ میلادی، شش شخصیت ایرانی در زمینه‌های فلسفی، پزشکی، ادبیات فرانسه، آموزش و پژوهش‌های علمی نامزد دریافت این نشان شده بودند.

شایان ذکر است نشان نخل‌های آکادمیک فرانسه از سال ۱۸۰۸ ایجاد شده و انتخاب نام نخل به مناسبت و به یادگار نخل‌ها و برگ‌هایی است که در یونان قدیم برای قدردانی و ادای احترام به برندگان مسابقات و قهرمانان بزرگ به هنگام عبورشان تکان داده می‌شدند. عنوان آکادمیک نیز به یادگار «آکادمی» یا مدرسه‌ای انتخاب شده که در قدیم توسط «افلاطون» فیلسوف یونانی ساخته شده است.

معرفی ۱۰ دانشمند زن برتر دنیا



بر نا مه بزرگداشت «زن در علم» که با حمایت سازمان یونسکو برگزار می‌شود، ماری کوری را به عنوان بزرگترین دانشمند در تمامی زمان‌ها انتخاب کرد.

به گزارش مهر، ماری کوری برنده جایزه نوبل فیزیک اتمی به عنوان بزرگترین دانشمند زمان انتخاب شد. محقق لهستانی‌الاصل که موفق به کشف پرتودرمانی برای درمان سرطان شده بود، با دریافت ۲۵ درصد از آرا از رقیب انگلیسی خود روزالین فرانکلین بیوفیزیکدان که در کشف دی‌ان‌ای نقش‌ی بسیار اساسی به عهده داشت، پیشی گرفت و به عنوان برترین دانشمند در جهان انتخاب شد.

راجر هافیلد سردبیر نشریه نیوساینتیست که این رتبه‌بندی توسط وی انجام گرفته است، در این باره گفت: این رأی‌گیری بر مبنای تأکید بر نیاز به بزرگداشت و توجه به دانشمندان زنی است که بنیانگذاران علوم مدرن به شمار می‌روند. در ادامه این رتبه‌بندی، هیپاتیا، دیم برنل، دکتر جین گودال، آرا، کنتس لاولس، لیز میتنر، دوروتی هادکین، سوفی ژرمن، ریچل کارسون، وریتا روی مونتاکلینی قرار دارند.

تقدیر رئیس جمهوری از ۵۰ تن از زنان نخبه کارآفرین و رزمنده به عنوان «بانوی بصیر»

سرور سیاسی - اجتماعی: همایش تجلیل از بانوان برگزیده و نخبه با عنوان «بانوی بصیر» روز گذشته با حضور رئیس جمهوری برگزار شد. به گزارش خبرنگار ما، در این همایش که در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا(س) و بزرگداشت مقام زن و روز مادر برگزار شد، دکتر محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری در سخنانی زن را مظهر مهربانی و معرفت و استخوان بندی اصلی استقرار و ثبات جامعه توصیف کرد و گفت: زنان مدیران واقعی جامعه بشری هستند. رئیس جمهوری با بیان این که سخن گفتن از حضرت زهرا(س)، گفتن از همه خوبی‌ها و مهربانی‌ها است، به هدف خلقت اشاره کرد و گفت: خدا انسان را خلق کرد تا خدایی شود و بالاترین و بزرگترین نعمت را که زندگی این جهانی است در اختیار او قرار داد تا از بسستر این جهان به سوی خدا پر بکشد و همه اسمای الهی را در وجود خود متجلی کند.

رئیس جمهوری با بیان این که برای رسیدن به کمال، به عشق نیاز است، خمیر مایه خلق انسان را عشق ذکر کرد و گفت: بی‌مهر و محبت، انسان و انسانیت بی‌معنی است. وی با بیان این که همه ارزش‌های تاریخ و زندگی انسان مبتنی بر محبت است به یادآوری مجاهدت‌های رزمندگان برای آزادی خرمشهر پرداخت و این پرسش را مطرح کرد که آیا این مجاهدان جز عشق به انسان و ارزش‌های الهی و انسانی، هدف دیگری داشته‌اند. وی تأکید کرد: اگر محبت و عشق به خانواده و جامعه بشری از جهان برچیده شود، هیچ نخواهد ماند. رئیس جمهوری معرفت را دومین عنصری ذکر کرد که برای رسیدن به کمال ضروری است و گفت: انسان بی‌معرفت، انسان بی‌شناخت، انسانی که نسبت به خود، عالم هستی و مسیر حرکت معرفت ندارد، انسانی که نسبت به روابط خلقت و موجودیت انسان معرفتی ندارد، قادر نخواهد بود در مسیر کمال حرکت کند.

احمدی نژاد با اشاره به این که لقب حضرت زهرا(س) کوثر است، کوثر را محبت و معرفت معنی کرد و گفت: محبت و معرفت بی‌پایان، زاینده، جوشان، زلال و حرکت آفرین است. وی با بیان این که خداوند انسان را در حرکتی کمالی تنها نگذاشت، گفت: خداوند برای انسان هم الگو آفرید و هم راه را نشان داد.

وی با بیان این که الگو و راه هر دو یکی است، گفت: حضرت زهرا(س) هم راه است و هم الگو، وی نه فقط برای زنان و صالحان الگو است که برای یاران اهل بیت پیامبر(ع) و حتی برای امامان، پیامبر(ص) و علی(ع)، او هم راه است و هم الگو. احمدی نژاد فاطمه(س) را تجلی مهر و معرفت توصیف کرد و گفت: همه این عالم

مهرورزی و معرفت خلق شده است چرا که راه رسیدن به خدا، مهرورزی و معرفت است. رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنانش به جایگاه و مقام زن اشاره کرد و با یادآوری نگاه مکاتب مارکسیستی و سرمایه‌داری به زن، گفت: هم مارکسیست‌ها و هم نظام سرمایه‌داری با مبانی فکری خود و یکی با شعار عدالت و برابری و دیگری با شعارهایی دیگر، روح لطیف زن را خشکاندند و حقیقت وجود زن را زیر چرخ‌های توسعه طلبی و چپاول ثروت و فرهنگ ملت‌ها، له کردند. رئیس جمهوری با بیان این که نخستین اثر شعار برابری زن و مرد، له شدن زن است، تأکید کرد: در مسیر کمال و در اجرای عدالت همه برابرند ولی در مأموریت‌های انسانی، نه.

وی این پرسش را طرح کرد که چطور می‌شود نقش مادری را با سایر نقش‌ها یکی دانست؟ رئیس جمهوری نقش مادری را نقش انبیا و همه صالحان تاریخ توصیف کرد و گفت: اگر نقش مادری را از جامعه حذف کنیم، هیچ ارزش، کمال و زیبایی نمی‌ماند. احمدی نژاد با بیان این که سرچشمه همه خوبی‌ها از دامن مادر است، گفت: بزرگترین ظلم به زن این است که نقش آفرینی بی‌بدیل را از او سلب کنیم.

رئیس جمهوری برخی نقش‌ها را خاص زنان و برخی دیگر را ویژه مردان دانست و گفت: نقش‌های ویژه زنان انحصاری است و قابل حذف کردن نیست و اگر حذف شود، جامعه خواهد مرد. وی در عین حال تأکید کرد: در حوزه‌های مشترک، توانایی‌ها و استعدادها و صلاحیت‌ها تعیین کننده است و محدودیتی وجود ندارد.

رئیس جمهوری به محدودیت‌ها و ظلم تاریخی نسبت به زنان کشورمان اشاره کرد و گفت: در هر محیطی که زنان حضور جدی و با هدف داشته‌اند، آن محیط سرشار از پاکی شده است. وی با اشاره به عملکرد همکاران زن در دولت، آنان را از بهترین، لایق‌ترین و پرکارترین همکاران خود توصیف کرد.

پیش از سخنان رئیس جمهوری: خانم مجتهدزاده، مشاور رئیس جمهوری و رئیس مرکز امور زنان و خانواده و نهاد ریاست جمهوری هم در سخنانی به ارائه گزارشی از فعالیت‌های این مرکز در جهت سیاست‌های تحکیم خانواده پرداخت و به برخی اقدامات این مرکز مانند تشکیل ستاد ملی خانواده، تدوین سند راهبردی طوبا، برنامه جامعه توسعه امور زنان و خانواده، استخراج و طبقه‌بندی مطالبات زنان، راه‌اندازی پایگاه مطالبات زنان و تأسیس بانک اطلاعات جامعه آلاحادیث، اشاره کرد.

در ادامه این مراسم، رئیس جمهوری از ۵۰ تن از زنان برگزیده نخبه، شاعر، نویسنده، کارآفرین، حوزوی و رزمنده تقدیر و تندیس «بانوی بصیر» به آنان تقدیم کرد.

۱۳۹۳/۱۲/۱۹

انوشه انصاری، برنده جایزه پیشگامان فضا شد



جایزه ملی پیشگامان فضا در سال ۲۰۱۵ به دلیل خدمت به جامعه فضایی به انوشه انصاری تعلق گرفت.

به گزارش ایسنا، جامعه ملی فضا در آمریکا اعلام کرد این جایزه در کنفرانس جهانی توسعه فضا که در اواخر ماه میلادی آینده در تورنتو کانادا برگزار می‌شود، به انصاری اعطا خواهد شد. انوشه انصاری که نخستین فضانورد ایرانی و نخستین زن گردشگر فضایی به شمار می‌رود از پایه‌گذاران اصلی جایزه ۱۰ میلیون دلاری XPrize است که برای حمایت از تجاری‌سازی تحقیقات فضایی راه‌اندازی شده و نقش شایانی در ترغیب فعالیت‌های بخش خصوصی در حوزه فضا داشته است. موضوع این جایزه اختراع یک وسیله نقلیه فضایی جدید

است که بتواند از مدار زمین خارج شود و در مدت کمتر از دو هفته دوباره به مدار خارج از کره زمین مسافرت کند. انوشه انصاری، نخستین فضاگرد زن جهان، ۲۷ شهریور ماه ۸۵ به عنوان «سفیر فضایی» رهسپار فضا شد و بامداد هفتم مهرماه در حالی در استپ‌های سرسبز شمال قزاقستان بر سیاره مادری گام نهاد که طی ۱۱ روز حضور در فضا به واقع ثابت کرد همچنان که پیش از سفر اعلام کرده بود، صرفاً یک گردشگر فضایی نیست

۱۳۹۴/۶/۲

تجلیل از زنان موفق بانکدار ایرانی

زنان بانکدار ایرانی موفق در جشنواره بین‌المللی «ایران بانک ۲۰۱۲» در مراسم اختتامیه این جشنواره که از ۲۱ تا ۲۳ آبان با حضور بانک‌های سراسر کشور برگزار می‌شود، زنان بانکدار ایرانی موفق، تندیس بلورین دریافت خواهند کرد. در این خصوص زنانی که در هیأت مدیره بانک‌ها، دفاتر سرپرستی و معاونت بانک‌ها هستند، به جشنواره «ایران بانک ۲۰۱۲» معرفی می‌شوند و از تمامی بانک‌ها درخواست شده رزومه، تجربه و میزان عملکرد موفق این زنان را به جشنواره ارسال کنند و بر این اساس کمیته داوران تعدادی از این زنان را انتخاب کرده و مجدداً از میان آن هفت نفر را انتخاب و به سه نفر اول تندیس بلورین و لوح یادبود داده می‌شود.

۱۳۹۰/۱۲/۱۱

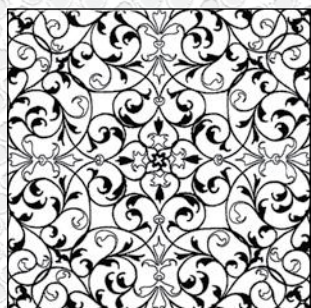
بانوی ایرانی کارآفرین برتر جهان اسلام

سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران اعلام کرد: بانوی ایرانی کارآفرین برتر جهان اسلام شد.



براساس گزارش بانک توسعه اسلامی، خانم فاطمه مقیمی برای پیشگام بودن در بخش فعالیت‌های بانوان کارآفرین در حوزه حمل و نقل و حمایت

از توسعه اقتصادی منطقه‌ای و ملی به عنوان برنده دریافت جایزه این بانک برگزیده شده است. در سی و هفتمین اجلاس سالانه هیأت عامل بانک توسعه اسلامی که ۱۴ و ۱۵ فروردین ۱۳۹۲ در خارطوم - سودان برگزار می‌شود، جایزه بانوان برگزیده اهدا خواهد شد. جایزه نقدی به مبلغ ۲۵۰۰۰ دلار و گواهینامه و یک نشان به خانم مقیمی به عنوان برنده اهدا خواهد شد. احمد محمدعلی، رئیس گروه بانک توسعه اسلامی با تبریک این موفقیت به وزیر امور اقتصادی و دارایی، اقدامات دولت ایران را در جهت حمایت از حضور و مشارکت بانوان در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور قابل تقدیر و تحسین برشمرد.



ویژه‌نامه نودین سال انتشار روزنامه اطلاعات

اطلاعات، دادگاه‌ها و محاکمات قضایی

* اخبار و گزارش‌های مربوط به محاکمات قضایی و تشکیل دادگاه‌ها، فصلی خواندنی از کتاب تاریخ معاصر در برهه ۹۰ ساله‌ی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران است. هر جا محاکمه معترضانی را سراغ گرفته‌ایم که حقیقتاً به وابستگی‌ها و کودتاها و استعمارگری‌ها و بیگانه‌پرستی‌ها و نفت‌خواری‌ها و دیکتاتوری‌ها و ستمگری‌ها و طاغوت‌پرستی‌ها و عدالت‌سوزی‌ها اعتراض داشته‌اند، به رأی‌العین دریافته‌ایم که فرجه و فرصتی گاه اندک و گاه بسیار برای بروز مظلومیت‌ها و مبارزه‌ها و مردمگرایی‌ها فراهم آمده است. هر جا پای اختلاس‌ها و قانونشکنی‌ها و افراط‌گرایی‌های ناروای دیگری در مسیر ضدیت با خواسته‌های مردم در میان بوده، باز هم فضایی فراهم آمده برای تأمل کردن و اندیشیدن و رخدادهای عبرت‌انگیز تاریخ معاصر را برای بحث و بررسی عالمانه و کارشناسانه مورد مذاقه و مطالعه قرار دادن. دادگاه‌های متفاوت و متضاد نیز مثل کابینه‌های متفاوت و متضاد، همواره محتاج معیارهای ملی و استقلالی و عدالت‌خواهانه‌ای بوده‌اند که فارغ جریان‌های حق و باطل است.



✱ پاییز ۱۳۳۲ش

محاکمه دکتر محمد مصدق

بعد از کودتای ۲۸ مرداد - رژیم شاه در یک دادگاه فرمایشی دکتر مصدق را محاکمه و به سه سال زندان با اعمال شاقه محکوم کرد. دکتر مصدق در دادگاه خطاب به رئیس دادگاه گفت:

« من ایرانی و مسلمانم و بر علیه هر چه ایرانیست و اسلامیت را تهدید کند تا زنده هستم مبارزه میکنم. »
 « تنها گناه من و گناه بسیار بزرگ من این است که صنعت نفت ایران را ملی کردم و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم ترین امپراطوری جهان را از این مملکت برچیدم. »





دکتر سید علی شایگان در جلسه دادگاه



بعد از کودتای ۲۸ مرداد، رژیم برکشیده و وابسته به استعمار به منظور تثبیت وضعیت خود اقدامات چندی را آغاز کرد که بازداشت طیف وسیعی از فعالان سیاسی و شخصیت‌های مطرح آن دوران در راس آنها بود. دولت فضل الله زاهدی به جز دکتر مصدق عده زیادی از همکاران و همفکران ایشان را نیز بازداشت کرد. در روز ۳۰ مرداد فرمانداری نظامی تعداد بازداشت شدگان را ۲۰۰ نفر اعلام کرد. موج دستگیری‌ها برای دست یافتن به

کسانی همچون دکتر فاطمی، دکتر شایگان، مهندس رضوی، مهندس حسینی و... همچنان ادامه یافت. با دستگیری دکتر فاطمی در ۶ اسفند ۱۳۳۲ و همچنین دکتر شایگان و مهندس رضوی، رژیم شاه در مهر ماه ۱۳۳۳ آنها را در دادگاه محاکمه کرد. دادگاه محاکمه این سه تن تا چهار جلسه علنی بود ولی بعد از آن غیرعلنی شد و فقط خبر نتیجه دادگاه در روزنامه‌ها اعلام شد. دادگاه رسیدگی به اتهامات آن سه نفر دکتر فاطمی را به اعدام و دکتر شایگان و مهندس رضوی را به حبس ابد محکوم ساخت. رای این دودر دادگاه تجدید نظر به سه سال کاهش یافت ولی حکم دکتر فاطمی مورد تأیید قرار گرفت و سید حسین فاطمی وزیر امور خارجه دکتر مصدق در سحرگاه ۱۹ آبان ۱۳۳۳ تیرباران شد.

به دلیل غیر علنی بودن اکثر جلسات دادگاه به جز یک عکس که در این جا آمده است و دکتر شایگان را در جلسه دادگاه نشان می دهد تصویر دیگری از جلسات دادگاه در دسترس نیست.



از چپ به راست: سرگرد و کیلی سرهنگ محمدزاده و کیلی مدافع سرگرد بهنیا و یک وکیل مدافع دیگر

از جمله سازمان‌های مرتبط با حزب توده سازمان نظامی آن بود. این سازمان که یک بار در اوایل دهه ۱۳۲۰ تشکیل و سپس منحل شده بود، بعد از غیر قانونی اعلام شدن آن در سال ۱۳۲۷ بار دیگر احیا و شروع به فعالیت کرد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد و تعقیب و بازداشت اعضای حزب توده و سازمان‌های وابسته به آن، ماموران فرمانداری نظامی تلاش کردند تا اعضای سازمان را شناسایی و بازداشت کنند. ولی تا تابستان ۱۳۳۳ در این زمینه موفق نبودند تا آن که سرانجام در روز ۲۱ مرداد ۱۳۳۳، سروان ابوالحسن عباسی، یکی از اعضای هیأت اجرایی سازمان نظامی حزب توده، با چمدانی پر از اسناد و مدارک دستگیر شد. وی زیر شکنجه ماموران فرمانداری نظامی اسرار سازمان را افشا و در نتیجه ظرف مدت کوتاهی نزدیک به پانصد نفر از اعضای سازمان شناسایی و دستگیر شدند. افسران و درجه داران سازمان مذکور ظرف مدت کوتاهی محاکمه و به مجازات‌های مختلف محکوم شدند. سرهنگ سیامک، سرهنگ مبشری، ستوان حجری، ستوان عمویی، مرتضی کیوان، سرگرد و کیلی و... از جمله این دستگیرشدگان بودند.

از حدود ۴۸۰ تن اعضای بازداشت شده سازمان، ۲۷ نفر به اعدام، ۵۳ نفر به حبس ابد، ۹۱ نفر به حبس ابد با کار، و بقیه به حبس‌هایی از یک تا پانزده سال محکوم شدند. عده ای هم موفق به فرار به خارج از کشور شدند. تعداد زیادی از این محکومین بعد از چندی با اظهار پشیمانی بخشوده شدند.



سرهنگ عزیز نمینی، سرهنگ عطارد نفر پنجم سرهنگ عزت الله سیامک، سرهنگ محمدعلی مبشر



از راست به چپ: سرهنگ عزیز نمینی، سرهنگ متقیان وکیل مدافع، سرهنگ عطارد متهم، سرهنگ ملک اکبری وکیل مدافع



ردیف اول از راست به چپ: سرهنگ عزیز نمینی، سرهنگ متقیان وکیل مدافع، ردیف دوم از راست: سرهنگ عطارد

* دی ۱۳۳۴

محاکمه اعضای فداییان اسلام

و تا ترور مخالفان ادامه داشت. احمد کسروی، عبدالحسین هژیر وزیر دربار وقت، سپهبد جاجعلی رزم آرا نخست وزیر، دکتر فاطمی وزیر امور خارجه و حسین علا نخست وزیر از جمله کسانی بود که هدف گلوله های فداییان اسلام قرار گرفتند. در آبان ماه ۱۳۳۴ مظفرعلی ذوالقدر از اعضای فداییان اسلام در مسجد شاه تهران تلاش کرد تا با تیراندازی حسین علاء نخست وزیر وقت را ترور کند. به دنبال این واقعه رژیم شاه سید مجتبی نواب صفوی و چند تن از یارانش را بازداشت و محاکمه کرد. دادگاه، نواب صفوی، سید محمد واحدی، خلیل طهماسبی و مظفرعلی ذوالقدر را به اعدام محکوم کرد. حکم صادره از سوی دادگاه از سوی دادگاه تجدید نظر تأیید و نواب و یارانش در سحرگاه ۲۷ دی ماه تیرباران شدند.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ و تشکیل احزاب و سازمان های متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و صنفی، نیروهای مذهبی نیز که در دوران پادشاهی رضاشاه به شدت تحت فشار و سرکوب قرار داشتند، به تدریج در عرصه عمومی حضور پیدا کردند و به فعالیت پرداختند. از جمله این نیروها، جمعیت فداییان اسلام بود که توسط طلبه ای جوان به نام سید مجتبی میرلوحی پایه گذاری شد. سید مجتبی میرلوحی که بعد از چندی به نام سید مجتبی نواب صفوی مشهور شد. هدف نواب صفوی از تشکیل فداییان اسلام مبارزه با تبلیغات غیر مذهبی و حملاتی بود که علیه اسلام رایج شده بود. نواب و یارانش در این مبارزه از هیچ گونه تلاش و کوششی خودداری نداشتند. مبارزه آنها در این راه از امر به معروف و نهی از منکر زبانی آغاز



از راست: تیمسار شایانفر، نواب صفوی و سید محمد واحدی

ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



ردیف جلو از راست: مظفر علی ذوالقدر، علی بهاری، یکی از وکلا، خلیل طهماسبی، و احمد عباس تهرانی. ردیف دوم: یکی از وکلا، محمد واحدی، تیمسار علی نقی شایان، نواب صفوی و اصغر عمری



ردیف جلو از راست به چپ: دو تن از وکلای مدافع مظفر علی ذوالقدر، علی بهاری، یکی از وکلا خلیل طهماسبی و تهرانی





* پاییز ۱۳۴۲

محاکمه حاج اسماعیل رضایی و طیب حاج رضایی



بعد از واقعه خونین پانزده خرداد ۱۳۴۲، رژیم شاه تعداد زیادی از فعالان سیاسی و نیز نیروهای مردمی را بازداشت و زندانی کرد. رژیم شاه برای توجیه کشتار بی رحمانه خود تلاش کرد تا با محاکمه و مقصر جلوه دادن عناصر مردمی، از خود سلب مسئولیت کند. رژیم تلاش کرد تا طیب حاج رضایی و حاج اسماعیل رضایی را که دوتن از سرشناسان میدان تهران بودند و در روز پانزده خرداد با برپایی دستجات سینه زنی به مناسبت عاشورای حسینی اقدام کرده بودند و ادوار کند تا به دریافت پول از رهبر انقلاب برای ایجاد بلوا در تهران اعتراف کنند. چون آن دو حاضر به اعتراف دروغ نشدند دادگاه نظامی آنها را به اعدام محکوم کرد. حکم اعدام حاج اسماعیل و طیب حاج رضایی در ۱۱ آبان ۱۳۴۲ به اجرا درآمد.

قرائت حکم دادگاه



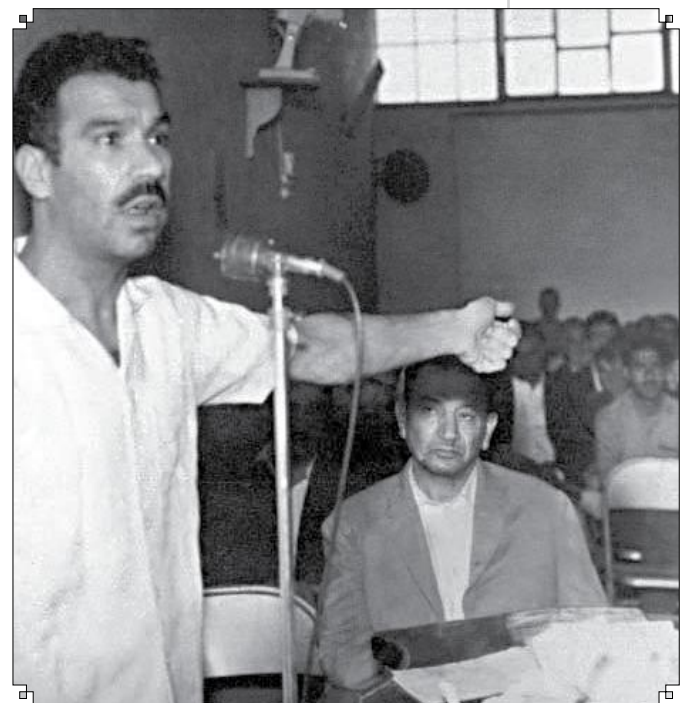
حاج اسماعیل رضایی در جلسه دادگاه

۱۳۳

نشسته از راست: حاج اسماعیل رضایی، تیمسار شایانفر، طیب حاج رضایی در جلسه دادگاه



از چپ: طیب، شایانفر و حاج اسماعیل رضایی





علینقی شایان فر وکیل مدافع مهندس بازرگان در دادگاه عادی ویژه نظامی. یدالله سحابی، عباس شیبانی و عزت الله سحابی

نهضت آزادی ایران در اردیبهشت ۱۳۴۰ توسط مهندس مهدی بازرگان، آیت الله سید محمود طالقانی، دکتر یدالله سحابی و چند تن دیگر از همفکرانشان تأسیس شد. از اول بهمن ۱۳۴۱ رژیم پهلوی به منظور ارباب و تهدید مخالفان خود بازداشت‌های گسترده‌ای را آغاز کرد. سران و فعالان جبهه ملی ایران و نهضت آزادی ایران و نیز فعالان جنبش دانشجویی از جمله بازداشت شدگان بودند. بعد از واقعه خونین ۱۵ خرداد بازداشت شدگان به تدریج آزاد شدند. ولی سران نهضت آزادی ایران با کشف پیش نویس اعلامیه‌ای که در زندان توسط مهندس عزت الله سحابی نوشته شده بود نه تنها آزاد نشدند بلکه در پاییز ۱۳۴۲ در دادگاه نظامی محاکمه و به حبس‌هایی از یک سال تا ده سال محکوم شدند. از جمله مهندس بازرگان و آیت الله سید محمود طالقانی به ده سال، دکتر عباس شیبانی به شش سال و عزت‌الله سحابی به چهار سال زندان محکوم شدند.



وسیزده نفر از آنها را در دادگاه نظامی محاکمه کرد. در دادگاه بدوی محمد بخارایی، مرتضی نیک نژاد، رضا صفارهرندی، صادق امانی به اعدام و نه نفر دیگر به زندان محکوم شدند. در دادگاه تجدید نظر علاوه بر چهار نفری که به اعدام محکوم شده بودند حاج مهدی عراقی و هاشم امانی نیز به اعدام و مابقی اعضا به حبس هایی از پنج سال تا ابد محکوم شدند. در جریان فرجام خواهی، تقاضای حاج مهدی عراقی و هاشم امانی مورد قبول قرار گرفت و حکم اعدام آنها به حبس ابد با اعمال شاقه تبدیل شد. همچنین، حبیب الله عسگراولادی، عباس مدرسی فر، حاج ابوالفضل حیدری و کافچی به حبس ابد، آیت الله محی الدین انواری به ۱۵ سال، احمد شهاب به ۱۰ سال و ایپکچی به ۵ سال زندان محکوم شدند. حکم صادره در باره محکومان به اعدام در ۲۶ خرداد به اجرا درآمد.

هیات های موتلفه اسلامی از به هم پیوستن سه هیات مذهبی به یکدیگر بعد از آغاز نهضت روحانیت در سال ۱۳۴۰ تشکیل شد. هیات موتلفه بعد از آغاز فعالیت ارتباط نزدیک و تنگاتنگی را با روحانیت و به ویژه آیت الله العظمی خمینی برقرار کردند و تلاش کردند تا با الهام از نظریات ایشان فعالیت کنند. در سال ۱۳۴۳ بعد از ارائه لایحه کاپیتولاسیون به مجلس از سوی حسنعلی منصور نخست وزیر وقت و سخنرانی شدید اللحن امام خمینی علیه وی که به تبعید ایشان به خارج از کشور منتهی شد، هیات های موتلفه نقشه ترور منصور را دنبال کردند تا آن که سرانجام در اول بهمن ۱۳۴۳ وی در مقابل مجلس شورای ملی در میدان بهارستان به ضرب گلوله محمد بخارایی به قتل رسید. در پی این اقدام، رژیم تعداد زیادی از اعضا و مرتبطان با جمعیت موتلفه اسلامی را بازداشت



دادگاه اعضا گروه ترور کننده حسنعلی منصور نخست وزیر ردیف اول از چپ به راست: سرهنگ شایان فر، شاهقلی الهیاری، رستگار ردیف دوم از راست به چپ: مهدی عراقی، صادق امانی، مرتضی نیک نژاد، رضا صفارهرندی و محمد بخارایی
ردیف سوم: نقی کلافچی، ابوالفضل حیدری، حبیب الله عسگراولادی، عباس مدرسی فر و هاشم امانی ردیف چهارم سمت چپ: احمد شهاب



دادگاه اعضای جامعه سوسیالیست های نهضت ملی ایران

* بهمن ۱۳۴۴ش



از راست: حسین سرشار، علیخان شانس، رضا شایان و خلیل ملکی

جامعه سوسیالیست های نهضت ملی ایران آخرین تشکلی بود که از سوی خلیل ملکی پایه گذاری شد. ملکی که از جمله اعضای گروه پنجاه و سه نفر واز موسسان حزب توده ایران بود، بعد از چندی راه خود را از حزب توده جدا کرد و در جریان نهضت ملی ایران به دکتر مصدق نزدیک شد. خلیل ملکی ضمن حفظ دیدگاه های سوسیالیستی خود راه مبارزه مسالمت آمیز با رژیم شاه را در پیش گرفت. با این حال بعد از خرداد ۱۳۴۲ رژیم شاه اندیشه های خلیل ملکی و یارانش را نیز تاب نیاورد. در ۲۸ مرداد ۱۳۴۴ ملکی به همراه علیخان شانس، میر حسین سرشار و رضا شایان دستگیر و در بهمن ماه آن سال محاکمه آنها در دادگاه عادی شماره ۳ ارتش آغاز شد. از جلسات این دادگاه فقط دفاعیات ملکی و پاسخ دادستان به او در روزنامه ها منتشر شد و شرح ماقوع دادگاه و دفاعیات سه نفر دیگر و حتی کیفرخواست دادستان نیز اجازه چاپ پیدا نکرد. این دادگاه ملکی و سه همفکر او را به حبس از یک تا سه سال محکوم کرد.

۱۳۵



خلیل ملکی در حال دفاع از اتهامات وارده در دادگاه

از راست: خلیل ملکی، رضا شایان، علیخان شانس و حسین سرشار



خلیل ملکی در حال امضای حکم دادگاه



در ۲۱ فروردین ۱۳۴۳ رضا شمس آبادی سرباز وظیفه عضو گارد جاویدان با تیراندازی به سوی محمدرضا پهلوی در کاخ مرمر تلاش کرد تا شاه را به قتل برساند. به دنبال این واقعه در حالی که شمس آبادی در آن ماجرا کشته شده بود، ماموران رژیم به بهانه تماسی که یکی از اعضای یک هسته کوچک از دانشجویان با شمس آبادی داشتند آنها را بازداشت و محاکمه کردند. یکی از اعضای این گروه پرویز نیکخواه از دانشجویان عضو کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم اروپا بود. به همین خاطر سروصدای زیادی پیرامون دادگاه برپا شد. نیکخواه بعد از چندی به دلیل همکاری با رژیم از زندان آزاد شد. احمد منصوری، حسن شریف احمد کامرانی، منصور پورکاشانی، فیروز شیروانلو، فره وشی و... از جمله افرادی بودند که به همراه نیکخواه محاکمه شدند.



از چپ: پرویز نیکخواه، احمد منصوری، حسن شریف، احمد کامرانی، منصور پورکاشانی، فیروز شیروانلو، فره وشی، محسن رسولی و منوچهر مقدم



قرائت رأی دادگاه درباره اعضای گروه ترور شاه ردیف دوم از چپ: نفر دوم پرویز نیکخواه، احمد منصوری، حسن شریف، احمد کامرانی، منصور پورکاشانی، فیروز شیروانلو و فره وشی.

ردیف اول وکیل مدافعان متهمین نشسته اند و پشت آنها از چپ پرویز نیکخواه، احمد منصوری، حسن شریف احمد کامرانی، منصور پورکاشانی و فیروز شیروانلو



سال تا ابد محکوم کرد. این احکام در دادگاه تجدید نظر نیز کما بیش تأیید شد. ولی حکم اعدام بجنوردی با تلاش و فشار مراجع به ابد کاهش یافت. ابوالقاسم سرحدی زاده، محمد جواد حجتی کرمانی، کاظم سیفیان، محمد سید محمودی، حسن حامد عزیزی و... از جمله اعضای این گروه بودند.



جواد منصوری، محمدعلی جمالیان، ناصر نراقی

حزب ملل اسلامی در اوایل دهه ۱۳۴۰ ش از سوی محمد کاظم بجنوردی تشکیل شد. بجنوردی با جذب تعدادی از جوانان علاقمند به مبارزه مسلحانه فعالیت های تشکیلاتی را آغاز کرد. حزب ملل اسلامی مبارزه با رژیم پهلوی را به سه مرحله تقسیم کرده بود: مرحله اول جذب نیرو، آموزش و تعلیمات سیاسی، مرحله دوم تدارک و تجهیز تسلیحاتی و آموزش نظامی و مرحله سوم قیام مسلحانه.

ولی در مهرماه ۱۳۴۴ کلیه اعضای حزب به جز دوتن که موفق به فرار شدند قبل از هر گونه اقدام علیه رژیم شاه بر اثر یک اتفاق از سوی نیروهای امنیتی شناسایی و ۵۵ تن از اعضای آن بازداشت و محاکمه شدند. خبر کشف حزب ملل و دستگیری اعضای آن سه ماه بعد از آن از سوی سرتیپ فرسیو معاون دادستان ارتش اعلام شد. شانزده روز بعد نیز دادگاه رسیدگی به اتهامات بازداشت شدگان آغاز به کار کرد. در کیفرخواست دادستان برای هشت نفر از بازداشت شدگان تقاضای اعدام و برای بقیه تقاضای زندان از سه تا ده سال شده بود.

سرانجام دادگاه بدوی بعد از ۲۱ جلسه که از ۱۷ بهمن تا ۱۴ اسفند ۱۳۴۴ به طول انجامید، کاظم بجنوردی را به اعدام و بقیه اعضای گروه را به حبس از یک



کاظم بجنوردی به همراه چند تن از اعضای حزب در دادگاه

دادگاه اعضای تشکیلات تهران حزب توده * ۱۳۴۵ ش

از اوایل دهه ۱۳۴۰ حزب توده تلاش کرد تا با ایجاد سازمانی در داخل کشور به فعالیت پرداخته و به همین منظور سازمانی در داخل کشور ایجاد و با جذب عده ای شروع به فعالیت کرد. از سوی هیات اجرایی حزب توده چهار نفر به نام های پرویز حکمت جو، علی خاوری، علی حکمتی و عباسعلی شهریاری برای رهبری این تشکیلات انتخاب شدند. در میان این چهار نفر شهریاری از مدتی قبل از آن به خدمت ساواک درآمده بود و بدین وسیله از همان ابتدا تشکیلات تهران تحت کنترل ساواک قرار گرفت. شهریاری در طول دهه ۱۳۴۰ تعداد زیادی از افرادی را که به قصد مبارزه با رژیم به این تشکیلات پیوستند تحویل ساواک داد. در ۳۱ فروردین ۱۳۴۵ ساواک پرویز حکمت جو و علی خاوری را به همراه شش نفر از اعضای آن بازداشت و محاکمه کرد. دادگاه مسئول رسیدگی به پرونده این عده ابتدا حکمت جو و خاوری را به اعدام و سپس با یک درجه تخفیف آنها را به حبس ابد و بقیه را به زندان محکوم کرد. حکمت جو پس از گذشت ده سال در زندان بر اثر شکنجه درگذشت.

تشکیلات تهران تا اواخر دهه ۱۳۴۰ به فعالیت خود تحت پوشش ساواک ادامه داد تا سرانجام رهبری حزب آن رامنحل کرد. شهریاری نیز در سال ۱۳۵۳ توسط چریک های فدایی خلق شناسایی و به قتل رسید.



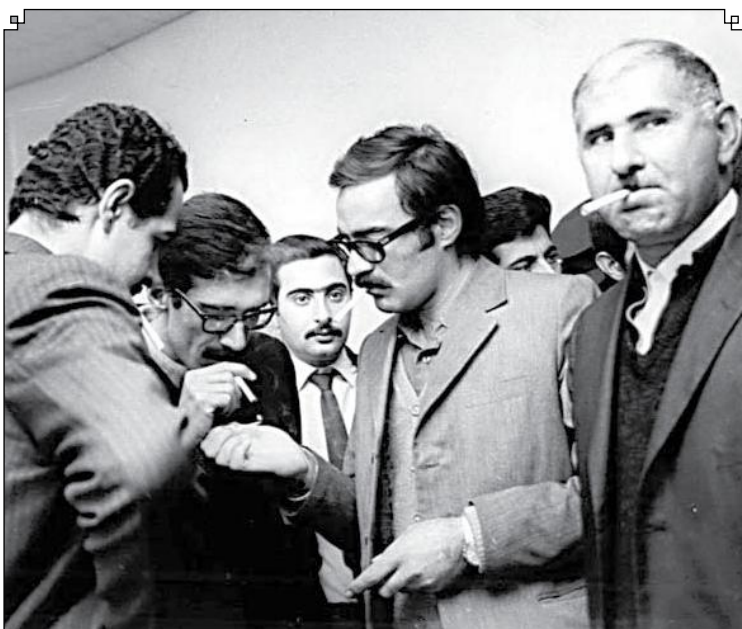
تشکیلات تهران حزب توده



چپ به راست: پرویز حکمت جو، علی خاوری، تقی معتمدیان، جعفر نجاریان و عبدالله محرم زاده



ردیف جلو و کلای مدافع-ردیف دوم از چپ: حکمت جو، خاوری، معتمدیان، نجاریان و محرم زاده



ایستاده از راست: عبدالله فاضلی، محمدرضا شالگونی، فرشید جمالی، سید محمد معزز و بهرام شالگونی بعد از ختم جلسه دادگاه



ردیف اول: احمد صبوری، انزابی نژاد، ناصر کاخ ساز و شکرالله پاک نژاد
ردیف دوم: نواب بوشهری، بهرام شالگونی، صلح دوست و سلامت رنجبر
ردیف سوم: محمدرضا شالگونی

گروه فلسطین ۱۳۴۹ش

هفتم دی ماه ۱۳۴۹ در روزنامه اطلاعات خبری مبنی بر تشکیل علنی جلسات محاکمه اعضای گروهی به نام فلسطین منتشر شد. در جلسات محاکمه دادگاه بدوی و تجدید نظر که تا پایان دیماه ۱۳۴۹ به طول انجامید هیجده نفر از اعضای این گروه محاکمه و به یک سال زندان تا حبس ابد محکوم شدند. اعضای گروه فلسطین پیش از هرگونه اقدام و حتی تعیین نام برای تشکیلات خود و در جریان برنامه ریزی برای اعزام نیرو به فلسطین جهت دوره آموزش چریکی از سوی نیروهای ساواک بازداشت شدند. دلیل معروف شدن آنها نیز تلاش برای رفتن به فلسطین بود. شکرالله پاک نژاد، حسین ریاحی و ناصر کاخ ساز سه تن از اعضای اصلی این گروه بودند که در دادگاه بدوی و تجدید نظر به حبس ابد محکوم شدند. اعضای گروه که در دادگاه محاکمه شدند عبارت بودند از: احمد صبوری کاشانی، عبدالله فاضلی، مسعود بطحایی، هاشم سگوند محمدرضا شالگونی و.. از جمله دیگر اعضای این گروه بودند.

۱۳۸



ردیف جلو: وکیل مدافعین - ردیف دوم از چپ: احمد صبوری، ناصر کاخ ساز، مسعود بطحایی، شکرالله پاک نژاد و هاشم سگوند - ردیف سوم از چپ: هدایت الله سلطان زاده (نامعلوم) بهرام شالگونی، داود صلح دوست (نامعلوم) و ناصر رحیم خانی - ردیف چهارم از چپ: محمد رضا شالگونی، ناصر جعفری



شکرالله پاک نژاد در حال قرائت دفاعیه در دادگاه

در بهمن ۱۳۵۰ روزنامه ها از محاکمه اعضای گروهی با نام «گروه ۲۰ نفره» خبر دادند رهبر این گروه علی رضا شکوهی بود. محمد احمدیان، حسین هاشمی، عبدالله رضوی و فرج سرکوهی از جمله دیگر اعضای این گروه بودند. چهار تن از اعضای این گروه در دادگاه بدوی به اعدام و بقیه به حبس هایی از سه تا ده سال محکوم شدند ولی این رای در دادگاه تجدید نظر شکسته شد و محکومان به اعدام به حبس ابد محکوم شدند.



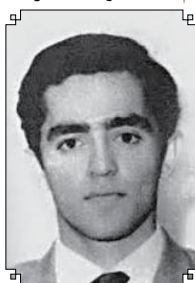
❁ از چپ به راست: علی مهدی زاده، فرج سرکوهی، عبدالله رضوی، عماد محمد احمدیان، علی رضا شکوهی

❁ ردیف اول از چپ به راست: محمد فارسی و هادی غبرایی
ردیف دوم: عادل خمسه ای، هیبت الله طیب غفاری

سازمان مارکسیستی فدایی خلق

❁ بهمن ۱۳۵۰

❁ مسعود احمدزاده

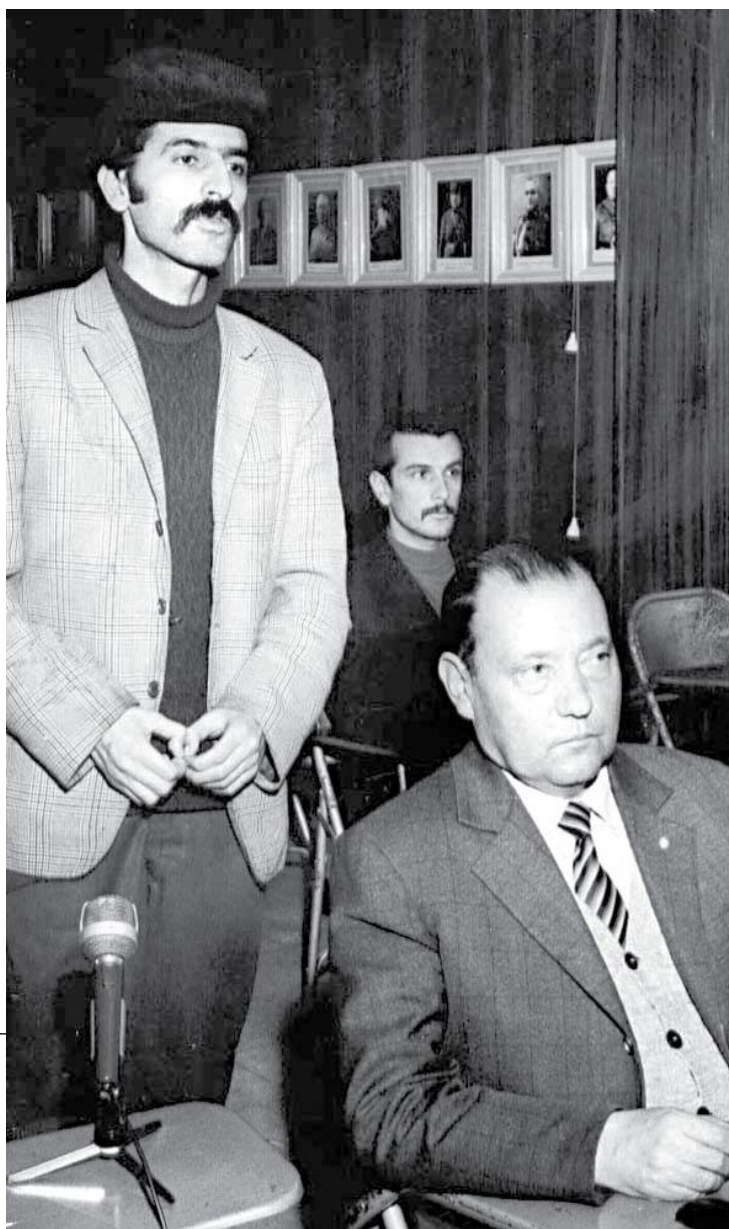


سازمان چریک های فدایی خلق به عنوان یک سازمان کمونیستی مسلح، در فروردین ۱۳۵۰ از به هم پیوستن دو گروه «جزنی- ضیا ظریفی» و «احمدزاده- پویان» تشکیل و اعلام موجودیت کرد.

چریک های فدایی خلق دو ماه قبل از اعلام موجودیت با حمله به پاسگاه سیاهکل در گیلان به مقابله مسلحانه با رژیم شاه رفته بودند. رژیم شاه در

اسفند همان سال سیزده تن از چریک های دستگیر شده و دوازده تن از آنها را به اعدام محکوم کرد. نیروهای باقی مانده چریک ها نیز به تلافی این اقدام رژیم در فروردین ۱۳۵۰ با ترور سرتیپ فرسیو و حمله به کلانتری قلعهک و به دنبال آن مصادره موجودی یک شعبه بانک به رژیم پاسخ دادند. این اقدام موجب شد رژیم برای شناسایی و بازداشت چند تن از نیروهای شناخته شده سازمان اقدام به انتشار نام و عکس های آنها کرد. به دنبال تشدید برخوردهای چریک های فدایی باماموران رژیم در سال ۱۳۵۰ تعدادی از اعضای سازمان در درگیری مسلحانه کشته و عده ای نیز بازداشت شدند. در بهمن ۱۳۵۰، ۲۳ نفر از اعضای چریک های بازداشت شده در دادگاه محاکمه شدند که مسعود و مجید احمدزاده، عباس و اسدالله مفتاحی، حمید توکلی، سعید آرین علی اصغر ایزدی، عبدالرحیم صبوری و... از جمله آنها بودند. در این دادگاه، مسعود و مجید احمدزاده، عباس و اسدالله مفتاحی، حمید توکلی و سعید آرین به اعدام و ۱۷ نفر دیگر به زندان از ۳ سال تا حبس ابد محکوم شدند. سازمان چریک های فدایی که با عملیات سیاهکل در بهمن ۴۹ وارد مرحله اقدام شده بود، پنج سال بیشتر دوام نیاورد و به دلیل عدم حمایت مردم ایران، در برابر ضربات رژیم شاه فروپاشید.

❁ عباس مفتاحی (ایستاده) و نقی حمیدیان (نشسته- پشت سر وی)





آرین سوالونی، آژنگ ارض پیم، حاجیان



ردیف جلو نشسته از چپ: ناصر صادق، علی محمد بازرگانی، منصور بازرگان و مهدی فیروزیان. ردیف دوم نشسته از راست: مصطفی ملایری و مسعود رجوی

کامل شده‌اند. آنگاه همزمان رفقای رقیب خود را کشتند و حتی جنازه همسنگرشان (مجید شریف‌واقفی) را با قساوت تمام عیار در مسکرا آباد تهران سوزاندند. این سازمان که در اوایل سال ۵۰ به تقلید از سازمان چریک‌های فدایی خلق وارد اقدام مشابه شده بود، به دلیل عدم حمایت مردم ایران و مخالفت مبارزان مسلمان چهار سال بیشتر دوام نیاورد و در برابر ضربات وارده از سوی رژیم شاه و بر اثر اعترافات اعضای کادر مرکزی‌اش در سال ۵۵ - ۵۴ فرو پاشید.



ردیف اول: ناصر صادق و علی میهن دوست
ردیف دوم: حسن راهی و مسعود رجوی

سازمان مارکسیستی مذهبی مجاهد خلق * بهمن ۱۳۵۰ش

در شهریور ۱۳۵۰ ساواک با یورش‌های همه جانبه تعداد زیادی از خانه‌های تیمی سازمان مجاهدین خلق را که مثل سازمان کمونیستی فدایی خلق دارای مشی کمونیستی و مبتنی بر ترور اما در قالب گرایش‌های مذهبی بود مورد هجوم قرار داد و نزدیک به هفتاد نفر از رهبران و اعضای این سازمان را بازداشت کرد. این بازداشت‌ها در پاییز آن سال نیز ادامه پیدا کرد. بازداشت شدگان در دادگاه نظامی محاکمه شدند. از جمله یازده تن از اعضا که در میان آنها چهار عضو کادر مرکزی نیز حضور داشتند از ۲۵ تا ۳۰ دی ۱۳۵۰ محاکمه شدند. در این میان فقط خبر برگزاری دادگاه این یازده تن در روزنامه‌ها منعکس شد و درباره سایرین و از جمله بنیان‌گذاران سازمان تنها خبر اعدام آنها در جراید منتشر شد. در این دادگاه ناصر صادق، محمد بازرگانی، علی میهن دوست و مسعود رجوی به اعدام و بقیه به حبس‌هایی از سه سال تا ده سال محکوم شدند. حکم رجوی نیز با دخالت شاه به حبس ابد کاهش یافت. منصور بازرگانی، مهدی فیروزیان، حسن رای، مصطفی ملایری، محمدتقی شهرام، محمد غرضی و... از دیگر کسانی بودند که در این دادگاه محاکمه شدند.

افراد این سازمان که در آن ایام آمریکایی‌ها را ترور می‌کردند و به همگامی با شوروی (روسیه) مفتخر بودند خود به دو گروه متخاصم تقسیم شده و به روی یکدیگر اسلحه کشیدند. کسانی که خود را مارکسیست تمام‌عیار می‌خواندند با انتشار بیانیه رسمی اعلام کردند که پوسته مذهبی را دور انداخته و کمونیست



ردیف جلو نشسته از راست: مهدی فیروزیان، منصور بازرگان و علی میهن دوست
ردیف دوم نشسته از چپ: منصور رجبی و مصطفی ملایری

محاکمه خود جلب کند. او با استفاده از علنی بودن جلسات دادگاه و حضور خبرنگاران خارجی جلسات دادگاه را به صحنه‌ای برای افشای جنایات رژیم تبدیل کرد. دادگاه نیز او را به سه بار اعدام محکوم کرد. مهدی رضایی در سحرگاه ۱۶ شهریور ۱۳۵۱ اعدام شد. یکسال پس از اعدام رضایی، سران مارکسیست در سازمانی که وی به آن وابسته شده بود، اعلام کردند که پوسته مذهب را دور انداخته‌اند و هرگونه مقاومت مذهبی را درهم خواهند کوفت. این سازمان در سال ۵۵ - ۵۴ کاملاً فرو پاشید.

مهدی رضایی متولد ۱۳۳۲ توسط برادرش احمد رضایی به سازمان مارکسیستی مذهبی مجاهدین خلق که دارای مشی مسلحانه و ضد امپریالیستی (آمریکایی) در آن ایام بود، پیوست. وی در چند عملیات چریکی علیه نیروهای وابسته به رژیم و نیز انفجار مجله ضد اخلاقی «این هفته» شرکت داشت. مهدی رضایی پس از یک درگیری مسلحانه با عوامل ساواک در خیابان خورشید تهران به هلاکت رساندن یکی از افسران ساواک بازداشت و تحت شکنجه قرار گرفت. مهدی رضایی توانست موافقت مقامات امنیتی را برای برگزاری علنی جلسات



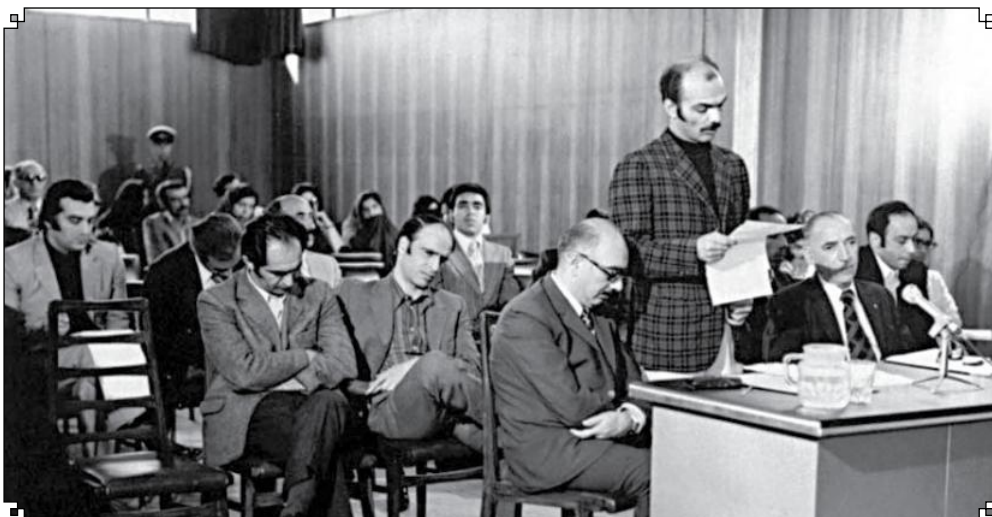
گروه منوچهر (سیروس) نهانودی * خرداد ۱۳۵۲

منوچهر (سیروس) نهانودی از اعضای سازمان انقلابی حزب توده ایران بود که در اواخر دهه ۱۳۴۰ به ایران آمد و سازمان آزادیبخش خلق های ایران را تشکیل داد. نهانودی چندی بعد از شروع به فعالیت و جذب عده ای به سازمان خود در تور نیروهای امنیتی قرار گرفت و پس از بازداشت به خدمت ساواک درآمد. ساواک پس از همکاری نهانودی، او را از زندان فراری داد و او در خارج از زندان فعالیت خود را از سر گرفت. بعد از مدتی تعدادی از اعضای گروه که بعضی از آنها از خویشاوندان نهانودی بودند دستگیر و محاکمه شدند. در دادگاه بدوی شش نفر از آنها به اعدام و بقیه به زندان محکوم شدند. در دادگاه تجدید نظر حکم محکومان به اعدام نیز به زندان کاهش یافت. سیمین نهانودی، رحیم بنانی، کورش یکتایی، احمد گیفانی و... از دیگر اعضای این گروه بودند.



منوچهر نهانودی در دادگاه نظامی





نعمت الله عیوض محمدی لایحه دفاعیه خود را قرائت می کند. پشت وی از چپ: رحیم بنانی و منوچهر نهاوندی و کوروش یکتائی دیده می شوند.



سیمین نهاوندی در حال قرائت لایحه دفاعیه - پشت وی وکیل مدافعان و از چپ: اکبر ایزدپناه، نعمت الله عیوض محمدی، رحیم بنانی، منوچهر نهاوندی، احمد گیقانی و کوروش یکتائی

گروه خسرو گلserخی

* بهمن ۱۳۵۲

بهمن ۱۳۵۲ محاکمه دوازده تن در دادگاه نظامی به اتهام تلاش برای توطئه علیه شخص شاه آغاز شد. این عده در حالی به این اتهام بازداشت و محاکمه شدند که در واقع امر یک گروه واحد نبودند و اهداف یکسانی را دنبال نمی کردند. و علاوه بر آن هیچ کدام نیز عمل خاصی انجام نداده بودند. طرح ترورشاه و یا گروگان گیری ولیعهد و فرح پهلوی نیز تنها در ذهن چند تن از این افراد پروانده شده بود. با این حال بعد از تلاش چند تن از آنها برای دستیابی به اسلحه، ساواک آنها را بازداشت و محاکمه کرد. در جلسات دادگاه، اعضای گروه که دو خانم و ده نفر مرد بودند، همه افراد به جز کرامت الله دانشیان و خسرو گلserخی با اظهار ندامت از افکار و اعمال کرده و ناکرده خود از شاه تقاضای بخشش کردند. ولی دانشیان و به ویژه گلserخی که اتفاقاً کمتر از دیگران در جریان اهداف تهیه کنندگان اسلحه و طرح آنها قرار داشتند مردانه بر سر مواضع خود ایستادند و ضمن دفاع از آرمان های خود جان بر سر آن نهادند. از آن پس گروه به نام گروه گلserخی و دادگاه نیز به همین نام معروف شد. در حالی که گلserخی کمترین نقش و رابطه را با طراحان قضیه داشت. شکوه فرهنگ بعد از بازداشت برای رهایی از فشار ماموران نام گلserخی و مقدم سلیمی را بی هیچ دلیلی بر زبان آورده بود.



ردیف جلو از راست: کرامت الله دانشیان. نفر دوم: خسرو گلserخی. نفر چهارم: طیفور بطحائی



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



خسرو گل سرخی در جلسه دادگاه دفاعیه خود را قرائت می کند.
ردیف جلو نشسته از راست: عباسعلی سماکار، کرامت الله دانشیان، منوچهر مقدم سلیمی و وکلای متهمان



۱۴۳

شکوه فرهنگ به سئوالات رئیس دادگاه پاسخ می دهد.
ردیف جلو از راست: کرامت الله دانشیان، منوچهر مقدم سلیمی، خسرو گل سرخی، طیفور بطحائی و وکلای متهمان (سروان هاشم نیابتی سمت چپ)



کرامت الله دانشیان در جلسه دادگاه تجدید نظر دفاعیه خود را قرائت می کند.
ردیف جلو از راست: عباسعلی سماکار سروان هاشم نیابتی، به اتفاق دو وکیل دیگر متهمان
ردیف دوم از راست: ایرج جمشیدی و ابراهیم فرهنگ

در نتیجه ایرج ابراهیمی، بهمن رضایا، غلامرضا بهار دوست به حبس ابد و بقیه به حبس هایی از سه تا پانزده سال محکوم شدند. لیلی نوربخش، اکبر ایزدپناه و... از اعضای این گروه بودند.

اعضای این گروه که در راس آنها ایرج ابراهیمی بود در دهه ۱۳۵۰ به منظور مبارزه با رژیم شاه گردهم آمدند. ولی پیش از هرگونه اقدام شناسایی و بازداشت شدند. جلسات محاکمه اعضای گروه در فروردین واردیبهشت ۱۳۵۶ برگزار شد.



با اوج گیری تظاهرات مردمی علیه رژیم پهلوی و درگیری مردم و نیروهای نظامی در خیابان ها هر روزه تعداد زیادی از مردم بازداشت و به زندان روانه شدند. عده ای از این بازداشت شدگان بدون محاکمه، عده ای در دادگاه های غیر علنی وعده ای نیز در دادگاه های علنی محاکمه شدند. احکام دادگاه ها در این مقطع عموماً سبک بود و بازداشت شدگان بعد از مدت کوتاهی از زندان آزاد می شدند. عکس های این قسمت به جلسات دو گروه از این بازداشت شدگان اختصاص دارد.

گروه اول دانشجویان و بازداشت شدگانی هستند که در ساری محاکمه شدند و گروه دوم در تهران محاکمه شده اند.

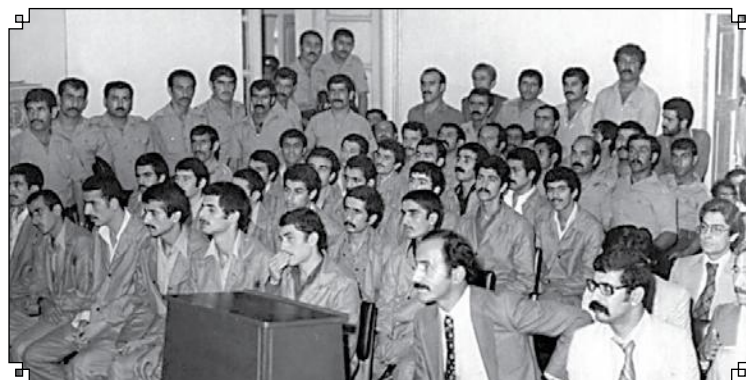


ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

محاكمة دانشجویان و تظاهرات کنندگان، تابستان ۱۳۵۷



چندتن از وکلای دانشجویان مبارز نیز از جمله صدر واثقی (مؤلف کتاب سید جمال الدین حسینی پایه گذار نهضت های اسلامی) در جلسات دفاع از دانشجویان متهم حضور دارند



۱۴۵

* فروردین ۱۳۵۸

محاكمة امیر عباس هویدا

امیر عباس هویدا نخست وزیر رژیم شاه از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ در تابستان ۱۳۵۶ بعد از سیزده سال نخست وزیری جای خود را به جمشید آموزگار داد. هویدا بعد از کناره گیری از سمت نخست وزیری به سمت وزیر دربار منصوب شد. وی در ماه های پایانی رژیم شاه به اتهام فساد و به عنوان اینکه ناسامانی ها و نارضایی های دهه پنجاه محصول مدیریت او بوده است، دستگیر و زندانی شد. هویدا بعد از سقوط رژیم شاه و پیروزی انقلاب اسلامی در دادگاه انقلاب محاکمه و به عنوان مفسد فی الارض به اعدام محکوم شد.



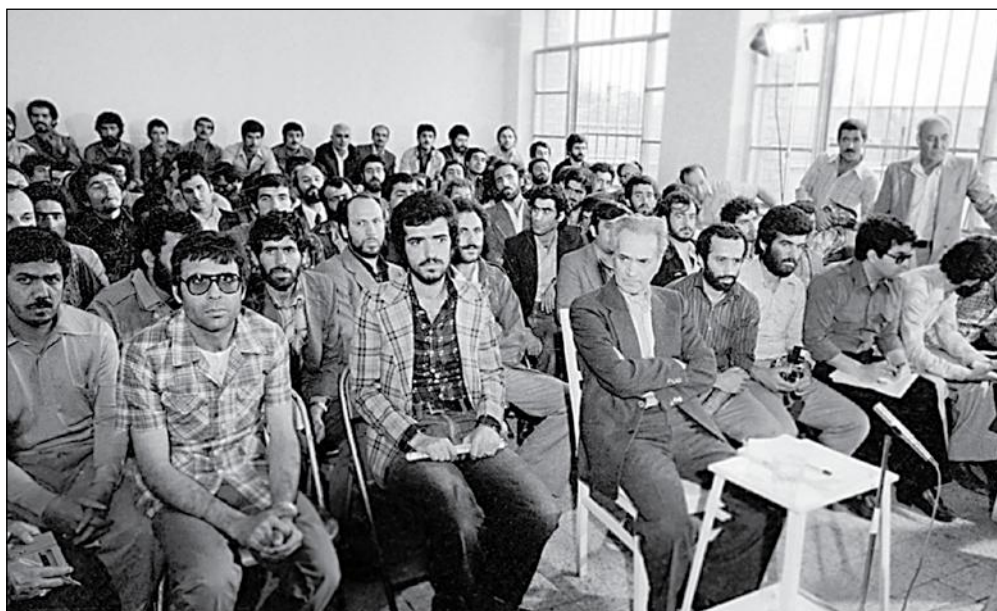


امیرعباس هویدا به سئوالات رئیس دادگاه پاسخ می‌دهد.

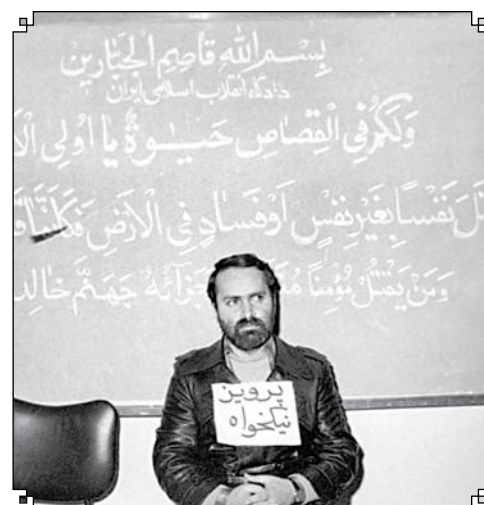
دادگاه متهمین آتش سوزی سینما رکس آبادان * ۱۳۵۹ش



روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ سینما رکس آبادان در حالی که تعدادی از مردم در حال تماشای فیلم گوزن ها بودند و درهای سالن از پشت قفل شده بود به آتش کشیده شد. بعد از پیروزی انقلاب عده ای به اتهام دست داشتن در آن فاجعه بازداشت و محاکمه شدند. سرانجام بعد از ۵۰ ساعت محاکمه و برگزاری ۲۰ جلسه دادگاه در محل سینما نفت آبادان، ۶ حکم اعدام، ۴ حکم اعدام غیابی، ۱۵ حکم زندان و ۵ تبرئه، پرونده حقوقی آتش سوزی سینما رکس پس از دو سال در شهریور ۵۹ بسته شد.



پرویز نیکخواه - از متوريسين هاي حزب رستاخيز

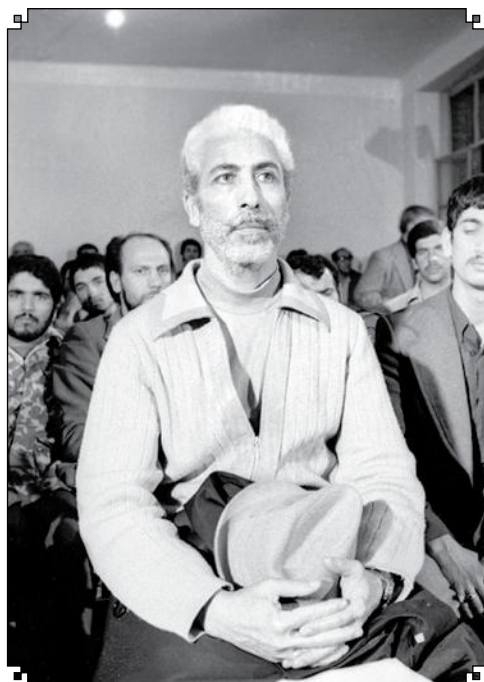


ناصر مقدم آخرین رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)



از راست: سپهبد احمد دولو قاجار، سرلشگر عباس صدوقی، سرهنگ یدالله قیایی و سرگرد علی بهداد

سرلشگر علی نشاط فرمانده گارد جاویدان



بیژن یحیایی افسر دایره بازرسی اداره زندان ها، سروان محمد قهری صارمی افسر نگهبان زندان، علیرضا آذری افسر نگهبان زندان

نصرت الله صدارت ریس ساواک بازار



میر احمد کوچصفهانی شکنجه گر ساواک

هفتاد تن از نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا

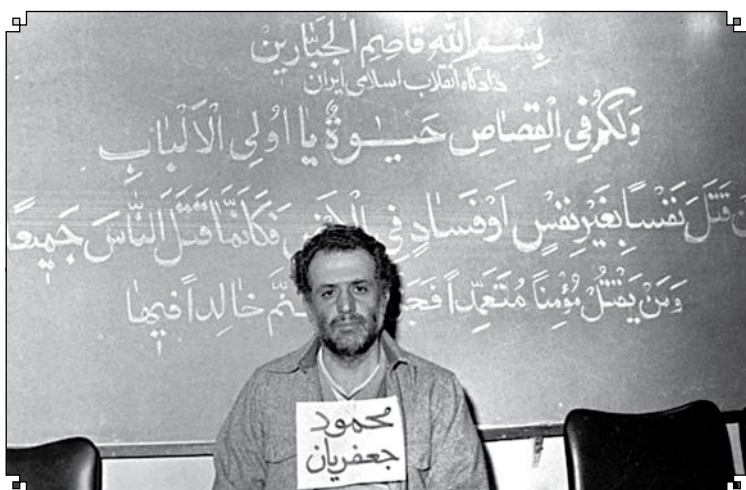




ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



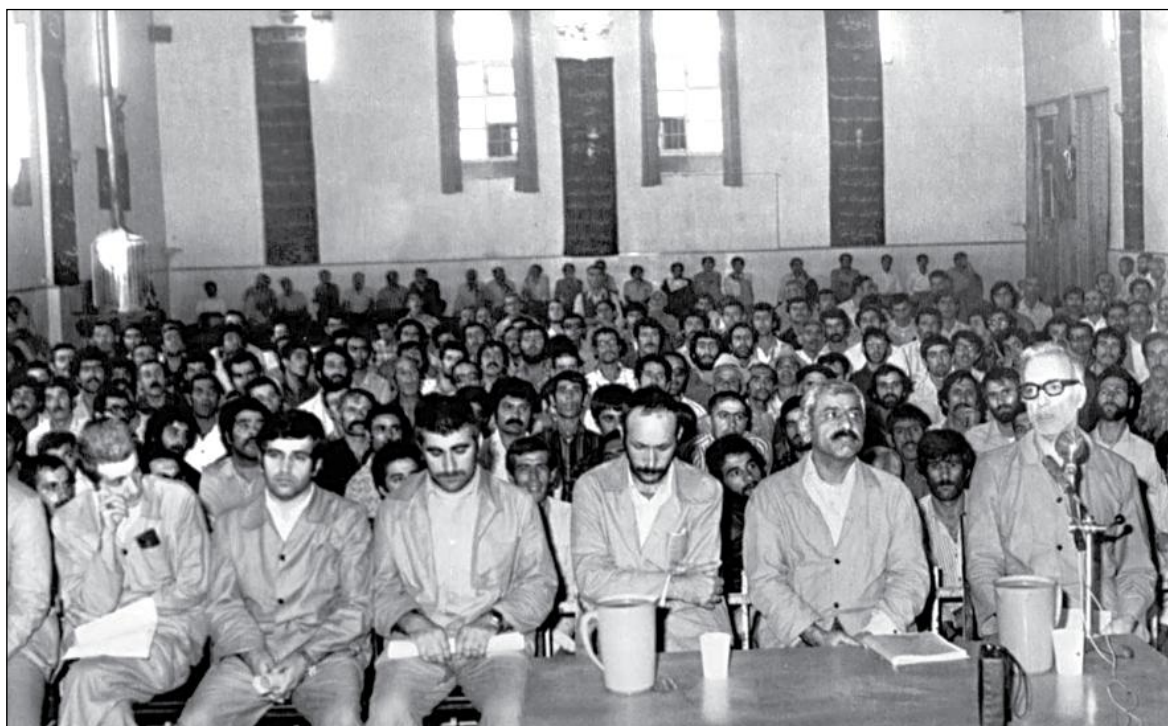
فرج الله سیفی معروف به
کمانگر (دکتر کمالی)
بازجو و شکنجه گر ساواک



محمود جعفریان - عضو سابق حزب توده - معاون مدیر عامل سازمان رادیو و تلویزیون ملی
ایران - قائم مقام حزب رستاخیز



محاکمه منصور روحانی وزیر کشاورزی - عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای ملی
و محمد علی علامه وحیدی نماینده مجلس شورای ملی

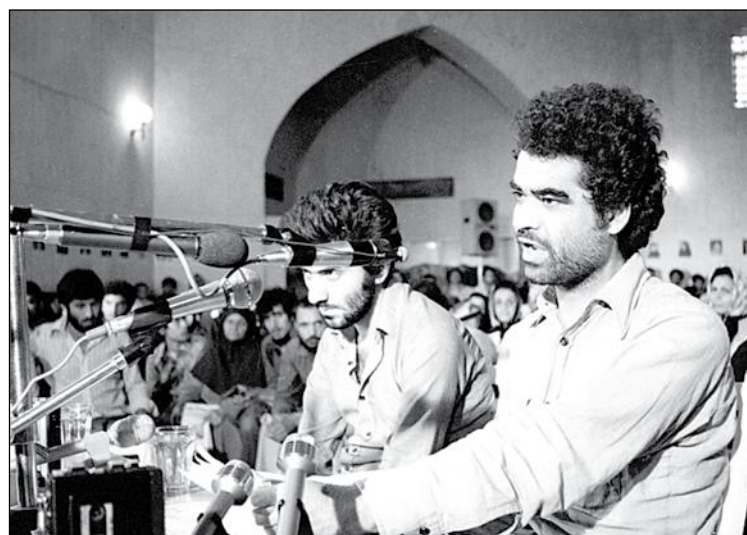
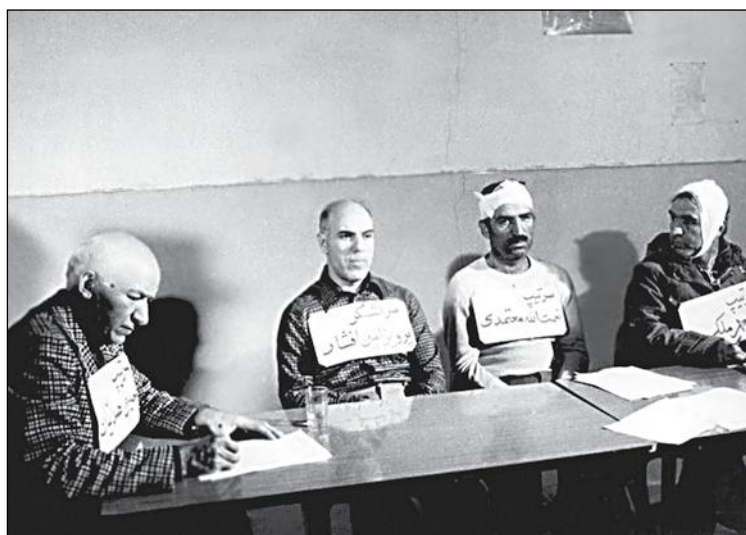


محاکمه هفت تن از عوامل
ساواک تبریز در دادگاه
انقلاب اسلامی تبریز
سمت راست: سرهنگ
لیقوانی



روح الله معبر معروف به آرش دوم، بازجوی متخصص ساواک

سرتیپ منوچهر ملک، سرتیپ نعمت الله معتمدی، سرلشگر پرویز امین افشار و سرتیپ حسین همدانیان



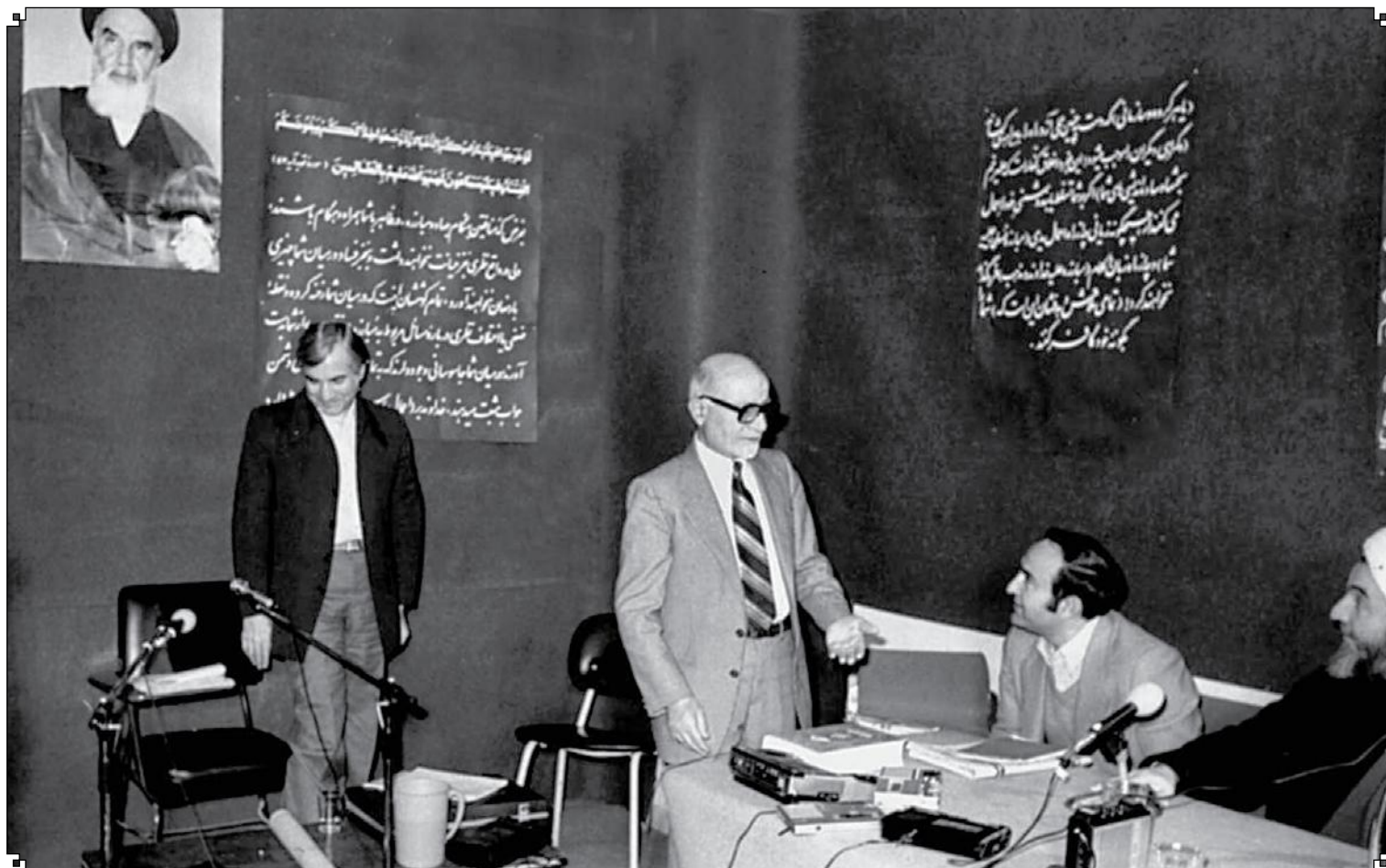
بهمن نادری پور معروف به تهرانی و فریدون توانگر معروف به آرش دو تن از بازجویان و شکنجه گران معروف ساواک

محمدتقی جوان رییس ساواک شیراز



انحلال مجلس خبرگان، مخالفت با نظام ولایت فقیه، تلاش برای ایجاد اختلاف بین فلسطینیان و لیبیایی‌ها با ایران، فراری دادن سران رژیم سابق و ارائه اطلاعات سری به آمریکاییان دستگیر و به اعدام محکوم شد، که با تلاش مهدی بازرگان به حبس ابد تقلیل یافت.

عباس امیر انتظام معاون مهندس بازرگان در دولت موقت بود. وی بعد از چندی به عنوان سفیر ایران در کشورهای اسکندیناوی تعیین شد. اندکی بعد از اشغال سفارت آمریکا در تهران، وی در حالی که در کشورهای اسکندیناوی به عنوان سفیر ایران فعالیت می‌کرد، به تهران فراخوانده و در ۲۸ آذر ۱۳۵۸ بازداشت شد. امیر انتظام پس از ۴۵۴ روز بازداشت به حکم دادگاه انقلاب به اتهام توطئه برای



دادگاه احمد رضا کریمی * مرداد ۱۳۵۹

شدگان بعد از بازداشت در زندان کمیته مشترک مورد بازجویی قرار می‌گرفتند و سپس به زندان‌های دیگر نظیر اوین یا قصر و... منتقل می‌شدند. ولی کریمی با وجود آن که در سال ۱۳۵۰ دستگیر شده بود در سال ۱۳۵۳ بعد از بازداشت دکتر شریعتی مدتی را در سلول دکتر گذراند. بنا به نقل مشهور وی در برخی جلسات شریعتی نیز با ماموران ساواک همکاری داشته است. کریمی به همین دلیل بعد از پیروزی انقلاب بازداشت و محاکمه شد و چندسالی را در زندان گذراند.

احمد رضا کریمی از اعضای سازمان مجاهدین خلق پیش از پیروزی انقلاب بود. وی بعد از مدتی فعالیت توسط نیروهای ساواک بازداشت و تحت فشار با ماموران ساواک به همکاری پرداخت. بر اثر این همکاری ساواک موفق به شناسایی و بازداشت تعدادی از نیروهای سازمان مجاهدین شد در جلسات دادگاه کریمی که به ریاست آیت الله محمدی گیلانی برگزار شد تعدادی از کسانی که کریمی موجب بازداشت آنها شده بود شرکت کرده و علیه او شهادت دادند. در آن زمان بازداشت



شادبخت نماینده سازمان مجاهدین خلق در دادگاه احمد رضا کریمی



احمد رضا کریمی



۱۳۶۰*

محاکمه متهمین (کودتای نوژه)



جلسه رسیدگی به اتهامات متهمین
به شرکت در کودتا علیه جمهوری
اسلامی (کودتای نوژه)



۱۵۲





کار آوردن حکومت کمونیستی تحت قیمومیت شوروی سابق بازداشت و پس از چندی همه آنها در دادگاه انقلاب ارتش به ریاست آقای محمدی ری شهری محاکمه شدند. در میان اعضای بازداشت شده نورالدین کیانوری دبیر کل حزب، احسان طبری، جوانشیر، به آذین، پرتوی، عمویی، حجری و نیز تعدادی از امرای ارتشی که مخفیانه با حزب همکاری داشتند به چشم می خوردند.

حزب توده ایران بعد از پیروزی انقلاب باردیگر فعالیت های خود را از سرگرفت. در این دوران حزب تلاش کرد تا با حمایت از سیاست های جمهوری اسلامی خود را طرفدار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی نشان دهد. ولی بعد از چهار سال در بهمن ۱۳۶۱ تعدادی از سران و اعضای آن و سه ماه بعد از آن تقریباً اکثر رهبران وعده دیگری از نیروهای باقی مانده حزب نیز به اتهام نفوذ تشکیلاتی در نیروهای مسلح ایران و تلاش برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و روی

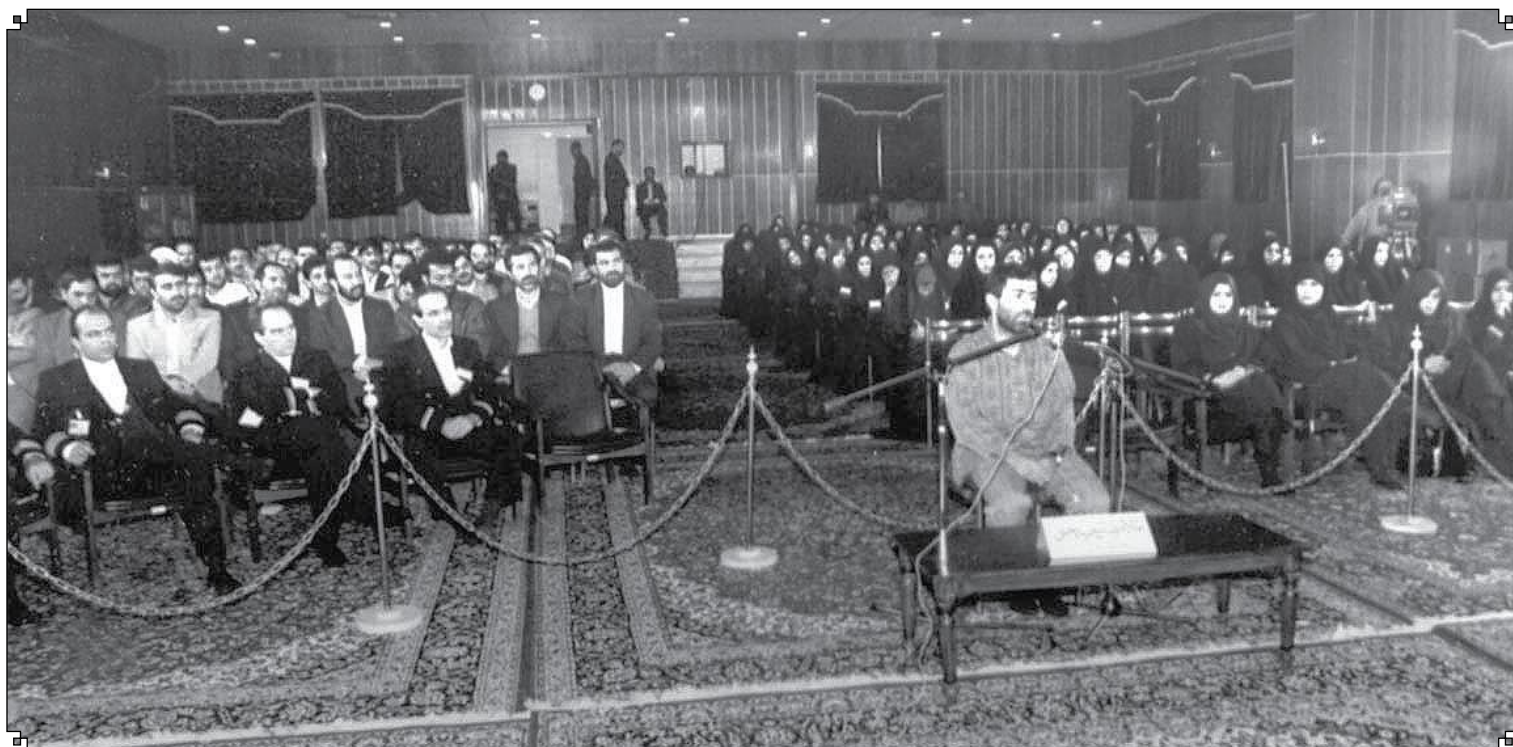


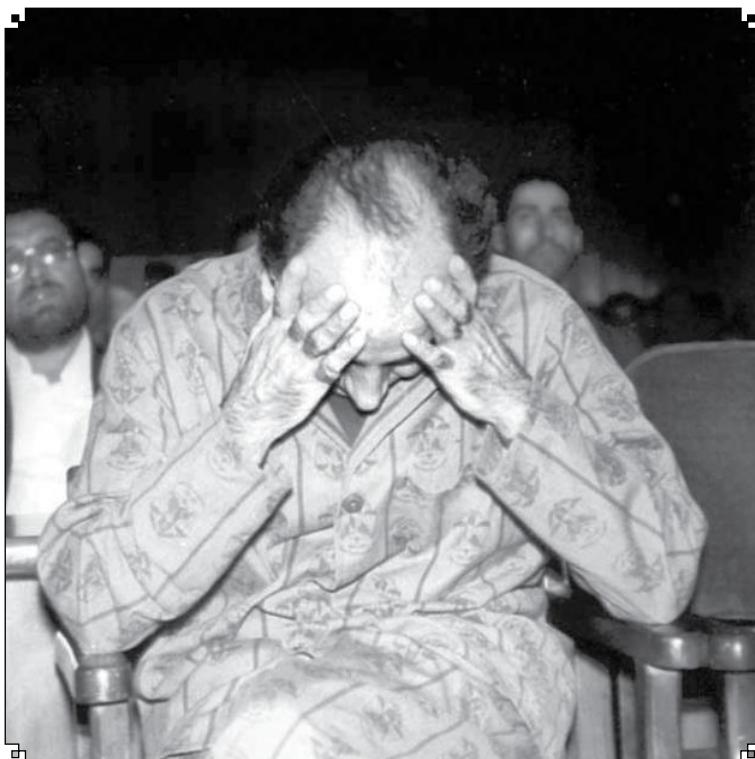
از چپ: بهرام افضلی، محمد امیر معزز، محمد مهدی پرتوی، شاهرخ جهانگیری و نورالدین کیانوری

نشسته از چپ: نبی الله زاده نور، اباذر غلامی، مهدی مصطفوی، اسدالله دریک وندی، عسکر غیاثی، خلیل قنادی آذر، محمد بهرامی نژاد، محمد امیر معزز، محمد مهدی پرتوی و نورالدین کیانوری



محاکمه رهبران حزب توده



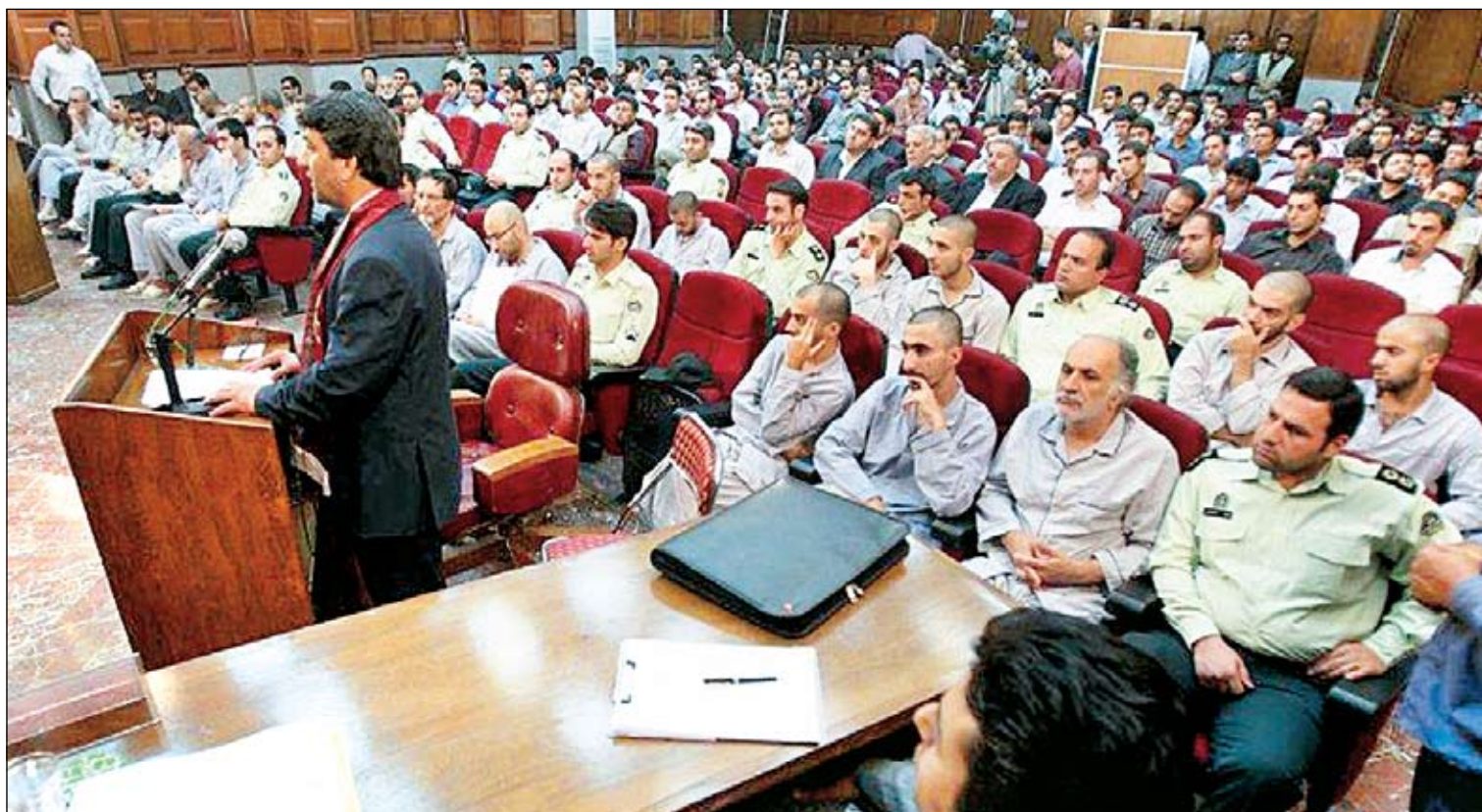


فاضل خداداد در یکی از جلسات رسیدگی به پرونده اختلاس در بانک صادرات و بانک تجارت



دادگاه رسیدگی به اتهامات غلامحسین کرباسچی شهردار تهران







۱۳۹۱ *

دادگاه رسیدگی به پرونده اختلاس در شرکت بیمه ایران

۱۵۸



دادگاه رسیدگی به پرونده اختلاس از شرکت بیمه ایران در سال های ۹۱ تا ۹۲ برگزار شد. و در پایان رأی دادگاه اعلام و بعد از آن کیفرخواست برای محمد رضا رحیمی (معاون اول دولت دهم) در ارتباط با این پرونده صادر و رسیدگی به اتهامات نامبرده در سال ۱۳۹۳ پیگیری شد.



ویژه‌نامه نودین سال انتشار روزنامه اطلاعات

ملت، ۹۰ سال مبارزه و مقاومت

✽ بخش «ملت، ۹۰ سال مبارزه و مقاومت»، توزیع کتاب مطبوعاتی تاریخ معاصر است با نگاهی به چشم و چهرهٔ آنان که در جبهه‌های گسترده و گوناگون اعتراض و انتقاد و مبارزه و مقاومت علی‌رغم همه کاستی‌ها و ناراستی‌ها از جان و مال خویش گذشتند و با آرمان عدالت و استقلال و آزادی و آزادی در خاک و خون غلتیدند. مؤسسه اطلاعات در سال‌های دفاع مقدس و در حد توان و امکانی که داشت علاوه بر تقدیم همکاران شهید و علاوه بر اعزام دائمی گزارشگران و عکاسان به جبهه‌های جنگ تحمیلی، روزنامهٔ اطلاعات را با نام «اطلاعات جبهه» از خیابان‌های تهران به درون سنگرهای دفاع و مقاومت کشاند. در این عرصه است که می‌توان گفت کابینهٔ شهیدان و محکمهٔ شهیدان هم دیدنی است. بگذارید هرچند کوتاه و گذرا در اثنای ورق زدن دورهٔ ۹۰ سالهٔ روزنامه، با قرائت سطرهای سیاه و سپید و با رؤیت تصویرهای مرئی و نامرئی، از این چشم‌ها و از این چهره‌های ماندگار نیز یاد کنیم. یادکردی که همواره ادامه دارد.



شماره اول - شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۶

تک شماره : ۱۰۰ ریال



نقش اول

برادر رزمنده ، سلام ! برادر جانبا که با یاد جبهه با یاد فدائیکه با جانت عطری الهی می‌گیرد سلام !

که ما را با شما پیوند می‌دهد . با سلام می‌گویم ما دوستدار شما هستیم . وقتی امام که خود محبوب امتی است برآورد توانای شما بوسه می‌زند پیداست که دست ما کوتاه و سخن ما نارساست . بدون شک واقعیت جبهه و جنگ را شما می‌دانید . شما می‌فهمید .

سنازه راهنمای جبهه های جنگ ، شهید عزیز حسین خرازی گفته است جنگ را درشتی - نویسنده درست می‌نویسند ! ما می‌دانیم که جنگ را آسان که بدرستی درک می‌کنند قادر به بیان آنند ، و آنان که دستی از دور بر آتش دارند بدشواری‌ارزش و واقعیت‌های جبهه را درمی‌یابند . می‌گویند ، یک شب پروانه‌ها جمع شده بودند . سخن از محبوب بود . از شمع . گفتند خوب است یکی برود و خبر بیاورد . پروانه‌ای رفت و از دور شمع را دید و بر کشید و آمد و تعریف کرد . گفتند نه شمع اینگونه نیست . پروانه دیگری رفت و نزدیک شد و بال بر شعله زد و جانش گرم شد و آمد و از شمع گفت گفتند نه !

دیگری برخاست می‌شد دست پای گویان بر سر آتش نشست چون گرفت آتش ز سر نا پای او سرخ شد چون آتشی اعضای او گفت این پروانه در کار است و کس چه انداو خبردار است و کس جبهه همان آتش است ، آتش الهی ، که بر سینای مبین اسلامی مادیده است و مردم ما پروانه‌ها هستند . عده‌ای نگاهی از دور بر آتش دارند و عده‌ای جانشان با آتش آمیخته است .

شرح آن آتش را ، شرح شهدای را ، شرح ابتیارات تمام را آتشی شایسته‌اند بیان کنند که خود بارقه‌ای از آن آتش برجانشان است و جلوه‌ای از شهادت در

باور کنیم و به یاد داشته باشیم...



هایی بزرگ از خاک مبین اسلامی مان را در غرب کشور اشغال و به خاک عراق ضمیمه کنند و این گونه بود که جنگی تمام عیار علیه مبین مردم و انقلاب اسلامی آغاز شد و ارتش وحشی بعثی - صهیونیستی با قصد اشکار انهدام و کشتار به سرزمین مان تجاوز کرد . و این گونه بود که در همان هفته های آغاز تجاوز رژیم آمریکایی و وابسته عراق به مبین و سرزمین ما ، هزاران انسان مسلمان و مظلوم ایرانی ، کودکان و زنان ، پیرمردان و پیرزنان ناتوان در برابر آتش بی امان ارتش مزدور عراق به شهادت رسیدند و با قلب های از هم پاشیده و بانهرهایی از خون ، خاک را ، خاک پلاییده را رنگ زدند .

و این گونه بود که صدها هزار تن از هموطنان ما در جنوب و غرب کشور ویران و منهدم شدن خانه ها و کاشانه ها و به خاک و خون کشیده شدن عزیزترین عزیزانشان را به چشم دیدند و با درد و اندوهی سنگین و سیاه که قلب هارا تا سرحد انفجار و ترکیدن می فشرد ، داغدار و سوگووار تن به آوارگی و هجرتی ناخواسته و ظالمانه سپردند .

و این گونه بود که شقاوت و پستی و تهکاری ، با حرکت ارتش وحشی و مزدور رژیم بعثی - صهیونیستی ، ابعادی تازه یافت و در بعدی حیرت انگیز تفسیر شد .

چنین بود ، اما چنین نماند و برومندترین و رشیدترین فرزندان این سرزمین اسلامی برای دفع تجاوز به پا خاستند و اکنون با گذشت حدود هفت سال از جنگ تحمیلی رژیم

عراق علیه ایران ، دشمن زبون به پاتلاق ناتوانی در غناییده و راه زوال می پیماید .

در این روزها و در این مقطع از تاریخ ، حتی برای لحظه‌ای نباید به خود اجازه دهیم که آن روزها و آن مقطع مشوم از تاریخ را از یاد ببریم .

عمیقاً باور کنیم و دقیقاً به یاد داشته باشیم که سرشت و ماهیت رژیم جنگ افروز و متجاوز و فرصت طلب عراق کمترین تغییری نکرده است و داعیه «صلح طلبی» این رژیم جنگ طلب و خونریز و تهکار دروغی است کثیف .

گذری بر بیمارستان صحرایی «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جبهه نبرد

بیمارستان صحرایی جبهه ، مکانی برای ارائه بهترین خدمات درمانی و کسب تجربیات ارزشمند پزشکی



نرسیده بود و یک مقدار از کارهای جزئی در داخل بیمارستان و بخشی از امور مهندسی بیرون ساختمان در دست اجرا بود با شروع عملیات ، بیمارستان خود را با سرعت و نیاز عملیات تطبیق داد و ضمن ایجاد هماهنگی در کارها ، مشکلات پرحدا رفع شد و بیمارستان خدمات شایانی را به انجام رساند .

وی سپس می‌گوید : نکته‌ای را باید در اینجا متذکر شوم : در این بیمارستان خیلی کار شده است و بخش عمده‌ی بار سنگین کارها را شهید بزرگوار محسن صفوی فرمانده فراگاه صراط‌الاستقیم به دوش داشت و با پیگیری و جدیت در اینجا حرکتی به وجود آورد که سبب شد کار بیمارستان با سرعت به انجام رسد .

وی در مورد نوع خدماتی که بیمارستان به رزمندگان مجروح و بیمار ، ارائه می‌کند می‌افزاید :

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در منطقه‌ای عملیاتی جنوب به گفتگو می‌نشینیم

وی در مورد علت و چگونگی تشکیل این بیمارستان صحرایی می‌گوید :

«احداث این بیمارستان کلاً ۹ ماه به طول انجامید ، که بخش اعظم این مدت ، صرف زیر سازی و پی ریزی این بیمارستان شد ، چرا که این بیمارستان در منطقه‌ای باتلاقی احداث شده است که جریان باران و آب ، در سطح زمین باقی می‌ماند و به دنبال یک بارندگی مختصر ، می‌نمود مشکلات زیادی را پیش پینی کرده از همین رو برادران مهندسی «صراط المستقیم» به بند امر ، ضمن پی ریزی در زمین ، کارهای اساسی احداث بیمارستان را به انجام رساندند . وی می‌افزاید : این بیمارستان در روز عملیات کربلای ۴ افتتاح شد و در آن موقع ، هنوز کارهای ساختمانی آن به طور صد درصد به پایان

رزمندگان عزیز و خوانندگان ارجمند...

می‌توانند قضا ، مقالات ، خاطره ها ، طرح ها ، شعرا ، انتقادهای و پیشنهادهای خود را برای ماه آدیس تهران - خیابان امام خمینی - خیابان خام - کدپستی ۱۱۱۴۴ - موسسه‌ی اطلاعات - تلفن های ۲۲۸۵۲۸ و ۲۲۸۵۳۰ جهت هرگونه هم‌آهنگی در خدمت شما عزیزان است .



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



شهدای روزنامه اطلاعات



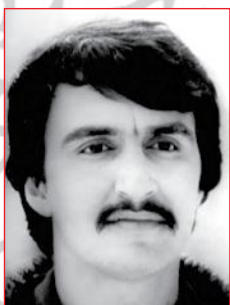
شهید دکتر حسن عضدی
انفجار دفتر مرکزی حزب
جمهوری اسلامی (۱۳۶۰)



شهید علی اکبر بادپا همدانی



شهید رحمان عبداللهی



شهید حسین علایی پور

سید حسین علم الهدی

متولد: ۱۳۳۷ اهواز

شهادت: دی ۱۳۵۹ در عملیات نصر

سید حسین علم الهدی متولد اهواز فرزند آیت الله سید مرتضی علم الهدی می باشد، وی از فعالان قبل و بعد از انقلاب ایران و فرمانده سپاه هویزه در جنگ ایران و عراق بود، علم الهدی در سن ۲۲ سالگی در عملیات نصر در هویزه کشته شد.



عباس بابایی

تولد: ۱۳۲۹ - قزوین

شهادت: ۱۳۶۶ - سردشت

سرلشکر خلبان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در جنگ ایران و عراق و معاون عملیات نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که در جنگ ایران و عراق به شهادت رسید.



حسن باقری

تولد: اسفند ۱۳۳۴

شهادت: بهمن ۱۳۶۱ فکه

غلامحسین افشردی معروف به حسن باقری ملقب به سقای بسیجیان جوان ترین فرمانده ایران در دوران جنگ ایران و عراق بود. وی به عنوان فرمانده قرارگاه های نصر و کربلا نقش مهمی در موفقیت نیروهای ایران در عملیات های فتح المبین و رمضان و هم چنین بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر داشت. وی در هنگام کشته شدن، سمت قائم مقامی فرمانده نیروی زمینی سپاه را بر عهده داشت.



مهدی باقری

تولد: ۱۳۳۳ خورشیدی - میاندوآب

شهادت: ۲۵ اسفند ۱۳۶۳ - جزیره مجنون

برادر علی باقری و حمید باقری، فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا بود. مهدی باقری یک سال بعد از برادرش حمید باقری، در عملیات بدر کشته و پیکرش در دجله ناپدید شد.



حمید باقری

تولد: ۱۳۳۴ - ارومیه

شهادت: ۲ اسفند ۱۳۶۲ - جزیره مجنون

از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنگ ایران و عراق بود. وی در عملیات خیبر در اثر اصابت آرمی جی کشته شد. پیکر او در میدان جنگ باقی ماند و به کشور بازگردانده نشد. وی در دوران جوانی در شهر تبریز با برادرش مهدی به فعالیت سیاسی پرداخت و بعد از آن به آلمان رفت تا درس بخواند، اما با عزیمت امام خمینی (ره) به پاریس رفت. با آغاز جنگ ایران و عراق، حمید باقری عازم جبهه شد و فرماندهی خط مقدم ایستگاه هفت آبادان را عهده دار شد. برای مدتی در جهاد سازندگی خدمت کرد و سرانجام به عنوان جانشین لشکر ۳۱ عاشورا در جزیره مجنون به شهادت رسید.



گزارش نشریه «جینز دیفنس» از قاجاق مواد شیمیایی سمی به عراق

□ اشترن، به تازگی از نقش شرکت های آلمان غربی در مجهز کردن کارخانه ای در عراق، موسوم به «سب» که گازهای فلج کننده و اعصاب تولید می کند، پرده برداشته است.

در صفحه ۱۱



شماره هشتم - یکشنبه ۷ تیر ۱۳۶۶ - تک شماره ۱۰ ریال

در صفحات دیگر:

- ضرورت بی اعتنایی به داوری های بین المللی
- کارنامه ی شورای امنیت
- معبر سرخ شکن
- تولد یک شعر
- گزارشی از عملیات «نصر - ۵»
- بادی از رزمدهی شهید عملیات کربلا - ۱، بسیجی قهرمان، جمال محمدی فرد
- راحت باش!
- پاسخ به نامه ها
- باور کنیم و به یاد داشته باشیم...
- حق طلبان بیروز
- شرایط جهاد در اسلام
- آزادی مهران: خط بطلانی بر استراتژی «دفاع متحرک»

فرمانده سپاه پاسداران: برای مقابله با تجاوزات ابرقدرتها

سلاح های رزمندگان اسلام در خلیج فارس

آماده شلیک است

□ اگر دشمن، همه ی نیروهایش را وارد خلیج فارس کند ما آنقدر نیروی شهادت طلب داریم که می توانیم حتی ناوهای آمریکایی را نیز به غنیمت بگیریم.

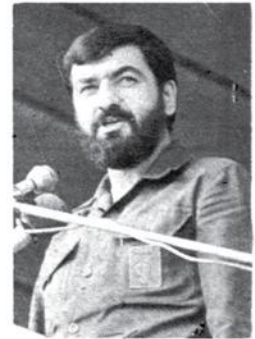
جانشین فرمانده نیروی دریایی سپاه در گفتگو با اطلاعات جبهه:

با دخالت کشورهای بزرگ در خلیج فارس مقابله خواهیم کرد

در صفحه ۷

□ تشکل مردم عراق برای سرنگونی صدام و حزب بعث، وارد مرحله ی تازه ای شده است.

○ برای مقابله با دشمنان اسلام، نیروی دریایی سپاه پاسداران، آمادگی کامل دفاعی رزمی دارد.



● برادر محسن رضائی، فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برنامه های سپاه را در مورد آینده ی جنگ و موقعیت خلیج فارس، تشریح کرد.

در صفحه ۱۳

نقش اول

لیک به امام

انجام همزمان یک سلسله عملیات نظامی با حداقل ممکن فاصله ی زمانی در محورهای بایستی ترین فاصله، تحرکی است ناز که در جبهه ها آغاز شده است و بی تردید، لیکی است برافتخار بدعوت جاودانی امام امت در روز عید سعید فطر.

آنچه که مسلم است، موضوع حذف و محاکمات صدام و حزب بعث که از آغاز تجاوز رژیم عراق به میهن اسلامی، به عنوان اساسی ترین شرط برای پایان برد، از سوی جمهوری اسلامی ایران، عنوان شده است، موضوعی نیست که جهان، بتواند آنرا بازاحتی ببیند.

«مقاومت در برابر تجاوز»، «سنت» پدی است (!) که هیچ یک از قدرتها نمی توانند آنرا تحمل کنند، چرا که اگر چنین امری، به عنوان یک سنت مطرح شود، دیگر این قدرتها نمی توانند آن گونه که لازم است به جابل و غارت ملتها ادامه دهند.

اینکه امروز ناوگان جنگی آمریکا، در یکی از بحرانی ترین شرایط دوران ریاست جمهوری ریگان، علی رغم مخالفت های جناح های رقیب و کنگره، به خلیج فارس، اعزام می شود، یا شوروی برای حمایت از صدور نفت به غرب از خلیج فارس، به منطقه کشیده می شود و... نشان دهنده ی آن است که دوقدرت قلدر جهان، در عین آنکه مشکلات آشتی ناپذیری بین خود دارند، لاف از یکسو باید دیگر وحدت کرده اند و آن، جلوگیری از بیرونی نظامی در جنگ خلیج فارس است که می تواند از کشور بیروز، لاف نزد کشورهای منطقه، یک ابرقدرت بسازد و این، حتی پایان عمری سلطه و اقتدار ابرقدرتها بر جهان.

امام امت، در سخنان خود در روز عید فطر، با درایت خاص خودشان، بر دو مسأله ی مهم تاکید ورزیدند که چنانچه بیشتر در آنها دقیق شویم، رمز وحشتی را که به جان ابرقدرتها زفاده است، می فهمیم، وحشتی که علنا منجر به اظهار نظره های مقامات وزارت خارجه ی شوروی و مقامات آمریکایی در اعتراف به وحدت نظر موجود بین آنان در مورد جنگ تحمیلی می شود.

سخنان امام امت در مورد جنگ دو محور اساسی را مورد تاکید قرار داد:

۱- نخست آن که باید در جبهه های نبرد، تحرک دائمی به یاد کرد.

۲- دوم آن که نتیجه ی تحرک، هدفگیری مستقیم صدام و حزب بعث به عنوان متجاوز باشد که رزمندگان اسلام با تحرک دائمی خود، اجازه تجدید حیات را به متجاوز ندهند.

انجام سلسله عملیات فتح و نصر که طی چند روز اخیر، تقریباً بی وقفه محلی از آنها انجام شده است، در حقیقت در راستای همین دعوت امام امت است، چرا که چنین عملیاتی در مرحله ی نخست، سازمان دفاعی عراق را بیش متزلزل می کند و ولین حقیقتی است که عراق حداقل از سال ۶۴ به بعد در حالی که هرگونه توان اقتدار از دست داده، از نظر پدافندی نیز، بسیار ضعیف پذیر نشان داده است و عملاً بعد از انجام عملیات کربلا - ۵ این مسأله روز به روز مشهودتر بوده است.

بقیه در صفحه ۲

به یاد شهید مظلوم دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یارانش:

کربلای «سرچشمه»



بعضی وقایع در تاریخ، آنچنان نفس خود را در مسوره تحولات پدیدها، به تنهاس می گذارند که نمی توان بدون دقت در جزئیات آن، از کارشان گذشت.

گرچه سبکو سیاق کار ما، ناگون، این بوده است که مجر از مناسبت های نظامی و جریانهای حواسی جنگ تحمیلی، از موضوع دیگری، به عنوان یادبود و یادنامه سخن نرانیم، اما به راستی پدیده ی «هفت تیر ۶۷» و ماجرای شهادت جمعی از عزیزان امامت، که غالباً این شخصیت های کلیدی انقلاب بودند، ماجرابی نیست که بتوان از کارش، به بی تفاوتی گذشت.

از دو زاویه، می توان با جریان فاجعه ی هفت تیر برخورد کرد:

۱- انقلاب، گروهی از مهم ترین شخصیت های خود را از دست داد و ضمن این جریان، گروهی از مسئولان رده بالای، ماکسی از سه قوه ی قضائیه، مجریه و مفتحه به شهادت رسیدند.

بقیه در صفحه ۵

گزارش نبرد قهرمانانه رزمندگان اسلام در عملیات پیروز «نصر - ۵»

دشت «برج» در منطقه عمومی سردهشت آزاد و معابر ورودی گروه های خان ضدانقلاب در این منطقه مسدود شد.

در جریان این عملیات، رزمندگان اسلام چند روستا، از جمله روستاهای تابه «دولابی» و روستای «قلعه رش» را در نوار مرزی ایران آزاد کردند و بر خطوط دفاعی دشمن در این منطقه مسلط شدند.

در این عملیات تاکنون تیب ۹۷ پیاده کوهستانی از لشکر ۲۴، یک گردان پیاده کوهستانی و یک گروهان مکانیزه تحت امر این تیب و همچنین یک گردان از جاش های دشمن منهدم شده اند.

همین گزارش حاکیست که رزمندگان اسلام در ادامه عملیات ظفرمندانه «نصر - پنج» در ارتفاعات غرب منطقه عمومی سردهشت، جمعه شب با پورش به مواضع دشمن در این منطقه، ارتفاع ۲۱۵۰ و چند ارتفاع آن را آزاد کردند.

در این عملیات که در ارتفاعات صعب العبور منطقه انجام شد، سپاهیان اسلام در تکمیل عملیات پامدای خود ضمن پیشروی در ارتفاعات غرب منطقه سردهشت، حدود ۸۰ تن از قوای دشمن را کشته و زخمی کردند و چندان از مزدوران ارتش بعث را به اسارت خود درآوردند.

براساس این گزارش، از آغاز عملیات «نصر - پنج» تا صبح روز پنجشنبه (۶۶/۴/۴) سه پانک قوای دشمن کافر که برای بازپس گیری نقاط استراتژیک آزاد شده در نوار مرزی غرب سردهشت شکل گرفته بود، به شدت سرکوب شد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، بیش از ۲۴ کیلومتر مربع از منطقه مرزی غرب سردهشت و ارتفاعات استراتژیک در این منطقه، در طول عملیات «نصر - پنج» آزاد شد.

بقیه در صفحه ۲

منطقه عملیاتی غرب:

رزمندگان دلاور نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در ساعات اولیه عملیات «نصر - پنج» در منطقه سردهشت که با رمز «یا زهرا» انجام شد، با پورش برق آسای خود چندین ارتفاع مهم و استراتژیک را آزاد کردند.

در این عملیات که در ساعت ۲ پامداد روز چهارشنبه (۶۶/۴/۳) انجام شد، تعداد زیادی از قوای دشمن کشته و زخمی شدند و عده ای از آنان نیز به اسارت نیروهای اسلام درآمدند.

براساس این گزارش، در ساعات اولیه این عملیات پیروزمندانه که در پی پیروزیهای سلحشوران سپاه توحید در عملیات «نصر - چهار» انجام شد، ارتفاعات ۲۲۲۰ کله قندی، ۲۲۱۵ و ۲۲۱۶ شهیدزین الدین و همچنین

بقیه در صفحه ۴

باتلاش جهاد سازندگی

خودروهای مجهزتر

خنثی کننده عوامل شیمیایی

بزودی، به جبهه ها

ارسال می شود

بقیه در صفحه ۴



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

شهدای روزنامه اطلاعات



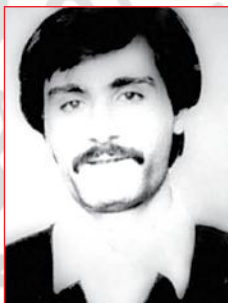
شهید جمشید علی بخشی



شهید محمدرضا امانی



شهید اسماعیل اقتداری



شهید رامین فخر



شهید جواد گرامی

محمد بروجردی

تولد: ۱۳۳۳

شهادت: ۱۳۶۲ - مهاباد

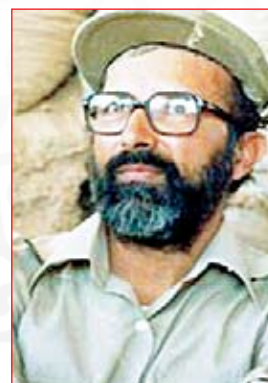


سردار سرلشکر پاسدار محمد بروجردی، فرمانده لشکر محمد رسول الله در جنگ ایران و عراق بود که در کردستان کشته شد. محمد بروجردی خلایق و نبوغ جنگی زیادی از خود نشان داد و در بازگرداندن کنترل کردستان به دست نیروهای دولتی نقش کلیدی داشت. از این رو، در ایران از وی با عنوان مسیح کردستان نیز یاد می شود.

مصطفی چمران

تولد: ۱۳۱۰

شهادت: ۱۳۶۰ - دهلاویه



وی پیش از انقلاب ۱۳۵۷ انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را پایه ریزی کرد، سپس به لبنان رفته و در آن جا به همراه امام موسی صدر سازمان امل را تشکیل داد. شهید چمران پس از ۲۱ سال به ایران بازگشت و پس از آموزش نیروهای سپاه، از سوی مهندس بازرگان به معاونت نخست وزیر دولت موقت در امور انقلاب منصوب شد. بعد از موفقیت در پناه روح الله خمینی مسئولیت وزارت دفاع را به وی سپرد. با شروع جنگ به اهواز رفت و ستاد جنگ های نامنظم را بنیان گذاری کرد. چمران در سی و یک ام خرداد ماه ۱۳۶۰ در مسیر دهلاویه - سوسنگرد بر اثر اصابت ترکش خمپاره کشته شد.

عباس دوران

تولد: ۱۳۲۹ - شیراز

شهادت: ۱۳۶۱ - بغداد



سرلشکر خلبان عباس دوران از خلبانان جنگنده مک دانل داگلاس اف-۴ فانتوم ۲ نیروی هوایی ایران بود که در ماه های آغازین جنگ ایران و عراق نقش مهمی در بمباران اهداف دشمن عراقی ایفا کرد. خلبان عباس دوران در دو سال اول جنگ بیش از ۱۲۰ عملیات و پرواز برون مرزی موفق داشت.

جواد فکوری

تولد: ۱۳۱۷

شهادت: ۱۳۶۰



سرلشکر جواد فکوری، فرمانده نیروی هوایی و وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران بود. وی در شهر تبریز متولد شد. خلبانی جنگنده اف-۴ را در ایران و آمریکا آموزش دید. پس از انقلاب ۱۳۵۷ به خدمت نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران درآمد و با شروع جنگ ایران و عراق به عنوان یکی از طراحان عملیات های نیروی هوایی ایران به کار خود ادامه داد. جواد فکوری در طراحی عملیات کمان ۹۹ و عملیات اچ-۳ و عملیات اوسسیراک شرکت داشت. وی در مهرماه ۱۳۶۰ در حین بازگشت از جبهه جنوبی جنگ به تهران، بر اثر سقوط هواپیمای حامل جان خود را از دست داد.

ولی الله فلاحي

تولد: ۱۳۱۰ - طالقان

شهادت: ۱۳۶۰



سرلشکر ولی الله فلاحي (۱۳۱۰ در طالقان - ۷ مهر ۱۳۶۰ در نزدیکی شهر ری)، پس از پیروزی انقلاب ایران (۱۳۵۷) به سمت فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب شد و از آغاز جنگ ایران و عراق در جبهه ها حضور دائم داشت. تیمسار فلاحي در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ به سمت ریاست ستاد مشترک ارتش برگزیده شد.



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

شهدای روزنامه اطلاعات



شهید حسین هوشمند



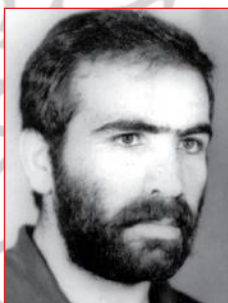
شهید تقی حسین نژاد



شهید ایرج ایزدپناه



شهید جواد خرمی



شهید ابراهیم مصطفی دخت

ابراهیم همت

تولد: ۱۳۳۴

شهادت: ۱۳۶۲ - جزیره مجنون

محمد ابراهیم همت از فرماندهان سپاه پاسداران ایران در جنگ ایران و عراق بود. او پیش از پیروزی انقلاب از فعالان ضد حکومت پهلوی بود. پس از انقلاب و در سال ۱۳۶۱ مدت کوتاهی را در جبهه جنگ لبنان و اسرائیل گذراند، و سپس به ایران بازگشت و در جبهه‌های جنگ ایران و عراق در عملیات‌های مهمی همچون فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان و خیبر مسئولیت‌های مهمی را عهده‌دار بود. او در اسفند ۱۳۶۲ در جریان عملیات خیبر به شهادت رسید.

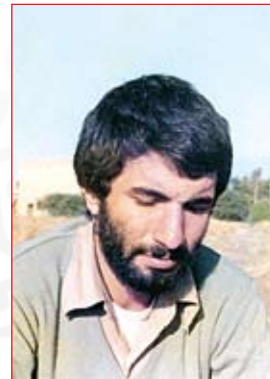


محمد جهان‌آرا

تولد: ۱۳۳۳ - خرمشهر

شهادت: ۱۳۶۰

سید محمد علی جهان‌آرا معروف به محمد جهان‌آرا (۹ شهریور ۱۳۳۳ خرمشهر - ۷ مهر ۱۳۶۰) یکی از فرماندهان سپاه پاسداران در جنگ ایران و عراق بود که در زمان این جنگ بر اثر سانحه‌هوایی شهید شد. به پاس خدمت‌گذاری وی در دفاع از خاک خوزستان (چه آشوب‌افکنی تجزیه‌طلب‌های خلق عرب و چه ایستادگی در مقابل ارتش صدام حسین در مقاومت ۳۳ روزه خرمشهر)، بعد از سال ۱۳۷۰، به او درجه سرلشگری اعطا گردید.



احمد کاظمی

تولد: ۲ مرداد ۱۳۳۷ در نجف آباد

شهادت: ۱۹ دی ۱۳۸۴ - ارومیه

سردار سرلشگر احمد کاظمی در سقوط هواپیما به شهادت رسید او فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا، قرارگاه رمضان و فرمانده نیروی هوایی سپاه در هنگام شهادت بود.



احمد کشوری

تولد: ۱۳۳۲ - کیلاکلا

شهادت: ۱۳۵۹ - ایلام

احمد کشوری از خلبانان هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که در جنگ ایران و عراق کشته شد. وی نقش مهمی در جنگ کردستان در برابر احزاب ایفاکرد و در سال‌های ۱۳۵۸ و در دوران آغازین جنگ داشت. او در سال ۱۳۵۱ وارد ارتش شد و دوره آموزشی هلیکوپتر را با موفقیت پشت سر گذاشت. پیرامون روحیات فردی وی کمک به فقرا و مبارزه با فساد و مخالفت با دولت شاپور بختیار قید شده‌است. هلی کوپتر وی مورد اصابت موشک از سوی هواپیمای میگ عراقی در تنگه بینا در استان ایلام در منطقه عمومی میمک قرار گرفت



حسین خرازی

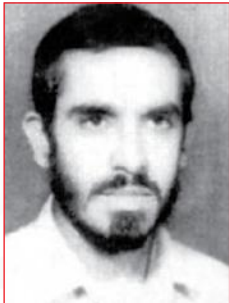
تولد: ۱۳۳۶ - اصفهان

شهادت: ۱۳۶۵ - منطقه عملیاتی کربلای ۵

حسین خرازی از فرماندهان جنگ ایران و عراق بود. خرازی در شروع جنگ در کردستان حضور داشت. پس از یک سال فعالیت در کردستان راهی منطقه جنوب شد و به سمت فرمانده اولین خط دفاعی که مقابل عراقی‌ها در جاده آبادان - اهواز در منطقه دارخوین تشکیل شده بود و بعداً در میان سربازان ایران، به «خط شیر» معروف شد. او یکان دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لشکر امام حسین تشکیل داد و فرماندهی عملیات کربلای ۵ را عهده‌دار بود



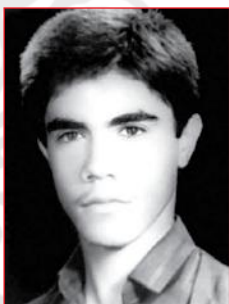
شهدای روزنامه اطلاعات



شهید جلال نوبهار



شهید رضا نوروزیان



شهید محمدرضا ساری



شهید محمود شیخ سفلی



شهید حسین ترکمان

سپهبد علی صیاد شیرازی

تولد: ۲۳ خرداد ۱۳۲۳

شهادت: ۲۱ فروردین ۱۳۷۸

سپهبد علی صیاد شیرازی فرمانده اسبق نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و عضو شورای عالی دفاع بوده است. او متولد روستای کبودگنبد شهرستان درگز استان خراسان رضوی است. وی یکی از فرماندهان جنگ ایران و عراق بود. صیاد شیرازی پس از ۳۲ سال خدمت در یگانهای مختلف نیروی زمینی ارتش در تهران و مقابل درب منزلش، به دست نیروهای مسلح سازمان مجاهدین خلق، ترور شد. مراسم تدفین او با حضور سید علی خامنه‌ای، فرمانده کل قوا و جمعی از فرماندهان یگانهای مختلف نیروهای مسلح ایران و مردم برگزار شد.



علی اکبر شیروودی

تولد: ۱۳۳۴ - تنکابن

شهادت: ۱۳۶۰ - بازی دراز

سرلشکر خلیان علی اکبر قربان شیروودی، در سال ۱۳۵۱ دوره خلبانی را در پادگان هوا نیروز اصفهان فرا گرفت. وی در دوران مبارزات انقلاب اعلامیه‌های آیت الله خمینی را در کرمانشاه پخش می‌کرد. در غائله کردستان داوطلبانه به این منطقه شتافت و در مقابل گروه‌های ضد انقلاب به مبارزه پرداخت. در همین دوره و در سن ۲۴ سالگی به عنوان فرمانده خلبانان هوانیروز انتخاب شد. شیروودی در جنگ باوه نیز نقش تعیین کننده‌ای داشت. با شروع جنگ ایران و عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به منطقه کرمانشاه رفت. و در عملیات بازپس‌گیری ارتفاعات «بازی دراز» به شهادت رسید.



حسن تهرانی مقدم

تولد: ۱۳۳۸ - تهران

شهادت: ۱۳۹۰ - ملارد

حسن تهرانی مقدم از فرماندهان دوران جنگ عراق و ایران و فرمانده جهاد خودکفایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که بر اثر انفجار در پادگان امیرالمؤمنین در شهرستان ملارد به همراه جمعی دیگر از پرسنل دار فانی را وداع گفت.



مهدی زین الدین

تولد: ۱۳۳۸ - تهران

شهادت: ۱۳۶۳ - سردشت

مهدی زین الدین یکی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شرکت کننده در جنگ ایران و عراق و فرمانده تیپ علی ابن ابیطالب بود. پس از انقلاب ۵۷ مهدی زین الدین به واحد اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست و نقش پررنگی در سرکوب مخالفان در تبریز و قم بر عهده داشت. در جنگ ایران و عراق وی سمت فرماندهی تیپ علی ابن ابیطالب را بر عهده داشت. در ۲۷ آبان ۱۳۶۳ مهدی زین الدین همراه با برادرش به منظور شناسایی منطقه از کرمانشاه به سوی سردشت در حال حرکت با گروه‌های مسلح جدایی طلب درگیر شده و شهید شد.



فضل الله محلاتی

شهادت: ۱۳۶۴ - سقوط هواپیما بر

اثر اصابت موشک



سید حسن شاهچراغی

شهادت: ۱۳۶۴ - سقوط هواپیما بر اثر

اصابت موشک



طهران بکند: ۵۰ قرآن
ولایت بکند: ۶۰ قرآن
ششماه ۳۰ سه ماهه ۱۵ قرآن
ششماه ۳۵ سه ماهه ۱۸ قرآن
ملاحظه: اضافه قیمت است

آبران و تفصیل باره حوادث مهـ

نموده و افلا با دوسه اداره اخبار ممالك
غربی راهل مستقيم داشته باشد ولی متاسفانه
در اثر جهات فرق و همان بی علاقه گی
عمومی هنوز نتوانسته است باین مقاصد ناآل
گردد ولی آیدونی است که با توفیقات آلهی
و توجهات عمومی در آتیه موفقیت های گامی
حاصل کند

در مملکت اسلامی همسایه و دوست مسا
ترکیه بزم (توانس باطولی) اداره اخباری
پس گردیده است در نتیجه علاقمندی و
وجه عمومی امروز ا تمام دنیا مخابرات دارد
و شوشخانه همین اداره اخباری دولت ترکیه
از مرکز اطلاعات ایران استقبال کرده چندی
ایل دو سه فقره تلگراف عنوان این اداره
بخریه نمود که در جراید مرکزی اشاعت
یافته کرد ولی متاسفانه اداره موفق به مبادله
آن نکردید که بتواند در آتیه رابطه دائمی
خود را برقرار نموده مرتباً اخبار آن دولت
را اخذ و اخبار ایران را بعد دلیل آتیم
بر واضح است و محتاج به توضیح نیست
آیته امروز فرق این مؤسسه با اداره اخبار ممالك
بیگر بقدری است که اساساً طرف مقابله نیست ولی
میتوان از ذکر این نکته هم خودداری کرد
که ادارات اخبار ممالك خارجه دربدو تاسیس
يك مؤسسه ضعیفی مثل این اداره پیش نبرده
فقط بر اثر ثبات خود و بروز علاقمندی و
وجه دولت و افراد ملت توانسته اند آنرا قوی
تر بدهند که امروز تشکیلات آن از يك
زاتخانه بهم تر و با تمام دنیا مخابرات دارند
و ملاحظه میکنید چه اهمیت و منافع بزرگی
را برای مملکت دربردارند هیچ نمیتوان تصور
کرد که اخبار ممالك خارجه بگرمیة دارای
این عرض و طول بوده و اثر ابتدا توانستند
باب مخابرات را با علم فتوح کنند که ترقیات آن
در بجای و علت واقعی پیشرفت آنها را باید تنها
وجه و علاقه عمومی دانست شرح تاریخچه
ژنرل رویتز در انگلستان و آژانس هاواس در
ایران و سایرین بخوبی نظریه ما را توثیق میکند
اینها اقداماتی است برای لزوم توجه عامه
بیت باین مؤسسه یا هر مؤسسه ملی و ما آن
نظاری را که ادارات اخبار ممالك خارجه
هموطنان خود داشته اند و استقبال شده است
بازیم زیرا باز باید تصدیق کرد که آنها را تب
بگری را سیر میکنند و ما داراج دیگری که
بل مقایسه نیست ولی نباید مایوس شد و
قوی امکان باید سعی کرد خود را در همان
هراه انداخت

کارکنان این اداره در دومین قدم برای
شرفت و توسعه مؤسسه اطلاعات بآنکه توجه
علاقه عموم هموطنان میادرت به نشر روزنامه
«م اطلاعات» خواهند کرد در حقیقت
نامه وسیله ایست برای استقبال و جلب توجه
عامه نسبت باین مؤسسه که شاید بتواند
دری سیرت داخل مراحل ترقی و تکامل گردد
این روزنامه بطور یومیه و مرتب انتشار
یافته بافت و جای اخبار و حوادث کلیمه

خارجی و بعضی مطالب سرود
محتملی که این روزنامه خواهد
تاریخ نمی دهیم البته پس از
دوره آزمایش عموم واقع خواهد
بود خاطر محترم هموطنان را
متوجه می داریم سعی فرمایند و
مکان و پیشرفت و ترقی آن
که هیچ آنکس چیز یافتار نداند
نمایند و هر قدر این مؤسسه
همان اندازه بر توسعه اداره و
توسعه آن خواهد شد و متوجه
تقاضای که باعث آبرو و نام
محظ منافع معاشی است

شماره ۱۰۰

امروز دو
جلاس شورای ملی از طرابلس حضر
فتح گریه

اقره ساعت و نیم بظہر روزانہ دعوت
رکبان علماء و رجال کو درپہ تیکہ صاحب
مہمان ارشدہ ان کے معجزین جاثم
وہابی نے ان کے معجزات و اصف
مہرجا در عہد پارلمان حضور پیدا کردہ
مطلق پروگرام کہ ان طرف انہی مباحث
رایہ پائے تھے کہ دین و مطلق ہادی
ازار گرفتار - اوقان مباحثات و صاحب
متمنیان و تجار و اصناف در مار تشریف
لیتی: مجلس اعیان و امیران پیشہ
ایہی دعوت در ہوا و رہا و رہا
درامند

از ساعت چهار مد از ظهر صفوف
ظلمی در دو طرف خیابان مطابق دستورات
ازارت جنگ از درب کاستن تا درب مجلس
نوباری ملی ایستاده و داخل عمارت را گارد
مخصوص و شاگردان ارشد مدارس نظام صف
کشیده بودند

رویک هم‌وونی سه ساعت و ربع
بل از ظهر از عمارت کاستن حرکت فرمودند
در حالی که در پیش پش ۴۰ نفر آژو
و ۳۰ نفر سوار آینه و ۱۰۰ نفر
تیر تیر در حرکت میکرد و مد از آن
پس فرای خانه و رشتی خانه را
آن آقباں دولت شاه و ظفری
هنوز هم سیر قایع که
می گردانند البته اخلاق
مطایل خانه و سوارخانه
انسانی هم هست، بعضاً در

۹۰ ساله البته خواه با خواسته و ناخواسته قربانی نیز مثل آینه‌های دیگر تا نام‌ها قدر می‌دیدند و برص (پا به چندا) گردش چرخ در چرخه این ویتترین نیست (!) اگر اخبار دور نکنیم که فرمود: «باز شعبده با اهل راز کرد»!

[illegible]

تشیال

در موقعی که اعلی حضرت در
جلاس فرمودند يك تیر توپ شلیك شد
در عبور از میدان سپه نیز سه تیر تیر
شد.
اطلاعات،
همایونی در تمام طبقات و
حضور داشتند. طولی که راه عبور و
در موقع ورود کالسکه همایونی به
در از آن

روزگاری، صفحه اول هر نشریه‌ای را ویتترین آن
میر وقایع، کم و بیش و گاه و بیگاه، در را بر هم
الته اخلاق حرف‌های که قاعدتا متکی بر اخلاق
ست، بعضا در بستر چپ‌چینی و راست‌چینی ه
سته خواه با همین چیدمان و خواه با چیدمان دی
راسته قربانی می‌شود. گشت و گذار در آینه اول
ای دیگر تأمل برانگیز و عبرت‌آموز است. چه س
ی‌دند و بر صدر می‌نشستند ولی بعدها دیدیم
(گردش چرخ نیلوفری، نه نادر به جاماند و نه نان
ویتترین‌سازی‌ها و ویتترین‌پردازی‌های نیلوف
گر اظهار حضرت حافظ را هم از نظر یا منظر م
فرمود: «بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه، ز
از کد!»

ششمین دوره تقنینیه

« مجلس شورای ملی زمان سلطنت خود را که
« فقی و عنایت سبحانی افتتاح مینمایم امیدواری
« ییج وقایع مهمه و اداره اراده ملت محسوب
« مملکت ما را تجدید و نمایندگان ملت
« تهیه وسایل آسایش و رفاه عموم
« ملی توافق خواهند یافت
« صمیمیت و مودت است و خوشبختانه
« مراودات ما را با دولت معزی الیها
« گذشته است که منافع و مصالح طر فیه »

«...که اگر در این مضاء عهد نامه تجارتی با دولت
...دولت مزبور خواهد شد نیز موجب
...از طرف دولت برای تصدیق
...و جدیت دولت ما در اس
...و قلع زراعت موجب نگرانی
...که ایجاد و تسطیح
...و نقل و اخذ

مملکت و مراثت خاص نمایندگان ملت را در ،
تصادی مملکت دعوت مینمایم برای نيل ،
رجه راجع باسختن راهپائی آهن و شوسه و ،
ترویج صنایع و علی الخصوص ترقی و توسعه ،
رشدن ادخا و اهد کردن اصلاحات ، لازم در عموم ،
مملکت ، ورم آسایش اهالی و ترقی مملکت ،
توصیه شده است که نواحی مقتضیه راجع با اصلاحات ،
مملکت و توقف اصلاحات را بر توحید مساعی ،
خاطر نشان نموده توفیق آنان را در ادای ،
داوند مسئلت مینمایم ،

نشدند آقا ز رجال و اعیان در لڑ مخصوص
خود ایستادند -- سفراء و وزراء و سفراء و
کارکنان سفارتخانه نیز در لڑ همشگی خود
ایستادند آقا بن رشید علی ~~علی~~ ~~علی~~ مجلس
عراق و مناجیم دانیال ~~آقا~~ ~~علی~~ مدعوین
بودند
آقا بن میران و بهترین جرایب داخلی
و خارجی در لڑ مخصوص مطبوعات قرار
داشتند و برای آقا بن تجار و اصناف در لڑ

می خواندند.
بن پاشنه
نات معنوی و
ویرین
مگر متأسفانه
(صفحه اول)
مال ها که چه
که «به یک
ذری» باری،
بی ضرر

و نیم بظهر تقای دولت ماهی
فات داخله ورود اعلیحضرت‌هایوبی
جله اعلام نموده و در این موقع
آقایان نمایندگان مجلس و علماء که نشسته
بودند قیام و سکوت محض سراسر عذارت
را را گرفت



ویژه نامه نودین سال انتشار روزنامه اطلاعات



(روز نامه یومیه عصر)

صاحب امتیاز و مدیر: ع. ح. سعیدی
(محل اداره: چهارراه وزارت جنگ عمارت انتخابیه)
(تلفون ۴۴۴)

(عصر ۵ شنبه)

۱۰ شهریورماه ۱۳۱۱ ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۵۱
۱۱ سپتامبر ۱۹۳۲
لک شماره ۶ هاشم

قیمت اوراق

یکساله ۱۰۰ ریال
دو ساله ۵۰ ریال
سه ساله ۸۰ ریال

قیمت اعلانات

شماره اول ۳۰۰ ریال
شماره دوم ۲۰۰ ریال
شماره سوم ۱۰۰ ریال

بحران اقتصادی دنیا

قبل از اینکه موضوع غلات در اطراف قانون جدید انحصار را تطبیق کنیم، فعلاً چالش توجه و جاسی که از طرف آقای ملکپور چند روز قبل باذره واصل گردیده و سیاست اقتصادی دنیا را روشن مینماید مخصوصاً حالت حاضر و وخامت تجارت بین المللی را خوب مجسم میسازد درج مینمائیم و دنباله موضوع قانون جدید انحصار تجارت سمت مربوط به اسم را به بعد محول مینمائیم:

آقای مدیر محترم! بحران اقتصادی دنیاگیر روز بروز بر همت خود میافزاید و تمام ارض مسکون را بدون استثنا فرا گرفته است! در این مورد ملل معروف ترنوند با فیر در یک طرف واقع شده. عموماً نشان این هیولای مخوف واقع گردیده اند! تشافه ملل ایران هم که با دنیا رابطه اقتصادی دارد در قسمت خود حرکت با این اتصالات را پیدا کرده، قدر راتریم سهمی از سفته و گرفتاریها میبرد. چون روغن شدن طاق در این موضوع طرف توجه عموماًست مبادرت بر ترجمه ذیل مینماید و هر کسی که فزایا نظر خواندگان میگذرد ملل یکی از نظمین و روز اقتصاد اروپا نگارش یافته است. ۱. ملک پور

بحران اقتصادی دنیا

تجارت به حیث ملل است اگر کندی و مقتضی در جریان معاملات چینی و نقدی بین المللی ظاهر شود، هر یک از ملل کشور و باستطاعت تدریجی مینماید: و همین عدم امر و در عالم جریان یافته است! آگاهی که در هر دوره و پیش آمد، همکاری ملل دنیا و تجدید تسلیحات را، در دفع عموم، بوجه مینماید، اغلب در روبرو خوش بینانه هستند که هیچ رابطه با حقایق زندگی ندارند گذارده میشوند. آیا حق هم این است! بین ماه فوریه ۱۹۳۱ و فوریه ۱۹۳۲ وضعیت به این بدتر شده است! کثک تجارت بین المللی نزدیک پنجاه در صد منور بود و یک سال فقط، بنای عظیم و پرغرور تجارت دنیا، با شتفت یک قرن سعی و عمل دربر نگام تدریجی بالاتر رود متزلزل شده و نصف آن درم ریخته است. عدم اضافی که بدون هیچ فعل و کاری هستند در سال اخیر ۲۵۰ بیون فر ریبد، از طرف دیگر صادرات کبابی

مجموع القبنی میباشد. کس کردن صادرات عمومی خیلی کم، بلکه هیچ کمکی اصلاح تجارت بین المللی نخواهد بخشید. مؤثرترین باید به وظیفه را انجام دهند. باید اعلام کرد، رئیس الوزراء انگلستان و رئیس جمهور امریکای دلی (هور) متفق شده اند که دستور آتزا خواهند. آلبرت پادشاه بلژیک، در یک خطباتی رئیس الوزراء حدود در کفرانس لوزان تأکیداً تقاضا کرده است سنگر هائی که در مقابل تجارت بین المللی همه جا برپا شده است و بواسطه تره مرگ و تنهیدات دیگر کس صادرات و واردات بین المللی وارد باید خراب و نابود سازند. وقتی یک حکم حاذق در یک میبندد که در بکفته از مالمات خیلی کرده است، فوری دست از آن بر میدارد سیستم افرادی و حمایتی، خود را بدین نیروی از درمان ها برای بهبودی اقتصادی یکی از ملل با مجموع دنیا معرفی کرده است! پیشنهاد فرارگرمرگی میان بلژیک، هلند و مالمات اسکندناوی یک قدم مفیدی در راه اصلاح حقیقی میباشد. تمام اروپایا خوش نیت و دوستداران صلح باید آرزومند باشند که این اقدام نظایری پیدا کنند.

رانزی ماکدونالدنسخه ثانی ترتیب علاج را نوشته است این ترتیب که میگوید: کس مایه و فرانس بین الملل که زائیده جنگ اخیر میباشد، باید سحر شود. این عمل لازم و غیر مستحبت است که هر یک از اینک بعضی از ملل و بعضی ملل قادر فراهم آوردن وجود لازم نیستند، بلکه قبل از هر چیز برای اینکه نامروز و حلی باشد، باید است. این پرداختی فوق العاده گراف بکفری و هر ساله را با سیستم هوبی عرضه و تقاضا و تبدیل که برای اقتصادی دنیا در تشکیل داده و حق دهند. از هیچ فعل خری، نمیتوان این فروش را جز تحمیل و امکالات و موانع در راه وظیفه بزرگ اصلاح و تجدید حیات اقتصادی فرض نمود.

بقلم آقای سعید نسیمی

هزار و هفتصد سال

مالکیت ایران در بحری

مؤلف خلیج فارس مینویسد (ص ۲۴) در سال ۱۲۷۸ (۱۸۶۱ م.) در نتیجه دعوی سیاسی که دولت ایران و دولت عثمانی بر بحرین داشتند هیچ بحریین ماحده دوستی مهمی با دولت انگلیس است و بموجب آن نخست صحت و اعتبار تمام ماهدات و قرارداد های پیشین را تصدیق کرد و دوم وعده داد که از آن پس بدزدی در دریا و بر درویشی نپردازد بشرط اینکه انگلستان نیز در سیاست خارجی از آن حمایت کند و نیز هیچ مزبور همه گرفت که حکایت خوشی از انجواوات دیگران بحکمت و وضاحت انگلستان بازگردد و بعد داده که حکمت و وسیدیگی کنایه ای انبایع انگلیس را در بحرین به جهت نمایندگی سیاسی آن دولت در خلیج فارس گذارد و بتابع انگلیس اجازه دهد که آزادی در طررویی منزل کنند و تجارت پردازند.

کرنز هم (ص ۲۴-۲۵) مینویسد: عیض محمد سابق الذکر با وجود آن اظهارات همیشه در پی دینیه و همداد بود و باین جهت در ۱۲۷۸ (۱۸۶۱) برای جلوگیری از نیرنگهای او عهدنامه دیگری در تأمین صلح و دوست با انگلستان منعقد و لی هیچ عهدنامه و امضای نمی توانست اروپا به رسمتال را مانع شود و در سال ۱۲۸۴ (۱۸۶۷) دوباره بدزدی دریایی شروع کرد و لازم آمد که انگلیس با مانع را توپ بندند و او را از بحرین بیدن برند. پس از آن انگلیس جیبین علی را به حکومت بحرین برداشتند و او از زندگی ملک خوش عبرت گرفت و مقررات عهدنامه را محترم شمرد و مدت در اعات آن کشید، که بعداً بعد از

شماره ۱۶۸۲ - ۱۱ شهریور ۱۳۱۱ - ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۵۱ - ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۲

محل اداره: چهارراه وزارت جنگ عمارت انتخابیه (تلفون ۴۴۴)

صاحب امتیاز و مدیر: ع. ح. سعیدی

یکساله ۱۰۰ ریال، دو ساله ۵۰ ریال، سه ساله ۸۰ ریال

قیمت اعلانات: شماره اول ۳۰۰ ریال، شماره دوم ۲۰۰ ریال، شماره سوم ۱۰۰ ریال

بقلم آقای سعید نسیمی

هزار و هفتصد سال

مالکیت ایران در بحری

مؤلف خلیج فارس مینویسد (ص ۲۴)

در سال ۱۲۷۸ (۱۸۶۱ م.) در نتیجه دعوی سیاسی که دولت ایران و دولت عثمانی بر بحرین داشتند هیچ بحریین ماحده دوستی مهمی با دولت انگلیس است

و بموجب آن نخست صحت و اعتبار تمام ماهدات و قرارداد های پیشین را تصدیق کرد و دوم وعده داد که از آن پس بدزدی در دریا و بر درویشی نپردازد

بشرط اینکه انگلستان نیز در سیاست خارجی از آن حمایت کند و نیز هیچ مزبور همه گرفت که حکایت خوشی از انجواوات دیگران بحکمت و وضاحت انگلستان بازگردد

و بعد داده که حکمت و وسیدیگی کنایه ای انبایع انگلیس را در بحرین به جهت نمایندگی سیاسی آن دولت در خلیج فارس گذارد

و بتابع انگلیس اجازه دهد که آزادی در طررویی منزل کنند و تجارت پردازند

کرنز هم (ص ۲۴-۲۵) مینویسد: عیض محمد سابق الذکر با وجود آن اظهارات همیشه در پی دینیه و همداد بود و باین جهت در ۱۲۷۸ (۱۸۶۱) برای جلوگیری از نیرنگهای او عهدنامه دیگری در تأمین صلح و دوست با انگلستان منعقد و لی هیچ عهدنامه و امضای نمی توانست اروپا به رسمتال را مانع شود

و در سال ۱۲۸۴ (۱۸۶۷) دوباره بدزدی دریایی شروع کرد و لازم آمد که انگلیس با مانع را توپ بندند و او را از بحرین بیدن برند

پس از آن انگلیس جیبین علی را به حکومت بحرین برداشتند و او از زندگی ملک خوش عبرت گرفت و مقررات عهدنامه را محترم شمرد و مدت در اعات آن کشید

که بعداً بعد از

شماره ۱۶۸۲ - ۱۱ شهریور ۱۳۱۱ - ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۵۱ - ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۲

محل اداره: چهارراه وزارت جنگ عمارت انتخابیه (تلفون ۴۴۴)

صاحب امتیاز و مدیر: ع. ح. سعیدی

یکساله ۱۰۰ ریال، دو ساله ۵۰ ریال، سه ساله ۸۰ ریال

قیمت اعلانات: شماره اول ۳۰۰ ریال، شماره دوم ۲۰۰ ریال، شماره سوم ۱۰۰ ریال

بقلم آقای سعید نسیمی

هزار و هفتصد سال

مالکیت ایران در بحری

مؤلف خلیج فارس مینویسد (ص ۲۴)

در سال ۱۲۷۸ (۱۸۶۱ م.) در نتیجه دعوی سیاسی که دولت ایران و دولت عثمانی بر بحرین داشتند هیچ بحریین ماحده دوستی مهمی با دولت انگلیس است

و بموجب آن نخست صحت و اعتبار تمام ماهدات و قرارداد های پیشین را تصدیق کرد و دوم وعده داد که از آن پس بدزدی در دریا و بر درویشی نپردازد

بشرط اینکه انگلستان نیز در سیاست خارجی از آن حمایت کند و نیز هیچ مزبور همه گرفت که حکایت خوشی از انجواوات دیگران بحکمت و وضاحت انگلستان بازگردد

و بعد داده که حکمت و وسیدیگی کنایه ای انبایع انگلیس را در بحرین به جهت نمایندگی سیاسی آن دولت در خلیج فارس گذارد

و بتابع انگلیس اجازه دهد که آزادی در طررویی منزل کنند و تجارت پردازند

کرنز هم (ص ۲۴-۲۵) مینویسد: عیض محمد سابق الذکر با وجود آن اظهارات همیشه در پی دینیه و همداد بود و باین جهت در ۱۲۷۸ (۱۸۶۱) برای جلوگیری از نیرنگهای او عهدنامه دیگری در تأمین صلح و دوست با انگلستان منعقد و لی هیچ عهدنامه و امضای نمی توانست اروپا به رسمتال را مانع شود

و در سال ۱۲۸۴ (۱۸۶۷) دوباره بدزدی دریایی شروع کرد و لازم آمد که انگلیس با مانع را توپ بندند و او را از بحرین بیدن برند

پس از آن انگلیس جیبین علی را به حکومت بحرین برداشتند و او از زندگی ملک خوش عبرت گرفت و مقررات عهدنامه را محترم شمرد و مدت در اعات آن کشید

که بعداً بعد از

شماره ۱۶۸۲ - ۱۱ شهریور ۱۳۱۱ - ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۵۱ - ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۲

محل اداره: چهارراه وزارت جنگ عمارت انتخابیه (تلفون ۴۴۴)

صاحب امتیاز و مدیر: ع. ح. سعیدی

یکساله ۱۰۰ ریال، دو ساله ۵۰ ریال، سه ساله ۸۰ ریال

قیمت اعلانات: شماره اول ۳۰۰ ریال، شماره دوم ۲۰۰ ریال، شماره سوم ۱۰۰ ریال

بقلم آقای سعید نسیمی

هزار و هفتصد سال

مالکیت ایران در بحری

مؤلف خلیج فارس مینویسد (ص ۲۴)

در سال ۱۲۷۸ (۱۸۶۱ م.) در نتیجه دعوی سیاسی که دولت ایران و دولت عثمانی بر بحرین داشتند هیچ بحریین ماحده دوستی مهمی با دولت انگلیس است

و بموجب آن نخست صحت و اعتبار تمام ماهدات و قرارداد های پیشین را تصدیق کرد و دوم وعده داد که از آن پس بدزدی در دریا و بر درویشی نپردازد

بشرط اینکه انگلستان نیز در سیاست خارجی از آن حمایت کند و نیز هیچ مزبور همه گرفت که حکایت خوشی از انجواوات دیگران بحکمت و وضاحت انگلستان بازگردد

و بعد داده که حکمت و وسیدیگی کنایه ای انبایع انگلیس را در بحرین به جهت نمایندگی سیاسی آن دولت در خلیج فارس گذارد

و بتابع انگلیس اجازه دهد که آزادی در طررویی منزل کنند و تجارت پردازند

کرنز هم (ص ۲۴-۲۵) مینویسد: عیض محمد سابق الذکر با وجود آن اظهارات همیشه در پی دینیه و همداد بود و باین جهت در ۱۲۷۸ (۱۸۶۱) برای جلوگیری از نیرنگهای او عهدنامه دیگری در تأمین صلح و دوست با انگلستان منعقد و لی هیچ عهدنامه و امضای نمی توانست اروپا به رسمتال را مانع شود

و در سال ۱۲۸۴ (۱۸۶۷) دوباره بدزدی دریایی شروع کرد و لازم آمد که انگلیس با مانع را توپ بندند و او را از بحرین بیدن برند

پس از آن انگلیس جیبین علی را به حکومت بحرین برداشتند و او از زندگی ملک خوش عبرت گرفت و مقررات عهدنامه را محترم شمرد و مدت در اعات آن کشید

که بعداً بعد از

شماره ۱۶۸۲ - ۱۱ شهریور ۱۳۱۱ - ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۵۱ - ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۲

محل اداره: چهارراه وزارت جنگ عمارت انتخابیه (تلفون ۴۴۴)

صاحب امتیاز و مدیر: ع. ح. سعیدی

یکساله ۱۰۰ ریال، دو ساله ۵۰ ریال، سه ساله ۸۰ ریال

قیمت اعلانات: شماره اول ۳۰۰ ریال، شماره دوم ۲۰۰ ریال، شماره سوم ۱۰۰ ریال

بقلم آقای سعید نسیمی

هزار و هفتصد سال

مالکیت ایران در بحری

مؤلف خلیج فارس مینویسد (ص ۲۴)

در سال ۱۲۷۸ (۱۸۶۱ م.) در نتیجه دعوی سیاسی که دولت ایران و دولت عثمانی بر بحرین داشتند هیچ بحریین ماحده دوستی مهمی با دولت انگلیس است

و بموجب آن نخست صحت و اعتبار تمام ماهدات و قرارداد های پیشین را تصدیق کرد و دوم وعده داد که از آن پس بدزدی در دریا و بر درویشی نپردازد

بشرط اینکه انگلستان نیز در سیاست خارجی از آن حمایت کند و نیز هیچ مزبور همه گرفت که حکایت خوشی از انجواوات دیگران بحکمت و وضاحت انگلستان بازگردد

و بعد داده که حکمت و وسیدیگی کنایه ای انبایع انگلیس را در بحرین به جهت نمایندگی سیاسی آن دولت در خلیج فارس گذارد

و بتابع انگلیس اجازه دهد که آزادی در طررویی منزل کنند و تجارت پردازند

کرنز هم (ص ۲۴-۲۵) مینویسد: عیض محمد سابق الذکر با وجود آن اظهارات همیشه در پی دینیه و همداد بود و باین جهت در ۱۲۷۸ (۱۸۶۱) برای جلوگیری از نیرنگهای او عهدنامه دیگری در تأمین صلح و دوست با انگلستان منعقد و لی هیچ عهدنامه و امضای نمی توانست اروپا به رسمتال را مانع شود

و در سال ۱۲۸۴ (۱۸۶۷) دوباره بدزدی دریایی شروع کرد و لازم آمد که انگلیس با مانع را توپ بندند و او را از بحرین بیدن برند

پس از آن انگلیس جیبین علی را به حکومت بحرین برداشتند و او از زندگی ملک خوش عبرت گرفت و مقررات عهدنامه را محترم شمرد و مدت در اعات آن کشید

که بعداً بعد از

شماره ۱۶۸۲ - ۱۱ شهریور ۱۳۱۱ - ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۵۱ - ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۲

محل اداره: چهارراه وزارت جنگ عمارت انتخابیه (تلفون ۴۴۴)

صاحب امتیاز و مدیر: ع. ح. سعیدی

یکساله ۱۰۰ ریال، دو ساله ۵۰ ریال، سه ساله ۸۰ ریال

قیمت اعلانات: شماره اول ۳۰۰ ریال، شماره دوم ۲۰۰ ریال، شماره سوم ۱۰۰ ریال

بقلم آقای سعید نسیمی

هزار و هفتصد سال

مالکیت ایران در بحری

مؤلف خلیج فارس مینویسد (ص ۲۴)

در سال ۱۲۷۸ (۱۸۶۱ م.) در نتیجه دعوی سیاسی که دولت ایران و دولت عثمانی بر بحرین داشتند هیچ بحریین ماحده دوستی مهمی با دولت انگلیس است

و بموجب آن نخست صحت و اعتبار تمام ماهدات و قرارداد های پیشین را تصدیق کرد و دوم وعده داد که از آن پس بدزدی در دریا و بر درویشی نپردازد

بشرط اینکه انگلستان نیز در سیاست خارجی از آن حمایت کند و نیز هیچ مزبور همه گرفت که حکایت خوشی از انجواوات دیگران بحکمت و وضاحت انگلستان بازگردد

و بعد داده که حکمت و وسیدیگی کنایه ای انبایع انگلیس را در بحرین به جهت نمایندگی سیاسی آن دولت در خلیج فارس گذارد

و بتابع انگلیس اجازه دهد که آزادی در طررویی منزل کنند و تجارت پردازند

کرنز هم (ص ۲۴-۲۵) مینویسد: عیض محمد سابق الذکر با وجود آن اظهارات همیشه در پی دینیه و همداد بود و باین جهت در ۱۲۷۸ (۱۸۶۱) برای جلوگیری از نیرنگهای او عهدنامه دیگری در تأمین صلح و دوست با انگلستان منعقد و لی هیچ عهدنامه و امضای نمی توانست اروپا به رسمتال را مانع شود

و در سال ۱۲۸۴ (۱۸۶۷) دوباره بدزدی دریایی شروع کرد و لازم آمد که انگلیس با مانع را توپ بندند و او را از بحرین بیدن برند

پس از آن انگلیس جیبین علی را به حکومت بحرین برداشتند و او از زندگی ملک خوش عبرت گرفت و مقررات عهدنامه را محترم شمرد و مدت در اعات آن کشید

که بعداً بعد از

شماره ۱۶۸۲ - ۱۱ شهریور ۱۳۱۱ - ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۵۱ - ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۲

محل اداره: چهارراه وزارت جنگ عمارت انتخابیه (تلفون ۴۴۴)

صاحب امتیاز و مدیر: ع. ح. سعیدی

یکساله ۱۰۰ ریال، دو ساله ۵۰ ریال، سه ساله ۸۰ ریال

قیمت اعلانات: شماره اول ۳۰۰ ریال، شماره دوم ۲۰۰ ریال، شماره سوم ۱۰۰ ریال

بقلم آقای سعید نسیمی

هزار و هفتصد سال

مالکیت ایران در بحری

مؤلف خلیج فارس مینویسد (ص ۲۴)

در سال ۱۲۷۸ (۱۸۶۱ م.) در نتیجه دعوی سیاسی که دولت ایران و دولت عثمانی بر بحرین داشتند هیچ بحریین ماحده دوستی مهمی با دولت انگلیس است

و بموجب آن نخست صحت و اعتبار تمام ماهدات و قرارداد های پیشین را تصدیق کرد و دوم وعده داد که از آن پس بدزدی در دریا و بر درویشی نپردازد

بشرط اینکه انگلستان نیز در سیاست خارجی از آن حمایت کند و نیز هیچ مزبور همه گرفت که حکایت خوشی از انجواوات دیگران بحکمت و وضاحت انگلستان بازگردد

و بعد داده که حکمت و وسیدیگی کنایه ای انبایع انگلیس را در بحرین به جهت نمایندگی سیاسی آن دولت در خلیج فارس گذارد

و بتابع انگلیس اجازه دهد که آزادی در طررویی منزل کنند و تجارت پردازند

کرنز هم (ص ۲۴-۲۵) مینویسد: عیض محمد سابق الذکر با وجود آن اظهارات همیشه در پی دینیه و همداد بود و باین جهت در ۱۲۷۸ (۱۸۶۱) برای جلوگیری از نیرنگهای او عهدنامه دیگری در تأمین صلح و دوست با انگلستان منعقد و لی هیچ عهدنامه و امضای نمی توانست اروپا به رسمتال را مانع شود

و در سال ۱۲۸۴ (۱۸۶۷) دوباره بدزدی دریایی شروع کرد و لازم آمد که انگلیس با مانع را توپ بندند و او را از بحرین بیدن برند

پس از آن انگلیس جیبین علی را به حکومت بحرین برداشتند و او از زندگی ملک خوش عبرت گرفت و مقررات عهدنامه را محترم شمرد و مدت در اعات آن کشید

که بعداً بعد از

شماره ۱۶۸۲ - ۱۱ شهریور ۱۳۱۱ - ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۵۱ - ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۲

محل اداره: چهارراه وزارت جنگ عمارت انتخابیه (تلفون ۴۴۴)

صاحب امتیاز و مدیر: ع. ح. سعیدی

یکساله ۱۰۰ ریال، دو ساله ۵۰ ریال، سه ساله ۸۰ ریال

قیمت اعلانات: شماره اول ۳۰۰ ریال، شماره دوم ۲۰۰ ریال، شماره سوم ۱۰۰ ریال

بقلم آقای سعید نسیمی

هزار و هفتصد سال

مالکیت ایران در بحری

مؤلف خلیج فارس مینویسد (ص ۲۴)

در سال ۱۲۷۸ (۱۸۶۱ م.) در نتیجه دعوی سیاسی که دولت ایران و دولت عثمانی بر بحرین داشتند هیچ بحریین ماحده دوستی مهمی با دولت انگلیس است

و بموجب آن نخست صحت و اعتبار تمام ماهدات و قرارداد های پیشین را تصدیق کرد و دوم وعده داد که از آن پس بدزدی در دریا و بر درویشی نپردازد

بشرط اینکه انگلستان نیز در سیاست خارجی از آن حمایت کند و نیز هیچ مزبور همه گرفت که حکایت خوشی از انجواوات دیگران بحکمت و وضاحت انگلستان بازگردد

و بعد داده که حکمت و وسیدیگی کنایه ای انبایع انگلیس را در بحرین به جهت نمایندگی سیاسی آن دولت در خلیج فارس گذارد

و بتابع انگلیس اجازه دهد که آزادی در طررویی منزل کنند و تجارت پردازند

کرنز هم (ص ۲۴-۲۵) مینویسد: عیض محمد سابق الذکر با وجود آن اظهارات همیشه در پی دینیه و همداد بود و باین جهت در ۱۲۷۸ (۱۸۶۱) برای جلوگیری از نیرنگهای او عهدنامه دیگری در تأمین صلح و دوست با انگلستان منعقد و لی هیچ عهدنامه و امضای نمی توانست اروپا به رسمتال را مانع شود

و در سال ۱۲۸۴ (۱۸۶۷) دوباره بدزدی دریایی شروع کرد و لازم آمد که انگلیس با مانع را توپ بندند و او را از بحرین بیدن برند

پس از آن انگلیس جیبین علی را به حکومت بحرین برداشتند و او از زندگی ملک خوش عبرت گرفت و مقررات عهدنامه را محترم شمرد و مدت در اعات آن کشید

که بعداً بعد از

شماره ۱۶۸۲ - ۱۱ شهریور ۱۳۱۱ - ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۵۱ - ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۲

محل اداره: چهارراه وزارت جنگ عمارت انتخابیه (تلفون ۴۴۴)

صاحب امتیاز و مدیر: ع. ح. سعیدی

یکساله ۱۰۰ ریال، دو ساله ۵۰ ریال، سه ساله ۸۰ ریال

قیمت اعلانات: شماره اول ۳۰۰ ریال، شماره دوم ۲۰۰ ریال، شماره سوم ۱۰۰ ریال

بقلم آقای سعید نسیمی

هزار و هفتصد سال

مالکیت ایران در بحری

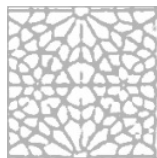
مؤلف خلیج فارس مینویسد (ص ۲۴)

</



اطلاعات

یکصد و هویتمای بهب افکن آمریکائی بابمب های اتمی وئیدر وژنی بر ای عملیات جنگی آملا شده اند
 دادبر قاهره اعلام کرده دولت شوروی بکزار هویتمای جت حامل اسلحه و مهمات و کارشناسان نظامی از راه ترکیه بسوریه فرستاده است
 از امر و صبح انگلیس شروع بتخلیه پورت سعیدنهود و اولین دسته چتر بازان خود را به قبرس برگردانند
 فدائیان مصری دبر وژد سر اسر خاک اسر ائیل دست بخوابکاری و صیغی زدند و لواء های آب و پلها و ناسبات راه آهن وقت را منفجر کردند
 دولت اسر ائیل بر اثر اخطار ایز نه اور اعلام کردند که حاضر است قوای خود را از خاک مصر بیرون برد



فاجعه عمو می سیل در تهران هزاران نفر را بیخانمان کرد

طبق آمارهای اولیه دهانفر کشته شده اند و میزان تلفات هر ساعت بالا می رود

اطلاعات

سال سی و ششم شماره ۱۰۷۸۰ یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۴۱

مردم بیخانمانی که خانه هایشان را سیل درهم کوبیده است در خیابانها و کوچه ها سرگردانند و تعدادی از آنها در مساجد سکونت کرده اند.

نیاری سیل زدگان بشتایم

وزارت آب و برقانی که باز هم تا دو روز دیگر باران آلوده همان اندازه که فانی تلفات است قابل گشتن نیز می باشد.



طهران روز یکشنبه نخست وزیر برای جلوگیری از سیل تهران کمیته «رفع خطر» تشکیل شد دولت در باره سیل اعلامیه ای صادر می کند

از طرف شیرو خود شید اصنام مقنناتی و شورای برای کمک به آسیب دیدگان شروع شده است

بهره در منطقه خفیه

تلفات طوفان پاکستان از ۲۰ هزار گذشته روزنامه ها و مقامات محلی تلفات طوفان را ۵۰ هزار ذکر می کنند



اطلاعات

سال سی و ششم شماره ۱۰۷۸۰ یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۴۱

چهارمین نشست از علایق مبعوث شاهنشاهی در مجلس شورای اسلامی

انقلاب سنفید ایران در کادر قانون و انضباط ملی شروع شد

شرح در صفحه یازدهم

طی زود خودی که روز جمعه گذشته اتفاق افتاد:

یک سرپاسبان در مشهد کشته شد

سرپاسبان شهابتک هنگامیکه در جلو مسجد گوهرشاد میخواست اعلامیه ای را از دیوار بکند مورد حمله قرار گرفت



مراسم عزای حسین در تهران و شهرستانها

در روز عصر شاهنشاهی حسین علیه السلام صورت بان مائتکده سمری در آمده بود.



۱۲۰ نفر شدند مقتول

در صفحه آخر

پاپ صلح درگذشت



مسافرت برزنف بایران نشان خواهد داد که شوروی نسبت مابین احساسات

در مجلس عزاداری کاخ گلستان شرکت کردند

مجلس سوسیالیستی ایران در مشهد شرکت کردند

مجلس سوسیالیستی ایران در مشهد شرکت کردند

مجلس سوسیالیستی ایران در مشهد شرکت کردند

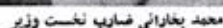


جَهَان



• یا اینکه مستخدمین مجلس خود را روی ضارب نخست‌وزیر اناخته ولی ضارب همچنان چندلیر شلیک کرد
 • وضع مزاجی نخست‌وزیر لنگرانی به پدر ایشان دو زن معایره شد

© 2004 Blackwell Publishing Ltd *Journal of Internal Medicine* 255: 103–110

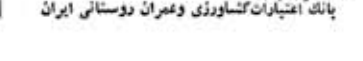


صاحب این مقاله میگوید محمد امروز صبح کارش نیامده است از او خبری ندارم .

۴. اقوال سرافقه - علی محمد علی مریم



دعوت: جنب کافہ قنادی فردوسی ۸۷۵ بعد از ظهر
تلفن ۳۷۲۲۲



ضارب نخست وزیر اعتراف کرد

دو نفر با سامی مرتضی نیک نژاد و رضا هرندی با تها ممدستی باضارب دستگیر شدند



عصر دیروز شاهنشاه از نخست وزیر عیادت کردند و بهیئت دولت دستور فرمودند که برنامه های اقتصادی خود را دنبال کنند

طبق اعلامیه پزشکان حال نخست وزیر خوبست و از سه جراح بزرگ جهان برای مشاوره پزشکی دعوت شده است.

زطرف شاهنشاه آقاي هویدا وزير دارائي تابيهودي حال نخست وزير بكفالت نخست وزيري منصوب گرديد.

فوق العاده
اطلاعات

جمعه ۱۳۴۳
تک شماره ۲ رباع

در بازپرسیهای مقدماتی مأمورین باسناد و مدارکی دست یافته‌اند که روشن شدن قضیه کمک میکند

نخست‌وزیر بدین‌اول عمل چراغ‌ک
از هنگام انتقال ایشان به بیمارستان دوی‌گروتن
و نواحی شک انجام شد. ساعت چهار بعدازظهر
دوباره به اطاق عمل انتقال یافت و بیکار دیگر
نیز در همین اطاق احداث‌گردد چراغ‌ک
شاهنشاه عصر دروژ و از اعلیٰ بنشین
پای‌گشوده و در بیمارستان ازای نخست وزیر
عیادت فرمودند و چند دقیقه بعد از آن جلسه
هفت و وزیران در پیشگاه شاهنشاه در کاخ
سلطنتی تشکیل شد و آقای هوبدا فرمان
شاهنشاه مامور سرپرستی کرد. گردید.

شاهنشاه عصر دیروز در بیمارستان پارس از آقای نخست وزیر عیادت فرمودند ،
ن عکس هنگام مراجعت شاهنشاه از بیمارستان گرفته شده و تیمسار ارشد حاجزای،
تیمسار سید نصیری و تیمسار مرتضی و تقی در التزام رکاب دیده میشوند

● مصاحبه اختصاصی با هویدا

ساعت هشت بعد از ظهر دیروز جلسه فوق العاده هیئت دولت تمام شد، آقای هویدا نایب نخست وزیر درحالی که بیجا در دست داشت آقای هویدا برائو تصادف التومیل آسیب دیده است (بافانق اقایان) منصور، روحانی وزیر آب و برق و دکتر جهانشاهی وزیر مشاور اراذل نیست و از آنجا که شند.

در اینموقع خبر نگار ما موفق شد با آقای نایب نخستوزیر مصاحبه‌ای اختصاصی بعمل آورد - آقای هویما با حالتی متار و دد بین حال مصمم شده در صفحه دوم

انقلاب ششم یعنی گدایان
 خائنانه ایران و پستیهای قاطعه
 ملت بینان ایامه شده امت یکتا به
 امر خواهد رسید و صفای متجاوز
 از هر جانب که دراز شود چه از داخل
 کشور چه از خارج قطع خواهد شد
 و اکنون به امر خویش اقامه ایام
 و قدرت و استقلال پستی میرویم
 خائنانه ایران تا جان جبار ملی
 پرستار راست و هیچ بیرونی را توان
 آن نیست که سد امر ترقی و تعالی
 ملت ایران باشد

کنسور، اصولاً قانون تجارت، لایحه مالیات بر درآمد و مقررات واردات و صادرات سالانه سیاست اقتصادی کشور را در سال آینده مشخص خواهند کرد.

اعلیحضرت مهابادی اظهار آمیندواری برای بهبود حال سریع آقای نخستوزیر کردند و تأکید فرمودند که در دوران نفاذ ایدان آگاهی و زیر بار مسئولیت هر یک از آنها خواهند بود.

● اعلامیہ دوم پزشکی

اعلامیه دویزشکی درساتشور
چول و پوزوقته بعدازشی دپروز ار
شرف یزشکان مالای آقای منصور
بخشودری شرح زیر انتشار یافت:
سپار انعام علی جراحی مالای حرمی
چنای آقای منصوربخشودری رفاهت
بخش امت قنارون و بیس طبعی و
نابت می باشد .
مومین اعلامیه یزشکی درسات
یک بعداز نیمه شب انتشار خواهد
یافت .

ڈاکٹر سعید افری - ڈاکٹر عبدالحمید
 سعیدی - ڈاکٹر منوچہر شافقی -
 ڈاکٹر نوران

● دد حزب ایران نوین

بمقام خبر دیروز جیت ابراهیم
حزب ایران نوین یک جلسه فوق العاده
عقد کرد و در آن جلسه اعلامیه
پایین شرح شد صادر کرد
معموداً در این حزب ایران نوین
اروز (دیروز) با جوامع افاده هنر
و تخیل و تعالی ملت ایران قرار
گرفت ولی خدای بزرگ نخواست که
پای نوین و روحخانه «آگاه»
اعلامیه‌های رنگی حاکم است بجان
این دستکاران شایسته و وطن‌پرست
رسید، اما طاعت خونی که از دست
آورد ایران و قتل و قتل ایران
و این مجلس شورای ملی در روز
نپال معانت و سرافرازی ملت ایران
که بدست شاهنشاهی شاهانه شد
است پرونده‌ای در پرونده‌ی قتل
ملیت.

[illegible]

آقای هویدا وزیر دارائی دیشپ بفرمان شاهنشاه تصدیق امور دولت را تا بیپودی آقای نخست وزیر عهده دار شد.

٤ - حال آقام امام عباس هوندا

شرح حال آقای امیر عباس هویدا
کفیل نخست وزیری

[illegible]

• **عیادت شاهنشاه از لنگست وزیر**

[illegible]

ساعت شش و نیم به فرودگاه فرود آمدیم. جلسه فوق العاده هشت وزیران در محل اختصاصی در پیشگاه شاهنشاه تشکیل دادند. در این جلسه شاهنشاه از سادگی و انصاف و دوری خود نسبت به آقای حسنعلی منصور نخست وزیر ایران بسیار گریه کرد و از خدمات صادقانه و فداکارانه ایشان اظهار تشکر نمود.

مجلس شورای اسلامی در ۲۲ شهریور ۱۳۸۲، در جلسه علنی، با تصویب ۱۸۸ رأی و ۱ رأی ممتنع، در مورد تصویب این طرح موافقت کرد. در این جلسه، آقایان دکتر بهرامی و دکتر بهرامی، به نمایندگی از هیأت رئیسه و هیأت مدیره، به ترتیب، در مورد این طرح، گزارشی ارائه دادند. در این گزارش، به اهمیت این طرح و لزوم تصویب آن، اشاره شد. در ادامه، آقایان دکتر بهرامی و دکتر بهرامی، به ترتیب، در مورد این طرح، گزارشی ارائه دادند. در این گزارش، به اهمیت این طرح و لزوم تصویب آن، اشاره شد.

آخ: به خوب از حال نخست وزیر

یکی از اعضای حزب ایران نوین دربارهٔ حادثهٔ دیروز پیغمبرگار ما اظهار داشت: طبق اطلاع دلیلی که در دست است فقط دو گلوله به آقای نخست وزیر اصابت کرده است گلولهٔ اول از سمت چپ گردن وارد و از سمت راست آن خارج شده و خوشبختانه این گلوله از کولکترینه نوع گلولهٔ مکنه (۷ میلیتری) بوده و آقای پرفسور عدل کادر موقیع عمل حضور داشت و اظهار نموده که خوشبختانه گلوله در قسمتی وارد گردن شده است که بی خطرترین قسمت گردن است و اگر کسی از مسیر لوله خارج میشد بعروق و اعصاب گردن لطمه کلی میزد. جراحات گردن نخست وزیر مرمت گردید و از زیر کلو سوراخی برای تنفس باز گذاشته اند.

مکمله دوم پناهجه شکم اصابته کرده و دچار قسمت روده راپاره کرده و مجموعاً دوجود بیست سانتیمتر از روده را در طی عمل جراحی خارج کرده اند.

این مکمله علاوه بر پناهجه نیز صدمه ای زده و وارد کتب خاصه شده است که آنرا طی عمل جراحی خارج کرده اند و از این پناهجه بهیچوجه خطری متوجه نخست وزیر نیست و فقط از انفاداف «انگلیسین» در ناحیه کردن تا چهار روز مراقبت زیادهای باید بشود.

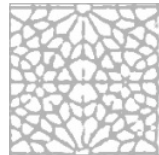
روحیه آقای نخست وزیر خیلی خوبست و وقتی ایشانرا صدا میکنند چشمان خود را باز میکند و کاملاً متوجه می شود منتی بر شکان حرف زد و برای ایشان بیخود کرده اند.



آخرین عکس از دهان بخارانی، ضارب نخست وزیر که دو ساعت بعد از حادثه سوء قصد از او گرفته شده است



عکس، از الومبیل اسکورت پلیس که نخست وزیر پس از حادثه، سوء قصد بوسیله آن به بیمارستان انتقال یافت، نشانه شکسته آلبوم، ظهور در عکس دیده میشود



اطلاعات

دوشنبه اول اسفندماه ۱۳۳۶ - شماره ۱۰۰۵۳۳ - ۱۰۰ شماره روزانه

۱۵ دستگاه
اتومبیل در محوطه
پارکینگ حزب
رستخیز به آتش
کشیده شد

بدنبال آشوب ۲ روزه تبریز دانشگاه آذرآبادگان تعطیل شد

تظاهرات دیروز تبریز
باتیر اندازی مأموران
انتظامی برهم خورد

بر خورد میان
دانشجویان
دست چپی و
مذهبی تبریز
حمله تظاهر کنندگان
به بیمارستان
نکوئی قم
بر صفحه ۴ ستون هشتم

اسامی

کشته شدگان و مجروحین حوادث خونین ۲ روزه تبریز



در آشوب تبریز جنسیت
ها نیز از آسیب هجوم
مأموران نظامی و پلیس
کشور به آتش کشیده
شد و نشان موهن

در تبریز اعلام
شد: ۱۵ نفر از
روحانیون تبریز
طی اطلاعیه‌ای

مردم رابه آرامش
و باز کردن بازار
دعوت کردند

مشروح جریان حوادث
تبریز در صفحات ۳۱ و
۳۲ شماره امروز انتشار
یافته است

خانه سازی برای
صاحبان ۱۰ هزار
قطعه زمین آزاد شد
* در یک میلیون متر از اراضی جنوب بزرگراه
سیدخندان اجازه خانه سازی داده میشود
* در مورد خانه سازی در شمالی پادشاه منطقه
دیگر بزرگ تصمیم گیری میشود
بر صفحه ۴ ستون اول
* در آخرین لحظات مذاکره برای آزاد شدن
مروگانها مصریه فرودگاه تبریز حمله کرد
کماندوهای مصر
در حمله به فرودگاه
قبرس کشته شدند
بر صفحه ۲ ستون اول



اسامی بانکها و سینه‌ها
هتل ها اماکن عمومی
ادارات دولتی
فروشگاهها و کلیه
مراکز که به آتش
کشیده شد
تظاهر کنندگان پارکومتر ها و علائم
رانندگی را از خیابان ها کردند

دی. دی. سون را با خطر بسیار دید!!

اطلاعیه

وزارت کشاورزی و عمران روستائی بمنظور حمایت
از تولید کنندگان داخلی مرکبات و ورود مرکبات
خارجی را در سال جاری ممنوع اعلام نمود و لسی
بمنظور جبران کمبود احتمالی میوه در ایام نوروز
باموافقت وزارت بازرگانی فقط یکصد هزار تن در
ماههای اسفند ۳۶ و فروردین ۳۷ اجازه ورود
مرکبات خارجی خواهد داد. از آنجا که ورود آفات و
بیماریهای قرنطینه‌ای بخصوص مگس
مدیترانه‌ای، که برای انواع سیب و مرکبات بسیار
خطرناکی است و در صورت شیوع می‌تواند
در اندک زمان تمامی باغ های میوه کشور را آلوده
و منهدم نماید، کارشناسان وزارت کشاورزی و
عمران روستائی در کنار ورود مرکبات نظارت
خواهند داشت تا مقررات و ضوابط قرنطینه‌ای در
محل و یا حین حمل دقیقاً رعایت گردد.

اضافه مینماید که مرکبات وارداتی با یستی بحدت
۲۰ روز قبل از حمل و یا حین حمل در سردخانه و یا
وسیله نقلیه سردخانه دار در درجه حرارت یک تا پنج
درجه سانتیگراد قرار گیرد. بپس حال چنانچه
کلیه شرایط بهداشتی و از آنجمله شرایط فوق
توسط وارد کنندگان رعایت نشود تحت هیچ
عنوان اجازه ورود به کشور داده نخواهد شد.

م الف ۲۷۱۵۵

جناب آقای سید محمد فیلی
با کمال تألم و تأثر فوت پدر گرامی را تسلیت عرض
نموده عرض می‌دارم خدا شریک مبدع
جزیره گیتی - طایفه خدیجه‌ایان

شماره های جدید تلفن
شرکت کارتن کار
(مسئله خاص)
۳۷۵۲۸۶ - ۳۷۵۸۳۰

آگهی
شرکت تعاونی تهیه و توزیع
اعضاء صنف فشار در مورد:
۱- خرید سوخت پاش گازی
۲- لوله کشی روی کوره ها
۳- تعریض باجه های کوره ها
شرح در صفحه ۲۹

مالکین محترم بایستخت
با پرداخت بهای عوارضی نوسازی علاوه بر
استفاده از دودرسه جایزه نه دودرسه چوبه در
کرد نخواهد پرداخت نتیجه نوزده درصد شفع
شما است آخرین مهلت برای پرداخت روز ۲۹
اسفند میباشد. هتکاری شما با شهرداری موجب
مسامحتی است.
م الف ۲۵۸۸۳

شهرداری بایستخت
موم اسفند معارف با کاروان فرهنگست غلغلان
برجود حسن فرود استیلا و محبت انجمن و بیلی و بیلی
برقرار میشود. دانش را گرانی میداریم
خداوند غنود

تلفاتی ساختمان در تمام نقاط ایران شرکت
تبریز مسکن تلفن ۶۸۸۳۳۳ و ۵۳۳۷

شماره جدید تلفن های
سازمان فالوپا
۳۷۰۱۵۷
۳۷۰۱۵۸
۳۷۰۱۵۹

یکی از اصول های که
در تظاهرات دیروزه تبریز
توسط تظاهر کنندگان به آتش
کشیده شده است.

کمیته حمایت از معیشت
کشته
قیمت
کالاها
بی رویه
بالا
میرود
* تارنکی کیلویی ۱۵
* تومان ویر تقال کیلویی ۱۲
تومان شد ۱
بر صفحه ۲ ستون چهارم

اطلاعیه

توبت دوم برنامه واکسیناسیون فلج اطفال
بحدت ۵۰۰۰۰ از تاریخ ۳۱/۱۲/۳۶ تا ۳۱/۱/۳۷
باهدکاری بهیاری آموزشگاههای وزارت آموزش
و پرورش در کلیه نواحی نوزده گانه از وزارتخانه
و همچنین مراکز درمانی بهداشتی سازمان منطقه‌ای
استان مرکزی انجام خواهد شد.
در این فرصت کوتاه در مورد واکسیناسیون
اطفال خود اقدام نمایند.
م الف ۳۶۸۲۷

سازمان منطقه‌ای بهداشتی
و بهزیستی استان مرکزی

حال جیب شما چگونه؟

صفحه ۲۴

آهتر لردی، لرد و نیست...! فلز رنگین

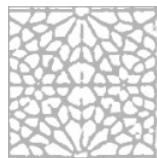
فردا

آگهی پذیرش دانشجویی

دوره تخصصی
شرح در صفحه ۱۴

تغییر شماره تلفن مطب
دکتر حسین خاکسار
دندانپزشک ۳۷۵۵۱۲

مجله جوانان
امروز منتشر
شد

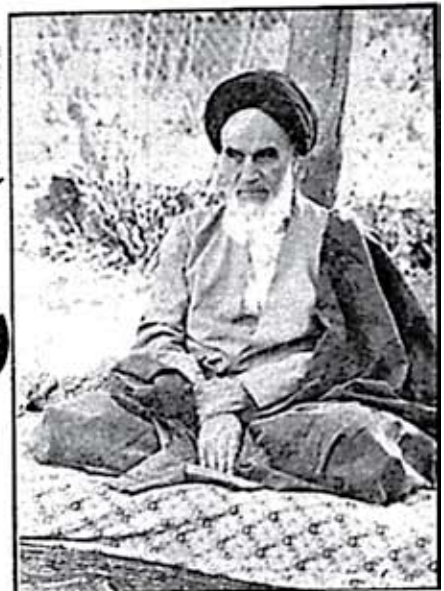


انقلاب مردم در آستانه پیروزی

فردا عزای ملی است

اطلاعات
شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۵۷ - شماره ۱۵۷۵۲ - تکثیر ۱۵۰۰۰۰

آخرین تحویل
در سیاست
خارجی آمریکا
نسبت به ایران



شاه برای استراحت از کشور خارج میشوند

کسب تکلیف معمرانه سفیر آمریکا در تهران از واشنگتن

دستور امام خمینی در مورد شکستن اعتصاب مطبوعات

پایان اعتصاب
بیانیه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات

سالروز درگذشت جهان بهلوان غلامرضا تختی



گزارش برنا بهریر از
کسب تکلیف معمرانه

حمله به خانه مادر و خواهر شاه ایران

آرتشبدادوسی
بخارج رفت
سپهبد مهدی رحیمی
فرماندار نظامی تهران شد
رئیس اداره دوم ستاد
بزرگ ارتش تاران
فوت کرد

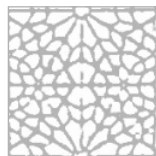
۶۰ روز انقلاب، خونریزی و همبستگی ملی

تهران، مشهد، شیراز، اصفهان، قزوین، کرمانشاه، رفسنجان و دهه شهر دیگر قتلگاه معاصران شد

کابینه شاپور بختیار تشکیل شد



دیگر نامور بختیار و صاحب مطبوعات، هم در کنار هم بودند و دیگر بختیار و صاحب مطبوعات، هم در کنار هم بودند



امام خطاب یہ بختیار:

مملکت ۲ دولت ندارد.
تو غیر قانونی هستی، برو.

اما م آمد

۹ صفحه

تأليفه - د. عزيزة محمد - عام ١٣٥٧ - سورة ربيع الأول ١٣٩٩ - شمار ١٥٧٧٢

لحظات حرکت در فرودگاه-شارل دوگل.

آخرین پیام امام خمینی در پاریس

پاریس - اول خورده ۱۹۲۹ ورود به هواپیمای حداقل
صور قزاجی : پنج سائوران بدقت از سی
مشهد

[illegible]

پخش
مستقیم
تلویزیون
بعلت هجوم
مأموران
قطع شد

[illegible]

از پاریس تا تهران
چه گذشت

[illegible]

اولین عکس از امام در داخل هواپیما
بر فراز ایران که توسط عکاس
عزیمی اطلاعات گرفته شده است



قدم به خاک وطن

امام خوش آمدی

[illegible][illegible]

سوکا دلیدی تشکسته باشد .

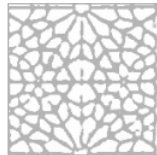
 امام غوثی آمدی به بیان ملت بهایر و سرزمینش
 اینک غرض ایران زمین را پیشو بنگر و فریدو
 ملت را بگری بپشو .
 زین سر امید که آذاریه حاسی سلطوری خواهد
 فات که در برام جوارید طایر شایسته .

پایه‌ده سال پیش آنها که هشتادان بسته به پهلوی یک
و شایانان از سر اندو و مرد می‌لایان آسان هم
بوده‌اند از ایران رجا گردید و آشکار گردید
ماده به خاندان، جستجوگر مذهبیت بودندین تصویرهای
از انقلابی گفتم و لو، نوشته‌های فزاد ملت بودی،
نویان می‌داشتند گفتم می‌زاد را از کتابها و روزنامه
های دیگر می‌داشتند هیچک از آن دانستند که هر روز

صفحات اختصاصی
از زندگی
و مبارزات امام

۳ و ۲ صفحات

[illegible]



بامیلیونهارای درسراسرکشور شعار «جمهوری اسلامی تشکیل باید گردد» عملی شد

چاپ دوم

اطلاعات

شبه بازدم فروردین ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۸۸۱۸ - تیرماه ۱۶ - سال

کشف توپنه خرابکاری در رفراندم

به توطئه توسط یک شبکه بین‌المللی اداره میشد که گفته میشود ۳ هزار عضو دزیران دارد و با سیا مرتبط است

فرار بزرگ از زندان کمیته ۴۷۰ زندانی فراری دوباره دستگیر شدند ۷۰ نفر هنوز متواری هستند در صفحه ۸



عکس اختصاصی اطلاعات
اجتماع مردم در شهر مراغه امام خمینی و پسران باغچه مسجد جامع مراغه ای‌اندازی شدند غیر قابل کنترل بود که امام نو استند از توجیل پادیه شوند و تکریر رای آری خود را توسط جمعیت و مأموران روزنامه‌های توسل فرستادند که مستور انداخته شود

ملت به امام پاسخ آری داد

استقبال مردم برای شرکت در رفراندم در تاریخ

ایران بی سابقه بود در بسیاری از حوزه‌های شهرهای مختلف کمبود ورقه رأی پیش آمد

کمیته خبرنگاران انجمن اطلاعات اعلام کرد

رهبر انقلاب و مراجع تقلید چگونه رأی دادند

امام خمینی پس از فراغت از رفراندم داخل دیگری دی پیش داریم

در چند حوزه افراد ضد انقلابی به مردم تیر اندازی کردند

در سقز صندوق رأی را آتش زدند و در مهاباد و گنبد کاووس رفراندم انجام نشد

بموجب آخرین آمارهای رسیده به تهران

نبردهای گنبد تاکنون ۴۰ کشته داشته است

آبولانس گروه امداد آیت‌الله طالبانی به گنبد گلوله بسته شد فرماندار گنبد: اختلاف مذهبی و نژادی بیانه‌ای است برای برادر کشی

رئیس ستاد مصدق وزیر دفاع شد

بامامان مقصوداتی‌شاه سابق است و از آنجا به برزیل می‌رود

شاه سابق ماه آینده محاکمه میشود

برزیل، مقصد بعدی شاه سابق جانی است که پناهگاه جنایت کاران سابق نازی شده بود شاه سابق ۳ سال پیش در دیوان عالی کشور محکوم شده است

رفراندم تا ساعت ۱۰ امشب تمدید شد

امام خمینی حاج سید جوانی وزیر کشور بعد از ظهر امروز اعلام کرد که نظرات استانی بی سبب مردم برای دادن رأی‌های خود را در رفراندم امروز بجای می‌نهند از این ساعت ۱۰ بعد از ظهر و تا بعد از ظهر

توضیح خبر سرهنگ گستاخه درباره خبر بازداشت قاضی کشتار جمعیته

۱۳۵۸ - ۲۰۱ - ۲

به نوشته کنایه‌نیل:

ولیعهد پسر شاه نبود! غلامرضا پهلوی اولین مرد زندگی مگویش

با دنیامعلاون آخرین عشق شاه، دهاتیان اسلام، شاه و هجرتی باوی فردا در مجله سیبیلو سیاه

تکلیف فراموشی، به اطلاعات مورخ شد کشتی که بر تان جرحه حکمت اطلاعاتی انجام می دهد آمده بود بدینوسیله راجع را فرما تکلیف نموده و بخشایش خود را از دولت موقت انقلاب اسلامی اعلام می‌آید

دکتر فضل‌الله صدر



حضرت آیت‌الله العظمی شریعتی، حضرت آیت‌الله العظمی تهرانی و حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی به جمهوری اسلامی ایران می‌روند

انتکاس وسیع رفراندم ایران در جهان

۷ صفحه

شماره آری در حوزه های رای گیری از ساعت ۶ بعد از ظهر امروز شروع شد و آخرین تاریخ بسته رای گیری از ساعت ۱۲ صبح امروز تا ساعت ۱۸ صبح ۱۳۵۷ آری و ۱۳۵۸ آری و ۱۳۵۹ آری و ۱۳۶۰ آری و ۱۳۶۱ آری و ۱۳۶۲ آری و ۱۳۶۳ آری و ۱۳۶۴ آری و ۱۳۶۵ آری و ۱۳۶۶ آری و ۱۳۶۷ آری و ۱۳۶۸ آری و ۱۳۶۹ آری و ۱۳۷۰ آری و ۱۳۷۱ آری و ۱۳۷۲ آری و ۱۳۷۳ آری و ۱۳۷۴ آری و ۱۳۷۵ آری و ۱۳۷۶ آری و ۱۳۷۷ آری و ۱۳۷۸ آری و ۱۳۷۹ آری و ۱۳۸۰ آری و ۱۳۸۱ آری و ۱۳۸۲ آری و ۱۳۸۳ آری و ۱۳۸۴ آری و ۱۳۸۵ آری و ۱۳۸۶ آری و ۱۳۸۷ آری و ۱۳۸۸ آری و ۱۳۸۹ آری و ۱۳۹۰ آری و ۱۳۹۱ آری و ۱۳۹۲ آری و ۱۳۹۳ آری و ۱۳۹۴ آری و ۱۳۹۵ آری و ۱۳۹۶ آری و ۱۳۹۷ آری و ۱۳۹۸ آری و ۱۳۹۹ آری و ۱۴۰۰ آری و ۱۴۰۱ آری و ۱۴۰۲ آری و ۱۴۰۳ آری و ۱۴۰۴ آری و ۱۴۰۵ آری و ۱۴۰۶ آری و ۱۴۰۷ آری و ۱۴۰۸ آری و ۱۴۰۹ آری و ۱۴۱۰ آری و ۱۴۱۱ آری و ۱۴۱۲ آری و ۱۴۱۳ آری و ۱۴۱۴ آری و ۱۴۱۵ آری و ۱۴۱۶ آری و ۱۴۱۷ آری و ۱۴۱۸ آری و ۱۴۱۹ آری و ۱۴۲۰ آری و ۱۴۲۱ آری و ۱۴۲۲ آری و ۱۴۲۳ آری و ۱۴۲۴ آری و ۱۴۲۵ آری و ۱۴۲۶ آری و ۱۴۲۷ آری و ۱۴۲۸ آری و ۱۴۲۹ آری و ۱۴۳۰ آری و ۱۴۳۱ آری و ۱۴۳۲ آری و ۱۴۳۳ آری و ۱۴۳۴ آری و ۱۴۳۵ آری و ۱۴۳۶ آری و ۱۴۳۷ آری و ۱۴۳۸ آری و ۱۴۳۹ آری و ۱۴۴۰ آری و ۱۴۴۱ آری و ۱۴۴۲ آری و ۱۴۴۳ آری و ۱۴۴۴ آری و ۱۴۴۵ آری و ۱۴۴۶ آری و ۱۴۴۷ آری و ۱۴۴۸ آری و ۱۴۴۹ آری و ۱۴۵۰ آری و ۱۴۵۱ آری و ۱۴۵۲ آری و ۱۴۵۳ آری و ۱۴۵۴ آری و ۱۴۵۵ آری و ۱۴۵۶ آری و ۱۴۵۷ آری و ۱۴۵۸ آری و ۱۴۵۹ آری و ۱۴۶۰ آری و ۱۴۶۱ آری و ۱۴۶۲ آری و ۱۴۶۳ آری و ۱۴۶۴ آری و ۱۴۶۵ آری و ۱۴۶۶ آری و ۱۴۶۷ آری و ۱۴۶۸ آری و ۱۴۶۹ آری و ۱۴۷۰ آری و ۱۴۷۱ آری و ۱۴۷۲ آری و ۱۴۷۳ آری و ۱۴۷۴ آری و ۱۴۷۵ آری و ۱۴۷۶ آری و ۱۴۷۷ آری و ۱۴۷۸ آری و ۱۴۷۹ آری و ۱۴۸۰ آری و ۱۴۸۱ آری و ۱۴۸۲ آری و ۱۴۸۳ آری و ۱۴۸۴ آری و ۱۴۸۵ آری و ۱۴۸۶ آری و ۱۴۸۷ آری و ۱۴۸۸ آری و ۱۴۸۹ آری و ۱۴۹۰ آری و ۱۴۹۱ آری و ۱۴۹۲ آری و ۱۴۹۳ آری و ۱۴۹۴ آری و ۱۴۹۵ آری و ۱۴۹۶ آری و ۱۴۹۷ آری و ۱۴۹۸ آری و ۱۴۹۹ آری و ۱۵۰۰ آری و ۱۵۰۱ آری و ۱۵۰۲ آری و ۱۵۰۳ آری و ۱۵۰۴ آری و ۱۵۰۵ آری و ۱۵۰۶ آری و ۱۵۰۷ آری و ۱۵۰۸ آری و ۱۵۰۹ آری و ۱۵۱۰ آری و ۱۵۱۱ آری و ۱۵۱۲ آری و ۱۵۱۳ آری و ۱۵۱۴ آری و ۱۵۱۵ آری و ۱۵۱۶ آری و ۱۵۱۷ آری و ۱۵۱۸ آری و ۱۵۱۹ آری و ۱۵۲۰ آری و ۱۵۲۱ آری و ۱۵۲۲ آری و ۱۵۲۳ آری و ۱۵۲۴ آری و ۱۵۲۵ آری و ۱۵۲۶ آری و ۱۵۲۷ آری و ۱۵۲۸ آری و ۱۵۲۹ آری و ۱۵۳۰ آری و ۱۵۳۱ آری و ۱۵۳۲ آری و ۱۵۳۳ آری و ۱۵۳۴ آری و ۱۵۳۵ آری و ۱۵۳۶ آری و ۱۵۳۷ آری و ۱۵۳۸ آری و ۱۵۳۹ آری و ۱۵۴۰ آری و ۱۵۴۱ آری و ۱۵۴۲ آری و ۱۵۴۳ آری و ۱۵۴۴ آری و ۱۵۴۵ آری و ۱۵۴۶ آری و ۱۵۴۷ آری و ۱۵۴۸ آری و ۱۵۴۹ آری و ۱۵۵۰ آری و ۱۵۵۱ آری و ۱۵۵۲ آری و ۱۵۵۳ آری و ۱۵۵۴ آری و ۱۵۵۵ آری و ۱۵۵۶ آری و ۱۵۵۷ آری و ۱۵۵۸ آری و ۱۵۵۹ آری و ۱۵۶۰ آری و ۱۵۶۱ آری و ۱۵۶۲ آری و ۱۵۶۳ آری و ۱۵۶۴ آری و ۱۵۶۵ آری و ۱۵۶۶ آری و ۱۵۶۷ آری و ۱۵۶۸ آری و ۱۵۶۹ آری و ۱۵۷۰ آری و ۱۵۷۱ آری و ۱۵۷۲ آری و ۱۵۷۳ آری و ۱۵۷۴ آری و ۱۵۷۵ آری و ۱۵۷۶ آری و ۱۵۷۷ آری و ۱۵۷۸ آری و ۱۵۷۹ آری و ۱۵۸۰ آری و ۱۵۸۱ آری و ۱۵۸۲ آری و ۱۵۸۳ آری و ۱۵۸۴ آری و ۱۵۸۵ آری و ۱۵۸۶ آری و ۱۵۸۷ آری و ۱۵۸۸ آری و ۱۵۸۹ آری و ۱۵۹۰ آری و ۱۵۹۱ آری و ۱۵۹۲ آری و ۱۵۹۳ آری و ۱۵۹۴ آری و ۱۵۹۵ آری و ۱۵۹۶ آری و ۱۵۹۷ آری و ۱۵۹۸ آری و ۱۵۹۹ آری و ۱۶۰۰ آری و ۱۶۰۱ آری و ۱۶۰۲ آری و ۱۶۰۳ آری و ۱۶۰۴ آری و ۱۶۰۵ آری و ۱۶۰۶ آری و ۱۶۰۷ آری و ۱۶۰۸ آری و ۱۶۰۹ آری و ۱۶۱۰ آری و ۱۶۱۱ آری و ۱۶۱۲ آری و ۱۶۱۳ آری و ۱۶۱۴ آری و ۱۶۱۵ آری و ۱۶۱۶ آری و ۱۶۱۷ آری و ۱۶۱۸ آری و ۱۶۱۹ آری و ۱۶۲۰ آری و ۱۶۲۱ آری و ۱۶۲۲ آری و ۱۶۲۳ آری و ۱۶۲۴ آری و ۱۶۲۵ آری و ۱۶۲۶ آری و ۱۶۲۷ آری و ۱۶۲۸ آری و ۱۶۲۹ آری و ۱۶۳۰ آری و ۱۶۳۱ آری و ۱۶۳۲ آری و ۱۶۳۳ آری و ۱۶۳۴ آری و ۱۶۳۵ آری و ۱۶۳۶ آری و ۱۶۳۷ آری و ۱۶۳۸ آری و ۱۶۳۹ آری و ۱۶۴۰ آری و ۱۶۴۱ آری و ۱۶۴۲ آری و ۱۶۴۳ آری و ۱۶۴۴ آری و ۱۶۴۵ آری و ۱۶۴۶ آری و ۱۶۴۷ آری و ۱۶۴۸ آری و ۱۶۴۹ آری و ۱۶۵۰ آری و ۱۶۵۱ آری و ۱۶۵۲ آری و ۱۶۵۳ آری و ۱۶۵۴ آری و ۱۶۵۵ آری و ۱۶۵۶ آری و ۱۶۵۷ آری و ۱۶۵۸ آری و ۱۶۵۹ آری و ۱۶۶۰ آری و ۱۶۶۱ آری و ۱۶۶۲ آری و ۱۶۶۳ آری و ۱۶۶۴ آری و ۱۶۶۵ آری و ۱۶۶۶ آری و ۱۶۶۷ آری و ۱۶۶۸ آری و ۱۶۶۹ آری و ۱۶۷۰ آری و ۱۶۷۱ آری و ۱۶۷۲ آری و ۱۶۷۳ آری و ۱۶۷۴ آری و ۱۶۷۵ آری و ۱۶۷۶ آری و ۱۶۷۷ آری و ۱۶۷۸ آری و ۱۶۷۹ آری و ۱۶۸۰ آری و ۱۶۸۱ آری و ۱۶۸۲ آری و ۱۶۸۳ آری و ۱۶۸۴ آری و ۱۶۸۵ آری و ۱۶۸۶ آری و ۱۶۸۷ آری و ۱۶۸۸ آری و ۱۶۸۹ آری و ۱۶۹۰ آری و ۱۶۹۱ آری و ۱۶۹۲ آری و ۱۶۹۳ آری و ۱۶۹۴ آری و ۱۶۹۵ آری و ۱۶۹۶ آری و ۱۶۹۷ آری و ۱۶۹۸ آری و ۱۶۹۹ آری و ۱۷۰۰ آری و ۱۷۰۱ آری و ۱۷۰۲ آری و ۱۷۰۳ آری و ۱۷۰۴ آری و ۱۷۰۵ آری و ۱۷۰۶ آری و ۱۷۰۷ آری و ۱۷۰۸ آری و ۱۷۰۹ آری و ۱۷۱۰ آری و ۱۷۱۱ آری و ۱۷۱۲ آری و ۱۷۱۳ آری و ۱۷۱۴ آری و ۱۷۱۵ آری و ۱۷۱۶ آری و ۱۷۱۷ آری و ۱۷۱۸ آری و ۱۷۱۹ آری و ۱۷۲۰ آری و ۱۷۲۱ آری و ۱۷۲۲ آری و ۱۷۲۳ آری و ۱۷۲۴ آری و ۱۷۲۵ آری و ۱۷۲۶ آری و ۱۷۲۷ آری و ۱۷۲۸ آری و ۱۷۲۹ آری و ۱۷۳۰ آری و ۱۷۳۱ آری و ۱۷۳۲ آری و ۱۷۳۳ آری و ۱۷۳۴ آری و ۱۷۳۵ آری و ۱۷۳۶ آری و ۱۷۳۷ آری و ۱۷۳۸ آری و ۱۷۳۹ آری و ۱۷۴۰ آری و ۱۷۴۱ آری و ۱۷۴۲ آری و ۱۷۴۳ آری و ۱۷۴۴ آری و ۱۷۴۵ آری و ۱۷۴۶ آری و ۱۷۴۷ آری و ۱۷۴۸ آری و ۱۷۴۹ آری و ۱۷۵۰ آری و ۱۷۵۱ آری و ۱۷۵۲ آری و ۱۷۵۳ آری و ۱۷۵۴ آری و ۱۷۵۵ آری و ۱۷۵۶ آری و ۱۷۵۷ آری و ۱۷۵۸ آری و ۱۷۵۹ آری و ۱۷۶۰ آری و ۱۷۶۱ آری و ۱۷۶۲ آری و ۱۷۶۳ آری و ۱۷۶۴ آری و ۱۷۶۵ آری و ۱۷۶۶ آری و ۱۷۶۷ آری و ۱۷۶۸ آری و ۱۷۶۹ آری و ۱۷۷۰ آری و ۱۷۷۱ آری و ۱۷۷۲ آری و ۱۷۷۳ آری و ۱۷۷۴ آری و ۱۷۷۵ آری و ۱۷۷۶ آری و ۱۷۷۷ آری و ۱۷۷۸ آری و ۱۷۷۹ آری و ۱۷۸۰ آری و ۱۷۸۱ آری و ۱۷۸۲ آری و ۱۷۸۳ آری و ۱۷۸۴ آری و ۱۷۸۵ آری و ۱۷۸۶ آری و ۱۷۸۷ آری و ۱۷۸۸ آری و ۱۷۸۹ آری و ۱۷۹۰ آری و ۱۷۹۱ آری و ۱۷۹۲ آری و ۱۷۹۳ آری و ۱۷۹۴ آری و ۱۷۹۵ آری و ۱۷۹۶ آری و ۱۷۹۷ آری و ۱۷۹۸ آری و ۱۷۹۹ آری و ۱۸۰۰ آری و ۱۸۰۱ آری و ۱۸۰۲ آری و ۱۸۰۳ آری و ۱۸۰۴ آری و ۱۸۰۵ آری و ۱۸۰۶ آری و ۱۸۰۷ آری و ۱۸۰۸ آری و ۱۸۰۹ آری و ۱۸۱۰ آری و ۱۸۱۱ آری و ۱۸۱۲ آری و ۱۸۱۳ آری و ۱۸۱۴ آری و ۱۸۱۵ آری و ۱۸۱۶ آری و ۱۸۱۷ آری و ۱۸۱۸ آری و ۱۸۱۹ آری و ۱۸۲۰ آری و ۱۸۲۱ آری و ۱۸۲۲ آری و ۱۸۲۳ آری و ۱۸۲۴ آری و ۱۸۲۵ آری و ۱۸۲۶ آری و ۱۸۲۷ آری و ۱۸۲۸ آری و ۱۸۲۹ آری و ۱۸۳۰ آری و ۱۸۳۱ آری و ۱۸۳۲ آری و ۱۸۳۳ آری و ۱۸۳۴ آری و ۱۸۳۵ آری و ۱۸۳۶ آری و ۱۸۳۷ آری و ۱۸۳۸ آری و ۱۸۳۹ آری و ۱۸۴۰ آری و ۱۸۴۱ آری و ۱۸۴۲ آری و ۱۸۴۳ آری و ۱۸۴۴ آری و ۱۸۴۵ آری و ۱۸۴۶ آری و ۱۸۴۷ آری و ۱۸۴۸ آری و ۱۸۴۹ آری و ۱۸۵۰ آری و ۱۸۵۱ آری و ۱۸۵۲ آری و ۱۸۵۳ آری و ۱۸۵۴ آری و ۱۸۵۵ آری و ۱۸۵۶ آری و ۱۸۵۷ آری و ۱۸۵۸ آری و ۱۸۵۹ آری و ۱۸۶۰ آری و ۱۸۶۱ آری و ۱۸۶۲ آری و ۱۸۶۳ آری و ۱۸۶۴ آری و ۱۸۶۵ آری و ۱۸۶۶ آری و ۱۸۶۷ آری و ۱۸۶۸ آری و ۱۸۶۹ آری و ۱۸۷۰ آری و ۱۸۷۱ آری و ۱۸۷۲ آری و ۱۸۷۳ آری و ۱۸۷۴ آری و ۱۸۷۵ آری و ۱۸۷۶ آری و ۱۸۷۷ آری و ۱۸۷۸ آری و ۱۸۷۹ آری و ۱۸۸۰ آری و ۱۸۸۱ آری و ۱۸۸۲ آری و ۱۸۸۳ آری و ۱۸۸۴ آری و ۱۸۸۵ آری و ۱۸۸۶ آری و ۱۸۸۷ آری و ۱۸۸۸ آری و ۱۸۸۹ آری و ۱۸۹۰ آری و ۱۸۹۱ آری و ۱۸۹۲ آری و ۱۸۹۳ آری و ۱۸۹۴ آری و ۱۸۹۵ آری و ۱۸۹۶ آری و ۱۸۹۷ آری و ۱۸۹۸ آری و ۱۸۹۹ آری و ۱۹۰۰ آری و ۱۹۰۱ آری و ۱۹۰۲ آری و ۱۹۰۳ آری و ۱۹۰۴ آری و ۱۹۰۵ آری و ۱۹۰۶ آری و ۱۹۰۷ آری و ۱۹۰۸ آری و ۱۹۰۹ آری و ۱۹۱۰ آری و ۱۹۱۱ آری و ۱۹۱۲ آری و ۱۹۱۳ آری و ۱۹۱۴ آری و ۱۹۱۵ آری و ۱۹۱۶ آری و ۱۹۱۷ آری و ۱۹۱۸ آری و ۱۹۱۹ آری و ۱۹۲۰ آری و ۱۹۲۱ آری و ۱۹۲۲ آری و ۱۹۲۳ آری و ۱۹۲۴ آری و ۱۹۲۵ آری و ۱۹۲۶ آری و ۱۹۲۷ آری و ۱۹۲۸ آری و ۱۹۲۹ آری و ۱۹۳۰ آری و ۱۹۳۱ آری و ۱۹۳۲ آری و ۱۹۳۳ آری و ۱۹۳۴ آری و ۱۹۳۵ آری و ۱۹۳۶ آری و ۱۹۳۷ آری و ۱۹۳۸ آری و ۱۹۳۹ آری و ۱۹۴۰ آری و ۱۹۴۱ آری و ۱۹۴۲ آری و ۱۹۴۳ آری و ۱۹۴۴ آری و ۱۹۴۵ آری و ۱۹۴۶ آری و ۱۹۴۷ آری و ۱۹۴۸ آری و ۱۹۴۹ آری و ۱۹۵۰ آری و ۱۹۵۱ آری و ۱۹۵۲ آری و ۱۹۵۳ آری و ۱۹۵۴ آری و ۱۹۵۵ آری و ۱۹۵۶ آری و ۱۹۵۷ آری و ۱۹۵۸ آری و ۱۹۵۹ آری و ۱۹۶۰ آری و ۱۹۶۱ آری و ۱۹۶۲ آری و ۱۹۶۳ آری و ۱۹۶۴ آری و ۱۹۶۵ آری و ۱۹۶۶ آری و ۱۹۶۷ آری و ۱۹۶۸ آری و ۱۹۶۹ آری و ۱۹۷۰ آری و ۱۹۷۱ آری و ۱۹۷۲ آری و ۱۹۷۳ آری و ۱۹۷۴ آری و ۱۹۷۵ آری و ۱۹۷۶ آری و ۱۹۷۷ آری و ۱۹۷۸ آری و ۱۹۷۹ آری و ۱۹۸۰ آری و ۱۹۸۱ آری و ۱۹۸۲ آری و ۱۹۸۳ آری و ۱۹۸۴ آری و ۱۹۸۵ آری و ۱۹۸۶ آری و ۱۹۸۷ آری و ۱۹۸۸ آری و ۱۹۸۹ آری و ۱۹۹۰ آری و ۱۹۹۱ آری و ۱۹۹۲ آری و ۱۹۹۳ آری و ۱۹۹۴ آری و ۱۹۹۵ آری و ۱۹۹۶ آری و ۱۹۹۷ آری و ۱۹۹۸ آری و ۱۹۹۹ آری و ۲۰۰۰ آری و ۲۰۰۱ آری و ۲۰۰۲ آری و ۲۰۰۳ آری و ۲۰۰۴ آری و ۲۰۰۵ آری و ۲۰۰۶ آری و ۲۰۰۷ آری و ۲۰۰۸ آری و ۲۰۰۹ آری و ۲۰۱۰ آری و ۲۰۱۱ آری و ۲۰۱۲ آری و ۲۰۱۳ آری و ۲۰۱۴ آری و ۲۰۱۵ آری و ۲۰۱۶ آری و ۲۰۱۷ آری و ۲۰۱۸ آری و ۲۰۱۹ آری و ۲۰۲۰ آری و ۲۰۲۱ آری و ۲۰۲۲ آری و ۲۰۲۳ آری و ۲۰۲۴ آری و ۲۰۲۵ آری و ۲۰۲۶ آری و ۲۰۲۷ آری و ۲۰۲۸ آری و ۲۰۲۹ آری و ۲۰۳۰ آری و ۲۰۳۱ آری و ۲۰۳۲ آری و ۲۰۳۳ آری و ۲۰۳۴ آری و ۲۰۳۵ آری و ۲۰۳۶ آری و ۲۰۳۷ آری و ۲۰۳۸ آری و ۲۰۳۹ آری و ۲۰۴۰ آری و ۲۰۴۱ آری و ۲۰۴۲ آری و ۲۰۴۳ آری و ۲۰۴۴ آری و ۲۰۴۵ آری و ۲۰۴۶ آری و ۲۰۴۷ آری و ۲۰۴۸ آری و ۲۰۴۹ آری و ۲۰۵۰ آری و ۲۰۵۱ آری و ۲۰۵۲ آری و ۲۰۵۳ آری و ۲۰۵۴ آری و ۲۰۵۵ آری و ۲۰۵۶ آری و ۲۰۵۷ آری و ۲۰۵۸ آری و ۲۰۵۹ آری و ۲۰۶۰ آری و ۲۰۶۱ آری و ۲۰۶۲ آری و ۲۰۶۳ آری و ۲۰۶۴ آری و ۲۰۶۵ آری و ۲۰۶۶ آری و ۲۰۶۷ آری و ۲۰۶۸ آری و ۲۰۶۹ آری و ۲۰۷۰ آری و ۲۰۷۱ آری و ۲۰۷۲ آری و ۲۰۷۳ آری و ۲۰۷۴ آری و ۲۰۷۵ آری و ۲۰۷۶ آری و ۲۰۷۷ آری و ۲۰۷۸ آری و ۲۰۷۹ آری و ۲۰۸۰ آری و ۲۰۸۱ آری و ۲۰۸۲ آری و ۲۰۸۳ آری و ۲۰۸۴ آری و ۲۰۸۵ آری و ۲۰۸۶ آری و ۲۰۸۷ آری و ۲۰۸۸ آری و ۲۰۸۹ آری و ۲۰۹۰ آری و ۲۰۹۱ آری و ۲۰۹۲ آری و ۲۰۹۳ آری و ۲۰۹۴ آری و ۲۰۹۵ آری و ۲۰۹۶ آری و ۲۰۹۷ آری و ۲۰۹۸ آری و ۲۰۹۹ آری و ۲۱۰۰ آری و ۲۱۰۱ آری و ۲۱۰۲ آری و ۲۱۰۳ آری و ۲۱۰۴ آری و ۲۱۰۵ آری و ۲۱۰۶ آری و ۲۱۰۷ آری و ۲۱۰۸ آری و ۲۱۰۹ آری و ۲۱۱۰ آری و ۲۱۱۱ آری و ۲۱۱۲ آری و ۲۱۱۳ آری و ۲۱۱۴ آری و ۲۱۱۵ آری و ۲۱۱۶ آری و ۲۱۱۷ آری و ۲۱۱۸ آری و ۲۱۱۹ آری و ۲۱۲۰ آری و ۲۱۲۱ آری و ۲۱۲۲ آری و ۲۱۲۳ آری و ۲۱۲۴ آری و ۲۱۲۵ آری و ۲۱۲۶ آری و ۲۱۲۷ آری و ۲۱۲۸ آری و ۲۱۲۹ آری و ۲۱۳۰ آری و ۲۱۳۱ آری و ۲۱۳۲ آری و ۲۱۳۳ آری و ۲۱۳۴ آری و ۲۱۳۵ آری و ۲۱۳۶ آری و ۲۱۳۷ آری و ۲۱۳۸ آری و ۲۱۳۹ آری و ۲۱۴۰ آری و ۲۱۴۱ آری و ۲۱۴۲ آری و ۲۱۴۳ آری و ۲۱۴۴ آری و ۲۱۴۵ آری و ۲۱۴۶ آری و ۲۱۴۷ آری و ۲۱۴۸ آری و ۲۱۴۹ آری و ۲۱۵۰ آری و ۲۱۵۱ آری و ۲۱۵۲ آری و ۲۱۵۳ آری و ۲۱۵۴ آری و ۲۱۵۵ آری و ۲۱۵۶ آری و ۲۱۵۷ آری و ۲۱۵۸ آری و ۲۱۵۹ آری و ۲۱۶۰ آری و ۲۱۶۱ آری و ۲۱۶۲ آری و ۲۱۶۳ آری و ۲۱۶۴ آری و ۲۱۶۵ آری و ۲۱۶۶ آری و ۲۱۶۷ آری و ۲۱۶۸ آری و ۲۱۶۹ آری و ۲۱۷۰ آری و ۲۱۷۱ آری و ۲۱۷۲ آری و ۲۱۷۳ آری و ۲۱۷۴ آری و ۲۱۷۵ آری و ۲۱۷۶ آری و ۲۱۷۷ آری و ۲۱۷۸ آری و ۲۱۷۹ آری و ۲۱۸۰ آری و ۲۱۸۱ آری و ۲۱۸۲ آری و ۲۱۸۳ آری و ۲۱۸۴ آری و ۲۱۸۵ آری و ۲۱۸۶ آری و ۲۱۸۷ آری و ۲۱۸۸ آری و ۲۱۸۹ آری و ۲۱۹۰ آری و ۲۱۹۱ آری و ۲۱۹۲ آری و ۲۱۹۳ آری و ۲۱۹۴ آری و ۲۱۹۵ آری و ۲۱۹۶ آری و ۲۱۹۷ آری و ۲۱۹۸ آری و ۲۱۹۹ آری و ۲۲۰۰ آری و ۲۲۰۱ آری و ۲۲۰۲ آری و ۲۲۰۳ آری و ۲۲۰۴ آری و ۲۲۰۵ آری و ۲۲۰۶ آری و ۲۲۰۷ آری و ۲۲۰۸ آری و ۲۲۰۹ آری و ۲۲۱۰ آری و ۲۲۱۱ آری و ۲۲۱۲ آری و ۲۲۱۳ آری و ۲۲۱۴ آری و ۲۲۱۵ آری و ۲۲۱۶ آری و ۲۲۱۷ آری و ۲۲۱۸ آری و ۲۲۱۹ آری و ۲۲۲۰ آری و ۲۲۲۱ آری و ۲۲۲۲ آری و ۲۲۲۳ آری و ۲۲۲۴ آری و ۲۲۲۵ آری و ۲۲۲۶ آری و ۲۲۲۷ آری و ۲۲۲۸ آری و ۲۲۲۹ آری و ۲۲۳۰ آری و ۲۲۳۱ آری و ۲۲۳۲ آری و ۲۲۳۳ آری و ۲۲۳۴ آری و ۲۲۳۵ آری و ۲۲۳۶ آری و ۲۲۳۷ آری و ۲۲۳۸ آری و ۲۲۳۹ آری و ۲۲۴۰ آری و ۲۲۴۱ آری و ۲۲۴۲ آری و ۲۲۴۳ آری و ۲۲



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

فوق العاده
اطلاعات
دولتیه سوم خردادماه ۱۳۶۱ - ۳۰ رجب ۱۴۰۲
تک شماره ۵ ریال

خبرمشهر آزادشد

۱۹۲



ویژه نامه نو دین سال انتشار روزنامه اطلاعات



امام خمینی به ملکوت اعلی پیوست

ضایعه ارتحال جانکاذ اسوه زهد و تقوا و پیشوای بزرگ مستضعفان و آزادگان بر حضرت ولیعصر (عج) ، ملت بزرگ ایران و تمامی مسلمانان جهان تسلیت باد

اطلاعات

یکشنبه چهارم خرداد ۱۳۶۸ - ۲۹ شوال ۱۴۰۹ - چهارم و پنجم ۱۹۸۹ - شماره ۱۸۷۷۱

پیام روسای ۳ قوه:

راه امام در پیش روی ما و چراغ راه آینده ماست

● زنده نگهداشتن راه امام همچنان حضور در صحنه، هشیاری و بیداری همراهی ملت است. به ما نیست که حضور انقلاب را هشیارانه پاسدار و با چشم باز مراقب رخنه دشمنان در آن باشیم. ما بیعت می‌کنیم که لحظه‌ای از پیوند آن راه خدایی باز نایستیم. در صفحه ۲

اطلاعه‌های
حضرات
آیات عظام
کلیایگانی
و مهر عشی
نجفی

آیت‌الله العظمی
کلیایگانی:

● مردی در جوار رحمت خداوند متعال آمد که با اتکال به نصرت الهی و شجاعت ایمانی، انقلاب اسلامی ایران را بوجود آورد و پرچمیان استعدادهای استقامت را بر این ملت استقامت داده حکومت داشت. ● پایان داد. ● شخصیت دعوت حق را لبیک احیاء گفت که مجد غلظت مسلمانان را به انان بازگرداند و فرادگر بندگان دلهای مستقران ایرتدیر را بازگرد آورد. در همین صحنه

سخن روز

تومی روی، که بماند؟

شریتی از لب لعلش نجسیم و برقت روی مه بگر او سپردیم و برقت گویی از صحنیت ما نیک به شد آمده بود. بار پرست و به گزشت نرسیدیم و برقت سر زفرمان حاتم گفت مکن تا بروم. ما سرخوش زخمتش نگشیدیم و برقت گفت از خود برد هر که و صام طایر. حافظ همه شب تاله و زاری کردیم. کای دریا به و دادش نرسیدیم و برقت هرگز. هرگز. نه زبان را و نه قلم را برای گفتن و نوشتن نیست. آه ای کاش. ما را پیش از تو فرا خوانده بودند که امروز را نظاره نمی‌کردیم. بار غم فرای تو را ای عزیز. اگر بریت کوه بکارند ناب می‌آورد و در غم می‌گشت.

خود بین که با ما چه خواهد کرد؟ نمی‌دانیم. نمی‌دانیم چه باید گفت؟ کدام واژه را می‌توان یافت که عظمت واقعه را گزارش کند؟ حرف و گفتار صورت را برهم زند. اما بی‌انسان سنان بازم نمی‌توان از غم نود زد. ما را تنها یک یاد است که تسلی بخش دل است. یاد خدا. و آنگاه یاد پایدار و یاد امامانی که با همه عظمت و عصمت و حشمت خویش سرانجام سربلخت زبانت و در برابر شیت خداوند تسلیم شدند. «انگ مت و انهم منون». وقتی کلام خداوند خطاب به پیامبر بزرگ اسلام - که حبیب خاص خدا بود - چنین صراحت و صداقتی را در خود نهفته دارد، حال بنگران اگرچه عزیزترین‌ها و محبوبترین‌ها باشند، معلوم است. ای پیامبر تومیز از بذرین مرگ گزیری نداری و بنگران تومیز. و تسلی بخش دایای داغیده. مگر چیزی جای این است؟ شتر الصابین. آلتی اذا اصابه مصیبه، قالوا الله و انالله راجعون. مومن صبور و پابدار را زبانت یاد که چون به مصیبت گرفتار می‌شود، می‌گوید: «یا الله از خداوند و به سوی او باز می‌گردم». سخن از شهادت پیامبر (ص) بماند آندو حمی از اهل ایمان خود بماند. در صفحه ۲

اطلاعه‌ها کلیایگانی به مناسبت رحلت امام خمینی

آیت‌الله العظمی
امام خمینی

● خبر ارتحال جانکاذ اسوه زهد و تقوا و پیشوای بزرگ مستضعفان و آزادگان بر حضرت ولیعصر (عج) ، ملت بزرگ ایران و تمامی مسلمانان جهان تسلیت باد

پیام حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی به امت امام

● ما تالله انالله راجعون. روح بلند پیشوای مسلمانان و رهبر آزادگان جهان، حضرت امام خمینی به ملکوت اعلی پیوست. به همین مناسبت، از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، مرشد امام خمینی، بیاناتی در این شرح منتشر شد:

● ما تالله انالله راجعون. بیاناتی از سوی امام خمینی، مرشد امام خمینی، بیاناتی در این شرح منتشر شد:

● ما تالله انالله راجعون. بیاناتی از سوی امام خمینی، مرشد امام خمینی، بیاناتی در این شرح منتشر شد:

● ما تالله انالله راجعون. بیاناتی از سوی امام خمینی، مرشد امام خمینی، بیاناتی در این شرح منتشر شد:

● ما تالله انالله راجعون. بیاناتی از سوی امام خمینی، مرشد امام خمینی، بیاناتی در این شرح منتشر شد:

مراسم تشییع
و تدفین
حضور
امام خمینی
امروز انجام
نمی‌شود

● ملت عزیز و قهرمان
ایران با شما بر پیوند
راه امام می‌توانیم
که آرامش روح ملکوتی
امام متبرک بر پیوند
راه اوست

داغ تو دارد این دلکم...

● ما تالله انالله راجعون. بیاناتی از سوی امام خمینی، مرشد امام خمینی، بیاناتی در این شرح منتشر شد:

● ما تالله انالله راجعون. بیاناتی از سوی امام خمینی، مرشد امام خمینی، بیاناتی در این شرح منتشر شد:

● ما تالله انالله راجعون. بیاناتی از سوی امام خمینی، مرشد امام خمینی، بیاناتی در این شرح منتشر شد:



اطلاعه‌ها کلیایگانی به مناسبت رحلت امام خمینی

آیت‌الله العظمی
امام خمینی

● خبر ارتحال جانکاذ اسوه زهد و تقوا و پیشوای بزرگ مستضعفان و آزادگان بر حضرت ولیعصر (عج) ، ملت بزرگ ایران و تمامی مسلمانان جهان تسلیت باد

● ما تالله انالله راجعون. بیاناتی از سوی امام خمینی، مرشد امام خمینی، بیاناتی در این شرح منتشر شد:

● ما تالله انالله راجعون. بیاناتی از سوی امام خمینی، مرشد امام خمینی، بیاناتی در این شرح منتشر شد:

● ما تالله انالله راجعون. بیاناتی از سوی امام خمینی، مرشد امام خمینی، بیاناتی در این شرح منتشر شد:

● ما تالله انالله راجعون. بیاناتی از سوی امام خمینی، مرشد امام خمینی، بیاناتی در این شرح منتشر شد:



وصیتنامه الهی - سیاسی امام؛
راز بقاء انقلاب و پویایی راه امام

آخرین وصایای حضرت امام به امت اسلام

در صفحات ۱۰ تا ۱۳



طی پیامی به محضر حضرت آیت الله خامنه ای رهبر جمهوری
اسلامی ایران
یادگار امام:
انتخاب شایسته خبرگان
روح امام عزیزمان
را شاد و آرام کرد

■ حجت الاسلام والمسلمین سیداحمد خمینی: حضرت امام بارها از جنابعالی به عنوان مجتهدی
مسلم و نیز بهترین فرد برای رهبری نظام اسلامی نام می بردند.

فوق العاده
اطلاعات
۱۲ صفحه
سه شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۶۸ - ۲ ذیحده ۱۴۰۹ - ۶ ژوئن ۱۹۸۹ - شماره ۱۸۷۷۲

بیکر مطهر حضرت امام در میان اشک و اندوه
امت عزادار برای خاکسپاری در گلزار بهشت
زهرا (س) از مصلاهی تهران حرکت داده شد.



آیت الله العظمی کلبایگانی صبح امروز بر بیکر مطهر
امام خمینی نماز گذاردند

۱۹۵

اولین پیام مقام رهبری به مردم

خلوص و وفاداری و عشق و ایمانی که شما ملت عزیز در این امتحان بزرگ الهی از خود نشان دادید،
یکی از درخشانترین و ماندگارترین یادگارهای عظمت شما و رهبر کبیرتان خواهد بود

□ او آن نخستین بود که دومین نداشت و فاصله میان
او و امثال اینجانب فاصله ای ژرف و ناپیمودنی است.

□ درس امام تنها آن نبود که در حوزه علمیه از او
فرا گرفتیم، یاد در دوران شانزده ساله مبارزه، از دور و
نزدیک به جان نپوشیدیم، یزیدترین و مساندگارترین
درس او، آنها بود که در این ده سال همچون آیات
حکمت به جان و دل خریدیم و در لوح ضمیر ثبت
کردیم.

□ رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، مسئولیتی
عظیم و امانتی گران و آزماینشی بزرگ است که فقط
با تأییدات الهی و توجه و دعای حضرت ولی عصر
روحی فداه و پشتیبانی و حمایت شما صاحبان اصلی
انقلاب و کشور، می توان بردوش گرفت و به سر منزل
رسانید و از آن سر بلند بیرون آمد

□ امام خمینی رهبر و پدر و معلم و مراد و محبوب ملت
ایران و امید روشن همه مستضعفان جهان و
بخصوص مسلمانان بود

□ امام به اسلام عزت بخشید و پرچم قرآن را در جهان
به اهتزاز درآورد، ملت ایران را از اسارت بیگانگان
نجات داد و به آنان غرور و شخصیت و خودباوری
بخشید، او صلاهی استقلال و آزادی را در سراسر
جهان سر داد و امید را در دل های ملت تحت ستم جهان
زنده کرد

□ ده سال رهبری امام خمینی برای مردم و مدبران ما،
پسداد گاری قسراموش نشدنی و ذخیره ای بس
گرانیهات.

□ امام خمینی شخصیتی آنچنان بزرگ بود که در
میان بزرگان و رهبران جهان و تاریخ، بجز انبیا، و
اولیاء معصومین (ع) - به دشواری می توان کسی را
با این ابعاد و این خصوصیات تصور کرد

□ اینجانب از همه احاد ملت و اقشار گوناگون
می خواهم که حفظ آسایش و هشیاری و توجه به
توطئه های دشمنان را قریضه انقلابی خود بدانند و
نیات پلید دشمنان را از موضع گیری های سیاسی و
تبلیغاتی آنان و نیز از شایعه پردازی ها و ایجاد
مضيقه های اقتصادی کشف کنند و بدانند که در
صورت آمادگی و هشیاری، همه توطئه های دشمن
خفتی می گردد و پیروزی از آن ملت ایران خواهد بود.

□ استکبار جهانی از لحظه پیروزی انقلاب اسلامی
تاکنون هرگز سودای تضعیف بلکه محو جمهوری
اسلامی را از سر بیرون نکرده و تا آنگاه که ملت و
مستولان جمهوری اسلامی پاینده به استقلال و عزت
ملی و اصول اسلامی خود می باشند، این انگیزه را در
خود نگاه خواهد داشت



■ همه کسانی که به امام عزیزمان عشق و ارادت داشته اند، باید
بدانند که سلامت و نشاط امام عزیز در طول سالهای
متمادی، مدیون زحمات و تلاشهای فداکارانه فرزندان گرامی
ایشان است و اگر فعالیت دلسوزانه و هوشمندانه و
مدیریت همراه با ابتکار ایشان در اداره محیط کار و زندگی
حضرت امام نمی بود، شاید ما از مدت ها پیش از نعمت وجود و
حضور رهبر کبیرمان محروم می شدیم

□ وظیفه خود می دانم از برادران فداکار تیم پزشکی و
پزشکان معالج و مراقب حضرت امام قدس سره، چه
آنان که در طول سالها گذشته بطور مستمر و با تلاش
اعجاب انگیز به مراقبت و درمان معطله اشتغال
داشتند و چه آنان که در عمل جراحی اخیر به صورت
شبانه روزی و فارغ از استراحت و نیازهای شخصی،
به درمان معطله پرداختند و همه دستیاران و
کمل کارانش صمیمانه تشکر کنم

□ ما با راه درازی که به سوی آینده درخشان کشور و
ملتمان در پیش داریم و با دشمنان عنودی که مایلند به
هر قیمت ما را از پیوند این راه و رسیدن به آن آینده
مانع شوند، به حکم عقل و دین و تجربه باید صفوف
خود را مستحکم و یکپارچه کنیم و از اختلافات
بهریزیم

■ ارتش و سپاه دویازوی نیرومند نظام اند و لازم است
با تبادل همکاریها میان آن دو، روز بروز بر توانایی و
استعداد و قدرت آنها افزوده شود و بسیج مستضعفین
که همواره مایه مباهات بوده، باید تقویت گردد

□ اینجانب از همه کسانی که در تنظیم و اداره امور جاری کشور نقشی بزرگ یا کوچک
دارند، صمیمانه درخواست می کنم که با توجه به اینکه امروز اهتمام دشمنان نسبت به ما
مضاعف است، آنان نیز کار و تلاش خود را مضاعف کنند و در فضایی آکنده از صفا
و خلوص و همکاری و هوشیاری، دشمنان را از تعرض به جمهوری اسلامی مأیوس کنند



فوق العاده
اطلاعات
۱۲ صفحه
جمعه ۱۹ خرداد ۱۳۶۸ - ۵ ذیحده ۱۴۰۹ - ۶ ژوئن ۱۹۸۹ - شماره ۱۸۷۷۵

مصاحبه مهم
جانشین فرمانده کل قوا
باشکته های خبری جهان

■ آرمانها و ایده های انقلاب چیزی نیست که ما
بتوانیم روی آنها معامله کنیم. در آینده نیز حرکت
به سوی اهداف انقلاب همانگونه که امام آن خطوط
را ترسیم کرده اند، ادامه خواهد یافت

در صفحه ۳

آیت الله موسوی اردبیلی در خطبه‌های نماز جمعه دیروز تهران:

تمامی توان و امکانات کشور برای تحقق خواست‌های حضرت امام به کار گرفته می‌شود

در صفحه ۱۵

اطلاعات

تک شماره ۲۰ دیال

شبه‌هفت‌روزه ۱۳۸۸-۱۳۸۹ شماره ۱۸۸۱

۲۰ صفحه

بر اساس آخرین نتایج شمارش آراء

انتخاب حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری اسلامی قطعی است



تجلی حماسه حضور پر شکوه و تاریخی امت در انتخابات و تضمین تداوم آرمانهای امام (ره)

صفحه ۱۸

آخرین نتایج شمارش آراء انتخابات ریاست جمهوری و همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی تاظهر امروز

تاظهر امروز ۹ میلیون و ۸۲ هزار و ۹۲۴ رای در مورد اصلاحات قانون اساسی شمارش شد

اطلاعیه وزارت خارجه در مورد ریوده شدن امام جمعه روستای «جیشیت» لبنان کارخانه اعیان مستقیم فولاد در اهواز به مرحله تولید رسید

در صفحات ۳ و ۴



گزارش اطلاعات از شرکت گسترده و یکپارچه مردم سراسر کشور در انتخابات ریاست جمهوری و همه‌پرسی قانون اساسی

● حضرت آیت الله العظمی مروتی: حضرت آیت الله العظمی مروتی در بیانیه‌ای که در تهران صادر کرد، ضمن تبریک نتایج انتخابات، بر اهمیت مشارکت مردم و تأیید نتایج اعلام شده تأکید کرد. او افزود: این نتایج نشان‌دهنده وحدت امت و تداوم آرمان‌های امام است.

● حضرت آیت الله العظمی خراسانی: حضرت آیت الله العظمی خراسانی در بیانیه‌ای که در مشهد صادر کرد، بر اهمیت انتخابات و تأیید نتایج اعلام شده تأکید کرد. او افزود: این نتایج نشان‌دهنده وحدت امت و تداوم آرمان‌های امام است.

● حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی: حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی در بیانیه‌ای که در تبریز صادر کرد، بر اهمیت انتخابات و تأیید نتایج اعلام شده تأکید کرد. او افزود: این نتایج نشان‌دهنده وحدت امت و تداوم آرمان‌های امام است.

● حضرت آیت الله العظمی بهبهانی: حضرت آیت الله العظمی بهبهانی در بیانیه‌ای که در اهواز صادر کرد، بر اهمیت انتخابات و تأیید نتایج اعلام شده تأکید کرد. او افزود: این نتایج نشان‌دهنده وحدت امت و تداوم آرمان‌های امام است.



● در پی انتصاب حجت الاسلام آقای حاج سید محمد خاتمی نوبت خدمتگزاری ملت عظیم‌الناس ایران و تحمل این اعانت بزرگ را به صمیمانه تبریک می‌گوییم

پیام تبریک رهبر معظم انقلاب به ملت و حجت الاسلام والمسلمین خاتمی رئیس جمهوری منتخب مردم ایران

انتخابات روز جمعه، کشور را در برابر توطئه دشمنان و وسوسه بدخواهان تا مدت‌ها بیمه کرد

● آگاهی و هوشیاری سیاسی شما ملت عزیز ایران، در روز جمعه دوم خرداد، در برابر توطئه دشمنان و وسوسه بدخواهان تا مدت‌ها بیمه کرد. این ملت عزیز، با رأی دادن به حجت الاسلام والمسلمین خاتمی، نشان داد که ملت ایران، ملت آزادی و عدالت است.

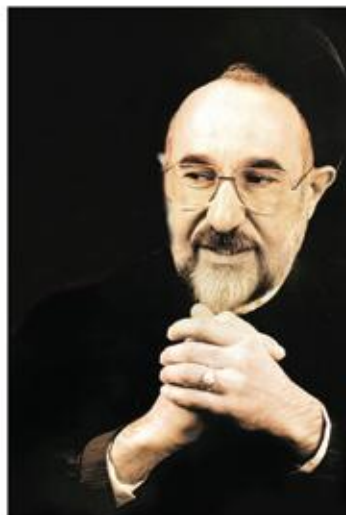
● در روز جمعه، ملت ایران، با رأی دادن به حجت الاسلام والمسلمین خاتمی، نشان داد که ملت ایران، ملت آزادی و عدالت است.

● در روز جمعه، ملت ایران، با رأی دادن به حجت الاسلام والمسلمین خاتمی، نشان داد که ملت ایران، ملت آزادی و عدالت است.

دکتر سید محمد خاتمی بایش از ۲۰ میلیون رأی رئیس جمهوری ایران شد

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد خاتمی ۶۹/۰۵ درصد کل آراء را به خود اختصاص داد

● در پی اعلام نتایج انتخابات، دکتر سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری ایران، در بیانیه‌ای که در تهران صادر کرد، بر اهمیت مشارکت مردم و تأیید نتایج اعلام شده تأکید کرد. او افزود: این نتایج نشان‌دهنده وحدت امت و تداوم آرمان‌های امام است.



● در پی اعلام نتایج انتخابات، دکتر سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری ایران، در بیانیه‌ای که در تهران صادر کرد، بر اهمیت مشارکت مردم و تأیید نتایج اعلام شده تأکید کرد. او افزود: این نتایج نشان‌دهنده وحدت امت و تداوم آرمان‌های امام است.

● در پی اعلام نتایج انتخابات، دکتر سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری ایران، در بیانیه‌ای که در تهران صادر کرد، بر اهمیت مشارکت مردم و تأیید نتایج اعلام شده تأکید کرد. او افزود: این نتایج نشان‌دهنده وحدت امت و تداوم آرمان‌های امام است.

● در پی اعلام نتایج انتخابات، دکتر سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری ایران، در بیانیه‌ای که در تهران صادر کرد، بر اهمیت مشارکت مردم و تأیید نتایج اعلام شده تأکید کرد. او افزود: این نتایج نشان‌دهنده وحدت امت و تداوم آرمان‌های امام است.

● در پی اعلام نتایج انتخابات، دکتر سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری ایران، در بیانیه‌ای که در تهران صادر کرد، بر اهمیت مشارکت مردم و تأیید نتایج اعلام شده تأکید کرد. او افزود: این نتایج نشان‌دهنده وحدت امت و تداوم آرمان‌های امام است.

رهبر معظم انقلاب پس از شرکت در دور دوم انتخابات:

همه‌موظفیم رئیس‌جمهوری منتخب

رادر پیش‌بر دبر نامه‌هایاری کنیم

پیام رهبر معظم انقلاب درباره پایان مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری

صفحه ۲

شنبه ۴ تیر ۱۳۸۴ - ۱۸ جمادی الاول ۱۴۲۶ - ۲۵ ژوئن ۲۰۰۵ - شماره ۲۳۲۷۲ - صفحه ۵۰۰ - ریل - به همراه ۸ صفحه ضمیمه اطلاعات و ۸ صفحه نیازمندیها

با کسب اکثریت آرا

دکتر احمدی‌نژاد رئیس‌جمهوری ایران شد

زندگینامه رئیس‌جمهوری منتخب مردم ایران



حضور حضرات آیات عظام موسوی اردبیلی، فاضل‌لنکرانی، جوادی آملی، صناعی، علوی کرگانی، شبیری زنجانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی و امینی در انتخابات

اظهارات دو نامزد ریاست جمهوری پس از شرکت در انتخابات

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدحسن خمینی: حضور مردم در انتخابات نشان از وفاداری آنها به آرمانهای امام خمینی (ره) است



سرویس سیاسی با پایان یافتن کار شمارش آراء مرحله دوم همین دوره انتخابات ریاست جمهوری آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد با کسب اکثریت آراء به عنوان رئیس‌جمهوری ایران برگزیده شد. به گزارش خبرنگار ما، با شمارش ۳۳۲ حوزه انتخاباتی داخل کشور و از مجموع ۲۷۵۳۶۰۲۹ رأی مأخوذه آقای محمود احمدی‌نژاد با کسب ۱۷۰۶۶۱۰ رأی به عنوان رئیس‌جمهوری ایران برگزیده شد. براساس این گزارش، از این تعداد رأی مأخوذه آقای اکبر هاشمی پورمانی ۹۸۳۳۶ رأی کسب کرده است. از مجموع آراء مأخوذه ۶۸۳۱۳ رأی آرای باطله مأخوذه بوده است. گفتنی است، آراء اعلام شده بدون احساب آراء مردم کرمانشاه و آراء هموطنان خارج از کشور است که تا ظهر امروز از سوی ستاد انتخابات کشور در اختیار ما گذاشته شده است. براساس این گزارش، از مجموع ۲ میلیون و ۹۷۹ هزار و ۳۷۶ رأی مأخوذه از حوزه انتخابیه شهرستان تهران، آقای محمود احمدی‌نژاد یک میلیون و ۷۲۵ هزار و ۸۲۲ رأی و آقای اکبر هاشمی پورمانی یک میلیون و ۱۶۰ هزار و ۵۵۴ رأی کسب کردند. بقیه در صفحه ۲

حداقل معدل پذیرش در دوره پیش‌دانشگاهی بر اساس ویژگی‌های هر منطقه تعیین می‌شود
ایران ۳
قطر صفر
والیال
ایران راهی
جام جهانی
۲۰۰۶ ژاپن
شد
دیدار حساس امشب
برزیل - آلمان در نیمه‌نهایی
جام کنفدراسیون‌ها
قرارداد ۲/۴ میلیارد
دلاری احداث
پالایشگاه بیدبلند
امضاء شد
با شما
تاکنون
در ضمیمه اطلاعات

اطلاعات اقتصادی
رشد تولیدات
پتروشیمی

روابط بین‌الملل
اقتصاد
جهانی نفت

خانواده و اجتماع
راههای
ترک سیکار

معارف
جریانهای جدیدی
معاصر اهل سنت

گزارش روز
ارتقای
بهره‌وری

زندانیان
بدون‌هرز

۱۹۷

رئیس‌جمهوری: همه مسئولان برای حل

مشکل مسکن تلاش کنند

وزیر مسکن: امسال ۵۰ هزار واحد استیجاری

احداث می‌شود

صفحه ۳

اطلاعات

چاپ دوم

تظاهرات هزاران عراقی علیه اشغالگران

آمریکایی در شهرهای نجف و کوفه

مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق اخبار مربوط به وخامت حال

آیت‌الله العظمی سیدستانی را تکذیب کرد

صفحه ۱۶

سه شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۸۶ - ۲۱ ربیع الاول ۱۴۲۸ - ۱۰ آوریل ۲۰۰۷ - شماره ۲۳۲۸۰ - صفحه ۵۰۰ - ریل - به همراه ۸ صفحه ضمیمه اطلاعات و ۱۶ صفحه نیازمندیها

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

دیروز با حضور رئیس‌جمهوری و مقامات بلند پایه کشور در مراسم جشن فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام شد

وزیر نفت: قرارداد نفتی

۱۰۰ میلیارد دلاری با چین بزودی

نهایی می‌شود

* ایران به مذاکرات با شرکت نفتی شرکت ملی نفت ایران، وزیر نفت توتال فرانسه برای توسعه میدان پارس جنوبی ادامه می‌دهد

افزایش حداقل مستمری

بازنشستگان تأمین اجتماعی

خرداد ماه پرداخت می‌شود

* همسان‌سازی مستمری بازنشستگان تأمین اجتماعی نهایی شد

در پیامی به وزرای خارجه کشورهای عضو شورای امنیت

متکی: شورای امنیت برای آزادی

پنج دیپلمات ایرانی اقدام کند

مصر خواستار عضویت رژیم

صهیونیستی در پیمان منع گسترش

تسلیمات هسته‌ای شد

تاخیر وزیر می‌کند.

با شرکت سینوپک چین در حال نهایی شدن است.

به گزارش خبرنگار فارس، روزنامه هرالد تریبون ضمن اعلام این مطلب به نقل از کاظم وزیرى همامه افزود شرکت سینوپک یک شرکت نفتی دولتی چین است که سال ۲۰۰۴ آمادگی خود برای توسعه میدان نفتی یادآوران و خرید ۱۱ تا ۱۱ میلیون تن آلان جی تا ۲۵ سال از ایران را اعلام کرده بود. ارزش این قرارداد بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. دو طرف هنوز بر سر قیمت گاز به توافق نهایی دست نیافته‌اند.

وزیرى همامه تصریح کرد: ایران به مذاکرات خود با شرکت توتال جنوبی ادامه خواهد داد. پیشنهاد شرکت توتال مطابق پیش‌بینی‌های مانیست ولی تهران به مذاکرات خود با توتال ادامه خواهد داد.

کریستوفر دی مارگری رئیس شرکت توتال پیش از این اعلام کرد، هزینه اجرای پروژه‌های انرژی در ایران افزایش یافته است و این مساله پیشرفت پروژه‌ها را تاخیر وزیر می‌کند.

کریستوفر دی مارگری رئیس شرکت توتال پیش از این اعلام کرد، هزینه اجرای پروژه‌های انرژی در ایران افزایش یافته است و این مساله پیشرفت پروژه‌ها را تاخیر وزیر می‌کند.

کریستوفر دی مارگری رئیس شرکت توتال پیش از این اعلام کرد، هزینه اجرای پروژه‌های انرژی در ایران افزایش یافته است و این مساله پیشرفت پروژه‌ها را تاخیر وزیر می‌کند.

کریستوفر دی مارگری رئیس شرکت توتال پیش از این اعلام کرد، هزینه اجرای پروژه‌های انرژی در ایران افزایش یافته است و این مساله پیشرفت پروژه‌ها را تاخیر وزیر می‌کند.

کریستوفر دی مارگری رئیس شرکت توتال پیش از این اعلام کرد، هزینه اجرای پروژه‌های انرژی در ایران افزایش یافته است و این مساله پیشرفت پروژه‌ها را تاخیر وزیر می‌کند.

کریستوفر دی مارگری رئیس شرکت توتال پیش از این اعلام کرد، هزینه اجرای پروژه‌های انرژی در ایران افزایش یافته است و این مساله پیشرفت پروژه‌ها را تاخیر وزیر می‌کند.

کریستوفر دی مارگری رئیس شرکت توتال پیش از این اعلام کرد، هزینه اجرای پروژه‌های انرژی در ایران افزایش یافته است و این مساله پیشرفت پروژه‌ها را تاخیر وزیر می‌کند.

کریستوفر دی مارگری رئیس شرکت توتال پیش از این اعلام کرد، هزینه اجرای پروژه‌های انرژی در ایران افزایش یافته است و این مساله پیشرفت پروژه‌ها را تاخیر وزیر می‌کند.

کریستوفر دی مارگری رئیس شرکت توتال پیش از این اعلام کرد، هزینه اجرای پروژه‌های انرژی در ایران افزایش یافته است و این مساله پیشرفت پروژه‌ها را تاخیر وزیر می‌کند.

حماسه پایداری
نظامی بسیجی
صیاد شیرازی
دکتر حسین لایلی

نشر هواندیده‌ها
آیت عشق و کوشش
محمد جواد محمودی

فرصت
کسب تجربه
نوشته: غلامرضا عسکری

زمانی برای مذاکره؟
نوشته: علی اکبر عبدالرشیدی

اطلاعات
سیاسی - اقتصادی
منتشر شد

اطلاعات اقتصادی و بورس
خدمات پس از فروش
خودروهای خارجی در ابهام

۲۳۲-۲۳۴

۲

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

سرویس ام.ام.اس همراه اول

۲ هفته دیگر راه اندازی می شود

مشترکان همراه اول سال آینده به ۳۸ میلیون نفر می رسد

پیامک های دریافتی حجاج در ایام حج تمتع رایگان خواهد بود

صفحه ۲

چهارشنبه ۱۵ آبان ۱۳۸۷ - ۶ ذی القعدة ۱۴۲۹ - ۲۰۰۸ نوامبر ۲۰۰۸ - شماره ۲۴۲۲۰ - صفحه ۵ - به همراه ۸ صفحه ضمیمه اطلاعات و ۱۶ صفحه نیازمندها

اطلاعات

چاپ دوم

آتش بس در نوار غزه با حمله

ارتش صهیونیستی شکسته شد

در این حمله ۶ تن از افراد مقاومت به شهادت رسیدند

مقاومت اسلامی فلسطین در پاسخ به این تجاوز، ۴۰ موشک به اسرائیل شلیک کرد

صفحه ۱۶

«تغییر» به کاخ سفید رسید

اوباما از مردم آمریکا خواست که برای ایجاد تغییر متحد شوند



* باراک اوباما تاکنون توانسته است با کسب ۳۲۹ رای الکترال رئیس جمهوری جدید آمریکا شود * باراک اوباما، مک کین را به همکاری در اداره امور کشور فراخواند * پیش بینی های انجام شده از افزایش کرسی های دموکرات ها در سنا خبر می دهد * جورج بوش و مک کین پیروزی اوباما را تبریک گفتند * اوباما، قدرت آمریکا در سلاح های پیشرفته نیست بلکه در ارزشها و دموکراسی است * بسیاری از آمریکائیان به هنگام نشیدن نطق پیروزی اوباما اشق شوق ریختند

الکترال شده، غلبه کرد. باراک اوباما، نامزد حزب دموکرات، با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نام خود را به عنوان نخستین رئیس جمهوری آمریکایی، سیاه پوست به ثبت رساند. براساس آخرین نتایج شمارش آراء، باراک اوباما با به دست آوردن آرای ایالت های پنسیلوانیا، اوهایو، آیووا و ویرجینیا اولین رئیس جمهوری سیاه پوست آمریکا شد. اوباما همچنین در ایالات ورمونت، نیوهمپشایر، ایلینویز، دلاویر، ماساچوست، کلمبیا، مریلند، کانتیکت، مین، میشیگان، مینه سوتا، نیویورک، رود آیلند، نیوجرسی، ویسکانسین، نیومکزیکو، واشنگتن، وادوا و اورگون، به پیروزی دست یافته است. به گزارش رسیده، با توجه به پیروزی های پی در پی باراک اوباما، نامزد حزب دموکرات توانست پیشترین آرای الکترال را به خود اختصاص دهد. باراک اوباما با کسب ۳۲۹ رای الکترال بر رویق خود جان مک کین که موفق به کسب تنها ۱۶۲ رای

کسانی که در مسیر پیروزی او را همراهی کرده بودند تشکر کرد و گفت: من با کمک و پول مردم به این پیروزی دست یافتم. در حالی که تنها چند ساعت از پیروزی باراک اوباما در انتخابات ریاست جمهوری آمریکایی گذرد، وی - چسان مک کین، رقیب پیروزی اوباما را نشان داد، در اجتماع هوادانش به باراک اوباما شادباش گفت و به تعریف و تمجید

سرویس خارجی - خبرگزاری ها، باراک اوباما، نامزد حزب دموکرات، با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نام خود را به عنوان نخستین رئیس جمهوری آمریکایی، سیاه پوست به ثبت رساند. براساس آخرین نتایج شمارش آراء، باراک اوباما با به دست آوردن آرای ایالت های پنسیلوانیا، اوهایو، آیووا و ویرجینیا اولین رئیس جمهوری سیاه پوست آمریکا شد. اوباما همچنین در ایالات ورمونت، نیوهمپشایر، ایلینویز، دلاویر، ماساچوست، کلمبیا، مریلند، کانتیکت، مین، میشیگان، مینه سوتا، نیویورک، رود آیلند، نیوجرسی، ویسکانسین، نیومکزیکو، واشنگتن، وادوا و اورگون، به پیروزی دست یافته است. به گزارش رسیده، با توجه به پیروزی های پی در پی باراک اوباما، نامزد حزب دموکرات توانست پیشترین آرای الکترال را به خود اختصاص دهد. باراک اوباما با کسب ۳۲۹ رای الکترال بر رویق خود جان مک کین که موفق به کسب تنها ۱۶۲ رای



رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران اجرایی و فرهنگی حج:

حج بهترین فرصت برای یکسان سازی دلها نیت ها و عزم ها در دنیای اسلام است

مجلس وزیر کشور را برکنار کرد

* پرویز داوودی، معاون اول رئیس جمهوری: وزیر کشور به زودی معرفی می شود

صفحه ۳

شرایط نامزدی انتخابات ریاست جمهوری محدود شد

صفحه ۲

* حج فرصتی مغتنم برای امت بزرگ اسلامی است سرویس سیاسی - اجتماعي: کارگزاران اجرایی و فرهنگی حج، صبح امروز با حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب دیدار کردند. در این دیدار، مقام معظم رهبری، حج را فرصتی مغتنم برای حجاج، امت بزرگ اسلامی و نظام جمهوری اسلامی دانستند و تاکید کردند: حج بهترین فرصت برای غلبه بر جدایی های طبیعی و تصنعی در میان مسلمانان و یکسان سازی دلها، نیت ها و عزم ها در دنیای اسلام است. مشروح گزارش این دیدار فردا از نظر خوانندگان می گذرد.

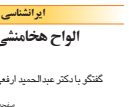
روزنامه

مباحثه در باب طرح تحول اقتصادی
محرومیت های کلا نهر
و هزینه های کلا نتر!
نوشته: جلال رفیع

گزارش

کاهش بیکاری و کسب
مهارت های روز

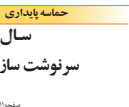
صفحه ۵



ایرانشناسی

الواح هخامنشی
گفتگو با دکتر عبدالحمید ارفع

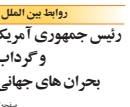
صفحه ۶



حمله پایداری

سال
سر نوشت ساز

صفحه ۱۱



روایت بین الملل

رئیس جمهوری آمریکا
و گرداب
بحران های جهانی

صفحه ۲۳



اطلاعات

اطلاعات ویژه راسر
ضمیمه رانگان اطلاعات امروز
ازنگاه های سفید عالی در راسر سفید

صفحه ۲۴

۱۹۸

شهادت مظلومانه و جانسوز هفتمین ستاره فروزان سپهر امامت و ولایت عشق، آینه تمام نمای اخلاق مداری و پرهیز گاری و فرو خوردن خشم، نور خاموش نشدنی در زندان های تاریک جور، حضرت امام موسی کاظم (ع) را تسلیت و تعزیت می گویم

انفجار در مسیر زائران حرم امام موسی

کاظم (ع) ۲ شهید بر جا گذاشت

* انفجار دیروز در شرق بغداد، سومین انفجار علیه زائران شیعه عراق در ۲ روز گذشته است * در این انفجار به زائران ایرانی آسیبی نرسید

صفحه ۱۶

ورود کارشناسان روس به تهران برای بررسی

علت سقوط توپولف

* خانواده های جانباختگان می توانند به پزشکی قانونی کهریزک مراجعه کنند و اجساد بستگان خود را تحویل بگیرند

صفحه ۱۳

اطلاعات

آیت الله هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه تهران:

همه باید در چارچوب قانون

حرکت کنیم



عکس از محسن و زیری

اگر از قانون تجاوز کنیم، دیگر هیچ مرزی نداریم

* جمهوریت و اسلامیت نظام باید هر دو با هم باشند

«تلیفات و عمل نادرست صدا و سیما باعث شد بذر تردید در دل مردم به وجود بیاید که مثل خوره به جان ما افتاده است مساله مهم ما این است اعتمادی که مردم را با آن وسعت وارد میدان کرد، امروز قدری مخدوش شده است، ما باید آن اعتماد را برگردانیم»
«همه باید راهی پیدا کنیم تا از آثار بد و خطرناک کینه هایی که بروز پیدا می کند، نجات پیدا کنیم»
«باید به گونه ای عمل کنیم و فضایی به وجود آوریم که همه بتوانند آن جا حرفشان را بزنند»
«باید با قانون مسلمانان را حل کنیم و همه به این قانع باشیم»
«نگاریم به خاطر زندانی بودن یک عده، دشمنان، ما را سرزنش کنند و برای ما نقشه بکشند»
«از آسیب دیدگان حوادثی که اتفاق افتاده دلجویی شود و دل آنها را دوباره به نظام نزدیک کنیم»
«رسانه هایی را که با معیارهای قانونی اجازه گرفته اند، محدودشان نکنیم، البته در حد قانون»
«همه با هم بگذاریم فضایی آرام، آزاد، انتقادی با تأییدی هر دو به وجود بیاید»

صفحه ۲

۶ تغییر در کابینه

* اسفندیار رحیم مشایی - معاون اول
رئیس جمهوری
* مسعود زریبافان - رئیس بنیاد شهید
و امور ایثارگران
* مجتبی هاشمی نژاد - دستیار ارشد
رئیس جمهوری
* رئیس جمهوری در اجتماع مردم مشهد: ساختن ایران بدون حضور مقتدرانه و اثرگذار در مناسبات جهانی ممکن نیست

مشهد - خبرنگار اطلاعات: رئیس جمهوری که همراه اعضای کابینه خود به مشهد سفر کرده بود، ضمن زیارت بارگاه ملکوتی حضرت علین موسی (ضلع) آخرین جلسه هیأت دولت، بهم در این شهر مقدس برگزار کرد. دکتر احمدی نژاد در این جلسه چندی از معاونان جدید خود را به شرح زیر معرفی کرد. مجتبی نژاد هاشمی به سمت دستیار ارشد، رئیس جمهوری، اسفندیار رحیم مشایی به سمت معاون اول، رئیس جمهوری، پرویز داوودی به سمت مشاور رئیس جمهوری، علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، و رئیس سازمان انرژی اتمی، مسعود زریبافان به سمت معاون رئیس جمهوری، و امور ایثارگران و حمید قباچی به سمت معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
پایه در صفحه ۲

رئیس مجلس: استقلال
کانون و کلا قانونی است
«کانون و کلا با قوه قضائیه همکاری و همراه است و این ارتباط نباید به تقابل تبدیل شود»

صفحه ۱۳



اسماعیل فصیح
رمان نویس
معاصر
در گذشت

صفحه ۳

رئیس سازمان حج و زیارت:
نوبت باز ماندگان از عمره مفرده
برای سال آینده محفوظ می ماند

صفحه ۱۳



نمایش

مدیریت پیشگیری
از فرسودگی شغلی



اطلاعات اقتصاد و بورس

فرهنگ سازی:
اولویت بهینه سازی
مصرف برق

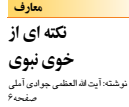
صفحه ۱۷



روایت بین الملل

تامل ها و نسل
پس از جنگ

صفحه ۱۲

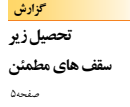


معارف

تکته ای از
خوی نبوی

نوشته: آیت الله العظمی جواد آملی

صفحه ۶



گزارش

تحصیل زیر
سقف های مطمئن

صفحه ۵

روزنامه

آنچه مغفول ماند...
علیرضا خانی

صفحه ۲

هشدار درباره افزایش شمار بیماران قلبی

و سرطانی در ۱۰ سال آینده

«دکتر مرضیه وحید دستجردی، وزیر بهداشت، بیماری دیابت در هر سال یک درصد افزایش می‌یابد
• شیوع سرطان ۳ برابر و بیماری‌های قلبی و عروقی ۲ برابر خواهد شد

صفحه ۱۳

چهارشنبه ۹ دی ۱۳۸۸ - ۱۳ محرم ۱۴۳۱ - ۲۰۰۹ شماری ۲۶۶۵ - ۲۰ صفحه - به همراه ۸ صفحه ضمیمه اطلاعات و ۸ صفحه نیازمندها

هم‌پیمانی امت اسلامی در دفاع از آرمان‌های انقلاب و رهبری امروز تجلی می‌یابد

تجمع سراسری عاشورائیان در دفاع از ولایت



• مهندس یاقوت، نایب‌رئیس مجلس، هیچ توجیهی برای سکوت وجود ندارد
• معصومه ابتکار، عضو شورای شهر تهران، در شرایط حساس کشور، آرامش و منطوق‌گرایی بهترین کار است
• احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران، نباید بگناید چنین اتفاقاتی بیفتد
• مهندس چمران، رئیس شورای شهر تهران، عاشورای اسام مظلومیت دیگری برای اسام حسین^(ع) و عزاداران حسینی بود
• مهندس غفوری‌فرد، عضو هیأت رئیسه مجلس، دوام و بقای انقلاب اسلامی با دفاع از مواضع مختلف مقام معظم رهبری امکان‌پذیر است
صفحات ۲ و ۹

بیانیه‌های آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی و جوادی آملی

• آیات‌الله العظمی جوادی آملی: اهانت‌کنندگان به مقدسات، باید به سزای اعمالشان برسند
• آیات‌الله العظمی مکارم شیرازی: تمامی جناح‌های سیاسی معتقد به نظام اسلامی، ساختار شکنی و هتک احترام را تقبیح و محکوم کنند و بیش از این بر طبل اختلاف نگویند
• من معتقدم اختلاف‌های کونی راه‌حل مسالمت‌آمیز و عاقلانه دارد که باعث عظمت و قدرت بیشتر کشور ماست، چرا به آن نمی‌اندیشید؟
• آیات‌الله العظمی سبحانی: بزرگان نظام اسلامی باب مذاکره را باز گذاشته و با حفظ عزت اسلام، وحدت کلمه را فراهم آورند
• رئیس قوه قضاییه: حوادث اخیر منافع ملی را خدشه دار کرده است
• حوزه‌های علمیه کشور در اعتراض به حرمت شکنی عاشورا، امروز تعطیل است

رئیس مجلس: حساب جریان‌های سیاسی

داخلی از ضدانقلاب جدا است

• ما، در راه امام‌حسین(ع) و صیانت از معارف عاشورا و حفظ حرمت اهل بیت و دفاع از ولایت فقیه، تا پای جان ایستاده‌ایم و با هیچ کس مماشات نخواهیم کرد

صفحه ۴

رئیس سازمان انرژی اتمی اعلام کرد:

ترجیح ایران؛ خرید سوخت برای رآکتور تهران

• غرب فرصت تعامل با ایران را از دست دهد
• تولید سوخت یا غنی ۲۰ درصد به معنای ورود به عرصه نظامی نیست
• درخواست متوقف کردن سایت فردو
• غنی‌سازی تا ۵ درصد است و می‌خواهیم غیرقانونی است و ما آن را متوقف نمی‌کنیم

اعلام کرد ما هم که چیدمان رئیس جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی، ترجیح ایران را خرید سوخت برای رآکتور تحقیقاتی تهران داشت، وی که با ایستادگی تهران داشت، وی که هر کشور می‌کرد، افزود: حق ایران و هر کشوری که به هر میزانی می‌خواهد غنی‌سازی کند، تهران را خریداری کنیم و امیدواریم غرب این پیام را به آزانس بین‌المللی انرژی اتمی، خوبی بگیرد

ان. پی. بی. می‌محترم است صالحی ادامه داد احساس می‌کنم بخشی از کشورهای غربی که متأسفانه متأثر از صهیونیسم بین‌الملل است، تلاش دارد ایران را واردانه خروج از آن بی‌نسی کند تا بر مبنای آن به فضا سازی بین‌المللی علیه کشور بپردازد. معان رئیس جمهوری خاطرنشان کرد ما پیشاپیش اعلام می‌کنیم آن بی‌بی‌سی با تمامی معاینه که دارد برای ایران محترم است؛ چرا که این معاهده را در جهت مصالح ملی و صلح جهانی می‌دانیم و امیدواریم بخش عاقل غرب بتواند بر بخش بی‌خرد آن غلبه و سعی کند با دوراندیشی، از این فرصت آبرومندانه برای برخوردت از این فضا استفاده کند

ما این فرصت را به غرب داده‌ایم صالحی افزود: «ایران سعی دارد راه تعامل با غرب را دنبال کند و غربی‌ها هم بهتر است این فرصت را نسوزانند»
بقیه در صفحه ۴

واگذاری مسئولیت تنظیم

بازار برنج به استانداران شمال

• این تصمیم، دیروز در جلسه بررسی مشکلات شالیکاران شمال کشور گرفته شد

صفحه ۲

امتحانات نهایی دانش‌آموزان از فردا

آغاز می‌شود

• امتحانات دانش‌آموزان سایر پایه‌ها از شنبه ۱۲ دی برگزار می‌شود

صفحه ۳



حمایه پایداری

شجاعت فرمانده

خاطرات از سردار شهید علی تجایی
صفحه ۱۱



ایران شناسی

نمایی از ادبیات ایران

در سده هفتم نوشته: دکتر عبدالحمید زرین کوب
صفحه ۶



گزارش

نیاز جامعه امروز

توسعه فرهنگ پژوهش
صفحه ۵

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها
صفحه ۱۶

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها
صفحه ۲

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها
صفحه ۲

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها
صفحه ۲

۸ مأمور «سیا» در حمله انتحاری «خوست»

افغانستان کشته شدند

• این شدیدترین حمله انتحاری علیه نیروهای اطلاعاتی آمریکا در افغانستان از سال ۲۰۰۱ محسوب می‌شود
• ۴ سرباز کانادایی و یک روزنامه‌نگار در استان جنوبی قندهار کشته شدند

صفحه ۱۶

اطلاعات

۱۰ میلیارد دلار کالای غیر نفتی به خارج از

کشور صادر شد

• رئیس کل سازمان توسعه تجارت: آسیا بزرگترین مقصد صادراتی کالاهای ایرانی در ۸ ماه امسال بود
• حجم صادرات به عراق ۸/۲ درصد و افغانستان ۴۸ درصد افزایش داشته است

صفحه ۴

پنجشنبه ۱۰ دی ۱۳۸۸ - ۱۴ محرم ۱۴۳۱ - ۳۱ دیسامبر ۲۰۰۹ - شماره ۲۶۶۵ - ۲۰ صفحه - به همراه ۱۶ صفحه ضمیمه اطلاعات و ۸ صفحه نیازمندها

حماسه عاشورایی ملت در راهپیمایی سراسری دفاع از ارزش‌های انقلاب

• امروز جنگ حزب‌الله و جنگ شیطان قطعی است
• متولیان مسئولند که اقتدار نظام را در عرصه‌های بین‌المللی حفظ کنند

صفحات ۳ و ۹

• آیات‌الله العظمی، عضو مجلس خبرگان و امام جمعه مشهد: حضور قهرمانانه مردم، مهر تأییدی و پاس بر دل‌ها و مغزهای نابکاران ضدنظام و انقلاب است

• راهپیمایان در سراسر کشور خواستار برخورد قوه قضاییه با جاسران‌کنندگان به مقدسات اسلامی شدند و حمایت خود را از ولایت اعلام کردند



کدام سید باطنی



وژه کودک و نوجوان ضمیمه اطلاعات امروز



وادی ادبیات

علامه شهیدی

طیبه دار عاشورا پژوهی
نوشته: کامران شرف‌شاهی
صفحه ۶



گزارش

کودکان: حامیان

و حافظان طبیعت
صفحه ۵

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها
صفحه ۱۶

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها
صفحه ۲

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها
صفحه ۲

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها
صفحه ۲

اطلاعات

کمبود نقدینگی عامل اصلی رکود بنگاه‌های تولیدی

«دکتر نهاوندیان رئیس اتاق بازرگانی ایران: فشار نقدینگی و کمبودهای تولیدی ۱۳ برابر شده است»
«با ایجاد مثلث فضای تعامل میان سیاستگذاران اقتصادی، فعالان اقتصادی و دانشوران اقتصادی می‌توانیم آینده روشنی را برای اقتصاد ایران پیش‌بینی کنیم»

مهرماه

پنجشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ - ۸ شعبان ۱۴۳۱ - ۱۶ ژوئن ۲۰۱۲ - شماره ۲۵۶۱۶ - صفحه ۱۶ به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰۰ تومان

دکتر روحانی: به عهدی که با مردم بسته ام وفادار خواهیم بود

«این پیروزی، پیروزی طرد اعتدال، رشد و آگاهی و پیروزی نهادهای دین بر افراط و بد اخلاقی است»
«سیاس و پژه این فرزند کوچک دانشگاه و حوزه از زانی رهبر معظم انقلاب»
مراجع نظام تعلیم، روحانیت معزز و استازان فرهیخته کشور یاد

مهرماه

رای ملت به دولت تدبیر و امید



«دکتر روحانی با کسب ۱۸ میلیون و ۶۱۳ هزار و ۳۲۹ رأی ۵۰٪ درصد کل آرا را به دست آورد»
«پیام دکتر قالیباف به دکتر روحانی از خداوند متعال برای چنان‌عالی و دولت آینده»
توفیق خدمت به ملت شریف ایران را مسئلت می‌کنم

دکتر و لایتن: پیروزی اصلی این میدان همانا مردم فهم ما هستند که به دعوت رهبر محبوب خود پاسخ گفتند و حماسه سیاسی را رقم زدند. چنان‌عالی نیز موفق به کسب رأی اعتماد ملت شدید که مایه مسرت است

«دکتر جلیلی، دکتر رضانبی، دکتر و لایتن، مهندس غرضی و دکتر عارف انتخاب دکتر روحانی را تبریک گفتند»
«دکتر احمدی‌نژاد پیروزی دکتر حسن روحانی را تبریک گفت»

سردیس سیاسی: اعتدالی‌ها
شمارش آری نامی صادق‌های آمد
رای مردم باطل و جاحل کثرت، دگرگونی
روحانی‌ها کسب ۱۸ میلیون و ۶۱۳ هزار و ۳۲۹ رأی
از محسن ۵۰٪ درصد کل آرا را به دست آورد
به صورت آرای پیروزی روحانی و رئیس
جمهوری منتخب ملت ایران را رقم زدند
یاد به صفحه ۲

قدرت‌دانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از
حضور حماسی مردم در انتخابات
«دشمنان افرای برای انصاف دانسته باشند»
باید بپذیرند که ایران، دموکراتیک‌ترین انتخابات دنیا را
برگزار کرده
مهرماه ۲

در پیام رهبر معظم انقلاب به ملت ایران به مناسبت حماسه تاریخی ۲۴ خرداد اعلام شد:

پیروز انتخابات ملت بزرگ ایران

«تحقیق حماسه انتخابات بدون شرکت و رقابت و تلاش دیگر نامزدهای ریاست جمهوری امکانپذیر نبود. لازم می‌دانم از همه شخصیت‌های محترمی که پای در این میدان نهاده و با تلاش خستگی‌ناپذیر خود صحنه مسابقه‌ای شور انگیز را آفریدند، صمیمانه تشکر کنم»

«رئیس جمهوری منتخب، رئیس جمهوری همه ملت است همه باید برای دست یافتن به آرمان‌های بزرگی که رئیس جمهور و همکاران وی در دولت متحد و مسئول آند، به آنان کمک و با آنان همکاری صمیمانه کنند»

«حماسه حضور مردم بانگ‌السر بالندها و کزله‌های دشمنان و حسودان شد»
«این حضور عظیم، نشان‌دهنده رشد فزاینده سیاسی و پای‌افزین بر مردم‌داری دینی صادقانه است»



محکم تدبیر و امید ۲ صفحه	تدبیر و امید خلق حماسه، و امیدار نیک‌اندیشی رهبری مهرماه ۲	تدبیر و امید بخت آینده پس‌فابی مهرماه ۳	تدبیر و امید خدا قوت شهردار ۱۳ صفحه	تدبیر و امید ابر به معروف و نهی از منکر و راهکارهای آن آینده دکتر احمدی‌نژاد مهرماه ۴	تدبیر و امید پیش‌نیازها و الزامات جامعه پیشرفته مهرماه ۵	تدبیر و امید روایت‌های سینه انقلاب ایران مهرماه ۶
---------------------------------------	--	---	--	---	---	--

اطلاعات

دیدار رئیس جمهوری منتخب مردم با رهبر معظم انقلاب

«حضرت آیت‌الله العظمی آیت‌الله محمد باقر خاتمی: رئیس‌جمهوری منتخب مردم عصر امروز با حضرت آیت‌الله العظمی خاتمی‌ای که رهبر معظم انقلاب به‌پیش کرد»
«این دیدار که پس از اعلام نتیجه رأی مردم در بازدهین دوره انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفت، مقام معظم رهبری با آرزوی توفیق برای حضرت آیت‌الله العظمی و رئیس‌جمهوری، رهبر دینی ایران را ابراز کرد»

دوشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ - ۸ شعبان ۱۴۳۱ - ۱۶ ژوئن ۲۰۱۲ - شماره ۲۵۶۱۷ - صفحه ۱۶ به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰۰ تومان

واکنش‌های داخلی و خارجی به انتخاب دکتر روحانی



شادمانی مردم ایران پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری

«سیدحسن نصرالله به خشوع و تضرع از درگاه الهی خواستاریم که شهادت دکتر روحانی، بطلانید با دولت تدبیر و امید شعاع امیدها را محقق سازد»
«روسان قوم و ملتانه به قضائیه پیروزی دکتر روحانی را تبریک گفتند»
«مجمع روحانیون معارف انتخاب دکتر روحانی را مبارک ملت تبریک گفت»
«دبیر کل سازمان ملل: به همکاری با مقام‌های ایران به ویژه رئیس‌جمهوری منتخب درباره مسائل مهم جهانی و رفاه مردم ایران متعهدیم»
«سران سوریه، کویت، قطر، بحرین و امارات متحده عربی انتخاب دکتر روحانی را تبریک گفتند»
«دولت فرانسه برای همکاری با رئیس‌جمهوری جدید ایران اعلام آمادگی کرد»
«سپاه پاسداران آمادگی همه‌جانبه خود را برای همکاری با دولت آینده اعلام کرد»
«انگلیس: من همچنان قانعانه به کار کردن با رئیس‌جمهوری جدید ایران برای یافتن راه حل دیپلماتیک سریع برای مساله هسته‌ای متعهدم»
«یوتی‌تی‌وی روحانی در مقام ریاست جمهوری به شکوفایی ایران و تحکیم بیشتر مناسبات روسیه-ایران مساعدت خواهد کرد»
«کاخ سفید برای تعامل مستقیم با ایران درباره برنامه هسته‌ای اعلام آمادگی کرد»

مهرماه ۲

«سیا» آموزش تروریست‌های سوری را بر عهده گرفت

«امریکا فرصت حل مسالمت‌آمیز بحران سوریه رو به پایان است»
«روسیه: حکومت اسد قصد دارد با استفاده از سلاح شیمیایی، خون‌کشی کند»
«ترکان دوما» وزیر اسبق خارجه فرانسه: بحران سوریه نوبه منطقه انگلیس است

مهرماه ۱۶

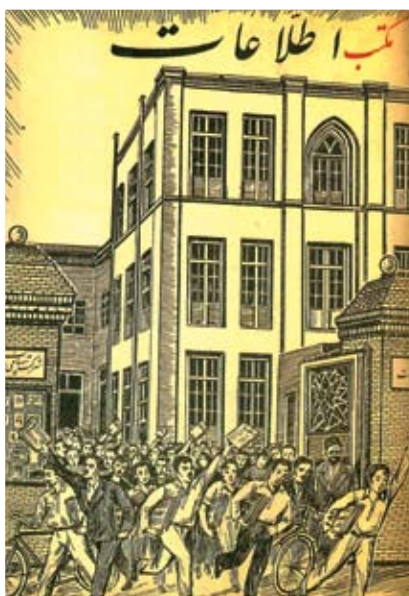
آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:
انتخابات ۲۴ خرداد برگشت
به راه اعتدال و عقلانیت بود
«مهریانی، تعامل و اعتدال بهترین زبان برای گفتگو با مردم است»
«آنچه روز جمعه ۲۴ خرداد با قدم‌های مردم بزرگوار و شریف ایران اسلامی در صحنه تاریخ این سرزمین رقم خورد، اوج شور و شعور ملی و اسلامی و بهترین تعبیر برای اجتهاد سیاسی بود»

رئیس‌جمهوری دکتر حسن روحانی با سرانیه
از زنده‌اند اعتماد و اعتماد
مردم و حرکت در مسیر
تحقق وعده‌های انتخاباتی
و برنامه‌های ارائه شده،
نور امید را با تدبیر دولت
خویش هر روز در جامعه
متشعشع‌تر کند
آیت‌الله هاشمی رفسنجانی
رئیس مجمع تشخیص مصلحت
نظام با انتشار بیانیه‌ای از حضور
گسترده ملت ایران در انتخابات
ریاست‌جمهوری و اظهار استوار
تنگر و قدرتی و اظهار استوار
کرد که دکتر روحانی به عنوان
رئیس‌جمهوری منتخب در پایان
رقابت‌های آزاد عقل و قلم‌ها
برای رسیدن به حساسه اقتصادی که
وعداتی را در تظاهرات انتخاباتی
و ادعای طرفدارهای مدعای
و کارشناسی ارائه داد
یاد به صفحه ۱۴

حمایت گسترده بخش خصوصی
از دولت تدبیر و امید
«رئیس‌اتاق ایران آمیواریم مردم شاهد کاهش بیکاری و رفح گرانی‌ها در جامعه باشند»
«لیکن در مرحله اول رئیس‌جمهوری انتخاب شد، نتان می‌دهد مردم به گفتار عدالت نگاه قاطعانه دارند»
«در انتخاب وزرای دولت آینده حتماً باید با تشکل‌های مردمی مشورت شود»
«اعتقاد به بخش خصوصی خلق حماسه اقتصادی را در پی دارد»

مهرماه ۱

حشام وژه‌های منطقه‌ای: انتخاب در محاسبات ۱۶ صفحه	تورم چیست؟ ۷ صفحه	مردی که همچون هیچ‌کس نبود دکتر منصور دستگار هاشمی مهرماه ۸	تسم امید گرانی دارو درد مضائق بیماران مهرماه ۲
--	-----------------------------	---	---



اطلاعات، مهر نامه

ماهنامه مهر نامه نیز در نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات، پرونده‌ای از سر مهر برای این روزنامه گشوده، برگ‌هایی از آن را به ثبت خاطرات و نظریات برخی از همکاران مؤسسه اطلاعات اختصاص داده، خود بر این «کارنامه ۹۰ ساله» نیم‌نگاهی افکنده و دیدگاه خویش را نیز در باب موضوعات مختلف رقم زده است. اکنون به دلیل ضیق مجال ومقام فقط برخی از برگ‌های پرونده مورد نظر در پایان این ویژه‌نامه (ویژه‌نامه دوم) نقل می‌شود، با این توضیح واضحات که هم در این بخش از ویژه‌نامه حاضر و هم در سایر بخش‌هایش البته هر نقل به مدد عقل دریافت می‌شود. شنونده و خواننده نیز خود به مدد تحقیق بیشتر می‌تواند نه فقط در حوزه این مطالب بلکه در مقام بررسی همه مطالب ویژه‌نامه (مثل همه مطالب روزنامه) اساساً هر نقد و نظری را باز در بوتۀ نقد و نظر خود قرار دهد و رد یا تأیید کند. هیچ نقلی بی‌نیاز از نقد نیست. این سخن را در آغاز هر بخش و هر فصل می‌توان تکرار کرد.



کارنامه ۹۰ ساله

روزنامه اطلاعات وارد نودمین سال حیات خود شد

اکبر منتجبی - روزنامه‌نگار



عباس مسعودی
مؤسس روزنامه اطلاعات
قبل از انقلاب

در کاخ علیا حضرت ملکه پهلوی دعوت نخواهد شد. چیزی نمانده بود که سخته کند، ولی چون آدم مجربی است، گفت: «پیش‌ب در همین جا مطلبی را شاهنشاه به من فرمودند که برخلاف میل هویدا بود و اصرار فرمودند که به وزیر اطلاعات هم بگویم، من هرگز از این غلط‌ها نمی‌کردم، ولی چون امر بود اطاعت کردم. گویا مطلب به هویدا نخست

وزیر گران آمده و مطلبی به شاهنشاه عرض کرده و به هر حال من چوب این کار را می‌خورم.»

صبح روز بعد مسعودی نامه‌ای به علم می‌نویسد که علم عین آن را ضمیمه یادداشت‌های خود کرده است. مسعودی در این نامه می‌نویسد: «جناب آقای علم، وزیر محترم دربار شاهنشاهی، اوامر مطاع ملوکانه که دیشب به بنده ابلاغ فرمودید تازیانه سبب همگینی بود که برچاکر و خانم وارد آمد و باور بفرمایید تمام شب خواب به چشم ما نرفت، چون من و زعم خودمان را خاکسار درگاه سلطنت می‌دانیم و از جان و دل شیفته عنایات شاهنشاه محبوب خود و خاندان سلطنت هستیم و اگر نقایصی در کار انتشار اخبار و مطالب روزنامه پدید می‌آید، حمل به اهل و تعلق چاکر نفرمایید چون پیوسته سعی داشته و دارم که خدمتگزاری صدیق در طول عمر خود بوده و پیرو افکار و نیت مبارک شاهانه هستم. در چنین پیشامدهایی گناهکار نیستم چون به واسطه کهنوت و ضعف، توانائی آن را ندارم که تمام مطالب روزنامه را شخصاً کنترل کنم و به همین سبب فرزندانم فرهاد مسعودی را به کمک طلبیدم که او هم در کمال خلوص نیت و عقیده وظایف خود را انجام می‌دهد. متأسفانه در دو هفته اخیر که به اروپا سفر کرده بود خطاهایی از جمله خطاهای اخیر به وقوع پیوست که چاکر خود پس از طبع و نشر به آن واقف شدم. نویسنده ستون بازار سیاست، جوانی است تحصیل کرده و باذوق که از گذشته‌ها خبر ندارد و مارهای خوش خط و خالی را که از هر فرصتی می‌خواهند استفاده کنند نمی‌شناسد، چنان که بعد از توجه دادن تازه درک مطلب کرد و در ضمن گفت این مطلب یا همین اسامی قبلاً در آیندگان هم چاپ شده بود. اما درباره نویسنده رپر تاژ تاکسی او هم مورد سرزنش قرار گرفت و شدیداً مواخذه شد. بدیهی است مطالب زندان‌های که نوشته شده جبران خواهد شد. تکدر خاطر ملوکانه بیش از هر چیز مرا رنج می‌دهد و نمی‌دانم چه باید کرد. چون به خوبی می‌دانم که اگر ذره‌ای از عنایات شاهنشاه نسبت به این خدمتگزار کاسته شود و سایه پرعطوفت مبارک بر سر این بنده نباشد، با وجود دشمنی‌ها که نسبت به چاکر اعمال می‌شود نابود خواهم شد.

آقای علم، شما را به سر مبارک شاهنشاه قسم می‌دهم عرایض چاکر را به سمع ملوکانه برسانید و چاره‌ای ببینید که از این پریشانی و تأثر خلاص شوم. هر امری از پیشگاه ملوکانه شرف صدور یابد مطاع است. عباس مسعودی.» علم در یادداشت روز ۱۶ خرداد ۱۳۵۳ خود به واکنش شاه در برابر این نامه اشاره کرده و می‌نویسد: «نامه بدبخت مسعودی را دادم خواندند. فرمودند مسئله عفو شما بسته به رفتار آینده شما خواهد بود.»

عباس مسعودی ۱۱ روز پس از این ماجرا در پشت میز ش سخته کرد و ناراحتی و اضطراب او از عواقب خشم شاهانه دژ مرگ نابهنگام وی (۲۷ خرداد ۱۳۵۳) بی‌تأثیر نبود.

ذوقی بماند. او از سال ۱۳۱۴ فعالیت‌های سیاسی خود را در قامت نماینده مجلس آغاز کرد. اگرچه پای در مجلس داشت اما چشمان و گوش‌هایش در اختیار روزنامه بود. چند سال بعد روزنامه تعداد صفحاتش را افزود و سپس مؤسسه اطلاعات تشکیلات خود را بزرگ‌تر کرد. از سال ۱۳۲۰ مجله اطلاعات هفتگی را که قدیمی‌ترین هفته‌نامه موجود ایران است پایه‌گذاری و منتشر کرد. اطلاعات هفتگی دوران پرفراز و نشیبی داشت. مجله جوانان دیگر نشریه‌ای بود که مؤسسه اطلاعات منتشر کرد. جوانان در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ پرخواننده‌ترین نشریه ایران بود و تیراژ آن سرسام‌آور شده بود. پاورقی نویسانی مانند ر. اعتمادی، امیر عشیری، ذبیح‌الله منصوری و چند نفر دیگر داستان‌های ملودرام، تاریخی و جنایی خود را در این نشریه منتشر می‌کردند و خوانندگان بی‌صبرانه منتظر بودند تا هفته دیگر برسد و این هفته‌نامه منتشر شود. با سقوط رضا شاه و خروج او از کشور، اطلاعات نیز تکانی خورد. مهم‌ترین حامی خود را از دست داده بود. اطلاعات که تا پیش از سقوط و فرار رضا شاه یکسره در خدمت دربار بود، پس از تاج‌گذاری محمدرضا پهلوی، گهگاه به او و کابینه انتقاداتی را وارد می‌کرد.

در ماجرای ملی شدن صنعت نفت از مصدق حمایت کرد. مدتی بعد با توده‌ای‌ها رابطه برقرار کرد و گهگاه انتقادات تند و تیزی را علیه برخی از اعضای کابینه و خصوصاً هویدا می‌نوشت.

اطلاعات که تا پیش از سقوط و فرار رضا شاه یکسره در خدمت دربار بود، پس از تاج‌گذاری محمدرضا پهلوی، گهگاه به او و کابینه انتقاداتی را وارد می‌کرد. در ماجرای ملی شدن صنعت نفت از مصدق حمایت کرد. در سال ۱۳۲۰ ه. ش سلسله مقالاتی را در روزنامه اطلاعات علیه رضاشاه به چاپ رساند. رابطه او با محمدرضا پهلوی هیچ‌گاه حسنه نشد.

از سال ۱۳۲۰ ه. ش از طرفداران مصدق شد و در سال ۱۳۲۰ ه. ش سلسله مقالاتی را در روزنامه اطلاعات علیه رضاشاه به چاپ رساند؛ همچنین در سال ۱۳۲۱ ه. ش سلسله مقالاتی را ضد قوام‌السلطنه چاپ نمود و به همین جهت روزنامه وی توقیف شد و وی نیز به زندان افتاد. در سال ۱۳۳۲ ه. ش نیز شدیدترین حملات را علیه شاه و حکومت انجام داد.

رابطه او با محمدرضا پهلوی هیچ‌گاه حسنه نشد. می‌گفتند که هویدا نیز در این امر دخیل بود. اسدالله علم در خاطرات خود اشاره می‌کند که روزی مسعودی به دربار رفته بود تا بتواند با شاه ملاقات کند. علم می‌نویسد:

سر شام رفتم. شاهنشاه خیلی عصبانی بودند: این مسعودی (مدیر روزنامه اطلاعات) را از دور می‌بینم و شاخ و شانه می‌کشد که بیاید با من حرف بزنند. شاهنشاه فرمودند: «روزنامه اطلاعات ارگان مصدقی‌ها و توده‌ای‌ها شده؛ مثلاً امروز از قول تاکسیران‌ها نوشته است که ما مثل سگ زحمت می‌کشیم و این شرکت تعاونی تمام عایدات ما را می‌خورد، مگر شرکت تعاونی مال کیست؟ آن هم که مال خودشان است» چون عده‌ای مثل دامادها و علیا حضرت شهبانو سر میز شام بودند. من جرأت نکردم یک و دو بکنم و عرض کردم خوب روزنامه باید مطلب را بگوید و جواب هم داده شود و آن را هم منعکس بکنم. به هر صورت برخاستم و به بدبخت مسعودی گفتم که حق ندارد شرفیاب بشود و بعد از این هم



سید محمود دعایی
سرپرست روزنامه اطلاعات
پس از انقلاب

در دوران ایران مدرن دو مؤسسه بزرگ مطبوعاتی متولد شدند و با آنان روزنامه‌نگاری ایران تبدیل به حرفه‌ای جدی شد. روزنامه اطلاعات یادگار اولین سال‌های قدرت گرفتن رضاخان بود و روزنامه کیهان یادگار اولین سال سلطنت فرزندان وی. این دو روزنامه در دهه چهل شمسی تبدیل به مؤسسه‌ای بزرگ در قامت

رسانه‌های جهانی شدند. در دوران جمهوری اسلامی، کیهان و اطلاعات همچنان ناشر نشریات متعدد باقی ماندند گرچه از ابتدا تحت قیمومیت بنیاد مستضعفان قرار گرفتند اما مدتی بعد رسانه‌هایی شدند که «ولی فقیه» مدیران آنها را انتخاب و منصوب می‌کند.

اکنون ۹۰ سال از انتشار اولین نسخه روزنامه اطلاعات می‌گذرد. ۹۰ سال پیش عباس مسعودی انتشار یک روزنامه یومیه عصر را آغاز کرد. او پیش از انتشار روزنامه تجربیاتی داشت. مسعودی متولد ۱۲۷۴ بود و تحصیلات مقدماتی داشت. به عنوان کارگر ساده و حروف‌چین در روزنامه‌های تهران مشغول به کار شد. چهار سال بعد مصحح روزنامه‌های «شفق» و «اقدام» شد. بعدتر در همان روزنامه‌ها خبرنگار شد و سپس به روزنامه‌های ایران و کوشش رفت. شش سال در این دو روزنامه کار کرد. در سال ۱۳۰۰ اولین خبرگزاری را به تعریف امروزی پایه‌گذاری کرد. دفتری در خیابان فردوسی امروزی و علاءالدین سابق گرفت و تابلویی با عنوان «مرکز اطلاعات» بر سر در آن نصب کرد. این مرکز، فقط یک اتاق داشت، او اخبار خبرگزاری‌های روترز انگلیسی و هاواس فرانسوی را از بخش مطبوعاتی این دو سفارتخانه می‌گرفت و ترجمه می‌کرد. شخصاً یک مترجم استخدام کرده بود تا خبرها را برایش ترجمه کند. کارمندان مرکز اطلاعات دو نفر بیشتر نبودند. خود او و مترجم گفته شده. به همین علت تلاش کردند با تهیه خبر، گزارش و ترجمه، آنها را به نشریات و جراید دیگر بفروشند، اما وضع مالی نشریات آنچنان خوب نبود تا بتوانند خبر و ترجمه بخرند. سه سال بعد مسعودی متوجه شد که مخارج مؤسسه اطلاعات به زحمت فراهم می‌شود. در تیرماه ۱۳۰۵ از وزارت معارف امتیاز روزنامه یومیه عصر اطلاعات را گرفت.

اولین شماره این روزنامه با تیراژ ۵۰۰ نسخه، عصر روز ۱۹ تیرماه همان سال منتشر شد. مسعودی با دربار کم و بیش ارتباطاتی داشت، به همین علت نیز در اولین شماره متن نطق افتتاحیه رضاخان را در جلسه مجلس کامل منتشر کرد. چند خبر داخلی دیگر نیز تهیه و نهایتاً روزنامه را به صورت یک برگ و در ۲ صفحه منتشر کرد. اما این تازه اول راه بود و مشکلات بسیار. شماره دوم یک ماه بعد در ۱۹ مرداد منتشر شد. روزنامه اطلاعات از شماره دوم، هر روز عصر در یک برگ منتشر شد. مسعودی در هر برگ نام خود را به عنوان صاحب امتیاز در بالای صفحه می‌نوشت. روزنامه برای او هویت جدیدی را به وجود آورد. ارتباطاتش با دربار رضاشاه افزون شد. تا جایی که در اولین سفر و تنها سفر خارجی رضاشاه به ترکیه مسعودی تنها روزنامه‌نگاری بود که به همراه او به این سفر رفت تا گزارش آن سفر را در اطلاعات چاپ کند.

عباس مسعودی اگرچه مدتی بعد در کسوت نمایندگی مجلس درآمد اما همچنان تلاش کرد روزنامه‌نگار خوش



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات



جلال رفیع
نویسنده و روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگاران انقلاب روایت چگونگی پیوستن نسل انقلاب به مطبوعات

شاید نیازی به این توضیح واضح نباشد (شاید هم باشد) که بنا بر نقل خاطرات است. نمی‌توان از خاطرات گفت و از خود نگفت. بنابراین امیدوارم اگر در متن این نوشته ضمایر (یا ضمایم) متکلم‌وحده را فراوان خواندید به همین حساب بگذارید نه به حساب دیگر! پیش از آنکه در سال ۵۸ گذارم به حوزه مطبوعات بیفتد، براساس روحیه و علاقه و تجربه‌ای که از قبل داشتم نسبت به دو کار بسیار مشتاق بودم: یکی کار معلمی و تدریس و مباحثه و گفتگو با جوانان در کلاس درس، دیگری کار تحقیقی و مطالعاتی و انتشار حاصل آن از طریق کتاب در باب موضوعات مختلف ادبی، حقوقی، دینی، اجتماعی و امثال آن. یعنی به این دو حوزه کاری واقعاً عشق می‌ورزیدم. به همین دلیل در سال ۵۸ به عزم ادامه راه پیشین میان دانشکده حقوق و کوی دانشگاه تهران در حرکت بودم. زیرا این دو مکان را مرکز کار و زندگی و خاطرات شش هفته‌ای خود با دانشجویان و استادان می‌دانستم و می‌خواستم از همین دو کانون پرشور برای آینده کاری و علمی و تحقیقی خودم برنامه‌ریزی کنم.

اما همان سال، دو تن در دو زمان و مکان مختلف با توجه به سابقه آشنایی‌های قبل از انقلاب، به صورت جداگانه با من سخن گفتند و مرا برای کار و همکاری در دو روزنامه کشور (یکی تازه تأسیس به نام روزنامه جمهوری اسلامی و دیگری قدیمی و معروف به نام روزنامه کیهان) مُصرانه دعوت کردند. آنها برای اثبات اهمیت و ارجحیت این کار و همکاری نیز دلایل قابل توجهی را مورد تأکید قرار دادند.

البته سابقه آشنایی من با هر دو آشنا، به حوزه حقوق و علم حقوق و دانشکده حقوق برمی‌گشت. با این تفاوت که چون قبل از انقلاب، چهار پنج جلد کتاب با نگاه دینی و اجتماعی (به نام‌های: ارتجاع مدرن، اصول حاکم بر روابط اقتصادی، صبر بصیر، نماز تسلیم انسانی عصیانگر، صبر انسان قرآن) و همچنین مقالات مختلفی با همین نگاه به قلم بسته در سطح دانشگاه و نیز در سطح کشور از جمله هم‌زمان با دوره بازداشت منتشر شده بود، آنها با اشاره به همین سابقه می‌گفتند اکنون وقت آن رسیده است که نگارش و نویسندگی و تحقیق و تئوری را از طریق تلاش فرهنگی و مطبوعاتی در خدمت آرمان‌های نسل جوان برای ساختن و پرداختن آینده وطنمان قرار دهیم و قلم بر دوش به این ترتیب از کنج ذهنیت‌های محیط دانشجویی و دانشگاهی و روشنفکری به صحنه واقعیت‌ها و عینیت‌های اجتماعی در قلمرو یک انقلاب اساسی و سراسری و مردمی، به اصطلاح اسباب‌کشی کنیم یا به تعبیر ایدئولوژیک همان‌زمانی‌اش، «هجرت» کنیم.

آشنای اول، مرحوم سید رضازاده‌ای حقوقدان اصفهانی بود که دفتر و کالتش در نزدیکی دانشگاه تهران قرار داشت و قبل از انقلاب جمعی از حقوقدانان و حقوق‌خوانان و قضات و وکلا و دانشجویان و استادان گاه‌گاه در آنجا با هم ملاقات می‌کردند. مرحوم زواره‌ای در سالهای ۵۶ و ۵۷ و کالت دانشجویان سیاسی و زندانی را هم برعهده داشت. حالا، در سال ۵۸ و پس از پیروزی انقلاب، ایشان مرا به کار و همکاری در روزنامه‌ای که جدیداً تأسیس شده بود و «جمهوری اسلامی» نام داشت دعوت می‌کرد و ضمناً از مهندس موسوی جوانی به نیکی سخن می‌گفت که در سالهای قبل از انقلاب برای شرکت در جلسات سخنرانی دکتر شریعتی به حسینیه ارشاد رفت و آمد داشته و امروز (سال ۵۸) مسئولیت سردبیری روزنامه جدیدالتأسیس را برعهده گرفته است. و اضافه می‌کرد: «همسرش هم نویسنده و مؤلف کتاب است و تو هم می‌شناسیش و کتابش را هم که خوانده‌ای. همان کتابی که دفتر نشر فرهنگ اسلامی با مدیریت دکتر باهنر در باب طبقات اجتماعی و اقتصادی و مستضعفین و مستکبرین در قرآن منتشر کرده است».

چون نمی‌خواستم عضو حزب تلقی شوم و آن روزنامه رسماً نوشته بود که ارگان حزب

جمهوری اسلامی است، دعوت مرحوم زواره‌ای را با احترام نپذیرفتم. او هم گله‌مند شد. فکر می‌کنم این آخرین گفتگوی من و آن مرحوم در تمام ایام عمر پس از انقلابش بود و دیگر فرصتی برای دیدار و گفتگو پیش نیامد. البته ایشان در طول عمر پس از انقلاب خود مسئولیت‌های مختلفی مانند دادستانی، نمایندگی مجلس، عضویت شورای نگهبان، کاندیداتوری ریاست جمهوری و نیز ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را برعهده داشت.

آشنای دیگر، آقای اسدالله نوری (و امروز دکتر اسدالله نوری) بود که سال‌های سال در دانشکده حقوق دانشگاه تهران با هم دوستی و رفاقت داشتیم و محضر استادان معروف و نامعروف دانشکده از قبیل امیرناصر کاتوزیان و محمود شهایی خراسانی (ترتبی) و سیدحسن امامی و ابوالقاسم گرجی و عزت‌الله عراقی و باهری و آزمایش و صفایی و واحدی و اخلاقی و آشوری و درودی و نصیری و الماسی و محمدی و مظلومان و صفری و پاد و علی‌آبادی و امثال آنان را درک کرده بودیم. آقای نوری بعدها در نیمه دوم دهه ۶۰ به جای دکتر محمود کاشانی به لاهه رفت و سال‌ها قاضی شعبه اول دادگاه لاهه بود. و همو بود که در سال ۶۶ مرا (نه به کیهان! بلکه این بار) برای کار و تحصیل به هلند کشاند.

به هر حال، (سال ۵۸) این دوست ارجمند، مرا به کار و همکاری با کیهان دعوت کرد و گفت: می‌دانی که دکتر مصباح‌زاده مدیر و مالک کیهان سسناور بوده و به خارج کشور رفته و مؤسسه مذکور بلاصاحب مانده و هر روز فرد جدیدی یا گروه جدیدی مدعی‌اش می‌شود. اخیراً هم بعضی به اتهام وابستگی به ساواک یا حزب توده یا سازمان‌های چریکی فداییان و مجاهدین از کار در این روزنامه کنار گذاشته شده‌اند. اعضای یک شورای انقلابی کارگری و کارمندی که انجمن اسلامی روزنامه کیهان نام دارد معتقدند که بعضی‌ها روزنامه را با وجود این که حالا دیگر مؤسسه‌های متعلق به عموم ملت ایران و اکثریت مردمی است که انقلاب را به پیروزی رسانده‌اند، به سمت و سوی سیاست‌های سازمان خودشان سوق می‌دادند. البته ممکن است انجمنی‌ها مصداقاً اشتباه هم کرده باشند، اما به هر حال واقعیت این است که سایر اعضای تحریریه روزنامه نیز که از این حیث مشکل و مانعی ندارند سر کارشان نیامده‌اند. چون به کار انجمن یا به شیوه کارش اعتراض دارند و این طرز برخورد را غلط می‌خوانند. در هر حال، اکنون یک مؤسسه بزرگ فرهنگی آنهم در بامداد پیروزی انقلاب و مردم با این وضعیت در معرض تعطیلی قرار گرفته و زندگی اکثریت کارگران و کارمندان هم با خوف و خطر مواجه شده است. فعلاً آنها طرفدار کسانی هستند که پر تلاش و بی‌چشمداشت کار کنند و بتوانند مؤسسه را سر پای خودش نگه دارند، تا تکلیفش قانوناً مشخص شود.

چون باز هم تردید داشتم که برای آینده چه باید کرد و از دانشگاه یا مطبوعات کدام را باید انتخاب کرد، چند تن از سایر دوستان دانشجوی هم که از موضوع آگاه شده بودند وارد عرصه شدند و بدین ترتیب اوقاتی هم به بحث و فحص گذشت تا گفته شود: اولاً یک معلم در کلاس با سی چهل نفر و گاه در مواردی ممکن است با حداکثر دویست سیصد نفر مواجه باشد، درحالی‌که مؤسسه مطبوعاتی بزرگ امروز کلاس بلکه دانشگاه چندین میلیونی است و در کشورهای پیشرفته از این حد هم فراتر است. ثانیاً روزنامه‌های معروف و معتبر علاوه بر تیراژ رسمی و تعداد مشتریان اساساً می‌توانند با موج‌آفرینی مثبت و مفید و متکی به دانش و دین و درایتشان بر ذهن و زبان اکثریت مردم یک سرزمین تأثیر بگذارند و درواقع نیروی ملی و اجتماعی فراتر از گروه‌های سیاسی و چریکی و حزبی و حتی فراتر از دولت‌ها باشند. نمونه‌های چنین تأثیرگذاری و اقتدار را نیز می‌توان در همین عصر در کشورهای غربی یا شرقی حاضر نشان داد. ثالثاً سرعت عمل مطبوعات با هیچ نهاد تأثیرگذار دیگری

قابل مقایسه نیست. امروز صبح مطلبی را می‌نویسی، عصر نشده می‌بینی و می‌شنوی که همان مطلب مورد بحث و بررسی بسیاری از مردم قرار گرفته است. رابعا با حضور در این حوزه نه تنها از امکانات مطالعاتی و تحقیقاتی و آرشیوی خود مؤسسات مطبوعاتی (اعم از مکتوب و مصوّر) می‌توان بهره برد بلکه با استناد به شخصیت حقوقی و شناخته شده‌ی همین مؤسسات چه در داخل و چه در خارج کشور می‌توان با منابع مطالعاتی و تحقیقاتی دیگر و همچنین با منابع زنده و زاینده یعنی استادان دانشگاه‌ها و دانشمندان و پژوهشگران و نویسندگان و روزنامه‌نگاران و صاحب‌نظران ایران و سایر کشورهای جهان ارتباط دوسویه فعال برقرار کرد. و بالاخره خامسا به این ترتیب می‌توان گفتار و نوشتار را از حالت به اصطلاح مونولوگ بیرون آورد و از کارهای مطالعاتی و تحقیقاتی تک‌نفره که تحمیل ناشی از زمان و مکان آلوده به اختناق بود فاصله گرفت و به دیالوگ و میزگرد و کنفرانس و نقد و نقادی و تلاش جمعی هم روی آورد.

تجربه کیهانی‌بودن

به هر حال حرف و حدیث‌ها کار خودش را نکرد و این بنده از خود دل‌کنده با ذوق و شوق و با خواب و خیال «فلک را سقف بشکافیم»، به سراغ دوست نوری‌اش رفت که: بسیار خوب، آماده‌ام، اما در کیهان با چه کسانی باید گفتگو کنیم؟ گفت با دکتر محمدعلی هادی نجف‌آبادی که از مبارزان تحت تعقیب رژیم شاه در خارج کشور بوده و همراه انقلاب به وطن بازگشته است. ایشان اخیراً دست یاری و همکاری به طرف کیهانیان دراز کرده و به آنها کمک می‌کند که کار و بار انتشار روزنامه بر زمین نماند و هم ایشان از من خواسته است که نیروی انسانی لازم از میان جوانان اهل قلم را به یاری و همکاری فرا خوانم و تأکید کرده است که دعوت‌شدگان به احزاب و سازمان‌های چریکی وابسته نباشند. و اضافه کرد که هادی شخصی است باسواد و اهل مطالعه و به سه زبان انگلیسی و عربی و اردو و شاید هم بیشتر مسلط است و آدم روشن و توانمند و معتدلی است. آقای هادی نجف‌آبادی آنروزها معتم بود و از همان زمان به دکتر هادی شهرت داشت.

به این ترتیب بود که در اواخر تیر ماه ۵۸ وارد کیهان شدم و نخستین سرمقاله‌ای هم که به پیشنهاد دکتر هادی با توجه به فرا رسیدن سالگرد قیام سی تیر ۱۳۳۱ نوشتم و او در همان نگاه‌اول استقبال کرد سرمقاله «۳۰ تیر ۳۱ و ۲۶ تیر ۵۸، تسلسل وحدت و بیعت» بود که تحت عنوان «یادداشت روز» در صفحه اول روزنامه کیهان چاپ شد. ۲۶ تیر ۵۸ نظر به راه‌پیمایی بزرگ و سراسری مردم ایران داشت. پس نخستین کار من همین شد: سرمقاله‌نویسی در ستون یادداشت روز در صفحه اول.

شرح مفصّلی لازم دارد تا بگویم در مؤسسه کیهان از آن تاریخ تا حوالی خرداد سال بعد یعنی سال ۵۹ چه اتفاقاتی افتاد. اما به اشاره می‌گویم و می‌گذرم. من در آن مدّت با افراد متعدّدی همکاری کردم یا برای همکاری گفتگو کردم و از این جمله‌اند اعضای قبلی تحریریه کیهان که به خانه خودشان برگشتند و تلاش صادقانه مطبوعاتی‌شان را از سر گرفتند (آقایان دکتر فرقانی، فریدون صدیقی، محمد دهقانی، غلامرضا موسوی، کورس بابایی، سعدی، ایمانی، حسام‌الدین امامی، مصطفی رهنما، جواد علیزاده و...) که تجربه همکاری با آنان را هنوز به عنوان خاطره‌های ابتدای انقلاب در ذهن دارم. البته این جمع از حیث نوع کار و نوع تخصص و زمان همکاری با قطع موقت همکاری با مؤسسه شرایط و وضعیت همسانی نداشتند. و نیز آقایان دکتر اسدالله میشری، حاج حسین مهدیان، حاج مهدی عراقی (که شهید شد و قبل از انقلاب با هم در زندان اوین همبند بودیم)، شمس‌آل احمد و نیز آقایان محمدعلی ایزدی و جاوید قربان‌اوغلی (سفیر سال‌های بعد در الجزایر و آفریقای جنوبی) که پیش از من برای همکاری به کیهان رفته بودند و نیز تیم دانشکده حقوق دانشگاه تهران مرکب از آقایان جهانپخش ناصر (مرحوم)، غلامعلی حیدرنیا فتح‌آبادی (سردفتر اسناد رسمی)، علیرضا امامی (سردفتر)، عباس معارف (مرحوم)، جهانشاه ناصر (در آلمان است)، غلامرضا یوسفی (به وزارت خارجه رفت) و عیسی نظری (قاضی) که به دعوت خود من وارد کیهان شدند. و نیز آقایان سعید گلاب (که در جبهه جنگ شهید شد) و وحید لاهوتی (فرزند آیت‌الله لاهوتی که بعد در سال ۶۰ کشته شد) و محسن نوری‌نجفی هنرمند نقاش و کاریکاتورست و محمود شمس یعنی همان ماشاءالله شمس‌الواعظین بعدی که در آن ایام هنوز شهرت نداشت و فقیه ایمانی وحاج علی اکبری و دکتر افجه‌ای (به تدریس در دانشگاه پرداخت) و دکتر شهیدی‌مؤدّب (سردبیر کیهان انگلیسی) و شهریار روحانی (دکتر در فیزیک) و خانم مینو بدیعی و کسان دیگری که باید نامشان را به خاطر بیاورم. و نیز آقایان بوغوسیان و اشرفی و عبدالعظیم هاشمی و فتیق در تحریریه. و نیز آقایان محمود عسکریه و حاجی‌خَبّاز و محتشمی و حجتی و داود غرانوش و دلاوری و ترنگان که فکر می‌کنم در آن تاریخ عضو انجمن اسلامی کیهان بودند. و نیز آقایان حسن قاضی و پورکاشف که از طرف بنیاد مستضعفان به مؤسسه کیهان فرستاده شده بودند و بعد کاشف به عمل آمد که این بنیاد نوبنیاد گویا از همان آغاز سر مصادره می‌داشته است.

بگذریم. در سال ۵۸، چهره‌های دیگری را هم گاه و بیگاه می‌دیدم که البته نه برای کار بلکه برای چاپ نشریات خودشان از طریق کیهان به این مؤسسه مطبوعاتی رفت و آمد کرده یا با آن به هر حال ارتباط داشتند. از این جمله بودند آقایان مجتهدشستری که گمان می‌کنم تازه از آلمان آمده بود و مجله «اندیشه اسلامی» را از این طریق منتشر می‌کرد و محمد منتظری (که در سال ۶۰ شهید شد و در آن روزگار نشریه الشهید را به عربی و فارسی از همین طریق نشر می‌داد و محمود شمس هم با آن همکاری داشت) و مهندس موسوی و غلامرضا آقازاده و محمدحسن زورق که چاپ روزنامه تازه تأسیس «جمهوری اسلامی،

ارگان حزب جمهوری اسلامی» را سامان‌دهی می‌کردند. و وحید نیکخواه آزاد که در کیهان بچه‌ها مسئولیت داشت.

ضمناً این نکته را هم بگویم که به خودم و به دوستانم با ذکر دلایل روشن سفارش کردم و پیشنهاد دادم که تا متأهّل نشده باشیم از کیهان حقوق نگیریم. اینگونه، ادعاهای فکری و عقیدتی و انقلابی ما پذیرفته‌تر خواهد شد. برخی به این پیشنهاد عمل کردند و برخی نکردند. من خودم به توصیه خودم البته عمل کردم!

سیر رخدادها در آن ایام متلاطم به سمت و سویی رفت که افراد و گروه‌های منتقد یکدیگر و تقریباً ناسازگار با هم در مؤسسه کیهان، از ناچاری یا به ضرورت یا با توجه به هر دلیل و علت دیگر بر سر سردبیری و درواقع به قول خودم (برگرفته از طنز توفیق قبل از توقیف در سال ۵۰): بر سر خردبیری بنده شرمنده، نمی‌دانم به صورت مذاکره‌ی چند به علاوه چند(!)، توافق کردند. و علیرغم میل من این تصمیم ظریف را اتخاذ کردند که بار را به گردن از موباریکتر همان جوانی بیندازند که در مجموع با همه‌شان می‌ساخت و واسطه‌ی رابطه‌شان بود و معمولاً در قلمرو انقلاب هم سرمقاله می‌نوشت. و انداختند!

بنده به تنهایی ابراز عجز کردم و تقاضای تشکیل شورای سردبیری کردم و تلاش کردم تا روزنامه از نقش و نیروی همکاران قدیم و جدید یا به عبارت دیگر پیش‌کسوت و پس‌کسوت متناسب با وضعیت جدید کشور بهره بگیرد. جزئیاتش بماند برای فرصتی دیگر و شاید وقتی دیگر. سرانجام، با فراز و فرودهای مختلف، سال ۵۸ گذشت. سال ۵۹ اما(!)، سال دیگری بود. کم‌کم خوشحال شدم که دارم از اتاق شکنجه خلاص می‌شوم (این اسم را اولین بار روی اتاقی گذاشتم که در گوشه شمال شرقی تحریریه کیهان آن روزها محل تجمع همکاران ارجمند اما مختلف‌التّظریه و مختلف‌التجربه برای انتخاب تیتروهای صفحه اول روزنامه بود). حدسم درست درآمد و گمان می‌کنم در اردیبهشت همان سال، دکتر ابراهیم یزدی با حکم رسمی به عنوان «نماینده امام خمینی و سرپرست مؤسسه کیهان» وارد مؤسسه شد. با خود گفتم بالاخره تکلیف روشن شد و ایام گذار گذشت. البته از قبل تدریجاً خودم کنار رفته و به سرویس مقالات پناه برده بودم. حدود یک ماه در دوره مدیریت دکتر یزدی به کار ادامه دادم ولی به این نتیجه رسیدم که با توجه به اختلاف‌نظرهای جدیدی که در راه است دیگر کار را نمی‌توانم ادامه دهم. البته خستگی ناشی از تلاطم‌های سال ۵۸ در کیهان و نیز حکایت فیل و هندوستان و بازگشت میل دوباره‌ام به کار دانشگاهی در نتیجه‌گیری‌ام تأثیر داشت. با وجود شناخت کم و بیش طرفینی از راه دور و نزدیک و البته مثبت و مساعد، و با وجود احترام و محبت مدیریت جدید نسبت به خودم و همکارانم و ابقاء در حوزه کار و همکاری، معذک روحیه انقلابی و آرمانگرایانه‌ای که همچنان به دنبال مدینه فاضله فوری می‌گشت قانع نشد و با سپردن نامه‌ای به دفتر دکتر یزدی به قصد سفر دائمی از کیهان رفتم. محمود شمس و علیرضا امامی و چند تن دیگر هم بیرون آمدند. بعضی از دوستان نیز، هم به خواست خودشان و هم با موافقت بنده، در آنجا ماندند. البته هفت هشت سال بعد در فاصله سال‌های ۶۷ و ۷۲ به عنوان مشاور فرهنگی دکتر سید محمد اصغری سرپرست کیهان پس از شهید شاهچراغی، به این مؤسسه دعوت شدم. اصغری منصوب آقای خاتمی و بعد هم منصوب رهبر انقلاب بود. هفت هشت ماه اداره ستون طنز و انتقاد «ااجازه» را با امضای مستعار «آقاجمال» و به قصد تقویت جبهه «گل آقا»ی اطلاعات که هدف حمله مرحوم خلخالی قرار گرفته بود، برعهده گرفتم. به هر حال، در اردیبهشت سال ۵۹ به دانشگاه و کوی دانشگاه برگشتم و دوباره، پیرو آنچه در آغاز این نوشته اشاره کرده‌ام، بازهم به عالم خیال و مثال پناه بردم و به خود گفتم بر سر آنم که گرز دست برآید، دست به کاری زنم که پارسال (سال ۵۸) قبل از رفتن به کیهان در اندیشه‌اش بودم.

تجربه اطلاعاتی‌بودن

به این ترتیب شاید یکی دو ماه گذشت. از تجربه مفید کیهانم خیلی خشنود نبودم و دیگر نمی‌خواستیم به کار روزنامه‌نگاری رجوع کنم. بی‌خبر بودم از آینده‌ای که پیش رویم بود. دیری نگذشت که شبی مهمانی به اتاقم آمد. مهدی منتظری از بچه‌های خوب مشهد و از دانشجویهای تازه آمده به دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود که بعد به وزارت خارجه رفت و متأسفانه در یمن و در حال کار و همکاری با سفارت ایران بر اثر سانحه تصادف درگذشت. او آن شب به من گفت که رفت و آمدی به ساختمان روزنامه اطلاعات در خیابان خیام دارد و حالا حامل پیام کسی است که جدیداً به عنوان نماینده امام خمینی با حکم رهبر انقلاب (و همچنین با حکم رئیس جمهوری) سرپرستی این نهاد مطبوعاتی پرسابقه را عهده‌دار شده و از شما هم برای همکاری دعوت کرده است. پرسیدم: سرپرست جدید روزنامه اطلاعات همان آقای دعایی نیست که در سال‌های اوج‌گیری مبارزات قبل از انقلاب صدای جذّاب و تأثیرگذار ایشان را از طریق رادیو بغداد (برنامه یکی دو ساعته موسوم به صدای روحانیت مبارز ایران) می‌شنیدیم؟ گفت: چرا. گفتم: نمی‌آیم! گفت: چرا؟ گفتم: کارنامه تقریباً یکساله‌ام در تحریریه کیهان ۵۹ – ۵۸ گرچه برایم گرانبار و سرشار از تجربه‌های مفید است، اما با توجه به تلاطم‌های طاقت‌فرسایی که در این فرصت رخ داد به قدری که انتظار می‌رفت خشنودکننده نیست بلکه خستگی‌آور هم هست. ضمن اینکه شتاب اختصاصی و فوق‌العاده در کار هر روزه روزنامه (بهتر است بگویم لحظه‌نامه) از یکطرف، و ناگزیربودن از انجام کارهای دیگری غیر از آنچه پیش از رفتن به مؤسسه مطبوعاتی فکرش را می‌کردیم از طرف دیگر، مرا از استمرار این همکاری باز می‌دارد.

مرحوم منتظری برای قانع کردن من بسیار تلاش کرد و از جمله گفت دوستان دیگری هم از دانشگاهیان در ساختمان روزنامه اطلاعات مستقر شده‌اند که همین دغدغه‌ها را دارند



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

قاسمی سفیر ایران در اسپانیا و موحیدیان سفیر ایران در انگلستان شد. سال ۵۹، غیر از این دو تن، همراهان دیگری هم با آقای دعایی به اطلاعات آمده بودند. از جمله، آقایان جواد مظفر (مدیر اداری و مالی)، ناصر نوبری (سردبیر اطلاعات هفتگی)، حاتم قادری (سردبیر مجله جوانان)، رحیم پور (سردبیر دنیای ورزش)، التک (عباسی نژاد فعلی، مدیر کارگزینی)، بادپاهمدانی (که در جبهه شهید شد)، دکتر شیرانی (مدیر حسابداری)، هوایی، اخوان، و در رأس همه آنها مرحوم حاج حسن آقای تهرانی (حاج حسن نیری تهرانی عدل، از مبارزان پیش کسوت و پراسبقه و وارسته و فرزانه) و نیز خانم رهنورد به عنوان مسئول مجله اطلاعات بانوان که به «راه زینب» تغییر نام یافت. البته برخی از اینان در همان ابتدای کار و برخی دیگر در مراحل بعدی از مراکز مختلف وارد مؤسسه شده بودند. آقای جعفر همایی هم با رعایت فاصله زمانی، چندی بعد با سمت مدیر انتشارات اطلاعات به ما پیوست و تا زمان تأسیس و راهاندازی نشری در این انتشارات کار کرد. کیومرث صابری (گل آقای بعدی) نیز حکایت مستقلی دارد که در جای خودش گفته‌ایم و خواهیم گفت. اما او هم تدریجاً چه دور و چه نزدیک به جمع یاران و همکاران اطلاعات در دهه شصت پیوست. آقای حجتی کرمانی هم کم‌کم همین‌طور. البته خانم‌ها و آقایان دیگری هم بودند که باید نامشان را به‌خاطر بیاورم.

نخستین سرمقاله‌ای که در اطلاعات نوشتم، عنوانش این بود: «خدا را شکر که دشمن بیدار است!». یاد دکتر هادی در خاطره‌ام زنده شد، چون آقای دعایی هم از نخستین سرمقاله‌ای که با سرکلیشه «سخن روز» به چاپ رسید، گرم و گیرا استقبال کرد. و نمی‌دانم چه شد که باز هم ناگهان خود را در میانه‌ی معرکه مطبوعاتی یافتم. البته هم در سال ۵۸ و هم در سال ۵۹ سیر کلی وقایع انقلاب در کشور برای جلب و جذب امثال بنده به دنیای نویسندگی و روزنامه‌نگاری، واقعا علت و عامل مؤثری بود. می‌نوشتم و به خود می‌گفتم:

رشته‌ای در گردنم افکنده دوست

می‌کشد هر جا که خاطر خواه اوست

همانطور که گفتم طولی نکشید و دیری نیابید که پس از وقایع تکان‌دهنده انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در سرچشمه و سپس انفجار دفتر نخست‌وزیری و ریاست جمهوری به فاصله دو ماه بعد در خیابان پاسستور، اتاق شورای سردبیری روزنامه اطلاعات از نیروی انسانی خالی شد و بی‌آنکه بتوانم شرط نخستین دیدار را یادآوری کنم و بی‌آنکه در فضای سخت جریحه‌دار و عاطفی بتوانم حتی روی مخالفت کردن و طفره رفتن داشته باشم، ناگهان خود را در پشت فرمان اتوبوس سردبیری یافتم. اتفاقی که از آغاز خواست آقای دعایی بود. البته در خلوت، به زبان طنز، تعبیر دیگری داشتم. بنده خدایی به قصد کار صوابی و کسب ثوابی در مراسم تشییع شانه به زیر بار داد ولی هر چه چشم به راه و بار بر دوش پیش رفت و پیش رفت، فرسنگها فرسنگ کسی به سراغش نیامد، تا سرانجام هر دو (تشییع‌کننده و تشییع‌شده) با هم در بهشت آرמידند!

بار دیگر مشکل سخت و سنگین جمع کردن میان دو مسئولیت حساس و خطیر و مسئله‌ساز، یکی سردبیری تحریریه‌ای با دهها همکار قدیم و جدید و دیگری سرمقاله‌نویسی به معنای اعلام سریع مواضع تحلیلی یک روزنامه بلکه یک مؤسسه مطبوعاتی بزرگ و تاریخی درباره مهمترین رویدادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و بین‌المللی انقلاب. هر روز و هر روز، بلکه باید گفت هر ساعت و هر ساعت، و به اعتباری حتی هر لحظه و هر لحظه.

احمدین را به یاری طلبیدم. احمد ستاری همدانی مسئولیت «سرویس اخبار و گزارش‌ها و مقالات کارگری» در تحریریه روزنامه اطلاعات (و البته مدیریت مجله جهادسازندگی را هم) برعهده داشت. مسئولیت «سرویس مقالات و نظرها و اندیشه‌های روزنامه» نیز برعهده احمد شیرزاد اصفهانی بود. هر دو پذیرفتند که به شورای سردبیری بپیوندند. حالت جدید مورد قبول آقای دعایی قرار گرفت، البته با این تذکر که «از نظر من کماکان مسئول اصلی شما باید!» واقعیت اما (!)، کار خودش را می‌کرد و راه خودش را می‌رفت.

اتفاق حوزه سردبیری در حوزه شورای سرپرستی هم تکرار شد. آقای دعایی از آغاز ورود به مؤسسه، همکاران جدید را در شورای جدیدی به نام «شورای سرپرستی» عضو کرده و زمام اداره را به این شورا سپرده بود. جلسات پی در پی برگزار می‌شد و بحث و جدل‌های پی در پی انجام می‌گرفت. هر روز در کشور مسئله‌ای تازه بر مسئله‌های پیشین افزوده می‌شد و طبیعتاً در همه ادارات و نهادها و مؤسسات از جمله در مؤسسه و روزنامه اطلاعات هم بازتاب داشت. کم‌کم اعضای شورای سرپرستی نیز پراکنده شدند. برخی به سراغ کارهای دیگر در جایی دیگر رفتند. آقای نوبری از این جمله بود که سرانجام به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در کشور اتحاد جماهیر شوروی مقیم شد. آقای رحیم پور هم سمت سفارت یافت. آقای قادری سرانجام به دانشگاه و حوزه تعلیم و تعلم بازگشت و عاقبت به خیر شد. البته یکی دو سالی بیشتر نگذشت که آقای شیرزاد هم به همین حسن عاقبت دانشگاهی گرفتار آمد. طبیعی است که بنده تا اینجا رانده از آنجا مانده (!)، هر بار با نگاه حسرت‌بار، رفقای نیمه‌راه و البته درست‌کار را بدرقه می‌کرد و با زبان بی‌زبانی به

و اگر به جمع آنها بپیوندید، مشکل را می‌توان با تکیه بر نیروی جمعی حل کرد و واقعیت را به همان سمت و سویی راند که آرمان اقتضا دارد. فراموش هم نباید کرد که امروز در اطلاعات سال ۵۹ دیگر آن چنددستگی که شما دیروز در کیهان سال ۵۸ تجربه کرده‌اید وجود ندارد. ضمن اینکه قدرت مدیریت آقای دعایی و نیز سابقه و جایگاهی که ایشان در نظر امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب دارد، امتیاز دیگری است که انکارشدنی نیست و مشکل بسیاری از گره‌ها و گره‌ها اینگونه حل و فصل می‌شود. سرانجام با وجود همه اصرار و استدلالی که آن مرحوم داشت، نپذیرفتم.

یکی دو شب دیگر دوباره آمد. گفت: بسیار خوب، فعلاً از نظر من بحث کار و همکاری در میان نیست، اما نفس دیدار چطور؟ آقای دعایی می‌خواهد با شما دیدار کند. این کار که دیگر باید مورد علاقه خودت هم باشد. مگر نمی‌گفتی از برنامه رادیویی ایشان در سالهای قبل از انقلاب خاطره خوش داری. بر فرض که این دیدار به کار هم منجر شد، می‌توانی از دور همکاری کنی. گفتم: دیدار همه خوبان و خوشنامان آرزوی من است. اشتیاق به آشنایی با ایشان از نزدیک نیز دارم. می‌آیم. و روز بعد، رفتم.

از امیرآباد شمالی تا خیام شمالی (بنا به عادت که آنروزها داشتم و آنرا روحیه یا رویه انقلابی هم فرض می‌کردم) همه خیابان‌ها را در این مسیر پیاده رفتم، تا به ساختمان روزنامه اطلاعات رسیدم. قبلاً هم یکسال پیش‌تر یعنی در اوایل سال ۵۸ روزی گذارم به آنجا افتاده بود و با مردی صحبت کرده بودم که بعداً دریافتیم نامش دریایی است. این بار از همان لحظه ورود پیدا بود که تغییراتی تازه رخ داده است. پای به طبقه چهارم گذاشتم و به دفتر کار سابق مرحوم عباس مسعودی راهنمایی شدم. بلافاصله در همان دیدار اول، موج محبت و حرمت‌گذاری و تواضع و خونگرمی و سوزندگی و شوخ‌طبعی را در چشم و چهره سرپرست مؤسسه اطلاعات احساس کردم. گفتار و رفتار ایشان این احساس را تأیید کرد. بارها از ایشان به مزاح شنیده بودم و همان روز هم شنیدم که «بله چشم و چهره من بلوری است اما بلور مشکی‌ام!» و بعدها نیز دیدم که ایشان در دوره و کالت کوشیده است تا «کمسیون مه‌پیکران» را در کنار کمسیون‌های مختلف مجلس به طنز و به طعن تشکیل دهد، اما صدا و سیمای این مرد جذاب بود و جذاب ماند.

تصادفاً، من از سال‌های کودکی و نوجوانی‌ام در ولایت تربت حیدریه (خراسان رضوی) همواره از مردم دو استان کشورمان بیشتر از استان‌های دیگر خیر و خوبی و خاطره خوش به ذهن سپرده بودم. آن دو استان، یزد و کرمان بود. یزدی‌ها و کرمانی‌های ولایت خراسان تصویر دلنشینی از خودشان در ذهن ما برجای نهاده بودند. و آنروز دریافتیم که آقای دعایی، هم یزدی و هم کرمانی و البته پیش‌تر کرمانی است. حال و هوای حاصل این ادغام، وصف دیگری بود که در دیدار نخستین، جلوه کرد.

آقای دعایی در آن دیدار، سابقه کار مرا در کیهان یادآوری کرد و افزود که کم و بیش در جریان رخدادها هست و در عین حال مناسب است اگر از زبان خود من بشنود و ضمناً در صورت امکان از مضمون نامه خداحافظی من از سرپرست کیهان هم مطلع شود. ایشان به نوبه خود ماجرای ورود به ساختمان روزنامه اطلاعات را شرح داد و همکاران همراه و تازه‌وارد را معرفی کرد و ضمناً گفت دکتر مهدی ممکن (خراسانی و زندانی سیاسی قبل از انقلاب و یکی از مدیران وزارت ارشاد بعد انقلاب) هم در معرفی تو به من نقش داشت.

سرانجام آقای دعایی از من خواست که به سردبیر کمک کنم و به دوستان شورای سردبیری روزنامه اطلاعات بپیوندم. مرحوم شمس‌آل احمد از تحریریه اطلاعات رفته بود. گفتم که در سال ۵۸ ما (بنده و جهانپخش ناصر) هم به دفتر کار شمس در انتشارات رواق رفته بودیم و پذیرش مسئولیت سردبیری تحریریه کیهان را به ایشان پیشنهاد کرده بودیم. آقای علی دهباشی (مدیر مجله بخارای امروز) هم در آن ایام با مرحوم شمس‌آل احمد همکاری داشت و شاهد این دیدار و گفتگو بود.

به هر حال، من در نخستین دیدار با آقای دعایی ضمن اشاره به تجربه کیهان، از قبول پیشنهاد سردبیری یا عضویت در شورای سردبیری اطلاعات عذر خواستم و فقط قول دادم که درباره پیشنهاد سرمقاله نوشتن بیندیشم و تصمیم را در دیدار بعدی به اطلاع برسانم. همانروز گفتم که چند تن همراه من از مؤسسه کیهان بیرون آمده‌اند که هر کدام به سوی سرنوشت دیگری طی طریق کرده‌اند، اما از آن میان محمود شمس با اینکه به زبان عربی مسلط است و از تجربه همکاری با مبارزان لبنانی و فلسطینی و کشورهای دیگر هم برخوردار است ولی به جای دیگری نرفته و وفادارانه با من مانده است. قرار شد که او هم در صورت شروع همکاری بنده با روزنامه اطلاعات به این روند بپیوندد.

جلسه و جاذبه اخلاقی و رفتاری آقای دعایی کار خودش را کرد و به زودی همکاری من با روزنامه اطلاعات در قالب سرمقاله‌نویسی آغاز شد، اما همچنان از سردبیری فاصله می‌گرفتم. سردبیر در آن روزها سعید اسماعیلی بود که گویا مهندس موسوی ایشان را به آقای دعایی معرفی کرده بود. بعد هم از روزنامه اطلاعات به هیأت دولت رفت. پس از او با در کنار او، آقایان بهرام قاسمی و رسول موحیدیان نیز مسئولیت عضویت در شورای سردبیری را عهده‌دار شدند، که البته آنها نیز (در سال ۶۰) به وزارت خارجه رفتند و بعدها سفیر شدند.



علیرضا خانی

سردبیر روزنامه اطلاعات

روز اول

خرده روایت بیست و شش سال همکاری با اطلاعات

یکی از روزهای دلتواز پاییز بود که نامه‌ای به دستم رسید. در نامه نوشته شده بود، جناب آقای ... از جنابعالی دعوت می‌کنیم ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه ... برای آشنایی و همکاری در روزنامه اطلاعات طبقه چهارم. قسمت سردبیری حضور یابید. شورای سردبیری. نامه را از روی آدرس پاکت پستی که مقاله‌ای در آن گذاشته و فرستاده بودم برای اطلاعات، ارسال کرده بودند. لوگوی روزنامه اطلاعات بالای نامه بود و نشانی «خیابان خیام تلفن ۳۲۸۱» پایین نامه.

از در شیشه‌ای روزنامه در خیابان خیام که وارد شدم نامه را به نگهبان نشان دادم. تلفن زدند بالا و بلافاصله راهنمایی‌ام کردند.

از آسانسور طبقه ۴ که آمدم بیرون، خدمتکاری نشسته بود، نمی‌دانستم باید نزد چه کسی بروم. نامه را نشان دادم. گرفت برد داخل اتاقی و برگرداند و نامه را به دستم داد: بفرمائید داخل.

وارد که شدم، آقایایی گندمگون با چشمانی ریز و نگاهی عمیق و کت و شلوار مشکی و سیگاری نازک و بلند لای انگشتانش از جا برخاست و به استقبال آمد. سلام علیک گرمی کرد که انگار چند سال است می‌شناسم. نامه را به دستش دادم اما به جای اینکه به نامه نگاه کند یکسره به من نگاه کرد. بعد انگار منتظر باشد شخص دیگری را هم ببیند، نگاهش را به پشت سر من انداخت رفت و دوباره در را باز کرد و بیرون اتاق را نگاه کرد و برگشت و گفت: علیرضا خانی خود شمای. گفتم بله. دو مرتبه گفت: عجب، عجب. بعد از آشنایی گفت من سیداحمد سام هستم و اکنون درگیر انتشار نخستین شماره ماهنامه «ادبستان» هستم. پرسید شما چند سالتان است. گفتم نزدیک ۱۸ سال. دوباره دو مرتبه پشت سر هم گفت: عجب، عجب. آن مقاله را خود شما نوشته بودید و آن هم دستخط خودتان بود؟ گفتم بله. دوباره گفت: عجب، عجب... بعد یکریز مرا تشویق و تحسین کرد. هنوز هجده سالم نشده بود و هجده ساله آن روز، حجب و حیایی بسیار بیشتر از هجده سالگان امروز داشت. از خجالت خیس عرق شدم. تا جایی که آقای سام گفت: شما حالتان خوب نیست؟ گفتم: چرا... خوبم. فقط کمی گرمم نشده ... آقای سام گفت عجب! بعدها فهمیدم که این تکیه کلام اوست و بیشتر از اینکه به معنای تعجب باشد، نوعی ابراز احساس و همدلی است به خصوص با ته لهجه گرم کرمانی.

به هر حال، شاید تا آن موقع جز بعضی معلمانم هیچ کس به اندازه آقای سام مرا تشویق نکرده بود ... گفت بیا تا آقای دعایی شما را ببیند. دست مرا گرفت و با هم رفتیم به اتاق مجاور. آقای سام بی‌مقدمه گفت: ایشان آقای خانی است که آن مقاله را فرستاده بود و ما برایش نامه دادیم... به همین کم سن و سالی. آقای دعایی - که نخستین بار می‌دیدمشان - برخورد و مصافحه گرمی کرد ... و گفت ما فکر می‌کردیم الان با یک آدم جا افتاده پنجاه شصت ساله روبرو می‌شویم. شما پانزده سال بیشتر دارید؟ آقای سام گفت: نه ۱۸ ساله است اما چهره‌اش کمتر نشان می‌دهد...

آقای دعایی را از نزدیک ندیده بودم. دیدن روحانی‌ای که سوابق طولانی مبارزه داشت و در عین حال خیلی ساده و خاکی بود برایم خیلی جذاب آمد. آقای دعایی را غیاباً می‌شناختم. چهار سال قبل زمانی که اول دبیرستان بودم، در کتابخانه مدرسه مجلاتی نامنظم و ناکامل بود که هر وقت فرصتی بود با ولع می‌خواندم. یکی از آن مجلات «سروش» بود. مجله سروشی که مربوط به سال ۵۹ بود و من آن را در سال ۶۴ خوانده بودم. در آن مصاحبه مفصلی کرده بود با آقای دعایی زیر تیتیر «حرف‌ها دارد این سفیر جوان». آن موقع سیدمحمود دعایی سفیر ایران در عراق بود و اتفاقاً روابط ایران و عراق به تیرگی گراییده بود. در آن مصاحبه ایشان مسائل داخلی و جریان‌های سیاسی عراق و مسائل مرزی با ایران را بازگو کرده بود...

ناهار را که آوردند آقای سام پرسید شما تحصیل‌تان چقدر است. گفتم همین چند روز پیش کارنامه‌ام را گرفتم. دیپلم. پرسید چه خوانده‌اید. فهرستی از کتابهایی که از نویسندگان مختلف خوانده بودم گفتم و سرآخر هم گفتم همه کتابهای دکتر شریعتی را. پرسید: همه کتابها؟ گفتم بله. گفت: عجب... بعد آرام آرام لایه‌لای حرف‌ها، از برخی آثار دکتر که خودش خوب خوانده بود سؤال می‌کرد. مثلاً به این شکل که آنجا درست یادم نیست دکتر چه گفته بود؟ شما یادتان هست؟ بعد که من جواب می‌دادم، می‌گفت: عجب... مخصوصاً این‌طور نجیبانه پرسید که شکل مصاحبه و امتحان به خود نگیرد...

موقع خداحافظی آقای دعایی ضمن ابراز لطف و تحسین گفت که ما از شما می‌خواهیم از همین فردا در تحریریه اطلاعات مشغول به کار شوید... و چنین شد که اکنون بیست و شش سال تمام است در روزنامه اطلاعات مشغول کارم. هم‌زمان با کار در روزنامه به سربازی رفتم و مقاطع مختلف دانشگاه را گذراندم و همچنان هم در روزنامه کار می‌کنم و هم درس می‌خوانم که گویی جنس هر دوی این مسیرها، بی‌پایان است...

خالی کنندگان ساختمان خیام می‌گفت: رفقای این خیابان! به کجا چنین شتابان؟ تلاش کردم تا به تدریج، پای دوستان دیگری را به شورای سردبیری باز کنم. احمد ثالث به جای احمد ثانی. آقای سام را که به صورت خیلی معمولی و در پاسخ به اطلاعاتیه همکار خواهی و یارگیری روزنامه اطلاعات وارد مؤسسه شده و پذیرفته شده بود، برای عضویت در شورای سردبیری دعوت کردم. همینطور عبدالعلی رضایی را که در سرویس خارجی روزنامه کار می‌کرد. همینطور محمد صابری را که از دبیران توانای اداره آموزش و پرورش تهران بود و در سالهای قبل از انقلاب با هم کار کرده بودیم. همینطور مرحوم احمد عطاری نماینده مجلس را و همینطور مهاجرانی را، که البته نهایتاً هر کدام به راهی دیگر رفتند و البته چه بودند و چه نبودند هر گاه یادداشت می‌فرستادند در روزنامه چاپ می‌شد. همینطور دوستان دیگری را از میان اعضای سرویس‌های تحریریه به همکاری با شورای سردبیری فرا می‌خواندم که گاه مورد اعتراض هم قرار می‌گرفت و پاسخ می‌دادم که فعلاً زیر نظر شما تمرین می‌کنند! می‌خواستم بلکه بتوانم به خیال خام خودم، خودم را از روزمرگی (با رای مشدّد) و به قول دکتر شریعتی از روزمرگی (با رای غیر مشدّد) برهانم و فیل فنجان شیده را به هندوستان دانشکده و دانشگاهش برگردانم، اما نمی‌شد که نمی‌شد. سال ۶۴-۶۳ با چند تن از همکاران مطبوعاتی و فرهنگی، نشر نی را تأسیس کردیم تا از این طریق شاید نقبی به حول و حوش سرزمین موعود (دانشگاه) بزنیم. چند سالی بر این برآمد تا مطبوعاتی مورد نظر ما از کسوت نشر نی نیز درآمد!

محمود شمس در اطلاعات، هم مشاور سردبیر بود و هم صفحاتی (از جمله صفحه گزیده مطبوعات) را منتشر می‌کرد. با انتصاب آقای خاتمی به جای دکتر یزدی در کیهان ۶۱-۶۰ با پیشنهاد من به آقای دعایی همراه ایشان به کیهان برگشت. من در تحریریه روزنامه اطلاعات با اعضای شورای سردبیری و نیز با همکاران قدیم و جدید از جمله آقایان محمدرضا دریایی و بیژن نفیسی و علی اصغر شیرزادی و سیدباقر ابطی و سیدمهدی فهیمی و بسیاری دیگر که ذکر نام‌هایشان مجال مناسب‌تر می‌طلبید، به کار کردن ادامه دادم.

سال ۶۷-۶۶ برای نخستین بار ارشاد جرائد را موظف کرد که نام مدیرمسئول تعیین شده را هر روز در جریده شریفه چاپ کنند. آقای دعایی با لطف و محبت بسیار استدلال کرد که چرا مرا برای این مسئولیت در نظر گرفته است. من که عازم ادامه تحصیل در هلند بودم، به این دلیل و البته به دلایل دیگر نیز ناتوانی خود را عذر خواستم.

چنین بود که عملاً دیگر از حوزه سردبیری یا حتی عضویت در شورای سردبیری نیز بیرون رفتم و حتی پس از بازگشت به وطن هم تا امروز غیر از ایفای مسئولیت البته سنگین مشاورت، نام و نشان و عنوان دیگری را نتوانستم بپذیرم. ناتوانی یا کم‌توانی از من است، و گرنه باب مهر و محبت و حرمت‌گذاری به رویم باز بوده است. من البته برای ایفای نقش حقیقی در حوزه مطبوعاتی و فرهنگی همواره ارزش والا و متعالی قائل بوده و هستم. به ارج و اهمیت و اعتبار این حوزه واقعا عشق و علاقه و عقیده داشته‌ام و دارم. بارها گفته‌ام پذیرای شغل شریف روزنامه‌نگاری در این روزگار (به قول شهید رجایی) یا باید عاشق باشد یا مجنون. شاید به همین دلیل هم تیتیر نشریه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در سال ۸۸ می‌گفت: «جلال، و کالت را به عشق روزنامه‌نگاری رها کرد». البته اینکه یکی از دوستان ارجمند روزنامه‌نگار، آنروز در همان انجمن فرمود: من (یعنی خود گوینده) برخلاف فلان فرد (یعنی بنده شرمنده) از اول عاشق این کار بوده‌ام و تا آخر هم هستم، و به این نکته هم که در تیتیر نشریه‌ی انجمن آمده بود عنایت نفرمود، چه اشکالی دارد؟ شاید ایشان این خاطره را نشنیده باشند که پس از انقلاب نخستین بار شاعر شادروان طاهره صفارزاده با همین بنده شرمنده تماس گرفت و درباره خود ایشان یعنی همین دوست ارجمند روزنامه‌نگار ذکر مناقب کرد و خواست که برای کار و همکاری به روزنامه اطلاعات بیايد. و این بنده شرمنده از قضا به دلیل عشق و علاقه و عقیده‌ای که به کار روزنامه‌نگاری داشت آن دوست ارجمند روزنامه‌نگار را کماکان دارنده و برازنده شایستگی برای حضور و ادامه حضور در حوزه کار مطبوعاتی و اطلاعاتی (روزنامه اطلاعاتی) شناخت و معرف شد. هیچ‌گاه به رو هم نیاورد. و البته حمایت آقای دعایی نیز به جای خود محفوظ بوده است. اما...

آنچه واقعیت است اما (!)، این است که کار روزنامه‌نگاری و کارنامه مطبوعاتی دارای دو وجه است. نخست وجه اصلی و اصولی که غلبه متن است بر حواشی و دیگر وجه فرعی و جنبی که غلبه حواشی بر متن است.

وجه اول و وصف اول، همان حقیقت است که عشق می‌طلبید و عشق اول و آخر می‌طلبید. وجه دوم اما (!)، همان است که صرف عمر گرانیامه را هدف می‌کند و چه پسا که تلف می‌کند. و در این وجه است که من گاه و بیگاه سخن تمثیلی نخستین معلم (مادربزرگ قصه‌ساز و طنزپردازم) را به یاد می‌آورم که می‌گفت یاجوج و ماجوج در پس سد سکندر محبوس افتاده‌اند. آنها هر بامداد تا نیمه‌شب یکسره زبان به دیوار می‌سایند و می‌سایند و می‌سایند، تا نیمه‌شب به چشم می‌بینند که دیواره آن سد سدید با آن زبان‌سایایی‌ها و دیوارخواری‌هایشان دیگر چندان نازک شده است که بامدادان با نسیمی و نگاهی قطعاً درهم خواهد شکست. پس خوشحال و خندان به امید فردا سر بر بالین می‌نهند. چون صبح روشن سر از خواب به امید برمی‌دارند، متعجبانه می‌بینند که ضخامت سد به حال اولش برگشته و انگار نه انگار اتفاقی افتاده است. و این حالت هزاران سال است که همینطور تکرار و تکرار می‌شود، تا سرانجام روزی که روز عبور است فرارسد. آیا در کار مطبوعاتی ما هم حقیقت همین است؟ به واقع چنین است؟



ویژه نامه نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

گفتگو با سردبیر اطلاعات هفتگی درباره این نشریه مؤسسه اطلاعات

می خواستند ساختمان اطلاعات را منفجر کنند



فتح الله جوادی آملی
سردبیر اطلاعات هفتگی

توده به نازک بین». هر چند طنز محکمی نبود اما جنجالی و تاثیر گذار بود.
*** جریان های مختلف قبل از این که دست به اسلحه ببرند در روزنامه ها علیه یکدیگر فعالیت می کردند؟**

بله همین طور بود یک فضای تعاطلی افکار بود. اما جریان های کمونیستی خشن شدند و فضای اجتماعی و سیاسی رو به خشونت گذاشت.

*** بر چیده شدن فضای باز سیاسی و آزادی بیان با آغاز جنگ، در دست به اسلحه بردن نیروهای منتقد و مخالف چقدر مؤثر بود؟**

به نظرم این مسأله چندان تاثیری نداشت. علت دست به اسلحه بردن جریان های مخالف و منتقد روحیه خشونت طلبی بود که در جریان های مختلف سیاسی نفوذ کرده بود. مثلاً تا قبل برپا شدن آن وضعیت ترور و آشوب توسط سازمان مجاهدین، محدودیتی برای رسانه ها نبود. به واقع دو مسأله مهم یکی وقوع جنگ تحمیلی و دیگری هم رفتارهای تروریستی سازمان مجاهدین خلق در بسته شدن فضای سیاسی و به وجود آمدن آن وضعیت روزنامه ها بسیار مؤثر بود.

*** پس شما به عنوان یک دانشجوی حزب اللهی با نوشتن یک ستون مشهور شدید و از آن جا از سوی سید محمود دعایی در مؤسسه اطلاعات به همکاری دعوت شدید؟**

کم و بیش همین طور است. زمانی گذشت یکی از دوستانم گفت، آقای شیرانی در مؤسسه اطلاعات برای اطلاعات هفتگی دنبال سردبیر می گردد! این در حالی بود که من در نشریه صبح آزادگان و رادیو هم به کار و فعالیت مشغول بودم. تا این که پس از چندی به دیدار جناب سید محمود دعایی رفتم و خب. من بهمن ماه سال ۱۳۶۰ اسماً سردبیر اطلاعات هفتگی بودم اما رسماً گرفتار رادیو و روزنامه صبح آزادگان بودم. دوستم سعید نقی زاده تا وقتی که من به طور تمام وقت گرفتار اطلاعات هفتگی شوم چندی این نشریه را اداره کرد و من بهار سال ۱۳۶۱ کارم را در اطلاعات هفتگی آغاز کردم. سردبیر قبلی این نشریه محمدرضا حیرانی نوبری بود. ایشان به نشریه پیام انقلاب رفت. او مجله اطلاعات هفتگی را سیاسی کرده بود. در حالی که این نشریه سال های قبل از انقلاب یک نشریه عمومی بود. در فضای انقلابی آن سال ها طبیعی به نظر می رسید نشریه سیاسی باشد. عموماً جلد های سیاسی بسته می شد و عمده مطالب سیاسی بود. شمارگان این نشریه سقوط آزاد داشت و نشریه هشتاد هزار نسخه ای دهه ۵۰ به زیر هشت هزار نسخه رسیده بود. احساسم این بود که نشریه نیاز به تغییر دارد و آن را به سیاق یک نشریه خانوادگی در آوردم. به تدریج از آن خط و مشی سیاسی فاصله گرفتیم. از آن طرف جنگ هم در گرفته بود. مردم به فضایی دیگر نیاز داشتند.

*** دیدار شما با محمود دعایی چگونه گذشت. آیا او از شما خواست در اطلاعات هفتگی فعالیت و کار ویژه ای در تبیین مسائل انقلاب و ترویج آموزه های انقلابی داشته باشید؟**

نخستین دیدار خصوصی من با جناب دعایی هم همین مسأله دعوت به کار و فعالیت در اطلاعات هفتگی بود. ایشان مرا با نام «آقای نازک بین» صدا زد و معلوم بود یادداشت های مرا در آن ستون دیده است. خیر، ماموریتی به من در این زمینه داده نشد. از آغاز انقلاب تا وقتی من به اطلاعات هفتگی آمدم، به مسائل انقلابی صرف و مسائل صرفاً سیاسی به قدر کافی پرداخته شده بود و تکرارش جامعه را خسته می کرد. برای همین ما توجه مان را به زندگی عادی و معمول مردم معطوف کردیم. دیگر شعار، بس بود. در حوزه ای مسائل انقلابی هم شیوه های نو لازم بود.

*** سال یک هزار و سیصد و شصت تازه آغاز شعار است و جو جامعه متأثر از جنگ و انقلاب ملتهب و سیاسی است و نزاع جدی بین جریان های مختلف سیاسی بر سر کسب قدرت در گرفته است. مگر چنین فضایی می تواند بدون شعار باشد؟**

همین طور بود. اما قرار نبود ما شعاری عمل کنیم. اطلاعات هفتگی برای این که به روزهای اوجش برگردد ما تغییراتی در این نشریه پدید آوردیم. سعی کردیم به موضوع هایی بپردازیم که نیاز مردم و جامعه است. ما وارد حوزه سیاست شدیم اما دیگر شعار و بیانیه نبود و سعی کردیم سؤال ها و مطالبات مردم را با نماینده ها مطرح کنیم. کسانی مانند بهمن دری اخوی که بعد هم معاون فرهنگی ارشاد شد در این موضوع ها با ما در اطلاعات هفتگی کار می کرد. او بچه سپاهی پر کاری بود. ما مانند سال های قبل از انقلاب دنبال فریب مخاطب

فتح الله جوادی یک جوان دانشجوی انقلابی بود. در بیست و چهار سالگی به مؤسسه اطلاعات رفت. الان سی و چند سال است سردبیر اطلاعات هفتگی است. با وی درباره خاطراتش از مؤسسه اطلاعات و نشریه اطلاعات هفتگی صحبت کردم. در دفتر کارش در مؤسسه اطلاعات. او از خاطره بمب گذاری در سال های دهه شصت در مؤسسه اطلاعات گفت که در واکنش به انتشار مطلبی بود که در آن ظن اهانت به شهید همت می رفت. او می گوید، «من و بسیاری از هم نسل هایم بچه حزب اللهی بودیم. با نشریه های قبل انقلاب کاری نداشتیم و حتی اگر می دیدیم در می رفتیم زیرا عموماً جلد مجله ها عکس های نیمه برهنه هنر پیشه ها بود ما با این مقوله ها مخالف بودیم. من در حالی سردبیری این مجله را قبول کردم که تا آن زمان اصلاً نسخه ای از این نشریه و روزنامه اطلاعات را نخوریده بودم و دنبال نمی کردم تصویری از اطلاعات هفتگی و نشریه های قبل از انقلاب نداشتیم اصلاً تصویری نسبت به نشریات اطلاعات نداشتیم. این جا که آمدم پی بردم به کجا آمده ام. آشنایی ام با مؤسسه اطلاعات با ورودم به این مجموعه رقم خورد. این را هم بگویم یکی از دلایل مهمی که استمرار فعالیت مؤسسه و نشریات اطلاعات را حفظ کرد و باعث شد فرو نیاشد - در فضایی که همه چیز در تسویه و اعتراض و اعتصاب می گذشت و این مؤسسه در آستانه فروپاشی بود - وجود آقای دعایی بود که در آن فضا خیلی خوب عمل کرد.»

*** سال ۱۳۶۰ به مؤسسه اطلاعات آمدید. قبل از ورود به این مؤسسه اصلاً سابقه فعالیت مطبوعاتی داشتید؟**

خیر، چندان فعالیت و سابقه مطبوعاتی نداشتیم و سال ۱۳۵۶ وارد دانشگاه شدم و عضو انجمن اسلامی دانشجویان بودم و از آن جا گاه با نشریه دانشجویی همکاری می کردم. سال ۱۳۵۸ به کارهای جهادی و انقلابی مشغول شدم.

*** چگونه پای شما به دنیای مطبوعات و رسانه باز شد؟**

من همزمان با آن فعالیت های دانشجویی در سال ۱۳۵۸ به طور جدی کارم را در حوزه رسانه در همکاری با رادیو و تلویزیون شروع کردم. در تحریریه رادیو بودم. به دفتر حزب جمهوری اسلامی رفت و آمد داشتیم. همین رفت و آمدها با نیروهای انقلابی ما را به همکاری با نهادهای انقلابی ترغیب کرد. در آن فضای انقلابی بحث این نبود چه کسی چه کار می کند. همه کار می کردیم. در سال ۱۳۵۹ به نشریه آیندگان رفتم که به مصادره بنیاد مستضعفان درآمده بود. مسئولیت نشریه ای وابسته به روزنامه آیندگان مصادره شده به کمال گنجهای واگذار شده بود و جمعی از ما دانشجویان به همراه او به این نشریه رفتیم و آن را با عنوان «صبح آزادگان» منتشر کردیم. من همزمان با رادیو در صبح آزادگان هم بودم. جبهه بندی و صف بندی های بنی صدری ها و حزب اللهی ها آغاز شده بود. در «صبح آزادگان» ستون طنزی می نوشتم به نام «نازک بین» و همچنین مسئولیت صفحه ای به نام «دیوان پنجشنبه» هم با من بود. ستون نازک بین کار و بارش گرفت. الان که مرور می کنم، می بینم چندان طنزهای خلاقیتی هم نبودند اما خوب در آن فضای انقلابی کارش گرفت.

به تدریج حجم کار زیاد شد. سرمقاله و طنز می نوشتم و خیلی کارهای دیگر می کردم. مثلاً یادم هست مراسم تنفیذ ریاست جمهوری بنی صدر بود. امام قلبش ناراحت شده بود در بیمارستان قلب در نزدیک پارک ملت بستری بود و مراسم تنفیذ در همان جا برگزار شد و کسی در تحریریه نبود. به عنوان عکاس و خبرنگار به آن جا رفتم و علاوه بر گزارش عکس های جالبی هم از آن مراسم گرفتم. سالی را باز کرده بودند و دور آن هم صندلی گذاشته بودند و امام هم بر صندلی چرخ دار در مراسم حضور پیدا کرد و تعداد افراد معدود بودند.

*** شما و هم فکران تان در آن نشریه از مخالفان بنی صدر بودید؟**

تا وقتی که بنی صدر زاویه پیدا نکرده بود ما علیه او چیزی نمی نوشتیم. اما وقتی دیدیم علیه بچه مسلمان ها موضع گرفت ما هم از خجالتش درآمدم. فقط علیه او نمی نوشتیم در نقد و مخالفت با خیلی ها قلم می زدیم. مثلاً من در نقد کیانوری مطلبی در ستون طنز نوشتم به این مضمون که شما تازه از فرنگ رسیده اید، بگذارید عرق تان خشک شود بعد دم از انقلابی گری بزنید. آن ها در روزنامه مردم در یک صفحه کامل در جواب مطلب طنز من نوشتند و آن را تیتیر یک روزنامه شان کردند. تیتیر هم این بود «پاسخ دندان شکن دبیر کل حزب

برای افزایش تیراژ نبودیم. برای نخستین بار بود که چندین صفحه از نشریه‌ای هفتگی به مخاطب‌ها در حوزه‌های مختلف مشاوره می‌داد و این خیلی جذاب شده بود.

* اصلاً قبل از انقلاب هیچ یک از نشریه‌های مؤسسه اطلاعات را ورق زده بودید؟

من و بسیاری از هم‌نسل‌هایم بچه حزب‌اللهی بودیم. با نشریه‌های قبل انقلاب کاری نداشتیم و حتی اگر می‌دیدیم در می‌رفتیم زیرا اکثرًا جلد مجله‌ها در اختیار عکس‌های نیمه برهنه هنرپیشه‌ها بود. ما با این مقوله‌ها مخالف بودیم. من در حالی سردبیری این مجله را قبول کردم که تا آن زمان اصلاً نسخه‌ای از این نشریه و روزنامه اطلاعات را نخبریده بودم و دنبال نمی‌کردم. تصویری از اطلاعات هفتگی و نشریه‌های قبل انقلاب نداشتیم اصلاً تصویری نسبت به نشریات اطلاعات نداشتیم. این‌جا که آدم پی‌بردم به کجا آمده‌ام. آشنایی‌ام با مؤسسه اطلاعات با ورودم به این مجموعه رقم خورد. این را هم بگویم که یکی از دلایل مهمی که استمرار فعالیت مؤسسه و نشریات اطلاعات را حفظ کرد و باعث شد فرونپاشد - در فضایی که همه چیز در تسویه و اعتراض و اعتصاب می‌گذشت و این مؤسسه در آستانه فروپاشی بود - وجود آقای دعایی بود که در آن فضا خیلی خوب عمل کرد. در این فضا کسانی که خودشان را اعضاء انجمن اسلامی می‌دانستند، جمعی دیگر را طاغوتی خطاب می‌کردند و یک فضای بلبشو و هرج و مرجی بود. بر خورد قاطعانه و مدبرانه جناب سید محمود دعایی در دست گرفتن فضا در استمرار فعالیت مؤسسه اطلاعات بسیار مؤثر بود.

* وقتی به مؤسسه اطلاعات آمدید از نویسندگان و اعضاء تحریریه فعال در دوره پهلوی کسی هم مانده بود یا عموماً متواری شده بودند؟! آن‌هایی که مانده بودند، تسویه شدند؟

ببینید قبل از این که من به این مؤسسه بیایم برخی از نویسندگان و گردانندگان روزنامه و نشریات مؤسسه اطلاعات رفته بودند. بیش‌تر افرادی که رفته بودند از میان خبرنگاران و نویسندگان نشریات بودند. اما عمدتاً فعالان بخش فنی و صفحه‌آرایی و چاپ و غیره مانده



فتح الله جوادی - محمد جواد حجتی کرمانی و علیرضا خانی

بودند و کارشان را می‌کردند. من رسیدم گفتم کسی نویسندگان قدیمی و کارکنان قدیمی را بیرون نکنند.

* سردبیر قبل از شما در سال‌های بعد از انقلاب دست تنها که مجله منتشر نمی‌کرد، لابد با اتوبوس کسانی را با خودش آورده بود.

دست‌تنها نبود، اما اتوبوسی هم در کار نبود. نشریه عمومی قبل انقلاب بعد انقلاب سیاسی شده بود و بالطبع نویسندگان و روزنامه‌نگاران سیاسی جای آن نویسندگان قبلی را گرفته بودند. ما پی آن بودیم تا در فضایی آرام کار را از سر بگیریم وقتی وارد اطلاعات هفتگی شدم سه نفر از دوستانم را به همکاری دعوت کردم. البته این را هم بگویم من کسی را بیرون نکردم تا کسی را جای آن‌ها بیاورم. من چیزهایی را که در اطلاعات هفتگی وجود نداشت بنیان گذاشتم و افرادی را برای فعالیت در بخش‌های تازه به همکاری دعوت کردم.

* شما بیست و چند سال تان بود وارد تحریریه اطلاعات شدید، لابد شور انقلابی داشتید. اما الان که صحبت می‌کنید انگار نه انگار جوانی انقلابی در یک فضای انقلابی بوده‌اید که لابد خیلی وقت‌ها هم تند رفته‌اید. آیا این قدر منطقی با مسائل برخورد می‌کردید؟

ببینید، من شخصیت منطقی بودم و خیلی هیجان‌زده نبودم. من جایی حکم اخراج ندادم. انقلابی اگر به معنای خشونت و پرخاشگری است خب ما این را انقلابی‌گری نمی‌دانیم. با حذف و از بین بردن و خشونت موافق نبودیم. مثلاً در بدو ورود به اطلاعات هفتگی کسانی می‌خواستند که عکسهای آرشو را به آتش بکشند. می‌گفتند به خاطر این که عموم عکس‌ها مربوط به دوران طاغوت و خلاف شرع است! اما من اجازه این کار را ندادم. خب از سویی در آن شرایط جوانی و فضای انقلاب بله، داد هم می‌زد و خیلی هم محکم برخورد می‌کردم که اقتضاء آن روزها بود.

* در سال ۵۸ در صبح آزادگان هر چه می‌خواستید می‌نوشتید. اما اوائل دهه شصت دیگر آن فضای آزاد نیست و سانسور شدید شده است. در این فضا چگونه

عمل می‌کردید؟

ما با سانسور مواجهه‌ای نداشتیم. مهم‌تر از مسأله سانسور، نگاه و رویکردی بود که فکر می‌کرد. پشت هر رویدادی یک توطئه است. اگر اشتباهی رخ می‌داد کسانی آن را به نهاد امنیتی و اطلاعاتی آمریکا ربط می‌دادند. مثلاً سال شصت و سه بود، به مناسبت واقعه هفت تیر عکس شهید بهشتی را روی جلد مجله کار کردیم، در حالی که پس‌زمینه عکس رنگ‌های قرمز، مشکی و زرد بود. این رنگ پس‌زمینه برای کسانی تداعی پرچم آلمان کرده بود و ما را متهم می‌کردند به این که می‌خواستیم با این رنگ پس‌زمینه و این جلد بگوییم که شهید بهشتی آلمانی بوده است! این‌گونه آدم را مورد اتهام قرار می‌دادند. من همیشه با این نگاه توطئه‌پندار جنگیده‌ام. نوعی توهم توطئه در فضای آن سال‌ها بود.

* نیروهای قدیمی مؤسسه اطلاعات به شما که تازه به آن جا رفته بودید، به چه دیدی نگاه می‌کردند؟

به دید نیروهای تازه وارد که دارند جایگاهشان را می‌گیرند و ما را به دید مزاحم نگاه می‌کردند. اما آن کسانی که ماندند و بودند با همان‌ها کار کردیم. یکی از دلایل ماندگاری اطلاعات هم به نظر همین است. آقای دعایی و دیگر سردبیران نشریات مؤسسه اطلاعات بعد از انقلاب نگاه دفعی نداشتند. سعی در جذب هر چه بیشتر آدم‌ها داشتند. سعی می‌شد از افراطی‌گری پرهیز شود.

* اطلاعات هفتگی را با هشت هزار تیراژ تحویل گرفتید، آیا توانستید به تیراژ هشتاد هزار نسخه قبل از انقلاب دست پیدا کنید؟

تلاش‌های زیادی انجام شد، تا اطلاعات هفتگی در اوج باشد. اما توفیق اطلاعات هفتگی فقط حاصل تلاش ما نبود بلکه جامعه هم استقبال می‌کرد. جامعه وقتی دید به نیازهای آن‌ها توجه می‌شود از نشریه استقبال کرد. از طرفی در سال‌های دهه شصت این همه نشریه نبود.

* در میدانی بی‌رقیب اول شدید؟

کم‌رقیب نه بی‌رقیب. البته بدون تغییر هم مخاطب از نشریه استقبال نمی‌کرد. سال شصت و پنج به تیراژ شصت و دو هزار نسخه رسیدیم که هیچ برگشتی نداشتیم. در سال‌های پایانی جنگ با بحران کمبود کاغذ دست و پنجه نرم می‌کردیم. تقاضا خیلی بیشتر از این رقم بود اما کاغذ نداشتیم. می‌توان گفت، درخواست‌ها سه برابر تیراژ ما بود. مجله‌ها در شهرستان اصلاً به دکه نمی‌رسید و توی اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌ها سردست می‌رفت این اتفاق‌ها معجزه ما نبود، معجزه انقلاب بود. بعد هم کسانی از این مجله پا گرفتند و رفتند مجله خودشان را منتشر کردند.

* در این سال‌ها هیچ تذکر، توبیخ، شکایت یا احضاری داشتید؟

بارها تذکر و احضار و دادگاه داشتیم. اگر سوابق حزب‌اللهی و انقلابی‌ام نبود. الان این‌جا نبودم. مثلاً یادم هست به خاطر مسأله شهید همت چند بار به دادگاه رفتم. تازه جنگ تمام شده بود و در زمان جنگ صفحه‌ای به نام «آهنگ فتح» داشتیم و در آن به رویدادها و روایت‌های جنگ می‌پرداختیم. مسعود شجاعی همکار طراح ما در مجله طرح‌هایی از رزمندگان و سرداران شهید جنگ می‌کشید و در آن صفحه چاپ می‌شد. در یکی از شماره‌ها در حین صفحه‌آرایی اشتباهی رخ داد. طرحی از شهید همت به اشتباهی در صفحه مشاوره خانواده در کنار متنی درباره مشکلات روحی - با تیتیر من روانی‌ام - چاپ شده بود. با این اشتباه بسیاری از بچه‌های حزب‌اللهی اعتراض کردند. آن‌ها تصورشان این بود که ما از عمد چنین کرده‌ایم. هر چه توضیح می‌دادیم مجاب نمی‌شدند. یادم هست عباس سلیمی از کیهان به من زنگ زد و در این باره پرسید. من هم گفتم اشتباه شده است و پی بردند که اشتباه شده است، اما تحت تأثیر فشارها مطلبی علیه ما در روزنامه کیهان منتشر کردند و دامنه اعتراض‌ها گسترده‌تر شد. این رویداد هم‌زمان با درگذشت شهید مرتضی آوینی بود. به دادگاه احضار شدیم و بارها توضیح دادیم. مهم‌تر از دادگاه واکنش نیروهای حزب‌اللهی بود. در اعتراض به این اتفاق راه‌پیمایی‌ها صورت گرفت. معترضان حتی اقدام به بمب‌گذاری در مؤسسه اطلاعات در خیابان خیام کردند. به هر روی جریان‌هایی از این اشتباه برای تسویه حساب با اطلاعات بهره بردند. می‌خواستند از این نشریه و مؤسسه اطلاعات به دلیل مواضع میانه‌رو زهر چشم بگیرند تا انتظارات تندروها را برآورده کند.

* بیست سالی می‌شود اطلاعات هفتگی از روزگار اوج‌اش فاصله گرفته است، چرا؟!

خب این نشریه در سال‌های دهه شصت بسیار اثرگذارتر بود. بعد از این که کسانی که در این نشریه کار می‌کردند، از اطلاعات هفتگی رفتند و نشریه‌های خانوادگی درآوردند رقبای بیشتری برای اطلاعات هفتگی پیدا شد. آن‌ها که از این نشریه پا گرفتند بعد به رقبای ما بدل شدند. ما هم برای حفظ مخاطب‌هایمان تغییرهای متعددی را در نشریه اعمال کردیم. اما خب در گذر سال‌ها مخاطب‌های ما کاهش پیدا کرد و تنوع و تعدد نشریه‌ها و رسانه‌ها هم بسیار زیاد شد. ما در سال‌های دهه شصت از نظر فرمی سرآمد بودیم اما الان سال‌هاست عقب افتاده‌ایم. این دلایل در کاهش مخاطب‌های ما مؤثر بود. الان نشریه ما چهار رنگ نیست و سفارش چاپ جدید هم داده‌ایم اما هنوز به جایی نرسیده است. در محتوا هم تغییراتی داده‌ایم، اما همپای زمان نبود. از طرفی سرمایه‌گذاری جدیدی هم در نشریه نداشتیم. این را هم بگویم که به هر روشی برای افزایش شمارگان تن ندادیم در همه این سال‌ها آقای دعایی مدیر مؤسسه همواره حامی و پشتیبان ما بوده است. مشی و موضع میانه‌رو ایشان سبب شده است اطلاعات بدون حاشیه فعالیتش را دنبال کند و اثرگذار باشد.



«اطلاعات هفتگی» خاطرات و مخاطرات

فتح الله جوادی

ابتدا این نوشته برای ماهنامه «مهرنامه» ایمیل شد، اما همکاران گفتگوی زنده و رودررو را ترجیح دادند، که خلاصه‌ای از آن گفتگو در ماهنامه ۴۳ چاپ شده است. چون در مقام تلخیص پاره‌ای ابهام‌ها و اشکالات پدید آمده بود، ترجیح می‌دهیم که علاوه بر نقل متن تقریباً اصلاح شده‌ی مهرنامه، متن کامل ایمیل شده هم - به دلیل آنکه مکمل گفتگو است - در «ویژه‌نامه ۹۰ سالگی اطلاعات» چاپ شود و از حوزه نقد و نظر خوانندگان ارجمند نیز بگذرد.

در پاسخ به درخواست شما همکاران گرامی نشریه وزین مهرنامه که در ابتکاری خوب و بجا پرونده ویژه این شماره را به مناسبت نودمین سال انتشار روزنامه ارجمند اطلاعات به این موضوع اختصاص داده‌اید. ابتدا باید عرض کنم که سابقه همکاری بنده با اطلاعات در این بیش از سه دهه، بیشتر با نشریه اطلاعات هفتگی که قدیمی‌ترین هفته‌نامه کشور با بیش از هفتاد سال سابقه به حساب می‌آید گره خورده است. این بهار که بیاید هفتاد و پنجمین سالگرد تولد اوست. اطلاعات جدای از داشتن عنوان پرسابقه‌ترین و پرتجربه‌ترین روزنامه کشور، جدای از داشتن افتخار تربیت بسیاری از روزنامه‌نگاران و نویسندگان برجسته مملکت، از نظر تاسیس مجله و هفته‌نامه نیز چنین پیشتازی و کسوتی را در تاریخچه خویش دارد. از جمله انتشار هفته‌نامه اطلاعات هفتگی در فروردین ۱۳۲۰ که تا آن زمان، انتشار هفته‌نامه‌ای به این شکل در ایران سابقه نداشت. درباره اطلاعات هفتگی و مخاطرات و خطرات و مخاطرات آن گفتنی‌های بسیاری هست که اگر توفیقی بود و عمری و مهرنامه نیز قصدی برای یاد کرد این سابقه داشت در آنجا می‌توان به تفصیل سخن گفت. نشریه‌ای که بی‌تردید حداقل در دوران پس از انقلاب بنیانگذار نشریات خانوادگی در کشور به حساب می‌آید و برای نخستین بار مباحث خانوادگی را به جهت اهمیت خانواده در مجله باب کرد. شماری از مجلات خانوادگی و پرتیراژی که امروز در جامعه وجود دارند از این محیط و فضا و بستر برخاستند و در این مدرسه تربیت شدند.

اما بعد از این مقدمه اجازه بدهید ابتدا به این نکته اشاره کنم که گذشت سال و عمر داشتن سابقه به خودی خود واجد ارزش خاصی نیست. به ویژه آن که ۹۰ سال در عالم مطبوعات گرچه به عمر آدمی بس دیر و پیر می‌نماید اما برای سابقه مطبوعاتی جوان است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته این سابقه همزاد جوانی است. حتی در میان کشورهای منطقه نیز بسیاری از نشریات با سوابق طولانی‌تر قابل اشاره و شماراند. اما در ایران خودمان البته برای یک روزنامه و موسسه، ۹۰ سال ماندگاری می‌تواند تامل برانگیز و همراه با افتخار باشد. در این دهه‌ها روزنامه‌ها و نشریات بسیاری آمدند و رفتند. برخی با عمری بسیار کوتاه. برخی چون تپی تند، زود عرق کردند و از تب و تاب افتادند. اطلاعات آن را، شما هم می‌دانید و نیازی به گفتن نیست. به همین خاطر نشریه‌ای که ۹ دهه مانده باشد و همچنان برقرار باشد کمیاست.

اما اطلاعات، تنها این ماندگاری و قدمت را در افتخاراش ندارد. بسیاری از روزنامه‌نگاران و فرزندگان و نویسندگان در این مکتب پرورش یافتند. هم قبل و هم پس از انقلاب. و این افتخار کمی نیست. اطلاعات در بسیاری از حوادث و رویدادهای سرنوشت‌ساز کشور نقش داشت. در عمر خویش ۳ دوره و ۳ حکومت را تجربه کرد. دوران پهلوی اول و پهلوی دوم را و حیات طویه جمهوری اسلامی ایران را.

حتی در همان دوران قبل از انقلاب که اوضاع مطبوعات معلوم بود که چه بود نمونه‌های قابل دفاع روزنامه‌نگاری را می‌شد در این محفل دید. هر چند نه در اکثریت. اگر مقاله هتاک به ساحت امام خمینی با دستور شاه در اطلاعات به چاپ رسید و خشم مردم را برانگیخت و آتشی شد که به جان خود استبداد افتاد، یادمان نرود که همین روزنامه با درشت‌ترین تیزی که در مطبوعات کشور سابقه نداشت، از رفتن شاه و آمدن امام با ابتکاری خلاقانه در عالم روزنامه‌نگاری استقبال کرد و وجود بخشی از بدنه روزنامه‌نگاری شریف و روزنامه‌نگاران متعهد را در میان عناصر وابسته به نمایش گذاشت. اما شاید بیشترین افتخارات اطلاعات را باید به عصر شکوفایی ایران و پس از انقلاب نسبت داد. پس از انقلاب اطلاعات هم مثل بسیاری از حوزه‌های دیگر دستخوش تغییرات وسیع شد. به ویژه در ماه‌های پر تب و تاب بهمن ماه ۵۷ تا انتهای ۵۸ نوعی سردرگمی، تشنگی، حیرانی، تغییرات مدیریتی، می‌رفت تا این موسسه را دچار آسیب‌های جدی کند. مدیران قبل رفته بودند. بنیاد مستضعفان به مصادره اطلاعات برخاسته بود. صدها کارگر و کارمند و روزنامه‌نگار در بلا تکلیفی به سر می‌بردند. مطالبات معوق بانکی هم مزید بر علت شده بود. پرداخت حقوق پرسنل دچار

مشکل شده بود و ضعف مدیریت و بلا تکلیفی و مشکلات مادی همه و همه کار را سخت کرده بود. تا اینکه امام خمینی (ره) به آقای دعایی ماموریت داد تا به اداره و ساماندهی آن همت کند. عجیب آن که مجموعه‌ای که با سرپرستی قبلی منصوب بنیاد (که اتفاقاً کلاهی هم بود نه معمم) سخت به مشکل خورده بود، حالا که باید با یک روحانی کنار می‌آمد خیلی زود سامان گرفت. حتی همانها که گمان می‌کردند با آمدن یک روحانی فضای بسته‌تر و سخت‌تری برای کار خواهند داشت رفته‌رفته با فضای جدید انس گرفتند و همراه شدند و اتفاقاً و البته غیرمترقبه، به آرامش و امن بهتری رسیدند. چنان محیطی شکل گرفت که در عرض کمتر از سه سال موسسه‌ای که می‌رفت تا اعلام ورشکستگی کند موفق شد هم بخش مهمی از بدهی‌هایش را بدهد و هم در پرداخت حقوق منظم به توفیق برسد. و در سال‌های میانی دهه ۶۰ و آن هم در اوج جنگ و کمبودها و مشکلات آن دوره، سامان قابل تقدیری پدید بیاورد. تا جایی که هم به فکر معیشت کارکنان باشد و برای همه، مسکن یا وام مسکن فراهم کند و هم چندی بعد به فکر توسعه بیفتد. و در کنار آن به تربیت نسل جدیدی از روزنامه‌نگاران پس از انقلاب روی آورد و باز هم مکتبی شود برای آموزش و تربیت روزنامه‌نگاران نسل جدید. تغییر نسل در این موسسه و جایگزینی نیروهای جدید و جوانان عاشق روزنامه‌نگاری به جای رفته‌ها و قدیمی‌ها با کمترین تنش و آرا صورت می‌گرفت و این همه برمی‌گشت به روحیه اخلاقی مدار و متعادل و متین سرپرست آن که بلد بود چنان بین نسل قدیم و جدید بدون صرف نظر کردن از اعتقادات و اصول خویش پلی بزند که به جای تقابل و تنش و نزاع، نوعی همپوشانی و مدارا و همکاری و همدلی و درک متقابل بین آنان به وجود آید.

همین روحیه که هنوز هم استمرار یافته و به کمال هم رسیده یکی از دلایل موفقیت و بیشتر از آن محبوبیت اطلاعات است که همه از آن به نیکی یاد می‌کنند، حتی اگر از منظر روزنامه‌نگاری و نگاه حرفه‌ای نقدهای جدی به آن داشته باشند که مثلاً چرا به نوعی محافظه کاری عادت کرده و یا موضعگیری تند ندارد و یا در بسیاری از ماجراها و حوادث و رویدادها تند و تیز ورود نمی‌کند و حادثه و ماجرا و جریان نمی‌سازد. هر چند این ادعا یا اتهام و انتقاد نیز بی‌پاسخ نیست اما فی الحال باید از آن گذشت. بگذریم و بگذاریم این بحث در جای دیگری جا باز کند و ما خود که عضوی از این خانواده‌ایم از خود نگوییم و بگذاریم دیگران در این باره قضاوت کنند. اما اجازه دهید حال در این مجال بگویم که پای خود من چگونه به اطلاعات باز شد.

اواخر سال ۶۰ بود. در آن سال من یک پایم در رادیو بود، یک پایم در دانشکده که به عنوان دبیر انجمن اسلامی مسئولیت‌هایی در آن داشتم و یک پایم نیز در روزنامه صبح آزادگان. صبح آزادگان میراثی بود که از آیندگان به بنیاد مستضعفان رسیده بود مثل بسیاری مراکز و اماکن صنعتی و فرهنگی دیگر. از ابتدای بازگشایی روزنامه در آن حضور داشتم حتی در جلسات ابتدایی شکل‌گیری روزنامه. آقایان سرحدی‌زاده، معین فر، ستوده و کمال گنجهای را در همان جلسات پاگیری روزنامه می‌دیدم. در تمام سال‌های ۵۹ و ۶۰ در این روزنامه همکاری داشتم آن هم به صورت شبانه‌روزی. جز زمان‌هایی که به دانشکده و یا به رادیو می‌رفتم، بعد از ظهر و شب تا پس از نیمه شب در روزنامه بودم. چقدر جوان‌های آن دوره انرژی داشتند. انگار تمام نمی‌شد. انقلاب و امام انگار انرژی هسته‌ای در جان همه کار گذاشته بودند. در این وقت همه کار می‌کردیم. خودم گزارش، خبر، مصاحبه، طنز، مقاله، شعر و حتی سرمقاله می‌نوشتیم. گاه بستن صفحه یک و رساندن آن برای تهیه فیلم و زینک هم با خودم بود و بعضی وقت‌ها گرفتن عکس هم. مثلاً امام (خدا رحمتش کناد) در بیمارستان قلب بستری بود و قرار بود تنفیذ رئیس‌جمهور در آنجا انجام شود. عکاس هم آنروز نبود. دوربین را برداشتم و رفتم. گزارش و عکس تهیه شد. به شورای انقلاب هم سر زدم و برگشتم و در تاریخانه عکس‌ها را ظاهر کردم و گزارش آن همراه با عکس (که البته چندان هم حرفه‌ای نبود) چاپ شد. در همان روزنامه ستون طنزی راه اندازی کردم به نام نازک بین که هر روز چاپ می‌شد و کلی هم سر و صدا به پا کرد. گرچه حال که نگاه می‌کنم از طنز قوی و محکمی برخوردار نبود اما باز تاب‌های سیاسی وسیعی داشت. خاطرات جذابی از آن دوره در ذهن دارم که جای بیان در این یادداشت نیست. بگذریم. به هر حال روزی یکی از دوستان تلفن زد که اطلاعات به دنبال سردبیری برای اطلاعات هفتگی می‌گردد. من از تو و سعید اسم بردم و به دکتر شیرانی معرفی کردم. به اتفاق دوستم آقای نقی زاده قرار داد دکتر گذاشتیم و راهی موسسه شدیم.

پیش از آن آقای دعایی را برای نخستین بار در سخنرانی اداره رادیو در میدان ارک (پانزده خرداد) دیده بودم. در آن جلسه که ایشان درباره سازمان مجاهدین خلق (منافقین) صحبت می‌کرد تا به آخر نشست و گوش دادم و حال دیداری حضوری دست داده بود. ایشان

پرت و پلاهای مرا در ستون نازک بین خواننده بود و آشنایی این چینی با بنده داشت و در نخستین دیدار هم آن را یادآوری کرد.

مجلسه اطلاعات هفتگی را از آقای نوبری که سردبیر قبلی مجله بود تحویل گرفتم. ایشان به مجله پیام انقلاب و بعد هم به وزارت خارجه رفت و سفیر شد. ما ماندیم و مجله‌ای که تا آن موقع خوشبختانه یا متأسفانه حتی یک شماره‌اش را ندیده بودم. از آن سال‌های نخست و تغییری و تحولاتی که در مجله پیش آمد که باعث شد در فاصله سه سال تیراژش ۵ برابر رشد کند و به عنوان مادر نشریات خانوادگی جای خود را بیابد، خاطرات فراوانی هست که همانطور که گفته شد باید در جای دیگری بدان پرداخت. اما در همان ماه‌های آغازین سال ۶۱ پس از اینکه در اطلاعات رختخواب انداختیم کم کم با روحیه آقای دعایی بیشتر آشنا شدیم. با شوخ طبعی‌ها، مداراها، گذشت‌ها و البته قاطعیت‌های خاصش. اینکه چگونه سر محافظین امنیتی‌اش کلاه می‌گذازد و خودش را بی‌محافظ با پیکان اداره به اینجا و آنجا می‌رساند. اینکه چگونه از نیرو و همکارش دفاع می‌کند. اینکه چطور با نیروهای انسانی قدیمی رابطه برقرار کرده است و از ظرفیت‌های آنان استفاده می‌کند و... در اطلاعات با جمعی از بر و بچه‌های خوب انقلاب آشنا شدم و خیلی زود هم کارم به خود روزنامه کشید. یک روز دوستان شورای سردبیری یعنی برادران عزیزم آقایان جلال رفیع، احمد ستاری و احمد شیرزاد به دفتر مجله جوانان آمدند (آن وقت‌ها سردبیر جوانان هم رفته بود و بنده موقتاً جوانان را هم اداره می‌کردم) و حضور در شورای سردبیری روزنامه را تکلیف کردند و وقتی از کثرت مشغله‌ها و کارها گفتم تلفن آقای دعایی حجت را تمام کرد. از فردای آن روز اتومبیلی که به دنبال آقا جلال می‌رفت سر راه به دنبال من هم می‌آمد و با هم به روزنامه می‌رفتیم. چون باید تا ظهر روزنامه درمی‌آمد و ساعت دوی بعد از ظهر توزیع می‌شد. در دوران حضورم در مؤسسه اطلاعات این توفیق را داشتم که با عده‌ای از جوانان خوش فکر که روزنامه‌نگاری را تجربه می‌کردند و نیز به ویژه با جلال رفیع که بی‌تردید یکی از بهترین روزنامه‌نگاران کشور و انقلاب است آشنا شوم. گرچه یک بار قبل از آن در مناظره تلویزیونی سردبیران روزنامه‌ها با قطب‌زاده، که جلال از اطلاعات آمده بود و من از صبح آزادگان، با هم آشنا شده بودیم اما اینجا بیشتر با هم انس گرفتیم. در شورای سردبیری جمع البته عزیزان دیگری هم بودند. از جمله آقای سید احمد سام که بعدها با تأسیس روزنامه اطلاعات لندن (اطلاعات بین‌المللی) به مأموریت رفتند و هنوز هم این مسئولیت را برعهده دارند و یا آقایان سعید پورعزیزی و نیز علی رضایی، که گرچه آن زمان دو عزیز اخیر در شورای سردبیری نبودند اما از افراد تاثیرگذار روزنامه محسوب می‌شدند. روزنامه البته از چهره‌های قدیمی نیز خالی نبود. مرحوم احمد رضا دریایی دبیر اجرایی تحریریه محسوب می‌شد. حضرات نفیسی و ویزگان هم بودند که هنوز هم هستند و وجودشان مغتنم و ارجمند. روزنامه از چهره‌های برجسته روزنامه‌نگاری خالی نبود. دبیران سرویس‌هایش از روزنامه‌نگاران خوش سابقه قدیمی بودند. افراد برجسته‌ای چون علی اصغر شیرزادی، میرزا آغاسی، صالحی آرام و... البته دو سه همکار دیگر هم بودند که متأسفانه در فضای جنگی و تروریستی اوایل دهه ۶۰ مورد سوءظن برخی از مسئولین در خارج روزنامه اطلاعات قرار گرفته بودند و روزنامه مجبور شد برای خنثی کردن خطری که (اتهام ناروای نفوذی بودن در مهمترین حوزه‌های مطبوعاتی کشور) تهدیدشان می‌کرد، از آنها بخواهد که در تحریریه نباشند.

چهره‌های مطبوعاتی جدیدی هم به این جمع قدیمی اضافه شده بودند و خود چهره شدند که آقایان حمیدرضا زاهدی و رضا اسماعیلی از آن جمله‌اند. اطلاعات همچنان که پیش از انقلاب کانون و مدرسه‌ای بود برای پرورش استعدادها و روزنامه‌نگاری کشور، پس از انقلاب نیز در تربیت روزنامه‌نگاران نسل نو و پویای عصر انقلاب اسلامی چنین بود و بسیاری از روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران از این مکتب و از این مدرسه و موسسه جان گرفتند و سرآمد شدند. به هر حال... حضورم در شورای سردبیری روزنامه اطلاعات دیری نپائید و حجم کار چنان بود و شد که مجدداً به وادی مجلات کوچ کردم اما از آن دوران و از جمله خاطرات آن ایام یک تلخ و شیرین را می‌گویم. خاطره تلخ، تعطیل موقت روزنامه به دستور امام و تشویش و اضطراب و دغدغه حضرت دعایی که در آن چند روز همراه با اشک و آه بر او گذشت و بیشتر به خاطر عشقش به مرادش امام که چه شد که رنجید. و خاطره شیرین، روزی که امام به جبران آن عتاب (که به تعبیر خودش حرکتی بود برای مراقبت بیشتر مطبوعات و نه از سر ظن و زاویه اطلاعات یا مدیریتش با امام و انقلاب)، فرصت یک ملاقات خصوصی با برخی از مدیران موسسه را فراهم آورد و آن عبارت مشفقانه و دلگرم‌کننده را در ابتدای دیدار بر زبان آورد که من با آقای دعایی سابقه طولانی دارم و خدمات ایشان در عراق و ایران و در دوران مبارزه فراموش شدن نیست و... در آن ملاقات کاملاً خصوصی که همه ما تحت تاثیر آن شخصیت شگفت بودیم اشک‌های احمد شیرزاد که تمام پهنای صورتش را پر کرده بود و از عشقی عمیق حکایت داشت، هنوز در مقابل چشمان من مجسم است. به همین خاطر است که نمی‌توانم نرنجم که عده‌ای او و چهره‌هایی چون او را ضدنظام و انقلاب معرفی کنند. و نیز یادم نمی‌رود که پس از آن دیدار آقای دعایی که چند روزی را در برزخی شگفت گذرانده بود چگونه با نشاط شد. عشق این مرد به امام، انقلاب، و نظام و نیز علاقه و احترامش به رهبری و حفظ حرمت جایگاهی که به عنوان نماینده رهبری دارد و مراقبه‌ای که صورت می‌دهد تا از جانب او به عنوان نماینده، حرکت و عملی سر نزنند که آسیبی به حرمت و آبروی این منزلت به حساب آید، دیدنی و ستودنی است.

بد نیست به این نیز اشاره کنم که در طول بیش از سه دهه همکاری در موسسه بارها دیده‌ام که فقط به خاطر تلطیف نگاه دیگران به این لباس و این جایگاه و این سمت و این

نظام و این انقلاب، به خاطر دلخوش داشتن آنهایی که از افراط‌ها و یا تندیه‌ها رنجیده و تکداری از نظام در دل دارند چه فروتنی‌ها و تواضع‌ها که خیلی از ما آدم‌های معمولی هم حاضر به انجام آن نیستند به خرج داده و چه تهمت‌های ناروایی به جان خریده است. شاید خواننده، بگوید فلانی باید هم تعریف کند از مدیریتش. اشتباه نشود. در طول این سال‌ها، هم داد شنیده‌ام، هم دعا و عصبانیت دیده‌ام و هم گله و رنجش و شکایت و حتی انتقاد کم نداشته و ندارم، اما در کنار همه این‌ها کمی تا قسمتی انصاف هم دارم و اندکی هم می‌توانم به مقایسه بنشینم و در ۵۸ سالگی آنقدر عمر و تجربه با انسان هست که سودایی در سر نپرورد و حق و انصاف را در ترازوی معامله نگذارد. اطلاعات ۹۰ ساله شده است و نزدیک به نیمی از این سال‌ها را با دعایی محفوظ مانده است.

حفظ این احترام و جایگاه که همه آن را به تعادل و انصاف و نجابت و ادب می‌شناسند کم هنری در این عصر و زمانه نیست. همه آنها که به این قدیمی‌ترین یومیه کشور انتقاد می‌کنند که مثلاً محافظه‌کار است و نفوذ رسانه‌ای قابل توجهی ندارد و از نظر حرفه‌ای چندان قابل دفاع نیست و به موقع موضعگیری نمی‌کند و از حادثه و ماجرا و تنش فراری است و تولید در آن فقیر است و چارچوب‌های روزنامه‌نگاری چندان در آن مراعات نمی‌شود و جریان ساز نیست و امثال این حرف‌ها، این انصاف را باید داشته باشند که هنر حفظ احترام و پرهیز از افراط گرای و مراعات اخلاق و عدم ورود به حوزه‌هایی را که از این چارچوب خارج است اما اصرار و فشار هم هست که این حصار را بشکنند و چنین نمی‌کند، در یابند. اتفاقاً اطلاعات هم خط دارد و هم جهت و هم موضعگیری و هم چارچوب. نه اینکه ضعیفی ندارد، که قدر مسلم دارد و به ویژه در حوزه حرفه‌ای روزنامه‌نگاری می‌تواند بسیار بهتر از این هم عمل کند، اما ندیدن توفیقات و محاسن عیدیه‌اش در کنار معذورات و مقدرات و مقدوراتش فراتر از بی‌انصافی بلکه نوعی کفر است و کفران نعمت. اطلاعات را تنها از منظر جذابیت‌های بصری، تولیدات خبری یا گزارشی، فرم حرفه‌ای، انتخاب بیشتر، چیدمان صفحه نخست و یا مسایلی از این دست نباید قضاوت کرد. بسیاری از حرف‌هایش را در چاپ سخنانی که جایی برای چاپ ندارند، مقالاتی که در نظرها و اندیشه‌ها چاپ می‌شوند، تیتراژها و خبرهایی از آدم‌هایی که کمتر از آنان نامی برده می‌شود، تصاویر برخی چهره‌ها، و یا گزارش‌هایی از برخی مراسم و مجالس حتی در صفحه ترحیم و تسلیت آن می‌توان فهم کرد و در مجموع با در نظر داشت لزوم حفظ حرمت‌ها و اخلاق و اینکه می‌توانست در حرکت به سمت افراط باشد و خوشبختانه نیست نیز می‌توان به قضاوت نشست و وجود آن را غنیمت شمرد و برای ۹۰ سالگی آن کلاه از سر برداشت و سلام کرد. باور کنیم که به هر دلیل حیات روزنامه و روزنامه‌نگاری در این دیار چندان دیرپا نیست و کار روزنامه‌نگاری نیز در این عصر چندان بی‌خطر و بی‌هزینه نیست. کار سختی است روزنامه‌نگاری و ماندگاری در آن سخت‌تر.

سخت‌تر، که نه مصداق‌یابی برای آن دشوار است و نه باور این گمانه ناممکن و نه اثبات این مدعا سخت. این سخن بدین مفهوم نیست که ماندگاری به هر قیمتی هنر است و به هر چیزی باید ساخت، که این دیگر سازش است و نه سازندگی. بلکه هنر، ماندن و ساختن است بی‌ساز شکاری به هر بهایی و بهانه‌ای...

اجازه دهید در پایان این مقال به عنوان عضو کوچکی از خانواده بزرگ مطبوعات کشور که سی و پنج سال است جز کار مطبوعاتی و رسانه‌ای حرفه دیگری نداشته است نظر خود را درباره اطلاعات و مطبوعات چنین خلاصه کنم که بخش مهمی از نقدی که گاه و بیگاه بر اطلاعات وارد می‌شود در حقیقت نقدی است که باید بر مطبوعات و روندی که بر آن رفته است داشت. اینکه روزنامه‌نگاری در کشور از بلوغ کافی برخوردار نیست. روزنامه‌نگار حرفه‌ای بسیار کم داریم. اینکه حرفه مطبوعاتی رشد کافی نیافته و تولید خبر و گزارش و جریان سازی در آن کمتر صورت می‌گیرد و فاقد شناسنامه و هویت مستقل به معنای مصطلح آن و به قدر کافی است، نقیصه‌ای است که در میان نشریات کشور دیده می‌شود و باید برای آن فکری کرد. بیش از آن که در این میان روزنامه‌نگاران و نویسندگان مقصر باشند، این نقیصه محصول نگاه شکاکانه و مجرمانه‌ای است که اغلب نسبت به کار مطبوعاتی و روزنامه‌نگار وجود دارد که باید برای آن فکری کرد و هزینه‌های کار مطبوعاتی را پایین آورد و اجازه داد تا اهالی این قبیله دردمند و دلسوز با امن و آرام بیشتری و به دور از تهمت و نگاه از سر افراط و تفریط به افکار عمومی خدمت کنند تا زمینه رشد و اصلاح بهتری فراهم شود. ضمناً گمان حقیر این است که کار روزنامه‌نگاری پیش از آن که صرفاً انقلابیگری باشد اصولاً اصلاح است. روزنامه، حزب یا سازمان چریکی یا انجمن و تشکل انقلابی نیست. البته می‌تواند به تعبیری که از انقلاب داریم انقلابی هم باشد، که چه خوب هم... همچنان که اطلاعات با انقلاب بود و هست، اما بیشترین رسالت رسانه اصلاح جامعه است و این با تندیه و افراط و قهر و اخم و تنش آفرینی و بلواخواهی به دست نمی‌آید و اگر انقلابیگری را نظراً یا عملاً با افراطیگری یکی کنیم چنین وضعیتی با روزنامه‌نگاری سازگار نیست. شعار اطلاعات هم بر مبنای توصیه رهبری به جذب حداکثری و دفع حداقلی، شاید مصداق این مصرع باشد: با دوستان مروت، با دشمنان مدارا... اجازه دهید به عنوان حسن ختام این یادداشت یک نکته را نیز عرض کنم. شوربختانه نمونه‌های فراوانی را سراغ داریم از مجموعه‌ها و مدیریت‌هایی که حتی از نگهداری میراثی که به آنان رسیده بود ناتوان ماندند و آبرویی برای نظام و مردم و کشور نخریدند اما اطلاعات در دهه ۷۰ با ساختن مجموعه‌ای آبرومند و نوسازی تمام دستگاه‌های چاپ، یکی از بهترین موسسات مطبوعاتی را پدید آورد که همچنان یکی از بزرگترین مجموعه‌های مطبوعاتی خاورمیانه است.

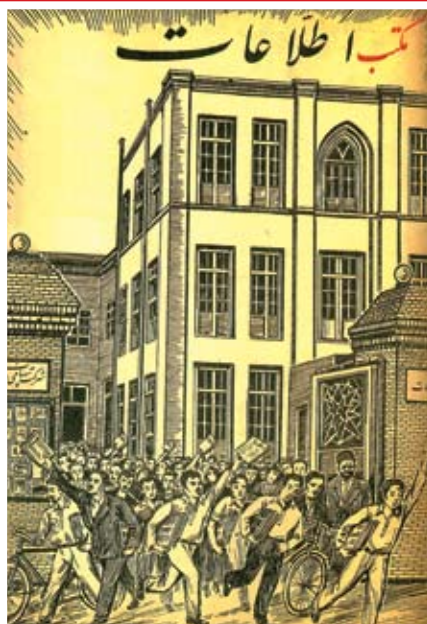


۱۳۹۱/۲/۱۲، تالار غدیر مؤسسه اطلاعات (ساختمان جدید در منطقه میرداماد و بزرگراه شهید حقانی) - رونمایی از تازه‌ترین کتاب «انتشارات اطلاعات» تألیف پروفیسور فضل‌الله رضا (نقدها را بُود آیا که عیاری گیرند؟). از راست به چپ: سید محمود دعایی، محمد صادقی، کریم فیضی، عباس تهرانی، مهندس جلال صفارزاده، بهرام قاسمی، دکتر ژاله آموزگار، مرحوم باستانی‌پاریزی، پروفیسور رضا، قاسم قاسم‌زاده، مرحوم پروفیسور منوچهر گنجی، ایرج جاوید، دکتر شیرین بیانی، مهندس حبیبی مهر، دکتر اسلامی‌ندوشن، بهروز طیرانی، دکتر انوری، حمید یزدان‌پرست، دکتر حسن احمدی گیوی، محمد سلیمانی، رضا گنجی



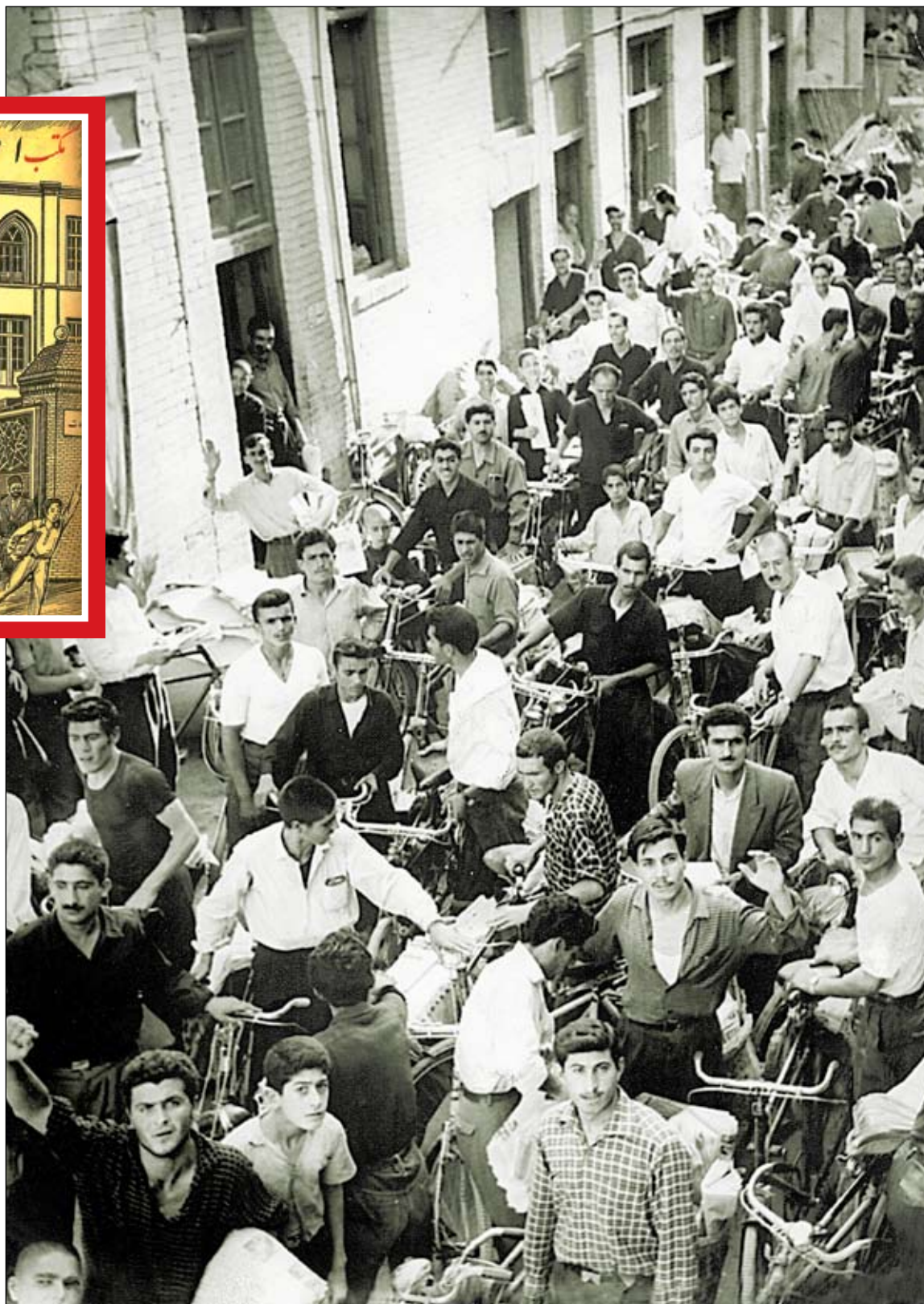
فارغ التحصیلان نخستین دوره روزنامه‌نگاری ایران که با همکاری دانشکده حقوق دانشگاه تهران و روزنامه اطلاعات برگزار شده بود.

از چپ به راست: نفر اول: مرحوم شهیدی خبرنگار فرهنگی روزنامه اطلاعات. نفر دوم: رجبعلی اعتمادی سردبیر مجله جوانان. نفر سوم: آقای اتحاد نویسنده‌ای که مدت کوتاهی در اطلاعات بود سپس به وزارت نیرو رفت و به مقام معاونت آن وزارتخانه رسید. نفر چهارم: آقای ذبیحیان خبرنگار حوادث روزنامه اطلاعات. نفر پنجم: غلامحسین صالح‌یار، در سال‌های بعد معاون سرویس خارجی روزنامه و سردبیر اطلاعات شد. نفر ششم:؟. نفر هفتم: سناتور مطیع الدوله حجازی، داستان‌نویس معروف. نفر هشتم:؟. نفر نهم: صمصامی. نفر دهم: عباس مسعودی، مؤسس و مدیر روزنامه اطلاعات. نفر یازدهم: خوش‌رو، خبرنگار اقتصادی روزنامه اطلاعات. نفر دوازدهم: محسن میرزایی. نفر سیزدهم: مقدس‌زاده. نفر چهاردهم:؟. نفر پانزدهم: پورشریعتی معاون سردبیر اطلاعات و رئیس خبرگزاری پارس در سال‌های بعد. نفر شانزدهم: محمدی که در سال‌های بعد مدیر کل وزارت کار شد.



الف - تصویر کوچک («مکتب اطلاعات»)، روی جلد ویژه‌نامه یا کتابچه‌ای است که به مناسبت بیست و پنجمین سال انتشار روزنامه اطلاعات، در ۱۷ مهر ماه ۱۳۲۹ شمسی (با عنوان: اطلاعات در یک‌ربع قرن یا حوادث مهم یک‌ربع قرن در یک‌جلد کتاب) چاپ شده است.

ب - تصویر بزرگ‌تر، جوانان دوچرخه‌سواری را در تهران دهه‌های ۲۰ و ۳۰ شمسی نشان می‌دهد که برای گرفتن و پخش کردن نسخه‌های تازه چاپ شده روزنامه اطلاعات - که حکم نان داغ تازه از تنور بیرون آمده را داشته است - به ساختمان سابق روزنامه اطلاعات در خیابان خیام هجوم آورده‌اند.



صاحب امتیاز: شرکت ایران‌چاپ (مؤسسه اطلاعات)

مدیر مسئول: سید محمود دعائی

سر دبیر: علیرضا خانی

زیر نظر: جلال رفیع

آرشیو و انتخاب مطالب: بهروز طیرانی

مدیر اجرایی و هنری: رضا گنجی

نشانی اینترنت: <http://www.ettelaat.com>

پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات

کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران) تلفن: ۲۹۹۹۹